

مطالعات اقتصاد اسلامی

دوفصلنامه علمی مطالعات اقتصاد اسلامی
سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق علیه السلام
مدیر مسئول: محمدهادی زاهدی وفا
سرمدیر: محمدهادی عسکری
مدیر داخلی: محمد قائدامینی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب رتبه و الفبا):

کریم اسلامولیان استاد (تخصص: اقتصاد بین الملل) دانشگاه شیراز
مسعود درخشان استاد (تخصص: اقتصاد ریاضی و بهینه سازی) دانشگاه علامه طباطبائی
حسینعلی سعدی استاد (تخصص: فقه اقتصادی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
محمدهادی عسکری استاد (تخصص: اقتصاد ریاضی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
محمدعلی فلاحتی استاد (تخصص: علوم اقتصادی) دانشگاه فردوسی
غلامرضا مصباحی مقدم استاد (تخصص: فقه اقتصادی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
کاظم یآوری استاد (تخصص: اقتصاد بین الملل و توسعه) دانشگاه تربیت مدرس
محمدهادی زاهدی وفا دانشیار (تخصص: اقتصاد) دانشگاه امام صادق علیه السلام
عباس عرب مازار دانشیار (تخصص: اقتصادسنجی و توسعه) دانشگاه شهید بهشتی
حسین عیوضلو دانشیار (تخصص: اقتصاد پولی) دانشگاه امام صادق علیه السلام

* بر اساس مجوز شماره ۳/۱۸/۳۵۹۲۴ مورخ ۱۳/۰۳/۱۳۹۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دوفصلنامه «مطالعات اقتصاد اسلامی» از شماره ۷ (پاییز و زمستان ۱۳۹۰) دارای درجه علمی است.

مقالات نشریه در پایگاههای ذیل نمایه می شود:

پایگاه دواج: <https://www.doaj.org>
پایگاه گوگل اسکالر: <https://www.scholar.google.com>
پایگاه استادی علوم جهان اسلام: <https://www.isc.gov.ir>
پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی: <https://www.sid.ir>
پایگاه مجلات تخصصی نور: <https://www.noormags.com>
پایگاه اطلاعات نشریات کشور: <https://www.magiran.ir>
پایگاه مرجع دانش: <https://www.civilica.com>
پرتال جامع علوم انسانی: <https://www.ensani.ir>

ویراستار فارسی و صفحه آر: رضا دیبا و رضا عبداللهی بجندی
تجدیدکننده طرح جلد: محمد قائدامینی

مقالات این نشریه لزوماً بیان کننده دیدگاه دانشگاه نیست. نقل مطالب تنها با ذکر کامل مأخذ رواست.

۴۰۲ صفحه / ۳۰۰۰۰۰۰ ریال

چاپخانه: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام

نشانی: ایران، تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، صندوق پستی ۱۴۶۵۵-۱۵۹

مدیریت امور فنی: معاونت پژوهش و فناوری، تلفکس: ۸۸۰۹۴۹۱۵ (۰۲۱)

مدیریت امور علمی و تحریریه: دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، تلفن: ۸۸۰۸۱۴۰۴ (۰۲۱) و دورنگار: ۸۸۵۷۹۹۸۸ (۰۲۱)

نشانی وبگاه نشریه: <https://ies.isu.ac.ir>

E-mail(1): ies@isu.ac.ir

Email(2): ies.sadiqjournals@gmail.com

اهداف و سیاست‌های دوفصلنامه علمی مطالعات اقتصاد اسلامی

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی» با هدف تولید ادبیات در حوزه اقتصاد اسلامی به منظور ارتقاء و تحول این حوزه دانشی و پاسخ‌گویی به نیازهای کاربردی سازمان‌ها و نهادهای فعال در زمینه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصاد، ماحصل پژوهش‌های صاحب نظران و اندیشمندان این حوزه را منتشر می‌نماید. با توجه به رویکرد تخصصی و پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، اصلی‌ترین محورهای موردنظر برای انتشار آثار علمی در زمینه اقتصاد اسلامی عبارتند از:

الف) موضوعات بنیادین اقتصاد اسلامی:

- ارزیابی انتقادی مبانی و بنیان‌های اساسی علم اقتصاد از منظر معارف اسلامی؛
- فلسفه و روش‌شناسی علم اقتصاد و اقتصاد اسلامی؛
- مطالعات تطبیقی و انتقادی مکاتب اقتصادی و اقتصاد اسلامی؛
- تحلیل اندیشه‌های اقتصادی اندیشمندان مسلمان؛
- نسبت اخلاق و اقتصاد.

ب) کاربردها و تجربیات:

- بررسی تجربه سایر کشورها در تدوین و اجرای اقتصاد اسلامی؛
- بررسی عملکرد سازمان‌ها و نهادهای اجرایی از منظر میزان مطابقت با آموزه‌های اسلامی؛
- بررسی ابعاد اقتصادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛
- تبیین ربط و نسبت اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی؛
- ارزیابی مسائل اقتصادی ایران با ملاحظه رهیافت‌های اقتصاد اسلامی.

ج) موضوعات بخشی

- ماهیت و نقش دولت اسلامی، منابع مالی و مخارج دولت اسلامی، انفال و...؛
- پول، بانکداری، بیمه، ابزارها و بازارهای مالی؛
- کاربردهای فقه در تحلیل مسائل اقتصادی کلان؛
- بازار و رفتار بخش خصوصی از منظر اسلامی؛
- تجارت بین‌الملل و تعاملات اقتصادی بین کشورهای اسلامی؛
- مباحث رفتاری و شناختی در حوزه اقتصاد اسلامی.

هـ) سایر موضوعات مرتبط.

فهرست مقاله‌ها

- بررسی شاخص فین تک اسلامی و اولویت‌بندی نقاط تمرکز برای ارتقای جایگاه ایران
به روش تاپسیس ۳۴۷
محمدجواد فدائی، علی جوان‌جعفری و مصطفی سمیعی‌نسب
- مدل‌سازی قراردادهای مشارکتی و بدهی‌محور در بانکداری اسلامی از منظر
قراردادهای ناقص ۳۷۳
علی مصطفوی‌ثانی
- بررسی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منظر اقتصاد
مردمی ۴۰۵
عادل پیغامی، حجت‌اله عبدالملکی، حسین عیوضلو، محمدجواد شریف‌زاده و رضا تنهایی‌مقدم گلشیخی
- بررسی اثر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بر کنترل بیکاری در استان‌های ایران (رویکرد
حداقل مربعات تعمیم یافته بر آوردی) ۴۳۳
محمد غفاری‌فرد، سیدمرتضی کاظمی و سیدمحمد حاذق
- بررسی فقهی معاملات بازار فارکس ۴۶۷
محمد ترابی و صادق الهام
- تحلیل فقهی ریسک‌های شرعی در عقد مباحه بانکی و شیوه مدیریت آن با رویکرد
تسهیم ریسک ۴۹۷
مصطفی کاظمی نجف‌آبادی و عباس یعقوب‌زاده مجرد
- واکاوی معیارهای کیفی اولویت‌بندی متقاضیان دریافت قرض در آیات قرآن و روایات . ۵۲۵
محمدصادق جاودان، سیدمحمد افقهی و علی خوش‌نیت رزگی
- طراحی شاخص اسلامی توازن مصرف به‌عنوان بدیل شاخص‌های متعارف نابرابری و
بررسی اثر خمس بر توازن (با تأکید بر نظر شهید صدر) ۵۵۹
محمدمه‌دی عبدی و محمد سلیمانی
- بررسی تطبیقی مکتب اقتصادی اسلام (از منظر شهید صدر) و مکتب اقتصاد سرمایه‌داری (از منظر
نئوکلاسیکی و مارکسی) در چهارچوب علل اربعه؛ جامعیت در تحلیل، کارآمد در تحقق ۵۹۷
محمد رحیمی، سید عقیل حسینی و حسین حسن‌زاده سروسرستانی
- امکان‌سنجی مالی، فقهی و مقرراتی پیاده‌سازی صندوق سرمایه‌گذاری ترکیبی وقف -
نیکوکاری در بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران ۶۳۱
محمد توحیدی، محمد نصری و امیرحسین شجاعی زرقانی
- فرصت‌ها و تهدیدهای مبادلات رمزارزها با تأکید بر اقتصاد مقاومتی ۶۶۹
اسماعیل زارعی‌کوشا، علیرضا سلیمی و سیدعلیرضا حسینی
- مطالعه تطبیقی نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی و روش مالیات‌ستانی و پرداخت‌های
حمایتی در اسلام ۶۹۹
سیداحمد عاملی و ایمان رفیعی

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص. ۳۴۷-۳۷۲

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۱ روز نزد نویسندگان بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶

بررسی شاخص فین تک اسلامی و اولویت بندی نقاط تمرکز برای ارتقای جایگاه ایران به روش تاپسیس

محمدجواد فدائی*

علی جوان جعفری**

مصطفی سمیعی نسب***

چکیده

در دنیای امروز، اقتصاد و امور مالی همواره موضوعی بحث برانگیز بوده‌اند. با پیشرفت فناوری و تغییرات در سبک زندگی، اقتصاد و امور مالی نیز با تغییراتی مواجه شده‌اند. ظهور صنعت فین تک، تحولی شگرف در بانکداری و بازارهای مالی رقم زد. اندازه بازار فین تک جهانی در سال ۲۰۲۲ بالغ بر ۱۳۳ میلیارد دلار بوده است. در این بین، شاخص فین تک اسلامی به عنوان شاخصی مهم در حوزه مالی و اقتصاد کشورهای مسلمان مطرح شده است. هدف این مقاله، بررسی شاخص فین تک اسلامی و ارائه راهکارهایی برای ارتقای جایگاه ایران است. برای این منظور، ابتدا به بررسی شاخص فین تک اسلامی و مزایای آن پرداخته و روش شناسی این شاخص بررسی شده است. سپس، پنج معیار اصلی که کشورها در این شاخص بر اساس آن ارزیابی و رتبه بندی می شوند، استخراج و با استفاده روش تاپسیس، اولویت های تمرکز ایران برای ارتقا در این شاخص احصا شد. براساس یافته های پژوهش، مؤلفه های تنظیم گری و ایجاد زیرساخت با اختلاف قابل توجهی دو نقطه تمرکز اصلی برای توسعه صنعت فین تک اسلامی در ایران به شمار می آیند. تمرکز بر استعدادها، توسعه سرمایه گذاری و توسعه بازار و اکوسیستم فین تک اسلامی نیز به ترتیب در اولویت های بعدی قرار گرفتند.

واژگان کلیدی: مالی اسلامی، فین تک، فین تک اسلامی، تاپسیس، جمهوری اسلامی ایران..

طبقه بندی JEL: G23, G21

* کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، گروه اقتصاد سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

m.javad1419@gmail.com

0000-0003-4313-7296

** کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، گروه اقتصاد سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

0000-0002-6389-3180

alijavan@isu.ac.ir

*** استادیار، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، گروه اقتصاد سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

0000-0003-1177-1823

samiee@isu.ac.ir

مقدمه

صنعت در حال رشد فین تک اسلامی برای اولین بار به عنوان یک ایده در اواخر سال ۲۰۱۴ ظاهر شد و در صنعت مالی اسلامی محبوبیت یافت. ظرفیت آن اساساً به دلیل عدم وجود خدمات مناسب در بازار که نیازهای مالی اسلامی را برآورده می کند، شناسایی شد. هدف خدمات مالی دیجیتال منطبق با شریعت این است که مسلمانان را قادر سازد تا امور مالی خود را به روشی اخلاقی و شفاف مدیریت کنند. معرفی شاخص فین تک اسلامی ساختاری بسیار مناسب را برای صنعت به سرعت در حال توسعه مالی اسلامی فراهم می کند.

۱. شاخص جهانی فین تک اسلامی

شاخص اسلامی فین تک یک شاخص عملکرد برای شرکت های فناوری است که خدمات مالی مطابق با شریعت ارائه می کنند. این شاخص سهم صنعت فین تک اسلامی در بخش مالی اسلامی را نشان می دهد. این معیار بر اساس میزان انطباق با اصول شریعت، کارایی، نوآوری و پایداری در صنعت فین تک اسلامی است.

شاخص جهانی فین تک اسلامی^۱ یک شاخص برای اندازه گیری و رتبه بندی صنعت فین تک اسلامی در سطح جهان است. این شاخص توسط شرکت واد اینوست^۲ ایجاد شده است. این شاخص در نظر دارد صنعت فین تک اسلامی را در جهان ترویج دهد و شرکت های فین تک اسلامی را در حوزه های مختلف از جمله بانکداری اسلامی، بیمه اسلامی، سرمایه گذاری اسلامی و پرداخت اسلامی ارزیابی کند. این شاخص بر اساس مجموعه ای از شاخص های کلیدی و شاخص های عملکرد مربوط به صنعت فین تک اسلامی ایجاد شده است که به عنوان شاخص های زیرساختی برای تحلیل و رتبه بندی شرکت ها در این صنعت عمل می کنند.

شاخص فین تک اسلامی، هر کشور را در پنج عامل متفاوت بررسی کرده است. این دسته بندی ها با وزن دهی مناسب، برای محاسبه یک امتیاز کلی استفاده شدند، به طوری که وزن بیشتری به دسته های بازار و اکوسیستم فین تک اسلامی داده شده؛ زیرا این دسته به طور

1. Global Islamic Fintech Index-GIFT
2. Wahed Invest

قابل توجهی بیشترین نشانگر تناسب یک کشور به خصوص برای فین تک اسلامی است. آخرین بررسی ها از شاخص جهانی فین تک اسلامی ۲۰۲۲، بینش های منحصر به فردی از بخش روبه رشد فین تک اسلامی ارائه می کند که از ۳۷۵ فین تک شناسایی شده در سراسر جهان به دست آمده است. در پس زمینه بهبود اقتصادی و اجتماعی پس از همه گیری کووید ۱۹، شاخص جهانی فین تک اسلامی به سیاست گذاران دولتی، فین تک های اسلامی و سرمایه گذاران در این حوزه، اندازه بازار تخمینی را بر اساس حجم معاملات، شاخص معیار در سطح کشور، نظرهای صنعت، شکاف ها و فرصت های بالقوه در میان زیرمجموعه های اصلی و مناطق جغرافیایی را تحلیل و ارائه می کند. بر اساس مطالعات ۲۰۲۲ در این بازار، حجم معاملات فین تک اسلامی کشورهای سازمان همکاری اسلامی (OIC) ۷۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ تخمین زده شد که ۰٫۸ درصد از معاملات فین تک در سراسر جهان را شامل می شود.

در این مقاله ضمن بررسی چستی این شاخص، به صورت خلاصه، مروری بر معیارهای اندازه گیری این شاخص خواهیم داشت و سعی داریم تا با استفاده از نظر خبرگان این حوزه، شکاف های موجود برای ارتقای جایگاه ایران در شاخص فین تک اسلامی را احصاء و راهکارهای مقتضی را ارائه نماییم.

۲. مرور پیشینه ها

فین تک اسلامی به عنوان یکی از انواع فین تک ها، در سال های اخیر به عنوان یکی از موضوعات مهم در حوزه اقتصاد و مالیاتی در کشورهای اسلامی مطرح شده است. این روش مالی، با توجه به اصول و مبانی اسلامی، به منظور تأمین نیازهای مالی و اقتصادی جامعه استفاده می شود. در این مقاله، سابقه پژوهش های انجام شده در زمینه فین تک اسلامی بررسی شده است.

ثانوی فرد و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهش خود با عنوان «الگوی کسب و کار بانکداری الکترونیک مبتنی بر ظهور فین تک ها و استارت آپ های مالی»، با رویکرد شناسایی مؤلفه های تأثیرگذار بر رویکرد بانکداری الکترونیک به این نتیجه دست یافتند که ساختار مؤسسات مالی، بخش بندی مشتریان، توسعه دهندگان فناوری های مالی و

محیط کسب و کار از مهم‌ترین شاخص‌های پیشران مدل کسب و کارهای بانکداری الکترونیک هستند.

حسینی و مرشدی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «فین تک اسلامی در بازارهای مالی»، به مرور بحران‌های مالی جهانی که منجر به کاهش اعتماد عمومی و اعتماد مردم به مؤسسات مالی شد، پرداخته‌اند. آن‌ها در پژوهش خود اشاره می‌کنند که ناامیدی‌ها و کاهش رشد اقتصادی منجر به شکل‌گیری ابداعاتی در سازوکارهای قبلی شد که به دنبال افزایش اعتماد عمومی بودند؛ از جمله این ابداعات می‌توان به فین تک‌ها اشاره کرد که با بهره‌گیری از فناوری منجر به کاهش هزینه‌ها، بهبود کارایی، شفافیت و اثربخشی شده‌اند. در نهایت این پژوهش تعاریف و مفاهیم فین تک، اهمیت و کاربردهای آن، معرفی فین تک‌های اسلامی، فین تک‌های اسلامی در برخی کشورها، مزایا و محدودیت‌های فین تک و وضعیت فعلی فین تک در ایران را بحث و بررسی نموده است.

روحانی راد (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «فین تک؛ جستاری در ایران و جهان»، تحولات، کاربردها، مزایا و معایب این صنعت در ایران و جهان را بررسی کرده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان‌دهنده مزایای فراوان و کاربردی فین تک اسلامی است که به برخی از آن‌ها در این پژوهش اشاره شده است؛ از جمله: سرعت و راحتی، دسترسی بیشتر و سریع‌تر به منابع مالی و استفاده از انواع خدمات مالی، کاهش هزینه‌ها، حذف دیوان‌سالاری‌ها و محدودیت‌های زمانی و مکانی، انعطاف‌پذیری بالا به نسبت مدل‌های سنتی، تغییر رفتار و انتظارات مشتریان و قدرت انتخاب بیشتر؛ اما در عین حال معایب یا خطرهای احتمالی هم در این پژوهش شناسایی شد که عبارت‌اند از: بی‌اطلاعی کاربران از قوانین و حقوق مربوط به این سیستم‌ها، خطرهای امنیتی و امکان سوءاستفاده از اطلاعات و داده‌های شخصی و خصوصی افراد و محرومیت بخشی از جامعه مانند سالمندان که توانایی استفاده از تجهیزات رایانه‌ای را ندارند.

ربانی و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهشی با عنوان «فین تک، بلاک‌چین و مالی اسلامی: بررسی ادبیات گسترده»، فرصت‌ها و چالش‌هایی را که مؤسسات مالی اسلامی می‌توانند از سازمان‌های مبتنی بر فین تک مرسوم در سراسر جهان بیاموزند، شناسایی و ارائه کرده است. این مطالعه نشان می‌دهد که پیروی از قواعد شریعت در حوزه ارزهای

دیجیتال و بلاک چین، بزرگ ترین چالشی است که سازمان های فین تک اسلامی با آن مواجه هستند. در نتیجه این پژوهش بیان می شود که اگر مؤسسات مالی اسلامی بخواهند کارایی، شفافیت و رضایت مشتری را افزایش دهند، باید راهکارهای فین تک را اتخاذ کنند و با شرکت های فین تک شریک شوند.

ایروم سبا و همکاران (۲۰۲۰)^۳، در مقاله خود با عنوان «فین تک و مالی اسلامی – چالش ها و فرصت ها»، بر فرصت های مؤسسات مالی اسلامی و چالش ها / مسائلی که مؤسسات در پیاده سازی راهکارهای فین تک با آن روبه رو می شوند، پرداخته اند. نتایج این پژوهش بیانگر وضعیت فعلی استفاده از فین تک در سراسر جهان و قابلیت آن برای خدمت رسانی به بخش های فقیر جامعه است. در این مقاله از رویکرد مرور ادبیات استفاده شده است.

موریانتو و همکاران (۲۰۲۲)^۴، در مقاله ای با عنوان «چشم انداز و چالش های فین تک اسلامی در اندونزی: یک دیدگاه حقوقی»، چالش های فین تک اسلامی در اندونزی را بررسی نموده اند. از جمله چالش های مختلف در صنعت فین تک اسلامی در اندونزی، مقررات ناکافی، مراحل پیچیده مجوز، سوءاستفاده از فین تک برای تأمین مالی تروریسم، رشد بی رویه کسب و کارهای فین تک غیرقانونی و اختلافات مصرف کنندگان در بخش فین تک بود. این چالش ها مستلزم ساخت یک چهارچوب قانونی جامع از طریق تشکیل قانون فین تک است.

در نتیجه، پژوهش های انجام شده در زمینه فین تک اسلامی نشان می دهد که این روش مالی با توجه به اصول و مبانی اسلامی، می تواند به منظور تأمین نیازهای مالی و اقتصادی جامعه استفاده شود؛ همچنین، نتایج پژوهش ها نشان می دهد که فین تک اسلامی می تواند نقش مهمی در توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی داشته باشد. اکثر پژوهش های صورت گرفته در حوزه فین تک اسلامی به بررسی جایگاه فین تک اسلامی در صنعت مالی اسلامی، چالش ها و فرصت های آن در بازار مالی اسلامی پرداخته است؛ اما در هیچ یک از این پژوهش ها مؤلفه های شاخص فین تک اسلامی بحث و

3. Irum Saba & et al (2020)

4. Morianto & et al (2022)

بررسی نشده است. نوآوری این مقاله نسبت به پژوهش‌های پیشین این است که مقاله پیش‌رو ضمن بررسی مفهوم فین‌تک اسلامی، مؤلفه‌های این شاخص را از نظر روش بحث و بررسی نموده است؛ همچنین این پژوهش با هدف ارتقای جایگاه ایران در این شاخص با بهره‌گیری از روش علمی تاپسیس، مهم‌ترین نقاط تمرکز کشور در مؤلفه‌های شاخص فین‌تک اسلامی برای سیاست‌گذاران حوزه مالی کشور مشخص کرده است. با توجه به محدودیت‌های منابع مالی و انسانی، مشخص شدن این نقاط تمرکز برای ذی‌نفعان داخلی می‌تواند به اثربخشی بهتر اقدامات جهت بهبود رتبه کشور در شاخص فین‌تک اسلامی تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

۳. ادبیات نظری

۳-۱. مفهوم فین‌تک

فین‌تک^۵ اصطلاحی است که از آن برای توصیف فناوری مالی استفاده می‌شود. هر نوع فناوری در زنجیره خدمات مالی (از مشاغل تا مصرف‌کنندگان) شامل تعریف فین‌تک می‌شود؛ به عبارت دیگر فین‌تک به معنای تلفیق فناوری و خدمات مالی است. در این روش، فناوری برای بهبود خدمات مالی به کار گرفته می‌شود. این روش باعث افزایش کارایی و کاهش هزینه‌ها در حوزه مالی می‌شود (قائمی و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۴). در این بین، شرکت‌هایی وجود دارند که خدمات مالی را از طریق نرم‌افزار یا فناوری‌های دیگر ارائه می‌دهند و این خدمات از برنامه‌های پرداخت تلفن همراه گرفته تا رمزارز را شامل می‌شود.

در نگاهی به تاریخچه فین‌تک، باید گفت که دهه ۱۹۵۰ و ظهور کارت‌های اعتباری، آغاز دوران فین‌تک بود. پس از آن گسترش دستگاه‌های خودپرداز و نهایتاً در دهه ۱۹۷۰ با الکترونیکی شدن سهام، قدم بزرگی در راستای توسعه بازار فین‌تک برداشته شد. در دهه ۱۹۹۰ نیز با گسترش رایانه‌های نسل جدید و نفوذ اینترنت در زندگی افراد، کسب‌وکارهای حوزه فین‌تک رونق بسیار گرفت و بعد از ظهور بلاک‌چین و انقلاب صنعتی چهارم، صنعت فین‌تک در حال دیجیتالی کردن خدمات مالی خرد از طریق ایجاد بسترهای تأمین سرمایه جمعی، مشاوره‌های ربانی به‌منظور برنامه‌ریزی، توسعه

5. Financial technology

نرم افزارهای پرداخت و مواردی از این دست است (Chishti & Barberis, 2016). صنعت فین تک تا به امروز شاخه های متنوعی پیدا کرده است. اینشورتک^۶ (فناوری بیمه)، ولث تک^۷ (فناوری مدیریت ثروت)، لندتک^۸ (فناوری مبتنی بر قرض و وام) و همچنین بانک تک از جمله شاخه های صنعت فین تک به شمار می روند. توجه به تحولات این صنعت و بهره مندی از موج تغییرات آن، فرصت مغتنمی را برای کشورهای مختلف به جهت تولید ارزش افزوده اقتصادی در زمینه فناوری های مالی و رشد اقتصادی فراهم خواهد آورد. شاخص جهانی فین تک اسلامی نیز تلاشی است در جهت ارزیابی رشد کشورهای اسلامی در این صنعت که با اصول و قواعد شرعی منطبق شده است. در ادامه به بررسی این شاخص خواهیم پرداخت.

۲-۳. مفهوم فین تک اسلامی

فین تک اسلامی، دسته ای از فناوری هاست که در سازمان ها و مؤسسات اسلامی به منظور اجرای قوانین و مقررات اسلامی، جهت ایجاد یک اقتصاد سالم، انعطاف پذیر و پایدار به کار می روند (Hazik, 2017). در این نوع فین تک، به کارگیری و نظارت بر اصول فقهی و اسلامی در راه اندازی آنها از نظر شرعی حائز اهمیت است. از دیدگاه شرعی، دو اصل مکمل مهم وجود دارد:

- ۱- نوآوری در فقه معاملات مجاز است، مگر اینکه تحت یک ممنوعیت صریح قرار گیرد.
- ۲- استفاده از الزامات دقیق قوانین اسلامی برای اعتبار قراردادهای مبادله ای ضروری است (Oseni, 2019).

مهم ترین جنبه در فین تک اسلامی، حفظ مصالح و منافع عمومی در معاملات تجاری است و رعایت موازین و اصول اسلامی در آنها ضروری است؛ بنابراین، برای تعیین مصالح و منافع عمومی در فین تک، چهارچوب قانونی و نظارتی برای جلوگیری از سوءاستفاده بازار لازم است (Abojeib, 2019).

فین تک های اسلامی برپایه ابزارهای مالی اسلامی فعالیت دارند. صکوک نوعی ابزار

6. Insur Tech
7. Wealth Tech
8. Lend Tech

مالی اسلامی است که به عنوان جایگزینی برای اوراق قرضه در نظام مالی متعارف طراحی شده و بر دارایی‌های واقعی و عقود اسلامی استوار است (توحیدی و دیگران، ۱۴۰۰). برخلاف اوراق بدهی سنتی که مبتنی بر بهره هستند، صکوک بر اساس قراردادهایی مانند: مشارکت، مضاربه، اجاره و استصناع منتشر می‌شود تا با اصول شریعت اسلامی مطابقت داشته باشد. این اوراق به تأمین مالی دولت‌ها، شرکت‌ها و پروژه‌های زیربنایی کمک می‌کند و از جمله مهم‌ترین ابزارهای بازار سرمایه اسلامی محسوب می‌شود (سلیمی، ۱۳۹۱).

فین‌تک‌های اسلامی، محصولاتی از مالی اسلامی هستند که با تسهیل استفاده از ابزارها مالی اسلامی در مراحل ابتدایی توسعه خود قرار دارند و در مقایسه با چشم‌انداز فین‌تک در مقیاس جهانی، اندازه آنها بسیار کوچک است.

فین‌تک‌های اسلامی، محصولاتی از مالی اسلامی هستند که در مراحل ابتدایی توسعه خود قرار دارند و در مقایسه با چشم‌انداز فین‌تک در مقیاس جهانی، اندازه آنها بسیار کوچک است. با این حال، استارت‌آپ‌هایی که در گذشته چند سال ظاهر شده‌اند، نشان داده‌اند که در بازارهای اسلامی قابل‌پذیرش و اعتمادآور هستند و فرصتی بالقوه برای پیشبرد اهداف اجتماعی، اقتصادی و اسلامی ارائه می‌دهند. چهار کشور اسلامی، یعنی پاکستان، مالزی، بحرین، و امارات متحده عربی، چهارچوب‌های قانونی را برای فین‌تک‌ها تصویب کرده‌اند تا بانک‌ها، مؤسسات مالی، و شرکت‌های استارت‌آپ بتوانند از آنها بهره‌مند شوند. فین‌تک‌های اسلامی فرصتی برای به‌کارگیری مدل‌های به اشتراک‌گذاری ریسک در مؤسسات مالی اسلامی از طریق شرکت‌های استارت‌آپ نوظهور ایجاد می‌کنند و نمونه‌های برجسته آن، بانک‌های مجازی یا نئوبانک‌ها هستند (Biancone, 2019).

فین‌تک‌های اسلامی ترکیبی از فناوری و مالی اسلامی هستند، به این معنا که هر محصولی که تحت لوای فین‌تک تولید می‌شود، باید با قوانین استخراج شده از قرآن و اسلام همخوانی داشته باشد. فین‌تک‌های اسلامی باید قادر باشند خدمات مالی اسلامی را با استفاده از شیوه‌های ارزان‌تر، ساده‌تر، و کارآمدتر برای تأمین مالی، پرداخت، و سرمایه‌گذاری ارائه دهند. این فرصت‌ها فراهم می‌آید که فین‌تک‌های اسلامی رشد و توسعه یابند و سه کاربرد اصلی آن به شرح زیر است (Theo, 2019):

- ۱- به کارگیری تحلیل داده های بزرگ و هوش مصنوعی در ارائه خدمات بانکداری اسلامی.
- ۲- استفاده از فناوری بلاک چین برای تسهیل مبادلات مالی اسلامی.
- ۳- استفاده از هوش مصنوعی در تسهیل فرایند سرمایه گذاری، به خصوص نیازهای سرمایه گذاران نهادی.

۳-۳. بررسی شاخص فین تک اسلامی

شاخص فین تک اسلامی به عنوان شاخصی جدید در حوزه مالی و اقتصاد مطرح شده است. این شاخص بر اساس اصول اسلامی و شریعت اسلامی تدوین شده است. شاخص فین تک اسلامی مجموعه ای از اجزای شاخص های مالی است که طبق مبانی اصول و قوانین اسلامی طراحی شده است. این شاخص ها برای ارزیابی و پیگیری عملکرد سرمایه گذاری های متناسب با اصول اسلامی استفاده می شوند که اخلاق، یکی از اجزای اصلی قاعده گذاری در آن ها است (زینت بخش، ۱۳۹۳). صادقی شاهدانی و محسنی (۱۳۹۰)، در کتاب مدیریت مالی اسلامی به بیان ضوابط فعالیت های مالی اسلامی پرداخته است. این ضوابط عبارت اند از:

- عدالت و انصاف: مالی اسلامی بر اساس مفهوم عدالت و انصاف در توزیع سود و زیان و بهره برداری از منافع تأسیس می شود. این اجزا تضمین می کنند که هیچ یک از طرفین سرمایه (سرمایه گذار یا بهره بردار) نقصان نکنند.
- حرمت مال: این اجزا بر احترام و حفاظت از حقوق مالکیت متکی هستند و تضمین می کنند که مالکیت افراد مورد احترام قرار گیرد و کارکردهای مشروع و مطابق با اصول شرعی پشتیبانی شود.
- امانت داری: مالی اسلامی تأکید دارد کسانی که وظیفه امانت داری را بر عهده دارند، به طور مشروع با دارایی ها و منابع اقتصادی رفتار و این اموال را به نحو مطلوب مدیریت کنند.
- عدم ربا: از آنجا که سود حلال و ربا حرام در اسلام تلقی می شود، مالی اسلامی تأکید دارد که فعالیت های مالی باید مطابق با اصول شرعی و بدون ربا صورت گیرد.
- مشارکت: مالی اسلامی شامل اجزایی است که به مشارکت در سرمایه گذاری، توزیع

منابع، تأسیس صندوق‌های سرمایه‌گذاری و تسهیل تأمین مالی مبتنی بر اصول شرعی می‌پردازد.

• عدم غرر و تضییع: این اجزا مطمئن می‌شوند که در معاملات و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده، جانب‌های ضعیف مطمئن شوند که هیچ‌گونه تضییع و غرری در سبک انجام معاملات وجود ندارد.

این ضوابط در کشورهای اسلامی به‌طور ضمنی در بسیاری از حوزه‌های مالی و سرمایه‌گذاری اعمال می‌شود.

طبق آخرین گزارش گیفت^۹ در سال ۲۰۲۲، پیش‌بینی می‌شود که اندازه بازار فین‌تک اسلامی تا سال ۲۰۲۶ به ۱۷۹ میلیارد دلار با نرخ رشد مرکب سالانه ۱۷,۹ درصد در مقایسه با کل صنعت جهانی فین‌تک برسد. بزرگ‌ترین کشورها از نظر حجم معاملات برآورد شده در این بازار عبارت‌اند از: عربستان سعودی، ایران، امارات متحده عربی، مالزی و اندونزی. در حال حاضر، ۱۱ کشور هرکدام دارای اندازه تخمینی بازار فین‌تک اسلامی بیش از ۱ میلیارد دلار هستند.



Source: (DinarStandard & Elipses, 2022)

شکل (۱): شش کشور برتر عضو OIC در فین‌تک اسلامی از نظر اندازه بازار

تا سال ۲۰۲۶ پیش بینی می شود که ۴ کشور دیگر دارای حجم بازار بیش از ۱ میلیارد دلار باشند.

در همین حال، فهرست گیفت^{۱۰} ۲۰۲۲، مالزی، عربستان سعودی، اندونزی، امارات متحده عربی و بریتانیا را به عنوان پنج اکوسیستم مساعد برتر برای فین تک اسلامی در جهان فهرست می کند. علاوه بر پنج اکوسیستم قوی برتر، تجزیه و تحلیل ها نشان می دهد که بحرین، بنگلادش، مصر، ایران، اردن، کویت، نیجریه، عمان، پاکستان، قطر و ترکیه نیز اکوسیستم هایی به سرعت در حال رشد هستند.

این شاخص همچنین ورودی های صنعت را در قالب یک نظرسنجی جهانی از فین تک های اسلامی جمع آوری کرده است. ۱۰۰ نفر از پاسخ دهندگان نظرسنجی بزرگ ترین موانع را در آموزش مشتری، دسترسی به سرمایه، مقررات، یافتن استعدادهای برتر و هزینه جذب مشتری دیده اند. در همین حال، پاسخ دهندگان پرداخت ها، سپرده ها و وام دهی و جذب وجوه را به عنوان بخش های رشد برتر در سال ۲۰۲۲ در نظر گرفتند. این شاخص با مشارکت های ویژه رهبران صنعت که نماینده صنعت، مقررات، پیروی از شریعت و دیدگاه های سرمایه گذار هستند، غنی شده است.

همه گیری کووید ۱۹ فرصتی را برای شرکت های فین تک فراهم کرد تا خدمات مالی را به جمعیت هایی که از لحاظ تاریخی محروم هستند؛ از جمله زنان، خانواده های کم درآمد، و کسب و کارهای کوچک و متوسط (SMEs) ارائه دهند. این نشان دهنده ظرفیت شرکت های فین تک برای استفاده از کانال ها و ابزارهای دیجیتال برای ارائه خدمات مالی و همچنین چابکی آنها برای چرخش سریع مدل های کسب و کارشان و خدمت رسانی به جایگاه های جدید از طریق محصولات و خدمات نوآورانه است. این نیز گزاره با تجزیه و تحلیل اندازه بازار گیفت ۲۰۲۲ نیز قابل تأیید است؛ زیرا رشد فین تک اسلامی از پیش بینی های گیفت ۲۰۲۱ پیشی گرفته است.

می توان گفت که حوزه های پرداخت و تأمین مالی جمعی اشباع شده اند؛ اما شتاب آنها به خوبی ادامه دارد؛ بنابراین نظارت بر آنها عاقلانه است. نه دسته خدمات

آیفین تک^{۱۱} همگی در مناطق جنوب صحرای آفریقا و آسیای جنوبی و مرکزی مورد استفاده قرار نمی گیرند، درحالی که منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا دارای شکافهایی در بازارهای سرمایه، بیمه و بخش های مالی اجتماعی است. درمقابل، آسیای جنوب شرقی دارای شکافهایی در دارایی های دیجیتال است.

۳-۴. اندونزی، پیشرو در فین تک اسلامی

اندونزی به عنوان سریع ترین اکوسیستم فین تک در جنوب شرق آسیا محسوب می شود، از سال ۲۰۱۶ که اولین مقررات فین تک همتا به همتا توسط ارگان خدمات مالی اندونزی^{۱۲} (OJK) منتشر شد. تاکنون، بیش از ۳۰۰ فین تک با مجوز کامل در این کشور فعالیت می کنند. اکوسیستم پشتیبانی کننده اندونزی، چهار انجمن فین تک دارد که به طور کامل توسط ناظر بر اساس نوع خدمات یا مدل های کسب و کار به عنوان سازمان های خود تنظیم گر معرفی و تعیین و طبقه بندی شده اند. این سازمان ها شامل انجمن جمع آوری سرمایه بورس^{۱۳} انجمن نوآوری مالی دیجیتال^{۱۴} و انجمن فین تک^{۱۵} هستند. اگرچه انجمن فین تک به عنوان انجمن نوآوری مالی دیجیتال توسط سازمان خدمات مالی اندونزی معرفی شده است؛ اما انجمن فین تک به عنوان محل فعالیت تمامی بازیکنان فین تک مطابق با شریعت عمل می کند و اکوسیستم دیجیتال مطابق با شریعت در اندونزی است (DinarStandard & Elipses, 2022).

در دوران وبا، اندونزی کاهشی در تعداد کامل بازیکنان فین تک مطابق با شریعت داشت؛ اما علاوه بر این، اندونزی هم اکنون بیشترین تعداد فین تک اسلامی شناخته شده جهان را در زمینه فین تک اسلامی و بانکداری مطابق با شریعت در شاخص فین تک

11. iFinecht

۱۲. ارگان خدمات مالی اندونزی (Otoritas Jasa Keuangan)، به معنای سازمانی است که در اندونزی برای ارائه خدمات مالی و نظارت بر بازار مالی و بانکی ایجاد شده است. OJK مسئولیت نظارت بر بانک ها، شرکت های بیمه، بازار سرمایه و سایر مؤسسات مالی را بر عهده دارد و در جهت توسعه اقتصاد کشور و جلوگیری از ریسک های مالی فعالیت می کند. OJK به عنوان یک سازمان مستقل از دولت اندونزی عمل می کند و توسط قانون ایجاد شده است.

13. ALUDI

14. AFTECH

15. AFSI

اسلامی دارد و رشد کلی آن بیش از ۱۳۰ درصد در حجم تأمین مالی از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱ در این حوزه بوده است. علاوه بر این، به دلیل رؤیای دولت اندونزی در راستای برنامه ملی برای حمایت از توسعه اقتصاد مطابق با شریعت و کار مداوم حامیان اکوسیستمی مانند انجمن فین تک چشم انداز روشنی برای فین تک اسلامی در اندونزی وجود دارد (Rachmawaty, 2021).

۳-۵. روش شناسی شاخص

همان طور که گفته شد، شاخص جهانی فین تک اسلامی بر اساس پنج محور اصلی، کشورهای مختلف را ارزیابی و رتبه بندی می کند. این محورها و زیرمجموعه های آنها عبارت اند از:

- ۱- استعداد: اشتغال در خدمات دانش محور رتبه بندی دانشگاه؛
 - ۲- تنظیم گری: وجود مقررات فین تک در نظام قانون و مقررات کشور؛
 - ۳- زیرساخت: استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، میزان اعطای اعتبارات بانکی و تسهیلات داخلی به بخش خصوصی، همکاری دانشگاه - صنعت؛
 - ۴- بازار و اکوسیستم فین تک اسلامی: تعداد فین تک های اسلامی در هر کشور، تعداد مؤسسات مالی اسلامی؛
 - ۵- سرمایه: تراکم کسب و کارهای جدید، تعداد معاملات سرمایه گذاری ریسکی.
- این دسته بندی ها به منظور به دست آوردن یک امتیاز کلی، با وزن دهی بیشتری به مقوله های «بازار و اکوسیستم فین تک اسلامی»، وزن داده شدند؛ زیرا این مؤلفه تا حد زیادی نشان دهنده میزان استعداد بالفعل یک کشور برای رشد فین تک اسلامی است.

مراحل اندازه گیری شاخص

در روش شناسی گزارش گیفت، داده های اولیه برای اندازه گیری کشورها در این شاخص از منابع مختلف استخراج می شوند. این منابع عبارت اند از: بانک جهانی، مجمع جهانی اقتصاد و داده های اختصاصی DinarStandard.

مرحله (۱) نرمال سازی مقادیر: به منظور کاهش اثر مقادیر مطلق واحدهای مختلف در کل شاخص ها و برای انجام مقایسه های بین کشوری معنادار برای هر شاخص،

داده‌ها بین ۰ تا ۱ به روش نرمال‌سازی حداقل - حداکثر نرمال‌سازی می‌گردد. مرحله ۲) محاسبه امتیازات دسته: برای هر یک از پنج دسته، مقادیر شاخص در هر دسته بر اساس کشور جمع‌آوری می‌شود؛ سپس مجموع این مقادیر به ضمیمه نرمال‌سازی می‌شود تا امتیاز دسته برای هر کشور بین ۰-۱ ارائه شود. مرحله ۳) وزن‌دهی و محاسبه امتیازات و رتبه‌بندی‌های کلی کشور: قبل از رسیدن به یک امتیاز ترکیبی کلی بر اساس کشورها که اساس رتبه‌بندی شاخص را تشکیل می‌دهد، یک وزن‌بندی برای هر یک از پنج دسته اعمال می‌شود. بر اساس آخرین ارزیابی‌های صورت‌گرفته در سال ۲۰۲۲، وضعیت کشورها در جدول ذیل منعکس شده است:

جدول (۱): رتبه‌بندی کشورها براساس شاخص جهانی فین تک اسلامی

Ranking	Country	Score	Ranking	Country	Score	Ranking	Country	Score
1	Malaysia	80.8%	23	Luxembourg	30.2%	45	Algeria	12.5%
2	Saudi Arabia	80.4%	24	Kazakhstan	29.8%	46	Mauritania	12.2%
3	Indonesia	64.7%	25	Germany	29.5%	47	Morocco	12.1%
4	United Arab Emirates	59.8%	26	China	29.4%	48	Palestine	12.1%
5	United Kingdom	49.9%	27	France	29.0%	49	Iraq	10.9%
6	Bahrain	46.4%	28	Japan	28.0%	50	Philippines	9.7%
7	Kuwait	44.8%	29	Egypt	27.5%	51	Kyrgyzstan	9.1%
8	Singapore	41.4%	30	Sri Lanka	25.3%	52	Azerbaijan	8.2%
9	Qatar	41.2%	31	Russia	24.5%	53	Albania	8.2%
10	Hong Kong	38.7%	32	Spain	24.3%	54	Syria	7.4%
11	Pakistan	37.3%	33	India	23.9%	55	Uzbekistan	5.5%
12	Iran	36.4%	34	Tunisia	23.3%	56	Burkina Faso	4.8%
13	United States	36.4%	35	Lebanon	22.2%	57	Senegal	4.7%
14	Bangladesh	36.4%	36	Kenya	20.5%	58	Libya	4.4%
15	Jordan	36.2%	37	Bosnia & Herzegovina	17.6%	59	Ivory Coast	4.1%
16	Türkiye	35.7%	38	South Africa	17.5%	60	Mali	3.4%
17	Oman	33.7%	39	Tajikistan	17.2%	61	Yemen	3.1%
18	Australia	33.4%	40	Sudan	15.6%	62	Niger	2.7%
19	Nigeria	32.5%	41	Cameroon	15.4%	63	Gambia	2.1%
20	Brunei	32.4%	42	Afghanistan	14.8%	64	Suriname	0.7%
21	Switzerland	32.1%	43	Thailand	14.0%			
22	Canada	30.5%	44	Maldives	13.9%			

Source: (DinarStandard & Elipses, 2022)

همان‌طور که مشخص است، ایران جایگاه ۱۲ را در بین ۶۴ کشور مورد مطالعه این شاخص به خود اختصاص داده است. در این پژوهش به دنبال آن هستیم تا نقاط تمرکز ایران در ۵ محور اصلی این شاخص که تمرکز بر آن‌ها بیشترین اثر را بر توسعه بازار فین تک اسلامی و ارتقای جایگاه ایران در این شاخص و رقابت با کشورهای عربی دارد را احصا و ارائه نماییم.

۴. روش پژوهش

پژوهش پیش رو از لحاظ جمع آوری داده ها، توصیفی - پیمایشی و از نظر هدف نیز، پژوهشی کاربردی محسوب می شود. در این پژوهش، تمرکز اصلی در بخش جمع آوری اطلاعات بر روی مطالعات کتابخانه ای از طریق اسناد مختلف و موجود و گزارش های ارائه شده در مؤسسات داخلی و بین المللی در رابطه با شاخص جهانی فین تک اسلامی است. روش های کتابخانه ای شامل فرایندی منظم و گام به گام است که برای گردآوری اطلاعات نگارش یک متن علمی استفاده می شود؛ بنابراین این روش، روشی مناسب برای پروژه حاضر است؛ چراکه به دنبال مطالعه نقاط ضعف و قوت شاخص فین تک اسلامی کشور با رویکرد علمی و کاربردی است. همچنین برای گردآوری داده ها از پرسشنامه استفاده شده است. این پرسشنامه شامل ۱۰ سؤال که پنج مؤلفه (آلترناتیو)^{۱۶} در شاخص فین تک اسلامی را با معیار اثربخشی^{۱۷} در جمهوری اسلامی ایران، بررسی می کند. سؤال اصلی در این پژوهش آن است که با توجه به محدودیت های کشور در زمینه منابع مالی، انسانی و زمان، تمرکز بر کدام یک از محورهای شاخص فین تک اسلامی، با توجه به ظرفیت بالای کشور در این حوزه، می تواند رشد بالاتری را در این شاخص برای ایران رقم بزند؟

فرض بر آن است که ظرفیت کشور در حوزه استعداد قابل قبول است؛ لکن سایر حوزه ها نیاز به بررسی بیشتر دارد. جامعه خبرگانی پژوهش حاضر شامل ۱۸ نفر از اساتید، اعضای هیئت علمی، کارشناسان مالی اسلامی و پژوهشگران حوزه مالی است که تجربه فعالیت در بخش مالی اسلامی را داشته اند. خبرگان پژوهش حاضر بر اساس سابقه پژوهش علمی، تجربه کاری و ارتباط پایان نامه با حوزه فین تک اسلامی برگزیده شده اند. برای سنجش روایی پرسشنامه ها از روایی محتوای استفاده شد. بدین منظور، پرسشنامه ها میان جمعی از اساتید و اعضای هیئت علمی رشته اقتصاد اسلامی نیز توزیع گردید و نظرهای اصلاحی آنان اعمال شد.

16 . Alternative

17 . Effectiveness

۴-۱. روش تاپسیس^{۱۸} و یافته‌های پژوهش

به منظور رتبه‌بندی بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روش‌های مختلفی وجود دارد که لزوماً پاسخ‌های یکسانی به دنبال ندارند (عسکری و دیگران، ۱۳۹۵). یکی روش‌های اولویت‌بندی که دارای قدرت بالایی در تفکیک گزینه‌هاست، «تکنیک رتبه‌بندی ترجیحات بر اساس شباهتشان به راه‌حل ایدئال»^{۱۹} است که صورت اختصار با نام تاپسیس شناخته می‌شود. اولین بار هوانگ و یون (۱۹۸۱) از این روش که از جمله روش‌های فاصله‌محور است، استفاده کردند (میرابی و دیگران، ۱۳۹۱).

مهم‌ترین فرضیات این روش عبارت است از:

اولاً، در این روش مقادیر بالاتر هر گزینه، به معنای بهتر بودن و اولویت داشتن آن گزینه و مقادیر پایین‌تر نشان از اولویت و مطلوبیت پایین‌تر آن گزینه دارد. ثانیاً فاصله هر گزینه از حالت ایدئال (ایدئال منفی) ممکن است به صورت فاصله اقلیدسی (از درجه دوم) یا به صورت مجموع قدرمطلق از فواصل خطی (معروف به فواصل بلوکی) محاسبه گردد که این امر بستگی به میزان تبادل و جایگزین در بین شاخص‌ها دارد (قنبری و دیگران، ۱۳۹۳). لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر در بین مؤلفه‌ها و گزینه‌هایی که با یکدیگر مقایسه می‌شوند، ایدئال منفی وجود ندارد و همه گزینه با توجه به معیار اثربخشی در جمهوری اسلامی ایران، رابطه مستقیم دارند.

گام‌های تکنیک تاپسیس:

گام اول: تبدیل ماتریس تصمیم‌گیری موجود به ماتریس «فاقد مقیاس» با استفاده از فرمول:

$$n_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m r_{ij}^2}}$$

گام دوم: ایجاد ماتریس «فاقد مقیاس موزون». در این مرحله ماتریس ایجاد شده در گام قبلی در وزن (بردار w) ضرب می‌شود تا ماتریس فاقد مقیاس موزون به دست آید.

گام سوم: مشخص کردن راه‌حل ایدئال و راه‌حل ایدئال منفی: برای گزینه ایدئال A^+ و برای گزینه ایدئال منفی A^- را تعریف می‌کنیم:

$$A^+ \{(\max v_{ij} | j \in J), (\min v_{ij} | j \in J^*) | i = 1, 2, \dots, m\}$$

18. Topsis

19. Technique for Order Preferenes by Similarity to Ideal Solution

گزینه ایدئال

$$= \{v_1^+, v_2^+, \dots, v_j^+, \dots, v_n^+\}$$

گزینه ایدئال منفی

$$= \{v_1^-, v_2^-, \dots, v_j^-, \dots, v_n^-\}$$

گام چهارم: محاسبه اندازه جدایی (فاصله): فاصله گزینه i ام با ایدئال، با استفاده از روش اقلیدسی بدین قرار است:

$$\text{فاصله} = \{\sum_{i=1}^n (V_{ij} - V_j^+)^2\}^{0.5}; i=1,2,\dots,m$$

گزینه i ام از ایدئال $d_{i+} = -$

$$\text{فاصله} = \{\sum_{i=1}^n (V_{ij} - V_j^-)^2\}^{0.5}; i=1,2,\dots,m$$

گزینه i ام از ایدئال منفی $d_{i-} = -$

گام پنجم: محاسبه نزدیکی نسبی A_i به راه حل ایدئال:

$$v = N_{DW_{n \times m}} = \left| \begin{array}{ccc} V_{11}, \dots & V_{1j}, \dots & V_{1n} \\ \vdots & \vdots & \vdots \\ V_{m1}, \dots & V_{mj}, \dots & V_{mn} \end{array} \right| W = \{w_1, w_2, \dots\} \approx$$

گام ششم: رتبه بندی گزینه ها: بر اساس ترتیب نزولی می توان گزینه های موجود را از مسئله مفروض رتبه بندی کرد (کلانتری، ۱۳۸۰).

جدول (۲): رتبه بندی راه حل های ایده آل

رتبه بندی گزینه ها	وزن گزینه ها	راه حل ایدئال
۱	۱,۰۰۰	Infrastructure
۲	۰,۹۴۱	Regulation
۳	۰,۴۶۳	Talent
۴	۰,۲۳۲	Capital
۵	۰,۰۰۰	IF

همان طور که در بخش روش شناسی شاخص گفته شد، شاخص جهانی فین تک اسلامی بر اساس پنج محور اصلی، کشورهای مختلف را ارزیابی و رتبه بندی می کند.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که خبرگان به ترتیب محورهای زیرساخت (با نمره ۱)، تنظیم‌گری (با نمره ۰,۹۴۱)، استعداد (با نمره ۰,۴۶۳)، سرمایه (با نمره ۰,۲۳۲) بازار و در پایان نیز بستر فناوری مالی اسلامی را به عنوان مهم‌ترین محورها برای تمرکز کشور به منظور ارتقای جایگاه در شاخص فین‌تک اسلامی معرفی کرده‌اند. این نقاط تمرکز با توجه به معیار اثربخشی^{۲۰} در کشور رتبه‌بندی شده‌اند؛ بنابراین با توجه به توضیحات بیان شده در روش‌شناسی شاخص جهانی فین‌تک اسلامی، حرکت به سمت شکل‌گیری مقررات فین‌تک در نظام قانون و مقررات کشور از نظر خبرگان مهم‌ترین اولویت کشور در شاخص فین‌تک اسلامی است. بعد از این موضوع اقدام برای استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در بخش مالی اسلامی و افزایش میزان اعطای اعتبارات بانکی و تسهیلات داخلی به بخش خصوصی، نیز از اهمیت بالایی برخوردار است و می‌تواند اثرگذاری قابل توجهی در بهبود رتبه کشور در شاخص فین‌تک اسلامی داشته باشد.

طبق نتایج به دست آمده از پاسخ خبرگان در حال حاضر حرکت به سمت گسترش تعداد فین‌تک‌های اسلامی و تعداد مؤسسات مالی اسلامی در کشور، کمترین اثرگذاری را در بهبود رتبه ایران در شاخص فین‌تک اسلامی دارد و همان‌طور که در تحلیل داده‌ها مشخص است، کمترین میانگین امتیازات خبرگان به این محور بوده و نشان‌دهنده آن است.

نتیجه‌گیری

فین‌تک یکی از صنایع نوظهور در اقتصاد جهانی است که پایه اصلی صنعت مالی در دنیا به شمار می‌رود. تمرکز کشورها در توسعه این صنعت نشان می‌دهد که آینده اقتصاد به این فناوری گره خورده است. فین‌تک اسلامی با هدف ایجاد زیرساخت مالی اسلامی در کشورهای اسلامی، زیرساختی است که اخیراً توسط این کشورها مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا، گزارشی تحت عنوان شاخص جهانی فین‌تک اسلامی هر ساله منتشر و رتبه کشورها را در این صنعت ارزیابی می‌کند. طبق گزارش این شاخص در سال ۲۰۲۲، ایران رتبه ۱۲ را در بین ۶۴ کشور ارزیابی شده دارا بوده است که گرچه رتبه نسبتاً خوبی است اما فاصله زیادی تا کشورهای پیشرو در این حوزه

نظیر عربستان و انگلیس دارد. توجه به ظرفیت های نهادی برای توسعه صنعت فین تک اسلامی، موضوعی بود که موجب شد این پژوهش با محوریت انتخاب اقدامات تأثیرگذار برای ارتقای جایگاه ایران در این شاخص طراحی شود. شاخص جهانی فین تک اسلامی، پنج سرفصل اصلی را معیار ارزیابی کشورها در صنعت فین تک اسلامی قرار داده است. این شاخص ها عبارت اند از: استعداد، تنظیم گری، زیرساخت، سرمایه و بازار و اکوسیستم فین تک اسلامی.

برهمن اساس با توزیع پرسشنامه بین خبرگان حوزه مالی اسلامی، پنج مؤلفه فوق برای ارزیابی و اولویت بندی بیشترین ضریب تأثیر در ایران مورد مطالعه قرار گرفت. در این پژوهش که به روش تاپسیس انجام شد، نتایج مدل به سمع و نظر خبرگان حوزه مالی اسلامی رسید و مورد تأیید واقع گردید. با عنایت به اولویت بندی صورت گرفته و اجماع نظر خبرگان، نتیجه گیری شد که برای توسعه صنعت فین تک اسلامی در ایران، توجه به دو رکن «زیرساخت» و سپس «تنظیم گری» نسبت به سایر مؤلفه ها از اهمیت بیشتری برخوردارند؛ بنابراین توجه به دو عنصر زیرساخت و تنظیم گری فین تک اسلامی در کشور از هر موضوع دیگری مهم تر است.

زیرساخت: زیرساخت توسعه فین تک اسلامی در ایران در چند مورد دارای ضعف می باشد. اول در زیرساخت های فناوری اطلاعات می باشد. ضعف نبود شبکه های مناسب فاوا در کشور در کنار دانش پایین مردم در استفاده از سکوها و فرایند دشوار راه اندازی سکوها مالی به دلیل وجود نهادهای متعدد تصمیم گیر، از جمله مشکلات زیرساختی فناوری اطلاعات برای توسعه فین تک اسلامی می باشد (فدائی و دیگران، ۱۴۰۲). در زیرساخت های حمایت پژوهشی، نرخ پایین همکاری های دانشگاهی و پژوهش های تحقیقاتی در حوزه فیتک اسلامی مبتنی بر مسئله محوری و ارائه راهکارهای عملیاتی از دیگر مشکلات این زمینه است. در سطح زیرساخت سرمایه گذاری نیز تمایل کم بانک ها به سرمایه گذاری در طرح های مبتنی بر فین تک اسلامی، عدم امکان جذب سرمایه گذاری خارجی و توسعه محیط های آزمایشی این حوزه از فقدان های زیرساختی دیگر در این خصوص می باشد.

تنظیم گری: یکی از ضعف های عمده ایران در تنظیم گری حوزه فین تک، تعدد نهادهای

متولی و تصمیم‌گیر در این خصوص است (بیش از ۲۰ نهاد به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم). از مجلس تا دولت و قوه قضائیه، هر یک در سطوحی و با چند زیرمجموعه خود در موضوع تنظیم‌گری فین‌تک‌ها دخیل هستند. طبعاً این ازدحام تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران بر توسعه فین‌تک اسلامی نیز اثرگذار است. نبود یک سیاست جامع و فراگیر، ناهماهنگی بین نهادهای تصمیم‌گیرنده از معضلات نبود نهاد تنظیم‌گر این حوزه است.

پیشنهادهای سیاستی

تدوین یک سیاست جامع برای فین‌تک و فین‌تک اسلامی در ایران می‌تواند به‌عنوان راهکاری مؤثر در حل بخشی از چالش‌های این حوزه مطرح شود (صراف و رحیمی، ۱۴۰۱). این سیاست‌گذاری باید با همکاری همه نهادهای مرتبط تدوین و مواردی چون اهداف توسعه فین‌تک، چهارچوب مقرراتی، سازوکارهای نظارتی و حمایت از نهادهای فعال در فین‌تک را دربرگیرد. در این خصوص، برای توسعه زیرساخت‌ها و در حوزه تنظیم‌گری، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:

از نظر خبرگان حوزه مالی اسلامی برای تقویت زیرساخت‌های توسعه فین‌تک اسلامی در ایران، در مرحله اول، طراحی و گسترش زیرساخت‌هایی نظیر توسعه شبکه‌های فاوا و تأمین بستر جهت گسترش سکوهای مالی اسلامی و گسترش سطح دسترسی مردم به این فناوری‌ها ازجمله مهم‌ترین عوامل می‌باشد. در سطح پژوهشی نیز تمرکز بر توسعه پروژه‌های ارتباطی بین صنعت مالی اسلامی با دانشگاه و تخصیص گرنت و بودجه برای حمایت از پروژه‌های مسئله‌محور در این زمینه نیز از سوی خبرگان به‌عنوان یک زیرساخت کلیدی عنوان شد. در خصوص زیرساخت سرمایه‌گذاری نیز تخصیص اعتبارات شبکه بانکی و یا جذب سرمایه خارجی در بخش خصوصی فعال در زمینه‌های مالی اسلامی و ارائه‌دهنده فناوری‌های مالی برای سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌های فین‌تک نیز ازجمله دیگر فعالیت‌های مؤثر در توسعه زیرساخت است (Wanjala, 2022). این سرمایه‌گذاری جهت ایجاد محیط‌های تست (سندباکس) برای سرعت‌بخشیدن به ورود مطمئن‌تر نوآوری به بازار و تلاش

برای تقویت نظام های اعتبارسنجی در سطح ملی نیز جزو عوامل تخصصی در فضای صنعت فین تک هر کشور محسوب می شوند (آزادگان مهر و دیگران، ۱۳۹۸).

در حوزه تنظیم گری برای توسعه زیرساخت مالی اسلامی نیز تعیین نهاد تنظیم گر بیشترین اهمیت را دارد. فقدان نهاد متولی در اکثر حوزه ها در ایران به چشم می خورد که از جمله این حوزه ها، صنعت فین تک است. گرچه عموماً این وظیفه برعهده بانک مرکزی است؛ اما سیاست های بانک مرکزی در قبال این صنعت باید به طور شفاف بیان شود. به طور کلی، تنظیم گری یکی از اساسی ترین ارکان نظام مالی محسوب می شود و مهم ترین وظیفه آن در حفظ ثبات و سلامت نظام مالی است (صادقی شاهدانی و محسنی، ۱۳۹۲). معمولاً حوزه نظارت مالی متأثر از چهار رکن قوانین و مقررات نظارتی، ساختار نظارتی، عملکرد اجرای نظارت، و استقلال و وابستگی نهادهای ناظر است که در تنظیم گری مورد توجه قرار می گیرد (منظور و سیدحسین زاده یزدی، ۱۳۹۹). وجود متولی و نهاد تنظیم گر مالی اسلامی که ارکان تنظیم گری را در این حوزه فراهم کند از جمله مهم ترین نیازهای کشور است. هدایت اعتبارات، تأمین زیرساخت ها، حدود و ثغور فعالیت ها و همچنین تکالیف متقابل حاکمیت و بخش خصوصی در این صنعت از جمله مواردی است که باید در تنظیم گری لحاظ شود. همچنین رویکردهایی مانند شفاف سازی مقررات، استقرار سازوکارهای نوآورانه و توسعه سازوکارهای نظارتی مؤثر می بایست توسط این نهاد راهبری شود (طباطبائی نژاد و دیگران، ۱۳۹۹)؛ لذا تمرکز در ایران به مقوله تنظیم گری فضای فین تک ها به خصوص فین تک اسلامی با تعیین نهاد متولی از دیگر اولویت های مهم کشور برای بهبود ارتقای جایگاه ایران در شاخص جهانی فین تک اسلامی و رونق این بازار می باشد.

کتابنامه

- آزادگان مهر، ماندانا؛ قاسمی، اکرم؛ ردائی، نیلوفر و قاضی نوری، سپهر (۱۳۹۸). بررسی صنعت فین تک و تدوین برنامه سیاستی توسعه فین تک در ایران (۱): وضعیت فین تک در جهان. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- توحیدی، محمد؛ حکیمیان، مهدی و احمدوند، خلیل‌اله (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل فقهی ساختار صکوک بدون سررسید در بازار سرمایه اسلامی. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۳(۲)، ۴۰۱-۳۷۱.
- ثانوی فرد، رسول؛ اسدالله، مهسا و حمیدی‌زاده، علی (۱۳۹۸). الگوی کسب و کار بانکداری الکترونیک مبتنی بر ظهور فین تک‌ها و استارت‌آپ‌های مالی. *مدیریت توسعه فناوری*، (۲۵)، ۲۴۸-۱۹۵.
- حسینی، سیدعلی و مرشدی، فاطمه (۱۳۹۸). فین تک اسلامی در بازارهای مالی. تهران: پنجمین همایش مالی اسلامی.
- روحانی راد، شایان (۱۳۹۹). فین تک؛ جستاری در سطح جهان و ایران. *سیاست‌نامه علم و فناوری*، (۳۰)، ۷۵-۹۴.
- زینت‌بخش، امیرعباس (۱۳۹۳). صکوک سرمایه‌گذاری اخلاقی: ایده‌ای برای کمک مالی به سازوکار احیای دریاچه ارومیه. *بازار و سرمایه*، (۴۹ و ۵۰).
- سلیمی، علیرضا (۱۳۹۱). ضرورت توسعه اوراق بهادار اسلامی. *راهبرد، سال بیست و یکم*، (۶۵)، ۳۱۸-۲۹۱.
- صادقی شاهدانی، مهدی و محسنی، حسین (۱۳۹۰). *مدیریت مالی اسلامی (اصول و کارکردها)*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- صادقی شاهدانی، مهدی و محسنی، حسین (۱۳۹۲). بایسته‌های نظام مالی اسلامی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال پنجم، (۲)، ۳۸-۷.
- صراف، فاطمه و رحیمی، رحمان (۱۴۰۱). فین تک در صنعت بانکداری. *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۵(۷۴)، ۲۷-۴۱.
- طباطبائی‌نژاد، سیدصادق؛ معصومی‌نیا، غلامعلی و ثابت، سیدعبدالحمید (۱۳۹۹). اصول و ضوابط حاکم بر نهاد مالی اسلامی. *تحقیقات مالی اسلامی*، سال دهم، (۱)، ۵۶۲-۵۹۲.
- عسکری، محمد مهدی؛ صادقی شاهدانی، مهدی و سیقلو، سجاد (۱۳۹۵). شناسایی و اولویت‌بندی ریسک‌های پروژه‌های بالادستی نفت و گاز در ایران با استفاده از قالب

۳۶۹ *بررسی شاخص فین تک اسلامی و اولویت بندی نقاط تمرکز برای... / محمدجواد فدائی و دیگران مطالعات اقتصادی*

ساختار شکست ریسک (RBS) و تکنیک تاپسیس (TOPSIS). پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، (۷۸)، ۵۷-۹۶.

فدائی، محمدجواد؛ عطاردی، محمدرضا؛ جوان جعفری بجنوردی، علی (۱۴۰۲). گذار از دولت مدرن به دولت پلتفرمی: مطالعه‌ای دلالت‌پژوهانه و مبتنی بر آموزه‌های اقتصاد اشتراکی. فصلنامه علمی چشم‌انداز مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، ایران. ۱۰,۵۲۵۴۷/۱۲۳۴. JPAP.2023.229576

قائم، محمدرضا؛ دهقان دهنوی، محمدعلی و سادات مرادی، نرجس (۱۳۹۶). بررسی وضعیت استارت‌آپ‌های بانکی در حوزه خدمات نوین بانکداری (مطالعه موردی سیستم بانکداری ایران). اقتصاد و بانکداری اسلامی، (۲۰)، ۱۱۹-۱۴۰.

قنبری، یوسف؛ برقی، حمید و حجاریان، احمد (۱۳۹۳). مقاله «تحلیل و اولویت‌بندی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان لرستان با استفاده از تکنیک تاپسیس». فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال ششم، (۲۱)، ۱۶۹-۱۸۰.

کلانتری، خلیل (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها). تهران: خوش‌بین. منظور، داود و سیدحسین‌زاده یزدی، سعید (۱۳۹۹). تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری نظام مالی در ایران: ارزیابی مقایسه‌ای. فصلنامه پژوهش‌های پولی - بانکی، ۱۳ (۴۳)، ۱۴۹-۱۸۸.

میرابی، وحیدرضا؛ فلاح شمس، میرفیض؛ کوشان، ندا و سعیدی، نیما (۱۳۹۱). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر کیفیت خدمات الکترونیکی در بازار سهام با استفاده از روش تاپسیس فازی. مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، (۱۲)، ۱۴۷-۱۶۸.

هاشمی، سیدمحمود (۱۳۷۶). بانکداری اسلامی. تحقیقات اسلامی، سال دوازدهم، (۱ و ۲)، ۱۱۷-۱۲۲.

Abojeib, M. & Habib, F. (2019). *Blockchain for Islamic Social Responsibility Institutions*. In *Fintech as a Disruptive Technology for Financial Institutions*, pp. 221-240.

Biancone, P. P. & Radwan, M. (2019). Social finance and financing social enterprises: an Islamic finance prospective. *European Journal of Islamic Finance*, Special Is, 1-7.

Chishti, S. & Barberis, J. (2016). *The FINTECH Book: The Financial Technology Handbook for Investors, Entrepreneurs and Visionaries*. ISBN: 978-1-119-21887-6.

DinarStandard & Elipses (2022). *The Global Islamic Fintech (GIFT) Report 2022*. Retrieved from <https://www.dinarstandard.com/post/global-islamic-fintech-report-2022>

Hazik Mohamed & Hassnian, Ali (2017). *Blockchain, Fintech, and Islamic*

- Finance*, Published by Walter de Gruyter Inc., Boston/Berlin.
- Hwang, C. L. & Yoon, K. (1981). *Multiple attribute decision making: Methods and applications*. Springer-Verlag.
- Muryanto, Y.T.; Kharisma, D.B. & Ciptorukmi Nugraheni, A.S. (2022). Prospects and challenges of Islamic fintech in Indonesia: a legal viewpoint. *International Journal of Law and Management*, 64(2), 239-252.
- Oseni, U.A. & S. Nazim Ali (2019). *FINTECH IN ISLAMIC FINANCE Theory and Practice*, Routledge 2 Park Square, Milton Park, Abingdon, Oxon OX14 4RN.
- Rabbani, M. R.; Khan, S. & Thalassinos, E. I. (2020). FinTech, blockchain and Islamic finance: an extensive literature review. *International Journal of Economics and Business Administration*, 8(2), 65-86.
- Rachmawaty, Zaerofo, Afif. Jati, Waluyo (2021). Implementation Model of Qard Al Hasan for Indonesian Islamic Banking. *AL-INFAQ: Jurnal Ekonomi Islam*, 12(2).
- Saba, I.; Kouser, R. & Chaudhry, I. S. (2020). Fintech and Islamic Finance-challenges and Opportunities. *Review of Economics and Development Studies*, 5(4).
- Theo Lynn & John G. Mooney Pierangelo Rosati & Mark Cummins (2019). *Disrupting Finance FinTech and Strategy in the 21st Century(book)*.
- Wanjala, M. Y.; Chibololo, S. J.; Akasi, H. Y. & Omukaba, O. R. (2022). Islamic Investment Funds. *International Journal of Thesis Projects and Dissertations (IJTPD)*, 10(1), 21-31. Retrieved from www.researchpublish.com

References

- Abojeib, M. & Habib, F. (2019). Blockchain for Islamic Social Responsibility Institutions. In *Fintech as a Disruptive Technology for Financial Institutions*, 221–240.
- Askari, Mohammad Mehdi; Sadeghi Khabeni, Mehdi & Siflo, Sajjad. (2016). Identifying and prioritizing risks of upstream oil and gas projects in Iran using the Risk Breakdown Structure (RBS) framework and the TOPSIS technique. *Economic Research and Policies*, (78), 57-96. (In Persian)
- Azadegan Mehr, Mandana; Ghasemi, Akram; Redaei, Niloufar & Ghazi Nouri, Sepehr (2019). Survey of the Fintech Industry and Formulation of a Policy Plan for the Development of Fintech in Iran (1): The Status of Fintech in the World. Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (In Persian)
- Biancone, P. P. & Radwan, M. (2019). Social finance and financing social enterprises: an Islamic finance prospective. *European Journal of Islamic Finance.*, Special Is, 1–7.
- Chishti, S. & Barberis, J. (2016). *The FINTECH Book: The Financial Technology Handbook for Investors, Entrepreneurs and Visionaries*. ISBN: 978-1-119-21887-6.
- DinarStandard & Elipses (2022). The Global Islamic Fintech (GIFT) Report 2022. Retrieved from <https://www.dinarstandard.com/post/global-islamic-fintech-report-2022>

- Fadaei, Mohammad Javad; Attardi, Mohammad Reza; Javan Jafari Bojnourdi, Ali. Transition from Modern Government to Platform Government: A Denotative Study Based on the Teachings of the Sharing Economy", Quarterly Journal of Public Administration Perspectives, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Iran. 10.52547/JPAP.2023.229576.1234 (1402). (In Persian)
- Ghaemi, Mohammad Reza; Dehghan Dehnavi, Mohammad Ali & Sadat Moradi, Narjes (2017). Studying the Status of Banking Startups in the Field of New Banking Services (Case Study of the Iranian Banking System). Islamic Economics and Banking, (20), 119-140. (In Persian)
- Ghanbari, Yousef; Barki, Hamid & Hajjarian, Ahmad (2014). Article: "Analysis and prioritization of the degree of development of Lorestan province counties using the TOPSIS technique", Quarterly Journal of Urban and Regional Studies and Research, Year 6, (21), 169-180. (In Persian)
- Hashemi, Seyyed Mahmoud (1997). Islamic Banking. Islamic Research, Year 12, (1 and 2), 117-122. (In Persian)
- Hazik Mohamed and Hassnian Ali, (2017). Blockchain, Fintech, and Islamic Finance, Published by Walter de Gruyter Inc., Boston/Berlin.
- Hosseini, Seyed Ali & Morshidi, Fatemeh (2019). Islamic Fintech in Financial Markets, Fifth Islamic Finance Conference, Tehran. (In Persian)
- Hwang, C. L. & Yoon, K. (1981). *Multiple attribute decision making: Methods and applications*. Springer-Verlag.
- Kalantari, Khalil (2001). Regional Development Planning (Theories and Techniques), Tehran, Khoshbin Publications, 129-131. (In Persian)
- Manzoor, Davood & Seyed Hosseinzadeh Yazdi, Saeed (2019). Regulation and Regulation of the Financial System in Iran: A Comparative Assessment, Quarterly Journal of Monetary and Banking Research, 13(43), 149-188. (In Persian)
- Mirabi, Vahid Reza; Fallah Shams, Mir Faiz; Koshan, Neda & Saeedi, Nima (2012). Article: "Identifying and prioritizing factors affecting the quality of electronic services in the stock market using the fuzzy TOPSIS method", Journal of Financial Engineering and Securities Management, (12), Fall 2012, 147-168. (In Persian)
- Muryanto, Y.T.; Kharisma, D.B. & Ciptorukmi Nugraheni, A.S. (2022). Prospects and challenges of Islamic fintech in Indonesia: a legal viewpoint. International Journal of Law and Management, 64(2), 239-252.
- Oseni, U.A. & S. Nazim Ali (2019). FINTECH IN ISLAMIC FINANCE Theory and Practice, Routledge 2 Park Square, Milton Park, Abingdon, Oxon OX14 4RN.
- Rabbani, M. R.; Khan, S. & Thalassinis, E. I. (2020). FinTech, blockchain and Islamic finance: an extensive literature review. International Journal of Economics and Business Administration, 8(2), 65-86.
- Rachmawaty. Zaerofi, Afif & Jati, Waluyo (2021). Implementation Model of Qard Al Hasan for Indonesian Islamic Banking. AL-INFAQ: Jurnal Ekonomi Islam, 12(2).
- Rouhani Rad, Shayan (2012). Fintech; A global and Iranian research. Science and Technology Policy, (30), 75-94. (In Persian)

- Saba, I.; Kouser, R. & Chaudhry, I. S. (2020). Fintech and Islamic Finance-challenges and Opportunities. Review of Economics and Development Studies, 5(4).
- Sadeghi Khabeni, Mehdi & Mohseni, Hossein (2011). Islamic Financial Management (Principles and Functions). Imam Sadeq University (AS). (In Persian)
- Salimi, Alireza (2012). The Necessity of Developing Islamic Securities. Strategy, Year 21, (65), 291-318. (In Persian)
- Sanavifard, Rasoul; Asadollah, Mahsa & Hamidzadeh, Ali (2019). Electronic Banking Business Model Based on the Emergence of Fintechs and Financial Startups. Technology Development Management, (25), 195-248. (In Persian)
- Sarraf, Fatemeh & Rahimi, Rahman (1401). Fintech in the Banking Industry. Accounting and Management Perspectives, 5(7)4, 27-41. (In Persian)
- Tabataba'inejad, Seyyed Sadeq; Masouminia, Gholam Ali & Sabet, Seyyed Abdul Hamid (2019). Principles and Regulations Governing Islamic Financial Institutions. Islamic Financial Research, Year 10, (1), 562-592. (In Persian)
- Theo Lynn; John G. Mooney Pierangelo Rosati & Mark Cummins (2019). Disrupting Finance FinTech and Strategy in the 21st Century(book).
- Tohidi, Mohammad; Hakimian, Mehdi & Ahmadvand, Khalilollah (1400). A jurisprudential study and analysis of the structure of non-maturity Sukuk in the Islamic capital market. Islamic Economic Studies, 13(2), 371-401. (In Persian)
- Wanjala, M. Y.; Chibololo, S. J.; Akasi, H. Y. & Omukaba, O. R. (2022). Islamic Investment Funds. International Journal of Thesis Projects and Dissertations (IJTPD), 10(1), 21-31. Retrieved from www.researchpublish.com
- Zinatabakhsh, Amir Abbas (2014). Ethical Investment Sukuk: An Idea for Financial Assistance to the Urmia Lake Restoration Mechanism. Bazaar and Capital, (49 and 50). (In Persian)

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص. ۳۷۳-۴۰۴

مقاله برای اصلاح به مدت ۳۷ روز نزد نویسنده بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۳

مدل سازی قراردادهای مشارکتی و بدهی محور در بانکداری اسلامی از منظر قراردادهای ناقص

علی مصطفوی ثانی*

چکیده

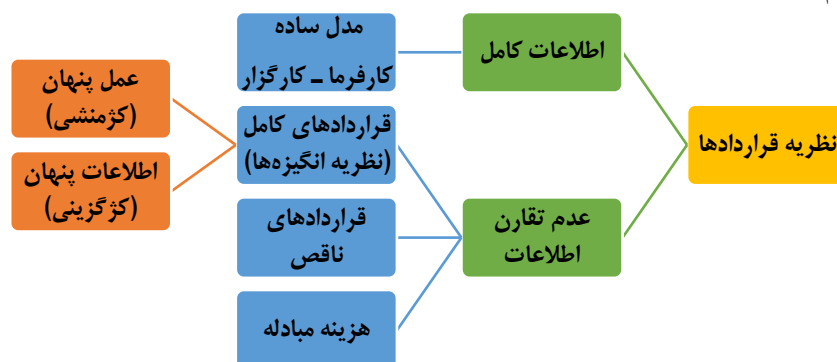
قراردادی که برخی جنبه‌های آن تصریح نشده باشد یا اجرای آن بدون هزینه امکان‌پذیر نیست، ناقص است. در فضای پیچیده و نامطمئن اقتصاد، معمولاً قراردادهای بانکی و مالی ناقص هستند. نظریه قراردادهای ناقص به واسطه همخوانی بیشتر با واقعیت‌های اقتصادی، توان بیشتری برای تحلیل روابط قراردادی دارد. قراردادهای مورد استفاده در بانکداری اسلامی به دو دسته عقود مشارکتی و عقود مبادله‌ای (بدهی محور) تقسیم می‌شوند. در مقاله پیشرو تلاش شد تا اثرهای مدل‌سازی قراردادهای ناقص در دو الگوی قراردادی مشارکتی و مبادله‌ای (بدهی محور) تحلیل شود. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در شرایط قراردادهای ناقص، به واسطه گرفتاری بانک در قراردادهای نامعتبر تسهیلات‌دهی، مشتریان به واسطه قدرت فرصت‌طلبی، حقوق بانک را به صورت کامل رعایت نمی‌کنند در این شرایط با در نظر گرفتن مسئله کنترل در طراحی نظام قراردادها به نظر می‌رسد که دو الگوی قراردادهای تجدیدشونده مشروط و همچنین الگوی قراردادهای مشارکت حقوقی، به واسطه اینکه امکان مداخله و تسلط بانک بر پروژه را ارتقا می‌دهند و مناسب‌تر هستند.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، عقود مشارکتی، الگوی کارگزار - کارفرما، قراردادهای ناقص.

طبقه‌بندی JEL: G20, D80, D86

مقدمه

ارتباط بین بانک (تسهیلات‌دهنده) و مشتری (تسهیلات‌گیرنده) را می‌توان از جوانب مختلف و با ابزارهای مختلفی از جمله نظریه قراردادهای (مدل‌سازی کارگزار - کارفرما) بررسی نمود. نظریه قراردادهای را می‌توان به جریان‌های متمایزی تقسیم کرد. این نظریه به سه دسته کلی نظریه انگیزه‌ها، نظریه هزینه مبادله و نظریه قراردادهای ناقص تقسیم‌بندی می‌شود.



منبع: (درخشان، ۱۳۹۵)

شکل (۱): نظریه قراردادهای به تفکیک زیربخش‌ها

نظریه انگیزه‌ها^۱ در دو حالت کژمنشی^۲ و کژگزینی^۳ به طراحی قرارداد بهینه می‌پردازند که حالت کژگزینی به بررسی حالت وجود اطلاعات پنهان می‌پردازد ولی مسئله کژمنشی در شرایطی که یکی از طرفین توان نظارت بر عملکرد طرف مقابل را ندارد، به وجود می‌آید.

در امتداد نظریه انگیزه‌ها، نظریه قراردادهای ناقص به وجود آمد که نقطه تمرکز این نظریه و ساختار تحلیل آن متفاوت از نظریه انگیزه‌ها بود، نظریه قرارداد ناقص آمده

1. Incentive theory

۲. مرجع بحث کژمنشی، مقاله "Uncertainty and the Welfare Economics of medical Care" است (Arrow, 1963).

۳. مرجع مسئله کژگزینی، مقاله "The Market for Lemons" است (Akerlof, 1970). کاربرد این مقاله در بازار اعتبار در مقاله "Credit Rationing in Markets with Imperfect Information" بررسی شده است (Stiglitz & Weiss, 1981).

است تا اثر چهارچوب نهادی را بر طراحی قراردادها آزمون کند. درواقع در شرایط قراردادهای ناقص مسئله این نیست که افراد اطلاعات موردنیاز را در اختیار ندارد بلکه اگر تمام اطلاعات را نیز در اختیار داشته باشند، امکان تحلیل این اطلاعات وجود ندارد (Williamson, 1985 & 1996; Grossman & Hart, 1986) یا نمی توان از این اطلاعات برای اجرایی سازی قرارداد استفاده نمود (Bardhan; Samuel, & Herbert, 2000). این نظریه بیان می کند که در شرایطی که نقص در قرارداد وجود دارد که باعث مشکل گرفتاری و به تبع آن به وجود آمدن شرایط فرصت طلبی یکی از طرفین قرارداد می شود، باید در طراحی قرارداد بهینه به غیر از جریان نقدی و بازده نقدی پروژه، اهمیت مسائلی دیگر مانند سازوکارهای مدیریت و کنترل در یک قرارداد مورد توجه قرار گیرد (Bowles, 2012). در این نظریه اگرچه نحوه تقسیم بازده نقدی یک پروژه مهم است؛ اما سازوکار کنترل و مدیریت یک پروژه سرمایه گذاری نیز به واسطه ایجاد مجموعه ای منافع شخصی (غیرنقدی) و همچنین ایجاد فضای فرصت طلبی، برای طرفین یک قرارداد بسیار مهم می شود. درخشان (۱۳۹۵) اشاره می کند که در نظریه قراردادهای ناقص، متغیرهای بهینه یابی کمی تغییر می کند و متغیرهایی مانند عنوان مالکیتی، حق کنترل، احتیاط، قدرت و اختیار، قوانین تصمیم گیری و... مدنظر قرار داده می شود. وجود نقص در قراردادها دلایلی متفاوتی دارد؛ ازجمله این دلایل می توان به اثبات ناپذیری قرارداد، هزینه مبادله، ابهام در قرارداد، پیچیدگی، عقلانیت محدود و نااطمینانی اشاره داشت که در بانکداری بدون ربای ایران نیز این عوامل را می توان رصد نمود (ندری و دیگران، ۱۳۹۹).

این پژوهش تلاش دارد تا بر مبنای چهارچوب قراردادهای کامل و قراردادهای ناقص، دو گونه کلی قراردادهای در بانکداری بدون ربای ایران (عقود مبادله ای (بدهی محور^۴) و عقود مشارکتی (مبتنی بر سهم بری^۵)) را تحلیل و بررسی نماید.

۴. ازجمله قراردادهای با مبادله ای یا به تعبیر دیگر درآمد ثابت، می توان به قراردادهایی مانند فروش اقساطی، بیع دین، سلف، قراردادهای مبتنی بر اجاره، مرابحه و جعاله اشاره نمود.

۵. عقود مبتنی بر سهم بری، قراردادهایی هستند که خصیصه بارز این قرارداد آن است که در آن نفع عرضه کنندگان وجوه به صورت درصد ثابت از قبل معین در قرارداد تصریح نمی شود و نرخ بازده آنها قبل از اجرای طرح های

۱. سابقه پژوهش

گرچه در انطباق الگوی کارگزار - کارفرما بر فعالیت‌های بانک در ادبیات متعارف فعالیت‌های معتنا بهی انجام گرفته است؛ اما این موضوع در فضای مقالات داخلی همچنان مورد توجه جدی قرار نگرفته است. پژوهش‌های انجام گرفته در فضای نظریه انگیزه‌ها در حوزه بانکداری اسلامی تمرکز بر مسئله کژگزینی و کژمنشی بوده و هیچ‌یک وارد فضای قراردادهای ناقص نشده‌اند.

- زاهدی وفا و قوامی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «الگوی مضاربه بر مبنای الگوی مدیر - عامل در شرایط کژمنشی»، به تجزیه و تحلیل عقد مضاربه در قالب الگوی کارگزار - کارفرما در شرایط اطلاعات نامتقارن و در حالت کژمنشی پرداختند.

- عبدلی و قوامی (۱۳۹۱)، به انطباق نظریه بازی‌ها (الگوی مدیر - عامل) در عقد مشارکت مدنی می‌پردازند که در این پژوهش باتوجه به شرایط اطلاعات متقارن و نامتقارن به تحلیل عقد مشارکت مدنی پرداخته شده است و بهترین راهبرد که منجر به سود حداکثری می‌شود، مشخص گردیده است.

- قوامی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «مدل نظری حل مشکل کژگزینی در عقود مشارکتی بانکداری اسلامی»، یک الگوی نظری برای عقود مشارکتی در قالب الگوی کارگزار کارفرما در شرایط اطلاعات نامتقارن و در حالت کژگزینی ارائه می‌دهد و هزینه‌بر بودن عقود مشارکتی در شرایط کژگزینی برای بانک را تأیید می‌کند و همچنین امکان پذیر بودن حذف شرایط اطلاعات نامتقارن میان بانک و مشتری در صورت پابندی کامل به مقررات اسلامی را نشان می‌دهد.

- قوامی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی اثر علامت‌دهی متغیرهای قراردادهای مالی بدهی و مشارکت»، اثر علامت‌دهی متغیرها در نظریه قراردادها در فضای اطلاعات نامتقارن بررسی کرده و نشان می‌دهند که اثر علامت‌دهی می‌تواند مسئله کژگزینی و کژمنشی را در قراردادهای بانکداری اسلامی تعدیل نماید.

سرمایه‌گذاری معلوم نیست بلکه پس از اتمام طرح مشخص می‌شود و نفع عرضه‌کنندگان وجوه به شکل درصد معینی از بازده سرمایه‌گذاری تعیین می‌شود (Errico & Farahbaksh, 1998, p. 60)؛ ازجمله قراردادهای مبتنی بر سهم‌بری می‌توان به قراردادهای مشارکت، مضاربه، مزارعه، مساقات اشاره نمود.

- طغیانی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل موضوع اطلاعات نامتقارن در قراردادهای مشارکتی بانکداری بدون ربا و راه‌کارهای آن»، نشان داده‌اند که می‌توان بر اساس اصل آشکارسازی، قراردادهایی ارائه شود که علاوه‌بر حداکثرسازی سود بانک، مسئله کژگزینی را نیز مرتفع نماید.
 - بهاروندی و احمدی حاجی‌آبادی (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «خطر اخلاقی و ارائه الگوی کاربردی کاهش آن در عقود مشارکتی»، سعی نموده‌اند که الگویی کاربردی برای کاهش خطر اخلاقی با استفاده از ابزارهایی مانند کمیته نظارت، بازرسی مستمر و... برای بانک ارائه دهند.
 - صدر (۱۳۸۴)، در پژوهشی با عنوان «انتخاب کارآمد ابزارهای مالی اسلامی و اطلاعات نامتقارن»، نشان می‌دهد که عملیات نظارت، در انتخاب ابزارهای کارآمد مشارکتی و غیر آن برای حل مشکل عدم تقارن اطلاعات مؤثر است.
- در فضای بین‌المللی ازجمله مقالات معروف در زمینه قراردادهای ناقص، می‌توان به مقاله هارت^۶ (۲۰۱۷)، با عنوان «قراردادهای ناقص و کنترل» و یا مقاله تیرو^۷ (۱۹۹۹) با عنوان «قراردادهای ناقص: ما کجا ایستاده‌ایم» اشاره نمود؛ البته مقاله هارت به دلالت‌های قراردادهای ناقص برای بازارهای مالی نیز اشاره می‌نماید؛ همچنین مقاله آگیون و بولتون^۸ (۱۹۹۲)، نشان می‌دهد که قراردادهای مالی ذاتاً ناقص هستند.
- پژوهش‌های اندکی که در اقتصاد ایران با روش قراردادهای ناقص انجام گرفته‌اند مانند: اخوان (۱۳۹۳)، اخوان و همکاران (۱۳۹۴) که کاربست نظریه قراردادهای ناقص در فضای قراردادهای نفتی را دنبال نموده‌اند، و یا نصیری اقدام (۱۳۸۵)، و نادران و شکوهی (۱۳۹۱) که صرفاً به معرفی این نگاه در حوزه قراردادها پرداخته‌اند و هیچ‌یک ورودی به مسئله قراردادهای بانکداری اسلامی نداشته‌اند، و لذا به نظر می‌رسد موضوع این پژوهش یعنی بررسی عقود مشارکتی و مبادله‌ای در بانکداری اسلامی از منظر قراردادهای ناقص، موضوعی کاملاً نو به‌شمار می‌رود.
- نوآوری و تمایز دیگر این پژوهش حرکت به سمت مدل‌سازی قراردادهای بانکی

6. Hart

7. Tirole, 1999

8. Aghion & Bolton

در شرایط قراردادهای ناقص در افق نامحدود یا به عبارت دیگر مدل سازی قرارداد با قابلیت تمدید بین تسهیلات گیرنده و تسهیلات دهنده است. با توجه به اینکه یکی از مهم ترین ابعاد در مدل سازی رابطه بانک و مشتری (تسهیلات گیرنده)، تبدیل بازی یک دوره ای به یک بازی تکراری است و مطابق ادبیات، اگر رابطه بانک و مشتری به یک رابطه تسهیلات دهی قابل تمدید تبدیل شود، قدرت نظارت و کنترل بانک بر رفتار تسهیلات گیرنده افزایش می یابد. همچنین این پژوهش سعی نموده است با تفکیک بین قراردادهای مشارکت مدنی و حقوقی، تمایز اجرایی و حقوقی بین این دو نوع قرارداد را در خروجی های اقتصادی آن نشان دهد؛ به عبارت دیگر نشان خواهد داد که قراردادهای مشارکت حقوقی در شرایط قراردادهای ناقص می توانند به عنوان یک الگوی قراردادی مطلوب برای کاهش مشکلات قراردادهای ناقص نقش آفرینی داشته باشند که این مسئله تاکنون در پژوهش های بانکداری اسلامی مورد توجه قرار نگرفته است. در نهایت اگرچه نظریه قراردادها به اشکال مختلف در حوزه قراردادهای مالی و بانکی کاربرست یافته است؛ اما هیچ کدام چهارچوب مدنظر این پژوهش را نداشته و مسیر این پژوهش را طی ننموده اند و این ساختار مقایسه بین عقود مشارکتی و مبادله ای بر مبنای قراردادهای ناقص و تفکیک بین عقود مشارکت مدنی و حقوقی، در هیچ اثر دیگری مسبوق به سابقه نیست.

۲. فروض مدل سازی

اگر اجرای پروژه مورد نظر کارگزار (تسهیلات گیرنده) نیازمند یک میلیون تومان سرمایه باشد، فروض مدل بدین صورت خواهد بود:

- تمام بازیگران ریسک ختنی هستند.
- احتمال شکست پروژه سرمایه گذاری برابر f باشد.
- احتمال شکست این سرمایه گذاری (f) مساوی ریسک پروژه است که در اختیار کارگزار است.
- هرچه کارگزار ریسک بیشتری انجام دهد، عایدی بیشتری به دست خواهد آورد؛ اما احتمال شکست پروژه (f) نیز افزایش می یابد. در این مدل، متغیر f هم نشان دهنده

ریسک و هم بازده پروژه است (همراهی ریسک و بازده). هرچه f افزایش یابد عایدی بیشتری نصیب کارگزار می شود و متناظراً احتمال شکست (ریسک) نیز افزایش می یابد.

- با اجرای موفق پروژه، بازده پروژه مقدار μf خواهد شد (μ یک ضریب ثابت و مثبت که بیانگر کیفیت پروژه است) و در صورت شکست پروژه، بازده برابر صفر خواهد شد. در نتیجه بازده انتظاری، برآمده از کل هزینه ها می شود:

$$r = \mu f(1 - f) \quad (1)$$

تفسیر این معادله بیانگر این است که بازده متناسب با مقدار ریسک (f) افزایش می یابد و حداکثر بازده، در نقطه حداکثر ریسک خواهد بود.

اگر در معادله ۱ بازده انتظاری را متناسب با احتمال شکست f حداکثر نماییم، در نتیجه f برابر خواهد شد با:

$$f^* = \frac{\mu}{2\mu} = \frac{1}{2} \quad (2)$$

از معادله بالا می توان گفت که حداکثر بازده انتظاری اجرای این پروژه برابر $1/2$ خواهد بود و حداکثر بازده انتظاری در این مدل برابر $r^* = \frac{\mu}{4}$ خواهد بود.

- کارگزار وارد این پروژه سرمایه گذاری خواهد شد به این شرط که بازده انتظاری این پروژه سرمایه گذاری از $(1+p)$ یا همان نرخ بازده بدون ریسک^۹ زیادتر باشد.

$$r \geq 1+p$$

لذا

$$\mu \geq 4(1+p) \quad (3)$$

عبارت بالا بیان می کند که برای اینکه پروژه قابلیت اجرا داشته باشد، بازده پروژه باید حداقل برابر بازده بدون ریسک $(1+p)$ باشد، در نتیجه باید بهره وری پروژه به صورت معادله (۱) باشد (این روابط به این دلیل است که هنگامی که در شرایط بهینه ریسک برابر $(1/2)$ شود، بازده انتظاری سرمایه گذاری نیز برابر $\mu^{(1/2)(1/2)}$ می شود).

۹. در حقیقت تابع بازده انتظاری بر مبنای هزینه فرصت سرمایه گذاری $1+p$ (اگر سرمایه گذار اقدام به سرمایه گذاری در این پروژه نکند، می تواند به جای آن ۱ میلیون تومان سرمایه خود را در یک دارایی بدون ریسک با نرخ سود p سرمایه گذاری نموده و در پایان دوره $1+p$ به دست می آورد) محاسبه می شود. در واقع این قید، مشارکت تسهیلات دهنده برای سرمایه گذاری در پروژه است.

۳. تأمین مالی در شرایط قراردادهای کامل^{۱۰}

دو روش کلی تأمین مالی، تأمین مالی مبتنی بر مشارکت^{۱۱} و یا تأمین مالی بدهی محور^{۱۲} است. در این حالت‌ها، مسئله کارگزار - کارفرما وجود دارد. الگوی کارگزار - کارفرما یا نظریه نمایندگی هنگامی طرح می‌شود که اجرای یک فعالیت اقتصادی توسط یک فعال اقتصادی به فرد دیگری واگذار گردد که بر این اساس قراردادی تنظیم می‌شود که بر اساس مقررات آن یک طرف مسئول و متصدی انجام فعالیت یا اتخاذ تصمیم از طرف فرد دیگر است که به او عامل یا کارگزار می‌گویند و طرف مقابل که مسئولیت یا کار یا وظیفه‌ای را به دیگری واگذار می‌کند، کارفرما یا مدیر خواهد بود. در ادامه تسهیلات‌گیرنده کارگزار و بانک کارفرما خواهد بود.^{۱۳}

۳-۱. تأمین مالی قراردادهای مبادله‌ای

اگر کارگزار برای اجرای پروژه نیازمند دریافت تسهیلات ۱ میلیون تومانی باشد، کارفرما (بانک) اولاً، درخواست بازدهی برای این سرمایه‌گذاری دارد و ثانیاً، متقاضی است تا اصل مبلغ تسهیلات (۱ میلیون تومان) و همچنین سود آن به بانک بازگردد. فرض می‌شود که میزان اصل سرمایه به علاوه سود برابر ۶ می‌شود، در نتیجه اصل سرمایه ۱-۶ خواهد شد. همچنین فرض می‌شود که اصل و سود سرمایه (۶) در صورت موفقیت پروژه به بانک بازخواهد گشت و در صورت شکست پروژه، هیچ مبلغی به بانک نخواهد رسید؛ لذا احتمال بازپرداخت مقدار اصل و سود سرمایه (۱-f) خواهد شد.^{۱۴}

حسب این فروض درآمد انتظاری کارگزار را می‌توان محاسبه کرد. در هر دوره

۱۰. منظور از قراردادهای کامل شرایطی است که ریسک اجرا را می‌توان در قالب قرارداد لازم‌الاجرا کرد.

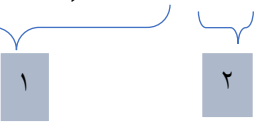
11. Equity base financing

12. Debt base financing

۱۳. در قرارداد بین یک بنگاه و بانک (نهاد تأمین مالی‌کننده) معمولاً فرض بر این است که کارفرما (بانک) قرارداد را طراحی می‌کند و آن را به کارگزار پیشنهاد می‌نماید و کل قدرت چانه‌زنی در اختیار کارفرما است و کارگزار بعد از مطالعه شرایط و مفاد قرارداد، می‌تواند آن را رد و یا بپذیرد.

۱۴. هر دو نوع قراردادهای مبادله‌ای یا مشارکتی ریسک نکول و عدم پرداخت را در خود دارند و لذا فرض عدم برگشت در صورت شکست پروژه برای هر دو وجود دارد؛ اما تمایز بین این دو قرارداد در ریسک مربوط به بازده است، بدین‌نحو که مقدار سود سرمایه (۶) در قراردادهای بدهی محور منفک از بازده پروژه است. حال آنکه در قراردادهای مشارکت مبتنی بر سهم‌بری از بازده انتظاری پروژه است.

درآمد انتظاری کارگزار (y) تابعی از دو عامل ریسک (احتمال شکست پروژه) و نرخ بهره سرمایه دریافت شده است. در نتیجه درآمد انتظاری کارگزار (تسهیلات گیرنده) برابر می شود با:

$$\begin{aligned} y(f, \sigma) &= \mu f(1-f) - \sigma(1-f) + 0f \\ &= (\underbrace{\mu f}_{1})(1-f) + 0f \end{aligned} \quad (4)$$


در صورت موفقیت پروژه کارگزار، مقدار (۱) و در صورت شکست کارگزار، مقدار صفر یعنی عبارت (۲) را دریافت خواهد کرد.

تابع سود کارفرما (تسهیلات دهنده) را نیز می توان مشخص نمود. این معادله سود تابعی مقدار سود به علاوه اصل سرمایه و احتمال شکست پروژه است. تابع سود کارفرما:

$$\pi(\sigma, f) = \sigma(1-f) + 0f \quad (5)$$

در این پروژه، منافع کارفرما و کارگزار به یکدیگر پیوند خورده است؛ لذا بر مبنای مدل کارگزار - کارفرما، کارفرما متناسب با عملکرد کارگزار سود خود را حداکثر می کند. برای این منظور کارفرما باید قید مشارکت^{۱۵} کارگزار و همچنین قید سازگاری انگیزشی^{۱۶} او را در تابع حداکثرسازی سود خود لحاظ نماید. اگر تقارن اطلاعات برقرار باشد، کارفرما بر رفتار کارگزار نظارت کاملی خواهد داشت که در این شرایط، قرارداد سازگاری انگیزشی درونی دارد.^{۱۷}

گزینه بهترین جایگزین^{۱۸} کارگزار، یعنی عدم مشارکت در پروژه، بازده صفر ($z=0$) است؛ البته متناسب با قید مشارکت کارگزار می توان انتظار داشت که بازده بیشتر از

15. Participation constraint

16. Incentive compatibility

۱۷. البته باید توجه داشت که سازگاری انگیزشی ممکن است که متناسب با نوع قرارداد (به اعتبار نوع و نحوه پرداخت به کارگزار) و تقارن یا عدم تقارن اطلاعات تغییر کند (زاهدی وفا و قوامی، ۱۳۹۰).

18. Next-best alternative

صفر باشد.

همچنین اگر فرض کنیم کارفرما از «سطح ریسک» اطلاع دارد^{۱۹} و می‌تواند آن را در قرارداد لازم‌الاجرا نماید، احتمالاً کارفرما (بانک) قراردادی را به کارگزار (تسهیلات‌گیرنده) پیشنهاد می‌دهد که در آن $y=0$ باشد^{۲۰} و در نتیجه قید مشارکت کارگزار به حالت الزام‌آور یا تساوی^{۲۱} تبدیل خواهد شد، و بر این اساس تسهیلات‌دهنده می‌تواند سود خود را متناسب با قید مشارکت حداکثر نماید. در این شرایط تسهیلات‌دهنده تابع سود خود را بر مبنای سود سرمایه و میزان ریسک (σ, f^*) به نحوی که قید مشارکت کارگزار مراعات شود، حداکثر می‌سازد. تابع سود تسهیلات‌دهنده متناسب با قید مشارکت کارگزار بدین شکل می‌شود: حداکثرسازی تابع سود تسهیلات‌دهنده:

$$\pi(\sigma, f) = \sigma(1-f) + 0f \quad (6)$$

متناسب با قید مشارکت کارگزار (تسهیلات‌گیرنده):

$$y(\sigma, f) = \mu f(1-f) - \sigma(1-f) \geq z \quad (7)$$

در شرایط قراردادهای کامل، تسهیلات‌دهنده می‌تواند به تسهیلات‌گیرنده قراردادی را پیشنهاد دهد که قید مشارکت او را نیز الزام‌آور کند:

$$y(\sigma, f) = \mu f(1-f) - \sigma(1-f) = z = 0 \quad (8)$$

در نتیجه

$$\sigma^* = f^* \mu \quad (9)$$

جای‌گذاری این مقدار در تابع سود تسهیلات‌دهنده نتیجه می‌دهد:

$$\pi(f) = (1-f)\mu f \quad (10)$$

متناسب با این عبارت، تابع سود تسهیلات‌دهنده حداکثر خواهد شد که مشابه حالتی

۱۹. هنگامی که احتمال کژمنشی در یک قرارداد وجود داشته باشد، علاوه بر قید مشارکت، نیاز به قید سازگاری انگیزشی نیز وجود دارد؛ اما متناسب با فروض این مدل، مسئله کژمنشی در اینجا مطرح نیست.

۲۰. لازم به ذکر است که در مسئله کارگزار اگر مقدار z افزایش یابد، باعث کاهش مازاد رفاه طرف دیگر خواهد شد. به عبارتی برای هر دسته از مؤلفه‌ها اگر یک سطح تولید ایجاد می‌شود که بازده حاصل از آن باید بین طرفین تقسیم شود و افزایش در سهم یکی از طرفین سهم دیگری را کاهش می‌دهد.

21. Binding constraint

است که خود کارگزار، تأمین مالی پروژه را بر عهده داشت و میزان $f=1/2$ می شود. باتوجه به اینکه درآمد انتظاری کارگزار صفر ($y=0$) در نظر گرفته شده است؛ لذا تابع سود تسهیلات گیرنده $f\mu = \sigma$ خواهد شد. این عبارت بدین معناست که $\sigma(f) = f\mu$ خواهد شد؛ یعنی کاهش نرخ سود سرمایه، موجب کاهش ریسک (احتمال شکست پروژه) نیز خواهد شد. همچنین به دلیل اینکه درآمد انتظاری کارگزار (تسهیلات گیرنده) صفر شده است، تسهیلات گیرنده نسبت به مسئله ریسک (f) بی تفاوت خواهد شد؛ در نتیجه تسهیلات دهنده می تواند با دستکاری و تغییر میزان ریسک، سود خود را حداکثر نماید؛ در نتیجه میزان ریسک مساوی $1/2$ خواهد شد. جای گذاری این مقدار ریسک ($f=1/2$) در تابع اولیه سود، مقادیر بهینه این دو متغیر (σ^*, π^*) را تعیین می کند:

$$\sigma^* = f\mu \quad (11)$$

$$\sigma^* = \mu/2 \quad (12)$$

$$\pi^* = \pi(\sigma^*, f^*) \quad (13)$$

$$= \mu/4 \quad (14)$$

مقادیر میزان ریسک و عامل نرخ بهره (f^*, σ^*) ، درآمد انتظاری تسهیلات گیرنده را صفر^{۲۲} می کنند:

$$y^* = y(\sigma^*, f^*) = 0 \quad (15)$$

در این شرایط تسهیلات دهنده تمام مازاد رفاه را تصاحب می کند؛ ولی کارآفرین (تسهیلات گیرنده) از مازاد رفاه، سهمی نمی برد؛ زیرا تسهیلات دهنده متناسب با قید مشارکت تسهیلات گیرنده، بازده خود را حداکثر می کند. در این مدل که می توان در قرارداد ریسک پروژه (احتمال شکست) را لحاظ و لازم الاجرا نمود، مقدار ریسک شبیه حالتی است که خود کارگزار تأمین مالی پروژه را انجام دهد و تمایز بین تسهیلات دهنده

۲۲. با توجه به اینکه فرض شده است که سرمایه گذار (بانک) قدرت انحصاری دارد؛ لذا با توجه به قدرت چانه زنی خود سعی خواهد نمود که سهم کارآفرین از پروژه را به صفر برساند ($z=0$)؛ البته اگر این فرض در نظر گرفته نمی شد باز هم مقدار ریسک (f) تغییری نمی کرد؛ اما به اندازه همین مقدار (z) از سود تسهیلات دهنده کسر شده ($\pi^* = \frac{\mu}{4} - z$) و به درآمد قرض گیرنده افزوده ($y^* = Z$) می شود.

و تسهیلات گیرنده از بین می‌رود، و به تعبیری دیگر تفویض فعالیت‌های اقتصادی به کارفرما بدون هزینه است که البته با شرایط در دنیای واقعی کاملاً متفاوت است.

۳-۲. تأمین مالی بر اساس عقود مشارکتی

برای تأمین مالی کارگزار می‌تواند از قراردادهای مشارکتی به جای قراردادهای مبادله‌ای استفاده کند و در نتیجه کارگزار بخشی از تأمین مالی را از ثروت شخصی (k) انجام می‌دهد (مانند عقد مشارکت) یا اگر سهم کارگزار در تأمین مالی صفر شود ($k=0$)، ساختار قرارداد به عقد مضاربه تبدیل خواهد شد.

در این شرایط سرمایه‌گذار به جای مطالبه سودی به میزان (مبلغ یا درصد) ثابت از کارگزار، سهم مشخصی از نتیجه نهایی سرمایه‌گذاری در هر دو حالت موفقیت و عدم موفقیت تقاضا خواهد داشت. سهم تسهیلات گیرنده (کارگزار) برابر $(1-s)$ و سهم تسهیلات دهنده (بانک)^{۲۳} برابر s از بازده پروژه خواهد شد.

شرط بانک، برای مشارکت در پروژه این است که تسهیم سود به گونه‌ای انجام شود که سرمایه‌گذاری بانک حداقل به اندازه سربه‌سر بازده داشته باشد ($0 < s < 1$). با این شرایط، وی موافق با تأمین مالی است، اگر قید مشارکت ذیل که معادل نسبت سود سرمایه‌گذاری بانک به سود مورد انتظار از پروژه است، برقرار باشد.

$S \geq$ سود انتظاری پروژه / سود انتظاری بانک

$$s \geq \frac{(1-k)(1+\rho)}{\mu f(1-f)} \quad (۱۶)$$

این معادله حداقل نسبت تسهیم سود برای بانک (تسهیلات دهنده) را تعیین می‌نماید که ارتباط مستقیم با مؤلفه مبلغ مورد نیاز تأمین مالی و سود انتظاری بانک دارد و رابطه معکوس با متغیر سودآوری پروژه دارد.

بازده انتظاری تسهیلات گیرنده در قرارداد مشارکت در رابطه ذیل مشخص شده است:

$$y = (1-s)f\mu(1-f) + f(1-s)0 - k(1+\rho) \quad (۱۷)$$

مؤلفه s را می‌توان در معادله بالا جایگزین نمود که در نتیجه در این رابطه به دست خواهد آمد:

۲۳. سهم بانک در حالت تحقق یا عدم تحقق پروژه یکسان است.

$$y(f, \rho) = f\mu(1-f) - (1+\rho) \quad (18)$$

همچنین سود انتظاری بانک از مشارکت در این پروژه برابر می شود با:

$$\pi = sf\mu(1-f) - (1-k)(1+\rho) \quad (19)$$

معادله فوق با جایگزینی مؤلفه S برابر صفر می شود و سود انتظاری بانک نیز صفر می شود.

از جمع بازده انتظاری بانک و تسهیلات گیرنده، بازده کل سرمایه گذاری حاصل می شود:

$$v = \pi + y = \mu f(1-f) - (1+\rho) \quad (20)$$

از تابع v بهینه اول ریسک به دست می آید:

$$\frac{\partial v}{\partial f} = \mu - 2\mu f = 0 \quad (21)$$

$$f = \frac{1}{2} \quad (22)$$

در نتیجه، در تأمین مالی مشارکتی میزان ریسک مانند تأمین مالی قراردادهای

مبادله ای خواهد شد. اگر متغیر f در تابع بازده اجتماعی جایگزین شود:

$$v = \frac{\mu}{4} - (1+\rho) \quad (23)$$

همچنین از جایگزین نمودن مقدار f در تابع بازده انتظاری کارگزار نیز برابر خواهد شد:

$$y = \frac{\mu}{4} - (1+\rho) \quad (24)$$

این عبارت همیشه مثبت است؛ یعنی مقدار $\frac{\mu}{4} \geq (1+\rho)$ است (که در معادلات

قبلی نیز بیان شد).

حسب این نتیجه، برای اینکه پروژه قابلیت اجرا داشته باشد باید بازده انتظاری

پروژه حداقل مساوی بازده بدون ریسک $(1+\rho)$ شود، در نتیجه بهره وری پروژه باید

بدین صورت باشد: $\mu \geq 4(1+\rho)$. در فرایند تأمین مالی مشارکتی، سود بانک برابر صفر

خواهد بود و همه مازاد به کارگزار می رسد.

۴. تأمین مالی در شرایط قرارداد ناقص

اگر حداقل یکی از عوامل نقص در قرارداد مانند اثبات ناپذیری قرارداد، پیچیدگی در

قرارداد، ابهام در قرارداد و... وجود داشته باشد، در این شرایط می بایست مدل سازی بر

اساس فروض قراردادهای ناقص انجام گیرد. ندری و همکاران (۱۳۹۹)، نشان می دهند

که این عوامل ایجاد نقص در قرارداد در فضای قراردادهای بانکی کشور قابل رصد و مشاهده است و لذا تحلیل رابطه تسهیلات گیرنده و تسهیلات دهنده در بانکداری بدون ربا برای ایران را می توان بر اساس چهارچوب قراردادهای ناقص انجام داد.

۴-۱. تأمین مالی مبتنی بر عقود مبادله ای (بدهی محور)

برخلاف حالت قرارداد کامل که بانک می تواند میزان ریسک را برای تسهیلات گیرنده در قرارداد لازم الاجرا نماید و بر اساس آن تابع بازده خود را حداکثر نماید، در شرایط قرارداد ناقص بانک نمی تواند در قرارداد مقدار ریسک (f) را لحاظ و الزام آور^{۲۴} کند و ممکن است تسهیلات گیرنده ریسک بالایی را انتخاب کند که باعث کاهش بازده انتظاری بانک خواهد شد، در این شرایط به این دلیل که تسهیلات گیرنده میزان ریسک خود را متناسب با میزان نرخ سود بانک انتخاب می کند، تنها ابزار قدرت و چانه زنی بانک، میزان ۵ (یا به عبارتی نرخ سود) برای جهت دهی به رفتار تسهیلات گیرنده خواهد بود. در این شرایط بانک ابتدا باید بداند که تسهیلات گیرنده متناسب با هر نرخ سودی، چه حدی از ریسک را انتخاب می کند تا متناسب با تابع عکس العمل تسهیلات گیرنده به نرخ سود، بازده خود را حداکثر نماید. بر این اساس شیوه حل مسئله بهینه یابی در این بخش متفاوت از بخش قبل می شود. به عبارت دیگر حل این مدل کارگزار کارفرما بر اساس مدل های پی در پی^{۲۵} انجام می شود؛ لذا ابتدا بهترین پاسخ^{۲۶} (سطح ریسک) تسهیلات گیرنده برای هر نرخ سودی که بانک پیشنهاد می دهد، معین می شود؛ سپس بانک با در نظر گرفتن بهترین پاسخ تسهیلات گیرنده، سود خود را بر مبنای متغیر نرخ سود تعیین می کند.

۴-۱-۱. تابع بهترین پاسخ تسهیلات گیرنده

در تابع بهترین پاسخ تسهیلات گیرنده، متناسب با میزان نرخ سودی که بانک پیشنهاد می کند، منافع و هزینه های نهایی هر سطح از ریسک مشخص شود. تابع بهترین پاسخ تسهیلات گیرنده بدین نحو محاسبه می شود که با در نظر گرفتن متغیر نرخ سود (۵) که

24. Enforceable

25. Sequentially

26. Best response level of risk

توسط بانک تعیین می گردد، تسهیلات گیرنده مقدار ریسک (f) را به نوعی در نظر می گیرد که بتواند درآمد انتظاری خود را بیشینه سازد:

$$y(f, \sigma) = \mu f(1 - f) - \sigma(1 - f) \quad (25)$$

دیفرانسیل معادله بالا نسبت به f محاسبه شده و برابر صفر قرار داده می شود تا تابع بهترین پاسخ تسهیلات گیرنده تعیین گردد که یک تعادل بین منافع نهایی و هزینه نهایی خواهد شد:

$$\frac{\partial y}{\partial f} = \frac{-\mu(1 - 2f)}{mc} \quad (25)$$

از عبارت بالا میزان f را محاسبه می شود، در نتیجه تابع بهترین پاسخ 27 (BRF) تسهیلات گیرنده برابر می شود با

$$f(\sigma) = \frac{1}{2} + \frac{6}{2\mu} \quad (26)$$

عبارت بالا بیان می کند که تسهیلات گیرنده، میزان ریسک را بر مبنای کیفیت پروژه (μ) (که متغیری برون زاست) و عامل بهره (σ) تعیین می کند. همچنین متناسب با کاهش میزان نرخ سود بانک (σ)، مقدار ریسک تسهیلات گیرنده نیز کاهش خواهد یافت که اگر مقدار نرخ سود برابر صفر شود ریسک (f) برابر $1/2$ خواهد شد و هرچه نرخ بهره بانک افزایش یابد موجب افزایش مقدار ریسک پروژه نیز خواهد شد. همچنین یک رابطه معکوس بین درآمد انتظاری تسهیلات گیرنده با عامل تنزیل برقرار است؛ یعنی در شرایطی که ریسک و عامل تنزیل کاهش می یابند، درآمد انتظاری تسهیلات گیرنده افزایش می یابد.

۴-۱-۲. حداکثر سازی تابع سود تسهیلات دهنده

در این قرارداد حداقل بازده انتظاری تسهیلات دهنده، باید بیشتر یا مساوی صفر باشد؛ همچنین در شرایط قرارداد ناقص، بانک برای ترغیب تسهیلات گیرنده به رفتار محتاطانه و کاهش ریسک، سهمی از سود پروژه را به تسهیلات گیرنده واگذار می کند (رانتی نصیب تسهیلات گیرنده می شود). بانک متناسب با بهترین پاسخ تسهیلات دهنده تابع سود انتظاری خود را (قید سازگاری انگیزشی) حداکثر می نماید؛ البته در این شرایط

27. Best response function

میزان ریسک تابعی از نرخ سود (σ) خواهد بود.

$$\pi(\sigma, f) = (1 - f(\sigma))\sigma \quad (27)$$

جای گذاری تابع بهترین پاسخ تسهیلات گیرنده را در تابع سود انتظاری بانک:

$$\pi(\sigma) = \left(-\frac{1}{2\mu}\sigma^2 + \frac{1}{2}\sigma\right) \quad (28)$$

برای حداکثرسازی تابع سود، مشتق تابع سود تسهیلات دهنده نسبت به σ را برابر

صفر در نظر می گیریم تا شرط مرتبه اول بانک به دست آید: $mrs=mrt$

شرط مرتبه اول:

$$\frac{d\pi}{d\sigma} = \frac{1}{2} - \frac{\sigma}{\mu} = 0 \quad (29)$$

با حذف مقدار f از شرط مرتبه اول:

$$\sigma^N = \frac{\mu}{2} \quad (30)$$

حال برای اینکه دریابیم که تسهیلات دهنده چگونه به این میزان σ واکنش نشان

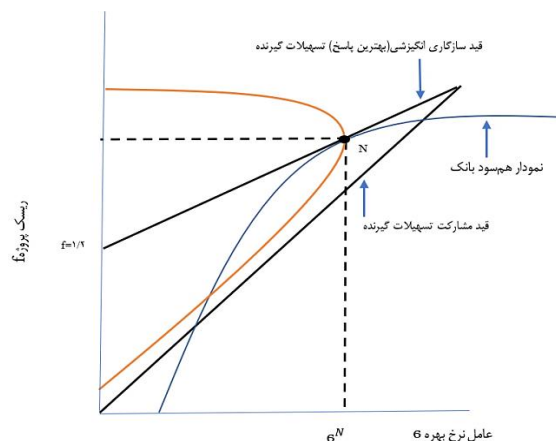
می دهد، این میزان را وارد معادله بهترین پاسخ تسهیلات گیرنده نموده تا مقدار ریسک

تعادلی به دست آید:

$$f^N = \frac{3}{4} \quad (31)$$

بهترین پاسخ ریسک تسهیلات گیرنده برابر $3/4$ است که از سطح ریسک حالت

قراردادهای کامل ($f=1/2$) بالاتر است.



Source: (Bowles & et al,2012)

نمودار (۱): ترسیم هندسی قیود مشارکت و سازوگاری انگیزشی تسهیلات گیرنده و نمودار هم سود تسهیلات دهنده

در نمودار ۱، قید سازگاری انگیزشی^{۲۸} و قید مشارکت^{۲۹} تسهیلات گیرنده و نمودار هم سود^{۳۰} بانک ترسیم شده است. بانک می بایست هر دو قید را در تابع حداکثرسازی سود خود لحاظ کند و از طرفی نقطه حداکثر سود بانک، نقطه مماس نمودار هم سود بانک بر قید سازگاری انگیزشی تسهیلات گیرنده است که بالاتر از قید مشارکت تسهیلات گیرنده است؛ لذا درآمد انتظاری تسهیلات گیرنده از صفر بیشتر خواهد شد و

۲۸. نمودار قید سازگاری انگیزشی (بهترین پاسخ قرض گیرنده) از تابع بهترین پاسخ تسهیلات گیرنده $(f = \frac{1}{2} + \frac{6}{2\mu})$ به دست آمده است که عرض از مبدأ برابر $\frac{1}{2}$ دارد و در این نمودار هرچه نرخ بهره بانک افزایش یابد، موجب افزایش مقدار ریسک پروژه نیز خواهد شد.

۲۹. قید مشارکت تسهیلات گیرنده نشان دهنده بهترین جایگزین تسهیلات گیرنده برای این قرارداد تسهیلات با بانک است که به معنای بازده صفر یا به عبارت دیگر تابع $Z=0$ است که در نتیجه قید مشارکت تسهیلات گیرنده برابر این معادله می شود: $f = \sigma/\mu$ که این رابطه مستقیم بین ریسک و عامل نرخ سود را نشان می دهد و شیب آن برابر $1/\mu$ است.

۳۰. تابع بازده بانک دهنده دارای دو متغیر f و σ است که نمودار هم سود بانک، هر سطحی از سود را بر مبنای ترکیبی از f و σ مشخص می شود. برای تعیین نمودار هم سود بانک باید نرخ جانشینی نهایی (mrs) بین f و σ

$$\text{mrs}(\sigma, f) = \frac{\pi_\sigma}{\pi_f} = -\frac{(1-f)}{\sigma}$$

نرخ نهایی جانشینی برابر منفی شیب منحنی هم سود (منحنی بی تفاوتی) است و با توجه به اینکه mrs منفی است؛ لذا شیب منحنی هم سود قرض دهنده مثبت خواهد بود و نمودار هم سود بانک دارای شیبی برابر $\sigma/(1-f)$ است.

تسهیلات گیرنده صاحب رانتی می شود که باعث کاهش بازده بانک به نسبت شرایط قراردادهای کامل می شود. همچنین در این حالت سود بانک (π^N) برابر $\frac{\mu}{8}$ است، حال آنکه در حالت قراردادهای کامل این میزان برابر $\frac{\mu}{4}$ بود. بازده انتظاری تسهیلات گیرنده در هر دوره $\frac{\mu}{16}$ و بازده انتظاری بانک برابر $\frac{\mu}{8}$ خواهد بود.

۲-۴. تأمین مالی با مشارکت کارگزار در تأمین مالی

یک سازوکار جایگزین این است که تسهیلات گیرنده با سرمایه گذاری مقداری از ثروت خود در پروژه (سهامداری پروژه)، ریسک را بین خود و بانک توزیع کند. باتوجه به سهم بودن تسهیلات گیرنده در عایدی سرمایه گذاری، تسهیلات گیرنده محتاطانه تر رفتار خواهد کرد و ریسک کمتری خواهد داشت.

اگر بازده مورد انتظار پروژه از نرخ سود بدون ریسک بیشتر باشد، انگیزه تسهیلات گیرنده برای سرمایه گذاری افزایش خواهد یافت (مخصوصاً در بازار تسهیلات رقابتی)؛ لذا سرمایه گذاری تسهیلات گیرنده در پروژه خودش، تضاد بین بانک و تسهیلات گیرنده در مورد سطح ریسک، کاهش می یابد.

اگر دارایی و ثروت تسهیلات گیرنده برابر k باشد که در دارایی های بدون ریسک سرمایه گذاری شده است و بازدهی برابر pk دارد. حال اگر این منابع خود را در پروژه ریسکی خودش سرمایه گذاری کند، تنها نیازمند تأمین مبلغ $1-k$ برای اجرای این پروژه خواهد بود، در این شرایط بازده انتظاری سرمایه گذار می شود:

$$Y(f, \sigma, k) = \mu f(1-f) - \sigma(1-k)(1-f) - (1+p)k \quad (32)$$

تسهیلات گیرنده مقدار ریسک (f) را برای حداکثرسازی بازده انتظاری (y) خود انتخاب خواهد نمود، در نتیجه تابع بهترین پاسخ او به دست می آید:

$$f(\sigma, k) = \frac{1}{2} + \frac{\sigma}{2\mu}(1-k) \quad (33)$$

تنها تفاوت تابع بهترین پاسخ تسهیلات گیرنده با حالت قبل در عبارت $(1-k)$ است که به آن اضافه شده است؛ لذا افزایش مشارکت تسهیلات گیرنده باعث کاهش سطح ریسک او نیز خواهد شد و حساسیت میزان ریسک نسبت به نرخ سود نیز کاهش خواهد یافت؛ به عبارت دیگر هرچه میزان مشارکت کارگزار در پروژه به سمت ۱ میل

کند ($k \rightarrow 1$)، میزان ریسک $1/2$ نزدیک می شود ($f \rightarrow \frac{1}{2}$)، و کارایی اجتماعی شرایط کارگزار - کارفرما به دست خواهد آمد.

رقابتی یا انحصاری بودن بازار تسهیلات، باعث تغییر شرایط قرارداد در حالت مشارکتی می شود در بازار انحصاری تسهیلات گیرنده با قراردادهایی از نوع «قبول کن یا رد کن»^{۳۱} مواجه است و یا در شرایط رقابتی اینکه با تعداد زیادی بانک تسهیلات دهنده روبه رو است. قراردادها در نظام بانکی ایران از قراردادهای «قبول کن یا رد کن» است که مشتری در ساختار قرارداد هیچ نقشی ندارد؛ لذا مدل انحصاری به بانکداری ایران شبیه تر است.

۴-۲-۱. شرایط انحصار

در این شرایط بانک تسهیلات دهنده انحصاری^{۳۲} تابع بهترین پاسخ تسهیلات گیرنده را مفروض گرفته و بازده انتظاری خود را مطابق آن حداکثر می کند:

$$\max \pi(6, f(6, k), k) = 6(1 - k)(1 - f(6, k)) \quad (34)$$

با توجه به قید:

$$f(6, k) = \frac{1}{2} + \frac{6}{2\mu}(1 - k) \quad (35)$$

$$\pi^M = \frac{6(1 - k)}{2} - \frac{(6(1 - k))^2}{2\mu} \quad (36)$$

در نتیجه، نرخ سود بدین صورت خواهد شد:

$$6 = \left(\frac{1 - k}{2}\right) \left(\frac{\mu}{(1 - k)^2}\right) \quad (37)$$

نرخ سود انحصارگر برابر خواهد شد:

$$6^{MN} = \frac{\mu}{2(1 - k)} \quad (38)$$

این عبارت نشان می دهد که هرچه مشتری سهم مشارکت بیشتری در تأمین مالی

31. Take-it-or-leave-it

۳۲. در بازارهای اعتباری، تسهیلات دهنده انحصاری قیمتی بالاتر از هزینه نهایی خود برای تسهیلات اعلام خواهد نمود و در نتیجه رانتی نصیبش خواهد شد. در این شرایط، انحصارگر سودی بیشتر از هزینه فرصت سرمایه خواهد برد. نتایج به دست آمده از پژوهش های مختلف نشان می دهد که معمولاً بازارهای مالی به شکل انحصاری عمل می کنند. بازار بانکی ایران را می توان از جهاتی، یک بازارهای مالی انحصاری دانست.

پروژه خود داشته باشد (k افزایش یابد)، بانک تسهیلات‌دهنده انحصاری می‌تواند نرخ سود بالاتری را به مشتری تحمیل کند. این شرایط کاملاً با بازار تسهیلات رقابتی متفاوت است.

تسهیلات‌گیرنده سطح ریسک خود را بر مبنای نرخ سود 6^{MN} انتخاب می‌کند.

$$f(6, k) = \frac{1}{2} + \frac{6}{2\mu}(1 - k) \quad (39)$$

با جای‌گذاری، $6^{MN} = \frac{\mu}{2(1-k)}$ میزان ریسک برابر خواهد شد با: $f^{MN} = \frac{3}{4}$ بر مبنای MRS و قید مشارکت تسهیلات‌گیرنده که قبلاً محاسبه شد، می‌توان گفت در شرایطی که بانک تسهیلات‌دهنده انحصاری است، افزایش یا کاهش میزان مشارکت (k) تأثیری بر مقدار ریسک (f) ندارد و میزان ریسک مستقل از میزان مشارکت کارآفرین است. تسهیلات‌گیرنده سطح ریسک را نه بر اساس میزان مشارکت در تأمین مالی سرمایه‌گذاری بلکه متناسب با طبیعت نقص در قرارداد و رابطه یک‌دوره‌ای بین بانک و تسهیلات‌گیرنده انتخاب خواهد کرد. درآمد کارآفرین از مشارکت و همچنین سود بانک (در شرایط انحصاری) برابر می‌شود با:

$$y^{MN}(k) = f^{MN}\mu(1 - f^{MN}) - 6^{MN}(1 - k)(1 - f^{MN}) = \frac{3\mu}{16} - \frac{2\mu}{16} \quad (40)$$

$$= \frac{\mu}{16}$$

$$\pi^{MN} = 6^{MN}(1 - k)(1 - f^{MN}) = \frac{2\mu}{16} \frac{1}{4} = \frac{\mu}{8} \quad (41)$$

۴-۲-۲. شرایط رقابتی

اگر تعداد بانک‌های تسهیلات‌دهنده بسیار زیاد باشد، در شرایط تعادلی، بازده انتظاری آن‌ها برابر نرخ بهره بدون ریسک (ρ) می‌شود. در انتهای سرمایه‌گذاری، دارایی افراد مشارکت‌کننده در سرمایه‌گذاری ریسکی و افراد سرمایه‌گذار در دارایی بدون ریسک برابر خواهد بود:

$$\pi = 6(1 - f) = 1 + \rho \quad (42)$$

عبارت بالا نشان می‌دهد که در شرایط رقابتی شرط سود اقتصادی صفر وجود بازده انتظاری صفر است. در شرایط بازار رقابتی و وجود قرارداد ناقص و مشارکت تسهیلات‌گیرنده در پروژه، بازده انتظاری بانک و درآمد تسهیلات‌گیرنده مشابه حالت

مشارکت تسهیلات گیرنده در فضای قراردادهای کامل خواهد شد و لذا این شرایط مشابه شرایط استفاده از قرارداد مشارکت در قرارداد کامل است.

۳-۴. قراردادهای با قابلیت تمدید (مدل سازی کنترل در قرارداد)

یکی از راه های رفع نقص در قرارداد توجه به مسئله مؤلفه های کنترل درون قرارداد است. مسئله کنترل درون یک قرارداد از مسیر قدرت مذاکره مجدد خودنمایی می کند؛ یعنی اعطای تسهیلات توسط بانک در هر مرحله وابسته به عملکرد کارگزار در دوره قبل خواهد بود که در نتیجه بانک تسلط و کنترل بیشتری بر رفتار کارآفرین خواهد داشت. در این شرایط بانک می تواند به کارگزار قرارداد مشروط با قابلیت تمدید^{۳۳} در یک افق نامحدود^{۳۴} پیشنهاد بدهد (یعنی تسهیلات تنها برای یک دوره اعطا می شود؛ اما بانک متعهد می شود صرفاً در صورت عدم شکست پروژه، این تسهیلات را تکرار و تمدید نماید). در این شرایط بازده انتظاری تسهیلات گیرنده بدین صورت خواهد شد با:

$$v = \frac{y(f, 6) + (1-f)v + fz}{1+\rho} = \frac{y-\rho z}{\rho+f} + z \quad (43)$$

اگر فرض کنیم که ρ و z مساوی صفر شود آنگاه:

$$v = \frac{y}{f} = \frac{\mu f(1-f) + (1-f)6}{f} \quad (44)$$

شرط سازگاری انگیزشی در این شرایط به این معناست که کارگزار بازده انتظاری خود را حداکثر کند:

$$\max_f v \rightarrow \frac{dv}{df} = \frac{-\mu f^2 + 6}{f^2} = 0 \rightarrow f^* = \sqrt{\frac{6}{\mu}} \quad (45)$$

در شرایطی که $\mu < 6$ باشد، یعنی کیفیت پروژه بیشتر از عامل نرخ بهره باشد، افق نامحدود می تواند موجب کاهش ریسک شود:

$$\sqrt{\frac{6}{\mu}} < \frac{1}{2} + \frac{6}{2\mu} \quad (46)$$

در این شرایط بازده انتظاری بانک ثابت و برابر مقدار $\frac{4\mu}{9}$ باقی می ماند و سطح

33. Contingent renewal contract

34. Infinite horizon

ریسک برابر $(f=2/3)$ می‌شود؛ بنابراین قراردادهای با قابلیت تمدید و مشروط باعث افزایش کارایی می‌شوند.

۴-۴. مدل‌سازی قراردادهای کنترل مشترک (مشارکت حقوقی)

در قراردادهای کنترل مشترک طرفین (کارآفرین و سرمایه‌گذار) می‌توانند کنترل و مدیریت شرکت را مشترکاً^{۳۵} بر عهده بگیرند و تصمیمات بر اساس مذاکره بدون قید و شرط انجام گیرد. از جمله نمونه‌های شرایط کنترل مشترک حالتی است که ذیل سرمایه‌گذاری مستقیم یا مشارکت حقوقی به وجود می‌آید. مشارکت حقوقی توسط بانک در آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا عبارت است از: «تأمین قسمتی از سرمایه شرکت‌های سهامی جدید و یا خرید قسمتی از سهام شرکت‌های سهامی موجود».^{۳۶}

همچنین یکی از ویژگی‌های مشارکت حقوقی و نقاط تمایز آن با مشارکت مدنی این است که بانک‌ها با سهامدار شدن در شرکت‌ها از طریق مشارکت حقوقی، در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی آنها نیز اثربخش می‌شوند. حضور یک نماینده در تصمیم‌گیری شرکت باعث می‌شود که یک فرد از نظام بانکی آشنایی بیشتری با صنعت مربوطه پیدا کند و وضعیت رکود و رونق و... صنعت مربوطه را رصد نموده و به بانک اطلاع‌رسانی نماید. در قراردادهای مشارکتی بانک توسعه اسلامی (IDB) با کشورهای عضو نیز این رویه وجود دارد به نحوی که یک نماینده از طرف بانک در تصمیم‌گیری شرکت حضور دارد تا اطمینان در صرف منابع در همان مورد قرارداد، تحقق مشارکت و میزان کسب سود و یا احیاناً زیان را افزایش دهد (نظرپور و کشاورزیان، ۱۳۹۲). در شرایط مشارکت حقوقی، بانک امکان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی را دارد و کنترل شرکت مشترکاً بر عهده بانک و کارآفرین خواهد بود و تصمیمات پروژه به صورت مشترک اتخاذ کنند.

۳۵. از جمله انواع کنترل مشترک می‌توان به سرمایه‌گذاری مشترک (joint ventures) است که در آن حق کنترل به صورت ۵۰-۵۰ تقسیم می‌شود. از جمله دیگر ساختارهای کنترل که به کنترل مشترک شباهت دارد، می‌توان به مشارکت‌ها و سرمایه‌گذاری خطرپذیر مشترک اشاره نمود.

۳۶. آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

در نظام بانکی ایران نیز قراردادهای مشارکت حقوقی و سرمایه گذاری مستقیم امکان کنترل مشترک را فراهم می سازند و بانک در این نوع از تأمین مالی علاوه بر اینکه نقشی مستقیم در تأمین مالی بنگاه دارد، می تواند در مدیریت کنترل پروژه نیز مداخله داشته باشد و منافع خود و دیگر ذی نفعان را حفظ نماید. واقعیت های اقتصاد ایران نیز از این نتیجه به دست آمده، بسیار دور نیست. در نظام بانکی ایران به واسطه نقص در فضای قراردادهای بانکی، علاقه نظام بانکی به تسهیلات دهی (به واسطه ریسک های موجود در تسهیلات دهی؛ مانند ریسک نکول یا ریسک صوری سازی و...) کاهش یافته است و این امر بانک ها را به این سمت سوق داده است تا برای تضمین بازده سرمایه گذاری خود (به خصوص در تسهیلات کلان) به سمت نوعی از رابطه تسهیلات دهی حرکت کند که بتواند بر رفتار تسهیلات گیرنده کنترل و مدیریت داشته باشد (ندری و دیگران، ۱۳۹۹).

همچنین قرارداد کارآفرین با بانک بر اساس بازده نقدی سرمایه گذاری است، حال آنکه در این فرایند تأمین مالی، بازدهی غیر پولی (منافع خصوصی) و غیر قابل اندازه گیری نیز وجود دارد که قابل انتقال به غیر از کارگزار (کارآفرین) نیست.^{۳۷}

کارآفرین هم از سود نقدی و نیز از منافع خصوصی بهره مند می شود؛ اما بانک (سرمایه گذار) صرفاً از بازده نقدی پروژه استفاده می کند. یکی از دلایل ایجاد تزاخم منافع بین بانک (سرمایه گذار) و کارگزار (کارآفرین) وجود این منافع خصوصی است. در قراردادهای مشارکت حقوقی، بانک می تواند علاوه بر بازده نقدی و آشکار از مزایای خصوصی و پنهان موجود در یک پروژه یا شرکت نیز استفاده کند.

حال اگر بانک و کارگزار از قرارداد مشارکت حقوقی استفاده نمایند، با توجه به فروض مدل، بانک که در قراردادهای دیگر صرفاً به مطلوبیت آستانه ای دست می یافت، در این نوع قراردادها می تواند در منافع خصوصی پروژه نیز سهیم شود.^{۳۸}

در این مسئله بهینه سازی، کارآفرین، درآمد خود را متناسب با این شرط که قید

۳۷. اگرچه منافع خصوصی معمولاً غیر پولی یا غیر نقدی است؛ اما فرض می شود در این مدل می توان آن را تقویم پولی نمود.

۳۸. می توان برای ساده سازی فرض نمود که طرفین ارزش منافع خصوصی (B) را بین خود به صورت یکسان تقسیم می کنند.

مشارکت سرمایه‌گذار برقرار باشد، حداکثر می‌سازد. درآمد کارآفرین در این نوع قراردادهای بازده خصوصی نیز در آن لحاظ شده، بدین صورت است:

$$y = (1-s)\mu f(1-f) + B(1-f) - k(1+\rho) \quad (47)$$

قید مشارکت برای بانک بدین صورت خواهد:

$$sf\mu(1-f) + B(1-f) \geq (1-k)(1+\rho) \quad (48)$$

از رابطه بالا مقدار f تعیین می‌شود:

$$f = \frac{\mu - 2B}{2\mu} \quad (49)$$

در نتیجه، در این قرارداد بازده انتظاری کارآفرین برابر می‌شود با:

$$y = \frac{\mu}{4} + B - (1+\rho) \quad (50)$$

در این حالت تأمین مالی، بازده خصوصی (که در دیگر قراردادهای تأمین مالی صرفاً به کارگزار می‌رسد) بین دو طرف (کارآفرین و بانک) تقسیم می‌شود. در شرایط قراردادهای ناقص، اگر بازده خصوصی بانک $B \geq \frac{\mu}{8}$ باشد (یعنی بازده خصوصی تسهیلات‌دهنده بیشتر از شرایط بازده در شرایط قرارداد ناقص باشد)، بانک سعی خواهد نمود تا برای جلوگیری از فرصت‌طلبی مشتریان، از قرارداد مبتنی بر مشارکت حقوقی استفاده کند.

۵. تحلیل

ویژگی‌های انواع ساختارهای قراردادی بیان شده را می‌توان در جدول ذیل مشاهده نمود. در این جدول در هر ساختار قراردادی، بازده انتظاری طرفین قرارداد و سطح ریسک مشخص شده است.

جدول (۱): نتایج بازارهای مالی در شرایط مختلف قراردادی

بازده انتظاری (بازده بانک، بازده کارآفرین)	سطح تعادلی ریسک	
$\frac{\mu}{4}$	$\frac{1}{2}$	تأمین مالی درونی
$(0, \frac{\mu}{4})$	$\frac{1}{2}$	قرارداد بدهی (قرارداد کامل)
$(\frac{\mu}{4} - (1 + \rho), 0)$	$\frac{1}{2}$	قرارداد مشارکت (قرارداد کامل)
$(\frac{\mu}{16}, \frac{\mu}{8})$	$\frac{3}{4}$	قرارداد ناقص (تک‌بازی)
$(\frac{\mu}{16}, \frac{\mu}{8})$	$\frac{3}{4}$	قرارداد ناقص (مشارکت کارآفرین در تأمین مالی) (بازار اعتبار انحصاری)
$(\frac{\mu}{4} - (1 + \rho), 0)$	$\frac{1}{2}$	قراردادهای ناقص (مشارکت کارگزار در تأمین مالی) (بازار رقابتی)
$(\frac{2\mu}{27}, \frac{4\mu}{27})$	$\frac{2}{3}$	قراردادهای ناقص (بازی تکراری)
$(\frac{3\mu}{8} - (1 + \rho), \frac{\mu}{8})$	کمتر از $\frac{1}{2}$	قرارداد کنترل مشترک (مشارکت حقوقی) در شرایط $B \geq \frac{\mu}{8}$

اگرچه در هر دو حالت قراردادهای کامل و ناقص تسهیلات گیرنده، گزینه جایگزین دیگری برای تأمین مالی ندارد ($z=0$)؛ اما تسهیلات گیرنده در شرایط قراردادهای ناقص، رانتی^{۳۹} بابت عمل به تعهدات قراردادی دریافت می‌کند. همچنین در شرایط قراردادهای ناقص نسبت قراردادهای کامل، مازاد مشترک^{۴۰} (مجموع عایدی تسهیلات‌دهنده و تسهیلات گیرنده) کمتر می‌شود. بر خلاف حالت قراردادهای کامل، در این شرایط بانک بخشی از بازده را با تسهیلات گیرنده تقسیم می‌کند. همچنین با توجه به اینکه رانتی در این قرارداد نصیب تسهیلات گیرنده شده است، تسهیلات گیرنده راغب است تا در

39. Enforcement rent

40. Joint surplus

دوره‌های آینده نیز از بانک تسهیلات دریافت کند. از طرفی بانک می‌تواند با تبدیل قرارداد تک‌مرحله‌ای به چنددوره‌ای، یا به عبارت دیگر استفاده از ابزار بازی‌های تکراری، تسهیلات‌گیرنده را وادار به قبول ریسک پایین‌تر کند که باعث افزایش سود انتظاری بانک نیز می‌شود. در شرایط چنددوره‌ای، کنترل و تسلط بانک بر تسهیلات‌گیرنده بیشتر خواهد شد، به این دلیل بانک می‌تواند تهدید به قطع رابطه تسهیلات‌دهی کند که در نتیجه رانت تسهیلات‌گیرنده از دست می‌رود. این تهدید، تسهیلات‌گیرنده را وادار به احترام به منافع بانک می‌سازد. علاوه‌براین مازاد مشترک در شرایط بازی تکراری (تسهیلات تمدید شونده) بسیار نزدیک به شرایط قراردادهای کامل است؛ همچنین در شرایط قراردادهای ناقص، اگر منافع خصوصی قراردادهای کنترل مشترک (شبیه مشارکت حقوقی)، حداقل به میزان عایدی نقدی یک قرارداد دیگر باشد، بانک، قرارداد مشارکت حقوقی^{۴۱} را بر دیگر قراردادها ترجیح خواهد داد.

نتیجه‌گیری

در قراردادهای ناقص که امکان تحلیل اطلاعات وجود ندارد و یا نمی‌توان از اطلاعات برای اجرایی‌سازی قرارداد استفاده نمود، نیاز است تا در طراحی قرارداد بهینه به غیر از جریان نقدی و بازده نقدی پروژه، اهمیت مسائلی دیگر مانند سازوکارهای مدیریت و کنترل در یک قرارداد مورد توجه قرار گیرد.

مدل‌سازی دو سنخ اصلی قراردادها در بانکداری اسلامی در شرایط قراردادهای ناقص و کامل نشان می‌دهد که در شرایط قراردادهای کامل، می‌توان قرارداد مبادله‌ای (با درآمد ثابت) را قراردادی مناسب‌تر به نسبت قرارداد مبتنی بر سهم‌بری (مشارکتی) برای نظام بانکی دانست؛ اما در شرایط قراردادهای ناقص که متناسب با شرایط قراردادها در نظام بانکی ایران نیز می‌باشد، باید متغیرهای کنترل در سازوکارهای قراردادی در نظر گرفته شود.

یکی از مهم‌ترین اجزای کنترل در یک قرارداد توان مذاکره مجدد است. مسئله

۴۱. استفاده از مشارکت حقوقی در شبکه بانکی با ملاحظات عملیاتی نیز مواجه است که ازجمله می‌توان به احتمال قفل شدن منابع بانک در سهام شرکت‌ها، لزوم توجه به نحوه مداخله مدیریتی بانک در بنگاه اقتصادی، عدم بهره‌مندی بنگاه‌های کوچک از این دست عقود و... اشاره نمود.

کنترل در یک قرارداد از مسیر قدرت مذاکره مجدد خودنمایی می کند؛ یعنی اعطای تسهیلات در هر مرحله وابسته به عملکرد کارگزار در دوره قبل خواهد بود. در این شرایط علاوه بر کاهش ریسک کل پروژه، با تبدیل قرارداد تک دوره ای به چند دوره ای، امکان کنترل بانک بر فرایند تأمین مالی افزایش می یابد، و در نتیجه بازده مورد انتظار دو طرف قرارداد افزایش خواهد یافت. حسب این نکته به نظر می رسد حرکت به سمت اعتبارسنجی و ایجاد رابطه بلندمدت و ثابت بین بانک و مشتری (بانکداری مبتنی بر رابطه^۲)، امکان نظارت بانک بر مشتری را افزایش می دهد و جلوی فرصت طلبی مشتری را نیز می گیرد و بازده بلندمدت هر دو طرف را ارتقا می دهد. همچنین در شرایط قراردادی که امکان کنترل، نظارت یا مدیریت مشترک بانک و کارآفرین بر پروژه را فراهم آورد؛ مانند قراردادهای مشارکت حقوقی، قدرت بانک در احقاق حقوق خود در قرارداد افزایش می یابد. همچنین در قراردادهای مشارکت حقوقی، بانک علاوه بر منافع مالی و نقدی، در منافع خصوصی نیز سهیم خواهد شد که در نتیجه بانک در این قرارداد امکان سهم بری بالاتری خواهد داشت. حسب این نکته و با توجه به اینکه پژوهش های تجربی اندکی ناظر به مشارکت حقوقی در نظام بانکی انجام گرفته است، پیشنهاد می شود پژوهش های تجربی ناظر به ملاحظات اجرایی و همچنین مزایای این روش و طراحی مدل بهینه برای نظام بانکی بدون ربای ایران انجام گیرد.

در نهایت می توان گفت در شرایط قراردادهای ناقص، بانک در قراردادهای تسهیلات دهی نامعتبر گرفتار می شود و تسهیلات گیرندگان به واسطه امکان فرصت طلبی، حقوق بانک را به صورت کامل رعایت نمی کنند. در این شرایط با در نظر گرفتن مسئله کنترل در طراحی نظام قراردادها، به نظر می رسد که دو الگوی قراردادهای تأمین مالی چند دوره ای (تجدیدشونده مشروط) و همچنین الگوی قراردادهای مشارکت حقوقی، به واسطه اینکه امکان مداخله و تسلط بانک بر پروژه را ارتقا می دهند، می توانند مناسب تر باشند.

کتابنامه

- اخوان، مهدی (۱۳۹۳). قرارداد بیع متقابل توسعه فازهای ۲ و ۳ میدان گازی پارس جنوبی از منظر قراردادهای ناقص. *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران*، ۴(۱۳)، ۳۲-۱.
- اخوان، مهدی؛ عسکری، محمد مهدی و ایمانی، مقصود (۱۳۹۴). فرصت طلبی طرفین در قراردادهای بیع متقابل نسل اول. *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران*، ۴(۱۶)، ۲۹-۱.
- بهاروندی، احمد و احمدی حاجی آبادی، سیدروح الله (۱۳۹۱). خطر اخلاقی و ارائه الگوی کاربردی کاهش آن در عقود مشارکتی. *دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران با رویکرد اقتصاد اسلامی*، ۹(۱۷)، ۸۵-۵۹.
- درخشان، مرتضی (۱۳۹۵). *نظریه قراردادها*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- زاهدی وفا، محمد هادی و قوامی، سیدحسن (۱۳۸۹). الگوی مضاربه بر مبنای الگوی مدیرعامل در شرایط کژمنشی. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۱(۴۳).
- صدر، سید کاظم (۱۳۸۴). انتخاب کارآمد ابزارهای مالی اسلامی و اطلاعات نامتقارن. *نامه مفید*، ۱۱(۴۸) (نامه اقتصادی)، ۷۹-۹۸.
- طغیانی، مهدی و صادقی، زیبا (۱۳۹۴). تحلیل موضوع «اطلاعات نامتقارن» در قراردادهای مشارکتی بانکداری بدون ربا و راه کارهای آن. *دوفصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی*، ۷(۱)، ۳۴-۵.
- عبدلی، قهرمان و قوامی، سیدحسن (۱۳۹۱). انطباق نظریه بازیها (الگوی مدیر - عامل) در عقد مشارکت مدنی. *دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۸(۸)، ۱۶۵-۱۸۴.
- قوامی، حسن (۱۳۹۶). مدل نظری حل مشکل کژگزینی در عقود مشارکتی بانکداری اسلامی. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۶۶(۶۶)، ۱۹۱-۲۱۴.
- قوامی، سیدحسن؛ سیدنورانی، سیدمحمد رضا؛ محمدی، تیمور و رنجبر، منصور (۱۳۹۵). بررسی تجربی اثر علامت دهی متغیر وثیقه در عقود مشارکتی. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۶(۶۳)، ۹۹-۱۱۸.
- کشاورزبان پیوستی، اکبر و نظریور، محمدنقی (۱۳۹۲). الزامات احیای عقد مشارکت حقوقی راهبردی برای تحقق بانکداری PLS در نظام بانکداری بدون ربا. *راهبرد اقتصادی*، ۲(۷)، ۷۹-۳۹.
- نادران، الیاس و شکوهی، محمد رضا (۱۳۹۱). جایگاه و مبانی اقتصاد هزینه مبادله. *فصلنامه تحقیقات اقتصادی*، ۴۷(۲)، ۱۷-۱۵۹.

ندری، کامران؛ عسکری، محمد مهدی؛ زاهدی‌وفا، محمد هادی و مصطفوی ثانی، علی (۱۳۹۹).
بهینه‌سازی ساختار قراردادهای بانکی بر مبنای الگوی قراردادهای ناقص در بانکداری بدون
ربای ایران. *جستارهای اقتصادی*، ۱۷ (۳۴)، ۹-۳۵.
نصیری اقدم، علی (۱۳۸۵). اقتصاد هزینه مبادله. *دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران با*
رویکرد اقتصاد اسلامی، ۳ (۵)، ۱۶۳-۲۱۷.

- Aghion, P. & Bolton, P. (1992). An Incomplete Contracts Approach to Financial Contracting. *Review of Economic Studies*, (59), 473-494.
- Akerlof, G. (1970). The Market for Lemons: Quality, Uncertainty and The Market Mechanism. *Quarterly Journal of Economics*, 480-500.
- Arrow, K. J. (1963). Uncertainty and the Welfare Economics of medical Care. *American Economic Review*, (3).
- Bardhan, Pranab; Samuel, Bowles & Herbert, Gintis (2000). Wealth inequality, wealth constraints and economic performance. *Handbook of income distribution*, (1), 541-603.
- Bowles, S.; Fong, C. M.; Gintis, H. & Pagano, U. (2012). *The new economics of inequality and redistribution*. Cambridge University Press.
- Errico, Luca & Farahbaksh, Mitra (1998). Islamic Banking: Issues in Prudential Regulations and Supervision (March 1998). IMF Working Paper No. 98/30.
- Grossman, Sanford J. & Oliver D. Hart (1986). The Costs and Benefits of Ownership: A Theory of Vertical and Lateral. Integration. *94 Journal of Political Economy*, 691-719.
- Hart, O. (2017). Incomplete contracts and control. *American Economic Review*, 107(7), 1731-52.
- Stiglitz, J. & A. Weiss (1981). Credit Rationing in Markets with Imperfect Information. *American Economic Review*, 393-409.
- Tirole, Jean (1999). Incomplete contracts: Where do we stand?. *Econometrica*, 67(4), 741-781.
- Williamson, O. E. (1985). *The Economic Institutions of Capitalism*. New York: The Free Press.
- Williamson, Oliver E. (1996). *The Mechanism of Governance*. New York: Oxford University Press.

References

- Abdoli, Q. & Qavami, S. H. (2012). The Application of the Game Theory (Principle Agent) Approach in the Musharekah Contract. *Islamic Economics Studies Bi-quarterly Journal*, 4(2), 165-183. (In Persian)
- Aghion, P. & Bolton, P. (1992). An Incomplete Contracts Approach to Financial Contracting. *Review of Economic Studies*, (59), 473-494.
- Akerlof, G. (1970). The Market for Lemons: Quality, Uncertainty and The Market Mechanism. *Quarterly Journal of Economics*, 480-500.
- Akhavan, M. (2014). The Buy-back Development Contract for Phases 2&3 of South Pars Gas Field and Incomplete Contract. *Iranian Energy Economics*, 4(13), 1-32. (In Persian)
- Akhavan, M.; Askari, M. M. & Emani, M. (2015). Opportunism in the First Generation of Buy-back Contracts. *Iranian Energy Economics*, 4(16), 1-29. (In Persian)
- Arrow, K. J. (1963). Uncertainty and the Welfare Economics of medical Care. *American Economic Review*, (3).
- Baharvandi, A. & Ahmadi Hajiabadi, S. R. (2012). The Investigation of Moral Hazard Problem along with Offering of a Practical Model for Decreasing It in Musharakah Contracts. *Journal of Economic Essays; an Islamic Approach*, 9(17), 59-85. (In Persian)
- Bardhan, Pranab; Samuel, Bowles & Herbert, Gintis (2000). Wealth inequality, wealth constraints and economic performance. *Handbook of income distribution*, (1), 541-603.
- Bowles, S.; Fong, C. M.; Gintis, H. & Pagano, U. (2012). *The new economics of inequality and redistribution*, Cambridge University Press.
- Derakhshan, M. (2016). *Contract Theory: Incentive and Information*, Imam Sadiq Press, Tehran: Iran. (In Persian)
- Errico, Luca & Farahbaksh, Mitra (1998). *Islamic Banking: Issues in Prudential Regulations and Supervision* (March 1998). IMF Working Paper No. 98/30.
- ghavami, S. H.; mohammadi, T. & Ranjbar, M. (2016). The Experimental Study of the Signaling Effect of the Collateral Variable on Profit and Loss Sharing Contracts. *Economics Research*, 16(63), 99-118. (In Persian)
- Grossman, Sanford J. & Oliver D. Hart (1986). The Costs and Benefits of Ownership: A Theory of Vertical and Lateral. Integration. *94 Journal of Political Economy* 691-719.
- Hart, O. (2017). Incomplete contracts and control. *American Economic Review*, 107(7), 1731-52.
- Keshavarzian peyvasti, A. & Nazarpor, M. (2013). Requirements for the Revival of Strategic Legal Partnership Contracts to Realize PLS Banking in Usury-Free Banking System. *Economic Strategy*, 2(7). (In Persian)
- naderan, E. & Shokouhi, M. R. (2012). Station and Foundations of Transaction Cost Economics. *Journal of Economic Research (Tahghighat- E- Eghtesadi)*, 47(2), 159-177. (In Persian)
- Nadri, K.; Askari, M. M.; zahedi vafa, M. H. & mostafavisani, A. (2020). Optimization of Banking Contract Structure Based on Incomplete Contracting in non interest banking. *Journal of Economic Essays; an Islamic Approach*, 17(34), 9-35. (In Persian)

- Nasiri Aghdam, A. (2006). Transaction Cost Economics. Journal of Economic Essays; an Islamic Approach, 3(5), 163-217. (In Persian)
- Sadr, S. K. (2005). Choice of Efficient Islamic Financial Instruments and Asymmetric Information. The Journal of Economic Studies and Policies, 0(7), 79-98. (In Persian)
- Stiglitz, J. & A. Weiss (1981). credit Rationing in Markets with Imperfect Information. American Economic Review, 393-409.
- Tirole, Jean (1999). Incomplete contracts: Where do we stand?. Econometrica, 67(4), 741-781.
- Toqyani, Mahdi & Sadeghi, Ziba (2025). Analysis of Asymmetric Information in Islamic Banking Partnership Contracts and its Solutions. Ma`rifat-e Eghtesad-e Islami, 7(1). (In Persian)
- Williamson, O. E. (1985). The Economic Institutions of Capitalism. New York: The Free Press.
- Williamson, Oliver E. (1996). The Mechanism of Governance. New York: Oxford University Press.
- Zahidi Vafa, M. H. & ghavami, S. H. (2011). Principle-Agent Model for Sleeping Partnership Moral hazard. Economics Research, 11(43), 239-255. (In Persian)

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص. ۴۰۵-۴۳۳

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹

بررسی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منظر اقتصاد مردمی

عادل پیغامی*

حجت‌الله عبدالملکی**

حسین عبوضلو***

محمدجواد شریف‌زاده****

رضا تنهایی مقدم گلشیخی*****

چکیده

اقتصاد مردمی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی مطرح است. در میان سیاست‌های کلی که تاکنون ابلاغ شده، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بیشترین قرابت را با مردمی‌شدن اقتصاد دارد و ازاین‌رو بررسی آن از منظر اقتصاد مردمی دارای اهمیت است. در این پژوهش بررسی این سیاست‌ها از منظر اقتصاد مردمی با روش موردکاوی کیفی صورت گرفته است. بدین منظور ابتدا تعریفی از اقتصاد مردمی ارائه شده که بر اساس این تعریف، اولویت در مردمی‌سازی اقتصاد این است که تأمین کالاها و خدمات توسط بخش خصوصی و اقتصاد اجتماعی انجام شود و ورود بخش عمومی به فعالیت اقتصادی تنها در صورت شکست دو بخش مذکور مجاز است. صرف‌نظر از این اولویت‌بندی، مردمی‌سازی اقتصاد در سه محور مالکیت، مدیریت و سهم‌بری و در دو سطح اقتصاد کلان و بنگاه انجام می‌شود. بر اساس این مفهوم از اقتصاد مردمی، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی دارای کاستی‌های جدی است و با توجه به دلالت‌هایی که در سایر اصول قانون اساسی برای مردمی‌سازی اقتصاد وجود دارد، پیشنهاد می‌شود سیاست‌های کلی مردمی‌سازی اقتصاد تدوین گردد.

واژگان کلیدی: اقتصاد مردمی، مردم‌سالاری اقتصادی، قانون اساسی، سیاست‌های کلی اصل ۴۴، بخش خصوصی، اقتصاد اجتماعی، بخش عمومی.

طبقه‌بندی JEL: B55, H82, H11, P35

* دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

Paighmi@isu.ac

0000-0002-2548-9856

** دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

abdolmaleki@isu.ac.ir

0000-0003-4668-0657

*** دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

ayvazlou@isu.ac.ir

0000-0002-4147-4654

**** دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

sharifzadeh@isu.ac.ir

0000-0002-6952-182X

***** دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

(نویسنده مسئول).

tanhayi@isu.ac.ir

0000-0003-1302-6341

مقدمه

یکی از ویژگی‌های اصلی نظام برآمده از انقلاب اسلامی، اتکای آن بر مردم است. این موضوع در حوزه سیاسی در قالب جمهوریت نظام طرح شده است. در حوزه اقتصادی نیز اقتصاد مقاومتی به عنوان الگوی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی ملت ایران دارای مؤلفه‌هایی است که از جمله این مؤلفه‌ها می‌توان به مردمی‌شدن اقتصاد اشاره نمود.

توجه به نقش مردم در اقتصاد در اسناد بالادستی کشور از قانون اساسی گرفته تا سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مورد توجه بوده؛ اما شاید بتوان سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را مهم‌ترین سند بالادستی که به‌طور خاص به این مهم توجه نموده برشمرد تا جایی که در ابتدای این سیاست‌ها به‌طور صریح به اهدافی نظیر گسترش مالکیت در سطح عموم مردم، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی و تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری اشاره شده است.

در این میان اما خلأیی که وجود دارد این است که هنوز مفهوم اقتصاد مردمی به‌طور روشن و واضح تبیین نشده است. به عبارتی کشور در حال حرکت به سمت مقصدی است که تصویر روشنی از آن وجود ندارد؛ لذا در ابتدا لازم است مراد از مردمی شدن اقتصاد (یا به دیگر تعابیر اقتصاد مردمی، اقتصاد مردم‌بنیان، اقتصاد مردم‌سالار، اقتصاد مردم‌محور) را مشخص و شاخص‌های آن را تعریف کرده تا بتوان برای حرکت به سمت آن تعیین مسیر نمود.

چنانچه مفهوم اقتصاد مردمی و ابعاد آن مشخص گردد، بررسی اسناد بالادستی، خصوصاً سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که به‌طور خاص دغدغه نقش‌آفرینی مردم در اقتصاد را دارد، بر اساس این مفهوم ضروری می‌نماید؛ بنابراین هدف اصلی این پژوهش بررسی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منظر اقتصاد مردمی می‌باشد. برای این کار از روش موردکاو کیفی استفاده شده است. بدین‌منظور ابتدا مراد از اقتصاد مردمی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تبیین گشته (بخش سوم) و در ادامه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از منظر اقتصاد مردمی در جلساتی بحث و بررسی شده تا ایده‌های مبنایی این سیاست‌ها در خصوص

مردمی‌سازی اقتصاد مشخص گردد. سپس این ایده‌ها بر اساس چهارچوب نظری به‌دست‌آمده در بخش قبل نقد و بررسی شده است (بخش چهارم). درنهایت در بخش پنجم نیز نتیجه‌گیری کرده و پیشنهادهای را جهت رفع نقص‌های احتمالی در این سیاست‌ها ارائه می‌نماییم.

۱. پیشینه پژوهش

دغدغه مردمی‌سازی اقتصاد در ادبیات علم اقتصاد، بیشتر ذیل مفهوم مردم‌سالاری اقتصادی^۱ دنبال شده است. پژوهش‌های انجام شده در حوزه مردم‌سالاری اقتصادی، عموماً در دو دسته کلی پژوهش‌هایی که به تبیین این مفهوم پرداخته‌اند و پژوهش‌هایی که به اجرایی‌سازی این مفهوم پرداخته‌اند (پژوهش‌های کاربردی) جای می‌گیرند. پژوهش‌های نظری نیز خود به دو دسته تقسیم می‌شود: پژوهش‌هایی که ایفای نقش مردم را در مقابل ایفای نقش دولت در اقتصاد می‌دانند و پژوهش‌هایی که دولت را تسهیل‌گر نقش‌آفرینی مردم در اقتصاد می‌دانند.

هایک به‌عنوان کسی که در دسته اول پژوهش‌های نظری قرار می‌گیرد، نقش‌آفرینی مردم در اقتصاد را صرفاً از طریق بازارهای آزاد ممکن می‌داند. از نظر وی بازارهای آزاد ضامن ایفای نقش مردم در اقتصاد است و براین‌اساس دولت باید یک نقش حداقلی، در حد یک ناظر شبانه، در اقتصاد ایفا کند (Hayek, 1944). وی تا جایی ادامه می‌دهد که بهترین قانون (توسط دولت) را قانونی می‌داند که دخالت دولت را به حداقل برساند تا نظم، اخلاق و قواعد خودتنظیم‌گر بازار مسیر تغییرات اجتماعی را تغییر ده، حتی اگر این مسیر بر خلاف نظر اکثریت باشد (Hayek, 2012, p. 41).

دسته دوم اما وجود دولت را برای ایجاد مردم‌سالاری اقتصادی لازم می‌دانند. ایشان بازار آزاد را موجب تمرکز قدرت و ثروت در دست صاحبان سهام شرکت‌ها و خروج افراد آسیب‌پذیر از دایره تصمیم‌گیری دانسته که باعث از بین رفتن اساس مردم‌سالاری اقتصادی می‌شود (Polanyi, 1944)، درحالی‌که یک اقتصاد مردم‌سالار به‌دنبال تمرکززدایی و کاهش مقیاس تولید است و لازمه آن توسعه دولت‌های با

جهت‌گیری‌های محلی برای توسعه اقتصادهای محلی است (Murray, 2013). دسته دیگری از پژوهش‌ها نیز کمتر به مباحث نظری پرداخته و بیشتر سعی نموده‌اند تا راه‌هایی برای مردمی‌سازی اقتصاد مدنظرشان ارائه نمایند. انجمن کوردسورسینگ ویک^۲ با استفاده از تعبیر اقتصاد جمعی^۳ برای مفهوم مورد نظر خود، بر استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و ایجاد یک سکو (پلتفرم) برای حضور مردم در فرایندهای اقتصادی و حرکت به سمت اهداف سودمند متقابل تأکید دارد. ازجمله تعبیر دیگری که ذیل این دسته قرار می‌گیرند می‌توان به اقتصاد سهم‌برانه^۴، اقتصاد همکارانه^۵ یا مصرف همکارانه^۶ اشاره نمود. این تعبیر که همگی معادل یک مفهوم هستند به روابط اقتصادی همتابه‌متا^۷ که دارای شبکه‌های مردمی مثل بازار به‌جای سلسله مراتب و نهادهای متمرکز بوده (Sundararajan, 2016, pp. 26-27)، اغلب بر بستر فناوری اطلاعات مبتنا داشته (Hamari & et al., 2016) و بر اساس اشتراک، مبادله، یا اجاره محصولات و خدمات با امکان دسترسی به مالکیت (Botsman, 2013) در ازای پرداخت پول یا هرگونه جبران دیگر (Belk, 2014) انجام می‌شود، اشاره دارد. در داخل کشور نیز از آنجایی که واژه اقتصاد مردمی (یا اقتصاد مردم‌بنیان، مردم‌سالار، مردم‌محور) تازه وارد ادبیات اقتصادی کشور شده، عمده پژوهش‌های مرتبط به تبیین و تعریف این مفهوم پرداخته‌اند. در این میان برخی اقتصاد مردمی را «مردم‌سالاری» در تمام فرایندهای اقتصادی می‌دانند (زریباف، ۱۳۹۵) برخی دیگر آن را اقتصادی می‌دانند که در آن از یک‌طرف مردم هدف کلیه فعالیت‌های اقتصادی باشند و از طرف دیگر همین مردم مکلف باشند که این اهداف را برآورده سازند (عبدالملکی، ۱۳۹۵). عده‌ای معتقدند که هرچه یک اقتصاد بتواند نقش‌آفرینی بیشتری برای عموم مردم در پنج رکن مالکیت، مدیریت، مشارکت در تصمیم‌گیری، عاملیت تغییرات و اعمال نظارت ایجاد کند، مردمی‌تر است (خاندوزی، ۱۳۹۵). بعضی دیگر نیز اقتصاد مردمی را مشارکت

2. Crowdsourcing Week

3. Crowd Economy

4. Sharing Economy

5. Collaborative Economy

6. Collaborative Consumption

7. Peer-to-Peer

بررسی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ج. ۱.۱ ایران از... / رضا تنهایی مقدم گلشیخی و دیگران مطالعات اقتصاد اسلامی ۴۰۹

حداکثری مردمی که رفتار و عملشان مقوم نظام سیاسی اسلام (نظام ولایت فقیه) باشد، در اقتصاد می‌دانند (درخشان، ۱۳۹۵).

در کنار پژوهش‌های داخلی که به تعریف و تبیین اقتصاد مردمی پرداخته‌اند، دسته‌ای دیگر از پژوهش‌ها سعی کرده‌اند راهبردها و راهکارهایی برای مردمی‌سازی اقتصاد ارائه دهند. برخی از این پژوهش‌ها بر تعاونی‌ها به‌عنوان راهبرد اصلی مردمی‌سازی اقتصاد تأکید کرده‌اند (مدنی، ۱۳۷۲؛ یوسفی، ۱۳۹۱)، و برخی دیگر نیز خصوصی‌سازی را راهبرد اصلی برای ایجاد یک اقتصاد مردمی می‌دانند (رشیدی، ۱۳۷۷؛ حیدری کرد زنگنه، ۱۳۹۵). صرف‌نظر از دو راهبرد خصوصی‌سازی و تعاونی‌سازی، پژوهشگران دیگری چون یوسفی و غفاری (۱۳۹۵)، شفیعا و موسوی لقمان (۱۳۹۲)، سرخه‌دهی و نادری‌نژاد (۱۳۹۵) و حسینی و سلیمانی (۱۳۹۸) نیز پیشنهادهای مانند ترویج گفتمان و ایجاد حساسیت در مردم، تغییر در نهادهای رسمی و غیررسمی جامعه، ایجاد شرایط علی (توانمندسازی و آگاهی‌بخشی) و تقویت شرایط زمینه‌ای (کاهش هزینه‌های مشارکت) را برای مردمی‌سازی اقتصاد ارائه داده‌اند.

۲. مبانی نظری

۲-۱. نقش مردم در اداره جامعه

بحث نقش‌آفرینی مردم در حکومت و اداره جامعه در مغرب زمین تحت عنوان مردم‌سالاری (دموکراسی) یا جمهوری دارای سابقه‌ای طولانی است. به‌طورکلی دو رویکرد به تعریف مردم‌سالاری وجود دارد: رویکردی که مردم‌سالاری را نوعی شیوه حکومت می‌داند و رویکردی که مردم‌سالاری را نوعی شیوه زندگی می‌داند (جاویدی، ۱۳۸۵). رویکرد اول وظیفه حکومت را برپا ساختن جمهوری می‌داند که در آن قانون‌گذاری توسط خود مردم انجام شود (Glickman, 1998). در رویکرد دوم اما مردم‌سالاری نوعی منش زندگی فردی و اجتماعی است (Dewey, 1915) که در آن هر فرد فرصت مناسب برای شکوفاسازی استعدادهایش را دارد، افراد در قدرت و مسئولیت شریک یکدیگرند و مسائل آن از طریق گفتگو و توافق و نه دستور، اجبار یا خشونت حل می‌شود (Seetharolmu & Nangia, 2004).

از منظر علوم جدید جوهر و منشأ مردم‌سالاری را می‌توان حقوقی دانست که انسان‌ها به موجب انسانیت خود دارای آنند. حقوقی ازجمله اصالت در برابری انسان‌ها، اصالت فرد، اصالت قانون، اصالت حاکمیت مردم و تأکید بر حقوق طبیعی، مدنی و سیاسی انسان‌ها (بشیریه، ۱۳۸۰، ص. ۱۹). در اسلام نیز عواملی همچون استخلاف و جانشینی انسان بر روی زمین از طرف خدا (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۰)، وابسته بودن قوام اسلام به خواست مردم (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۰۳/۱۴)، وجود وظایفی بر عهده انسان ازجمله مسئولیت مردم نسبت به سرنوشت جامعه، امر به معروف و نهی از منکر و لزوم مبارزه با انحرافات جامعه و مفاهیمی مانند آزادی و حق تعیین سرنوشت (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۰۳/۱۴)، بیعت، مشورت^۸، ولایت مردم بر یکدیگر^۹ و حکمیت که ازجمله حقوق مردم شمرده شده، می‌تواند به‌عنوان مبنای مردم‌سالاری در نظر گرفته شود. از آنجایی که این عوامل و حقوق در همه ابعاد زندگی اجتماعی و ازجمله اقتصاد ساری و جاری است، مردم‌سالاری اقتصادی و حق نقش‌آفرینی مردم در اقتصاد به‌عنوان یک اصل مسلم در نظر اسلام پذیرفته شده است. علاوه‌براین‌ها حق مالکیت - عمومی و خصوصی - که در اسلام محترم شمرده شده نیز به‌طور خاص می‌تواند منشأ نقش‌آفرینی مردم در عرصه اقتصاد باشد.

۲-۲. چستی اقتصاد مردمی

اقتصاد مردمی به‌نوعی به رابطه میان مردم و اقتصاد اشاره داشته و تبیین‌کننده نقش مردم در اقتصاد می‌باشد. بسته به جنس، حد و نوع این رابطه، افراد تعاریف مختلفی از اقتصاد مردمی ارائه کرده‌اند. در مغرب زمین این موضوع تحت عنوان مردم‌سالاری اقتصادی تبیین شده است.

بحث مردم‌سالاری اقتصادی و نقش‌آفرینی مردم در اقتصاد در رویکردها و مکاتب مختلف قابل ردیابی است. رویکرد اول رویکردی است که دالّ مرکزی مردم‌سالاری اقتصادی را آزادی اقتصادی در چهارچوب بازار آزاد می‌داند. این رویکرد بیشتر با

۸. وَ شَاوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ (آل عمران / آیه ۱۵۹)

۹. وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ (توبه / آیه ۷۱)

اقتصادهای لیبرال سرمایه‌داری همخوانی دارد. رویکرد دوم اما بیشتر هویت خود را در نقد به رویکرد اول و اقتصاد سرمایه‌داری می‌بیند و بیشتر بر مفهوم برابری تکیه دارد. در کنار این دو رویکرد، بحث مردم‌سالاری اقتصادی در مکاتب آنارشیزم^{۱۰}، پوپولیسم^{۱۱}، دولت رفاه^{۱۲} و اقتصاد اجتماعی^{۱۳} (یا به تعبیر دیگر اقتصاد بخش سوم^{۱۴}) نیز قابل پیگیری است.

رویکرد لیبرال که خود شامل لیبرالیسم کلاسیک و نئولیبرالیسم می‌شود، بیشتر از آنکه به این فکر کند که «چه کسی باید حکومت کند»، مسئله‌اش شیوه حکومت است. از نظر لیبرالیسم کلاسیک، حکمرانی مطلوب (یا مردم‌سالاری) باید به گونه‌ای باشد که ارزش‌های لیبرال را در جامعه حاکم کند. نکته مهم آن است که این مکتب، مردم‌سالاری سیاسی و مردم‌سالاری اقتصادی را به طور همزمان دنبال می‌کند، یعنی به دنبال پیاده‌سازی توأمان ارزش‌های لیبرالیسم سیاسی و لیبرالیسم اقتصادی است؛ لکن نئولیبرالیسم به طور کلی اولویتش اجرای ارزش‌های لیبرالیسم اقتصادی است و معتقد است لیبرالیسم اقتصادی مقدم بر لیبرالیسم سیاسی است. رویکرد لیبرال، مردم‌سالاری اقتصادی را به هیچ وجه به معنای خواست و اراده اکثریت نمی‌داند و حتی حکومت برخواسته از خواست و اراده اکثریت را مخرب می‌داند^{۱۵} (Hayek, 1979, p. 39). در این نگاه، نظم اجتماعی نه محصول اراده اکثریت که نتیجه فرایندی تکاملی به نام نظم خودجوش^{۱۶} است. نظم خودجوشی که در بستر آزادی‌های فردی افراد شکل می‌گیرد. (Kapeller & Puhlinger, 2012). از آنجایی که بازار آزاد ناشی از کنش‌های جداگانه بسیاری از افراد شکل گرفته که نمی‌دانستند دارند چه کاری انجام می‌دهند، بهترین ابزار شکل‌دهنده نظم خودجوش مبتنی بر آزادی‌های فردی است (Hayek, 1960, p. 115)؛ بنابراین می‌توان گفت مردم‌سالاری اقتصادی در این رویکرد به معنای ایجاد آزادی‌های

10. Anarshism

11. Populism

12. Welfare State

13. Social Economy

14. Third Sector Economy

۱۵. از آنجایی که غالباً مردم‌سالاری به معنای حکومت اکثریت تعریف می‌شود، هایک برای اینکه مردم‌سالاری مدنظرش

با این تعریف گمراه‌کننده اشتباه نشود، از واژه دمارشی (Demarchy) به جای مردم‌سالاری استفاده می‌کند.

16. Spontaneous Order

فردی در بستر بازارهای آزاد است و خروجی آن - هرچه باشد - مردم‌سالاری اقتصادی را در پی خواهد داشت.

رویکرد غیرلیبرال اما هویت اصلی خود را در انتقاد به رویکرد لیبرال تعریف کرده است. اجرای سیاست‌های مدنظر نئولیبرالیسم که با هدف تأمین حداکثر آزادی انجام شده دارای تبعاتی از جمله تمرکز شدید درآمد و ثروت در دست عده‌ای محدود، ناهمگونی در کارآفرینی، افزایش تمایزات درونی طبقه متوسط و به حاشیه رفتن نیروی کار (کاهش سهم کارگر از درآمد ملی) است (Solimano, 2014, pp. 12-14) که در عمل منجر به ایجاد یک دوگان میان آزادی و برابری می‌شود. براین اساس از آنجایی که آزادی مفهومی ناکافی و گمراه‌کننده برای مردم‌سالاری اقتصادی است، باید گزینه بدیلی برای توصیف مردم‌سالاری اقتصادی جستجو نمود (Hahnel, 2012, p. 18). به بیانی می‌توان گفت مردم‌سالاری اقتصادی، سازمان و گزینه‌ای بدیل برای سرمایه‌داری است. از آنجایی که الگوهای جایگزین قرن بیستمی مانند کمونیسم یا سوسیال دموکراسی بازسازی شده دیگر جذابیت نداشتند، جامعه سراغ مردم‌سالاری اقتصادی رفته است (Solimano, 2014, p. 19).

در این رویکرد برای توصیف مردم‌سالاری اقتصادی به جای آزادی بر مفاهیمی همچون خودمدیریتی اقتصادی^{۱۷} و یا بنگاه خودحکمران^{۱۸} تأکید می‌شود. خودمدیریتی اقتصادی به معنای قدرت تصمیم‌گیری هر فرد به نسبت تأثیری که از تصمیم‌های مختلف اقتصادی می‌گیرد، تعریف می‌شود (Hahnel, 2012, p. 19). بنگاه‌های خودحکمران نیز نظامی از بنگاه‌های اقتصادی است که مالکیت جمعی داشته و به صورت مردم‌سالارانه توسط همه کسانی که در آن مشغول به کار هستند اداره می‌شود یعنی تصمیم‌گیری در آن در یک فرایند مردم‌سالارانه با حق رأی برابر همه صورت می‌گیرد (Dahl, 1990, p. 91)؛ البته این رویکرد شامل نحله‌های مختلفی همچون سوسیالیسم بازار^{۱۹}، اقتصاد جامعه‌محور^{۲۰} و اقتصاد مشارکتی^{۲۱} است. سوسیالیسم بازار

17. Economic Self-Management

18. Self-governing Enterprise

19. Market Socialism

20. Community-Based Economics

21. Participatory Economics

معتقد است، مانع اصلی مردمی شدن اقتصاد مالکیت خصوصی است و بنابراین مالکیت ابزار تولید و منابع طبیعی باید عمومی شده و کارگران مالک شرکت‌هایی باشند که در آن کار می‌کنند. کالاهای تولیدی نیز باید در بازارهای رقابتی مبادله شود (Schweickart, 1993, pp. 67-77). از نظر اقتصاد جامعه‌محور مردم‌سالاری اقتصادی با تمرکززدایی از اقتصادهای بزرگ و ملی و تبدیل آن‌ها به جوامع اقتصادی کوچک و خودمختار با امکان تصمیم‌گیری‌های مردم‌سالارانه چهره‌به‌چهره اتفاق می‌افتد (Hahnel, 2005, p. 181). اقتصاد مشارکتی نیز سعی دارد با عمومی‌سازی مالکیت ابزار تولید و مردم‌سالارانه کردن فرایند تخصیص از طریق تعاونی‌ها و راه‌های غیربازاری، نقش مردم در اقتصاد را افزایش دهد (Albert, 2004, pp. 9-14; Albert & Hahnel, 1991, p. 13).

علاوه بر دو رویکرد فوق، آنارشیزم نیز از جمله مکاتبی است که می‌توان ردپایی از نقش‌آفرینی مردم در اقتصاد را در میان آموزه‌های آن جستجو نمود. آنارشیزم به دنبال ایجاد جامعه‌ای است که در آن افراد به‌طور آزاد و برابر با یکدیگر تعامل کنند. در چنین جامعه‌ای انواع کنترل سلسله‌مراتبی - توسط دولت یا صاحبان سرمایه - غیرضروری و مضر بوده (McKay & et al., 2009) و در آن هیچ‌گونه ارباب و سلطانی وجود ندارد (Proudhon & et al., 1970, p. 277). آنارشیست‌ها به دو نحله راست و چپ تقسیم می‌شوند. نحله راست آن‌ها معتقد به گسترش مالکیت خصوصی در تمامی ابعاد جامعه و تأمین همه‌چیز حتی امنیت و قانون در بستر بازار هستند (Stringham, 2007, p. 1)؛ لذا همه امور باید در دست مردم، آن هم از طریق سازوکار بازار باشد و اصولاً هیچ نیازی به وجود دولت نیست (Rothbard, 1998, p. 232). از نظر آنارشیست‌های چپ اما، مردم مایلند - یا آنکه باید - مالکیت خصوصی را طرد کرده و یا به‌شدت آن را محدود کنند. ارزش اساسی برای این نحله برابری طلبی^{۲۲} است و معتقدند که نابرابری، به‌ویژه در ثروت و قدرت، ناخوشایند، غیراخلاقی و از نظر اجتماعی محکوم است (Caplan, 2008). ایشان معتقد به شورش علیه هرگونه قدرت (سیاسی و اقتصادی) هستند تا مردم به‌طور مستقیم یا از طریق تعاونی‌ها و اتحادیه‌های صنفی (سندیکاها) اموراتشان را تأمین نمایند.

دولت رفاه نیز به مقوله مردمی سازی اقتصاد نگاهی کارکردی و نتیجه گرا دارد و بیشتر به دنبال این است که مردم از نتایج یک اقتصاد مطلوب بهره مند شده و باید رفاه و رضایت قابل قبول را برای مردم فراهم نمود. دولت رفاه در واقع نوعی حکومت است که در آن دولت یا شبکه ای از نهادهای اجتماعی نقشی اساسی در حمایت و ارتقاء رفاه اقتصادی اجتماعی شهروندان ایفا می کند (Britannica, 2015; Kenton, 2020). نوع محدود این حمایت ها در حد اعانات نقدی و یارانه مستقیم خدمات اجتماعی به خانوارهاست و نوع گسترده تر آن شامل اموراتی مانند تنظیمات قیمتی (از قبیل کنترل اجاره یا حمایت از قیمت محصولات کشاورزی)، سیاست های حوزه مسکن، مقررات گذاری در محیط کار، امنیت شغلی و سیاست های زیست محیطی نیز می شود (Lindbeck, 2008; Esping-Andersen, 1990, p. 1).

اقتصاد اجتماعی^{۲۳} نیز از جمله مفاهیمی است که در حوزه مردم سالاری اقتصادی و مردمی سازی اقتصاد باید بررسی شود. عموماً واژه های اقتصاد بخش سوم^{۲۴}، اقتصاد اجتماعی و اقتصاد هم پسته^{۲۵} مترادف یکدیگر به کار می روند (Moulaert & Ailenei, 2005). در خصوص تعریف اقتصاد اجتماعی دو رویکرد وجود دارد: رویکرد اول اقتصاد اجتماعی را جدای از بازار می بیند. به عبارتی در این رویکرد یک بازار داریم که متشکل از بخش خصوصی (بنگاه های کاپیتالیستی) و بخش عمومی (دولت) است و در کنار این بازار و به طور موازی یک اقتصاد اجتماعی داریم. رویکرد دوم اما اقتصاد اجتماعی را نه موازی بازار که یکی از ابعاد آن می بیند. در این رویکرد، بازار منحصرأ با بنگاه های خصوصی شناخته نمی شود بلکه قلمرویی است شامل دولت، بخش تجاری و اقتصاد اجتماعی. تعاریف مختلفی که در خصوص اقتصاد اجتماعی می شود در این دو رویکرد قابل ردیابی است (Restakis, 2006). اقتصاد اجتماعی شامل بخش های داوطلبانه، غیرانتفاعی و تعاونی است که کاملاً مستقل از دولت عمل می کنند (Moulaert & Ailenei, 2005).

خدمت به اعضا یا جامعه به جای انباشت سود، مدیریت مستقل (از دولت)،

23. Social Economy

24. Third Sector Economy

25. Solidarity Economy

بررسی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ج. ۱.۱. ایران از... / رضا تنهایی مقدم گلشیخی و دیگران مطالعات اقتصاد اسلامی ۴۱۵

مردم‌سالارانه بودن فرایند تصمیم‌گیری و تقدم کار و انسان بر سرمایه و سود ازجمله اصول اقتصاد اجتماعی است (Ninacs, 2002). اگر نهادهای خصوصی بر مبنای مبادله کالا و خدمات بر اساس ارزش توافق شده برای کسب سود تجاری تعریف می‌شود و اگر عملکرد بخش عمومی بر پایه تأمین کالاهای عمومی و توزیع ثروت با هدف ایجاد عدالت تبیین می‌گردد، اقتصاد اجتماعی نیز بر مبنای «تعامل متقابل»^{۲۶} با هدف توسعه منافع جمعی و هم‌بستگی شکل می‌گیرد. تعامل متقابل به معنای این است که یک عامل اقتصادی (اعم از شخصی یا نهادی) خدمتی را به دیگری ارائه دهد و انتظار داشته باشد که گیرنده خدمت، متقابلاً مشابه همان خدمت را به وی یا به شخص ثالث ارائه کند (Restakis, 2006). جدول زیر خلاصه نگاه رویکردها و مکاتب مختلف به نقش مردم در اقتصاد را بیان می‌کند:

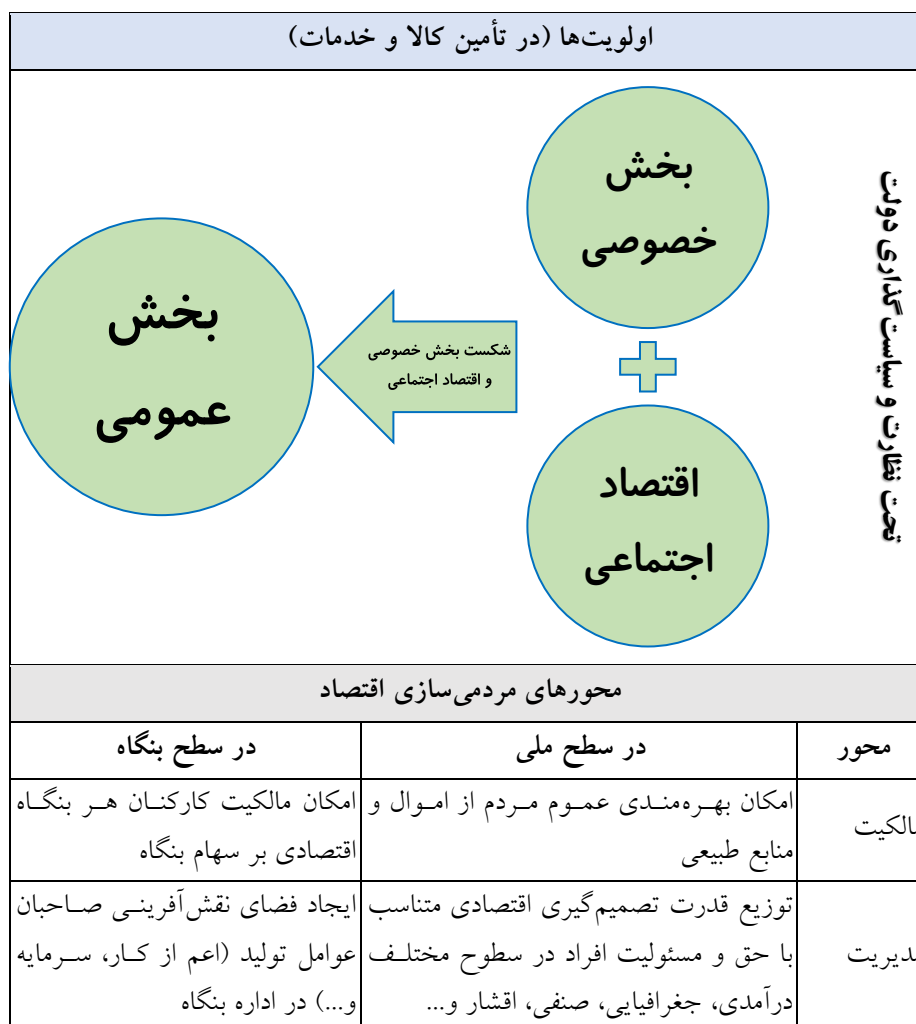
جدول (۱): نگاه‌ها و رویکردهای مکاتب مختلف به نقش مردم در اقتصاد

مکتب / رویکرد	مؤلفه‌ها
لیبرال سرمایه‌داری	آزادی فردی در چهارچوب بازار
سوسیالیزم بازار	عمومی‌سازی مالکیت ابزار تولید، مالکیت نیروی کار بر بنگاه، توزیع محصول در بازار
اقتصاد جامعه‌محور	تمرکززدایی از اقتصادهای بزرگ، تشکیل جوامع کوچک و خودمختار با مدیریت مردم‌سالارانه
اقتصاد مشارکتی	عمومی‌سازی مالکیت ابزار تولید، مردم‌سالارانه کردن مدیریت از طریق راه‌های غیربازاری
آنارشیسم	گسترش / نفی مالکیت خصوصی، مدیریت غیرسلسله‌مراتبی و غیرمتمرکز / نفی دولت
دولت رفاه	بهره‌مندی مردم از منافع یک اقتصاد مطلوب
اقتصاد اجتماعی	توسعه منافع جمعی بدون انگیزه کسب سود از طریق بخش‌های داوطلبانه، غیرانتفاعی و تعاونی

منبع: (یافته‌های پژوهش)

همان‌گونه که مرور ادبیات نقش مردم در اقتصاد در مکاتب و رویکردهای مختلف

نشان می‌دهد: اولاً، هیچ مکتبی رویکردی جامع به این موضوع نداشته و هرکدام از زاویه دیدی به موضوع نقش مردم در اقتصاد پرداخته‌اند. براین اساس در ادامه سعی می‌شود برداشتی از نقش مردم در اقتصاد ارائه گردد که هم از جامعیت لازم برخوردار بوده و هم دارای انسجام باشد به گونه‌ای که تعارضات و اختلافات رویکردی در این برداشت وجود نداشته باشد؛ لذا تعریف و برداشت مختار از اقتصاد مردمی در قالب چهارچوب ذیل ارائه می‌گردد:



سهم‌بری	توزیع منافع حاصل از بهره‌برداری از منابع طبیعی و اموال عمومی تأمین حداقل‌های یک زندگی برای هر فرد	سهم شدن کارکنان هر بنگاه در منافع ایجاد شده
---------	--	---

منبع: (یافته‌های پژوهش)

شکل (۱): چهارچوب مردمی‌سازی اقتصاد

در یک اقتصاد مردمی اولویت این است که تأمین کالاها و خدمات توسط بخش خصوصی (بازار) و اقتصاد اجتماعی - تحت نظارت و سیاست‌گذاری دولت - انجام شود و در مواردی که این دو بخش دچار شکست می‌شود، بخش عمومی وارد شود. صرف‌نظر از توزیع نقش‌آفرینی میان سه بخش اقتصادی، مردمی شدن اقتصاد و ایجاد مردم‌سالاری اقتصادی باید در محورهای ذیل صورت گیرد:

۱- مالکیت:

- در سطح ملی و اقتصاد کلان: امکان بهره‌مندی عموم مردم از اموال و منابع طبیعی
- در سطح بنگاه: امکان مالکیت کارکنان هر بنگاه اقتصادی بر سهام بنگاه

۲- مدیریت:

- در سطح ملی و اقتصاد کلان: توزیع قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی متناسب با حق و مسئولیت افراد در سطوح مختلف درآمدی، جغرافیایی، صنفی، اقشار و...
- در سطح بنگاه: ایجاد فضای نقش‌آفرینی صاحبان عوامل تولید (اعم از کار، سرمایه و...) در اداره بنگاه

۳- سهم‌بری و بهره‌مندی از منافع:

- در سطح ملی و اقتصاد کلان: توزیع منافع حاصل از بهره‌برداری از منابع طبیعی و اموال عمومی به‌دلیل حق مالکیت و حق تسخیر نوع انسان بر آن منابع و تأمین حداقل‌های یک زندگی برای هر فرد به‌دلیل وجود حق حیات برای هر انسان.
- در سطح بنگاه: سهم‌شدن کارکنان هر بنگاه - صرف‌نظر از مالک بودن یا نبودن - از منافع ایجاد شده در بنگاه در اثر تلاش کارکنان.

البته اینکه مردمی شدن اقتصاد در هریک از محورهای پیش‌گفته به چه صورت انجام می‌شود بحث دیگری است؛ به‌عنوان مثال مردمی شدن مالکیت می‌تواند به‌صورت به‌رسمیت

شناختن مالکیت خصوصی برای آحاد شهروندان، عمومی سازی مالکیت و الغای مالکیت خصوصی، به رسمیت شناختن حق اولویت در بهره برداری و... صورت پذیرد.

۳. ارزیابی سیاست های کلی اصل ۴۴

سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در دو مرحله توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شده است. مرحله اول این سیاست ها در ۴ بخش «الف: سیاست های کلی توسعه بخش های غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی»، «ب: سیاست های کلی بخش تعاونی»، «د: سیاست های کلی واگذاری» و «ه: سیاست های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار» در خرداد سال ۱۳۸۴ و مرحله دوم شامل بند «ج: سیاست های کلی توسعه بخش های غیردولتی از طریق واگذاری فعالیت ها و بنگاه های دولتی» در تیرماه سال ۱۳۸۵ ابلاغ شده است.

شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی، ارتقاء کارایی بنگاه های اقتصادی و بهره وری منابع مادی و انسانی و فناوری، افزایش رقابت پذیری و کارایی، افزایش سهم بخش های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت های اقتصادی و تغییر نقش آن از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاست گذاری و هدایت و نظارت، افزایش سطح عمومی اشتغال، تشویق اقشار مردم به پس انداز و سرمایه گذاری و بهبود درآمد خانوارها، توسعه سرمایه انسانی دانش پایه و متخصص، توانمندسازی بخش های خصوصی و تعاونی در اقتصاد و حمایت از آن جهت رقابت کالاها در بازارهای بین المللی، آماده سازی بنگاه های داخلی جهت مواجهه هوشمندانه با قواعد تجارت جهانی، توسعه و ارتقاء استانداردهای ملی و انطباق نظام های ارزیابی کیفیت با استانداردهای بین المللی از جمله اهدافی است که برای ابلاغ این سیاست ها اعلام شده است. در یک دسته بندی کلی می توان دو هدف عمده «افزایش رشد اقتصادی» و «افزایش سهم مردم در اقتصاد» را برای ابلاغ این سیاست ها برشمرد. راهبردها و سیاست های اعلام شده برای نیل به اهداف ذکر شده نیز در راستای

تحقق همین دو هدف عمده است. در ادامه بر اساس چهارچوب به‌دست آمده در بخش قبل، اهداف و راهبردهای بیان شده بررسی می‌شود.

۳-۱. بررسی سیاست‌ها از منظر اولویت‌ها

حسب آنچه بیان شد در یک اقتصاد مردمی اولویت این است که تأمین کالاها و خدمات توسط بخش خصوصی و اقتصاد اجتماعی (بخش سوم) انجام شود. این موضوع به‌طورکلی مورد توجه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قرار گرفته است. اهدافی نظیر افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی و تغییر نقش آن از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت و تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بیان‌گر توجه به افزایش سهم بخش خصوصی و تعاونی در اقتصاد است. باوجوداین در بررسی سیاست‌های ابلاغی از منظر اولویت‌های یک اقتصاد مردمی می‌توان به نکات ذیل اشاره نمود:

۱- نگاه ناقص به اقتصاد اجتماعی یا بخش سوم اقتصاد: همان‌طورکه ذکر شد

اقتصاد اجتماعی (بخش سوم) شامل سه بخش است: بخش داوطلبانه، بخش غیرانتفاعی و بخش تعاونی. آنچه در اصل ۴۴ و به‌تبع در سیاست‌های کلی آن آمده صرفاً توجه به بخش تعاونی است. بی‌توجهی به فعالیت‌های داوطلبانه و غیرانتفاعی به معنای غفلت از بخش زیادی از فعالیت‌های مردمی در اقتصاد است که هم پیشینه‌ای در میراث دینی و تمدنی ایران داشته و هم در دنیا در حال رشد است.

۲- ابهام در تعیین ملاک برای تعیین حدود نقش مردم در اقتصاد: در سیاست‌های

اعلامی ملاک برای سهم بهینه بخش‌های دولتی و غیردولتی در فعالیت‌های صدر اصل ۴۴ «حفظ حاکمیت دولت»، «استقلال کشور»، «عدالت اجتماعی» و «رشد و توسعه اقتصادی» بیان شده است درحالی‌که اگر از منظر مردمی‌سازی به اصل ۴۴ نگاه کنیم مهم‌ترین ملاک باید شکست بخش خصوصی و اقتصاد اجتماعی باشد، بدین‌معنا که اصل بر نقش‌آفرینی بخش‌های خصوصی و اقتصاد اجتماعی است مگر اینکه آن بخش‌ها دچار شکست شوند. به‌دلیل همین ابهام در تعیین ملاک برای حد

و اندازه نقش مردم در اقتصاد، در بند «ج» سیاست‌ها و واگذاری ۸۰ درصد از سهام بنگاه‌های دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ به بخش‌های خصوصی، شرکت‌های تعاونی سهامی عام و بنگاه‌های عمومی غیردولتی، به شرحی که ذکر شده، مجاز شمرده شده است. مبنای اینکه چرا ۲۰ درصد سهام بنگاه‌های مذکور باید در اختیار دولت باقی بماند مشخص نیست. اگر بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی توان مدیریت بنگاه‌های مذکور را دارند طبیعتاً می‌توان کلیه سهام بنگاه‌ها را به آن‌ها واگذار نمود و نگه‌داشتن بخشی از سهام در ید دولت معنایی ندارد.

۳-۲- بلاتکلیف گذاشتن بخش عمومی غیردولتی از منظر اقتصاد مردمی: اشکال دیگر سیاست‌ها این است که بخش عمومی غیردولتی از بخش دولتی جدا دانسته شده در حالی که کاهش سهم بخش دولتی و افزایش مابه‌ازای سهم بخش عمومی غیردولتی را نمی‌توان مردمی شدن اقتصاد محسوب نمود؛ لذا به نظر می‌رسد دغدغه اصلی سیاست‌ها، واگذاری مجموعه‌ای از امور اقتصادی توسط دولت بوده و اینکه امور به چه کسی واگذار می‌شود (مردم یا بخش عمومی غیردولتی یا...) مسئله اصلی نبوده است. از منظر اقتصاد مردمی مشکل اصلی، تجمیع منابع و فعالیت اقتصادی در یک حوزه خاص است به گونه‌ای که نوعی انحصار در مقابل ورود مردم شکل گیرد. حال این حوزه می‌تواند دولت باشد یا بخش عمومی غیردولتی یا حتی بنگاه‌های بزرگ و انحصارگر خصوصی.

۳-۲. بررسی سیاست‌ها از منظر محورها

مردمی‌سازی اقتصاد باید در سه محور مالکیت، مدیریت و سهم‌بری و در دو سطح اقتصاد کلان و بنگاه صورت پذیرد. جدول ذیل به‌طور خلاصه ایده سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی برای مردمی‌سازی اقتصاد را نشان می‌دهد:

جدول (۲): ایده سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی برای مردمی‌سازی اقتصاد

محورهای مردمی‌سازی اقتصاد		
محور	در سطح ملی	در سطح بنگاه
مالکیت	گسترش مالکیت در سطح عموم مردم، توسعه مالکیت غیردولتی در در زمینه‌های صدر اصل ۴۴ و تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت به سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت.	
مدیریت	جلوگیری از انحصار و افزایش رقابت‌پذیری، افزایش سهم تعاونی‌ها و بخش خصوصی و کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت، جلوگیری از نفوذ و سیطره بیگانگان، تشویق مردم به سرمایه‌گذاری، ایجاد تعاونی برای بیکاران، توسعه آموزش و سایر حمایت‌ها به منظور توانمندسازی تعاونی‌ها، توانمندسازی بنگاه‌های داخلی، توسعه سرمایه انسانی.	توسعه تعاونی‌ها، توسعه سرمایه انسانی، فروش بخشی از سهام شرکت‌ها به مدیران و کارکنان آن ^{۲۷}
سهم‌بری	بهبود درآمد خانوارها، تقویت تأمین اجتماعی، اختصاص بخشی از درآمدها به: توسعه تعاونی‌های فراگیر به منظور فقرزدایی، ایجاد زیرساخت‌های مناطق کمتر توسعه‌یافته، ایجاد تسهیلات و مشارکت برای توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته.	

منبع: (یافته‌های پژوهش)

۲۷. البته از آنجایی که در متن سیاست‌ها، برای این سهام سقف (محدودی) تعیین شده، لزوماً نمی‌توان آن را در راستای مردمی‌سازی بنگاه تعریف نمود.

در ادامه سیاست‌های ابلاغی را بر اساس این محورها بررسی می‌نماییم:

۱- نگاهی به اهداف ابلاغ سیاست‌ها نشان می‌دهد مردمی‌سازی مالکیت در قالب «گسترش مالکیت در سطح عموم مردم» و «تغییر نقش دولت از مالکیت مستقیم بنگاه به سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت» بیان شده است.

• بررسی سیاست‌ها حاکی از این است که ایده‌ای برای عمومی‌سازی مالکیت منابع طبیعی در آن وجود ندارد و در سطح اقتصاد ملی، توجه عمده بر واگذاری مالکیت صنایع و بنگاه‌های بزرگ به بخش عمومی غیردولتی، بخش خصوصی و بخش تعاونی بوده است. به عبارتی دغدغه اصلی واگذاری مالکیت دولت بوده و سازوکارهای لازم برای اینکه مالکیت به معنای واقعی کلمه به عموم مردم منتقل شود به مواردی نظیر فراخوان عمومی و اطلاع‌رسانی مناسب تقلیل یافته است. تنها راهبرد جدی برای نیل به این منظور - صرف‌نظر از درستی و نادرستی آن - تعیین سهم ۲۵ درصدی برای تعاونی‌ها در اقتصاد ایران است.

• در سطح بنگاه نیز سیاست‌هایی نظیر «تعیین سقف برای مالکیت سهامداران در تعاونی‌ها» و «فروش اقساطی حداکثر ۵ درصد سهام شرکت‌های مشمول بند ج به مدیران و کارکنان شرکت‌های فوق»، برای مردمی‌سازی مالکیت در سطح بنگاه پیش‌بینی شده است. اشکال اصلی در این سطح نیز آن است که برای مردمی‌سازی بنگاه‌های اقتصادی موجود، صرف‌نظر از بنگاه‌های واگذار شده توسط دولت، تدبیری اندیشیده نشده است. بدیهی است که بنگاه‌های خصوصی موجود، چنانچه در مالکیت عده‌ای محدود از افراد خاص باشد، شرایط بنگاه مردمی را نخواهد داشت. مردمی‌سازی بنگاه‌های اقتصادی در حوزه مالکیت، می‌تواند هم در حوزه مالکیت عموم مردم بر بنگاه‌ها اتفاق بیفتد و هم در حوزه مالکیت کارکنان هر بنگاه بر آن.

۲- در محور مردمی‌سازی مدیریت اقتصادی نیز اهدافی نظیر «کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی» و «تغییر نقش دولت از مدیریت مستقیم بنگاه به سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت» بیان شده است.

• بررسی سیاست‌ها نشان می‌دهد که تأکید ویژه در محور مدیریت اقتصادی بر انتقال

مدیریت بنگاه از دولت به بخش‌های غیردولتی است و لذا سیاست‌ها بر مبنای تسهیل ورود بخش‌های غیردولتی به مدیریت بنگاهی صنایع بزرگ - که در صدر اصل ۴۴ ممنوع بوده - تدوین شده است. این در حالی است که مردمی‌سازی مدیریت اقتصادی در سطح ملی، در درجه اول مستلزم نقش‌آفرینی مردم در مدیریت اقتصاد کلان است؛ لذا این ممکن است که مدیریت همه بنگاه‌های بزرگ دولتی به غیردولت واگذار شود؛ اما هدف اصلی که نقش‌آفرینی مردم در مدیریت کلان اقتصاد کشور است صورت نگیرد. به عبارتی هرچند در سند سیاست‌ها به‌درستی نقش اصلی دولت به سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت محدود شده؛ لکن می‌بایست سیاست‌ها و راهبردهایی در خصوص چگونگی اثرگذاری مردم در حوزه سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت در سطح اقتصاد کلان نیز تدوین گردد.

- در سطح مردم‌سالاری در مدیریت اقتصادی بنگاه نیز سیاست‌های ابلاغی ایده‌هایی را همچون توسعه تعاونی‌ها یا توسعه نیروی انسانی بیان کرده که البته صراحتاً نمی‌توان گفت هدف از بیان این ایده‌ها مردمی‌سازی بنگاه‌های اقتصادی بوده است. حسب آنچه در بخش قبل بیان شد اقتضای مردم‌سالاری در سطح بنگاه این است که امکان نقش‌آفرینی صاحبان عوامل تولید و خصوصاً کارکنان بنگاه در اداره آن فراهم شود. در حال حاضر و بر اساس قانون تجارت، تنها صاحبان سرمایه شرکت (سهامداران) می‌توانند مدیران را انتخاب نمایند در حالی که بر اساس عقود نظیر مضاربه و امثال آن، اصل بر این است که مدیریت بنگاه توسط صاحب نیروی کار انجام شود.

۳- سهم‌بری و بهره‌مندی مردم از منافع اقتصادی نیز از دیگر محورهای یک اقتصاد مردمی است. مردمی‌شدن یک اقتصاد در سطح ملی مستلزم این است که مردم از منافع کلان اقتصاد بهره‌مند شده و حداقل‌های یک زندگی را دارا باشند. در سطح بنگاه نیز کارکنان هر بنگاه باید در منفعی که در اثر تلاش ایشان ایجاد شده سهیم باشند. موضوع سهم‌بری به‌طور ویژه در هدف «بهبود درآمد خانوارها» مورد نظر قرار گرفته است:

- موضوع سهم‌بری مردم از منافع اقتصادی در سطح ملی در «بند د» سیاست‌های ابلاغی و ذیل سرفصل مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری مورد توجه قرار

گرفته است. از منظر اقتصاد مردمی اشکال اساسی این سرفصل این است که به وجوه حاصل از واگذاری بنگاه‌های دولتی محدود شده و در خصوص منافع حاصل از بهره‌برداری از منابع طبیعی و سایر اموال عمومی سکوت کرده است. همچنین صرف‌نظر از سیاست‌های توزیعی عواید حاصل از بهره‌برداری منابع طبیعی و اموال عمومی بر خورداری از حداقل‌های اقتصادی یک زندگی حق هر انسانی است و مردمی شدن اقتصاد مستلزم این است که این حق برای همه مردم یک جامعه فراهم شود. در سیاست‌های ابلاغی این مهم از طریق «تأسیس تعاونی‌های فراگیر ملی برای تحت پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به منظور فقرزدایی» و تأکید بر مصرف عواید حاصل از واگذاری بنگاه‌های دولتی برای تقویت این تعاونی‌ها و رفع فقر و محرومیت و توسعه زیرساخت‌های مناطق کمتر توسعه‌یافته محل توجه واقع شده است؛ لکن با وجود این باز هم تضمینی وجود ندارد که اجرای دقیق سیاست‌های ذکر شده منجر به رفع کامل فقر و تأمین حداقل‌های زندگی برای همه مردم شود.

• سهم‌بری کارکنان بنگاه‌ها از عواید و منافع اقتصادی بنگاه نیز اساساً در سیاست‌های ابلاغی مورد توجه قرار نگرفته است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به دنبال آن بودیم تا سیاست‌های کلی ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی را از منظر اقتصاد مردمی بررسی کنیم. برای این منظور ابتدا چهارچوبی مفهومی از اقتصاد مردمی ارائه شد. حسب این چهارچوب، اقتصاد مردمی اقتصادی است که در آن اولویت تأمین کالاها و خدمات با بخش خصوصی و اقتصاد اجتماعی باشد و چنانچه این دو بخش دچار شکست شد بخش عمومی وارد شود. علاوه بر این اولویت‌بندی، مردمی‌سازی اقتصاد در سه محور مالکیت، مدیریت و سهم‌بری مردم اتفاق می‌افتد که هر محور دارای دو سطح اقتصاد کلان و سطح بنگاه است. بر اساس این چهارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه بررسی حاکی از این است که ابلاغ این سیاست‌ها دارای دو هدف عمده «افزایش رشد اقتصادی» و «افزایش

سهم مردم در اقتصاد» بوده؛ لکن واگذاری بنگاه‌های دولتی صدر اصل ۴۴ بر پیگیری این دو هدف سایه افکنده به‌طوری که می‌توان گفت سیاست‌های ابلاغی در راستای تحقق اقتصاد مردمی دارای نواقص و کاستی‌های جدی است. ازجمله این نواقص می‌توان به نداشتن یک تصویر روشن از اقتصاد مردمی، تقلیل اقتصاد اجتماعی به بخش تعاونی و عدم توجه به بخش‌های داوطلبانه و غیرانتفاعی، عدم تفکیک میان بخش عمومی غیردولتی با بخش خصوصی و تعاونی، عدم توجه به مردم‌سالاری در سطح بنگاه، عدم توجه به فعالیت‌های اقتصادی به غیر از آنچه در صدر اصل ۴۴ آمده و سایر موارد اشاره نمود.

ناگفته نماند نقش مردم در اقتصاد در قانون اساسی صرفاً در اصل ۴۴ خلاصه نمی‌شود. این موضوع در اصول دیگری ازجمله اصول ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۴۳، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۰ و... مطرح شده که با استفاده از آن می‌توان بخشی از کاستی‌های موجود در اصل ۴۴ را جبران نمود؛ به‌عنوان مثال در اصل ۴۳ قانون اساسی که ضوابط اقتصاد جمهوری اسلامی را بیان می‌کند دلالت‌هایی روشن بر مردمی‌سازی اقتصاد دارد. ازجمله این دلالت‌ها تضمین حداقل‌های بهره‌مندی مردم از منابع، توجه به مالکیت و مدیریت اقتصادی عموم مردم از طریق نفی انحصار، منع تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص و ممانعت از تبدیل شدن دولت به یک کارفرمای بزرگ، تأمین آزادی‌های اقتصادی در سطح فردی و ملی، ترجیح تأمین لوازم کار برای همه از طریق تعاونی^{۲۸} و... می‌باشد. علی‌رغم همه این‌ها باز هم موارد تعیین تکلیف نشده دیگری باقی می‌ماند. براین اساس پیشنهاد می‌شود سیاست‌های کلی مردمی‌سازی اقتصاد بر اساس یک تعریف جامع از اقتصاد مردمی متناسب با ظرفیت‌های قانون اساسی و هماهنگ با سایر اسناد بالادستی تدوین گردد.

۲۸. به‌نوعی می‌توان گفت که بند دوم اصل ۴۳ قانون اساسی خویش‌فرمایی و تعاونی را بر کارکردن در قالب شرکتی ترجیح می‌دهد. این رجحان می‌تواند تا حدی به تحقق مردم‌سالاری در محیط بنگاه بیانجامد.

کتابنامه

قرآن کریم.

- حسینی، سیدحسین و سلیمانی، محمد (۱۳۹۸). الگوی مشارکت مردم در اقتصاد با تأکید بر اندیشه امام خمینی. معرفت/اقتصاد/اسلامی، (۱۱).
- حیدری کرد زنگنه، غلامرضا (۱۳۹۵). جایگاه مردم در خصوصی‌سازی‌های اقتصاد ایران. سخنرانی در دوره اقتصاد مردم‌بنیاد. تهران: به همت مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۰/۳/۱۴). سخنرانی تلویزیونی مقام معظم رهبری به مناسبت سی و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
- خاندوزی، سیداحسان (۱۳۹۵). ارزیابی عملکرد دولت‌های پس از انقلاب در مردم‌محور کردن اقتصاد. سخنرانی در دوره اقتصاد مردم‌بنیاد. تهران: به همت مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- خطبه‌های نماز جمعه در دهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، ۱۴/۰۳/۱۳۷۸.
- درخشان، مسعود (۱۳۹۵). الگوی مشارکت مردم. سخنرانی در دوره اقتصاد مردم‌بنیاد. تهران: به همت مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- رشیدی، علی (۱۳۷۷). تأمین اجتماعی در اقتصاد مردم‌سالار. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲(۵)، ۷۰-۴۷.
- زرباف، سیدمهدی (۱۳۹۵). تفاوت‌های مردمی‌سازی با خصوصی‌سازی. سخنرانی در دوره اقتصاد مردم‌بنیاد. تهران: به همت مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- سرخه‌دهی، فاطمه و نادری‌نژاد، ریحانه (۱۳۹۵). اقتصاد مردمی نقطه مشترک اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- شفیعا، محمدعلی و موسوی لقمان، سیده‌اشرف (۱۳۹۲). نقش مردم در پیشرفت اقتصادی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری. اقتصاد/اسلامی، ۱۳(۵۱)، ۳۵-۶۲.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۴). اسلام راهبر زندگی. ترجمه مهدی زندیه، قم: انتشارات دارالصدر.
- عبدالملکی، حجت‌الله (۱۳۹۵). ارتباط اقتصاد مردم‌محور با اقتصاد منطقه‌ای. سخنرانی در دوره اقتصاد مردم‌بنیاد. تهران: به همت مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- مدنی، علی‌اکبر (۱۳۷۲). تعاونی راهی به جامعه سالم. تهران: انتشارات وزارت تعاون.

بررسی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ج. ۱. ۱. ایران از... / رضا تنهایی مقدم گلشیخی و دیگران مطالعات اقتصاد اسلامی ۴۲۷

یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۱). الگوی مردم‌سالاری اقتصادی، بستر آزادی اقتصادی. اقتصاد اسلامی، ۱۲ (۴۸)، ۵۳-۷۶.

یوسفی، احمدعلی و غفاری، مجتبی (۱۳۹۵). نقش مردم در اقتصاد مقاومتی (تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب). دوفصلنامه پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، ۱ (۱).

Albert, Michael (2004). *Parecon. Life after capitalism* / Michael Albert. London: Verso.

Albert, Michael & Hahnel, Robin (1991). *Looking forward. Participatory economics for the twenty first century* / Michael Albert & Robin Hahnel. Boston, MA: South End Press.

Belk, Russell (2014). You Are What You Can Access. Sharing and Collaborative Consumption Online. In *Journal of Business Research*, 67(8), 1595-1600.

Botsman, Rachel (2013). *The Sharing Economy Lacks A Shared Definition*. In Fast Company, 11/21/2013. Available online at <https://www.fastcompany.com/3022028/the-sharing-economy-lacks-a-shared-definition#8>, checked on 6/13/2021

Britannica, T. Editors of Encyclopaedia (2015, August 21). Welfare state. Encyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/topic/welfare-state>

Caplan, Bryan (2008). *Anarchist Theory FAQ Version 5.2*. Available online at <https://econfaculty.gmu.edu/bcaplan/anarfaq.htm>, updated on 10/2/2008, checked on 5/5/2021

Dahl, Robert Alan (1990). *Preface to Economic Democracy*. Berkeley: Univ Of California Press.

Dewey, J. (1915). *Democracy and Education; An Introduction to the Philosophy of Education*. (2014 edition), Edited by K. Kumar, Delhi: Aakar Books.

Esping- Andersen, G. (1990). *The Three Worlds of Welfare Capitalism*. Polity Press, Cambridge.

Glickman, C. D. (1998). *Revolutionizing America's School*. New York: Jossey-Bass Publishers Press.

Hahnel, Robin (2005). *Economic Justice and Democracy, From competition to cooperation*. New York: Routledge.

Hahnel, Robin (2012). *Of the people, by the people*. The case for a participatory economy. s.l., s.l.: Soap Box; AKPr.

Hamari, Juho; Sjöklint, Mimmi & Ukkonen, Antti (2016). The Sharing Economy. Why People Participate in Collaborative Consumption. In *J Assn Inf Sci Tec*, 67(9), 2047-2059.

Hayek, Friedrich A. (1944). *The Road to Serfdom: University of Chicago Press*.

Hayek, Friedrich A. von (1960). *The Constitution of Liberty*. The definitive edition. University of Chicago Press.

Hayek, Friedrich A. von (1973). Rules and order. A new statement of the liberal principles of justice and political economy. Chicago: University of Chicago Press Law, legislation, and liberty, (1).

Hayek, Friedrich A. von (1979). *Law, Legislation and Liberty*. Volume 3: The

- political order of a free people. London: Routledge & Kegan Paul.
- Hayek, Friedrich A. (2012). *Law, Legislation and Liberty*. Volume 1. Rules and Order. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Kapeller, Jakob & Puehringer, Stephan (2012). *Democracy in liberalism and neoliberalism The case of Popper and Hayek*. Johannes Kepler University, Institute for Comprehensive Analysis of the Economy. (ICAE Working Papers 10).
- Kenton, W. (2020). *Welfare State*. Investopedia. <https://www.investopedia.com/terms/w/welfare-state.asp>.
- Lindbeck A. (2008). *Welfare State*. In: Palgrave Macmillan (eds) *The New Palgrave Dictionary of Economics*. Palgrave Macmillan, London. https://doi.org/10.1057/978-1-349-95121-5_1588-2
- McKay, I.; Elkin, G.; Neal, D. & Boraas, E. (2009). *The Anarchist FAQ Editorial Collective*. In <https://theanarchistlibrary.org/>
- Moulaert, Frank & Ailenei, Oana (2005). Social Economy, Third Sector and Solidarity Relations. A Conceptual Synthesis from History to Present. In *Urban Studies*, 42(11), 2037–2053.
- Murray, Michael (2013). *Economic Democracy*. Germany: University Library of Munich (MPRA Paper 49755).
- Ninacs, William (2002). *A Review of the Theory and Practice of Social Economy*. Économie Sociale in Canada. In SRDC Working Paper Series 02-02.
- Polanyi, Karl (1944). *The Great Transformation*. New York: Rinehart.
- Proudhon, P-J.; Woodcock, George & Tucker, Benjamin Ricketson (1970). *What is property? An inquiry into the principle of right and of government*. New York: Dover Publications Inc (The Dover anarchy library).
- Restakis, John (2006). *Defining the Social Economy*. The BC Context. In British Columbia Social Economy Roundtable.
- Rothbard, Murray N. (1998). *The ethics of liberty*. New York: New York University Press.
- Schweickart, David (1993). *Against Capitalism*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Seetharolmu, A. & Nangia, S. (2004). *Philosophies of Education*. New Delhi: Ashish Publishig house.
- Solimano, Andres (2014). *Economic elites, crises, and democracy: alternatives beyond neoliberal capitalism*. New York: Oxford University Press.
- Stringham, Edward (2007). *Anarchy and the law*. The political economy of choice / edited by Edward P. Stringham. New Brunswick: Transaction; [London : Eurospan (Independent studies in political economy)].
- Sundararajan, Arun (2016). *The sharing economy*. The end of employment and the rise of crowd-based capitalism / Arun Sundararajan. Cambridge, Massachusetts: The MIT Press.

References

- Abdolmaleki, Hojjatollah (1395). Ertebat-e Eghtesad-e Mardom-Mahor ba Eghtesad-e Manatqi. Sokhanrani dar Doreh-ye Eghtesad-e Mardom-Banid. Be Hammet Markaz-e Tahqiqat-e Basij Daneshgah-e Imam Sadeq (A) Tehran. (In Persian)
- Albert, Michael & Hahnel, Robin (1991). Looking forward. Participatory economics for the twenty first century / Michael Albert & Robin Hahnel. Boston, MA: South End Press.
- Albert, Michael (2004). Parecon. Life after capitalism / Michael Albert. London: Verso.
- Bashirieh, Hossein (1380). Dars-haye Demokrasi baraye Hame, Tehran: Negah-e Mo'aser. (In Persian)
- Belk, Russell (2014). You Are What You Can Access. Sharing and Collaborative Consumption Online. In Journal of Business Research, 67(8), 1595–1600.
- Botsman, Rachel (2013). The Sharing Economy Lacks A Shared Definition. In Fast Company, 11/21/2013. Available online at <https://www.fastcompany.com/3022028/the-sharing-economy-lacks-a-shared-definition#8>, checked on 6/13/2021
- Britannica, T. Editors of Encyclopaedia (2015, August 21). Welfare state. Encyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/topic/welfare-state>
- Caplan, Bryan (2008). Anarchist Theory FAQ Version 5.2. Available online at <https://econfaculty.gmu.edu/bcaplan/anarfaq.htm>, updated on 10/2/2008, checked on 5/5/2021
- Dahl, Robert Alan (1990). Preface to Economic Democracy. Berkeley: Univ Of California Press.
- Darakhshan, Masoud (1395). Alghooye Mosharekat-e Mardom. Sokhanrani dar Doreh-ye Eghtesad-e Mardom-Banid. Be Hammet Markaz-e Tahqiqat-e Basij Daneshgah-e Imam Sadeq (A) Tehran. (In Persian)
- Dewey, J. (1915). Democracy and Education; An Introduction to the Philosophy of Education. (2014 edition), Edited by K. Kumar, Delhi: Aakar Books.
- Esping- Andersen, G. (1990). The Three Worlds of Welfare Capitalism. Polity Press, Cambridge.
- Glickman, C. D. (1998). Revolutionizing America's School. New York: Jossey-Bass Publishers Press.
- Hahnel, Robin (2005). Economic Justice and Democracy, From competition to cooperation. New York: Routledge.
- Hahnel, Robin (2012). Of the people, by the people. The case for a participatory economy. s.l., s.l.: Soap Box; AKPr.
- Hamari, Juho; Sjöklint, Mimmi & Ukkonen, Antti (2016). The Sharing Economy. Why People Participate in Collaborative Consumption. In J Assn Inf Sci Tec, 67(9), 2047–2059.
- Hayek, Friedrich A. (1944). The Road to Serfdom: University of Chicago Press.
- Hayek, Friedrich A. (2012). Law, Legislation and Liberty. Volume 1. Rules and Order. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Hayek, Friedrich A. von (1960). The Constitution of Liberty. The definitive edition. University of Chicago Press.

- Hayek, Friedrich A. von (1973). Rules and order. A new statement of the liberal principles of justice and political economy. Chicago: University of Chicago Press Law, legislation, and liberty, (1).
- Hayek, Friedrich A. von (1979). Law, Legislation and Liberty. Volume 3: The political order of a free people. London: Routledge & Kegan Paul.
- Heydari Kord Zangeneh, Gholam Reza (1395). Jaygah-e Mardom dar Khusoosizayi-haye Eghtesad-e Iran. Sokhanrani dar Doreh-ye Eghtesad-e Mardom-Banid. Be Hammet Markaz-e Tahqiqat-e Basij Daneshgah-e Imam Sadeq (A) Tehran. (In Persian)
- Hosseini, Seyed Hossein; Soleimani, Mohammad (1398) Alghooye Mosharekat-e Mardom dar Eghtesad ba Takid bar Andisheh-ye Imam Khomeini: Ma'refat-e Eghtesad-e Islami, (11). (In Persian)
- Javidi Kalateh Jafarabadi, Tahereh (1385). Kandookavi dar Ab'ad va Gostareh Mafhoom-e Demokrasi: Majalleh-ye Jameh-shenasi-ye Iran, (7). (In Persian)
- Kapeller, Jakob & Puehringer, Stephan (2012). Democracy in liberalism and neoliberalism The case of Popper and Hayek. Johannes Kepler University, Institute for Comprehensive Analysis of the Economy. (ICAE Working Papers 10).
- Kenton, W. (2020). Welfare State. Investopedia. <https://www.investopedia.com/terms/w/welfare-state.asp>.
- Khandoozi, Seyed Ehsan (1395). Arzyabi-ye Amalkard-e Dolat-haye Pas az Enqelab dar Mardom-Mahor Kardan-e Eghtesad. Sokhanrani dar Doreh-ye Eghtesad-e Mardom-Banid. Be Hammet Markaz-e Tahqiqat-e Basij Daneshgah-e Imam Sadeq (A) Tehran. (In Persian)
- Khutbeh-haye Namaz-e Jom'e dar Dahomin Salgardi Rahlat-e Imam Khomeini (Rahmatullah), 14/03/1378. (In Persian)
- Lindbeck A. (2008). Welfare State. In: Palgrave Macmillan (eds) The New Palgrave Dictionary of Economics. Palgrave Macmillan, London. https://doi.org/10.1057/978-1-349-95121-5_1588-2
- Madani, Ali Akbar (1372). Ta'avi-ni Rahi be Jame'e Salim. Tehran: Entesharat-e Vezarat-e Ta'avi. (In Persian)
- McKay, I.; Elkin, G.; Neal, D. & Boraas, E. (2009). The Anarchist FAQ Editorial Collective. In <https://theanarchistlibrary.org/>
- Moulaert, Frank & Ailenei, Oana (2005). Social Economy, Third Sector and Solidarity Relations. A Conceptual Synthesis from History to Present. In Urban Studies, 42(11), 2037–2053.
- Murray, Michael (2013). Economic Democracy. Germany: University Library of Munich (MPRA Paper 49755).
- Ninacs, William (2002). A Review of the Theory and Practice of Social Economy. Économie Sociale in Canada. In SRDC Working Paper Series 02-02.
- Polanyi, Karl (1944). The Great Transformation. New York: Rinehart.
- Proudhon, P-J.; Woodcock, George & Tucker, Benjamin Ricketson (1970). What is property? An inquiry into the principle of right and of government. New York: Dover Publications Inc (The Dover anarchy library).
- Rashidi, Ali (1377). Ta'min-e Ejtemai dar Eghtesad-e Mardom-Salar: Faslname-ye Refah-e Ejtemai 2(5), ss. 70-47. (In Persian)
- Restakis, John (2006). Defining the Social Economy. The BC Context. In

- British Columbia Social Economy Roundtable.
- Rothbard, Murray N. (1998). The ethics of liberty. New York: New York University Press.
- Sadr, Mohammad Baqer (1394). Islam Rahbar-e Zendegi, (Tarjomeh-ye Mahdi Zandiyeh), Qom: Entesharat-e Dar al-Sadr. (In Persian)
- Sarakhdahi, Fatemeh; Naderi-Nejad, Reyhaneh (1395). Eghtesad-e Mardomi Noghteh-ye Moshtarak-e Eghtesad-e Moqavemati va Alghooye Islami Irani Pishraft. Panjomin Konferans-e Alghooye Islami Irani Pishraft. Tehran. (In Persian)
- Schweickart, David (1993). Against Capitalism. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Seetharolmu, A. & Nangia, S. (2004). Philosophies of Education. New Delhi: Ashish Publishig house.
- Shafii'a, Mohammad Ali; Mousavi Laghman, Seyedeh Ashraf (1392). Naqsh-e Mardom dar Pishraft-e Eghtesadi dar Andisheh-haye Maqam-e Mo'azzam-e Rahbari: Eghtesad-e Islami 13(51), 62-35. (In Persian)
- Sokhanrani Televisooni-ye Maqam-e Mo'azzam-e Rahbari be Monasebat-e Si o Dovomin Salgardi Rahlat-e Imam Khomeini (Rahmatullah), 14/03/1400. (In Persian)
- Solimano, Andres (2014). Economic elites, crises, and democracy: alternatives beyond neoliberal capitalism. New York: Oxford University Press.
- Stringham, Edward (2007). Anarchy and the law. The political economy of choice / edited by Edward P. Stringham. New Brunswick: Transaction; [London : Eurospan (Independent studies in political economy).
- Sundararajan, Arun (2016). The sharing economy. The end of employment and the rise of crowd-based capitalism / Arun Sundararajan. Cambridge, Massachusetts: The MIT Press.
- Yousefi, Ahmad Ali (1391). Alghooye Mardom-Salari Eghtesadi, Baster-e Azadi-ye Eghtesadi: Eghtesad-e Islami 12(48), 76-53. (In Persian)
- Yousefi, Ahmad Ali; Ghafari, Mojtaba (1395). Naqsh-e Mardom dar Eghtesad-e Moqavemati (Takid bar Beyanat-e Rahbar-e Mo'azzam-e Enqelab): Do Faslnama-ye Pajooresh-haye Eghtesad-e Moqavemati 1(1). (In Persian)
- Zaribaf, Seyed Mahdi (1395). Tafavot-haye Mardomi-Sazi ba Khususizayi. Sokhanrani dar Doreh-ye Eghtesad-e Mardom-Banid. Be Hammet Markaz-e Tahqiqat-e Basij Daneshgah-e Imam Sadeq (A) Tehran. (In Persian)

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص. ۴۳۳-۴۶۶

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲

بررسی اثر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بر کنترل بیکاری در استان‌های ایران (رویکرد حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی)

محمد غفاری فرد*

سیدمرتضی کاظمی**

سیدمحمد حاذق***

چکیده

بیکاری یکی از معضلات کشورهای در حال توسعه است که رسیدگی به این معضل نیازمند برنامه‌ریزی درست و همه‌جانبه می‌باشد. با توجه به تشدید تحریم‌های ظالمانه اقتصادی علیه ایران، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی جهت مقابله با شوک‌ها و تکانه‌های اقتصادی - سیاسی در دستور کار قرار گرفت. با عنایت به اهمیت اقتصاد مقاومتی، اثر شاخص‌های اقتصاد مقاومتی بر کنترل بیکاری در استان‌های ایران با استفاده از روش اقتصادسنجی حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی بررسی شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معنادار بین نرخ بیکاری با اقتصاد مردم محور، اقتصاد دانش بنیان، درون‌زایی اقتصاد، عدالت محوری و تداوم پیشرفت به عنوان مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در استان‌های ایران وجود دارد، به نحوی که درون‌زایی اقتصاد و دانش بنیانی اقتصاد به ترتیب با ضریب ۰.۶۱ و ۰.۶۸ درصد بیشترین تأثیر را در کاهش بیکاری استان‌های ایران دارد؛ بنابراین لازم است سیاست‌گذاران اقتصادی و منطقه‌ای جهت کاهش بیکاری در استان‌ها، افزایش مراکز رشد و فناوری، تجهیز و ارتقای مراکز - مهارتی، توسعه زیرساخت‌های فناوری، سیاست‌های توازن منطقه‌ای، توانمندسازی دهک‌های پایین درآمدی، کاهش نرخ‌های مالیاتی بخش تولیدی و انضباط پولی و مالی را در دستور کار خود قرار دهند.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، بیکاری، حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی، استان‌های ایران.

طبقه‌بندی JEL: B23, E24, J18

* دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت علیهم السلام، تهران، جمهوری

اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

mghaffaryfard@abu.ac.ir

0000-0002-7285-18997

** کارشناس ارشد گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت علیهم السلام، تهران،

جمهوری اسلامی ایران.

smkazimi25@gmail.com

0009-0001-6476-630x

*** کارشناس ارشد گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت علیهم السلام، تهران،

جمهوری اسلامی ایران.

mohammad.hazeq5566@gmail.com

0009-0008-6369-8123

مقدمه

در علم اقتصاد، بیکار به فردی اطلاق می‌شود که در سن ۱۵ تا ۶۵ سالگی در جستجوی کار باشد ولی شغل یا منبع درآمدی نداشته باشد (دفتر جمعیت مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱). بیکاری نمایانگر عدم فرصت‌های قانونی از کسب و درآمد بوده و وقتی فردی بیکار می‌شود احتمال ورود به جرائم افزایش می‌یابد (Farjamneya & et al, 2017). بیکاری باعث ایجاد آشفتگی در شرایط اقتصادی جامعه می‌شود (Zhang, 2010). افراد بیکار به شکل سربار در جامعه ظاهر می‌شود و سهمی در تولید کالا و خدمات ندارند، علاوه بر این پدیده بیکاری باعث گرفتار شدن افراد در مشکلات و گرفتاری‌های اجتماعی مثل جرائم، اعتیاد، طلاق و فساد اخلاقی گردیده و بنیه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه را به‌تزلزل و نابودی هدایت می‌کند (Phillips, 1958). ادامه این سلسله، آسیب‌های ساختاری و افزایش هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی را دربر خواهد داشت. از طرف دیگر با وجود بیکاری در جامعه، قدرت خرید افراد پایین آمده و چرخه اقتصاد به دلیل عدم پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ناشی از بیکاری، کم شده و در نتیجه تولید ملی نیز کاهش می‌یابد. برای کاهش بیکاری باید اقتصاد ملی را در زمینه‌های مختلف مثل تولیدات داخلی و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی تحریک کرد تا از طریق آن رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی ایجاد گردد؛ بنابراین به نظر می‌رسد در کشوری مثل ایران، شاید بتوان از طریق اقتصاد مقاومتی، رشد اقتصادی ایجاد کرد و نرخ بیکاری را کاهش داد. برای تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی باید گفت که برای اولین بار در سال ۱۳۸۹ توسط مقام معظم رهبری وارد ادبیات اقتصادی ایران گردیده است. هرچند تا اکنون نظریات متفاوتی از مفهوم اقتصاد مقاومتی بین صاحب‌نظران اقتصادی ایران مطرح شده ولی به صورت کلی با محوریت بیانات مقام معظم رهبری مورد بحث و استدلال قرار می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی، ساختار اقتصادی مدیریتی است که اقتصاد ملی را در برابر تحریم‌ها و شوک‌های اقتصادی، مقاوم و تاب‌آوری می‌سازد (ابراهیم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی، با تمرکز بر منابع و ظرفیت داخلی توأم با ایجاد و حفظ همبستگی بین مردم، اقتصاد به‌سوی کاهش وابستگی به‌دنیای خارج و متکی به خود متمایل می‌شود؛ بنابراین اقتصاد مقاومتی، مختص به شرایط تحریم و جنگ نیست بلکه

یک نظام اقتصادی و یک چشم‌انداز بلندمدت اقتصادی است که بر اساس محوریت درون‌زایی، برون‌گرایی، عدالت‌بنیانی، دانش‌بنیانی، مردم‌باوری و تداوم پیشرفت، مطالعه و دنبال می‌شود (اخوان؛ ایمانی و نبی‌زاده، ۱۳۹۵).

با توجه به اهمیت موضوع، هدف این پژوهش بررسی اثر شاخص‌های اقتصاد مقاومتی بر کنترل بیکاری در استان‌های ایران است. این پژوهش اثر شاخص‌های اقتصادی مقاومتی را با استفاده از داده‌های سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ به روش اقتصادسنجی حداقل مربعات تعمیم‌یافته برآوردی پانلی بر نرخ بیکاری سنجش نموده‌اند، به این پرسش، پاسخ می‌دهد که آیا شاخص‌های اقتصاد مقاومتی باعث کاهش بیکاری در استان‌های ایران می‌گردند؟ در این راستا این فرضیه که مؤلفه‌های مختلف اقتصاد مقاومتی باعث کاهش بیکاری در استان‌های ایران خواهد شد، آزمون می‌شود. در این پژوهش بعد از مقدمه به‌ترتیب مبانی نظری، پیشینه داخلی و خارجی پژوهش، روش‌شناسی، یافته‌ها و در آخر نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی ارائه می‌گردد.

۱. مبانی نظری

۱-۱. مفهوم اقتصاد مقاومتی

مفهوم اقتصاد مقاومتی اولین بار در سال ۱۳۸۹ توسط مقام معظم رهبری مطرح شد و از آن پس وارد ادبیات علم اقتصاد در ایران شد. هرچند تا کنون نظریات متفاوتی از مفهوم اقتصاد مقاومتی بین صاحب‌نظران اقتصادی ایران مطرح شده ولی به‌طورکلی با محوریت بیانات مقام معظم رهبری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی، ساختار اقتصادی مدیریتی است که اقتصاد ملی را در برابر تحریم‌ها و شوک‌های اقتصادی مقاوم و تاب‌آور می‌سازد. اقتصاد مقاومتی، الگویی است که ظرفیت مقابله با شوک‌ها، نا اطمینانی و تکانه‌های اقتصادی، سیاسی و طبیعی را برای خود ایجاد نموده و می‌تواند در شرایط دشوار نیز به رشد و ترقی خود ادامه داده و به‌راحتی به تعادل پایدار اولیه بازگردد (نوفرستی، ۱۳۹۵).

اندیشمندان خارجی در مقالات خود عمدتاً بر شوک‌های وارده به یک اقتصاد پرداخته و به‌جای اقتصاد مقاومتی اقتصاد تاب‌آور را استفاده نموده است (یوسفی و موسوی‌نژاد، ۱۳۹۸، ص. ۱۸۳)؛ البته باید این موضوع یادآور شد که بسیاری از ابعاد و

مؤلفه‌های که در پژوهش‌های آنها مورد نظر بوده با مواردی که در اقتصاد مقاومتی لحاظ می‌گردد، مطابقت دارد؛ اما تفاوت اصلی این دو مفهوم در رویکردهای ملاحظات امنیت اقتصادی و به‌ویژه در مسائل ارزشی یافت می‌شود. یکی از ابعاد اصلی و ملاحظات مؤثر بر اقتصاد مقاومتی حفظ ارزش‌های اسلامی و الهی (پیشرفت اقتصادی و عدالت اجتماعی) است، موردی که در نگاه مادی‌گرایی حاکم بر اقتصاد جهانی موضوعیت ندارد.

هسته سخت نظریه اقتصاد مقاومتی «استحکام ساخت درون» است (ارشدی و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۱۲۹). پیشرفت اقتصادی برای دستیابی به استحکام ساخت درونی بسیار مهم است؛ زیرا وقتی سرمایه‌اندوزان بین‌المللی یک ملت و یک کشور را در چنبره اقتصادی خودشان درآورند، اگر مسئولان اقتصادی کشور بتوانند اقتصاد ملی را شکوفا کنند ملت احساس اقتدار می‌کند. اساساً اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست بلکه این رویکرد چشم‌انداز کلان به اقتصاد ایران دارد (یوسفی و موسوی‌نژاد، ۱۳۹۸، ص. ۱۸۴).

چنانچه مقام معظم رهبری فرمودند: «مطرح کردن اقتصاد مقاومتی، مختص به شرایط فعلی تحریم و جنگ اقتصادی نیست بلکه یک برنامه‌ریزی و سیاست‌های اقتصادی بلندمدت است که برای شرایط امروز هم مؤثر است، برای دوران پس از تحریم نیز مفید است؛ زیرا بنای اقتصاد کشور بر این سیاست‌های بلندمدت گذاشته می‌شود» (۱۳۹۵/۱/۱).



شکل (۱): مؤلفه‌های کلیدی اقتصاد مقاومتی

۲-۱. مفهوم بیکاری

بیکار به تمام افراد ۱۵ ساله و بیشتر اطلاق می‌شود که در جستجوی کار باشند ولی شغل و منبع درآمدی نداشته باشند. بیکاری در شرایطی به وجود می‌آید که عرضه نیروی کار بیشتر از تقاضای آن باشد که همان مازاد عرضه نیروی کار را بیکاری می‌گوید. شادی، رضایت و رفاه زندگی انسان‌ها از پدیده بیکاری اثرپذیر است، طوری که در اقتصاد کلان، معادله رضایت از زندگی از سه عنصر؛ نرخ رشد، نرخ بیکاری و نرخ تورم تشکیل شده و حضور این متغیرها به عنوان متغیر توضیحی در معادله رضایت از زندگی، ارتباط رفاه ذهنی و اقتصاد کلان را مشخص می‌کند (Welsch, 2007)؛ بنابراین توجه به بیکاری از جمله مهم‌ترین اهداف سیاست‌های کلان اقتصادی از منظر سیاست‌گذاری است، چون بیکاری، رفاه اقتصادی و اجتماعی را سلب کرده و امید به زندگی را کاهش می‌دهد (Khorsandi & Babaei, 2016). برای همین افراد بیکار و فاقد شغل که در رفع نیازهای زندگی درآمد ندارند، مجبور می‌شوند تا از طریق فعالیت‌های غیرقانونی نیازها و خواسته‌های‌شان را مرتفع بسازند. در این صورت نظم و انسجام اجتماعی و امنیت جامعه مختل می‌شود که ناامنی ناشی از بیکاری، آسیب مهلک بر پیکر اقتصاد جوامع وارد می‌کند و زمینه فقر و وابستگی اقتصادی را ایجاد خواهد کرد.

۳-۱. ارتباط بین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی و بیکاری

با توجه به شواهد و تجربیات، هر تغییر و تحولی در بخش‌های مختلف جوامع بشری از نیازهای انسان منشأ می‌گیرد. در کشور ایران اقتصاد مقاومتی نیز در شرایطی مطرح شد که تعاملات بین‌المللی این کشور به وسیله تحریم‌های اقتصادی توسط تحریم‌کننده‌ها محدود گردید؛ بنابراین در چنین شرایطی توجه به ظرفیت‌های داخلی و رشد تولیدات داخلی می‌تواند به نیازهای کشور پاسخ گفته و به رشد خود ادامه دهد که اقتصاد مقاومتی با توجه به همین ملزومات شکل گرفته است. اکنون تأثیر هر کدام از مؤلفه‌های محوری اقتصاد مقاومتی را بر بیکاری بررسی می‌شوند:

۱-۳-۱. اثر شاخص درون‌زایی بر بیکاری

درون‌زایی یعنی جوشیدن از دل ظرفیت‌های خود کشور و مردم، یعنی تولید ثروت از

طریق فعالیت‌های درونی کشور در جهت خودباوری، خوداتکایی، خودارتقای و خودکفایی می‌باشد (مقام معظم رهبری، ۱/۱/۱۳۹۷). درون‌زایی موتور محرکه اقتصاد است که تمام متغیرهای کلان اقتصادی از آن متأثر می‌شود. درون‌زایی از طریق مؤلفه‌های زیر بر بیکاری تأثیر می‌گذارد:

۱- خودباوری: خودباوری در اقتصاد مقاومتی، به معنی شناخت نیازها و ظرفیت‌های موجود داخلی است؛

۲- خوداتکایی: خوداتکایی به معنی اتکا به ظرفیت‌های داخلی است. بعد از شناخت ظرفیت‌های داخلی سعی می‌شود تا خلأها و نیازهای داخلی مثل ایجاد رشد اقتصادی، کاهش نرخ متغیرهای (بیکاری، تورم و نابرابری) از طریق به‌کارگیری توان و ظرفیت‌های داخلی رفع گردد؛

۳- خودکفایی: خودکفایی خروجی خوداتکایی است. هرچند با توجه به نظریه مزیت نسبی تجاری، خودکفایی در علم اقتصاد توصیه نمی‌شود ولی در شرایط تحریم لازم است تا به‌منظور رفع تحریم‌ها و دفع شوک‌های ناشی از تحریم، خودکفایی تحقق یابد. در حالت خودکفایی میزان تولیدات داخلی افزایش می‌یابد که با افزایش تولیدات داخلی، شغل‌های بیشتر به‌وجودآمده و با استخدام نیروی کار داخلی در پروسه تولید، بیکاری در کشور کاهش می‌یابد؛

۴- خودارتقای: خودارتقای به معنی افزایش توان تولیدات داخلی در جهت رفع نیازهای داخلی و خارجی می‌باشد. در چنین شرایطی هم با توسعه کسب‌وکار در نتیجه افزایش تولیدات داخلی و نیز از طریق گسترش تنوع تولید و سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در نتیجه مراودات با سایر کشورها، نرخ بیکاری در کشور کاهش می‌یابد (لطفی و توکلی، ۱۳۹۹).

۱-۲-۳. اثر شاخص برون‌گرایی بر بیکاری

برون‌گرایی یکی از محورهای کلیدی اقتصاد مقاومتی است که پس از تحقق شاخص درون‌زایی، اعمال می‌شود. منظور از برون‌گرایی تعامل اقتصادی و تجاری با سایر کشورهاست که با توجه به اصول و معیارهای اقتصادی کشور در جهت بهره‌برداری از

فرصت‌های موجود در سه بخش زیر صورت می‌گیرد (شقاقی شهری، ۱۳۹۶):

۱- دانش فنی

۲- سرمایه

۳- بازار

برون‌گرایی از مجراهای زیر بر متغیر بیکاری تأثیر می‌گذارد: برون‌گرایی در حوزه دانش فنی شرایطی را مساعد می‌سازد که کشور ایران بتواند در سطح بین‌الملل به سایر کشورها دانش فنی خود را عرضه کند و همین‌طور سایر کشورها نیز در این حوزه نوآوری فنی خود را ناشی از دانش فنی به کشور ایران عرضه کنند. در اثر این تبادل دانش فنی، سیستم‌های تولیدی اثرپذیر شده و تنوع تولید را در کشور به‌وجود می‌آورد. تنوع تولید منجر به افزایش فرصت‌های شغلی شده و بیکاری را در جامعه کاهش می‌دهد (حلقه R1)؛

برون‌گرایی در حوزه سرمایه، یعنی انتقال سرمایه به خارج و جذب سرمایه خارجی به کشور می‌باشد. سرمایه‌گذاری به سایر کشورها سبب ایجاد روابط دوستانه تجاری و اقتصادی با کشورها شده و زمینه سرمایه‌گذاری خارجی را در داخل کشور فراهم می‌سازد. در اثر شغل‌های به‌وجود آمده از سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های مختلف، نرخ بیکاری در کشور کاهش می‌یابد (حلقه R2)؛

برون‌گرایی در حوزه بازار، زمینه فروش محصولات و تولیدات داخلی را در بازارهای بین‌المللی ایجاد می‌نماید. در این صورت تولیدکنندگان داخلی از فروش محصولاتشان اطمینان خاطر داشته و بیشتر از قبل به تولید و گسترش آن ادامه می‌دهند که افزایش تولیدات داخلی متناسب با افزایش شغل بوده و بر کاهش نرخ بیکاری اثر می‌گذارد (حلقه R3).

۱-۳-۳. اثر شاخص دانش بنیانی بر بیکاری

یکی از شاخص‌های اقتصاد مقاومتی، دانش بنیانی است. در اقتصاد مبتنی بر دانش؛ کسب، خلق و بهره‌برداری از دانش در راستای ایجاد و افزایش سرمایه و رشد اقتصادی نقش مهم داشته و در عصر حاضر به‌موتور محرکه رشد اقتصادی تبدیل شده است

(Dasgupta & Dare, 1994). طبق تعریف بانک جهانی، اقتصاد دانش بنیان دارای چهار مؤلفه اصلی است (غفاری فرد و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۲).

۱- آموزش و مهارت نیروی انسانی: نیروی آموزش دیده و ماهر، نیاز اصلی یک کشور برای خلق، کسب، انتشار و استفاده از دانش است. آموزش موجب کسب دانش های جدید و گسترش و ارتقای دانش می گردد. با گسترش علم و دانش، مهارت و تخصص نیروی کار افزایش می یابد که استفاده از نیروی متخصص در پروسه تولید، روند فعالیت ها را تسریع بخشیده و به گسترش دامنه ای تولید مؤثر بوده که رشد اقتصادی و متغیر بیکاری از این روند متأثر خواهد شد (حلقه R4)؛

۲- زیرساخت های اطلاعاتی: زیرساخت های فناوری و اطلاعات، می تواند به طور مؤثری فرایندهای ارتباطی و اطلاعاتی، کسب و انتشار دانش را تسهیل بخشد. فناوری اطلاعات و ارتباطات از جنبه های مختلف باعث رشد اقتصادی و کاهش بیکاری می شود؛ مثلاً از طریق جذب سرمایه در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث افزایش نوآوری در پروسه تولید، افزایش بهره وری و عرضه محصولات جدید می شود و همچنان استفاده از فناوری باعث تسریع روند تولید، کاهش هزینه های تولیدی و کاهش قیمت تمام شد کالاها و خدمات تولیدی می شود (غفاری فرد؛ ملکی نصر و حاذق، ۱۴۰۰). با کاهش هزینه های تولید، تولیدات داخلی روند افزایشی را داشته و فرصت های شغلی بیشتری را ایجاد می کند؛

۳- سیستم های نوآوری و ابداعات: یک سیستم ابداعات شامل شبکه ای از مؤسسات، قوانین و فرایندهای است که به روش های خلق، کسب، انتشار و استفاده از دانش تأثیر می گذارد (Chen & Dalman, 2005). دانشگاه ها، مراکز تحقیق و توسعه، پارک های علم و فناوری نقش مهمی در ایجاد سیستم نوآوری دارند. این سیستم می تواند محیطی را ایجاد کند که در آن بخش تحقیق و توسعه پرورش یابد و روند ایجاد شده توسط این سیستم باعث افزایش ابداعات یعنی باعث افزایش (تولید کالاهای جدید، فرایندهای تولیدی جدید و دانش جدید) شده و رشد اقتصادی را تحقق می بخشد. چون بیکاری با رشد اقتصادی رابطه عکس دارد، با افزایش تولید و بهره وری بالا ناشی از سیستم ابداعات، نرخ بیکاری نیز کاهش می یابد (حلقه R5)؛

۴- رژیم‌های اقتصادی و نهادی: دولت‌ها در اقتصاد دانش‌بنیان نقش کلیدی دارند؛ زیرا رژیم‌های اقتصادی و نهادی شامل یک دولت کارا و قابل اطمینان که در اثر حاکمیت قانون، سطح فساد در آن پایین بوده و مشوق فعالیت‌های اقتصادی باشد (حلقه R6). این مشوق‌های دولت در قالب حمایت از قوانین تجارت و حقوق مالکیت فردی و معنوی، باعث رشد اقتصاد ملی می‌گردد (Fagerberg & Verspen, 2003). باوجود این حمایت دولت در این زمینه‌ها باعث افزایش فعالیت‌های تجاری و کارآفرینانه توسط بخش خصوصی شده و همزمان با گسترش فعالیت‌های آنان، نیروی بیکار جامعه به شغل و درآمد دست خواهد یافت. همچنین این محور تأکید و توجه دارد تا منابع از بخش ناکارا به بخش‌های کارا هدایت داده شود که این امر نیز افزایش بهره‌وری، کاهش بیکاری و رشد اقتصادی با بازدهی بالا را به ارمغان می‌آورد.

۱-۳-۴. اثر شاخص عدالت‌بنیانی بر بیکاری

عدالت‌بنیانی یکی از مؤلفه‌های برجسته اقتصاد مقاومتی می‌باشد که تأکید به برقراری عدالت و قسط در جامعه دارد. عدالت‌بنیانی یعنی عدالت در توزیع منابع و ثروت است که به منظور سیاست‌های فقرزدایی و تأمین رفاه عمومی، منجر به کاهش متغیرهای (فقر، شکاف طبقاتی و بیکاری) می‌گردد (لطفی و توکلی، ۱۳۹۹). در عصر حاضر شکاف طبقاتی در تمام کشورها گسترش یافته‌اند که ریشه‌ای این فاصله طبقاتی در بی‌عدالتی توزیع منابع و ثروت می‌باشد. شاخص عدالت‌بنیانی تأکید می‌ورزد تا منابع و ثروت به‌طور عادلانه میان شهروندان یک کشور توزیع گردد؛ بنابراین با توجه به موضوع تحقیق، شاخص عدالت‌بنیانی از طریق کانال‌های توزیع عادلانه منابع و ثروت بر متغیر بیکاری تأثیر می‌گذارد؛ به‌طوری‌که تحقق توزیع عادلانه منابع و ثروت میان تمام اقشار جامعه، به افراد توانایی اقتصادی ایجاد می‌نماید تا در جهت مرفوع ساختن نیازهای معیشتی‌شان به کسب‌وکار توجه کنند. گسترش کسب‌وکارها ناشی از توزیع عادلانه ثروت، موجب سرمایه‌گذاری‌های بیشتر گردیده و بر متغیرهای تولید و بیکاری در کشور تأثیر می‌گذارد (حلقه R7).

در فضای عدالت‌محوری اقتصاد مقاومتی، درون‌زایی نیز از طریق گسترش و تأمین

عدالت در ساختار اقتصادی و اجتماعی تقویت می‌شود و فضای عمومی متوازن در پهنه سرزمین و گروه‌های درآمدی شکل می‌گیرد. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «همانا عدالت، گشایش و رهایی از مشکلات می‌باشد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵). بیکاری نیز یکی از مشکلات جامعه است که در پرتو عدالت اقتصادی، کاهش می‌یابد.

۱-۳-۵. اثر شاخص اقتصاد مردم محور بر بیکاری

در خصوص مؤلفه اقتصاد مردم محور، مقام معظم رهبری فرمودند: «محور اصلی اقتصاد مقاومتی، مردم بنیاد است؛ یعنی اقتصاد مقاومتی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست. بلکه اقتصاد مردمی است که با اراده مردم، سرمایه مردم و حضور مردم تحقق پیدا می‌کند و نقش دولت؛ هدایت، نظارت و کمک به مردم در فعالیت‌های اقتصادی است» (مقام معظم رهبری، ۱/۱/۱۳۹۳).

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری، اقتصاد مردم محور از شیوه‌های زیر بر بیکاری اثر می‌گذارد:

۱- اراده و تصمیم‌گیری مردم: در اقتصادی که اراده و نقش مردم پُررنگ باشد، مردم احساس مسئولیت می‌کنند و از این طریق فعالیت‌های کارآفرینانه و کسب‌وکار بیشتر رونق گرفته و شغل بیشتری ایجاد می‌گردد؛

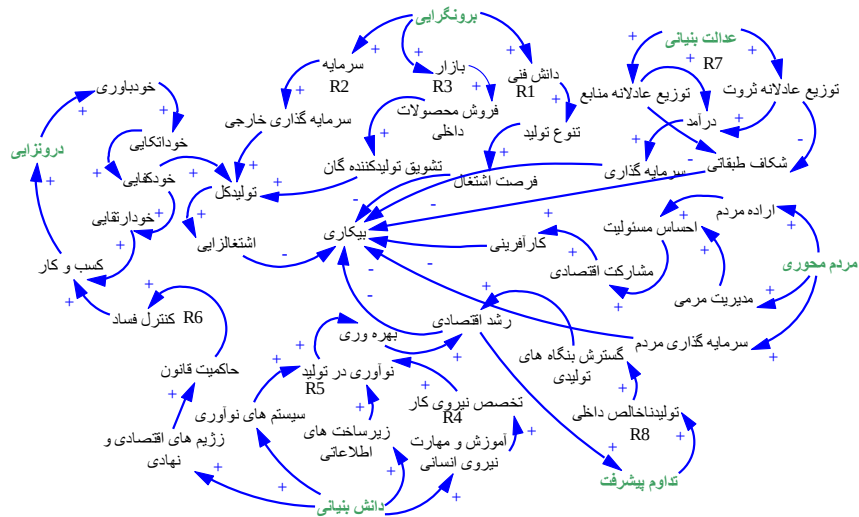
۲- سرمایه‌گذاری مردمی: اقتصاد مقاومتی، شرایطی را فراهم می‌کند که همه مردم بتوانند در بخش‌های مختلف به سرمایه‌گذاری تمرکز کنند و سرمایه‌گذاری‌های عمومی باعث اشتغال‌زایی و کاهش بیکاری در کشور می‌گردد؛

۳- مدیریت مردمی در اقتصاد: هدف از مردمی‌بودن مدیریت اقتصاد، اینکه هر فردی که در سرمایه شرکت‌ها و بنگاه‌های تولیدی سهمی دارند؛ در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت بنگاه سهم می‌باشند. در این صورت شفافیت و صداقت بین صاحبان سرمایه به وجود می‌آید و مردم در برابر مشکلات و گسترش فعالیت‌های تولیدی‌شان، با انگیزه و حضور جمعی عمل می‌کنند که در نتیجه منجر به افزایش تولید و کسب سود بیشتر شده و معضله بیکاری بهبود می‌یابد (قاسمی و رجایی رامشه، ۱۳۹۹).

۱-۳-۶. اثر شاخص تداوم پیشرفت بر بیکاری

کلیه شاخص‌های اقتصاد مقاومتی به‌طور زنجیره‌ای باهم وصل هستند که در صورت عدم تحقق هریک از آنها، سایر بخش‌ها ممکن است اثربخشی خود را از دست دهند. شاخص تداوم پیشرفت، بعد از تحقق محورهای درون‌زایی، برون‌گرایی، دانش‌بنیانی، مردم‌باوری و عدالت‌محوری مطرح می‌شود. تداوم پیشرفت، سیاست نظارتی و مدیریتی منوط بر نتیجه عملکرد سایر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بوده و سعی می‌شود تا علاوه بر حفظ بهره‌وری و رشد تولیدات داخلی با کاهش درآمدهای نفتی، رشد فزاینده در اقتصاد کشور ایجاد نماید. درواقع هدف از تداوم پیشرفت، ایجاد تعادل بین بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی است. از آنجاکه پدیده بیکاری در بلندمدت باعث ایجاد فاصله طبقاتی و گسترش فقر در جامعه می‌شود؛ یکی از برنامه‌های دستور کار تداوم سیاست‌های پیشرفت در اقتصاد مقاومتی است که از طریق تحریک و استمرار جهش‌های اقتصادی در جامعه فقر و بیکاری رفع می‌شود.

با توجه به مطالب فوق، شاخص تداوم پیشرفت خروجی سایر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی می‌باشد. آنچنان‌که سایر مؤلفه‌ها بررسی گردید؛ نشان می‌دهد که اقتصاد مقاومتی در جستجوی افزایش تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی با وجود تحریم‌های اقتصادی می‌باشد. افزایش تولید ناخالص داخلی با حضور تحریم‌ها، وابسته به ظرفیت‌ها و تولیدات داخلی بوده که گسترش بنگاه‌های تولیدی را در کشور به همراه خواهد داشت. با افزایش تعداد بنگاه‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری داخلی، فرصت‌های شغلی بیشتری در سطح کشور به وجود می‌آید که می‌توانند پدیده بیکاری را تحت کنترل داشته باشد (حلقه R8). کانال‌های اثرگذاری مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بر بیکاری در نمودار (۱) به تصویر کشیده شده است.



منبع: (یافته‌های تحقیق)

نمودار (۱): کانال‌های اثرگذاری مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بر بیکاری

همان‌طوری که در نمودار (۱) نشان داده شده است هر یک از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی باعث کاهش نرخ بیکاری می‌گردد. عدالت‌بنیانی باعث توزیع عادلانه ثروت و منابع شده و این دو باعث افزایش درآمد و کاهش شکاف طبقاتی افراد جامعه می‌شود. افزایش درآمد از طریق سرمایه‌گذاری سبب افزایش اشتغال و کاهش بیکاری می‌گردد. مردم‌محوری اقتصاد باعث حاکم شدن اراده مردم در اقتصاد خواهد شد. در این شرایط با حضور مردم و در دست گرفتن بخش‌های اقتصادی کشور توسط احاد ملت، سرمایه‌گذاری، کار آفرینی، مدیریت و نظارت مردمی و مشارکت اقتصادی در سطح کلان و خرد اقتصاد افزایش یافته و سبب کاهش نرخ بیکاری می‌شود. تداوم پیشرفت در اقتصاد باعث گسترش بنگاه‌های تولیدی و ارتقای رشد اقتصادی و پیشرفت شده و درنهایت این هردو باعث کاهش بیکاری می‌شود. دانش‌بنیانی اقتصاد از طریق کانال آموزش و مهارت نیروی انسانی، گسترش زیرساخت‌های اطلاعاتی، ارتقای سیستم‌های نوآوری منجر به گسترش نوآوری در تولید و درنهایت افزایش بهره‌وری در اقتصاد به‌عنوان یک عامل مهم رشد اقتصادی می‌شود که خود منجر به کاهش نرخ بیکاری

می‌شود. از طرفی با ارتقای دانش‌بنیانی در اقتصاد، رژیم‌های اقتصادی و نهادی اصلاح و ارتقا می‌یابد که باعث حاکم شدن قوانین کارآمد و شفاف در جامعه شده و در نهایت با کنترل فساد، رانت، افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی و تسهیل فضای کسب‌وکار، بسیاری از فعالیت‌های کسب‌وکار رونق گرفته و نرخ بیکاری کاهش می‌یابد. درون‌زایی اقتصاد باعث خودباوری و افزایش کسب‌وکار شده که این هر دو سبب خوداتکایی و خودکفایی در بین فعالان اقتصادی داخلی شده که هر سه مورد یاد شده سبب افزایش تولید و کاهش بیکاری می‌شود. با برون‌گرایی در اقتصاد، همکاری‌های بین‌المللی افزایش یافته و اشتراک‌گذاری دانش فنی و تسخیر بازارهای بین‌المللی و گسترش جریان سرمایه به داخل افزایش خواهد یافت. مجموع این سیاست‌های برون‌گرایی منجر به تنوع فروش محصولات داخلی در خارج، به‌کارگیری دانش نوین فنی و افزایش سرمایه‌ها در بازار داخلی می‌شود که در نهایت فرصت‌های شغلی و تولید داخلی را شتاب می‌بخشد.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. پیشینه داخلی

از سال ۱۳۸۹ که مفهوم اقتصاد مقاومتی وارد ادبیات اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران شد، تبدیل به یکی از مباحث بحث‌برانگیز میان نخبگان، نظریه‌پردازان و پژوهش‌گران علوم اقتصادی کشور گردیده و مطالعات و تحقیقات زیادی در خصوص ارتباط اقتصاد مقاومتی و تأثیرگذاری آن بر متغیرهای کلان اقتصادی مبتنی بر کاهش مبادلات و فروش نفت و تقویت ظرفیت‌های داخلی انجام شده است که خلاصه مهم‌ترین پژوهش‌ها در اینجا یادآوری گردیده است.

محسنی زنوزی و صادق‌وند (۱۳۹۶) طی مطالعاتی، اثر شاخص‌های اقتصاد مقاومتی را بر رشد اقتصادی ایران را مبتنی بر تابع تولید کاب - داگلاس با استفاده از الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیع شده، بررسی نمودند و نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های اقتصاد مقاومتی هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت با رشد اقتصادی رابطه مثبت و معنادار دارند.

اصغری (۱۳۹۶)، اهمیت تولید داخلی را در اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم

رهبری بررسی نموده است. معتقد است که با اتکا به تولید داخلی و قدرت درونی کشور می‌توان اشتغال را از دریچه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور بهبود بخشید، اقتصاد را از حالت رکود خارج نموده و رشد اقتصادی را در کشور به‌وجود آورد. در نتیجه با پیشگیری از افزایش بیکاری در بخش‌های اقتصادی، باعث رفاه اجتماعی می‌گردد.

شقایق شهری (۱۳۹۶) طی پژوهشی، اثر اقتصاد دانش‌بنیان را در همگرایی تجاری کشورهای اسلامی با رویکرد برون‌گرایی اقتصاد مقاومتی با استفاده از مدل جاذبه تعمیم‌یافته بررسی نموده است. نتایج نشان می‌دهد که شاخص ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان بر تجارت میان کشورهای عضو همکاری اسلامی اثر مثبت دارد. طوری که بهبود هر یک از واحدهای اقتصاد دانش‌بنیان در کشورهای میزبان تجاری، منجر به افزایش ۵,۵۱ میلیون دلار در حجم تجارت دوطرفه بین کشورهای منتخب می‌گردد.

عبادی؛ فراهانی‌فرد و عادلی (۱۳۹۸)، طی مطالعاتی، نقش محوری اقتصاد دانش‌بنیان را بر کنترل بیکاری در ایران با استفاده از داده‌های سری زمانی طی دوره زمانی ۱۳۶۷-۱۳۹۳ توسط مدل خودرگرسیون با وقفه‌های گسترده بررسی و آزمون نمودند. نتایج نشان می‌دهد که بین محورهای مختلف اقتصاد دانش‌بنیان و بیکاری رابطه بلندمدت برقرار است. شاخص رژیم‌های اقتصادی و زیرساخت اطلاعاتی تأثیر منفی و معنادار بر بیکاری داشته، شاخص سیستم ابداعات تأثیر مثبت و معنادار بر بیکاری نشان داده و شاخص آموزش و توسعه منابع انسانی تأثیری بر بیکاری نشان نداده است.

یوسفی و موسوی‌نژاد (۱۳۹۸)، در مطالعاتی نقش و جایگاه رشد اقتصادی را با الگوی اقتصاد مقاومتی ایران با استفاده از پرسش و پاسخ از نظریه‌پردازان و خبرگان اقتصاد مقاومتی به روش نمونه‌گیری نظری و تکنیک گلوله برفی، بررسی و ارزیابی نمودند. نتایج نشان می‌دهد که آسیب‌پذیری رشد اقتصادی از کانال‌های مثل عدم ساختار اقتصاد دانش‌بنیان، فقدان بهره‌وری عوامل تولید، شرایط نامطلوب کسب‌وکار، عدم فناوری جدید تولید، و شرایط نامطلوب در نهادهای بازارهای پولی و مالی، بخش خصوصی، دولت و بخش عمومی می‌باشد.

لطفی و توکلی (۱۳۹۹)، اثر مؤلفه‌های درون‌زایی که بر رشد تولیدات داخلی را بر اقتصاد مقاومتی بررسی نمودند و نتایج پژوهش حاکی از آن است که درون‌زایی

به مفهوم تکیه بر ظرفیت‌های داخلی با حداکثرسازی بهره‌وری به منظور افزایش ارزش افزوده و ثروت ملی در راستای تداوم رشد و امنیت اقتصادی است. طبق نتایج این تحقیق، درون‌زایی نقش مهمی در تحقق مؤلفه‌های برون‌گرایی، مردم‌بنیادی و عدالت‌محوری بر اقتصاد مقاومتی دارد.

غفاری فرد و علمدار (۱۴۰۰)، طی پژوهشی، تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را بر رشد اقتصادی استان‌های ایران با استفاده از روش اقتصادسنجی پنل دیتا، بررسی نمودند و نتایج نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معنادار میان شاخص ترکیب اقتصاد مقاومتی و رشد اقتصادی در استان‌های ایران وجود داشته و مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان و عدالت‌بنیانی بیشترین اثر را بر رشد اقتصادی استان‌های ایران دارند.

غفاری فرد؛ ملکی نصر و حاذق (۱۴۰۰)، در تحقیق اثر شاخص ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان را بر کنترل بیکاری در استان‌های ایران با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی از روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده؛ طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ بررسی نمودند و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین شاخص ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان و بیکاری، رابطه منفی و معنادار وجود دارد، طوری که اگر ضریب متغیر شاخص ترکیبی دانش‌بنیان یک درصد افزایش یابد، نرخ بیکاری در استان‌های ایران ۱، ۱۶ درصد کاهش می‌یابد.

۲-۲. پیشینه خارجی

مفهوم اقتصاد مقاومتی تنها در کشور ایران مطرح بوده و ریشه در نظام اقتصاد اسلامی دارد. در مطالعات اقتصادی سایر کشورها، به جای اقتصاد مقاومتی از مفهوم اقتصاد تاب‌آوری استفاده می‌شود. بخشی از پژوهش‌های اثر مؤلفه‌های تاب‌آوری بر رشد اقتصادی و کاهش بیکاری به طور زیر بیان می‌شود:

ریلو^۱ (۲۰۱۵)، طی مطالعاتی، نقش فناوری اطلاعات بر بیکاری را در کشورهای اتحادیه اروپا بررسی نموده و نتایج تحقیق حاکی از آن است که با افزایش فناوری اطلاعات، نرخ بیکاری در اروپا کاهش یافته است.

کیتسوس و بیشاپ^۲ (۲۰۱۸)، تاب‌آوری اقتصادی و تأثیر بحران را بر مناطق مرجع محلی در بریتانیا بررسی نمودند و نتایج نشان می‌دهد که رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸ تأثیر طولانی‌مدت و متفاوتی در کشورها به‌جای گذاشته که اثرهای قابل‌توجه آن برای شرایط اولیه اقتصادی، سرمایه انسانی، ساختار سنی، شهرنشینی و جغرافیا می‌باشد؛ بااین‌حال با اجرای سیاست‌های هدفمند، تا حدودی اثرهای آن شوک بزرگ ناشی از بحران مالی سال ۲۰۰۸ بهبود یافته که در شرایط رشد اقتصادی، اشتغال و کاهش بیکاری نمایانگر بوده و اقتصاد از تاب‌آوری بهتری برخوردار شده است.

اواد^۳ (۲۰۱۹)، طی مطالعاتی اثر برون‌گرایی و جهانی‌سازی اقتصادی را بر بیکاری جوانان در ۵۰ کشور آفریقایی بین دوره زمانی ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۳ با استفاده از روش عدم خودهمبستگی سریالی جملات خطا و ابزارها (GMM) بررسی نموده و نتایج نشان می‌دهد که برون‌گرایی و باز بودن بازارهای جهانی، اثر منفی و معنادار با نرخ بیکاری جوانان داشته و تطبیق و پیگیری قوانین بازار کار به کاهش بیکاری جوانان کمک می‌کند. همچنین نشان می‌دهد که افزایش شهرنشینی در آفریقا به بیکاری جوانان افزوده است. اونیفادی و همکاران^۴ (۲۰۲۰)، در پژوهش خودشان رابطه بین تجارت که یکی از مؤلفه‌های تاب‌آوری است را با بیکاری مبتنی بر شواهدی از اقتصاد نیجریه بررسی نمودند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که باز بودن تجارت و برون‌گرایی و سرمایه‌گذاری داخلی تأثیرات قابل‌توجه بر بیکاری در نیجریه داشته ولی به نسبت تجارت ناچیز ناشی از سرمایه‌گذاری داخلی کم، این تأثیرگذاری بر اساس منحنی فیلیپس در کوتاه‌مدت برقرار بوده است.

یو و لی^۵ (۲۰۲۰)، طی مطالعاتی فناوری و آموزش را به‌عنوان راهبرد رشد اقتصاد دانش‌بنیان بر اساس مدل تعادل عمومی قابل محاسبه بررسی نمودند که چگونه می‌توان از طریق تعاملات درون‌زا به نوآوری، انباشت سرمایه انسانی و رشد بلندمدت دست یافت. نتایج نشان می‌دهد: محدودیت‌های برای رشد بهره‌وری وجود دارد که باعث

2. Kitsos, A. & Bishop, P.

3. Awad

4. Onifade, S. T.; Ay, A.; Asongu, S. & Bekun, F. v.

5. Yeo, Y. & Lee, J.D.

می‌شود افزایش ظرفیت رشد هنگام تمرکز، تنها بر گسترش نوآوری در فناوری محدود می‌شود؛ باوجوداین ارتقاء شکل‌گیری مکمل نوآوری در فناوری و سرمایه انسانی تا حدودی منجر به کاهش بیکاری و کاهش نابرابری دستمزد شده و برای تحریک رشد بلندمدت در اقتصاد دانش‌بنیان، سیاست‌گذاران باید زیرساخت‌های آموزشی را تقویت و حمایت کند.

متیو و همکاران^۶ (۲۰۲۰)، نقش توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات را بر بیکاری جوانان به ۴۸ کشور قاره آفریقا با استفاده از برآوردگر روش تعمیم‌یافته سیستم و روش مدل‌سازی هیئت‌رئیس پویا، طی دوره زمانی ۱۹۹۱ الی ۲۰۱۸ بررسی و آزمون نمودند. نتایج نشان می‌دهد که سطح پایین اشتراک اینترنت Wi-Fi، اشتراک تلفن‌های همراه، اشتراک پهنای باند اینترنت تأثیر منفی قابل‌توجهی بر بیکاری جوانان دارند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که دسترسی خانواده‌ها به رایانه نیز اثر منفی اما ناچیزی بر بیکاری جوانان داشته است.

همان‌طور که مشاهده شده تا کنون پژوهشی در مورد اثر اقتصاد مقاومتی بر بیکاری در ایران صورت نگرفته است؛ بنابراین نیاز است در این زمینه تحقیق شود. همچنین بررسی تحقیقات خارجی نشان داد که اغلب مؤلفه‌های اقتصاد تاب‌آور و اقتصاد دانش‌بنیان که اشتراکاتی با اقتصاد مقاومتی دارد، بر بیکاری اثر دارد که این موضوع اهمیت این تحقیق را دوچندان می‌سازد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از حیث ابزار یک مطالعه کتابخانه‌ای از نوع تحلیلی - توصیفی و از نگاه هدف کاربردی است. داده‌های و اطلاعات مورد نیاز از منابع مختلف که در ادامه توضیح داده خواهد شد، به‌دست آمده است. داده‌ها توسط برنامه ایوز ۱۰ با استفاده از روش پانلی پردازش گردیده است. مدل به‌کاررفته در تحقیق به‌شکل زیر در نظر گرفته شده است:

$$Unemp = \beta_1 Pe.E + \beta_2 Com.KBI + \beta_3 Inter + \beta_4 FJI + \beta_5 con.P + \beta_6 Ln pop + Inf \dots (1)$$

6. Metu, A. G.; Ajudua, E.; Eboh, I.; Ukeje, C. & Madichie, C.

اجزای رابطه ۱ عبارت از:

Unemp: نرخ بیکاری^۷ در این پژوهش متغیر وابسته می‌باشد. همان‌طور قبلاً بیان شد در علم اقتصاد، بیکار به فردی اطلاق می‌شود که در سن ۱۵ تا ۶۵ سالگی در جستجوی کار باشد ولی شغل یا منبع درآمدی نداشته باشد. داده‌های این متغیر از سالنامه آماری ایران گردآوری شده است.

Pe.E: شاخص مردم‌محوری یکی از شاخص‌های اقتصاد مقاومتی است و هدف از این شاخص مردمی‌سازی و مولدسازی اقتصاد است. باید گفت محور اصلی اقتصاد مقاومتی، مردم‌بنیاد است؛ یعنی تمرکز این شاخص بر محور دولت و اقتصاد دولتی نیست بلکه اقتصاد مردمی است که با اراده مردم، سرمایه مردم و حضور مردم تحقق پیدا می‌کند و نقش دولت؛ هدایت، نظارت و کمک به مردم در فعالیت‌های اقتصادی است. قاعدتاً بخش‌های تعاونی، بخش‌های خصوصی و... نمونه‌ای آن باشد؛ اما از آنجایی که می‌بایست دقت داشت که این مطالعه به اطلاعات استانی به‌صورت یک دوره سری زمانی برای ۳۱ استان ایران نیاز دارد که متأسفانه چنین آماری وجود ندارد؛ لذا بر اساس مقدمات و مطالعات مشابه (شقایق‌شهری، علیزاده، ۱۳۹۵؛ علیزاده، ۱۳۹۵)، شاخص عکس اندازه دولت انتخاب شده است که اطلاعات آن به‌صورت استانی و سری زمانی وجود دارد. در این مطالعه این شاخص از معکوس ساختن نسبت مصارف دولت بر تولید ناخالص داخلی هر استان به‌دست آمده است. به عبارت دیگر در این مطالعه به جای شاخص مردم‌محوری از نسبت تولید ناخالص داخلی و بودجه هر استان استفاده شده است. اگرچه بهتر است به جای این شاخص از شاخص‌های حکمرانی اقتصادی یا شاخص‌های تمرکززدایی استفاده کرد؛ اما باز هم با تأسف چنین آماری در مورد استان‌ها وجود ندارند.

Inter: شاخص‌های درون‌زایی اقتصاد مقاومتی عبارت از خودباوری، خوداتکایی، خودکفایی و ارتقای است که قاعدتاً چنین آماری وجود ندارد و به‌ناچار باید به جای این شاخص از شاخص جایگزین استفاده نمود. به نظر می‌رسد بهترین شاخص برای جایگزین درون‌زایی اقتصاد، درآمدهای مالیاتی هر استان است، به این دلیل که عمده

درآمدهای مالیاتی در کشور، استانی هست و بیش از ۹۵ درصد درآمد هر استان را درآمد مالیاتی تعیین می کند و این شاخص بیان کننده فعالیت های درونی هر استان هست که مالیات از آن گرفته می شود و به عنوان درون زایی هر استان لحاظ شده است. بسیاری از منابع کشور از جمله درآمد گمرکی، حقوق ورودی، درآمد نفت و... جز درآمدهای ملی محسوب می شوند که در درآمد استانی لحاظ نمی شود؛ لذا برای اینکه ظرفیت درونی هر استان را با توجه به داده های موجود بررسی شود از شاخص درآمد استانی به عنوان ظرفیت هر استان استفاده شده است. در این مطالعه از نسبت درآمدهای مالیاتی بر تولید ناخالص داخلی هر استان به عنوان شاخص درون زایی استفاده شده است. در صورتی نرخ مالیات ثابت باشد، افزایش درآمدهای مالیاتی هر استان به معنایی افزایش فعالیت های اقتصادی هر استان بوده که با بیکاری رابطه مستقیم دارد.

Com. KBE: دانش بنیانی اقتصاد و یا شاخص ترکیبی اقتصاد دانش بنیان، یکی از مؤلفه های اقتصاد مقاومتی بوده و درعین حال یک شاخص ترکیبی بوده که از ترکیب مؤلفه های شاخص های اقتصاد دانش بنیان (بر اساس تعریف بانک جهانی)^۸ به دست آمده

۸. نهادهای مختلف نظیر بانک جهانی، چهارچوب جهانی مشبک هاروارد و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OCED)، شاخص های متفاوتی برای اقتصاد دانش بنیان ارائه نموده است. در اینجا برای محاسبه شاخص اقتصاد دانش بنیان از شاخص های بانک جهانی استفاده شده است که عبارت از چهار شاخص اصلی و دوازده شاخص فرعی است: ۱- شاخص مشوق های اقتصادی و نهادی، دارای سه مؤلفه (موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای، کیفیت نظم و ترتیب و نقش قانون و مقررات می باشد). در اینجا شاخص موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای به دلیل تأثیر یکسان روی تمام استان ها لحاظ نشده و به جای دو مؤلفه کیفیت نظم و ترتیب و نقش قانون و مقررات، از معکوس شاخص های فوق یعنی تعداد مخدرات روان گردان کشف شده و تعداد کشف شده گان جرائم استفاده شده است. ۲- شاخص آموزش منابع انسانی دارای سه مؤلفه (نرخ باسوادی، سرانه ثبت نام در سطح دوم آموزش و سرانه ثبت نام در سطح سوم آموزش می باشد). در این پژوهش بر اساس نظر خبرگان تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیز به عنوان یکی از مؤلفه این شاخص به آن اضافه شده است. ۳- شاخص نوآوری و ابداعات از سه مؤلفه (سرانه ثبت اختراع، حق الامتیاز بابت اختراع و سرانه مقاله علمی) می باشد. در این تحقیق تعداد شرکت های دانش بنیان موجود در هر استان نیز به عنوان یکی دیگر از مؤلفه های این شاخص لحاظ شده است. باید گفت که داده های آماری برای سرانه ثبت اختراع به تفکیک استان ها موجود نمی باشد و حق الامتیاز بابت اختراع و نوآوری در تمام استان ها یکسان است؛ لذا این دو مؤلفه از تحقیق حذف می گردد. داده های مربوط به سرانه مقالات علمی نیز موجود نبود؛ بنابراین به جای آن از تعداد مراکز تحقیقات علمی استفاده شده است. ۴- شاخص زیرساخت های اطلاعاتی نیز دارای سه مؤلفه سرانه تلفن، سرانه یارانه و سرانه استفاده از اینترنت می باشد. در این تحقیق نیز از

است. شاخص ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان که در این پژوهش به کار رفته است که توسط بانک جهانی تعریف شده و این مؤلفه‌ها توسط روش موریس با هم ترکیب شده‌اند. این ترکیب یکی از روش‌های مؤثر در زمینه ترکیب منطقی شاخص‌ها است (غفاری‌فرد و دیگران، ۱۴۰۰). در این روش ترکیب شاخص ناموزون موریس از طریق فرمول ذیل محاسبه می‌گردد.

$$y_{ij} = \frac{X_{ij} - X_{imin}}{X_{imax} - X_{imin}} \times 100 \quad (2)$$

در فرمول فوق Y_{ij} شاخص ناموزون موریس برای متغیر i ام در کشور (استان) j ام، X_{ij} مقدار متغیر i ام در کشور (استان) j ام، X_{imin} حداقل مقدار متغیر i ام در بین کشورها (استان‌ها) و X_{imax} حداکثر مقدار متغیر i ام در بین کشورها (استان‌ها) است (Rezvani, 2004). نکته قابل توجه در این روش این است که شاخص‌های به کار گرفته شده باید همسو یا هم جهت باشند (Badri & et al., 2006) و اگر چنانچه یک یا تعدادی از شاخص‌ها با دیگر شاخص‌ها همسو و هم جهت نباشند، جهت همسو نمودن آن‌ها از معکوس شاخص محاسبه شده از طریق فرمول فوق استفاده گردد و ضریب نهایی شاخص ترکیبی از طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$D.I = \frac{\sum_{i=1}^n Y_{ij}}{n} \quad (3)$$

در رابطه بالا، n تعداد شاخص‌های مورد مطالعه و $D.I$ شاخص اصلی ترکیب شده را نمایش می‌دهد:

FJI : عدالت بنیانی اقتصاد یعنی عدالت در توزیع منابع و ثروت است که به منظور سیاست‌های فقرزدایی و تأمین رفاه عمومی، منجر به کاهش متغیرهای (فقر، شکاف طبقاتی و بیکاری) می‌گردد که در این پژوهش به جای این شاخص از شاخص معکوس ضریب جینی استفاده شده است. اگرچه ضریب جینی یک بخشی از فرایند برابری را نشان می‌دهد و تمام ابعاد عدالت را نشان نمی‌دهد؛ اما بر اساس مطالعات بسیار زیاد ضریب جینی به عنوان یک پروکسی از شاخص برابری درآمدی و عدالت

مطرح هست و به دلیل نبود اطلاعات آماری سایر ابعاد عدالت از جمله فرصت های برابر در استان ها و بهره وری عوامل تولید و سهم هر عامل تولید در بین ۳۱ استان از شاخص ضریب جینی به عنوان پروکسی و جانشین استفاده شده است.

con.P: شاخص تداوم پیشرفت سهم تولید ناخالص داخلی استان در تولید ناخالص داخلی کشور را بیان می کند. با افزایش تولید ناخالص داخلی استان بیکاری کاهش خواهد یافت؛ لذا ضریب این شاخص منفی خواهد بود.

Inf: نرخ تورم متغیر کمکی در این پژوهش بوده و تورم در علم اقتصاد عبارت از افزایش سطح عمومی قیمت ها است. با افزایش تورم با توجه به نوع آن و شرایط جامعه و بنگاه های تولیدی، انتظار می رود بیکاری کاهش و یا افزایش یابد. در صورتی که تورم باعث ورشکستگی و تعطیل بنگاه های تولیدی گردد باعث افزایش بیکاری و در غیر صورت با توجه با افزایش هزینه های خانوارها باعث کاهش بیکاری می گردد؛ بنابراین انتظار می رود ضریب این متغیر مثبت یا منفی باشد.

pop: این متغیر بیانگر اندازه جمعیت ۱۵ سال به بالا برای هر استان بوده و انتظار می رود با افزایش جمعیت ۱۵ سال به بالا افراد جویای کار افزایش یافته و در صورتی که بنگاه های کافی برای استخدام وجود نداشته باشند، بیکاری افزایش می یابد (این موضوع بیشتر در کشورهای در حال توسعه اتفاق می افتد)؛ اما در صورتی که هر علتی مثل افزایش نرخ رشد اقتصادی، افزایش سرمایه گذاری دولت، افزایش سرمایه گذاری خارجی افراد جویای کار توسط بنگاه ها استخدام گردد، نرخ بیکاری ثابت و یا کاهش خواهد یافت (این موضوع بیشتر در کشورهای توسعه یافته مصداق دارد). انتظار می رود ضریب این متغیر نیز مثبت یا منفی باشد. داده های این متغیر از مرکز آمار ایران گردآوری شده و به شکل لگاریتمی آن وارد مدل شده است.

۳-۱. معرفی مدل پنیل دیتا

در این پژوهش به علت نوع داده های مورد مطالعه از روش داده های پانلی استفاده می شود. داده های پانلی نوعی از داده ها است که ترکیب چند مقطع و دوره زمانی پیوسته (سالانه، فصلی و...) می باشد. مقطع بیانگر کشور، شرکت و... است. در صورتی

تعداد مقاطع را N ، طول دوره زمانی را T و متغیرهای مربوط را Y ، X و... نشان دهیم به این ترتیب مشاهدات متغیرها به شکل X_{it} و Y_{it} خواهد بود که i نشان دهنده مقاطع به صورت $i=1,2,3,...,n$ و t نشان دهنده زمان به صورت $t=1,2,3,...,n$ است (سوری، ۱۳۹۴، ص. ۷۸۰). داده های ترکیبی برای گسترش روش های تخمین محیط مناسبی را فراهم می سازد. به محققان این امکان را می دهد که از داده های پانلی برای بررسی مواردی که امکان مطالعه آن فقط در محیط های سری زمانی و مقطعی وجود ندارند، پردازند. در مدل پنل دیتا متغیرها هم در مقاطع جامعه آماری و هم طی زمان مورد مطالعه، اندازه گیری می شود. فرض می نماییم که تعداد مقاطع برابر با N ، طول دوره برابر با T ، و تعداد متغیرهای توضیحی برابر با K باشد. به زبان ریاضی مدل پنل دیتا را می توان چنین نوشت:

$$Y_{it} = i + \beta_1 X_{1it} + \beta_2 X_{2it} + \dots + \beta_K X_{Kit} + U_{it} \quad (4)$$

طوری که در رابطه (4)، i نماد مقاطع، بنگاه، کشور و ... است و t زمان را نشان می دهد. همچنین k متغیر توضیحی (بدون احتساب عرض از مبده) در X_i وجود دارد. با توجه به اینکه α از چه حالتی پیروی کند سه فرایمان (سناریو) پیش می آید: اول، در صورتی هیچ اختلافی بین مقاطع وجود نداشته باشد، α به صورت میانگین تمام مقاطع وارد مدل شده و در این حالت روش حداقل مربعات معمولی^۹ تخمین کارا از α و β ارائه می دهد. دوم در صورتی بین مقاطع مختلف اختلاف وجود داشته باشد این اختلاف (بین کشورها، خانوارها و...) در i نشان داده خواهد شد که در طول زمان ثابت فرض می شود اختلاف بین مقاطع به صورت تصادفی بوده و در طول زمان ثابت فرض می شود که به نام روش اثرهای ثابت^{۱۰} یاد می شود. سوم در صورتی که اختلاف بین مقاطع به صورت تصادفی بوده و در طول زمان ثابت نیست، روش دیگری بنام روش اثرهای تصادفی^{۱۱} برای برآورد مدل استفاده می شود (سوری، ۱۳۹۲).

9. Ordinary Last Square

10. Fixed Effect

11. Random Effect

۴. یافته های پژوهش

۴-۱. آمار توصیفی

در بسیاری از موارد آمار توصیفی مطالب ارزشمندی را در مورد و نوع دیتا بیان می کند. در اینجا بعضی از مهم ترین آمار توصیفی متغیرها آورده شده است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرها

متغیرها	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیده گی	جارك برا	
								آماره	احتمال
بیکاری (Unimp)	۱۱,۶۴	۱۱,۳	۲۲,۰	۵,۷۷	۲,۹۳	۰,۸۳	۴,۲۶	۳۹,۹	۰,۰۰۰
جمعیت (Pop)	۷,۵۴	۷,۴۶	۹,۵	۶,۳۲	۰,۷۳	۰,۵۲	۲,۸۲	۹,۹۲	۰,۰۰۶۹
دانش بنیانی اقتصاد (KBI)	۲,۴۵	۲,۳۶	۵,۳۶	۱,۳۱	۰,۵۷	۲,۰۸	۱۰,۱۳	۶۱۶,۷۹	۰,۰۰۰
مردمی بودن اقتصاد (Pe.E)	۰,۲۲۹	۰,۲	۱,۲۲	۰,۰۰۲	۰,۱۸	۱,۷	۸,۲۶	۳۵۶	۰,۰۰۰
درون گرایی (Inter)	۰,۰۳	۰,۰۲	۰,۴۳	۰,۰۰۰	۰,۰۳۴	۸,۲۲	۹۱,۰۰	۷۶,۵	۰,۰۰۰
تورم (Inf)	۱۹,۵۲	۱۵,۴۸	۳۹,۱۲	۷,۱۸	۱۰,۲۷	۰,۵۲	۱,۶۹	۲۵,۳۲	۰,۰۰۰۳
عدالت بنیانی (FJE)	۱۳,۱۸	۳,۱۶	۴,۲۹	۲,۴۷	۰,۳۵	۰,۳۵	۲,۸۷	۴,۶۶	۰,۰۹۷
تداوم پیشرفت (Con.P)	۰,۰۳	۰,۰۱۷	۰,۲۷	۰,۰۰۴	۰,۰۴۶	۳,۳	۱۳,۸	۱۳,۸	۰,۰۰۰

منبع: (محاسبات پژوهش)

همان طوری که در جدول ۱ مشاهده می شود ضریب چولگی تمام متغیرهای مثبت بوده و تمام متغیرها دارای چوله در سمت راست و تمایل اکثر متغیرها به مقادیر کوچک تر است. همچنین مثبت بودن ضرایب کشیده گی، گویایی این مطلب است که از توزیع نرمال بلندتر بوده و داده های حول میانگین متمرکز است. در نتیجه آزمون جارك برا^{۱۲} با توجه به اینکه سطح خطای محاسبه شده کمتر از ۰,۰۵ است و توزیع تمامی متغیرهای پژوهش نزدیک به توزیع نورمال می باشد.

۴-۲. آزمون ناهمسانی واریانس

همسانی واریانس یکی از فروض مدل رگرسیون خطی است. با توجه به اینکه جزء اخلاص که در تابع رگرسیون جامعه ظاهر می شود دارای واریانس همسان هستند. در صورتی این فرض تأمین نشود واریانس ناهمسانی گفته می شود. با توجه به نتایج

آزمون ناهمسانی واریانس که انجام شد، احتمال به دست آمده کمتر از ۰,۰۵ است در این تحقیق با ناهمسانی واریانس مواجه هستیم؛ بنابراین جهت رفع ناهمسانی واریانس از تخمین زن $EGLS^{13}$ استفاده شده است.

۳-۴. آزمون اف - لیمر و هاسمن

برای تشخیص داده‌های ترکیبی (panel) و تلفیقی (pool) آزمون اف - لیمر استفاده می‌شود. نتایج آزمون اف - لیمر در جدول (۳) نشان داده شده است که حاکی از تأیید داده‌های ترکیبی (panel) در برابر داده‌های تلفیقی (pool) است. حال برای تعیین نوع داده‌های تابلوی که دارای دو حالت اثرهای ثابت و تصادفی است از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. قسمتی که در جدول زیر مشاهده می‌شود نتایج بیانگر تأیید اثرهای ثابت در برابر اثرهای تصادفی است؛ بنابراین مدل این پژوهش باید به صورت اثرهای ثابت برآورد می‌شود.

جدول (۲): نتایج آزمون اف ت لیمر و هاسمن

آزمون	آماره	مقدار آماره	درجه آزادی	P-Value	نتیجه
اف - لیمر (چاو)	F	۱۹,۶۵	۲۳,۴۵	۰,۰۰۴	داده‌های تابلویی
هاسمن	χ^2	۱۰,۰۵	۹	۰,۰۰۳	روش اثرهای ثابت

منبع: (محاسبات پژوهش)

۴-۴. تخمین و تحلیل مدل

هدف اصلی این مطالعه بررسی تأثیر اقتصاد مقاومتی بر نرخ بیکاری است. از طرف دیگر می‌دانیم که اقتصاد مقاومتی از شاخص‌های مختلف تشکیل شده است؛ بنابراین، این مدل در دو مرحله برآورد و تخمین می‌شود. در مرحله اول تأثیر هر یک از شاخص اقتصاد مقاومتی را بر نرخ بیکاری برآورد نموده و در مرحله دوم شاخص‌های اقتصاد مقاومتی را به روش موريس ترکیب نموده و تأثیر شاخص ترکیبی به دست آمده بر نرخ بیکاری برآورد شده است. برای تخمین هر دو مدل با استفاده از تخمین زن EGLS

13. Estimated Generalized Least Squares

توسط برنامه ایوز ۱۰، انجام شده اند. نتایج تخمین در جداول ۳ و ۴ نشان داده شده است.

جدول (۳): نتایج تخمین مدل

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره t	سطح اطمینان
مردمی بودن اقتصاد (Pe.E)	۰/۰۰۱۸	۰/۰۰۲	۰/۸۴	۰/۰۰۴
ش. ت. د.ب.ا. ^{۱۴} (Com.KBE)	-۰/۰۶۱	۱/۱۴	۴/۴۵	۰/۰۰۰
درون زایی (Inter)	-۰/۰۶۸	۰/۰۹۴	۲/۷۲	۰/۰۴۷
عدالت بنیانی (FJE)	-۰/۰۵۸	۰/۰۲۸	۲/۰۶	۰/۰۴۰
تداوم پیشرفت (Con. P)	-۰/۰۶۱	۴/۴۲	۰/۱۴	۰/۰۸۹
جمعیت (Lpop)	۰/۰۲۹	۰/۰۱۷	-۱/۸۲	۰/۰۰۸
تورم (Inf)	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	-۱/۷	۰/۰۰۶
عدد ثابت (C)	۹/۵	۱/۴۶	۶/۵۳	۰/۰۰۰

منبع: (محاسبات پژوهش)

جدول (۴): نتایج تخمین شاخص ترکیبی اقتصاد مقاومتی بر نرخ بیکاری

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره t	سطح اطمینان
شا. تر. اق.مقا. ^{۱۵} (Com.Steg)	-۰/۰۰۵۳	۰/۰۱۳	۴/۱۳	۰/۰۰۰۱
تورم (Inf)	-۰/۰۰۱۶	۰/۰۱۳	۱/۳۴	۰/۰۰۱۸
جمعیت (Lpop)	۱/۷۲	۰/۰۶۱	۲۸/۲۸	۰/۰۰۰۰

منبع: (محاسبات پژوهش)

با توجه به نتایج برآورد که در جدول ۳ مشاهده می شود، تأثیر شاخص های مردمی سازی اقتصاد (اقتصاد مردم محور) منفی بوده و با افزایش یک درصد این شاخص

۱۴. شاخص ترکیبی دانش بنیانی اقتصاد

۱۵. شاخص ترکیبی اقتصاد مقاومتی

نرخ بیکاری ۰,۰۰۱۸ درصد کاهش می‌یابد. با توجه به اینکه به‌جای این متغیر از نسبت تولید ناخالص داخلی و مصارف دولتی هر استان به‌عنوان شاخص جاگزین استفاده شده است، این موضوع بیانگر این است که در صورتی که تولید ناخالص داخلی هر استان نسبت به مصارف دولت افزایش یابد نرخ بیکاری افزایش خواهد یافت. دلیل این مطلب این است که زمانی که بنگاه‌هایی دولتی به بنگاه‌هایی خصوصی تبدیل شود، بنگاه‌هایی خصوصی به‌منظور کاهش مصارف و افزایش بهره‌وری و استفاده حداکثر از نیروی کار، نیروی کار کمتر استخدام می‌کند و بخش از نیروی کار اخراج می‌کند؛ اما ضریب به‌دست‌آمده خیلی کوچک بوده و مصارف دولت در اقتصاد تأثیر قابل توجه بر نرخ بیکاری ندارد. تأثیر شاخص ترکیبی دانش‌بنیانی بر نرخ بیکاری منفی است. به‌نحوی که با افزایش یک درصد شاخص دانش‌بنیانی اقتصاد، نرخ بیکاری ۰,۶۱ درصد کاهش می‌یابد. نرخ بیکاری با شاخص درون‌زایی اقتصاد رابطه غیرمستقیم دارد. با افزایش یک درصد شاخص درون‌زایی اقتصاد، نرخ بیکاری ۰,۶۸ درصد کاهش می‌یابد. همان‌طوری که گفته شد، این شاخص از تقسیم مقدار مالیات بر تولید ناخالص داخلی استان تشکیل شده است. با افزایش نرخ مالیات (بدون افزایش تولید ناخالص داخلی) بنگاه‌ها یا به تعطیلی رفته و یا سرمایه‌هایشان را از کشور خارج می‌کند. قاعدتاً ضریب این متغیر مثبت باید باشد؛ اما ضریب این متغیر منفی بوده و این موضوع به این معنا است که به هر اندازه معافیت مالیاتی و یا فرار مالیاتی کاهش یابد، نرخ بیکاری نیز کاهش می‌یابد. برای منفی بودن ضریب این متغیر دلایلی چون ایجاد شغل‌ها و فعالیت‌هایی جدید، شناسایی پایه‌های مالیاتی جدید، شفافیت در گردآوری مالیات‌ها، کاهش فرار و معافیت مالیاتی و... را می‌توان نام برد. شاخص عدالت‌بنیانی^{۱۶} (معکوس ضریب جینی هر استان) با نرخ بیکاری رابطه مستقیم داشته و با افزایش این شاخص نرخ بیکاری کاهش می‌یابد. این مفهوم که با افزایش فاصله طبقاتی (افزایش ضریب

۱۶. عدالت در اصل یک مفهوم کیفی بوده و در علوم متفاوت معانی متفاوت ارائه می‌کند. در علم اقتصاد به‌ویژه در بخش عدالت مالیاتی، انواع عدالت مورد بحث قرار می‌گیرد. در این تحقیق منظور از عدالت اقتصادی (عدالت‌بنیانی)، کاهش فاصله میان افراد ثروتمند و فقیر جامعه است که به جای این شاخص از معکوس شاخص عدالت (ضریب جینی) استفاده شده است.

جینی) هر استان نرخ بیکاری نیز افزایش می یابد؛ طوری که با افزایش یک درصد شاخص عدالت بنیایی (معکوس ضریب جینی)، نرخ بیکاری ۰,۵۸ درصد افزایش می یابد. شاخص تداوم پیشرفت با نرخ بیکاری رابطه معکوس دارد. با افزایش یک درصد شاخص تداوم پیشرفت، نرخ بیکاری ۰,۶۰ درصد کاهش می یابد. ضریب متغیر مردمی بودن اقتصاد (اقتصاد مردم محور) با احتمال ۹۵ درصد، ضریب شاخص ترکیبی دانش بنیانی اقتصاد با احتمال ۹۹ درصد، متغیر درون زایی اقتصاد با احتمال ۹۵ درصد، ضریب متغیر عدالت بنیانی با احتمال ۹۵ درصد و ضریب متغیر تداوم پیشرفت با احتمال ۹۰ درصد از لحاظ آماری معنادار است. به این ترتیب به استثنای شاخص مردمی بودن اقتصاد (اقتصاد مردم محور) تأثیر تمام شاخص های اقتصاد مقاومتی بر نرخ بیکاری منفی بوده و ضرایب تمام تمامی متغیرهای اصلی حداقل با احتمال ۹۰ درصد معنادار است. همچنان متغیر نرخ تورم با بیکاری رابطه معکوس داشته در حالی که متغیر اندازه جمعیت با بیکاری رابطه مستقیم دارد، طوری که با افزایش یک درصد نرخ تورم، نرخ بیکاری ۰,۰۳ درصد کاهش و با افزایش یک درصد جمعیت، نرخ بیکاری ۰,۲۹ درصد افزایش می یابد. ضریب متغیرهای تورم و جمعیت به ترتیب با احتمال ۹۳ و ۹۲ درصد معنادار است.

همچنان در مدل دوم که تأثیر شاخص ترکیبی اقتصاد مقاومتی بر نرخ بیکاری سنجش شده است، نتیجه مدل نشان می دهد با افزایش یک درصد شاخص ترکیبی اقتصاد مقاومتی، نرخ بیکاری ۰,۰۵۳ درصد کاهش می یابد. همچنان با افزایش یک درصد نرخ تورم، بیکاری ۰,۰۱۷ درصد کاهش و با افزایش یک درصد جمعیت، بیکاری ۱,۷۲ درصد افزایش می یابد.

نتیجه گیری

بیکاری یکی از معضلات کشورهای در حال توسعه بوده که حل این معضل نیاز به برنامه ریزی درست و همه جانبه دارد. ایران یکی از معدود کشورهای جهان هست که مورد تحریم های آمریکا، اتحادیه اروپا و شورایی امنیت قرار گرفته است. هر چند تحریم های شورای امنیت با توافق برجام رفع و یا تعلیق شد؛ اما وضع تحریم های

اقتصادی باعث گردیده است که شاخص‌های کلان اقتصادی ایران از جمله نرخ بیکاری دچار نوسان و تغییر شود. یکی از راه‌هایی که ایران را از این تغییرات تا حدی مصون نگه می‌دارد؛ به عقیده نظریه‌پردازان اقتصاد مقاومتی، روی آوردن به اقتصاد مقاومتی و از این طریق قوی ساختن اقتصاد، در مقابل تکانه‌های خارجی است؛ بنابراین در این پژوهش تأثیر شاخص‌های اقتصادی مقاومتی بر بیکاری مورد مطالعه قرار گرفت که در دو مرحله، در قالب دو مدل اثر شاخص‌های اقتصاد مقاومتی بر نرخ بیکاری تخمین شده است، طوری که در مرحله اول تأثیر هریک از شاخص اقتصاد مقاومتی را بر نرخ بیکاری برآورد نموده و در مرحله دوم شاخص‌های اقتصاد مقاومتی را به‌روش موريس ترکیب نموده و تأثیر شاخص ترکیبی اقتصاد مقاومتی (شاخص ترکیبی موريس) بر نرخ بیکاری برآورد گردید. نتایج مدل نخست نشان می‌دهد که با افزایش یک درصد شاخص مردمی بودن اقتصاد (اقتصاد مردم‌محور)، نرخ بیکاری ۰,۰۱۸ درصد افزایش می‌یابد. با افزایش یک درصد شاخص ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان، نرخ بیکاری ۰,۶۱ درصد کاهش می‌یابد. با افزایش یک درصد شاخص درون‌گرایی اقتصاد، نرخ بیکاری ۰,۶۸ درصد کاهش می‌یابد. با افزایش یک درصد شاخص عدالت‌بنیانی (معکوس ضریب‌جینی)، نرخ بیکاری ۰,۵۸ درصد کاهش می‌یابد و با افزایش یک درصد شاخص تداوم پیشرفت، نرخ بیکاری ۰,۶۰ درصد کاهش می‌یابد. همچنان با افزایش یک درصد جمعیت، نرخ بیکاری ۰,۲۹ درصد، و با افزایش یک درصد نرخ تورم، نرخ بیکاری ۰,۰۳ درصد کاهش می‌یابد. با توجه به نتایج مدل اول، در مجموع می‌توان گفت ضریب تمام شاخص‌های اصلی به استثنای شاخص مردم‌محوری بر نرخ بیکاری منفی بوده و باعث کاهش نرخ بیکاری می‌گردد.

در مدل دوم شاخص‌های اقتصاد مقاومتی به روش موريس ترکیب شده و شاخص ترکیبی بر نرخ بیکاری برآورد شده است. نتایج این برآورد نشان می‌دهد که افزایش یک درصد شاخص ترکیبی اقتصاد مقاومتی نرخ بیکاری ۰,۰۵۴ درصد کاهش می‌یابد. همچنان با افزایش یک درصد جمعیت، نرخ بیکاری ۱,۷۲ درصد افزایش و با افزایش یک درصد نرخ تورم، نرخ بیکاری ۰,۰۱۷ درصد کاهش می‌یابد.

توصیه‌ها

۱- دانش‌بنیانی اقتصاد نقش قابل توجه بر کنترل بیکاری داشته و از طرف دیگر جهان به شدت از اقتصاد منبع‌محور فاصله گرفته و به سمت اقتصاد دانش حرکت می‌کند. جهت کاهش بیکاری به سیاست‌های افزایش اقتصاد دانش‌بنیان در استان‌ها به‌ویژه حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، گسترش پارک‌های علم و فناوری در پهنه سرزمین و گسترش مراکز فنی و مهارتی به‌ویژه در مناطق محروم کشور توجه ویژه صورت گیرد.

۲- جهت تقویت درون‌زایی اقتصاد سیاست‌هایی نظیر ایجاد شغل‌ها و فعالیت‌هایی جدید، شناسایی پایه‌های مالیاتی جدید، شفافیت در گردآوری مالیات‌ها، کاهش فرار و معافیت مالیاتی و... جهت کاهش بیکاری در دستور کار قرار گیرد؛ بنابراین افزایش اندازه و پایه‌های مالیات با رعایت عدالت اقتصادی برای کاهش بیکاری ضروری به نظر می‌رسد.

۳- از آنجایی که تأمین عدالت اقتصادی باعث کاهش بیکاری می‌گردد؛ از طرف دیگر تأمین عدالت اقتصادی یکی از اهداف اصلی اسلام و هر آیین آسمانی دیگر است، توزیع اعتبارات و تسهیلات بانکی و کمک‌های فنی و اعتباری به قشرها و دهک‌های پایین درآمدی و مناطق محروم کشور جهت کنترل بیکاری در این مناطق امری ضروری است.

۴- شاخص تداوم پیشرفت نیز در کنترل بیکاری اهمیت ویژه دارد؛ بنابراین جهت افزایش تولید ناخالص داخلی هر استان برنامه‌ریزی دقیق نیاز است تا نقش و وظیفه هر استان در تقسیم کار ملی آمایش سرزمین مشخص شود.

کتابنامه

نهج البلاغه.

ابراهیم زاده، عیسی؛ اسکندری ثانی، محمد و رمضان پور، صغری (۱۳۹۵). راهبرد تعدیل فقر در محلات شهری با رویکرد اقتصاد مقاومتی؛ مطالعه موردی: کلان شهر تهران. فصلنامه جغرافیا و توسعه، سال چهاردهم، (۱)، ۲۳-۱.

اخوان، پیمان؛ ایمانی، ساناز و نبی زاده، معصومه (۱۳۹۵). تبیین مؤلفه های اقتصاد مقاومتی در کشور با استفاده از روش دیمتل - آی. اس. ام فازی. فصلنامه راهبرد دفاعی، ۱۴(۱)، ۳۵-۱. ارشدی، وحید؛ نوبخت، جواد؛ اسماعیل پور ثانی، رضا و سید حسین زاده یزدی، سعید (۱۴۰۰). فراتحلیل مطالعات اقتصاد مقاومتی در ایران: شناسایی عوامل مؤثر بر استحکام ساخت درونی سازمان برابر تکرانه ها. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۴(۱)، ۱۶۹-۱۲۷.

اصغری، محمود (۱۳۹۶). اهمیت تولید داخلی در اقتصاد مقاومتی از منظر مقام معظم رهبری. فصلنامه پژوهش های اجتماعی اسلامی، ۲۳(۱۵)، ۷۲-۴۹.

خامنه ای، سید علی: Khamenei.ir

دفتر جمعیت (۱۳۹۱). مرکز آمار ایران.

سوری، علی (۱۳۹۲). اقتصادسنجی پیشرفته. جلد دوم، تهران: فرهنگ شناسی. شقاقی شهری، وحید و عزیزاده، شیوا (۱۳۹۵). آثار اقتصاد دانش بنیان بر درونزایی اقتصاد ایران. جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی، ۱۳(۲۶)، ۶۴-۳۳.

شقاقی شهری، وحید (۱۳۹۶). نقش اقتصاد دانش بنیان بر همگرایی تجاری کشورهای اسلامی با رویکرد برون گرایی اقتصاد مقاومتی. دوفصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران، ۱۴(۲۸)، ۳۱-۹.

عبادی، امیر؛ فراهانی فرد، سعید و عادل، امیدعلی (۱۳۹۸). نقش محوری اقتصاد دانش بنیان در کنترل بیکاری فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی، ۲۵(۲)، ۱۵۰-۱۲۹.

عزیزاده، شیوا (۱۳۹۵). اثرات اقتصاد دانش بنیان بر درونزایی اقتصاد ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، دانشکده اقتصاد، گروه اقتصاد اسلامی.

غفاری فرد، محمد و علمدار، غلامعباس (۱۴۰۱). بررسی آثار اقتصادی مؤلفه های اقتصاد مقاومتی بر رشد اقتصادی در استان های ایران. فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۴(۲)، ۶۳۸-۶۰۳.

غفاری فرد، محمد؛ ملکی نصر، هاشم و حاذق، سید محمد (۱۴۰۰). اثر شاخص ترکیبی اقتصاد

دانش‌بنیان بر کنترل بیکاری (مطالعه موردی استان‌های ایران). رهیافت، (۸۱)، ۹۱-۱۰۸.

لطفی، حبیب‌الله و توکلی، محمدجواد (۱۳۹۹). مفهوم و مؤلفه‌های درون‌زایی در اقتصاد مقاومتی. فصلنامه معرفت، سال بیست و نهم، (۵)، ۴۹-۶۰.

محسنی زنوزی، سید جمال‌الدین و صادق‌وند، بهزاد (۱۳۹۶). تأثیر شاخص‌های منتخب اقتصاد مقاومتی بر رشد اقتصادی ایران. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفدهم، (۶۷)، ۳۹-۶۳.

نوفروستی، محمد (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی و راه‌های دست‌یابی به آن. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال چهارم، ویژه‌نامه اقتصاد مقاومتی، ۱۵۷-۱۶۸.

یوسفی، مجید و موسوی‌نژاد، مصطفی (۱۳۹۸). نقش و جایگاه رشد اقتصادی در الگوی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات دفاعی/استراتژیک، سال هفدهم، (۷۸)، ۱۷۹-۲۰۲.

- Awad, A. (2019). Economic globalisation and youth unemployment-evidence from African countries. *International Economic Journal*, 33(2), 252-269.
- Badri, S. A. & et al. (2006). Determining the levels of development of rural areas of Kamyaran city. *Geographical Research Quarterly*, 21(82), 116-130.
- Chen, D. H. & Dahlman, C. J. (2005). The knowledge economy, the KAM methodology and World Bank operations, *World Bank Institute Working Paper*, (Oct) 19(37256).
- Dasgupta, P. & David, p. (1994). Toward a New Economics of Science. *Research Policy*, 33(5), 487-521.
- Fagerberg J. & Versagen, B. (2003). *Innovation, growth and economic development: Why some countries succeed and others don't*. In Conference: Innovation Systems and development Strategies for the Third Millenium, Rio de Janeiro. Brazil.
- Farjamneya, W.; Muntakhab, H. & Muhmmadzada, y. (2017). *Misery index effect on social capital in Iran*. Urmia University.
- Khorsandi, M. & Ali Babaei, N. (2016). Comparison of the effect of unemployment and inflation on happiness. *Economic Research Journal*, (63), 1-24.
- Kitsos, A. & Bishop, P. (2018). Economic resilience in Great Britain: the crisis impact and its determining factors for local authority districts. *The Annals of Regional Science*, 60(2). 329-347.
- Metu, A. G.; Ajudua, E.; Eboh, I.; Ukeje, C. & Madichie, C. (2020). Ending youth unemployment in sub-saharan Africa: Does ICT development have any role? *African Development Review*, (32), 20-31.
- Onifade, S. T.; Ay, A.; Asongu, S. & Bekun, F. V. (2020). Revisiting the trade and unemployment nexus: Empirical evidence from the Nigerian economy. *Journal of Public Affairs*, 20(3), e2053.
- Phillips, W. (1958). The Relation between unemployment and the rate of change

- of money wage rates. *working paper, London school*, (10), 1111.
- Rezvani, M. R. (2004). Assessing and analyzing the levels of development of rural areas in Sanandaj city using GIS. *Journal of Geography and Regional Development*. (3), 149-164.
- Rillo, G. (2015). *Shocks and institutions: assessing the role of ICT on unemployment*.
- Welsch, H. (2007). Macroeconomics and life satisfaction: Revisiting the Misery index. *Journal of Applied Economics*, 10(2), 237-251.
- Yeo, Y. & Lee, J. D. (2020). Revitalizing the race between technology and education: Investigating the growth strategy for the knowledge-based economy based on a CGE analysis, *Technology in Society*, 101295. doi:10.1016/j.techsoc.2020.101295
- Zhang, J. (2010). *Human Capital Investment and Labor Market Management in China*, National Natural Science Foundation (significant project), China 2003-2007, Junsen Zhang (First Co-I).

References

- Nahjolbalagha.
- Abadi, A.; Farahani fard, S. & Adili, A.A. (2019). The pivotal role of the knowledge-based economy in controlling unemployment, *Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies*, 7(25), 129-150. (In persian)
- Arshadi, V.; Nobakht, J.; Esmaeilpour Sani, R. & Seyyed Hoseinizadeh Yazdi, S. (2022). The Meta-Analysis of Resistance Economics Studies in Iran: Identify the Factors Affecting the Strength of the Internal Structure of the Organization Against Shock *Journal Of Islamic Economics Studies*, 14(1), 2022, 127-169. (In persian)
- Asghari, M. (2017). The importance of domestic production in a resistance economy from the perspective of the Supreme Leader, *Quarterly Journal of Islamic Social Research*, 23(115). (In persian)
- Awad, A. (2019). Economic globalisation and youth unemployment–evidence from African countries, *International Economic Journal*, 33(2), 252-269.
- Badri, S. A. & et al. (2006). Determining the levels of development of rural areas of Kamyaran city, *Geographical Research Quarterly*, 21(82), 116-130.
- Chen, D. H. & Dahlman, C. J. (2005). The knowledge economy, the KAM methodology and World Bank operations, *World Bank Institute Working Paper*, (Oct) 19(37256).
- Dasgupta, P. & David, p. (1994). Toward a New Economics of Science, *Research Policy*, 33(5), 487-521.
- Ebrahimzadeh, I.; Skandarisan, M. & Ramazanpoor, G. (2016). Poverty alleviation strategy in urban areas with a resistance economy approach; Case study: Tehran metropolis, *Quarterly Journal of Geography and Development*, 14(44), 1-24. (In persian)
- Fagerberg J. & Versagen, B. (2003). Innovation, growth and economic development: Why some countries succeed and others don't, In *Conference: Innovation Systems and development Strategies for the Third Millenium*, Rio

- de Janeiro. Brazil.
- Farjamneya, W.; Muntakhab, H. & Muhmmadzada, y. (2017). Misery index effect on social capital in Iran. Urmia University.
- Gaffari fard, M.; Maliki Nasr, H. & Haziq, S.M. (2021). Effect of Combined Index of Knowledge-Based Economy on Unemployment Control, Case Study: of Iranian Provinces, Jurnal Rahyaft, 31(1), 91-108. (In persian)
- Ghaffari fard, M. & Alamdar, G.A. (2021). The effect of the combined index of resistance economy on economic growth in the provinces of Iran, Quarterly Journal of Islamic Economics Studies, 14(2), 603-636. (In persian)
- Imani, S.; Nabizadeh, M. & Ekhvan, P. (2016). Explaining the components of resistance economy in the country using Demetel-I method. Fuzzy sum, Quarterly Journal of Defense Strategy, 14(1), 1-35. (In persian)
- Khorsandi, M. & Ali Babaei, N. (2016). Comparison of the effect of unemployment and inflation on happiness, Economic Research Journal, (63), 1-24.
- Kitsos, A. & Bishop, P. (2018). Economic resilience in Great Britain: the crisis impact and its determining factors for local authority districts, The Annals of Regional Science, 60(2). 329-347.
- Lotfi, H. & Tawkoli, M. J. (2020). The concept and components of endogenousness in a resistance economy, Jurnal Marefat, 29(5), 49-60. (In persian)
- Metu, A. G.; Ajudua, E.; Eboh, I.; Ukeje, C. & Madichie, C. (2020). Ending youth unemployment in sub-saharan Africa: Does ICT development have any role? African Development Review, (32), 20-31.
- Mohsini Zanozi, S. J. & Sadiqvand, B. (2017). The effect of selected indicators of resistance economy on Iran's economic growth, Jurnal Islamic economy, 17(67), 39-63. (In persian)
- Newfaresti, M. (2016). Resistance economics and ways to achieve it, Quarterly Journal of Strategic and Macro Policies, (4), 157-168. (In persian)
- Onifade, S. T.; Ay, A.; Asongu, S. & Bekun, F. V. (2020). Revisiting the trade and unemployment nexus: Empirical evidence from the Nigerian economy, Journal of Public Affairs, 20(3), e2053.
- Phillips, W. (1958). The Relation between unemployment and the rate of change of money wage rates, working paper, London school, (10), 1111.
- Population Office (2012). Statistical Center of Iran. (In persian)
- Qasimi, A. & Rajaei Rmishah, S. M. K. (2020). Components, Criteria and Indicators of Populism in a Resistance Economy, Jurnal Marefat, 272(5), 61-69. (In persian)
- Rezvani, M. R. (2004). Assessing and analyzing the levels of development of rural areas in Sanandaj city using GIS, Journal of Geography and Regional Development, (3), 149-164.
- Rillo, G. (2015). Shocks and institutions: assessing the role of ICT on unemployment.
- Shaqaqishahri, V. (2017). The role of knowledge-based economy in the commercial convergence of Islamic countries with the extraversion approach of resistance economy, Bi-Quarterly Journal of Iranian Economic Research, 14(28), 9-31. (In persian)

- Soori, A. (2013). Advanced econometrics, Volume 2, Tehran: Farhangology Publishing. (In persian)
- Statement by the Leader of Iran in the Kha menei.ir.
- Welsch, H. (2007). Macroeconomics and life satisfaction: Revisiting the Misery index, Journal of Applied Economics, 10(2), 237-251.
- Yeo, Y. & Lee, J. D. (2020). revitalizing the race between technology and education: Investigating the growth strategy for the knowledge-based economy based on a CGE analysis, Technology in Society, 101295. doi:10.1016/j.techsoc.2020.101295
- Yosufi, M. & Musavi Nejhad. (2019). The role and position of economic growth in the model of resistance economy of the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Strategic Defense Studies, 17(78), 179-202. (In persian)
- Zhang, J. (2010). Human Capital Investment and Labor Market Management in China, National Natural Science Foundation (significant project), China 2003-2007, Junsen Zhang (First Co-I).

دوفصلنامه علمی «معالمات اقتصاد اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص. ۴۹۶-۴۹۷

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳

بررسی فقهی معاملات بازار فارکس

محمد ترابی *

صادق الهام **

چکیده

امروزه مبادلات ارزی نقش مهمی را در جامعه جهانی ایفا می‌کند. بازار فارکس یکی از بزرگ‌ترین بازارهای مالی است که در آن ارزهای مختلف با توجه به قوانین عرضه و تقاضا مبادله می‌شوند. با ورود بازار فارکس به ایران، دیدگاه‌های مختلفی از سوی نهادهای قانونی و دینی مطرح شد که منجر به ایجاد ابهاماتی در خصوص نحوه فعالیت و قواعد حاکم بر این بازار گردید؛ همچنین به دلیل وجود شبهاتی مانند قمار بودن معاملات، وجود معاملات صوری در بازار، عدم هویت کارگزاری‌ها، وجود معاملات ربوی، خروج قهری سرمایه از کشور و زیان‌رسانی به اقتصاد، ممنوعیت‌هایی در ایران برای معامله در فارکس به وجود آمد که شناسایی و بررسی دقیق آن شبهات می‌تواند سیاست‌گذاران را در طراحی و کنترل این بازار یاری نماید تا به موجب آن، ثبات و امنیت اقتصادی تأمین گردد؛ هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی اهم شبهات شرعی مربوط به این بازار است که به منظور تحلیل زوایای فقهی این معاملات، داده‌ها و اطلاعات موردنیاز با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و اسنادی و با بهره‌مندی از منابع مکتوب و شفاهی گردآوری شده است. در پژوهش حاضر با انجام تحقیق در ماهیت بازار فارکس و شبهات وارده بر آن، با رویکرد توصیفی تحلیلی و استناد به گزاره‌های فقهی، چنین ارزیابی می‌شود که با شکست معامله‌گران در این بازار، خروج قهری سرمایه از کشور اتفاق افتاده و سبب آسیب‌رسانی به نظام اقتصادی کشور می‌شود؛ لذا انجام معامله در زمان حال با توجه به مصلحت نظام توجیه شرعی ندارد.

واژگان کلیدی: بازار فارکس، رویکرد فقهی، ربا، قمار، غرر.

طبقه‌بندی JEL: F31, D53, K33, G15

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد الهیات، معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

Mohammad.th2791@gmail.com

0009-0009-2070-9942

** استادیار دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

S.elhamisu.ac.ir

0000-0003-4962-9136

مقدمه

یکی از بازارهای مالی جهانی که در آن ارزهای مختلف در مقابل هم قرار می‌گیرند و به وسیله عرضه و تقاضا تعیین قیمت می‌شوند، بازار فارکس می‌باشد. بازار مالی فارکس یکی از پیشرفته‌ترین و پرطرفدارترین بازارها در اقتصاد جهانی است. فارکس اصطلاحی لاتین و از دو واژه foreign, exchange می‌باشد که به معنای بازاری برای تبادلات دو ارز مختلف از کشورهای جهان است. روش معامله در بازار فارکس به این صورت است که ارزی خریداری و ارزی دیگر به فروش می‌رسد که این معاملات به‌طور هم‌زمان صورت می‌گیرند (یوسفی، ۱۳۹۱، ص. ۲۵). طبق نظر برخی از صاحب‌نظران و با تحلیل زوایای فقهی این معاملات، چنین ارزیابی شده است که علت حرمت معاملات در بازار، تشابه بازار فارکس با معاملات ربوی و قمارگونه است. از طرف دیگر چون ضررهای مالی در معاملات فارکس تنها متوجه فرد معامله‌گر نیست و تمام جامعه را مورد آسیب قرار می‌دهد؛ لذا باعث خروج ارز از کشور و موجب ضرررسانی به نظام اقتصادی جامعه می‌شود. با بررسی پیشینه پژوهش مشخص می‌شود که تحقیق فقهی که به بررسی جامع و مانع شبهات روز بپردازد وجود ندارد و علاوه بر آن نتیجه این پژوهش جدید دارای تفاوت‌های مهمی است که مسئله روز را بررسی می‌کند و به آن پاسخ لازم را می‌دهد. در این پژوهش، مقایسه‌ای بین معاملات فارکس و اصول مالی اسلامی مانند «ربا»، «غبن»، «قمار» و «غرر» انجام شده است که در اکثر مقالات به آن پرداخته نشده است. این مقاله با ارائه تحلیلی دقیق از مسائل شرعی و فقهی مرتبط با این بازار، به سرمایه‌گذاران و معامله‌گران مسلمان کمک می‌کند تا درک بهتری از چگونگی تعامل با این بازار داشته باشند. این مقاله از سویی جنبه نظری و بنیادین دارد و از سوی دیگر حائز جنبه‌ای کاربردی است. این پژوهش از حیث نوع، کیفی است و در آن از رویکرد توصیفی و تبیینی برای تحلیل داده‌ها و برای گردآوری داده از ابزار کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش دارای دلالت‌های نظری و عملیاتی است و می‌تواند مورد استفاده تصمیم‌گیرندگان بخش‌های راهبردی و عملیاتی قرار گیرد؛ لذا مقاله توسعه‌ای - کاربردی محسوب می‌شود. پژوهش پیش‌رو اکتشافی بوده و فرضیه‌آزما نیست. با توجه به مطالب بیان شده، سؤال اصلی مقاله آن است که

اهم شبهات وارده به بازار فارکس چیست؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا مفاهیم مهم و کاربردی بازار فارکس شرح داده می‌شود و سپس در چهارچوب نظری، شبهات وارده تحلیل و بررسی می‌گردد.

۱. چهارچوب مفهومی

در این بخش از پژوهش اصطلاحات و واژگان مهم مربوط به بازار فارکس بیان شده و به توضیح اجمالی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱. بازار فارکس^۱

بازاری بین‌المللی است که ارز کشورهای مختلف در برابر یکدیگر خرید و فروش می‌گردد؛ این بازار دارای محل فیزیکی خاصی نیست و در سراسر جهان توسط سکوهای (پلتفرم‌های) مختلف قابل استفاده است. پس کارکرد اصلی بازار فارکس تبادل و قیمت‌گذاری ارزهای خارجی است که به صورت بسیار پیشرفته و نوین در فضای مجازی انجام می‌شود (سرافراز، ۱۳۷۶، ص. ۱۸). روش معامله به این صورت است که برای خرید ارز یورو، ارزی در مقابل آن، مثلاً دلار به فروش می‌رسد (Black, 1946, p. 530).

۲-۱. کمسیون^۲

این واژه در بازار فارکس مشابهت‌هایی با کلمه کارمزد دارد. کارگزاری‌ها نسبت به خدمتی که ارائه می‌دهند باید درآمدی هم داشته باشند. این درآمد بروکر، همان کمسیون است که بابت انجام معامله از معامله‌گر دریافت می‌شود. این کمسیون‌ها یا کارمزدها به دو نوع مختلف تقسیم می‌شوند: نوع اول کمسیون‌ها ثابت و نوع دوم آن‌ها متغیر است که به اسپرد معاملاتی شهرت دارد (thetraderinyou.com).

۳-۱. اهرم^۳

واژه اهرم به معنای حجم مشخصی از پول است که سرمایه‌گذار به عنوان وام از کارگزاری دریافت می‌کند. این پول توسط کارگزاری به معامله‌گر قرض داده می‌شود تا

1. Forex Market
2. Commission
3. Leverage

بتواند در معاملات کلان بازار فارکس شرکت کند؛ مثلاً به وسیله اهرم، هزار دلار به صد هزار دلار تبدیل می‌شود. در این روش، ارز از کارگزار قرض گرفته می‌شود تا معامله‌گران خرد بتوانند از موقعیت‌های معاملاتی خوبی بهره‌مند شوند و در موقعیت‌های مختلف سرمایه‌گذاری، شرکت کنند.

۴-۱. بروکر^۴

واژه بروکر یا همان کارگزاری به معنای محلی است که در آن حساب معاملاتی تشکیل می‌شود و خدمات بازار فارکس ارائه می‌گردد. کارگزاری‌ها واسطه انجام معامله هستند که بین خریدار و فروشنده ارتباط مستقیم برقرار می‌کنند. با توجه به توضیحات فوق، بازار فارکس بازاری دوطرفه است که معامله‌گران برای کسب سود به خرید و فروش دو ارز می‌پردازند و از اختلاف آن‌ها سود می‌برند. کارگزاری‌ها واسطه این معاملات هستند که از معامله‌گران کارمزد دریافت می‌کنند.

۲. چهارچوب نظری

پس از شناخت کلی نسبت به چهارچوب مفهومی، به بررسی مبانی نظری مقاله پرداخته می‌شود. در این قسمت اهم شبهات موجود در این بازار جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شده است. اولین شبهه بحث قمار بودن معاملات در بازار فارکس می‌باشد.

۲-۱. بررسی شبهه قمار بودن معاملات بازار فارکس

مفهوم لغوی قمار در کتاب‌های لغت به صورت دقیق و آشکار بیان نشده است؛ اما برخی از نویسندگان مفهوم آن را گروگذارن و مراهنه گفته‌اند (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص. ۴۶۳). عده‌ای معنای مصدری آن را بازی و انجام مخاطره با وسایل مخصوص (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص. ۳) و دسته دیگر آلات مخصوص قمار (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۵، ص. ۲۹۶) آورده‌اند؛ اما از لحاظ اصطلاحی، قمار را این گونه تعریف کرده‌اند: محقق اردبیلی قمار را بازی با وسایلی همچون شطرنج و تخته‌نرد می‌داند که برای انجام قمار استفاده می‌شود (محقق اردبیلی، ۱۳۹۲، ج ۸، ص. ۴). نظر شهید دوم در رابطه با قمار این است که برد و باخت را در بازی شرط نمی‌داند و صرف انجام بازی، قمار شکل

4. Forex Broker

می‌گیرد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص. ۱۲۲). شیخ انصاری نیز قمار را بازی با آلات مشهور به قمار همراه با قرارداد و وثیقه می‌داند (انصاری، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص. ۳۷۱). پس از مشخص شدن تعریف قمار، برای تطبیق ویژگی‌های معامله قمار با معاملات در بازار فارکس به چند نکته اشاره می‌شود:

۲-۱-۱. آلات قمار

بازی با آلات قمار مانند وسایلی همچون تخته‌نرد و پاسور حتی اگر با گذاشتن گرو و یا همراه با شرط‌بندی نباشد نیز مطلقاً حرام می‌باشد و در صورت تصرف در آن مال کسب شده، فرد ضامن است (نجفی خوانساری، ۱۲۵۴ق، ج ۲۲، ص. ۱۰۹). از لحاظ تطبیق با بازار فارکس باید اشاره کرد که در این بازار، ابزار و آلات قمار وجود ندارد تا سبب انجام معامله قمار باشد؛ پس بازار فارکس از لحاظ وجود آلات قمار مشابهتی با عمل قمارگونه ندارد؛ زیرا وسیله‌ای که در عرف برای قمار از آن استفاده می‌شود در بازار نیست. پس این ویژگی قمار در بازار یافت نشد.

۲-۱-۲. رهن گذاشتن مال

در ادبیات عرب، رهن به معانی مختلفی آمده است. از جمله این موارد مسابقه، مخاطره و قمار است. در منابع فقهی نیز رهن معانی مختلفی از جمله مخاطره، عمل وثیقه‌گذاری، مسابقه، مطلق مغالبه (غلبه‌کردن بر دیگری) و مال مورد وثیقه دارد (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص. ۹۷۵). بعضی از اعمال قمار، بازی با آلات قمار و با وجود رهن می‌باشد؛ یعنی در بازی مابه‌ازائی به عنوان رهن وجود دارد؛ مانند اینکه در بازی تخته‌نرد برای دریافت پول حریف مسابقه می‌دهند و برنده بازی آن پول را صاحب می‌شود. پس در قمار طرفین رهن و گرو می‌گذارند؛ اما باید توجه داشت که در فارکس رهن و سهام گرویی وجود ندارد. یعنی افراد برای معامله در بازار پولی را در رهن نمی‌گذارند تا فرد برنده و یا شخص سوم مالک آن رهن شود؛ لذا از جهت وجود رهن نیز معاملات فارکس با قمار شباهتی ندارد.

۲-۱-۳. قمار در بازی

با اینکه قمار در غیربازی هم جریان دارد؛ اما یکی از محل‌های ایجاد قمار در بازی

می‌باشد؛ مانند دوز بازی، گردو بازی و یا حتی بلیارد که بدون آلات قمار انجام می‌شود ولی اگر در آن همراهی یا همان بردو باخت پولی موجود باشد، بازی قمار نامیده می‌شود و حرام است (انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص. ۱۰). در حالت معمول در معاملات بازار فارکس، بازی وجود ندارد؛ زیرا معامله‌گران با برنامه‌ریزی و با وجود علم اقدام به معامله می‌کنند؛ لذا بازی صدق نمی‌کند؛ پس در حالت عادی این ویژگی قمار نیز در بازار وجود ندارد؛ البته در نوعی از معاملات بازار فاکس بازی وجود دارد که به آن بورس بازی و یا معامله شرطی می‌گویند که در بعضی از مواقع منطبق بر قمار می‌باشد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

۲-۱-۴. مخاطره در معاملات

مخاطره انجام اعمالی است که دارای خطر و ریسک بالابوده و نتیجه آن مشخص نیست. به عبارت دیگر مخاطره حالتی می‌باشد که فرد در آن زمان به عملی که از نتایج آن می‌ترسد، اقدام می‌کند (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۲۶۶). شهید صدر، انجام عمل مخاطره‌ای را باعث درآمد و تولید اقتصادی نمی‌داند و علت حرام بودن معاملات قمار و درآمدهای حاصل از آن را در فقه جعفری به دلیل وجود مخاطره در معاملات می‌داند (صدر، ۱۳۴۹ق، ج ۲، ص. ۲۶۴)؛ لذا اشتراک معاملات مخاطره‌ای، در وجود تردید و شک در رسیدن به نتیجه مطلوب یا حتی عدم رسیدن به آن است. درحقیقت احتمال وجود سود و زیان به طور همزمان، می‌تواند باعث مفهوم مخاطره در معامله شود. حال باید بررسی کرد که آیا در معاملات فارکس مخاطره وجود دارد؟ البته باید به این نکته نیز توجه داشت که در معاملات ریسک وجود دارد؛ اما تفاوت آن با مخاطره در چیست؟ خطر موجود در موقعیت قمار ماهیتی است که به ارکان قرارداد ربط دارد که با ایجاد شفافیت بیشتر قابل تصفیه می‌باشد؛ اما ماهیت عدم اطمینان موجود در واژه ریسک به آینده یک دارایی مربوط است که با تلاش بیشتر قابل محدود کردن دامنه آن است که همان توزیع احتمال وقوع پیامدهای احتمالی در آینده نزدیک می‌باشد؛ البته نتیجه هر دو عمل و موقعیت می‌تواند فرد معامله‌گر را در معرض ضرر و زیان قرار دهد؛ اما نوع مخاطره ایجاد شده با ماهیت متفاوتی از عدم اطمینان

است. در معامله قماری دو طرف حاضر در معامله اقدام به یک عمل پُرخطر می‌کنند که معامله را در حالت مخاطره‌آمیزی قرار می‌دهند که احتمال هدررفت و باخت تمام سرمایه را به دنبال دارد. خطری بودن در زمان برد و باخت یعنی سود و زیان مطلق ایجاد می‌شود. یعنی در مقابل سود یک طرف، طرف مقابل حتماً ضرر می‌کند (توحیدی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص. ۳۸)؛ اما در معاملات فارکس با رعایت حد ضرر، ریسک عقلایی وجود دارد که قابل مدیریت است؛ البته در بازار فارکس عده‌ای از معامله‌گران سفته‌بازان هستند. سفته‌بازان صرفاً به خرید و فروش ارز با ریسک غیرعقلایی می‌پردازند تا از طریق نوسانات آن، سود کسب کنند؛ فعالیت این گروه نفعی برای اقتصاد جهانی ندارد. عده‌ای این عمل را بورس‌بازی و نوعی قمار می‌دانند چراکه سفته‌بازان به تدریج فعالیت‌های مفید را کنار می‌گذارند و به بورس‌بازی که سود بادآورده می‌آورد روی می‌آورند. فعالیت این گروه از معامله‌گران شبیه به فعالیت کازینو می‌باشد که افراد به وسیله شانس و اقبال روی جفت ارزهای مورد علاقه اقدام به شرط‌بندی کرده و در صورت پیش‌بینی درست، از عمل خود سود می‌برند. در بعضی از مواقع معاملات واقعی شکل نمی‌گیرد و معاملات صوری انجام می‌شود. واضح است که چنین معاملاتی مبنای شرعی ندارد و درآمد حاصل از آنها نیز نوعی شرط‌بندی، قمار و اکل مال به باطل است؛ بنابراین با استناد به گزاره‌های فوق و تنقیح مناط و وجود آثار مشترکه، میان قمار و بازار فارکس، می‌توان معامله سفته‌بازان در بازار فارکس را در سطح خرد نزدیک به قراردادهای قمار دانست (Bean, 2011)؛ اما اگر معاملات در بازار فارکس همراه با تحلیل، ریسک عقلایی و بدون مخاطره باشد در حکم قمار قرار نمی‌گیرد؛ به‌طور خلاصه تفاوت قمار و فارکس بدین شرح است: در معامله قمار نوعی بازی با ریسک بسیار بالا وجود دارد، یعنی صرفاً یک طرف معامله بازنده و طرف دیگر معامله به همان اندازه سود می‌برد، درحالی‌که در فارکس این‌گونه نیست؛ در بازی قمار دو طرف معامله باید مبلغی رهن و گرو بگذارند؛ اما در بازار فارکس سهام‌گرویی وجود ندارد؛ انجام قمار و شرط‌بندی حرام و مبتنی بر یک عمل نامشروع می‌باشد و قطعاً در چهارچوب معاملات مشروع قرار ندارد، در صورتی‌که معاملات فارکس در قالب نزدیک به بیع است و با معاملات قمار تفاوت‌های بنیادین دارد. در قمار معامله‌گران بدون علم و

منطق اقدام به شرط‌بندی روی اموال خود می‌کنند و به دلیل امری باطل و پوچ، سرمایه خود را به طور ناگهانی از دست می‌دهند؛ اما در فارکس معاملات بر اساس تحلیل تکنیکال و بنیادی انجام می‌شود و معامله‌گران با استفاده از این عوامل می‌توانند درصد ریسک و مخاطره را بسیار کاهش دهند و بر اساس تحلیل و واقعیت‌های موجود اقدام به معامله نمایند؛ همچنین معامله‌گران قمار تحمل شکست در معاملات را ندارند و به همین دلیل همیشه در تلاش‌اند که ضررهای وارده را جبران کنند. این موضوع باعث ضرر هرچه بیشتر آن‌ها شده، تا جایی که سرمایه خود را از دست می‌دهند؛ اما در بازار فارکس رعایت حد ضرر یکی از اصول مهم معامله است که سبب مدیریت سرمایه معامله‌گران می‌شود؛ پس بر اساس موارد گفته شده اگر فارکس مبتنی بر بخت و شانس نباشد و به طور کارشناسانه معامله شود، به دلیل اینکه سایر شرایط قمار را ندارد در قالب قمار قرار نمی‌گیرد.

۲-۲. شبهه فقهی مرتبط با نحوه فعالیت کارگزاران بازار فارکس

در موضوع کارگزاری‌های فعال در بازار فارکس چند نکته قابل توجه وجود دارد. این کارگزاری‌ها به چند گروه تقسیم می‌شوند. گروهی از این کارگزاری‌ها دارای هویت واقعی نمی‌باشند و موجودیت واقعی ندارند. بعضی از کارگزاری‌ها هویت دارند؛ اما اقدام به کلاهبرداری از معامله‌گران می‌کنند. بخش دیگر از کارگزاری‌ها دارای هویت می‌باشند و کلاهبرداری انجام نمی‌دهند؛ اما گزارش واقعی از وضعیت بازار و قیمت ارزها ارائه نمی‌دهند. بعضی دیگر از کارگزاری‌ها هویت واقعی دارند، کلاهبرداری انجام نمی‌دهند؛ اما در آن‌ها معاملات صوری و غیرواقعی صورت می‌گیرد و نوع دیگر کارگزاری‌ها هویت دارند، کلاهبرداری انجام نمی‌دهند و دارای گزارش واقعی از بازار هستند و معاملات صوری انجام نمی‌شود؛ اما شرط خلاف در قرارداد فی‌مابین خود و مشتری دارند؛ یعنی در قرارداد شرطی را مطرح می‌کنند که در اسلام صحیح نمی‌باشد. براساس توضیحات گفته شده، می‌توان تقسیم‌بندی ذیل را از کارگزاری‌ها ارائه نمود:

الف) بعضی از کارگزاری‌ها ارتباط مستقیم با بازار واقعی و هسته مرکزی ندارند و از معاملات آتی و اختیارات بهره می‌برند. تارنمای اینترنتی که قیمت‌ها در آن به نمایش

گذاشته می‌شود، در اصل صفحه‌ای صوری می‌باشد که حقیقت ندارد. این کارگزاری‌ها هویت مشخصی ندارند و تنها هدف آن‌ها کلاهبرداری است. این قسمت از معاملات فارکس و حضور در این کارگزاری‌ها به‌طور قطعی جایز نمی‌باشد و سود حاصله شرعی نیست؛ چراکه سود حاصله فقط از طریق صفحه مجازی، معاملات غیرواقعی و بازی با اعداد به‌دست آمده است. به این کارگزاری‌ها Bucket Shop گفته می‌شود.

ب) دسته بعدی کارگزاری‌ها به مانند کازینوها فعالیت می‌کند. معامله‌گران در این کارگزاری اقدام به شرط‌بندی روی ارز موردنظر می‌کنند و در صورتی که روند قیمت طبق پیش‌بینی آن‌ها حرکت کند، برنده خواهند شد. این کارگزاری‌ها مانند نوع قبلی در بازار حضور واقعی ندارند و تنها عمل آن‌ها قرار دادن موقعیت‌های معاملاتی در برابر یکدیگر می‌باشد. به این کارگزاری‌ها Book Makers گفته می‌شود.

پ) دسته بعدی کارگزاری‌ها برخلاف کارگزاری‌های قبلی ارتباط مستقیم را با بازار فارکس و هسته مرکزی برقرار می‌کنند. این شرکت‌ها خدمات متفاوت و دقیق‌تری دارند. بیشتر سرمایه‌گذاران با این نوع کارگزاری‌ها همکاری دارند؛ البته این کارگزاری‌ها در بعضی از موارد شروطی با مشتری مطرح می‌کنند که خلاف شرع می‌باشد. یکی از این شروط این است که زمانی که معامله انجام نمی‌شود، سرمایه مشتری را در بانک یا مؤسسات ربوی سرمایه‌گذاری کنند و بهره آن را دریافت نمایند. به این کارگزاری‌ها، کارگزاران خرد می‌گویند.

ت) گروه بعدی کارگزاری‌های نهادی هستند. این نوع از کارگزاری‌ها دسترسی مستقیم نسبت به هسته اصلی بازار دارند و بسیار مناسب برای معامله‌گران می‌باشد. این کارگزاری‌ها تحت نظارت سازمان تنظیم مقررات می‌باشند، به همین دلیل مورد اطمینان هستند و بهترین گزینه برای همکاری می‌باشند. لازم به ذکر است سازمان‌هایی وجود دارند که بر روی کارگزاری‌ها نظارت دارند. این سازمان‌ها در بازار فارکس به‌عنوان نهادهای نظارتی عمل می‌کنند که مجوزها و استانداردهایی را برای شرکت‌های کارگزاری فارکس و سایر بازیگران اصلی در بازار ارز تعیین می‌کنند. به این نهادهای نظارتی، رگولاتوری گفته می‌شود. آنها معمولاً با انتشار فهرست بروکرهای رگوله شده سعی می‌کنند از به دام افتادن مردم در کارگزاری‌های نامعتبر جلوگیری کنند؛

به عنوان مثال، نهاد نظارتی کشور انگلستان (FCA^۵) که بر تمامی بروکرهای فارکس نظارت دارد. کاربرد رگولاتوری این است که کاربران در صورت بروز هرگونه تخلف بروکر می توانند به نهاد نظارتی یا همان رگولاتوری شکایت نمایند (iranbroker.org). با توجه به توضیحات ارائه شده شبهات فقهی مرتبط با کارگزاران به شرح ذیل می باشد: درباره کارگزاری ها بیان شد که به چهار دسته تقسیم می شوند که دو دسته از آنها دارای معاملات صوری (bucket shop, book makers) و دو دسته دیگر دارای معاملات واقعی (کارگزاری های خرد و نهادی) هستند. معامله در کارگزاری های بیان شده که معاملات واقعی انجام نمی دهند از لحاظ شرعی خلاف است و سود کسب شده از آن مشروع نمی باشد؛ زیرا این کارگزاری تنها اطلاعات صوری نمایش می دهند و اطلاعات واقعی به نمایش نمی گذارند و همچنین بروکر سرمایه را در محل دیگر مانند شرکت ها، معاملات قاچاق و موارد ممنوعه دیگر سرمایه گذاری می کنند؛ این روش شبیه قمار است و معاملات را غرری می کند. همان طور که گفته شد منظور از بیع غرری معامله ای است که به دلیل حضور جهل در معامله، طرفین بر کنه قرارداد احاطه ای ندارند (ابن اثیر، ۱۴۲۱ق، ص. ۷۵). در نتیجه مورد معامله باید معلوم باشد و اگر قراردادی دارای موضوع مجهول باشد، باطل است. پس اگر معامله صوری باشد و در آن قیمت و مقدار و موضوع معامله معلوم نباشد، شبهه غرر پیش می آید (ایروانی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص. ۱۹۰). از طرف دیگر سود حاصله هیچ مبنای واقعی ندارد و صرفاً برخاسته از بازی با اعداد و شانس و شرط بندی در اینترنت است و معاملات مخاطره زیادی دارد، پس ایجاد قمار می کند. دلیل دیگر عدم مشروعیت معامله در این کارگزاری ها وجود شروط خلاف در قرارداد فی مابین بعضی از کارگزاری ها و معامله گران می باشد. همان طور که اشاره کردیم گروهی از کارگزاری ها در قرارداد خود با مشتری شرط خلاف مطرح می کنند. یعنی در قرارداد بین خود و مشتری شروطی آورده اند که در اسلام صحیح نمی باشد؛ برای مثال شرط می کنند که اگر پول معامله گر در حساب ایشان ثابت بماند، در صندوق ها و بانک ها سرمایه گذاری کرده و سود ربوی دریافت کنند و یا مثلاً در شرکت های مشروب سازی سرمایه گذاری نمایند؛ لذا همکاری

با این نوع کارگزاری‌ها که در قرارداد خود شروط خلاف شرع مطرح می‌کنند، برای مسلمانان جایز نمی‌باشد. پس به‌طور کلی سرمایه‌گذاری با شرایط بالا در این کارگزاری‌ها صحیح نیست؛ اما معامله در کارگزاری‌هایی که تحت نظارت نهادهای مالی هستند و اقدام به گزارش واقعی از بازار می‌کنند و معاملات واقعی در آن صورت می‌گیرد و همچنین شروط خلاف در قرارداد خود با مشتری مطرح نکنند، ایرادی ندارد. پس اگر افراد بتوانند با جست‌وجو، کارگزاری‌های معتبر را شناسایی کرده و در آن معامله نمایند، معاملات صحیح می‌باشد. درباره فعالیت کارگزاری‌ها در سال‌های گذشته در ایران باید اشاره داشت که آنچه به‌عنوان بروکر و کارگزاری در ایران اقدام به فعالیت می‌کرد، دارای اشکالات و شبهات اساسی در نوع فعالیت خود بود. کارگزاری‌های موجود در ایران نماینده‌های بروکرهای اصلی در جهان بودند و طبق اساسنامه آنها فعالیت کرده و سفارش‌های مردم را به هسته آن‌ها ارسال می‌کردند. در میان این کارگزاری‌ها، عده‌ای اقدام به فعالیت سفته‌بازانه کردند به‌صورتی که معاملات صوری انجام می‌دادند؛ یعنی فهرستی از تقاضا را ایجاد کرده و در مقابل سفارش‌های مردم قرار داده و باعث ضرر و زیان ساختگی برای مشتریان خود می‌شدند؛ از طرفی دیگر مدعی بودند که نمایندگی انحصاری کارگزاری‌های خارجی را گرفته و امکانات مربوط به سکوها، بازار را ارائه می‌دهند که بعداً مشخص شد که ارتباطی با بازار ندارند و اقدام به بازارسازی کرده‌اند (Cheng, 2007). با عنایت به این موضوع که سیستم‌های بانکی در ایران دارای قابلیت نقل و انتقالات پول به‌صورت گسترده و حجیم را در دنیا نداشتند و به‌دلیل تحریم‌ها، کارگزاران بازار فارکس قابلیت ارتباط از طریق سیستم بانکی در ایران با سایر سیستم‌های بانکی در جهان را نداشتند و نمی‌توانستند به مبادلات ارزی در سطح جهانی بپردازند؛ لذا مجبور به امضای قرارداد با نمایندگی یک کارگزار خارجی شدند تا قادر به فعالیت در بازار فارکس شوند. این نمایندگی‌ها در کشور ایران مشتری جذب کرده و با کارگزاری اصلی در خارج ارتباط می‌داده و در قبال این فعالیت برای خود حق کمیسیون و کارمزد تعیین می‌کردند (نائی، ۱۳۸۸، ص. ۹۰). این نوع کارگزاران به‌دلیل فعالیت‌های غیرقانونی که به قمار نزدیک بود، از نظر شرعی مورد تأیید نبودند که ممنوعیت آن در سال ۱۳۹۰ با تصمیم کارگروه مقابله با فعالیت‌های

غیرقانونی در بازار ارز اعلام گشت؛ لذا توصیه گردید که افرادی که اقدام به سرمایه‌گذاری در شرکت‌های مذکور کرده‌اند، هرچه سریع‌تر همکاری خود را قطع نمایند و پول‌های سپرده شده به این مؤسسات را دریافت کنند.

۳-۲. شبهه ایجاد غرر در معاملات بازار فارکس

یکی از کلماتی که در آن معنای احتمال ضرر و مخاطره وجود دارد غرر است. غرر از لحاظ لغوی در ادبیات عرب به معنای نقصان و مجهول بودن عاقبت امر، فریبکاری، خطر ناشی از جهل و در معرض هلاکت قرار دادن آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص. ۱۲؛ واسطی، ۱۳۰۷ق، ج ۷، ص. ۳۰۵). علمای شیعه نیز در مباحث مختلف از واژه غرر استفاده نموده و معانی متفاوتی از آن بیان داشته‌اند. برخی از دانشمندان بر جهل موسع که شامل جهل بر حصول مبیع، صفات آن و مقدار است تاکید داشته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۱۷۸) و بعضی دیگر بر عنصر مضیق آن که شامل جهل به صفات مبیع و مقدار مبیع است اشاره کرده‌اند (صاحب جواهر، ۱۲۶۲ق، ج ۲۲، ص. ۳۸۸). عده‌ای از علما بر خطری بودن یعنی خطر عدم وجود مبیع یا خطر عدم دریافت و یا خطر عدم برابری یکی از عوضین توجه داشته‌اند. افراد دیگر نیز بر روی عدم تساوی معنای کلمات جهل و غرر توافق نظر داشته‌اند. برخی از علماء با ذکر معانی احتمالی خطر و فریب و خدعه، معنای اصطلاحی غرر از منظر علمای شیعه و اهل سنت را خطر ناشی از احتمال نرسیدن مبیع به دست طرف معامله و نیز عدم وجود صفات کمی و کیفی مورد معامله می‌دانند (خویی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص. ۲۶۰). بیع غرری نیز به معنای بیعی است که ظاهر آن مشتری را فریب می‌دهد و باطن آن نیز مجهول می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ص. ۱۵۰؛ طریحی، ۱۴۱۴ق، ص. ۲۰۰؛ ابن اثیر، ۱۴۲۱ق، ص. ۵۰) یا بیعی مردد میان دو امر است. یکی از این موارد نظر متعاملین و دیگری مخالف با نظر آنان است (محقق داماد، ۱۳۸۱، ج ۲، ص. ۲۴۰). بیع غرری به معنای بیعی است که با خطری محتمل‌الحصول همراه است و لذا این بیع با حضور این خطر ناقص و ناتمام است. در معامله غرری طرفین به دلیل وجود جهل، بر اصل قرارداد احاطه ندارند (ابن اثیر، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص. ۱۲۰). با

عنایت به تعاریف اصطلاحی و لغوی که بیان گردید، تعریف نهایی معامله غرری، به معنای معامله‌ای است که همواره همراه با خطر است و متعاملین در زمان انجام معامله، توان تشخیص سوددهی یا زیان‌ده بودن معامله را به دلیل وجود جهل در مواردی ندارند؛ اما احتمال ایجاد غرر در معاملات در چه مواردی است؟ در معاملات غرری در تعیین مصادیق اتفاق نظر میان علمای فقه وجود ندارد؛ البته با بررسی نظرهای می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف) از شرایطی که باید در معامله رعایت شود تا ایجاد غرر نکند این است که باید مقدورالتسلیم باشد. نظر شهید اول این است که مصداق معامله غرری در جایی است که به دست آمدن موضوع معامله امکان پذیر نباشد و مجهول باشد که مثال آن فروش کبوتر در آسمان می‌باشد (انصاری، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص. ۷۵)؛ البته بعضی از فقها از جهت وجود خطری که در معامله با موضوع مجهول است، معامله را غرری می‌دانند ولی موردی که موضوع معامله مقدورالتسلیم نمی‌باشد را به دلیل مالیات نداشتن موضوع عقد باطل می‌دانند.

ب) نکته بعدی این است که فقها معتقدند مورد معامله باید معلوم باشد و اگر عقدی دارای موضوع مجهول باشد، باطل است. زمانی مورد معامله معلوم است که طرفین نسبت به مقدار، اوصاف و جنس موضوع معامله آگاهی داشته باشند. پس به عقیده برخی از علما اگر مورد معامله مجهول باشد معامله غرری می‌شود (ایروانی، ۱۴۲۷ق، ج ۸، ص. ۳۹۰). پس اگر اوصافی از کالا که در قیمت کالا و تقاضا اثر جدی دارد معلوم نباشد، حتی اگر مورد معامله موجود و قدرت بر تسلیم و دریافت آن باشد غرر پیش می‌آید. برای بررسی وجود غرر در معاملات بازار فارکس به چند نکته اشاره می‌شود؛ معامله در بازار فارکس شبیه به بیع می‌ماند و برای اینکه معامله بیع غرری نشود باید دارای شرایطی باشد. حال باید بررسی کنیم که آیا شرایط صحت معامله در بازار فارکس وجود دارد یا خیر؟ خرید و فروش باید دارای شرایطی باشد: اولین نکته در معامله اطلاع کافی از صفات مورد معامله و قدرت بر تسلیم عوضین است؛ لذا یکی از موارد ایجاد غرر، وجود خطر به جهت جهل به صفات مورد معامله یعنی جنس، وصف و مقدار مورد معامله می‌باشد. از لحاظ تطبیق این مورد با بازار فارکس باید بیان شود که در این بازار، مورد معامله ارز

است که اطلاعات و اخبار در ارزش مالی آن تأثیر دارد؛ در رابطه با این موضوع حیاتی‌ترین رکن در تصمیم‌گیری معامله‌گران اخبار خواهد بود و لازم است این اطلاعات به‌صورت کامل و به‌موقع منتشر شود و امکان دسترسی عموم به آن وجود داشته باشد. پس اگر اطلاعات به‌صورت ناقص منتشر شود و در دسترس عموم قرار نگیرد، در این صورت معامله در شرایط ابهام و مصداق غرر خواهد بود. در بازار فارکس به‌منظور شفافیت معاملات و جلوگیری از ابهام، تارنماهایی وجود دارد که اخبار را به‌طور عمومی منتشر می‌کند. این تارنماهای خبری عبارت‌اند از: [forexfactory](http://forexfactory.com) [forex-ratings](http://forex-ratings.com) fimachart.com, ft.com. جمع‌بندی آنکه برای مرتفع نمودن ابهام نسبت به اوصاف عوضین لازم است تمهیداتی چیده شود تا اطلاعات اثرگذار از منابع رسمی در دسترس همه معامله‌گران قرار گیرد؛ در رابطه با تسلیم عوضین نیز باید برحسب عرف و عادت امکان دستیابی به سهام و پول نقد ممکن باشد. در معاملات بعد از انجام معامله از طریق سامانه معاملات ارز خریداری شده در حساب مشتری و مبلغ فروش ارز دیگر نیز در حساب فروشنده درج می‌شود؛ بنابراین خطر عدم قدرت بر تسلیم وجود ندارد. پس در این معاملات تسلیم و تسلیم عوضین در حساب دو طرف صورت می‌گیرد. نکته بعدی معین‌بودن موضوع مورد معامله است. ازجمله شرایط اساسی صحت معاملات تعیین موضوع معامله در قانون مدنی است که به انگیزه سودجویی انسان‌ها پاسخ می‌دهد و در صورت عدم تعیین، معامله باطل است. از آنجاکه همه معاملات در بازار فارکس از طریق سامانه الکترونیکی معاملات انجام می‌شود؛ بنابراین نسبت به وجود وضعیت عوضین اطمینان وجود دارد. در قسمت اطلاعات نرم‌افزار معاملاتی فارکس که همه کارگزاران در اختیار معامله‌گران قرار می‌دهند، موضوعاتی که قابلیت معامله در بازار را دارند و قیمت لحظه‌ای آن قرار داده شده است. در قسمت مربوط به معامله هم شخص معامله‌گر موضوع معامله را انتخاب کرده و وارد معامله می‌شود. همان‌طور که مشخص است تعیین موضوع معامله در این بازار مدنظر قرار گرفته و افراد با علم و اطلاع کافی مبادرت به انجام معامله می‌نمایند؛ لذا در خرید و فروش مربوط به ارز موردنظر، خریدار و فروشنده لازم است نوع ارز و نرخ آن را کامل بدانند که اکثر اوقات چنین موردی در بازارهای مالی وجود دارد (توحیدی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص. ۲۴۱)؛ موضوع بعدی رضای طرفین و

انگیزه آنها در انجام معامله می باشد. برای انجام کاری که همراه با اراده است باید فرد در ابتدا آن را تصور کند و آنگاه درباره سود و زیان کار به تفکر بنشیند تا در بین دعاوی مختلف یکی را به طور حتم انتخاب کند و راغب به انجام دادن آن شود. برای ورود به معاملات فارکس نیز باید تشریفات خاصی را انجام داد. زمانی که فرد با کارگزار فارکس ارتباط برقرار می کند و تقاضای افتتاح حساب می کند، بدین معنی است که با اطلاع از اسباب معامله و آگاهی کافی مبادرت به این عمل نموده و در انتظار فرصت معقول است که با توجه به اسباب و تجزیه اقتصادی به بازار وارد شده و معامله را انجام دهد؛ بنابراین انجام معامله در فارکس که با انجام تشریفات خاص صورت می گیرد مبین قصد فرد و انجام دادن معامله است. اهلیت طرفین نیز یکی از موارد مهم است. در نظام های حقوقی قانون گذاران، سنی را به نام سن قانونی معرفی کرده اند که رسیدن به آن سن، اماره اهلیت در فرد قلمداد می شود. بازار فارکس بین المللی است؛ لذا سن معتبر برای ورود به این بازار نیز از ۱۸ سالگی قرار داده شده است. کارگزار فارکس جهت گشودن حساب معاملاتی هر فرد یک روگرفت از گذرنامه او وصول می کند. همان طور که واضح است گذرنامه یک مدرک هویتی معتبر است و فقط سن افراد از اطلاعات درج شده در آن احراز می شود و کارگزار این امکان را دارد که اطلاعات هویتی متقاضی را به طور دقیق ثبت کند و از هرگونه سوءاستفاده احتمالی از حساب فرد و درآمد او جلوگیری گردد. نکته بعد قانونی بودن جهت معامله می باشد. جهت معامله دلیلی است که باعث می شود طرفین به انجام معامله تشویق شوند. ماده ۲۱۷ قانون مدنی مقرر می نماید که در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود ولی اگر تصریح شده باشد باید مشروع باشد والا معامله باطل است. اصل معاملات فارکس به گونه ای است که دو طرف معامله هیچ وقت روبه روی هم دیگر واقع نمی شوند. خرید و فروش در بازار فارکس به صورت غیابی و قرارداد الحاقی است که از سمت بانک های کارگزار ارائه می شود و معامله گران به آن ملحق می شوند؛ بنابراین با عنایت به شرایط حاکم در معامله امکان ندارد انگیزه های فردی این قصد مشترک ورود پیدا کند و نقصی در این مورد به معامله وارد نمی شود؛ اما نکته مهم و آخر در رابطه با این موضوع مشروعیت شرایط معاملات فارکس است. گاهی برخی شرایط و خصوصیات معامله به طوری است که پرداختن عوض در آن معامله

موردنظر با آن شرایط و خصوصیات موجب غرر می‌شود؛ مانند فروختن کالا با این شرط که مشتری در هر زمان یا مکانی به هر وسیله‌ای می‌خواست هزینه کالا را بپردازد که معامله غرری است (موسویان، ۱۳۹۱، ج ۲، ص. ۱۲۸)؛ بنابراین شرایط معاملات باید خود ایجادکننده غرر نباشد که در این راستا نهاد ناظر بازار زیرساخت‌های مقرراتی و دستورالعمل‌های لازم را برای شفافیت هرچه بیشتر معاملات فراهم نموده است. پس برای ورود به معاملات معامله‌گران باید با آگاهی کافی از شرایط و خصوصیات معاملات، اقدام به معامله نمایند. همچنین موضوع معاملات در بازار فارکس، کالا و ارز است. خریدوفروش کالا و ارز با توجه به حکم ماده ۱۰ قانون مدنی که مربوط به احترام به اصل آزادی قراردادها است ایرادی ندارد. همچنین در مورد معاملات غرری تشخیص موضوع به عهده عرف است. یعنی اگر در معامله‌ای عرف حکم غرر را منتفی دانست حکم معامله غرری نمی‌شود و اگر عرف غرر را استوار و محرز دانست به‌طور خودکار حکم معامله غرری خواهد بود. قابل‌ذکر است که اگر در بازارهای مالی، معامله‌گران اقدام به بازارگرایی کرده و با ایجاد تبلیغات مثبت و منفی در بازار تغییرات ایجاد کنند و معامله‌ای در شرایط جهل یکی از طرفین انجام شود از لحاظ فقهی صحیح نمی‌باشد و درآمد یا سود حاصل از آن مشروع نیست؛ اما در شرایط عادی و با احراز نکات بالا در معاملات بازار فارکس، معاملات غرری شکل نمی‌گیرد.

۲-۴. شبهه فقهی ایجاد معامله ربوی با توجه به اعطاء وام از طرف کارگزار به معامله‌گر

یکی از ویژگی‌های بازار فارکس وجود خاصیت اهرمی است. خاصیت اهرمی در بازار فارکس به معامله‌گر این امکان را می‌دهد که بیش از آورده اولیه خود در بازار فارکس وارد موقعیت معاملاتی شود و کسب سود کند. این ویژگی به افراد معامله‌گر این توانایی را می‌دهد تا با استفاده از این خاصیت اهرمی، پول بیشتری را در بازار وارد کرده و اقدام به معامله کنند (Cheng, 2007)؛ برای مثال هزار دلار معامله‌گر به صد هزار دلار تبدیل می‌شود. اهرم به‌طورکلی شامل قرض‌دادن حجم مشخصی از پول به معامله‌گران برای سرمایه‌گذاری است. در بازار فارکس، ارز از طرف کارگزار به معامله‌گر قرض داده می‌شود. اگر بعد از معامله و اجرای عملیات تسویه میزان این ودیعه کم بشود و به نقطه

خطرناک برسد، در ابتدا کارگزار اقدام به اخطار به معامله‌گر می‌کند و در صورت ادامه روند معاملات مشتری، معاملات ایشان بسته و متوقف خواهد شد. به نظر بعضی از کارشناسان، اهرم در بازار فارکس از نظر مباحث مختلف دارای اشکال است و ایجاد شبهه ربا می‌کند. برای آنکه مشتری بتواند از اهرم استفاده کند باید از کارگزار پول را قرض بگیرد و مقدار پول با توجه به انتخاب میزان درجه اهرم متفاوت است. در اینجا یکی از مباحثی که ایجاد شبهه می‌کند موضوع بهره و قرضی است که از طرف کارگزاری داده می‌شود که احتمال ربا می‌رود. پس نکته‌ای که در باب اهرم بازار فارکس وجود دارد این است که کارگزاری در برابر اهرم و خدماتی که به مشتری می‌دهد، سود و بهره دریافت می‌کند که سبب ربوی شدن معامله است؛ پس شبهه‌ای وجود دارد که در بازار فارکس به علت وجود اهرم، ربا شکل می‌گیرد. پس به‌طور خلاصه بعضی از کارشناسان معتقدند که در بازار، ربای قرضی و جاهلی وجود دارد چراکه کارگزار در قبال اعطای وام، از مشتری سود دریافت می‌کند؛ اما درباره ربای قرضی باید اشاره شود که ربا در کتاب‌های لغتی، به معنای فزونی آورده شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص. ۱۲۶) و از لحاظ اصطلاحی به معنای دریافت زیادی در معامله اشیاء ربوی و یا دریافت سود اضافی مشروط در قرارداد قرض می‌باشد (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص. ۴۵۱). شهید ثانی ربا را این‌گونه تعریف می‌کند که هرگاه در قرارداد قرض شرط شود که مستقرض باید بیشتر از مثل مالی که قرض گرفته را به مقرض بدهد، ربا و حرام می‌باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص. ۴۴۳). لازم نیست که حتماً منفعت از جنس مال قرض داده شده باشد بلکه زیادی می‌تواند حکمی یا عینی باشد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱، ص. ۴۱). تحریم ربا دلایلی زیادی دارد که یکی از آن‌ها هدایت سرمایه‌های مردم به سمت فعالیت‌های اقتصادی مفید و مولد و ایجاد تعادل روانی و روحی در میان مردم است (حسینی حایری، ۱۳۸۰، ج ۱، ص. ۸۷). شهید مطهری علت اصلی تحریم ربا را ظالمانه بودن این عمل می‌داند و همچنین نظر ایشان این است که قرارداد ربا ماهیت ظالمانه و خرابکارانه دارد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱، ص. ۷). حال سؤال اصلی اینجا است که آیا ربای قرضی در فرایند اهرم جریان دارد؟ به نظر می‌رسد فرایند اهرم نزدیک به قرض‌دادن محسوب می‌شود. روند اهرم بدین‌شکل است که شما وقتی با سرمایه ۲۰۰ دلار و انتخاب

لوریج ۱:۱۰۰ یک حساب معاملاتی باز کرده‌اید، حال سرمایه اولیه ۲۰۰ دلار در ۱۰۰ ضرب می‌شود و موجودی را برابر با بیست هزار دلار می‌کند (Barberis, 2002). به وسیله خاصیت اهرمی مشتری با ودیعه اولیه‌ای که هزار دلار است می‌تواند به مبلغ صد هزار دلار ارز از کارگزاری قرض بگیرد. باید توجه کرد که هر معامله در فارکس دارای کارمزد و هزینه‌های عملیاتی می‌باشد. پس هرچه معامله‌گر از اهرم‌های بالاتری استفاده بکند و میزان معامله بیشتری انجام دهد کارمزدی که کارگزار دریافت می‌کند بیشتر خواهد بود. کارمزد معاملاتی بدین صورت است که یا کارگزاری کارمزد ثابتی به عنوان حق العمل کاری (کمسیون) دریافت می‌کند و یا مابه‌التفاوت قیمت بین خرید و فروش که به آن اسپرد معاملاتی می‌گویند را دریافت می‌کند (محمدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص. ۵۰)؛ به بیان ساده اسپرد^۶ در فارکس، اختلاف قیمتی است که بروکر فارکس در ازای تفاوت قیمت پیشنهادی خریدار و قیمت تعیین شده فروشنده دریافت می‌کند؛ نتیجه آنکه کارگزاری‌ها برای دادن اعتبار، پول اضافی دریافت نکرده و فقط کارمزد دریافت می‌کند؛ لذا ربا جریان ندارد؛ اما کارمزد در قرارداد قرض چه حکمی دارد؟ در لغت کارمزد و دستمزد، معنای حق کرایه و پاداش عمل، آورده شده است (واسطی، ۱۳۰۷ق، ج ۶، ص. ۱۲). در اصطلاح کارمزد به معنای عوضی گفته می‌شود که مشتری در برابر استفاده از منفعت کار یا مال، به اجیر یا موجر پرداخت می‌کند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص. ۶۰). طبق نظرهای علما و مراجع تقلید، گرفتن کارمزد توسط بانک‌ها، مؤسسات و صندوق‌ها، برای قرارداد قرض ایرادی ندارد؛ چراکه این مراکز هزینه‌هایی دارند که باید از محل کارمزد پرداخت کنند. هزینه‌هایی مانند: حقوق کارمندان، هزینه برق، آب، گاز، اجاره مکان و وسایل... به همین دلیل این مراکز می‌توانند از مشتری خود در قبال خدمات، کارمزد دریافت کنند (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص. ۶۰۲). آیت‌الله جوادی آملی اشاره می‌کند که قرض به شرط زیاده، رباست؛ اما چیزی که به عنوان کارمزد پرداخت شود، جایز است (<http://www.esra.ir>). آیت‌الله مکارم شیرازی اشاره دارد که هرگاه کارمزد در حد حقوق کارمندان و هزینه‌های جاری باشد، جائز است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، صص. ۶۹-۷۰). پس کارمزد باید به اندازه متعارف و منطقی باشد و بیشتر از حد معمول

دریافت نشود؛ همچنین با رضایت مشتری همراه باشد؛ لذا گرفتن ربا به هر صورت و دلیلی اشکال دارد ولی دریافت کارمزد به اندازه عقلایی و با توافق طرفین صحیح است. پس مبلغ دریافتی از طرف کارگزاری‌ها بابت اهرم برای کارمزد معاملات است؛ اما باید توجه داشت که در بازار، ابزاری به نام سواپ^۷ شبانه وجود دارد که دارای اشکالات عدیده فقهی است. روند سواپ بدین صورت است که بروکر برای خرید سهام موردنظر شما و فروش آن به معامله دیگر باید تکیه بر حساب معتبری داشته باشد که بتواند از آن بودجه لازم را تأمین کند. این بودجه وقتی ضرب در تعداد معامله‌گران می‌شود با عددی بزرگ مواجه می‌شویم که عملاً نمی‌تواند یک بروکر همچنین حسابی داشته باشد؛ بنابراین برای حل مشکل یک وام یک‌روزه از بانک معتبر دریافت می‌کند. این وام می‌تواند تبدیل به همان پشتیبانی شود که بروکر نیاز داشت. بر اساس این وام بروکر می‌تواند سفارش‌های خرید شما را و سفارش‌های فروش خود را انجام دهد؛ اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که وام به هر حال دارای بهره‌ای هست که باید پرداخت شود. سهم شما از پرداخت بهره این وام، همان سواپ در فارکس است. سواپ در فارکس به هر خرید و فروشی تعلق نمی‌گیرد؛ اما اگر معامله، یک شبانه‌روز باز باشد به ازای هر روز، سواپ در فارکس به حساب فرد تعلق می‌گیرد؛ یعنی درواقع سواپ در فارکس هزینه باز نگه داشتن معامله شما خواهد بود. بدون شک پرداخت سواپ از طرف معامله‌گر حرام است و ربا محسوب می‌شود. پس انجام معامله شبانه و نگهداری معامله طی ۲۴ ساعت ایراد دارد و باعث معامله ربوی می‌شود؛ البته مطابق با قوانین اسلام، مسلمانان از دریافت هر نوع بهره منع شده‌اند؛ بنابراین حساب‌های اسلامی ایجاد شده‌اند تا مسلمانان بتوانند از خدمات کارگزاران فارکس بهره‌مند شوند. در کارگزاری‌ها حسابی به نام حساب اسلامی وجود دارد. در حساب اسلامی هزینه‌ای به صورت سود یا سواپ شبانه دریافت نمی‌شود؛ نتیجه آنکه اگر معامله‌گر از اهرم استفاده کند باید کارمزد معاملات را پرداخت کند و معامله اشکال ربوی ندارد؛ اما اگر کارگزاری پولی را به عنوان سود یا سواپ دریافت کند اشکال شرعی دارد و انجام این معامله برای مسلمان جایز نیست.

۲-۵. شبهه فقهی مرتبط با خروج قهری سرمایه و زیان‌رسانی به اقتصاد کشور با توجه به قاعده لاضرر و مصلحت نظام

در گذشته بازار فارکس دارای زیرساخت‌های مناسبی نبود؛ یعنی فعالان بازار دانش کافی برای شرکت در معامله را نداشتند و همچنین نهاد ناظری بر بازار وجود نداشت؛ لذا باعث شد تا افراد سودجو اقدام به کلاهبرداری از مشتریان بازار فارکس نمایند. این بازار به دلیل ضرررسانی بیش از حد به مردم و اقتصاد کشور باعث ایجاد آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی فراوانی شد. این آسیب‌ها عبارت‌اند از: ازدست‌دادن اعتماد و آرامش افراد، فرورفتن در ضرر و قرض بیشتر، خروج پول از سرمایه‌گذاری‌های مفید به سمت بازار فارکس و موارد دیگر؛ لذا در گذشته افراد با معامله در بازار فارکس علاوه بر تهدید وضعیت فردی خود، به نظام اقتصادی جامعه ضررهای فراوانی وارد می‌کردند. چراکه همان‌طور که گفته شد فعالیت در فارکس باعث خروج ارز از کشور، عدم سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد و موارد دیگر می‌شود؛ لذا با استناد به قاعده مصلحت نظام و قاعده لاضرر، فعالیت در بازار ممنوع اعلام شد. یکی از قوانین شرعی در دین اسلام و مخصوصاً باب معاملات حرمت ضرر و ضرار در اسلام می‌باشد که در معاملات اقتصادی حاکم است و بیان می‌دارد که اصل، اطلاق و شرایط معامله نباید باعث ضرر و اضرار به دیگران شود که در غیر این صورت انجام معامله حرام می‌باشد. در اصطلاح، ضرر در مقابل منفعت آورده شده است و به معنای ایجاد نقصان و خرابی در جان، آبرو و مال افراد دیگر می‌باشد (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص. ۲۱۴)؛ بنابراین با توجه به قاعده لاضرر متوجه می‌شویم که هرگونه ضرر ممکن‌الوجود ممنوع است. پس همان‌طور که حکم ضرری از سوی خداوند متعال ممنوع می‌باشد، ضررهای موجود در خارج نیز ممنوع و باید مرتفع شود (موسوی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص. ۱۹۳). در جایی که به علت نبود حکمی ضرری رخ می‌دهد می‌توان با استدلال به این قاعده حکم جدیدی را وضع و به اجرا درآورد. در موضوع فارکس نیز بحث قاعده لاضرر در جایی است که عده‌ای معتقدند که در صورت انجام معامله در فارکس باعث ایجاد ضرر و زیان قطعی برای معامله‌گران و در نهایت اقتصاد جامعه اسلامی می‌شود و از آنجایی که ضرررسانی به دیگری و جامعه نباید اتفاق بیفتد پس حضور در بازار جایز نمی‌باشد. در اسلام

در صورتی که گسترش معاملات اخلال را سبب بروز خسارت‌های قابل ملاحظه‌ای در سطح کلان بازارهای مالی شود، ضرری بودن چنین معاملاتی واضح است (توحیدی، ۱۳۹۹، ص. ۲۶۷). نظر امام خمینی این است که قاعده لاضرر از باب حکم حکومتی است و مردم را از وارد ساختن خسارت به یکدیگر منع می‌کند (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص. ۵۰). از دلایل ایجاد ضرر و زیان در این بازار می‌توان به ضعف زیرساخت‌های علمی و فنی کشور از جمله اختلال در اینترنت، نوسانات بیش از حد بازار و کارگزاری‌های نامعتبر نام برد که باعث ضرر و زیان بیش از ۹۰ درصد افراد می‌شود؛ بنابراین به صورت طبیعی در این بازار تنها افرادی اندک و بسیار حرفه‌ای می‌توانند سود ببرند و غالب معامله‌گرانی که وارد این بازار شده‌اند در کوتاه‌مدت بعد از چند معامله کل سرمایه‌شان را از دست می‌دهند؛ لذا در اکثر معاملات در بازار فارکس، بخش قابل توجهی از سرمایه‌های ملی از کشور خارج شده و درصد کمی از آن به عنوان سود به کشور برمی‌گردد و از این جهت نیز خلاف قوانین کشور بوده و آسیب جدی بر اقتصاد ملی می‌زند. از طرفی دیگر سرمایه‌گذار، پول خود را در چرخه اقتصادی مفید وارد نکرده و به امید کسب سود بیشتر و تلاش کمتر به بازار فارکس می‌سپارد؛ نتیجه اینکه این سرمایه‌گذاری باعث خروج بخش عظیمی از سرمایه از کشور است که این جابه‌جایی ارز توسط هیچ ارگان دولتی قابل نظارت نمی‌باشد؛ البته علاوه بر نکات گفته شده ریسک‌های دیگری در بازار فارکس مشهود است؛ در بازار فارکس مرکز رسمی و قانونی برای انجام معاملات و مبادلات وجود نداشته و تضمینی برای تسویه معاملات نمی‌باشد. در نتیجه امکان عدم تسویه بسیار بالا می‌باشد (Aylor, 2003). همچنین در خیلی از موارد رویه واحد و قانون‌گذاری دقیق و اجرای آن در بازار فارکس وجود ندارد. به علاوه آنکه نوسانات شدید قیمت‌ها و احتمال ضرر و زیان بیش از حد و از دست دادن سرمایه در بازار وجود دارد (Coffe, 1996). در باب مصلحت نظام نیز باید به نکاتی اشاره شود؛ مصلحت در لغت به معنای نقیض، ضد و مخالف مفسده و فسق معنا شده است (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص. ۳۸۳). هدف از بیان این قاعده، حفاظت از نظام در مواردی است که باعث بی‌نظمی و نابودکننده هماهنگی و رشد یک جامعه نظام‌مند می‌باشد. این بی‌نظمی می‌تواند در حالت‌های مختلف مانند اصل نظام اسلامی،

نظام سیاسی یا نظام اجتماعی، نظام اقتصادی و معیشت جامعه ایجاد شود. منظور از نظام در اجتماع شامل اموری است که نظم و قوام زندگی مردم و جامعه اسلامی به آن وابسته می‌باشد و اگر اختلالی ایجاد شود باعث بی‌نظمی در جامعه و معیشت مردم است. مصلحت شرعی نظام دارای ویژگی‌هایی است؛ مهم‌ترین ویژگی مصلحت شرعی فهم آن از منابع و اسناد کشف شریعت در اسلام می‌باشد که قرآن، سنت و اجماع است نه هوای نفس و عقل محض. از ویژگی‌های دیگر مصلحت شرعی، دنیوی محض و مادی صرف نبودن است؛ یعنی مصلحت شرعی علاوه بر اهداف مادی باید پوشش‌دهنده اهداف اخروی نیز باشد (یوسف حامد العالم، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص. ۱۴۶). ویژگی مهم دیگر مصلحت، ارتباط بلاواسطه با اجتماع و نظام‌های حاکمیتی می‌باشد. حفظ نظام اسلامی به حفظ مصلحت عام برمی‌گردد، به‌طوری‌که ایجاد اخلال در آن نادیده‌گرفتن این مصلحت می‌باشد؛ لذا حفظ نظام واجب می‌باشد (علیدوست، ۱۳۹۴، ج ۲، ص. ۱۳۰). پس با دریافت حکم شرعی و مصلحت شرعی نظام ج.ا.ایران حفظ شده و با عمل به مصالح شرعی از ایجاد ضعف و ضربه‌رسانی به نظام اسلامی جلوگیری می‌شود. رفتار طبق مصلحت شرعی و حفظ نظام، وظیفه‌ای بر دوش تک‌تک افراد جامعه است که باید همگی نسبت به آن کوشا باشند و در جهت عمل به آن برآیند؛ فرد یا نهاد متولی تشخیص مصلحت فقیه جامع‌الشرایط یا حاکم است. بخش استنباط محض متعلق به فقیه است و بخش بعدی به فقیه حاکم اختصاص دارد که به اقتضای مصلحت حاکم بر انجام یا ترک عملی حکم می‌کند که به آن حکم حکومتی گفته می‌شود (توحیدی، ۱۳۹۹، ص. ۲۱۹). تفاوت مهم حکومت اسلامی با حکومت‌های مشروطه جمهوری و سلطنتی در این است که قانون‌گذار در این رژیم‌ها توسط شاه یا نمایندگان انجام می‌شود ولی در اسلام به خداوند متعال اختصاص دارد؛ لذا هیچ حکمی جز حکم خداوند را نمی‌توان به اجرا گذاشت. این حکم در زمان غیبت توسط ولی فقیه اجرا می‌شود. شهید صدر هم در این مورد می‌فرماید: «محدوده منطقة الفراغ در اختیارات ولی امیر مسلمین است. در این قاعده عملی با امر امام واجب و با منع او حرام می‌شود ولی کارهایی مانند ربا که حرمت شرعی آن ثابت است مورد تصرف ولی امر نمی‌باشد» (صدر، ۱۴۰۳، ج ۱، ص. ۶۸۴). طبق این قاعده، دین مبین اسلام به

حاکم وقت اسلامی اجازه می‌دهند تا در صورت نیاز در زمان مقتضی، اقدام به وضع قانون جدید در برخی مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نماید (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص. ۴۴۳). قلمرو قاعده منطقه الفراغ تا حدی است که حکم قطعی بر وجوب و یا حرمت موضوعی موجود نباشد؛ پس علاوه بر مباح بالمعنی الأخص، حوزه مباح بالمعنی الاعم (شامل مکروهات و مستحبات) را هم شامل می‌شود (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص. ۲۵۰). سیدکاظم حسینی حائری از نظریه شهید صدر این گونه دفاع می‌کند که چون اقتصاد در زمان‌ها و مکان‌های مختلف در حال تحول و رشد می‌باشد و احکام اسلامی جهان‌شمول و کامل است؛ لذا وجود این نظریه لازم و ضروری می‌باشد. او در ادامه می‌گوید به علت پیشرفت‌های جهان و جامعه رابطه انسان با خود و طبیعت دچار تغییراتی می‌شود و از آنجایی که اسلام باید در هر زمان دارای راه‌حل‌هایی باشد باید قاعده منطقه الفراغ استفاده شود تا حاکم اسلامی بتواند طبق قانون، اختیار و بر اساس اهداف اسلامی قوانینی وضع کند (حسینی حائری، ۱۳۸۰، ج ۱، ص. ۲۹). پس حاکم می‌تواند با در نظر گرفتن قانون الهی، به وضع قانون جدید برای موضوعات جزئی مبادرت نماید (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱، ص. ۱۰۱)؛ اما برای تطبیق شرایط بازار فارکس با قاعده حفظ نظام مصلحت باید به نکاتی اشاره شود. مهم‌ترین نکته در بازار فارکس، ضرر و زیان معامله‌گران، خروج ارز از کشور و آسیب‌رسانی به وضعیت اقتصادی کشور است. توضیح آنکه ماهیت بازار فارکس با بازار بورس کامل متفاوت است و فرد معامله‌گر می‌تواند روی معاملات خود تا ۵۰۰ برابر سرمایه اولیه وام دریافت کند که بدون دانش و مدیریت سرمایه نه تنها باعث سود نمی‌شود بلکه به خاطر طمع می‌تواند باعث ازدست‌رفتن کل سرمایه شود. همچنین کشور ما از لحاظ آموزش‌های حوزه مالی دارای زیرساخت مناسبی نیست و طبقه‌بندی آموزشی برای سنین و حوزه‌های گوناگون در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. همچنین در دروس کاربردی دانشگاه نیز بررسی و تعلیم حوزه‌های مالی و سرمایه‌گذاری به شیوه صحیحی انجام نمی‌گیرد و این ضعف‌ها در سیستم آموزشی، اطلاعات کلی مردم اندک است. حال این افراد ناآگاه زمانی که به سن بالاتری می‌رسند با هدف کسب سود وارد بازارهای مالی می‌شوند که باعث ایجاد هیجان غیرقابل‌کنترلی در حوزه‌هایی مانند فارکس، کریپتوکارنسی، بورس، طلا و

خودرو می‌شود. گاهی در جوامع این‌چنینی به علت عدم آگاهی و آموزش افراد، شاهد استفاده نادرست از وجوه موجود در جامعه هستیم که افراد در این سرمایه‌گذاری‌های غلط، وجوه اندک حقوق کارمندی خود را نیز از دست می‌دهند. سرمایه‌گذاری یکی از ابعاد مهم و حیاتی در زندگی هر فرد است که باید اصول آن را فراگرفت. صرفاً سرمایه‌گذاری در بانک، سکه و زمین کافی نیست؛ اما ورود مردم به بازارهایی مانند بورس و فارکس بدون دانش باعث ایجاد هیجاناتی در راستای صعود یا نزول بازار می‌شود که در هر صورت مخرب است. بعضاً در جامعه شاهد هجوم افراد به یک بازار طی افزایش اخبار هستیم، یعنی مردمی که احساس عقب ماندن از مسابقه کسب سود را دارند و بی‌محابا شروع به خرید و فروش در ابزارهایی می‌کنند که اطلاعی از آن ندارند، معمولاً این افراد در بازارها زیان‌ده هستند. کسب دانش بازارهای مالی و روان‌شناسی معاملاتی با در نظر داشتن روحیه ریسک‌پذیری و شخصیت فردی امری قابل‌توجه است. وجود این هیجان در بازاری مانند فارکس که بازاری نوپا با نوسانات بالا است، می‌تواند به نسبت دیگر بازارها مخرب‌تر باشد؛ پس با توجه به ویژگی‌های بازار معاملاتی فارکس و همچنین شرایط موجود در کشور ایران، ضرر در این بازار باعث خروج ارز از کشور و زیان به اقتصاد می‌شود؛ به‌رحال در این بازار اگر خطایی صورت گیرد، حتماً پول قابل‌توجهی از دست خواهد رفت و این یعنی خروج ارز از کشور. بازارهای نوین مالی در کنار اینکه ظرفیتی برای سودآوری هستند، می‌توانند باعث ضرر و زیان برای شخص و حتی اقتصاد کشور هم باشند، به‌همین دلیل توصیه می‌شود افرادی که تمایل برای ورود به این بازار را دارند بدون آگاهی و دانش کافی به این بازارها ورود نکنند؛ البته طبق بررسی‌های انجام شده بیشتر معاملات افراد آگاه یا ناآگاه در بازار فارکس به شکست می‌انجامد و بیش از ۹۶ درصد معامله‌گران پس از شکست، این بازار را ترک می‌کنند (kharazmi.et)؛ لذا تعداد افرادی که در فارکس به سود می‌رسند بسیار پایین است. پس در حال حاضر مهم‌ترین مانع برای ورود به بازار فارکس شکست معامله‌گران و خروج ارز از کشور است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش مهم‌ترین شبهات بازار فارکس مطرح و بررسی گردید. شبهات فقهی که در این مقاله بررسی شدند عبارت‌اند از: احتمال وجود معاملات قمار، معاملات غرری، معاملات ربوی در بازار فارکس و شبهه تضاد با مصلحت نظام از طریق ضرر و زیان بیش‌ازحد معامله‌گران در بازار. با توجه به گزاره‌های بررسی شده در این تحقیق نتایج زیر اعلام می‌گردد: در رابطه با شبهه قمار، اگر معاملات فارکس از طرف بورس‌بازان و سفته‌بازان باشد، با توجه به آثار مشترک این معاملات با قمار، حرام و نوعی معامله قمار است؛ اما اگر این معاملات توسط معامله‌گرانی باشد که مبتنی بر بخت و شانس معامله نکنند و به‌طور کارشناسانه و مبتنی بر تحلیل وارد بازار شوند، به‌دلیل اینکه سایر شرایط قمار را ندارد نمی‌تواند در قالب قمار قرار گیرد. همچنین در معامله قمار دو طرف معامله باید رهن و گرو بگذارند؛ اما در بازار فارکس سهام‌گرویی وجود ندارد. نکته بعدی آنکه در قماربازی نوعی بازی با ریسک بسیار بالا وجود دارد، یعنی صرفاً یک طرف معامله بازنده و طرف دیگر معامله به همان اندازه سود می‌برد، درحالی‌که در فارکس این‌گونه نیست و معاملات با ریسک عقلایی و حد ضرر انجام می‌شود؛ انجام قمار و شرط‌بندی حرام و مبتنی بر یک عمل نامشروع می‌باشد و قطعاً در چهارچوب معاملات مشروع قرار ندارد، در صورتی‌که معاملات فارکس در قالب نزدیک به بیع است و با معاملات قمار تفاوت‌های بنیادین دارد. بر اساس موارد گفته شده اگر فارکس مبتنی بر بخت و شانس نباشد و به‌طور کارشناسانه معامله شود، به‌دلیل اینکه سایر شرایط قمار را ندارد نمی‌تواند در قالب قمار قرار گیرد. در رابطه با شبهه غرر بیان شد که معامله باید دارای شرایطی باشد تا شبهه غرر برطرف شود. این شرایط عبارت‌اند از: اطلاع کافی از صفات مورد معامله، قدرت بر تسلیم عوضین، معین‌بودن موضوع مورد معامله، رضای طرفین و انگیزه آنها در انجام معامله و اهلیت طرفین؛ همچنین با بررسی‌های انجام شده مشخص گردید که این شرایط در معاملات بازار فارکس موجود است؛ اما بعضی از کارگزاری‌های غیرمجاز این شرایط را رعایت نمی‌کنند؛ لذا یکی از موارد غرر در بازار زمانی است که معامله‌گران با کارگزاری‌های غیرمعتبر و بازارگردان ارتباط دارند و از طریق سکوها‌های آنان معامله می‌کنند؛ اما اگر شرایط گفته شده در بازار فارکس توسط

معامله‌گران و کارگزاری‌های معتبر رعایت بشود غرر در بازار شکل نمی‌گیرد و معاملات از لحاظ عدم غرری بودن نیز صحیح است؛ در رابطه با شبهه ربا، اشتراط هر نوع زیاده مالی در قرارداد قرض ربا و ممنوع است. پس اگر کارگزاری‌ها در صورت اهدای اعتبار اقدام به گرفتن سود نمایند در آن صورت ربای قرضی پیش می‌آید که کاری خلاف‌شرع است؛ البته بعضی از کارگزاری‌ها در برابر اعتبار، سودی دریافت نمی‌کنند و سود آن‌ها از محل کارمزدهای معاملات تأمین می‌شود. این کارمزدها تحت عنوان اسپرد و حق‌العمل کاری گرفته می‌شود. پس در صورتی که کارگزاری‌ها سودی از دادن اعتبار دریافت نکنند، استفاده از اعتبار این کارگزاری‌ها برای معامله‌گر ایرادی ندارد و صحیح است؛ در رابطه با شبهه خروج قهری سرمایه و زیان‌رسانی به اقتصاد کشور طبق بررسی‌های انجام شده درباره بازار فارکس، به علت ویژگی‌های خاص، نوسانات شدید قیمت، اثرگذاری عوامل گوناگون بر روی قیمت، سخت بودن آنالیز و پیش‌بینی روند، ۹۵ درصد سرمایه‌گذاران در این بازار با ضرر و زیان قابل‌توجهی مواجه شده و تنها حدود ۵ درصد از افراد موفق به کسب سود بلندمدت می‌شوند؛ همچنین در گذشته سوءاستفاده فعالان فارکس در کشور ایران از شرایط بازار باعث ضرر و زیان مردم و کلاهبرداری شرکت‌های هرمی از معامله‌گران شد. علاوه بر آن وجود خلأ قانونی و نبود ضوابط و مقررات لازم، سبب خروج ارز قابل‌توجه گردید؛ پس به نظر می‌رسد با توجه به ساختار حال حاضر بازار فارکس و عدم وجود هسته اصلی معاملات کارگزاری‌ها در ایران، با ضرر معامله‌گران خروج پول ملی از کشور اتفاق می‌افتد؛ لذا با توجه به شرایط حال بازار و طبق قاعده لاضرر و وجوب رعایت مصلحت نظام، حضور در معاملات بازار فارکس توجیه شرعی ندارد؛ البته توصیه می‌شود که با برنامه‌ریزی‌های دقیق اقدام به تأسیس کارگزاری‌های فارکس در کشور گردد تا مانع خروج ارز از کشور شود و یا آموزش‌ها در ایران به سمتی رود که معامله‌گران به صورت حرفه‌ای وارد بازار شوند و ضرر و زیان کاهش یابد که باید این پیشنهادها توسط کارشناسان مورد ارزیابی قرار گیرد. پس با بررسی‌های صورت‌گرفته مشخص گردید که در بین شبهات مطرح شده، شبهه خروج ارز از کشور و زیان‌رسانی به اقتصاد شبهه جدی است که با مصلحت نظام در تضاد است و تا رفع موانع موجود در کشور معاملات در این بازار توجیه قانونی و شرعی ندارد.

کتابنامه

- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۴۲۱ق). *النهایه*. بیروت: انتشارات دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. قم: دار إحياء التراث العربی.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۴ق). *رسایل فقهیه*. قم: انتشارات مجمع الفکر الاسلامی.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵ق). *المکاسب*. قم: المؤتمر العالمی بمناسبه الذکری المئویه الثانيه لمیلاد الشیخ الانصاری، الامانه العامه.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۹ق). *فرائد الاصول*. قم: انتشارات مجمع الفکر الاسلامی.
- ایروانی، باقر (۱۴۲۷ق). *دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری*. قم: مؤسسه الفقه للطباعه والنشر.
- توحیدی، محمد (۱۳۹۹). *بورس بازی در نگاه شریعت*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق). *صحاح اللغه*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت لأحیا التراث.
- حسینی حائری، کاظم (۱۳۸۰). *أساس الحکومه الإسلامیه*. بغداد: مطبعه النیل.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۷ق). *هدایه فی الاصول*. قم: مؤسسه صاحب الامر.
- زبیدی، محمد بن محمد (بی تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارالفکر.
- سرافراز، لیلا (۱۳۷۶). *پیدایش سازمان های پولی و مالی بین المللی در مالیه بین الملل*. شیراز: نوید.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- صاحب جواهر، محمدحسن (۱۳۶۷ق). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۸ق). *البنک اللاربوی فی الاسلام*. بیروت: دارالمتعارف للمطبوعات.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۲ق). *اقتصادنا*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۳ق). *الاسلام یقود حیات*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۱۷ق). *بحوث فی علم الاصول*. قم: دایرةالمعارف فقه اسلامی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: مرتضوی.
- العالم، یوسف (۱۴۱۵ق). *المقاصد العامه للشریعه الإسلامیه*. بغداد: الجامعه الاسلامیه السنه الأولى.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۴). *فقه و مصلحت*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و

اندیشه اسلامی.

محقق اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۹۲). مجمع الفائده و البرهان. بی جا: انتشارات جامعه مدرسین.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۱). قواعد فقه. تهران: انتشارات سمت
محمدی، علی (۱۳۸۸). آشنایی با بازار مبادلات بین المللی مبادلات ارز فارکس. تهران: انتشارات آراد کتاب.

مصطفوی، سید کاظم (۱۴۲۱ق). القواعد الفقهیه. قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). مسئله ربا. تهران: انتشارات صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). قواعد الفقهیه. قم: انتشارات مدرسه امام علی (علیه السلام).
موسوی، سید محمد مهدی (۱۴۲۷ق). فقه الشیعه. قم: دار البشیر.
موسویان، سید عباس (۱۳۹۱). بازار سرمایه اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

نائی، مجتبی (۱۳۸۸). خودآموز بورس. تهران: سازمان بورس اوراق بهادار.
نجفی خوانساری، موسی (۱۲۵۴ق). منیه الطالب (تقریرات درس آیت الله نایینی). تهران: المکتبه المحمدیه.

واسطی، سید مرتضی (۱۳۰۷ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
هاشمی شاهرودی، محمود (۱۴۲۹ق). کتاب الإجاره. قم: دائرة المعارف الفقه الإسلامی.
یوسفی، حسین (۱۳۸۹). تجارت در فارکس. تهران: دانش پژوهان.

ایران بروکر: <https://iranbroker.org>

بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء: <https://esra.ir>

مرکز آموزشی و کارآفرینی خوارزمی: <https://kharazmi.net/shop>

References

- Al-Alam, Yusuf (1994). Al-Maqasid al-Aama lil-Shari'ah al-Islamiyyah. Baghdad: Islamic University, First Edition. (In persian)
Alidoust, Abolghasem (2015). Jurisprudence and Expediency. Tehran: Publications of the Research Institute of Islamic Culture and Thought. (In persian)
Ansari, Morteza bin Mohammad Amin (1994). Rasa'il Fiqhiyyah, Vol. 1. Qom: Majma' al-Fikr al-Islami Publications. (In persian)
Aylor, Francesca (2003). Mastering foreign exchange & currency options: a

- practical guide to the new marketplace. London.
- Barberis, Nicholas and thaler, Richard (2002) A survey of behavioran finance, NBER working paper.
- Bean, David (2011). *Forex Trading Secrets:A Trading System Revealed*. CreateSpace Independent Publishing Platform.
- Black, f. Noise (1986). *Gournal of Finance*, (41), New York, 530-543.
- Cheng, Grace (2007). *Winning strategies for trading forex real and actionable techniques for profiting from the currency markets*. Petersfield, Hampshire: Harriman House.
- Coffey, Amanda & Atkinson, Paul (1996). *Making sense of qualitative data:complementary research strategies*. Thousand Oaks: Sage Publications.
- Hosseini Haeri, Kazem (2001). *Asas al-Hukuma al-Islamiyya*. Baghdad: Nile Printing Press. (In persian)
- Hurr Amili, Muhammad bin al-Hasan (1994). *Wasa'il al-Shi'a*, Vol. 2. Qom: Al-Bait Institute for the Revival of Heritage. (In persian)
- Ibn Athir, Mubarak ibn Muhammad (2000). *Al-Nihayah*, Vol. 1. Beirut: Dar al-Fikr Publications. (In persian)
- Ibn Manzur (1994). *Lisan al-Arab*. Qom: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. (In persian)
- Iravani, Baqir (2006). *Duroos Tamheediyyah Fi al-Fiqh al-Istidlali 'ala al-Madhhab al-Ja'fari*, Vol. 2. Qom: Al-Fiqh Printing and Publishing Institute. (In persian)
- Johari, Ismail (1984). *Sihah al-Lugha*. Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayeen. (In persian)
- Makarem Shirazi, Nasser (1991). *Qawa'id al-Fiqh*, Vol. 1. Qom: Imam Ali (A.S.) School Publications. (In persian)
- Mohammadi, Ali (2009). *Introduction to the International Foreign Exchange Market (Forex)*, Vol. 1. Tehran: Arad Book Publications. (In persian)
- Mohiuddin Damad, Seyed Mustafa (2002). *Jurisprudential Principles*, Vol. 2. Tehran: SAMT Publications. (In persian)
- Mostafavi, Seyed Kazem (2001). *Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah*, Vol. 1. Qom: World Center for Islamic Sciences Publications. (In persian)
- Motahhari, Morteza (1993). *The Issue of Riba*. 5th Edition. Tehran: Sadra Publications. (In persian)
- Mousavi, Seyed Mohammad Mahdi (2006). *Fiqh al-Shi'a*, Vol. 3. Qom: Dar al-Bashir Publications. (In persian)
- Mousavian, Seyed Abbas (2008). *Islamic Financial Instruments*, Vol. 1. Tehran: Publications of the Research Institute of Islamic Culture and Thought. (In persian)
- Mousavian, Seyed Abbas (2012). *Islamic Capital Market*, Vol. 1. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. (In persian)
- Mujtahid Ardebili, Ahmad bin Muhammad (2013). *Majma' al-Fa'idah wa al-Burhan*, Vol. 1. [Place of publication unknown]: Society of Teachers Publications. (In persian)
- Naei, Mojtaba (2009). *Stock Market Self-Study*, Vol. 1. Tehran: Securities and Exchange Organization Publications. (In persian)
- Sadr, Seyed Muhammad Baqir (1978). *Al-Bank al-Larabi fi al-Islam*, Vol. 1.

- Beirut: Dar al-Muta'arif li al-Matboo'at. (In persian)
- Sarafraz, Leila (1997). *The Emergence of International Monetary and Financial Organizations in International Finance*. Shiraz: Navid Publications. (In persian)
- Shahid Thani, Zayn al-Din bin Ali (1983). *Al-Rawdah al-Bahiyyah fi Sharh al-Lum'ah al-Dimashqiyyah*, Vol. 1. Beirut: Muhammad Kalantar Printing. (In persian)
- Tuhidi, Mohammad (2020). *Stock Trading in the View of Shari'ah*. Tehran: Imam Sadiq University. (In persian)
- Tuhidi, Sheikh Mohammad Ali (1998). *Taqreer Misbah al-Faqah*, Vol. 4. Qom: Maktabat al-Dawari Publications. (In persian)
- Wasti, Seyed Morteza (1889). *Taj al-Arous min Jawahir al-Qamus*, Vol. 2. Beirut: Dar al-Fikr Printing House. (In persian)
- Yousefi, Hossein (2010). *Trading in Forex*, Vol. 1. Tehran: Danesh Pouyan Publications. (In persian)
- Zabidi, Muhammad bin Muhammad (n.d.). *Taj al-Arous min Jawahir al-Qamus*, Vol. 1. Beirut: Dar al-Fikr Publications. (In persian)

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص. ۵۲۴-۴۹۷

مقاله برای اصلاح به مدت ۸ روز نزد نویسندگان بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰

تحلیل فقهی ریسک‌های شرعی در عقد مرابحه بانکی و شیوه مدیریت آن با رویکرد تسهیم ریسک

مصطفی کاظمی نجف‌آبادی*

عباس یعقوب‌زاده مجرد**

چکیده

از روایات فقهی در باب مرابحه، حفظ دو نوع ریسک شرعی انصراف و هلاکت مال قابل برداشت است که شرط صحت عقد مرابحه می‌باشد؛ لکن خصوصاً با رواج کارت اعتباری مرابحه به کلی مورد غفلت قرار گرفته است. بر اساس آموزه‌های دینی در بانکداری اسلامی، پذیرش ریسک سود و زیان و تسهیم آن بین طرفین، موضوعیت داشته و نباید این ریسک صرفاً بر تأمین مالی‌شونده تحمیل گردد. از سوی دیگر انتقال ریسک تسهیلات و سپرده‌ها در نظام بانکی از طریق بیمه به‌طور مفروض، ممکن نمی‌باشد. در این پژوهش تلاش شده است ابتدا این دو نوع ریسک شرعی با روش اجتهادی معرفی و تبیین گردد و در گام دوم با رویکرد تسهیم ریسک و نهادسازی متناسب آن پیشنهاداتی برای مدیریت و کاهش آن مطرح گردد. مدیریت ریسک انصراف از طریق تشکیل صف انتظار، خصوصاً در بانکداری الکترونیک تا حدودی امکان‌پذیر است. در مورد ریسک هلاکت نیز از طریق نهادسازی متناسب با فرایند عقود بانکی می‌توان زمینه را برای توسعه آن در سایر عقود پریسک نیز فراهم نمود.

واژگان کلیدی: مرابحه، ریسک انصراف، ریسک هلاکت مال، قاعده ربح، تسهیم ریسک.

طبقه‌بندی JEL: G24, Z12

* دکترای تخصصی، استادیار، هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

mostafakazemi@rihu.ac.ir

0000-0003-2271-2714

** دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

yaghoobzadeh@rihu.ac.ir

0009-0005-0228-1066

مقدمه

یکی از عقود بسیار پُرکاربرد در بانکداری اسلامی عقد مرابحه است. عقد مرابحه هرچند طبق نظر مشهور فقهای شیعی مکروه است^۱ (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۸ق)؛ اما به دلیل سادگی، در بسیاری از بانک‌های اسلامی استفاده می‌شود؛ به نحوی که مثلاً در بانکداری اسلامی کویت، حدود ۸۰ درصد تسهیلات صرفاً بر اساس عقد مرابحه به متقاضیان پرداخت می‌شود.^۲

در نظام بانکی ایران نیز هرچند در گذشته استفاده از این عقد محدود بود؛ اما در سال‌های اخیر این شیوه توسعه یافته است. بانک مرکزی در مهر ماه سال ۱۳۹۵، طرح استفاده گسترده از کارت اعتباری مرابحه در شبکه بانکی را آغاز کرد (میثمی، ۱۳۹۵). در آمار بانک مرکزی در آبان ۱۴۰۱، مرابحه بیشترین سهم را در تسهیلات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری داشته است (۳۷,۵ درصد). در رتبه بعد هم فروش اقساطی (۱۴,۱ درصد) قرار دارد^۳ که ماهیتاً به مرابحه نزدیک است^۴ و مجموعاً حدود نیمی از تسهیلات را پوشش می‌دهد.

ریسک در عقود مبادله‌ای نوعاً کمتر از ریسک در عقود مشارکتی است. به‌طور خاص، عقد مرابحه کم‌ریسک‌ترین قرارداد در دسته عقود مبادله‌ای می‌باشد (Khan & Ahmed, 2001, pp. 59-62)؛ اما در عین حال قانون و مقررات ناظر به عقود بانکی و نحوه اجرای آن در نظام بانکداری به سمتی رفته است که همین مقدار ریسک کم نیز پذیرفته نشود تاجایی که بانک را بیشتر به یک بنگاه مبادلاتی که واسطه تبدیل پول به پول است، مبدل ساخته است.

خصوصاً مراجعه به منابع فقهی و بررسی ادله شرعی عقد مرابحه نشان می‌دهد دو

۱. کراهت مرابحه از باب اطلاع مشتری از قیمت اولیه است نه به لحاظ بیع و مبادله بودن آن. از این رو در عقد مساومه که قیمت خرید فروشنده به خریدار نهایی اعلام نمی‌شود، کراهتی نیز وجود ندارد.

۲. برگرفته از تارنمای پژوهشکده پولی و بانکی به آدرس:

https://www.mbri.ac.ir/IslamicBanking/IslamicBanking_Page?News_ID=171097#_ednref1

۳. برگرفته از تارنمای بانک مرکزی به آدرس: <https://www.cbi.ir/simplelist/26483.aspx>

۴. مرابحه علاوه بر پوشش گسترده کالاها برای خرید خدمات مورد نیاز خانوارها، مؤسسات تولیدی، صنعتی و حتی بازرگانی نیز قابل استفاده است، در حالی که در فروش اقساطی چنین امکانی وجود ندارد.

نوع ریسک انصراف و هلاکت مال در عقد مرابحه از متون دینی قابل‌برداشت است که شریعت اجازه صفر کردن آن را نمی‌دهد بلکه می‌بایست با رویکرد تسهیم ریسک، آن را مدیریت نمود؛ اما متأسفانه با شیوع کارتهای اعتباری مرابحه اساساً از این دو نوع ریسک شرعی غفلت شده است. نهادسازی متناسب با این دو نوع ریسک شرعی از اهداف این پژوهش محسوب می‌شود که تاکنون مورد مذاقه قرار نگرفته است.

۱. پیشینه پژوهش

هرچند پیرامون عقد مرابحه و نحوه اجرای آن در عملیات بانکی خصوصاً کارت مرابحه به‌طور مفصل بحث شده است؛ اما نسبت به دو ریسک شرعی انصراف و هلاکت مال و نحوه مدیریت آن، کمتر اثری نگاشته شده است بلکه به‌طور ضمنی در تحلیل عقد مرابحه به آن اشاره شده است.

موسویان (۱۳۹۰، الف)، در مقاله «امکان‌سنجی کاربرد مرابحه در بانکداری بدون ربا»، دو ریسک شرعی انصراف و هلاکت را معرفی می‌نماید. ایشان با ارائه راهکار گرفتن وکالت از مشتری برای تعهد به خرید مرابحه از بانک سعی می‌کند ریسک انصراف را حذف نماید. همچنین در قراردادهای با قیمت‌های زیاد، انعقاد مرابحه سه‌جانبه بانک - مشتری - فروشنده در محل بانک را پیشنهاد می‌دهد؛ البته معراج (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی کاربرد عقد مرابحه در نظام بانکی با تأکید بر فقه و حقوق موضوعه» دو راهکار ارائه شده توسط موسویان را به چالش کشیده است.

میرطاهر و صفایی (۱۳۹۳) نیز در مقاله «طراحی مدل عملیاتی خرید اعتباری سهام بر اساس قرارداد مرابحه و مشارکت مدنی»، معتقدند گرفتن وکالت از مشتری می‌تواند ریسک انصراف را پوشش دهد.

علیزاده (۱۳۹۷)، در مقاله «مرابحه بانکی و مشروعیت آن»، گرفتن تعهد از مشتری جهت انعقاد مرابحه با بانک را خلاف شرع نمی‌داند بلکه معتقد است در صورت تعهد، الزامی برای طرفین ایجاد می‌شود که البته یک تمهید مطمئن برای انعقاد قرارداد اصلی مرابحه است.

هرچند در پژوهش‌های گذشته، گرفتن وکالت و تعهد، راهکاری برای مدیریت

ریسک انصراف تلقی شده؛ اما در خصوص مدیریت ریسک هلاکت مال اساساً طرحی ارائه نشده است. در این پژوهش در تلاش هستیم تا حفظ دو نوع ریسک انصراف و هلاکت مال را از ادله شرعی تبیین نماییم و در گام بعد پیشنهاداتی برای کاهش و نه حذف این دو نوع ریسک مطرح کنیم. لحاظ ریسک‌های شرعی مراجه در طراحی نقشه حرکت به بانکداری اسلامی، در فرضی که حذف کامل سود تضمین شده بانکی مقدور نباشد، یک حلقه مفقوده برای طراحی عملیات بانکی است و تاکنون به آن توجه نشده است. قانون‌مندی و نهادسازی متناسب این دو نوع ریسک در یک مدل مطلوب، می‌تواند یک گام اولیه موفق برای الگوی بانکداری مبتنی بر تسهیم ریسک خصوصاً مقدمه نهادسازی و فرهنگ‌سازی متناسب با عقود مشارکتی در گام بعدی باشد.

۲. اصل تسهیم ریسک در بانکداری اسلامی

یکی از چالش‌های دیرینه در مباحث بازارهای مالی اسلامی، مسئله درآمدزایی «ریسک و مخاطره» و هم‌جهت‌بودن ریسک با بازده می‌باشد. بر اساس آموزه‌های دینی می‌توان یک قاعده مهم اصطیادی از ادله و مدارک و منابع اسلامی را تحت عنوان قاعده ربح با مفاد «ممنوعیت کسب سود از سرمایه بدون قبول ریسک سرمایه» معرفی نمود (یوسفی؛ قنبرزاده و کلاهدوزان، ۱۴۰۱). تعلق سود بازده و ارزش افزوده به دارایی‌ای که ریسک آن توسط مالک، پذیرفته نشده ممنوع است. اسلام با منع سود و ارزش افزوده از هرگونه دارایی‌ای که مخاطره آن توسط مالک پذیرفته نشده است، سیطره بر چنین سود و ارزش افزوده‌ای را غیرشرعی و باطل می‌داند (بکتاش، ۱۳۹۱).

شیخ انصاری در بحث ملازمه بین نماء و درک به برخی از ابعاد این قاعده اشاره می‌کند که هرکسی مالک فایده مالی است، خسارت وارده بر آن مال نیز بر عهده او می‌باشد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص. ۲۰۱). آیت‌الله هاشمی شاهرودی بر اساس شش دسته مختلف نهی‌های روایی مثل نهی از بیعین در بیع واحد و نهی از ربح ما لم یضمن و غیره، یک قاعده کلی را برداشت می‌کند و در تبیین مفاد آن می‌نویسد: «مادامی که مالی برای فردی ضمانت شده باشد به گونه‌ای که اگر آن مال تلف شد، ثمن آن برایش محفوظ باشد، در این صورت دیگر حق سود بردن از آن مال وجود نخواهد داشت.

همان‌طور که در باب ربا، قرض‌گیرنده از طریق قرض گرفتن، ضامن مال قرض‌دهنده بر ذمه‌اش می‌شود؛ فلذا قرض‌دهنده دیگر نمی‌تواند از قرض‌گیرنده طلب ربح و سود کند» (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۸ق).

این قاعده که از آن به‌عنوان «قاعده ربح» تعبیر می‌شود، تطبیقات مهمی در باب‌های مختلف فقه معاملات داشته و نقش مهمی در نظریه اقتصادی دارد.^۵ چراکه با عدم پذیرش این قاعده صاحبان سرمایه مثل بانک‌ها می‌توانند روش‌هایی را اتخاذ کنند تا بدون قبول ریسک و خطرپذیری نسبت به سرمایه، از سود اقتصادی بهره‌مند شوند و تمام خطر را به سمت فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان کالاها و خدمات سوق دهند. درحقیقت در این نظام اقتصادی ربا نیست ولی ملاک تحریم آن هست (یوسفی؛ قنبرزاده و کلاهدوزان، ۱۴۰۱).

بررسی ادله تفصیلی ادله این قاعده از این نوشتار خارج است؛ لکن مفاد قاعده ربح در تحقیق حاضر به‌عنوان اصل موضوعه محسوب می‌شود و بر اساس آن امکان سودبری بانک با صفر کردن ریسک از نظر شرعی ممنوع است.

یکی دیگر از اصول موضوعه در پژوهش حاضر، عدم امکان انتقال ریسک به شخص ثالث در تسهیلات بانکی است. هرچند بیمه یکی از مهم‌ترین روش‌های انتقال ریسک محسوب می‌شود و طرف عمده بسیاری از برنامه‌های مدیریت ریسک می‌باشد؛ لکن مراجعه به ویژگی‌های صنعت بیمه و ادبیات صنعت بیمه‌گری حاکی از آن است که هر ریسکی قابلیت بیمه شدن توسط شرکت بیمه را ندارد و لذا برای هر ریسکی، محصول بیمه‌ای متناسب آن، توسط شرکت‌های بیمه عرضه نمی‌گردد.

ریسک‌هایی قابلیت بیمه‌پذیری دارند که ایستا و خالص باشند؛ اما بیمه‌کردن ریسک‌های پویا و سوداگرانه به دلیل عدم احراز شرایط خاص و همگن بودن ممکن نیست؛ بدین ترتیب ریسک سود و زیان قابلیت بیمه شدن ندارد. توحیدی‌نیا و نصیری ذیل پژوهشی نشان دادند تعدادی از ریسک‌های زیرمجموعه ریسک سود و زیان مثل

۵. و هذه القاعدة - أعني المنع عن الاسترباح برأس المال غير المضمون على مالكة - إذا استطعنا إثباتها بكليتها من الروايات سوف يكون لها تطبيقات مهمة في أبواب عديدة من فقه المعاملات و يكون لها دور خطير في النظرية الاقتصادية (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۸ق).

ریسک نرخ ارز، ریسک قیمت سهام و ریسک قیمت کالا قابلیت بیمه شدن را نداشته و هیچ شرکت بیمه خصوصی نمی‌تواند این ریسک‌ها را بیمه نماید. همچنین اگر شرکت بیمه به هر دلیلی تصمیم به عرضه محصولات بیمه‌ای مرتبط با چنین ریسک‌هایی بگیرد، در صورت تحقق این ریسک‌ها، عدم توانایی در عمل به تعهدات از سوی آن شرکت بیمه بسیار محتمل خواهد بود. بزرگ‌ترین شرکت بیمه جهان AIG^۶ در جریان بحران مالی سال ۲۰۰۸ اگرچه هیچ‌گاه ریسک سود و زیان بانک و حتی ریسک نکول تسهیلات‌گیرندگان بانکی را بیمه نکرد بلکه تنها ریسک نکول اوراق بهادار را تعهد کرده بود که در مقایسه با ریسک سود و زیان بانک‌ها به مراتب کمتر است؛ اما رو به ورشکستگی نهاد. مقامات دولت آمریکا، برای جلوگیری از سرایت بیشتر بحران و ورشکستگی کامل اقتصاد، در ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۸ میزان ۷۹,۹ درصد از سرمایه این شرکت را که به‌خاطر فعالیت در بازار CDS با مشکل مواجه شده بود، به مبلغ ۸۵ میلیارد دلار خریداری کردند (توحیدی‌نیا و نصیری، ۱۴۰۰)؛ بنابراین عملکرد بیمه‌ای به‌عنوان راه انتقال ریسک نمی‌تواند راه‌حل مناسب برای از بین بردن ریسک سود و زیان در عقود مبادله‌ای و مشارکتی باشد.

۳. انواع ریسک‌ها در عقد مباحه نظام بانکی

تعریف‌های متفاوتی از ریسک ارائه شده است که مفهوم اصلی این تعاریف بیانگر وجود نااطمینانی^۷ از رخدادهای آینده است؛ به عبارت دیگر، ریسک نوعی از نااطمینانی به آینده است که قابلیت محاسبه را داشته باشد (اکبریان و دیانتی، ۱۳۸۵) در بانکداری اسلامی بنا بر ماهیت متفاوت آن و اصول شرعی و اخلاقی حاکم بر آن، مدیریت ریسک با تنگناها و گونه‌های مضاعف و متنوع‌تری از ریسک روبه‌روست.

هیئت خدمات مالی اسلامی، انواع ریسک در بانک‌های اسلامی را در چند بخش دسته‌بندی کرده است: ریسک اعتباری، ریسک سرمایه‌گذاری‌های مشارکتی، ریسک بازار، ریسک نقدینگی، ریسک نرخ بازدهی، ریسک عملیاتی (کاظمی‌نژاد، ۱۳۸۸). در

6. International Group American

7. Uncertainty

این میان ریسک اعتباری^۸، ریسک بازار^۹، ریسک نقدینگی^{۱۰} و ریسک عملیاتی^{۱۱} از مهم‌ترین ریسک‌هایی شناخته می‌شوند که در اکثر عقود بانکی و از جمله عقد مرابحه نیز وجود دارد.

در همین راستا پژوهشی با هدف شناسایی جنبه‌های مختلف ریسک و مدیریت آن در بانک‌های اسلامی توسط طریق‌الله خان و حبیب احمد به انجام رسیده است که نتایج این تحقیق در جدول ۱ مشخص است.

جدول (۱): امتیازبندی ریسک‌های اعتباری، بازار، نقدینگی و عملیاتی در عقود مختلف

عقد / نوع ریسک	ریسک اعتباری	ریسک بازار	ریسک نقدینگی	ریسک عملیاتی
مرابحه	۲,۵۶	۲,۸۷	۲,۶۷	۲,۹۳
مضاربه	۳,۲۵	۳	۲,۴۶	۳,۰۸
مشارکت	۳,۶۹	۳,۴	۲,۹۲	۳,۱۸
اجاره	۲,۶۴	۲,۹۲	۳,۱	۲,۹
استصناع	۳,۱۳	۳,۵۷	۳	۳,۲۹
سلف	۳,۲	۳,۵	۳,۲	۳,۲۵
مشارکت تقلیلی	۳,۳۳	۳,۴	۳,۳۳	۳,۴

نتایج پژوهش نشان می‌دهد در ریسک اعتباری و ریسک بازار، عقد مشارکت بیشترین ریسک و مرابحه کمترین ریسک را دارد. در ریسک نقدینگی و ریسک عملیاتی نیز عقد مرابحه در رتبه دوم کم‌ریسک‌ترین‌ها قرار دارد (Khan & Ahmed, 2001, pp. 59-62). در این چهارچوب مرابحه به‌عنوان قراردادی کم‌ریسک از دسته

۸. احتمال عدم برگشت اصل و فرع تسهیلات اعطا شده را ریسک اعتباری می‌گویند.

۹. این ریسک‌ها مربوط به زیان‌های وارده بر دارایی‌های بانک است که بر اثر تغییرات و نوسانات عوامل بازار مانند: نرخ ارز، نرخ بهره و قیمت سهام به‌وجود می‌آید.

۱۰. این ریسک ناشی از مشکل در به‌دست‌آوردن پول نقد (نقدینگی) برای هزینه‌های معقول به‌وسیله وام‌گرفتن (ریسک نقدینگی سرمایه‌گذاری) یا فروش دارایی (ریسک نقدینگی دارایی) است.

۱۱. ریسک عملیاتی، ریسک مستقیم یا غیرمستقیم از دست‌دادن نتایج به‌واسطه فرایندهای ناکافی یا ناصحیح داخل سازمان مثل اشتباه‌های انسانی یا اتفاقات و خطای تکنیکی یا بر اثر اتفاق‌های خارجی است (علم‌الهدی، ۱۳۹۷).

ریسک‌های مبادله‌ای شناخته می‌شود؛ البته دو نوع ریسک دیگر نیز در عقود مرابحه وجود دارد که در ادامه تبیین خواهد شد.

۳-۱-۱. ریسک شرعی انصراف

در شریعت بیع مرابحه، یکی از انواع قرارداد بیع است و مقصود از آن، معامله‌ای است که فروشنده قیمت تمام شده کالا، اعم از قیمت خرید، هزینه‌های حمل و نقل و نگهداری و سایر هزینه‌های مربوط را به اطلاع مشتری رسانده و سپس تقاضای مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود می‌کند (موسویان، ۱۳۹۰، ب، ص. ۱۴). قرارداد بیع مرابحه از لحاظ نوع خرید به دو صورت رایج است: الف) مرابحه عادی؛ در این صورت تاجر کالایی را خریداری کرده منتظر مشتری می‌ماند، هر زمان که مشتری مراجعه کرد با احتساب سود مشخصی کالا را به وی می‌فروشد. ب) مرابحه سفارشی؛ در این صورت مشتری سراغ تاجر رفته، سفارش خرید کالا را برای او می‌دهد، تاجر بعد از سفارش مشتری، کالا را خریداری کرده، با احتساب سود مشخصی به وی می‌فروشد. درواقع فروشنده می‌خواهد نقد بفروشد و خریدار پول ندارد. نفر سومی وارد می‌شود که از فروشنده نقد می‌خرد و به خریدار به نسیه می‌فروشد. غالب معاملات بانکی از نوع دوم (مرابحه سفارشی) آن هم به صورت نسیه^{۱۲} است.

قرارداد بیع مرابحه از جهت شیوه انجام معامله نیز دو صورت دارد: الف) مرابحه اصالتی؛ در این صورت فروشنده خود اقدام به خرید کالا کرده سپس با احتساب سود مشخصی آن را به مشتری می‌فروشد. ب) مرابحه وکالتی؛ در این صورت فروشنده، مشتری را وکیل در خرید کالا کرده سپس کالای خریداری شده توسط مشتری را با احتساب سود مشخصی به وی می‌فروشد. در معاملات بانکی هر دو نوع مرابحه کاربرد دارد، در کالاهایی که ارزش بالایی دارند بانک به صورت مستقیم در خرید و فروش کالا دخالت دارد؛ اما در معاملات خرد، مشتری را وکیل در خرید برای بانک می‌کند. مراجعه به آموزه‌های فقهی و روایی گواه آن است که متقاضی تسهیلات مرابحه،

۱۲. به این صورت که فروشنده با احتساب سود مشخصی، کالا را به صورت نسیه به مشتری می‌فروشد و قیمت آن را به صورت نسیه دفعی یا نسیه تدریجی (به اقساط) در آینده تحویل می‌گیرد.

اجازه انصراف از خرید مرابحه‌ای کالا را در هر صورت داراست؛ لذا ممکن است مشتری سفارش خرید کالایی را به بانک بدهد و بانک بر اساس سفارش او اقدام به خرید و تملک کالا کند؛ لکن مشتری در این فاصله از خرید کالا انصراف دهد، در این فرض کالای خریداری شده روی دست بانک می‌ماند و چه بسا فروشنده اولیه حاضر به پس گرفتن آن نباشد، در نتیجه بانک مجبور شود با تحمل خسارتی کالا را بفروشد (موسویان و دیبان، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۶).

در روایات متعددی حکم اجازه انصراف به عنوان شرط صحت بیع مرابحه مورد تأکید قرار گرفته است که به یک نمونه از آن اشاره می‌شود:

«منصور بن حازم در یک روایت صحیح از امام صادق (علیه السلام) این طور سؤال می‌کند که شخصی از دیگری طلب بیع عینه دارد. به او می‌گوید من نسبت به تو از نیاز خودم مطلع‌ترم. پول را در اختیار من قرار بده تا با آن کالای مورد نیازم را بخرم. پس دراهم را می‌گیرد و کالای مورد نیازش را می‌خرد. سپس آنها را پیش صاحب پول می‌آورد. پس او کالا را به وی می‌فروشد. امام (علیه السلام) فرمود: آیا هریک از این دو اختیار دارد؛ اگر بخواهد خریداری کند و اگر بخواهد ترک کند و بایع هم اگر بخواهد بفروشد و اگر بخواهد ترک کند؟ گفتم: بله چنین اختیاری دارند، امام (علیه السلام) فرمود: اشکالی ندارد»^{۱۳} (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص. ۵۲).

مطابق تصریح روایات مشخص می‌گردد که بعد از خرید کالا توسط بایع ولو به سفارش مشتری، باید امکان انصراف مشتری از انعقاد مرابحه برای مشتری و بایع وجود داشته باشد و نمی‌توان این امکان را سلب نمود. حتی چنانچه مشتری از طرف بایع وکیل در خرید برای بایع باشد، باز هم مشتری باید پس از خرید کالا، امکان انصراف از انعقاد مرابحه با بایع را داشته باشد. وجود چنین حکمی برای مشتری، ریسکی را بر بانک تحمیل می‌کند که در صورت انصراف مشتری، کالا روی دست بانک می‌ماند. هرچند این ریسک خصوصاً در مواردی که مشتری سفارش‌دهنده کالا است یا وکیل بانک برای خرید کالا است، احتمال کمی دارد؛ اما طبق دستورات شرعی نمی‌توان

۱۳. ... فَقَالَ أَلَيْسَ إِنْ شَاءَ اشْتَرَى وَ إِنْ شَاءَ تَرَكَ وَ إِنْ شَاءَ الْبَائِعُ بَاعَهُ وَ إِنْ شَاءَ لَمْ يَبِعْ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ لَا بَأْسَ...

ریسک آن را صفر کرد بلکه این ریسک بر بانک وارد می‌باشد.

موسویان در کاربرد عقد مرابحه می‌نویسد: «سفارش‌دهنده خرید (مشتري) می‌تواند از بانک درخواست کند تا کالای مشمول عقد مرابحه را از بازار یا تأمین‌کننده خاصی تهیه کند. سفارش‌دهنده خرید باید متعهد به خرید دارایی یا کالا از بانک بر اساس سفارش خرید خود باشد. تعهدنامه خرید توسط مشتري باید پیش از اجرای قرارداد مرابحه به انجام رسیده باشد. صورتی که سفارش‌دهنده خرید کالا (مشتري) که با توجه به تعهدنامه مربوطه برای خرید کالا تعهد کرده است، پس از خرید کالا توسط بانک بر اساس شرایط مورد توافق از انعقاد قرارداد مرابحه با بانک امتناع کند، مسئول نقض تعهد خود بوده و ملزم به جبران هزینه‌ها و خسارات وارده به بانک بابت تحصیل کالا و واگذاری آن به شخص ثالث است».^{۱۴} این مطلب در نمونه قرارداد مرابحه بانک مرکزی نیز وجود دارد. در ماده ۲ قرارداد آمده است: «موضوع قرارداد عبارت است از فروش اموال / ارائه خدمات به متقاضی با مشخصات زیر متقاضی از کمیت، کیفیت و اوصاف مورد معامله مطلع بوده و حسب درخواست و تعهدنامه مورخ ... که به امضای وی رسیده، متعهد به خرید / دریافت آن از بانک / مؤسسه اعتباری شده است».

در توضیح این تعهد گفته شده است که تقاضای خرید مشتري و تعهد او به خرید از بانک اگرچه در قالب تعهد یک‌طرفی است؛ لکن به جهت اینکه مورد قبول بانک قرار می‌گیرد، سبب ایجاد قراردادی الزام‌آور بین طرفین می‌گردد. این قرارداد الزام‌آور به منزله وقوع قرارداد نهایی مرابحه بین طرفین نیست بلکه طرفین تمهیدی اندیشیده تا با جمع آمدن شرایط، قرارداد اصلی را با ایجاب و قبول دیگری منعقد سازند (علیزاده، ۱۳۹۷). هرچند در فقه اهل سنت، تعهد مشتري و وعده او به خرید مرابحه پذیرفته شده^{۱۵} و در قانون بانکداری اسلامی اردن به آن تصریح شده است^{۱۶}؛ اما با توجه به روایات منابع

۱۴. ارائه شده توسط استاد موسویان در تارنمای پژوهشکده پولی و بانکی: <https://mbri.ac.ir>

۱۵. با وجود اختلاف در فقه اهل سنت، بسیاری از فقهای اهل سنت این وعد را الزامی دانسته‌اند. ادله تفصیلی آن را می‌توان در کتاب «بیع المرابحه للأمر بالشراء» اثر دکتر حسام‌الدین موسی عفانه پیگیری نمود.

۱۶. در قانون بانکداری اسلامی اردن مصوب ۱۹۸۵، در تعریف عقد مرابحه برای دستوردهنده خرید آمده است: «بیع المرابحه للأمر بالشراء؛ قیام البنك بتنفيذ طلب المتعاقد معه علی اساس شراء الاول ما يطلبه الثاني بالنقد الذی

شیعی که مطرح شد چنین تعهدی از سوی مشتری قطعاً صحیح نیست بلکه چنین ریسکی بر بانک وارد است. شیخ انصاری در توضیح روایات مذکور معتقد است اگر وعده ملزم بین طرفین باشد، سبب می‌شود که وعده تبدیل به عقد گردد؛ زیرا الزام بارزترین خصوصیت عقد است درحالی‌که وعده، اعتبار عقد را ندارد. اگر مشتری را براساس این وعده ملزم نماییم، بیع با این وعده منعقد می‌گردد و هیچ اختیاری برای طرفین برای احداث ایجاب جدید نیست، حتی اگر ایجاب و قبول هم بین طرفین ایجاد گردد احتیاجی بدان نخواهد بود و عقد صوری می‌گردد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص. ۴۴۹).

الف) مغایرت کارت اعتباری مباحه نسبت به ریسک انصراف

در راستای اجرایی کردن هرچه بیشتر عقد مباحه متناسب با نیازهای جامعه و همگام با توسعه فناوری‌های نوین بانکداری الکترونیک، کمیسیون اعتباری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، دستورالعمل اجرایی کارت اعتباری بر پایه عقد مباحه را در سال ۱۳۹۰ تصویب کرد. از آنجایی که منابع مورد نیاز برای کارت اعتباری مباحه از محل سپرده‌های مدت‌دار بانک یا مؤسسه اعتباری تأمین می‌شود، مشکل کمبود منابع تخصیص‌یافته به این نوع کارت‌ها نسبت به کارت‌های اعتباری قبلی مبنی بر قرض‌الحسنه، وجود نداشت (محرابی، ۱۳۹۰).

در سامان‌دهی معامله‌های کارت اعتباری براساس قرارداد مباحه، از ترکیب چند قرارداد استفاده می‌شود و صحت شرعی معامله با کارت اعتباری به صحت همه آنها منوط است. مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: وکالت در خرید، خرید وکالتی، فروش مباحه‌ای نسبی، تخفیف در بدهی در صورت پرداخت زودتر از موعد، جریمه تأخیر در صورت عدم پرداخت اقساط در زمان موعد (میثمی، ۱۳۹۵).

میثمی و ملاکریمی این فرایند را این‌طور توضیح می‌دهند: زمانی که مشتری در جایگاه وکیل بانک به فروشگاه مراجعه کرده و به خرید کالاها اقدام می‌کند، کارت تسهیلات مباحه را در دستگاه پایانه فروش قرار می‌دهد و با انجام دادن این کار، بانک

قیمت کالاها و خدمات را به فروشگاه پذیرنده کارت می‌پردازد و کالا را تملیک می‌کند. سپس بانک کالاها و خدمات خریداری شده را به دارنده کارت به صورت بیع مرابحه نسبه برای مدت زمان معین و با نرخ سود مشخص می‌فروشد؛ به طور مثال، کالاها و خدمات خریداری شده را با احتساب نرخ سود ۲۰ درصد و با سررسید سه ساله به مشتری می‌فروشد. در ادامه، مشتری کالاها و خدمات خریداری شده را تملیک می‌کند و از فروشگاه تحویل می‌گیرد. در عمل، با دریافت کارت تسهیلات از بانک، وکالت در خرید اتفاق می‌افتد و با قرار دادن کارت در دستگاه پایانه فروش، بیع نقد کالا برای بانک و فروش اقساطی کالا توسط بانک به مشتری (به صورت همزمان) اتفاق می‌افتد که هیچ اشکال شرعی ایجاد نمی‌کند. فقط مشتری باید متوجه این مطلب باشد که ابتدا برای بانک خریداری کرده است و سپس بانک کالا را به وی می‌فروشد؛ هرچند این معاملات همزمان اتفاق می‌افتد. پس از اتمام عملیات خرید کالاها و خدمات توسط مشتری، عقد مرابحه به لحاظ شرع و حقوق منعقد شده و مشتری نسبت به اصل و سود قرارداد به بانک بدهکار است. در اینجا به صورت شرط ضمن عقد در قرارداد درج می‌شود که مشتری سود تسهیلات را به صورت اقساط به بانک بپردازد و اصل تسهیلات را نیز به صورت دفع در سررسید بازگرداند (میثمی و ملاکریمی، ۱۳۹۹).

با توجه به مباحث قبل مشخص می‌شود که این هم‌زمانی در خرید نقدی توسط بانک و فروش آن به طور نسبه به مشتری صحیح نیست بلکه بایستی بعد خرید نقدی بانک این فرصت به مشتری داده شود که اگر خواست بیع مرابحه را امضاء کند یا اگر خواست آن را رها کند. در حالی که در فرایند کارت اعتباری مرابحه چنین فرصتی فراهم نشده و بلافاصله و به طور همزمان این دو بیع اتفاق می‌افتد. همچنین روایاتی در منابع دینی هست که صریحاً از انعقاد دو بیع در یک عقد واحد منع نموده‌اند. محمد بن قیس می‌گوید: امیرالمؤمنین (علیه السلام) از بیع سه نفر در یک بیع واحد منع نمودند به این صورت که شخص اول به شخص دوم می‌گوید این کالا را از شخص سومی بخر و من به صورت نسبه‌ای بیشتر از آن مقدار را به تو می‌دهم و این دو معامله را در یک معامله قرار می‌دهد. امام علی (علیه السلام) فرمودند: شخص سوم در حالت نسبه، فقط

به همان مقدار نقد می‌تواند بپردازد، نه بیشتر از آن. سپس فرمودند: کسی که قبل از الزام دیگری، خودش کالایی را بنفسه خریده باشد، می‌تواند به هر مقدار آن را بفروشد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص. ۴۸).

علامه مجلسی در ملاذ الاختیار در توضیح این روایت می‌گوید: «چنانچه در یک معامله، شخصی به دیگری امر کند که برای او کالایی را نقد بخرد و سپس به‌طور نسیه به او بیشتر از آن را بپردازد، این معامله ربا می‌شود؛ اما اگر دو بیع مجزا باشند به این‌صورت که فروشنده بنابر سفارش شخص اول کالایی را نقد بخرد و به‌طور مجزا در بیع دوم به او به‌صورت نسیه‌ای بفروشد اشکالی نخواهد داشت» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص. ۵۵۸).

تطبیق این دو روایت در محل بحث به این صورت است که چنانچه از طریق خرید کارت اعتباری، بانک کالای مورد نیاز مشتری را برای او نقداً خریداری کند و هم‌زمان مشتری را ملزم به پرداخت با قیمت بیشتر به‌صورت نسیه، به بانک کند، مطابق مفاد روایات مذکور گرفتن مقدار بیشتر از قیمت نقدی صحیح نبوده و باید در دو بیع جداگانه و با پذیرش ریسک انصراف مشتری همراه باشد.

نکته مهم آن است که از مجموع این روایات برداشت می‌شود این اجازه انصراف از بیع مرابحه، یک حق برای مشتری نیست که قابلیت اسقاط ولو به نحو اشتراط را داشته باشد بلکه اساساً از آنجایی که روایات، بر عدم اسقاط اجازه مشتری تأکید دارند، می‌توان برداشت کرد این اجازه انصراف یک حکم شرعی است که قابلیت چشم‌پوشی از آن توسط طرفین وجود ندارد. چراکه در اینجا بیم ربا در میان است و به اجماع فقها، ربا ولو به رضایت طرفین باطل است.

۳-۲. ریسک هلاکت مال

دومین ریسکی که در عقد مرابحه از آموزه‌های دینی قابل برداشت است، ریسک هلاکت مال است. در عقد مرابحه ممکن است مشتری سفارش خرید کالایی را به بانک بدهد و بانک بر اساس سفارش او اقدام به خرید و تملک کالا کند؛ لیکن تا مشتری اقدام به خرید مرابحه کند، کالا سرقت شود یا عیب پیدا کند و مشتری حاضر به خرید کالا نباشد، در این

فرض بانک وارد ریسک ناخواسته‌ای می‌شود (موسویان و دیبان، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۶).

اساساً ریسک هلاکت مال با توجه به ریسک انصراف موضوعیت پیدا می‌کند؛ زیرا چنانچه ریسک انصراف صفر شود همان‌طور که در کارت مرابحه این‌طور است، اساساً هلاکت مال نیز معنای محصلی نخواهد داشت؛ زیرا دو بیع نقد و نسیه هم‌زمان رخ داده و هلاکت مال بین دو زمان بیع نقد و نسیه ممکن نیست؛ اما اگر ریسک انصراف را پذیرفتیم همان‌طور که در بخش قبل آن را اثبات کردیم، ممکن است کالا قبل از تحویل بانک به مشتری دچار هلاکت شود. در این‌صورت ریسک هلاکت مال نیز بر بانک تحمیل می‌شود و بانک نمی‌تواند آن را به دوش مشتری بیندازد.

در روایات متعددی به ریسک هلاکت مال اشاره شده است که در مدت زمان بین خرید و فروش، فروشنده (مالک کالا) باید ضامن هلاکت و تبعات مال باشد؛ به‌عنوان نمونه منصور بن حازم در روایت صحیح می‌گوید: «از امام صادق (علیه‌السلام) پرسیدم: مشتری می‌آید و لباس معینی را جوینا می‌شود. آن مرد می‌گوید: من این قماش را ندارم، این وجه نقد را بگیر و آن را خریداری کن. مشتری می‌رود و با پول تاجر، قماش دلخواه خود را می‌خرد و پیش تاجر می‌آورد و با او معامله می‌کند. این معامله چه صورت دارد؟ امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: آیا چنین نیست که اگر قماش مزبور، تلف شود، خسارت آن بر عهده صاحب دراهم است؟ من گفتم: چرا. امام (علیه‌السلام) فرمود: اگر مشتری صلاح ببیند، کالا را از این تاجر می‌خرد و اگر نه خریداری نمی‌کند؟ من گفتم: بله همین‌طور است. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: مانعی ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۲۰۴).

این روایت از جهت مضمون روشن است که ریسک و خطر کالای خریداری شده را بر عهده تاجر و صاحب سرمایه قرار می‌دهد. شرط صحت بیع مرابحه آن است که خسارت مال تلف شده قبل از بیع مرابحه، از جیب مالک و فروشنده باشد.

برای تطبیق آموزه‌های شرعی در محل بحث، می‌بایست در دو بخش توضیحاتی را ارائه داد. بخش اول مربوط به مرابحه و کالتی است که بانک، مشتری را وکیل در خرید کالا می‌کند تا کالا را در اختیار بانک قرار دهد. چنانچه در حین وکالت مشتری، سرمایه بانک در دست او بدون تقصیری (افراط و تفریط) تلف شود، از نظر شرعی نمی‌توان

مشتری را ضامن سرمایه قرار داد؛ زیرا ید وکیل، ید امانی است و طبق نظر مشهور فقها در عقود امانی مثل وکالت، شرط ضمان امین به نحو شرط نتیجه^{۱۷} باطل است. توضیح بیشتر آنکه در عقود امانی مانند اجاره، ودیعه، مضاربه، وکالت و... در صورت نقصان یا تلف شدن مال تحت تصرف شخص، او ضامن نیست مگر به تعدی و تفریط؛ زیرا شرط ضمان وکیل مخالف مقتضای امین دانستن وکیل است. همچنین اذن مالک به تصرف، اذن ضمنی به تلف قهری هم هست؛ زیرا اذن به تصرف نمی‌تواند مقید به بقای سرمایه بدون تلف قهری باشد، چون علم به این تلف حین عقد وجود ندارد، برخلاف عاریه که اذن تنها در تصرف است که منافات با تلف قهری ندارد، مستعیر حقی در مال ندارد جز انتفاع، مالک می‌تواند آن را مقید به عدم تلف کند، ولی در وکالت خرید، تقیید اذن مساوق با عدم اذن فعلی است که منافای با مقتضای عقد است (حسینی، ۱۳۹۹).

همچنین تضمین به نحو شرط فعل نیز طبق قاعده ربح که قبلاً توضیحش گذشت، صحیح نمی‌باشد؛ زیرا در تضمین به نحو شرط فعل، بانک بدون اینکه متحمل ریسک تلف باشد، منافع حاصل از خرید کالا را به‌دست می‌آورد. درحالی‌که طبق قاعده ربح، خسارات به شخصی وارد می‌شود که منافع آن نیز به او برگشت دارد که شیخ انصاری از آن تعبیر به «تلازم نماء و درک» می‌کند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص. ۲۰۱). شهید صدر در البنک اللاربوی (صدر، ۱۴۰۱ق، ص. ۱۸۸) می‌فرماید: «روایت معتبره محمد بن قیس مربوط به مضاربه که یکی از عقود امانی است. تعبیر «مَنْ ضَمَّنَ تَاجِرًا فَلَيْسَ لَهُ إِلَّا رَأْسُ الْمَالِ وَ لَيْسَ لَهُ مِنَ الرَّبْحِ شَيْءٌ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص. ۲۲۸) نسبت به شرط فعل و شرط نتیجه مطلق است و عرف شرط تدارک خسارت (شرط فعل) را نیز نوعی تضمین عامل می‌داند و «مَنْ ضَمَّنَ تَاجِرًا» را صادق بر شرط تدارک خسارت نیز محسوب می‌کند، نه اینکه این روایت فقط منحصر در شرط نتیجه باشد». تأکید مجدد آنکه عدم جواز شرعی تضمین ریسک هلاکت فقط در حالت قصور وکیل می‌باشد؛ اما چنانچه در هلاکت مال مقصر باشد و افراط یا تفریطی کرده باشد، می‌توان او را ضامن شرعی قرار داد.

۱۷. شرط نتیجه به این صورت است که در صورت تلف شدن کالا، ضمانت کالا بر عهده عامل می‌باشد؛ اما شرط فعل آن است که در صورت تلف شدن کالا، عامل ملزم است خسارت وارده را از جیب خود تدارک نماید.

بخش دوم مربوط به بعد از خرید کالا است که حکم آن روشن تر است. در این حالت کالا در ملکیت بانک قرار گرفته است و سه صورت برای تلف آن کالا متصور است. حالت اول تلف شدن کالا قبل از بیع مرابحه است، در این حالت مطابق روایاتی که ذکر گردید کالا از جیب مالک (بانک) خارج می شود. همچنین ملکیت و منافع کالا در اختیار بانک است و خسارت نیز به او وارد می شود. حالت دوم تلف شدن کالا بعد از انشاء بیع مرابحه و قبل از قبض مشتری است، در این حالت نیز با توجه به قاعده «تلف المبیع قبل قبضه من مال بایعه» خسارت بر فروشنده (بانک) وارد می باشد. حالت سوم تلف شدن کالا بعد از بیع مرابحه و قبض مشتری است، در این حالت تلف کالا از مال مشتری خواهد بود؛ زیرا مشتری مالک است و خسارات نیز متوجه اوست.

نکته مهم آن است که از طریق اشتراط، نمی توان این خسارت را به دیگری منتقل کرد؛ زیرا شرط مشرّع نیست بلکه مشروط باید با قطع نظر از شرط، مشروع باشد تا شرط نافذ باشد؛ یعنی جایی شرط نافذ است که مشروعیت شرط با قطع نظر از ادله نفوذ شرط مفروض باشد یا از این باب که متعلق شرط با قطع نظر از تعلق شرط به آن، امر جایزی باشد. بر این اساس شرط نمی تواند تلازم نماء و درک را مقید نماید.

الف) مغایرت مفاد قانونی عقد مرابحه نسبت به ریسک هلاکت

در قراردادهای مرابحه در نظام بانکی ریسک هلاکت مال بر متقاضی تسهیلات بار شده است. بند ۳ ماده ۵ و بند ۲ ماده ۱۵ قرار داد مرابحه بانک انصار مقرر می دارد در صورتی که قبل از خرید مورد معامله مبلغ تسهیلات تلف شود و از بین برود مشتری مکلف است از مال خود مجانی به بانک تملیک نماید. مفاد این بند تضمین وکیل به نحو شرط فعل است، درحالی که در قرارداد مرابحه مشتری وکیل بانک می باشد و وکیل امین است.

همچنین در ماده ۸ نمونه قرارداد مرابحه بانک مرکزی آمده است: «پرداخت تمامی هزینه های مربوط و انجام کلیه تشریفات انتقال اموال یا خدمات موضوع این قرارداد بر عهده متقاضی بوده و متقاضی حق مطالبه وجهی بابت هزینه های مربوط از جمله حق الوکاله را از خود سلب و ساقط نمود». قید تمامی هزینه ها شامل هزینه تلف شدن

کالا نیز می‌باشد که بر عهده متقاضی گذاشته شده است. در این نمونه قرارداد مرابحه نسبت به ریسک تلف کالا در حالت وکالت متقاضی و همچنین حالتی که کالا در اختیار بانک برای انعقاد مرابحه قرار می‌گیرد، تفکیکی صورت پذیرفته است و به‌طور کلی تمامی هزینه‌ها به متقاضی واگذار شده است که مغایر با قاعده ربح است. قضاوت عرف حاکی از آن است که بانک در این موارد، کاری جز ارائه پول با بهره ثابت و بدون ریسک نکرده است و این عملیات ماهیتاً با طلب بهره تفاوتی ندارد؛ زیرا به‌رحال مشتری ربا نیز تسهیلات را نهایتاً برای خرید کالا و خدمات استفاده خواهد کرد و عملاً هرگونه ربا قابل تبدیل به مرابحه به این معنا است.

۴. مدیریت ریسک انصراف و هلاکت مال

ماهیت و نوع ریسک در بانکداری اسلامی که نتیجه به‌کارگیری عقود اسلامی است، با ریسک‌های بانکداری مرسوم متفاوت است. بانک‌های اسلامی از ریسک مضاعفی نسبت به بانکداری مرسوم برخوردارند؛ زیرا در تفکر اقتصاد اسلامی رابطه برنده - بازنده قابل‌پذیرش نیست. رفتارهای اقتصادی طرفین به‌گونه‌ای است که ضمن سهیم بودن در منافع آن، مسئولیت زیان‌های احتمالی را مشترکاً بپذیرند. مطابق این دیدگاه، در کلیه قراردادهای اسلامی در نظام بانکداری اسلامی امکان واگذار نمودن ریسک هیچ‌یک از فعالیت‌های خود به طرف مقابل وجود ندارد و در مجموع سبد آن از ریسک بالاتری برخوردار است. بر این اساس مدیریت ریسک مؤثر و کارآمد در بانکداری اسلامی به یک راهبرد دوگانه مبتنی بر یک چهارچوب مقرراتی مناسب و همچنین گسترش مطلوب نهادها، نیاز دارد (علم‌الهدی، ۱۳۹۷).

هرچند عقد مرابحه از کم‌ریسک‌ترین عقود بانکی می‌باشد؛ اما لحاظ ریسک‌های شرعی عقد مرابحه و قانون‌مندی و نهادسازی متناسب آن در یک مدل مطلوب، می‌تواند یک گام اولیه موفق برای الگوی بانکداری مبتنی بر تسهیم ریسک باشد که طبعاً در سایر عقود به خصوص عقود مشارکتی ثمرات به مراتب بیشتری خواهد داشت. درواقع فرهنگ پذیرش ریسک از سوی طرفین معامله و تسهیم و توزین ریسک، راه علاج خروج از عقود صوری بانکی است که می‌توان آن را در عقود کم‌ریسک آغاز نمود.

ریسک انصراف مشتری از انعقاد مرابحه یکی از ریسک‌هایی است که منابع دینی به آن تصریح کرده‌اند. راهکاری که برای مدیریت این ریسک ارائه شده آن است که در مواردی که موضوع قرارداد مرابحه کالای با قیمت زیاد است، مانند خرید و فروش زمین، ساختمان، تأسیسات، خط تولید، کشتی، هواپیما، پس از انجام تشریفات تعیین کالا و شناسایی فروشنده اصلی و توافق روی قیمت و نرخ سود، از فروشنده اصلی و مشتری بانک دعوت می‌شود در موعد مشخصی در بانک حاضر شوند و قرارداد خرید بانک و فروش مرابحه در یک مجلس و بدون فاصله منعقد می‌شود. یعنی بانک از یک سوی کالای مورد نظر را خریداری کرده و از سوی دیگر آن را می‌فروشد. در مواردی که موضوع قرارداد مرابحه کالای با قیمت کم است، مانند لوازم خانگی، مصالح ساختمانی یا خدمات مصرفی، پس از انجام تشریفات تعیین کالا و شناسایی فروشنده اصلی و توافق روی قیمت و نرخ سود، بانک به مشتری وکالت می‌دهد تا وی کالا را برای بانک خریداری کند و در ضمن قرارداد حق فسخ برای بانک قرار دهد، سپس سراغ بانک بیاید تا بانک کالا را به مشتری بفروشد. بانک با فروش کالا به مشتری، از طریق همان مشتری قیمت خرید را طی چک به فروشنده اولیه می‌رساند و مشتری با پرداخت چک کالایی را که حالا مال خودش شده از فروشنده تحویل می‌گیرد (موسویان، ۱۳۹۰، ب).

راهکار اول ارائه شده مفید نیست؛ زیرا این شیوه اجرا برای بانک دشوار است و اگر مشتری قصد انصراف از خرید کالا را داشته باشد در همان زمان کم هم می‌تواند این کار را بکند و بانک را با چالش مواجه سازد (معراج، ۱۳۹۹). وکالتی کردن خرید مشتری در راهکار دوم نیز ارتباطی به انصراف مشتری از خرید مرابحه ندارد؛ زیرا مشتری بعد از خرید وکالتی برای بانک می‌تواند از انعقاد مرابحه با بانک خودداری کند و این انصراف ارتباطی با وکیل بودن او در خرید ندارد.

به نظر می‌رسد باید ریسک انصراف مشتری را به رسمیت شناخت و برای مدیریت آن برنامه‌ریزی کرد. آنچه در مورد مدیریت ریسک انصراف می‌توان پیشنهاد داد تشکیل صف انتظار برای کالای مرابحه‌ای است. توضیح آنکه عقد مرابحه، بیشتر در کالای مصرفی با دوام کاربرد دارد که از جمله به اقلام جهیزیه، خودرو، مسکن و تجهیزات

کارخانجات و... تعلق می‌گیرد. در همه این اقلام می‌توان از متقاضیان تسهیلات مرابحه نسبت به هر کالای مرابحه‌ای یک صف انتظار تشکیل داد تا چنانچه یکی از متقاضیان نسبت به خرید مرابحه انصراف داد، طبق فهرست بتوان متقاضی بعدی را جایگزین او نمود. خصوصاً در بانکداری الکترونیک می‌توان کالاهای مرابحه‌ای را نمایش داد تا متقاضیان بر اساس نیازی که دارند، نوع کالای خود را انتخاب کنند و از این طریق صف انتظار آن کالا شکل بگیرد. هرچند در بیشتر موارد، «تحلیل بازار» مناسب از سمت بانک می‌تواند جایگزین تشکیل صف انتظار بالفعل گردد.

در مورد کارت‌های اعتباری نیز بعد از خرید وکالتی مشتری برای بانک، به‌سادگی می‌توان در پلتفرم‌های الکترونیکی هر بانک، گزینه تأیید برای بیع مرابحه فعال شود که متقاضی پس از تأیید این گزینه در حقیقت به بیع مرابحه با سود مشخص رضایت داده و بیع مرابحه به‌صورت نسبی منعقد می‌گردد. از آنجایی که شرعاً می‌بایست بعد از خرید وکالتی مشتری برای بانک و بیع مرابحه فاصله زمانی باشد، فعال کردن گزینه تأیید بیع مرابحه توسط متقاضی می‌تواند آن را تصحیح نماید.

در مورد ریسک هلاکت مال نیز می‌بایست از طریق نهادسازی مناسب، آن را مدیریت نمود. ریسک در هلاکت مال باید تفکیک شود: ۱- ریسک ناشی از قصور، ۲- ریسک ناشی از تقصیر؛ زیرا چنانچه هلاکت ناشی از قصور باشد قابلیت ضمانت ندارد اما چنانچه ناشی از تقصیر باشد ضمانت‌پذیر است. این تفکیک در شرایطی است که متقاضی از طرف بانک وکیل به خرید شده است؛ اما بعد از خرید کالا و تملک بانک، هلاکت مال به‌کلی برعهده بانک است تا آنکه کالا را به متقاضی تحویل دهد. اصل این تفکیک میان ریسک قصور و تقصیر، تلاشی است برای «کاهش ریسک» در عملیات تسهیم ریسک. از این‌رو نیاز به نهادی برای تشخیص خسارت ناشی از «قصور» نسبت به خسارت ناشی از «تقصیر» خواهد بود.

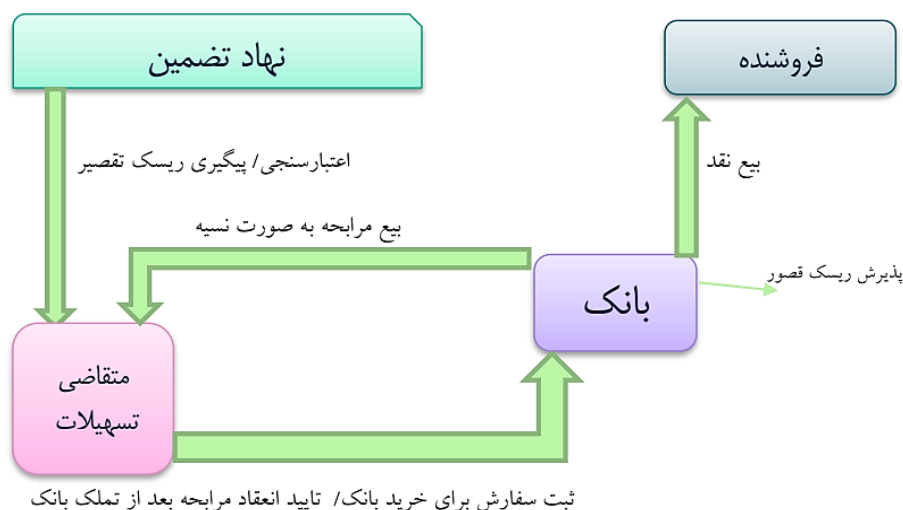
همچنین می‌توان نهاد «تضمین حسن اجرای تعهدات» را نیز ایجاد نمود تا ریسک نکول متقاضی از پرداخت اقساط و ریسک‌های ناشی از تقصیر متقاضی را تضمین کند. نکته قابل توجه آن است که تضمین دو ریسک نکول و ریسک ناشی از تقصیر، مانع از استحقاق سود سرمایه‌گذار نسبت به سرمایه نخواهد بود و ذیل قاعده ربح قرار

نمی‌گیرد. نهاد تضمین به صورت تخصصی، مسئول «نقد کردن دیون» است. این نهاد تخصصی می‌تواند از شخص بدهکار، در جهت عملیاتی کردن وصول مطالبات، هرگونه وثیقه یا سفته و اوراق مالی دریافت کند؛ البته برای جلوگیری از ریسک نکول راهکارهای متعددی به طور مفصل ارائه شده است؛ اما در هر صورت اعتبارسنجی متقاضی و گرفتن وثایق مناسب، از ویژگی‌های اصلی نهاد تضمین می‌باشد.

در خرید و کالتی برای بانک، متقاضی امین بانک محسوب می‌شود. اثر امانی بودن عقد دو امر است: یکی استیمان و دیگری پذیرش قول امین مبنی بر عدم تقصیر؛ یعنی بار اثبات تقصیر بر دوش مالک (بانک) است و او فقط باید اثبات کند که رفتار امین در تلف مال اثر داشته است و برای احراز تقصیر هم رفتار متعارف اهل فن و متخصص در هر حرفه‌ای ملاک است (حسینی، ۱۳۹۹). به نظر می‌رسد اگر در طراحی مدل مطلوب، نهاد تضمین را به صورت تخصصی در کنار بانک قرار دهیم، می‌توان وظیفه تشخیص تقصیر از قصور را نیز به بانک سپرد؛ زیرا بانک از یک سو اگر همه خسارات را ناشی از تقصیر متقاضی جلوه دهد و همه آن‌ها را به نهاد تضمین ارجاع دهد، اعتبارش نزد نهاد تضمین کاسته می‌شود و نهاد تضمین حاضر نمی‌شود با چنین بانکی همکاری نماید. از سوی دیگر چنانچه همه خسارات را ناشی از قصور بداند، اگر منابع مرابحه از محل سپرده‌های مدت‌دار بانک باشد که غالباً اینطور است، در این صورت خسارات به سپرده‌گذاران بانک وارد می‌شود و اعتبار بانک برای جذب سپرده خدشه‌دار می‌گردد؛ بنابراین بانک بین دو کسر اعتبار قرار می‌گیرد و تعارض منافی برای بانک به وجود نمی‌آید. اگر چنانچه منابع مرابحه از محل سپرده‌های قرض‌الحسنه باشد، خسارات ناشی از قصور به خود بانک وارد شده و از سرمایه بانک کاسته می‌گردد. پس در این حالت هم بانک بین دو کسر اعتبار و سرمایه قرار می‌گیرد. همچنین نهاد تضمین به دلیل این که تشخیص ریسک قصور از تقصیر به دست او نیست، می‌تواند «اعتبارسنجی» را به عهده بگیرد؛ زیرا انگیزه دارد قبل از صدور تضمین برای هر متقاضی، اعتبار او را بسنجد. نهاد تضمین به ازای هر پروژه‌ای که می‌گیرد، حق‌العمل و کارمزد خود را متناسب با مبلغ ضمانت شده از کسی که مالک کالا است و می‌خواهد در بیع مرابحه آن را بفروشد (سپرده‌گذاران یا بانک) دریافت می‌کند.

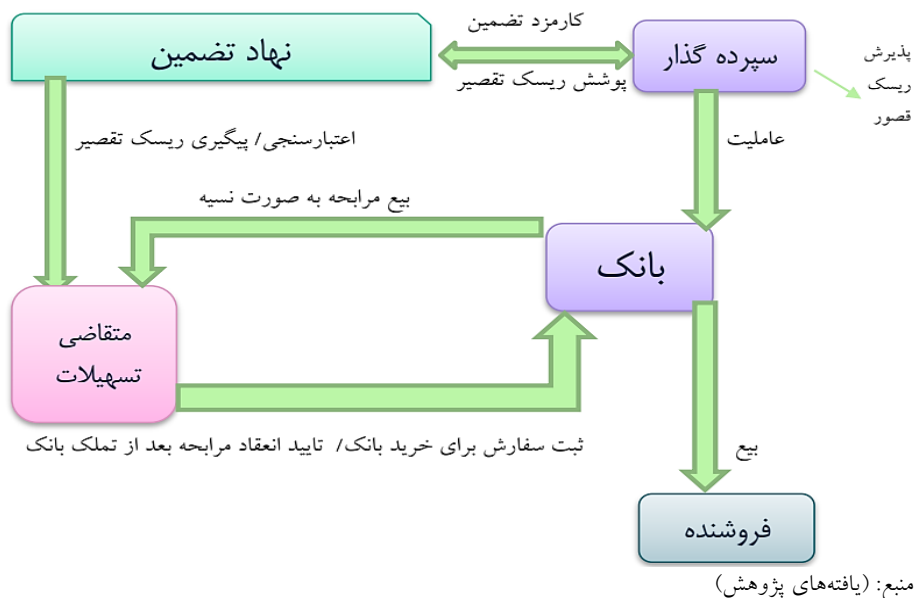
بعد از اینکه بانک، اثبات کرد مشتری در تلف سرمایه مقصر است، او را به نهاد تضمین معرفی می‌کند تا نهاد تضمین بر اساس وثایقی که از او گرفته است، مال تلف شده را تدارک کند؛ اما چنانچه کارشناسان تخصصی نهاد تشخیص ریسک تقصیر از قصور، نتوانستند تقصیر متقاضی را اثبات کنند و خسارت وارد شده قصوراً محقق شده باشد، در این صورت چنانچه منابع مرابحه از محل سپرده‌های مدت‌دار باشد، خسارت وارده از جیب سپرده‌گذاران محسوب می‌شود و اگر منابع مرابحه از سپرده‌های قرض‌الحسنه باشد، خسارات وارده از جیب بانک می‌رود.

بنابراین تفکیک میان خسارات ناشی از تقصیر و قصور، راهکاری عملیاتی برای تسهیم ریسک بین طرفین خواهد بود که منجر به کاهش ریسک می‌شود؛ البته برای کاهش (و نه حذف) ریسک خسارات ناشی از قصور که بر سپرده‌گذاران بانکی وارد می‌شود، راهکارهایی ارائه شده است که نیاز به بحث جداگانه دارد. روند کلی تسهیلات مرابحه و مدیریت ریسک‌های شرعی عقد مرابحه را می‌توان در دو نمودار زیر پیگیری نمود.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

نمودار (۱): روند بیت مرابحه در صورتی که منابع مرابحه از سپرده‌های قرض‌الحسنه باشد



نمودار (۲): روند بیع مرابحه در صورتی که منابع مرابحه از سپرده‌های مدت‌دار باشد

تلقی مختار از ادله شرعی آن است که شارع، مرابحه را به‌عنوان گامی نخست در جهت «نهادسازی و فرهنگ‌سازی» به‌سوی ریسک‌های بالاتر در عقود پُریسک در نظر گرفته است. بانک در نقشه کلان خود با دارا شدن نهادهایی همچون «تفکیک ریسک قصور از تقصیر» و «صندوق تضمین حُسن اجرای تعهدات» می‌تواند به‌سوی اجرای راحت‌تر عقود مشارکتی پُریسک حرکت کند. از این‌رو اصرار بر حفظ ریسک عقد مرابحه کاملاً قابل فهم می‌باشد؛ زیرا تلاش برای حذف همین مقدار ریسک کم در عقد مرابحه، به بهانه تأثیر کم آن در عملیات بانکی، نهاد بانک را به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد وساطت تأمین مالی، برای پذیرش هر نوع ریسکی عقیم خواهد نمود.

نتیجه‌گیری

از روایات فقهی این‌طور برداشت شد که پذیرش ریسک انصراف و ریسک هلاکت از شرایط صحت عقد مرابحه است که خصوصاً با رواج استفاده از کارت اعتباری مرابحه کاملاً مورد غفلت قرار گرفته است. ریسک انصراف ریسک انصراف مشتری از انعقاد مرابحه است ولو که خودش سفارش خرید آن کالا را به بانک داده باشد و حتی برای خرید آن از سوی بانک وکیل شده باشد. ریسک هلاکت مال نیز در صورتی مطرح می‌شود که کالا قبل از تحویل متقاضی مرابحه، تلف شود. آموزه‌های فقهی نشان می‌دهد امکان صفر کردن این ریسک برای بانک وجود ندارد و می‌بایست آن را به رسمیت شناخت و برای مدیریت آن برنامه‌ریزی نمود.

مدیریت ریسک انصراف از طریق تشکیل صف انتظار یا تحلیل بازار توسط بانک تا حدودی امکان‌پذیر است. به این صورت که در بانکداری الکترونیک می‌توان انواع کالاهای مرابحه‌ای را نمایش داد تا متقاضیان بر اساس نیازی که دارند، نوع کالای خود را انتخاب کنند و از این طریق صف انتظار آن کالا شکل بگیرد. خصوصاً در کارت اعتباری مرابحه به‌سادگی می‌توان بعد از خرید وکالتی متقاضی، گزینه تمایل او به انعقاد مرابحه در سکوهای بانکی فعال شود تا متقاضی با تأیید آن، بیع مرابحه را به‌طور نسبی بپذیرد.

در مورد ریسک هلاکت نیز از طریق نهادسازی متناسب با فرایند عقود بانکی می‌توان زمینه را برای توسعه آن در سایر عقود پرریسک فراهم نمود. نهاد تشخیص ریسک تقصیر از قصور و همچنین نهاد تضمین در کنار هم می‌توانند مدل مطلوب را فراهم کنند. نهاد تشخیص تقصیر از قصور می‌تواند در بانک باشد و این وظیفه را بر عهده بگیرد. نهاد تضمین نهادی است که وظیفه اعتبارسنجی و نقد کردن خسارات ناشی از تقصیر را بر عهده دارد که بیرون از بانک فعالیت دارد و با معرفی افراد مقصر از سوی بانک به این نهاد عمل می‌کند. چنانچه تقصیری اثبات نشود، خسارات ناشی از قصور متوجه سپرده‌گذاران می‌شود چنانچه منابع مرابحه از سپرده‌های مدت‌دار باشد؛ اما اگر منابع مرابحه از سپرده‌های قرض‌الحسنه باشد خسارات ناشی از قصور متوجه خود بانک می‌گردد.

کتابنامه

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- اکبریان، رضا و دیانتی، محمدحسین (۱۳۸۵). مدیریت ریسک در بانکداری بدون ربا. اقتصاد اسلامی، (۲۴)، ۱۷۰-۱۵۳.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- بکناش، محمدکاظم (۱۳۹۱). مشروعیت درآمدزایی ریسک و مخاطره در بازارهای مالی از دیدگاه فقه امامیه. معرفت اقتصاد اسلامی، (۷)، ۱۱۵-۱۴۱.
- تارنمای پژوهشکده پولی و بانکی: <https://mbri.ac.ir>
- توحیدی‌نیا، ابوالقاسم و نصیری، حمید (۱۴۰۰). بررسی قابلیت پرداخت سود ثابت به سپرده‌گذاران بانک‌های اسلامی از کانال بیمه سپرده‌ها. اقتصاد اسلامی، (۸۱)، ۹۹-۱۲۶.
- حسینی، سیدام‌الله (۱۳۹۹). چالش تضمین سرمایه در بانکداری اسلامی، ملاحظات فقهی ریشه‌یابی و راه‌حل. پژوهشنامه میان‌رشته‌ای فقهی، (۱۶)، ۳۰۹-۳۳۴.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۱ق). البنك اللاربویه فی الاسلام. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام. تحقیق خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- عفانه، حسام‌الدین موسی (۱۹۹۶م). بیع المربحه للآمر بالشراء. قدس: شرکه بیت‌المال الفلستانی العربی.
- علم‌الهدی، سیدسجاد (۱۳۹۷). بانکداری اسلامی و ریسک، یک تحلیل تطبیقی. اقتصاد مالی، (۴۴)، ۸۶-۶۹.
- علیزاده، امیرحسین (۱۳۹۷). مربحه بانکی و مشروعیت آن. مجله حقوق دادگستری، (۱۰۴)، ۱۵۲-۱۲۳.
- کاظمی‌نژاد، فاطمه (۱۳۸۸). تفاوت توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف. بانک و اقتصاد، (۱۰۱)، ۴۴-۳۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۶ق). ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- محرابی، لیل (۱۳۹۰). دستورالعمل اجرایی کارت اعتباری بر پایه عقد مربحه. تازه‌های اقتصاد، (۱۳۳)، ۵۰-۴۷.

تحلیل فقهی ریسک‌های شرعی در عقد... / عباس یعقوب‌زاده مجرد و مصطفی کاظمی نجف‌آبادی مطالعات اقتصاد اسلامی ۵۲۱

معراج، آذرگشسب (۱۳۹۹). بررسی کاربرد عقد مرابحه در نظام بانکی با تأکید بر فقه و حقوق موضوعه. فصلنامه مطالعات حقوق، (۵)، ۱۲۷-۱۴۳.

موسویان، سیدعباس (۱۳۹۰ الف). ابزارهای مالی اسلامی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. موسویان، سیدعباس (۱۳۹۰ ب). امکان‌سنجی کاربرد مرابحه در بانکداری بدون ربا. فصلنامه روند پژوهش‌های اقتصادی، (۵۹)، ۳۳-۵۷.

موسویان، سیدعباس و دبیان، محد الدبیان (۱۳۹۲). کارت‌های اعتباری و انطباق‌پذیری فقهی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

میثمی، حسین (۱۳۹۵). تحلیل فقهی - حقوقی الگوی کارت اعتباری مرابحه با تأکید بر روابط ذی‌نفعان. نشریه تازه‌های اقتصاد، (۱۵۰)، ۳۱-۳۵.

میثمی، حسین و ملاکریمی، فرشته (۱۳۹۹). ارائه روش جدید کاربرد عقد مرابحه در شبکه بانکی با رویکرد قسط‌بندی متفاوت اصل و سود تسهیلات. گزارش سیاستی پژوهشکده پولی و بانکی، ۱-۱۶.

میرطاهر، سیدمحمدجواد و صفایی، محمد (۱۳۹۳). طراحی مدل عملیاتی خرید اعتباری سهام بر اساس قرارداد مرابحه و مشارکت مدنی. مجله تحقیقات مالی اسلامی، (۶)، ۱۳۱-۱۶۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۱۸ ق). قاعده بطلان ربح ما لم یضمن. نشریه منهاج، (۶)، ۷-۴۴.

یوسفی، احمد؛ قنبرزاده، کمیل و کلاهدوزان، علیرضا (۱۴۰۱). بررسی فقهی کسب سود بدون قبول ریسک. اقتصاد اسلامی، (۸۷)، ۵-۲۲.

Khan, Tariqullah & Ahmed, Habib (2001). *Risk Management An Analysis Of Issues In Islamic Financial Industry*. Jeddah: Islamic Development Bank Islamic Research And Training Institute.

References

- Aamili, Harr, Muhammad bin Hasan (1409). AH , Shi'iee vasayel; Volume 18, page: 42, 30 volumes, Al-Bayt Institute, Qom - Iran, 1st. (In Persian)
- Afaneh, Hossam al-Din Musa (1996). Biy al-Murabaha Lal-Amr Be-Shara, Quds: Bait Al-Mal Al-Falestini Al-Arabi. (In Persian)
- Akbarian, Reza; Dianti, Mohammad Hossein (1385). Risk management in interest-free banking, *Islamic Economy*, (24), 153-170. (In Persian)
- Alam Al-Hadi, Seyed Sajad (1397). Islamic banking and risk, a comparative analysis, *Financial Economy*, (44), 69-86. (In Persian)
- Alizadeh, Amirhossein (1397). Bank Murabaha and its legitimacy, *Law Journal*, (104), 123-152. (In Persian)

- Ansari (Sheikh Ansari), Morteza (1415 AH). Kitab al-Makasab, Qom: World Congress of Honoring Sheikh Ansari. (In Persian)
- Bekdash, Mohammad Kazem (1391). Legitimacy of risk and risk income generation in financial markets from the perspective of Imami jurisprudence, Marfat Islamic Economy, (7), 115-141. (In Persian)
- Hosseini, Seyyed Amrullah (1399). The challenge of guaranteeing capital in Islamic banking, jurisprudential considerations, rooting and solution, interdisciplinary jurisprudential research journal, (16), 309-334. (In Persian)
- Kazeminejad, Fatemeh (1388). The difference in risk distribution in two systems of Islamic banking and conventional banking, Bank and Economy Magazine, (101), 44-34. (In Persian)
- Khan, Tariqullah & Ahmed, Habib (2001). Risk Management An Analysis Of Issues In Islamic Financial Industry, Jeddah: Islamic Development Bank Islamic Research And Training Institute.
- Khan, Tariqullah & Ahmed, Habib (2001). Risk Management An Analysis Of Issues In Islamic Financial Industry, Jeddah: Islamic Development Bank Islamic Research And Training Institute. (In Persian)
- Koleini, Muhammad ibn Yaqub (1407 AH). Kitab al-Kafi, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. (In Persian)
- Maithami, Hossein & Mollakarimi, Fereshte (1399). Presenting a new method of using Murabahah contracts in the banking network with a different installment approach of the principal and interest of the facilities, Policy Report of the Banking Research Institute, 16-16. (In Persian)
- Maithami, Hossein (1395). jurisprudential-legal analysis of the Murabahah credit card model with an emphasis on the relations between the beneficiaries, Tashai Ekhtaz magazine, (150), 31-35. (In Persian)
- Majlisi (Allameh Majlisi), Muhammad Baqir (1406 AH). Malaz al-Akhyar fi Fahm Tahzib al-Akhbar, Qom: Ayatollah Marashi Library. (In Persian)
- Mehrabi, Leila (1390). The executive order of a credit card based on the contract of Murabahah, Tashayi Ekhtaz magazine, (133), 47-50. (In Persian)
- Meraj, Azargashsab (1399). Study of the use of Murabahah contract in the banking system with emphasis on jurisprudence and the subject law, Law Studies Quarterly, (5), 127-143. (In Persian)
- Mirtaheer, Seyyed Mohammad Javad & Safaei, Mohammad (1393). Designing an operational model for the purchase of shares on credit based on the Murabahah contract and civil partnership, Islamic Financial Research Journal, (6), 131-160. (In Persian)
- Mousaviyan, Seyyed Abbas & Debian, Mohd El-Debian (1392). Credit cards and jurisprudential adaptability, Tehran: Research Institute of Money and Banking. (In Persian)
- Mousaviyan, Seyyed Abbas (1390). Feasibility of using Murabahah in interest-free banking, Economic Research Trends Quarterly, (59), 57-33. (In Persian)
- Mousaviyan, Seyyed Abbas (1390). Islamic financial instruments. Qom: Research Institute of Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- Sadouq, Muhammad bin Ali (1413 AH). Man La yahzor Al-Faqih, Qom: Islamic Publications Office. (In Persian)
- Sadr, Seyyed Muhammad Baqir (1401 AH). Al-Bank Al-la rabaviyeh Fi'il-

تحلیل فقهی ریسک‌های شرعی در عقد... / عباس یعقوب‌زاده مجرد و مصطفی کاظمی نجف‌آبادی مطالعات اقتصادی اسلامی ۵۲۳

- Islam, 7th edition, Beirut: Dar al-Ta'arif Publications. (In Persian)
- Shahrودي (Hashmi Shahrودي), Seyyed Mahmoud (1418 AH). The nullity rule of Rabh Ma Lam Yazem, Minhaj publication, (6), 44-7. (In Persian)
- The site of the Research Institute of Money and Banking. <https://mbri.ac.ir> (In Persian)
- Tusi (Sheikh Tusi), Muhammad ibn al-Hassan (1407 AH). Tahdhib al-Ahkam (Tahqiq Khorsan), 4th edition, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. (In Persian)
- Yousefi, Ahmed; Ghanbarzadeh, Kamil & Kolehdozan, Alireza (1401). jurisprudential review of earning profit without accepting risk, Islamic Economy, (87), 22-5. (In Persian)

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص. ۵۵۸-۵۲۵

مقاله برای اصلاح به مدت ۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹

واکاوی معیارهای کیفی اولویت‌بندی متقاضیان دریافت قرض در آیات قرآن و روایات

محمدصادق جاودان*

سیدمحمد افقهی**

علی خوش‌نیت رزگی***

چکیده

از لازمه‌های تحقق تمدن نوین اسلامی، پیاده‌سازی نظام اقتصادی اسلامی در جامعه است. با توجه به گستره و کاربرد فراوان «عقد قرض» ازجمله مهم‌ترین سؤالات مطرح در طراحی نظام اقتصادی اسلامی، معیارهای اولویت‌بندی متقاضیان دریافت قرض است. کشف این معیارها علاوه بر کمک به یافتن بخشی از نظام اقتصاد اسلامی به‌عنوان یکی از راهکارهای مؤثر در زمینه ارتقای بهره‌وری نظام اقتصادی، منجر به استفاده بهتر از وجوه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران و توزیع عادلانه در سطح جامعه خواهد شد. مسئله اصلی پژوهش حاضر، چستی معیارهای مؤثر بر اولویت‌بندی متقاضیان دریافت قرض از منظر اسلام است. در این مطالعه، با استفاده از رویکرد بنیادی و نظری و تدبیر موضوعی در قرآن و مراجعه به تفاسیر و ارائه نکات به صاحب‌نظران، به جستجوی معیارهای مورد نظر اسلام در اولویت‌بندی متقاضیان دریافت قرض پرداخته شده است. درنهایت مشخص گردید که با توجه به جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام می‌توان به دو گروه معیار مرتبط با مسئله حاضر دست پیدا کرد. گروه اول به‌عنوان معیارهای مرتبط با شایستگی متقاضی شامل ضرورت نیاز، دلیل نیازمندشدن و مسیر مصرف وجوه، تعفف و رفتار اجتماعی وی و انگیزه متقاضی در بازپرداخت قرض و گروه دوم به‌عنوان معیارهای متناظر با مطلوبیت واقعی قرض‌دهنده شامل نسبت اجتماعی متقاضی و قرض‌دهنده و همچنین ریسک اعتباری متقاضی شناسایی شدند.

واژگان کلیدی: اولویت‌بندی متقاضیان قرض، نظام بازتوزیع درآمدها، قرض‌الحسنه، نظام اقتصادی اسلام.

طبقه‌بندی JEL: Z12, D63, E26, G21

* دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد مالی اسلامی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

javdan@isu.ac.ir

 0009-0005-9225-6613

** دانشجوی دکتری، گروه مالی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

sm_afghahi@atu.ac.ir

 0009-0001-8631-286X

*** دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

khoshniat@isu.ac.ir

 0009-0005-1381-2942

مقدمه

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در ایران، فرصت کم نظیری برای شکل‌گیری و تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم شده است. از جمله الزامات رسیدن به این تمدن نوین، تحول ساختارها و فرایندهای نظام اجتماعی موجود است. نظام گردش دارایی‌ها، به عنوان یکی از اصلی‌ترین اجزاء نظام اقتصادی جامعه، نقشی اساسی در شکل‌دهی به ساختار اقتصادی، تعیین نسبت‌های اجتماعی و روابط میان‌فردی، توزیع ثروت و جهت‌دهی انگیزه‌های جامعه دارد. پس از ریشه‌دواندن فلسفه، علوم، الگوها و ابزارهای غربی بر اقتصاد ایران در سالیان دور، جریان‌های گردش دارایی‌های اقتصادی (که منبعث از مطلوبیت‌های فردی در چهارچوب‌های کلان فرایندها و جریان‌های اقتصادی و در قالب قراردادهای حقوقی طرح‌ریزی می‌گردد) در جامعه دچار انحرافات عمیقی از ایدئال‌ها و ارزش‌های اسلامی شده است.

از دیرباز، قرض از جمله اصلی‌ترین و متداول‌ترین روش‌های انتقال دارایی در میان جوامع انسانی بوده است. این سازوکار معمولاً به جهت رفع نیاز موقت افراد مورد استفاده قرار می‌گرفته است. معانی مختلفی برای قرض ذکر شده است از جمله اینکه قرض عبارت است از آن مالی که یک نفر به دیگری پرداخت می‌کند تا بدل آن را به او بازگرداند (ابن ادریس، ۱۴۱۰). در اصطلاح قرض آن است که کسی مال خود را به دیگری تملیک کند؛ البته بدین صورت که قرض‌گیرنده نسبت به ادای خود آن مال یا مثل یا قیمت آن ضامن باشد و تعهد کند (خمينی، ۱۳۸۵). قرض از عقود معوضه است به گونه‌ای که مال از مالکیت قرض‌دهنده منتقل می‌شود و در برابر آن ذمه قرض‌گیرنده که یک امر اعتباری است، مشغول می‌گردد (خمينی، ۱۳۸۵). دین مبین اسلام نیز در زمان تشريع، این نهاد اجتماعی را مورد تأیید قرار داده است. باین حال خطوط قرمز (از جمله حرمت ربا، مذموم بودن نیت اخذ هرگونه زیاده مشروط، کراهت فشار بر مستقرض و...) و ایدئال‌های متعددی برای آن ترسیم نموده است، به گونه‌ای که می‌توان ادعا نمود اسلام، رویکرد منفعت‌گرایانه را از قرض زدوده و به آن نگاهی دگرخواهانه و خیرخواهانه بخشیده است. در دین مبین اسلام عقد قرض زیرمجموعه انفاقات تقسیم‌بندی شده است؛ چراکه در غالب موارد قرض دادن با نوعی ایثار و تبرع همراه

است. طبق نظام اقتصادی اسلامی اساساً عقد قرض زیرمجموعه عقود غیرانتقاعی قرار می‌گیرد. قراردادهای انتقاعی قراردادهایی هستند که به قصد احسان و نیکوکاری انجام می‌گیرد و عامل اصلی قرارداد به دنبال کسب سود و انتفاع نیست (موسویان، ۱۳۹۱، ص. ۲۴۵).

بنای بخش بزرگی از نظام مالی غرب و عملیات روزمره بر پایه این عقد بنا شده است؛ به طوری که در نظام مالی غرب، بازار پول، بخشی از بازار سرمایه و ابرنهاد بانک به دریافت و پرداخت قرض ربوی مشغول بوده‌اند. با این حال، همچون طاغوت‌های پیشین و به دلیل سلطه اندیشه فردگرا و مادی‌گرایانه، رویکردی منفعت‌طلبانه به قرض داشته است. رویکردی که یکی از نتایج آن استفاده ربوی از قرض و پیامدهای نامطلوب آن از جمله گسترش بی‌عدالتی و فاصله طبقاتی، تمرکز ثروت، دشوار بودن جذب منابع مالی برای اقشار کم‌بضاعت جامعه و... شده است.

با توجه به لزوم استفاده صحیح از دارایی‌ها و وجوب رفع نیازهای ضروری دیگران، مسئله شایستگی و اولویت‌بندی مستقرضان ازجمله قدیمی‌ترین مسائل پیرامون استقراض بوده است. آنچه واضح است، تعیین شایستگی و اولویت‌بندی متقاضیان قرض تا حد زیادی از مطلوبیت‌ها و اولویت‌های ناشی از هدف استقراض تأثیر می‌پذیرد. آنچه در نظام مالی غرب به عنوان راه حل این مسئله مطرح شده است، اعتبارسنجی متقاضیان وام و اولویت‌بندی بر اساس اعتبار آن‌ها است. در فرایند اعتبارسنجی، قرض‌دهنده به ارزیابی سطح اعتبار (اطمینان به بازپرداخت شدن دارایی توسط قرض‌گیرنده) متقاضیان پرداخته و براین اساس آنان را اولویت‌بندی می‌کند. اولین تلاش‌های نظام‌مند برای اولویت‌بندی اعتباری از دهه ۱۹۴۰ میلادی آغاز گشته و تا به امروز مدل‌های متنوع بسیاری برای سنجش اعتبار و محاسبه ریسک اعتباری مطرح گردیده است.

علی‌رغم تلاش‌ها و دستاوردهای فراوان صورت گرفته در طراحی مدل‌های اولویت‌بندی متقاضیان، به دلیل غلبه نگاه صرفاً مادی، شدیداً محاسبه‌گر و فردگرایانه نظام فکری غرب به قرض، تنها به بررسی احتمال بازپرداخت قرض بسنده شده است. رواج چنین رویکردی منجر به رواج ساختارهایی فردگرا در جوامع می‌گردد که ضمن

از میان بردن بنیان روابط اجتماعی، تمرکز ثروت در جامعه را تشدید می‌نماید. با نگاه اولیه به آیات و روایات به نظر می‌رسد معیارهایی که اسلام در اولویت‌بندی متقاضیان قرض مدنظر دارد، فراتر از اعتبارسنجی است.

لازم به ذکر است اگرچه در مطالعات اسلامی به بررسی اولویت‌های انفاق و پرداخت صدقات توجه شده است؛ اما تحقیق جامعی بر تمام معیارهای مؤثر صورت نگرفته است. علاوه بر این، با توجه به اینکه قرض الحسنه برخلاف سایر افراد انفاق، یک قرارداد مدت‌دار است، ویژگی‌های متمایزی نسبت به آنها داشته و نیاز است تا اولویت‌بندی پرداخت آن از زوایای دیگری نیز بررسی گردد. بی‌شک کشف الگوی مطلوب اولویت‌بندی متقاضیان دریافت قرض از منظر اسلام، گام مهمی در فهم الگوهای مالی مطلوب اسلام و طراحی نظام اقتصادی ایدئال اسلامی است، چراکه منجر به ایجاد ساختارهایی اجتماعی می‌گردد که ضمن جهت‌دهی منابع بنا بر الگوهای اسلامی، سایر ساختارهای اجتماعی را نیز دستخوش تغییر خواهد نمود.

بر همین اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر به شناخت معیارهای مورد توجه معارف اسلامی در اولویت‌بندی متقاضیان دریافت قرض الحسنه اختصاص دارد. با این هدف، تلاش شده است تا ضمن بررسی پیشینه مطالعات مرتبط، به گونه‌ای روش‌مند به بررسی آیات قرآن، روایات و تفاسیر این منابع ارزشمند رجوع شده و معیارهای مذکور استخراج و گزارش شود.

۱. پیشینه پژوهش

هرچند اصل مسئله اولویت‌بندی متقاضیان دریافت قرض در اسلام، مورد توجه جامعه علمی نبوده است؛ اما در سال‌های اخیر مطالعاتی در زمینه اولویت‌بندی معیارهای مؤثر در ریسک اعتباری، اولویت‌بندی دریافت‌کنندگان انفاق، معیارهای شایستگی دریافت‌کنندگان انفاق، نیازهای اساسی انسان و همچنین ماهیت و جایگاه قرض الحسنه انجام شده است که هرکدام ارتباطاتی با مسئله حاضر دارند. اکنون به بررسی پیشینه پژوهش در هرکدام از موارد مذکور می‌پردازیم.

سیاه‌کارزاده و محمدی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «نظام سنجش اعتبار در بانکداری

اسلامی؛ ضرورت، جایگاه و الزامات»، با روش تحلیلی - استنباطی با بررسی پدیده اعتبارسنجی در بانکداری اسلامی به‌ویژه مدل بانکداری بدون ربای ایران، بر اساس آموزه‌های اسلامی ضرورت سنجش اعتبار را در دو سطح خرد و کلان اثبات می‌کند. در سطح خرد ایفای نقش وکالتی بانک‌ها در قبال سپرده‌گذاران و اجرای عقود اسلامی در قراردادهای بانکی براساس مختصات واقعی آن‌ها و در سطح کلان لزوم استقرار عدالت اقتصادی و جلوگیری از بحران‌آفرینی به بهانه کسب سود و منفعت بیشتر را از دلایل اهمیت سنجش اعتبار در بانکداری اسلامی می‌داند. همچنین پژوهش‌های متعددی در حوزه ریسک اعتباری در اسلام صورت گرفته است که عبارت‌اند از:

محمدی‌آشنانی و راضی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «ضرورت اعتبارسنجی مشتریان از دیدگاه آموزه‌های اسلامی و ارائه الگوی بهینه»، با روش تحلیل توصیفی و با استفاده از مستندات مستخرج از قرآن، روایات و مبادی فقهی به بررسی ضرورت اعتبارسنجی مشتریان در هنگام اعطای تسهیلات پرداخته‌اند. درنهایت الگویی با عنوان الگوی اسلامی که بیانگر معیارهایی برگرفته از آیات و روایات است برای اعتبارسنجی مشتریان ارائه نمودند. الگوی بیان شده شامل شاخص‌هایی چون منفعت و سودآوری، وثیقه، لیاقت و صلاحیت علمی، قرارداد، رفتار اعتباری، آگاهی و دانش و نمای آینده است.

ذاکرنیا و خادم‌علیزاده (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «اصول حاکم بر اعتباری‌سنجی در مدیریت ریسک اعتباری بانکداری اسلامی از نگاه قرآن»، با روش توصیفی - تحلیلی و با هدف کشف ضرورت سنجش صلاحیت‌های متقاضیان و واکاوی آثار اجتماعی اعتبارسنجی به بررسی قرآن کریم و روایات مرتبط پرداخته‌اند. درنهایت با توجه به اصول قرآنی - روایی عدالت اجتماعی، خلیفه‌اللهی انسان، لزوم وفای به عهد، لزوم حاکمیت اسلام بر بازار، قوام جامعه بودن اموال، لزوم استفاده صحیح از اموال و ندادن آن به سفها و قاعده‌لاضرر، لزوم توجه به اعتبارسنجی را اثبات نموده‌اند.

با مرور پیشینه حاضر در مطالعات تطبیقی ریسک اعتباری در اسلام، مشخص می‌گردد که تمام پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه سعی بر یافتن دلالت‌های مرتبط با اهمیت اعتبارسنجی وام‌گیرندگان در منابع قرآنی، روایی و فقهی داشته‌اند.

با این حال به ابعاد مؤثر دیگر در اولویت‌بندی وام‌گیرندگان توجه نشده است. برخی از پژوهش‌ها با رویکرد قرآنی به تفسیر و دلالت‌یابی آیات ظاهر در اولویت‌بندی انفاق پرداخته‌اند.

شکرانی و سیدناری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «اولویت‌سنجی انفاق در قرآن و حدیث»، با بررسی آیه شریفه ۲۱۵ سوره بقره، آیات مشابه و روایات مربوطه، پس از مروری بر دلالت آیه بر اولویت انفاق، به بررسی ملاکات موجود در اولویت‌سنجی انفاق پرداخته‌اند. در نتیجه بیان می‌کنند که با توجه به تمامی آیات انفاق، اولویت‌ها در انفاق به ترتیب عبارت است از: والدین، خویشاوندان، یتیمان، مساکین، همسایگان، همراهان و همنشینان، در راه ماندگان، سائلان و بردگان.

آرام و سیدامامی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌های فقرزدایی با محوریت تکافل اجتماعی»، با روش کارکردگرایی و با رویکردی جامعه‌شناختی به بررسی نهادهای سنتی تکافل اجتماعی پرداخته و جایگاه آن نهادها را در آیات و روایت واکاوی نموده‌اند. در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که نهادهای سنتی موجود در جوامع اسلامی توانمندی مطلوبی در پاسخگویی به نیازهای افراد نیازمند و کمک به کاهش فقر در جامعه دارند. آنها نهادهای موضوع تکافل را به ترتیب خانواده، خویشاوندان، عشیره، همسایه، اخوت دینی و ولایت عنوان می‌کنند که ما از این دسته‌بندی در اولویت‌بندی استفاده خواهیم نمود.

با بررسی پیشینه پژوهش اولویت‌بندی انفاق مشخص می‌گردد که هرچند به اهمیت نسبت اجتماعی در تعیین اولویت انفاق اشاره شده است؛ اما تحقیق جامعی بر تمام معیارهای مؤثر صورت نگرفته است. علاوه بر این، با توجه به اینکه قرض‌الحسنه بر خلاف سایر افراد انفاق، یک انفاق همراه با بازپرداخت است، ویژگی‌های متمایزی نسبت به آنها داشته و نیاز است تا اولویت‌بندی پرداخت آن از ابعاد دیگری نیز بررسی گردد. در زمینه مطالعاتی که در زمینه قرض و قرض‌الحسنه انجام شده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

کميجانی (۱۳۷۷)، در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن»، به واکاوی جایگاه قرض در اقتصاد اسلامی و آثار اجتماعی و

اقتصادی پرداخته و عملکرد نهادهای متولی قرض‌الحسنه در ایران را بررسی نموده است. وی نتیجه گرفته است که قرض‌آثاری ازجمله کاهش فاصله طبقاتی، افزایش پس‌انداز عمومی، افزایش سرمایه‌گذاری بر دارایی‌های بادوام داشته و در صورت استفاده صحیح از آن تأثیری بر رشد نقدینگی نخواهد گذاشت. لازم به ذکر است که در این مطالعه، نیازمند بودن را شرط اباحه استقراض در اسلام دانسته است.

حبیبیان نقیعی (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای با عنوان «قرض‌الحسنه و راهبرد تأمین نیازهای اساسی»، با مرور شاخص‌های سنجش تأمین نیازهای اساسی به بررسی توانایی پاسخگویی راهبردهای توسعه به تأمین نیازهای اساسی انسان پرداخته و قرض‌الحسنه را نهاد مناسبی برای پاسخگویی به بخشی از خلأ الگوهای توسعه غربی در مسئله عدالت توزیعی و عدالت در رفاه عمومی یافته است. علاوه بر این او تأکید کرده است که نیاز محور اساسی در ابداع اولیه قرض‌الحسنه و جهت‌دهنده اصلی این نهاد بوده و استقراض بدون نیاز دارای کراهت شدید است.

یزدانی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «قرض‌الحسنه و نقش آن در رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی»، با هدف تبیین نقش قرض‌الحسنه در رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی جامعه با روش توصیفی به بررسی آثار دوجبهی (در جهت عرضه‌کننده و دریافت‌کننده وجوه) قرض‌الحسنه در متغیرهای مهم اقتصادی ازجمله مصرف، خلق پول و سطح پس‌انداز پرداخته است. او نتیجه گرفته است که قرض‌الحسنه نهاد توانمندی است که با تکیه بر مشارکت مردمی و سیاست‌گذاری‌ها و حمایت‌های صحیح دولتی، قدرت بالایی در پاسخگویی به نیازهای مختلف اجتماعی اقتصادی جامعه دارد. وی در ضمن تحقیقات خود، وجود انگیزه‌های معنوی در جهت قرض‌دهنده و وجود نیاز اساسی در جهت قرض‌گیرنده را از ویژگی‌های اصلی قرض‌الحسنه می‌داند.

هادوی‌نیا (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش قرض‌الحسنه در اقتصاد مقاومتی»، به بررسی نقش قرض‌الحسنه در تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخته است. او به جهت تحقق این مهم، با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی آثار قرض‌الحسنه بر مؤلفه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی ازجمله تعدیل مصرف، عدالت اقتصادی، مردمی‌شدن

اقتصاد، انگیزه اقتصادی و تولید ملی پرداخته و نتیجه گرفته است که در صورت رعایت شدن آداب اسلامی قرض گرفتن، قرض الحسنه آثار مفیدی بر تحقق اقتصاد مقاومتی خواهد گذاشت. لازم به ذکر است که او نیاز اساسی داشتن قرض گیرنده را جزء اصلی ترین آداب قرض الحسنه به شمار آورده است.

با مرور پیشینه پژوهش های مرتبط با قرض الحسنه مشخص می گردد که آنچه در پژوهش های مرتبط با قرض الحسنه به انجام رسیده است، بیش از همه ناظر به بایسته ها و آداب و همچنین آثار اجتماعی - اقتصادی قرض الحسنه بوده است. باین حال در برخی از پژوهش ها و ذیل بحث بایسته های قرض، به شرط وجود نیاز اساسی در متقاضی دریافت قرض اشاره شده است. باین حال ابعاد مختلف دیگر در تعیین شایستگی متقاضی و یا اولویت بندی آنها بررسی نگشته است.

در انتها به بررسی پژوهش های غربی انجام شده در مورد اولویت بندی مستقرضان می پردازیم.

اولین تلاش ها برای طراحی مدل های نوین آماری طبقه بندی در عصر جدید، در سال ۱۹۳۸ با مطالعات ریاضیدان و متخصص ژنتیک انگلیسی، فیشر^۱ آغاز گشت (Kiss, 2003). وی در تلاش بود تا با استفاده از ویژگی های فیزیکی گل ها رگرسیون چندمتغیره و تحلیل واریانس، روشی را برای رده بندی گیاهان ابداع کند (Fisher, 1936). دانه^۲ (۱۹۳۸) نخستین کسی بود که با هدف کشف معیارهای اثرگذار بر درجه اعتباری افراد، سیستمی شامل ۵ معیار؛ موقعیت شغلی فرد، وضعیت درآمد و هزینه ها، وضعیت دارایی ها و بدهی ها، ضامن یا وثیقه های موجود و کیفیت بازپرداخت وام های گذشته او در بانک های دیگر را مطرح نمود (Kiss, 2003). سپس دوران^۳ (۱۹۶۱) با استفاده از دستاوردهای آماری فیشر و با هدف طراحی مدلی برای اولویت بندی متقاضیان دریافت وام خرید ماشین انجام داد. نتیجه مطالعات او به طراحی مدلی متأثر از معیارهای موقعیت شغلی متقاضی، ثبات شخصی (ازجمله تعداد سال هایی که در آدرس فعلی زندگی کرده و یا در شغل فعلی سپری کرده است)، جنسیت، وضعیت

1. Fisher
2. Dunham
3. Duran

دارایی‌ها (حساب‌های بانکی، املاک و مستغلات و بیمه‌های عمر) و بدهی و مقدار اقساط ماهیانه فرد منجر شد (Duran, 1941).

همان‌گونه‌که بیان شد، پژوهش‌های غربی انجام شده در مورد اولویت‌بندی مستقرضان، متأثر از نگاه منفعت‌طلبانه نسبت به قرض در جهان غرب، تنها به معیار ریسک اعتباری توجه داشته و از ابعاد مختلف دیگر غفلت نموده است.

هرچند پژوهش‌های انجام شده توسط دانهم (۱۹۳۸) و دوران (۱۳۴۱) فرصت چندانی برای اثرگذاری گسترده در نظام مالی زمان خود نداشت؛ اما دو دهه بعد و با گسترش فناوری‌های رایانش و محاسبات، اقبال جامعه بانک‌داران به مدل‌های نظام‌مند اعتبارسنجی افزایش یافته و این مدل‌ها به‌طور گسترده‌ای در شبکه بانکی مغرب زمین استفاده گردید. بااین‌حال علی‌رغم اینکه مدل‌های آماری موجود در اعتبارسنجی اشخاص حقیقی در سده اخیر پیشرفت‌های فراوانی داشته است؛ اما معیارها و صفات اصلی دخیل در مدل تفاوت چندانی با معیارهای مورد نظر دانهم (۱۹۳۸) و دوران (۱۳۴۱) نکرده است.

لذا با توجه به تحقیقات سابق انجام شده، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد دگرخواهانه اسلام به قرض مبتنی بر نظرهای مرحوم علامه طباطبایی و شهید سیدمحمدباقر صدر، به بررسی معیارهای مؤثر در اولویت‌بندی متقاضیان قرض پرداخته و این معیارها را به دو قسمت معیارهای ناظر به شایستگی متقاضی و معیارهای ناظر به مطلوبیت‌های واقعی تأمین‌کننده وجوه تقسیم نموده است و از این جهات نوآوری اصلی مقاله محسوب می‌شود.

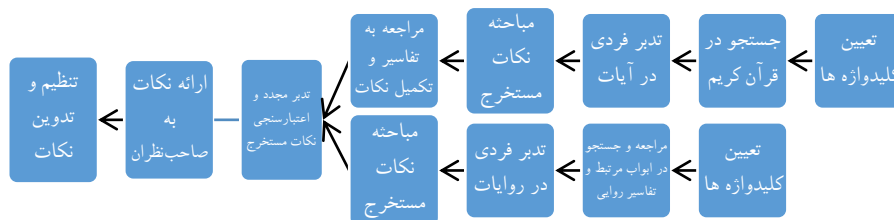
۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از روش تفسیر و تدبر موضوعی قرآن کریم و روایات بهره گرفته است که در بین روش‌های تحقیق، یک روش بنیادی و نظری شناخته می‌شود. در گام اول پس از تبیین مسئله، تمامی ابعاد و کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع قرض مشخص گردیده و در قرآن کریم جستجو گردید. در گام بعد، در آیات گردآوری شده تدبر گردید. در این مرحله ابتدا چندین بار هرکدام از آیات قرآن کریم قرائت شده و نکات

احتمالی استخراج گردیده است. در گام سوم، چهارچوب مفهومی معیارهای اولویت‌بندی متقاضیان قرض بر اساس قرآن کریم استخراج شد. در گام چهارم به تفاسیر قرآن کریم مراجعه گردید و از یافته‌های مفسران در تکمیل گزاره‌های پژوهش استفاده شد.

پس از اتمام گام‌های چهارگانه در بررسی آیات قرآن کریم، به بررسی روایات معصومین (علیهم‌السلام) پرداخته و از سه مسیر مراجعه به ابواب مرتبط در کتاب شریف کافی و برخی از دانشنامه‌های موضوعی برخط، جستجوی کلیدواژه‌های پژوهش در کتاب شریف بحارالانوار و همچنین مراجعه به تفاسیر روایی ذیل هرکدام از آیات قرآن کریم، روایات مرتبط با موضوع پژوهش جمع‌آوری گردید. در ادامه به تدبیر روایات و مراجعه به شرح‌های نگاشته شده برای هر روایت و سپس به مباحثه نکات مستخرج پرداخته شد.

درنهایت تمامی نکات نهایی مستخرج از قرآن و روایات، به دو نفر از صاحب‌نظران و اساتید که سابقه پژوهش مرتبط با مسئله تحقیق داشته‌اند ارائه گشته و با دقت‌نظر ایشان ارتقاء یافت.



منبع (یافته‌های پژوهش)

شکل (۱): مراحل روش استفاده شده در مقاله حاضر (روش پژوهش تدبیر در قرآن و روایات)

۳. مبانی نظری پژوهش

به‌طورکلی انواع روش‌های تأمین مالی را به دو دسته می‌توان تقسیم نمود. گروه اول به انگیزه سود انجام شده و یا این انگیزه در آن‌ها قابلیت بروز جدی دارد، ازجمله مشارکت، مضاربه، اجاره و بیع. در گروه دوم انگیزه سود مالی در آن‌ها به‌طور مستقیم

وجود نداشته و هدف از انجام آن‌ها اطاعت از فرامین الهی و انگیزه‌های خیرخواهانه است؛ مانند: صدقه، هبه، وقف و قرض. در قرض‌الحسنه، قرض‌دهنده مال در اختیار خود را برای مدتی (معلوم یا نامعلوم) به مالکیت قرض‌گیرنده در آورده و با هدف رفع نیاز طرف‌مقابل، برای مدتی از منافع مال خود چشم‌پوشی می‌کند. در نگاه اسلامی قرض نیز به مانند صدقه، ابزاری برای تحقق تعاون اجتماعی و رفع نیاز نیازمندان است (یزدانی، ۱۳۹۰). عقد قرض از عقود معاوضی است که در نتیجه انشاء آن، ملکیت مال از قرض‌دهنده به قرض‌گیرنده منتقل گشته و در ازای آن، ذمه فرد قرض‌گیرنده به بازپرداخت مثل آن شی یا قیمت ارزش آن شی مشغول می‌شود. دین مبین اسلام با مطرح نمودن ربای قرضی و آداب قرض دادن و قرض گرفتن و بازپس گرفتن مال مستقرض، نگاه منفعت‌طلبانه را از قرض گرفته و رویکردی خیرخواهانه و دگرخواهانه به آن بخشیده است. یکی از اهداف مهم قرض‌دادن پیاده‌شدن صفت «کریمانه زیستن» در قلب مؤمن است. از آنجایی که در الهیات و حیانی اسلام محوریت با مسئله توحید است، مؤمن با اطاعت محض از دستورات اسلام، نور توحید را در قلب خویش می‌یابد و قلب او مباشر با ایمان می‌گردد. یکی از این دستورات توحیدی «قرض دادن» است که مورد تأکید معارف و حیانی اسلام قرار گرفته است که مؤمن با آراستن خود بدین صفت، گام‌به‌گام خود را به توحید کمالی نزدیک می‌کند.

البته لازم به ذکر است که برخی از اندیشمندان مانند موسویان و میثمی (۱۳۹۷) با توجه به امکان لحاظ برخی انگیزه‌های غیرالهی در قرض، قرض را به دو دسته قرض‌الحسنه و قرض تقسیم نموده‌اند. باین حال آنچه مسلم است این است که لااقل بخشی از قرض ذیل صدقات و انفاقات مستحبی (و در برخی شرایط واجب کفائی) قرار می‌گیرد.

براین اساس توجه به تفاوت «قرض غیرربوی» و «قرض‌الحسنه» مهم است. قرض از جهت فقهی - حقوقی، به عنوان یک عقد مطرح است و شرایط خاصی دارد؛ اما از جهت اقتصادی، رفتاری است که توجه به عامل‌هایی چون انگیزش‌ها در تحلیل آن تأثیر بسیار دارد. از نتیجه‌های بخش اول نیازمند بودن وام‌گیرنده و انگیزه معنوی و اخروی قرض‌دهنده است که باید آن‌ها را دو رکن از ارکان قرض‌الحسنه به‌شمار آورد؛ البته در

انعقاد عقد قرض رعایت این دو، به عنوان شرط، مورد توجه قرار نمی گیرد؛ بنابراین می توان گفت رابطه بین قرض ربوی و قرض الحسنه اعم و اخص مطلق است و قرض الحسنه زیرمجموعه «قرض غیرربوی» است (هادوی نیا، ۱۴۰۱).

لفظ قرض در قرآن با لفظ قرض در روایات و کتب فقهی متفاوت است. واژه قرض به تنهایی در هیچ یک از آیات قرآن به کار نرفته است؛ لکن ترکیب وصفی «قرضا حسنا» در پنج سوره و شش جای قرآن کریم آمده است. آیات شریفی که در آنها عنوان «قرض حسن» مشاهده می شود عبارت است از: بقره: ۲۴۵، مائده: ۱۲، حدید: ۱۱ و ۱۸، تغابن: ۱۷، مزمل: ۲۰.

در مجموع می توان گفت در غالب سیاق های پنج سوره مربوط به آیات قرض در کنار بحث قرض حسن، مسائلی نظیر صدقه دادن، زکات دادن، کمک و شرکت در جهاد، احسان و انفاق کردن مطرح شده است؛ اما اثبات مطلوبیت قرض الحسنه به کمک آیات مورد اختلاف است. درواقع ماده اقراض قرآن کریم در همه جا درباره قرض دادن به خدا آمده است و با وصف حسنا مقید شده است. انفاق در راه خدا بدین جهت قرض دادن به او خوانده شده است تا نشان دهد که عوض آن از طرف خداوند متعال برگردانده خواهد شد و اشاره به حتمی بودن مزد آن است؛ لذا لفظ قرآنی «قرض حسن» مراد از آن انفاق است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص. ۴۴۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص. ۱۹۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۳۸۸).

در تعریف مرحوم علامه طباطبایی در کتاب شریف المیزان، عنوان قرض در آیات شریفه در لغت به معنای کندن بیان شده است؛ لذا اعراب به قیچی مقراض یعنی وسیله کندن می گویند.

در نتیجه در آیه شریفه ۲۴۵ سوره مبارکه بقره «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا»، کسی که به خداوند متعال مالی قرض می دهد، به تعبیری انفاق انجام می دهد چراکه ذیل عنوان جهاد در راه خدا قرار گرفته است که در سوره مبارکه بقره آیه ۲۶۱ «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» به آن اشاره شده است و هیچ دلیلی بر محدود ساختن مفهوم، به وسیله مصداق وجود ندارد. بدین سبب آیات قرض حسن همه

کارهای نیک را دربرمی‌گیرند.

اتفاق معنای گسترده‌تری از قرض دارد براین اساس اتفاق هم در اموال و هم در غیراموال استفاده شده است؛ به‌طورمثال روایتی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مورد صدقات جاریه داریم؛ «كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ» که ذیل اتفاق غیراموال شناخته می‌شود. همچنین بر این مبنا می‌توان گفت همه اعمال نیک، اعم از بدنی و مالی قرض الحسنه هستند که به خدا تحویل داده می‌شوند و او در مقابل پاداش خواهد داد (قرشی، ۱۳۵۳). متشرعین نیز قرض صحیح غیرربوی بین انسان‌ها را با تأسی از قرآن کریم، قرض حسن و قرض الحسنه نامیدند. در منابع روایی شیعه نیز روایاتی براین اساس وجود دارد که بر درستی این سخن که قرض یکی از کردار نیک است، گواهی می‌دهد.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: زمانی که آیه ۸۹ سوره نمل (هرکس عمل نیکی انجام دهد، پس برایش پاداشی بهتر خواهد بود) فرو فرستاده شد، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: خدایا، بر آن بیفزای پس «هرکسی عمل نیکی را به‌جای آورد، برایش ده برابر پاداش خواهد بود» (انعام / آیه ۱۶۰) افزوده شد. سپس رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) گفت: خدایا، بر آن بیفزای پس خداوند این‌گونه نازل فرمود: «کیست که به خداوند قرض الحسنه دهد، تا آن را برایش چندین برابر کند؟» (بقره / آیه ۲۴۵). پس پیامبر دریافت بسیاری که از سوی خدا باشد، قابل شمارش نیست و پایانی ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۳۸۸).

با توجه به ادله مطرح شده قرض قرانی با عنوان اتفاق همپوشانی معنایی دارد و عقد قرض را می‌توان جزو اتفاق تقسیم‌بندی نمود؛ بنابراین در مقاله حاضر از آیات و روایات مرتبط با موضوع اتفاق استفاده شده است.

۳-۱. رویکرد دووجهی اسلام در یاری‌رسانی

با بررسی اندیشه، فروع و احکام اسلامی به‌نظر می‌رسد که اسلام در جهت یاری‌رسانی مادی و غیرمادی، از دو رویکرد همزمان متمرکز و غیرمتمرکز استفاده می‌کند. در رویکرد متمرکز، امام جامعه و نمایندگان او مسئول سرپرستی تمامی افراد جامعه و تهیه

و جمع‌آوری کمک‌های لازم برای انجام این مهم هستند. این سرپرستی ابعاد مختلفی دارد و تنها به سرپرستی مالی ختم نمی‌گردد. ازسوی دیگر باید توجه نمود که وجود وظیفه سرپرستی جامعه بر دوش حکومت اسلامی منجر به ازمیانی‌رفتن مسئولیت مسلمین نسبت به یکدیگر و غیرمسلمین نمی‌گردد.

از تدبر در آیات قرآن استنباط می‌شود که تمامی مؤمنان از یک حقیقت واحد و سرشت نوری یگانه‌ای برخوردارند. نکته در آن است که کثرت اسمی مؤمنان نباید رهن حقیقت واحد نوری جان‌های ایشان باشد. یکی از تعبیر لطیف قرآن درباره مؤمنان در آیه ۷۱ سوره توبه، تعبیر به «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» می‌باشد. آیه ۶۷ سوره توبه درباره منافقان تعبیر «بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ» را آورده بود؛ اما آیه ۷۱ همین سوره درباره مؤمنان می‌فرماید: «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»، شاید اختلاف تعبیر به‌خاطر آن است که بر خلاف مؤمنان، وحدت عمیق و پیوند ولایت در میان منافقان نیست و هنگام بروز منافع شخصی وفادار نیستند و وحدتشان ظاهری و صوری است. به تعبیر قرآن: «تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى» آنان را متحد می‌پنداری، درحالی‌که دل‌هایشان پراکنده است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص. ۳۵۰).

همچنین رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاخُمِهِمْ، وَتَوَادُّهِمْ، وَتَعَاطُفِهِمْ، كَمَثَلِ الْجَسَدِ، إِذَا اشْتَكَى عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالْسَّهْرِ وَالْحُمَّى» (مجلسی، ۱۴۲۰، ج ۵۸، ص. ۱۵۰). نمونه مؤمنان در مهرورزی و دلسوزی بهم چون یک تن است که چون تیکه‌ای از آن بیمار شود، همه آن دچار بی‌خوابی و تب گردد. به همین جهت در جامعه اسلامی نیاز است تا علاوه بر طراحی نظامات سرپرستی و تأمین حکومتی بر مردم، نظامات و نهادهای اجتماعی سرپرستی و تأمین میان افراد نیز مورد توجه قرار گرفته و به انحاء مختلف تقویت گردد.

۴. یافته‌ها و نتایج

پس از بررسی‌های صورت گرفته در آیات و روایات، درنهایت مشخص گردید که دو گروه معیارهای زیر در اولویت‌بندی قرض‌گیرندگان اهمیت دارد.

۴-۱. معیارهای متناظر با شایستگی قرض‌گیرنده

با توجه به تعالیم اسلامی، شایستگی متقاضیان دریافت قرض به معیارهای ضرورت نیاز متقاضی (از منظر اساسی بودن آن نیاز در زندگی شخص)، دلیل نیازمند شدن متقاضی، نوع مصرف متقاضی و همچنین تلاش اقتصادی و انگیزه وی برای بازگرداندن دیون بستگی دارد.

۴-۱-۱. ضرورت نیاز درخواست‌کننده

وجود نیاز، جوهره اصلی قرض و عامل ابداع آن بوده است (حبیبان نقیعی، ۱۳۸۴). در نصوص اسلامی، قرض گرفتن بدون داشتن نیاز جدی مذموم شمرده شده است. به‌طوری‌که می‌توان داشتن نیاز ملموس (که با توجه به اقتضائات و سطح رفاه جامعه مشخص می‌گردد) را شرط لازم برای ورود متقاضی به فرایند اولویت‌بندی تعریف کرد؛ به‌عنوان مثال در روایات متعددی قرض دادن قرین به نیازمند بودن مستقرض شده است مانند روایتی از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که فرمودند: «هرکس به گرفتار و درمانده‌ای قرض بدهد و در پس گرفتن آن خوش‌رفتاری کند، اعمالش را دوباره شروع می‌کند»^۴ یا در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) در تفسیر آیه ۷۸ سوره یوسف (در بیان ویژگی محسنین) نقل شده است: «در مجالس برای تازه‌واردان جا باز کرده، برای نیازمندان قرض گرفته و به ضعیفان کمک می‌کرد». در این روایت از یستقرض استفاده شد، یعنی حضرت یوسف (علیه‌السلام) واسطه می‌شدند تا برای نیازمندان قرض بگیرند. روایات متعددی نیز برای توصیه به استقراض در شرایط خاص نقل شده است؛ مانند توصیه به استقراض برای کسی که به‌دنبال کسب حلال است؛ اما فقر بر او چیره شده است^۵ یا توصیه به استقراض برای کسی که چهل روز است به‌دلیل فقر گوشت نخورده است^۶ و همچنین استقراض برای تهیه ابزار حفظ نظافت.^۷ در تمامی آنها در

۴. مَنْ أَقْرَضَ مَلْهُوفاً فَأَحْسَنَ طَلِبَتَهُ اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص. ۲۸۹).

۵. عن موسی بن بکر عن أبی الحسن الاول (علیه‌السلام) قال: من طلب الرزق من حله فغلب فليستقرض علی الله عزوجل وعلی رسوله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، حدیث ۳۳۸۴).

۶. مَنْ أُتِيَ عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ يَوْماً وَلَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ فَلْيَسْتَقْرِضْ عَلَى اللَّهِ وَلْيَأْكُلْهُ (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص. ۳۱۵).

۷. السنة فی النورة فی کل خمسة عشر یوماً فإن أتت علیک عشرون یوماً ولیس عندک فاستقرض علی الله (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص. ۵۰۶).

کنار توصیه به قرض دادن یا توصیه به قرض گرفتن، از نیازی مهم نامبرده شده است. همچنین در بیان برتری قرض نسبت به صدقه بیان شده است که قرض تنها به دست نیازمند تعلق می‌گیرد؛ اما صدقه ممکن است به غیرنیازمند هم برسد.^۸ همچنین از لسان برخی روایات بر می‌آید که اصحاب ائمه اطهار (علیهم‌السلام) قرض گرفتن برای امور غیرضروری را ناشایست شمرده و با شک و تردید در زمینه‌های مجاز قرض از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) سؤال می‌پرسیده‌اند؛ به عنوان مثال عبدالملک بن عتبة الهاشمی از اصحاب صاحب کتاب امام کاظم (علیه‌السلام) است که رجالیون نیز ایشان را ثقه دانسته‌اند (شبیری زنجانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۰). در روایتی از امام کاظم (علیه‌السلام) از امکان استقراض برای حج پرسیده است یا اصحاب امام صادق (علیه‌السلام) از ایشان در مورد امکان استقراض برای ازدواج پرسیده‌اند.^۹ هرچند پاسخ ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در این موارد بر جواز برخی مصادیق استقراض برای ازدواج و حج دلالت دارد، با این حال وسواس در موارد استقراض را در جایی رد نکرده‌اند.

با توجه به آنچه مرور شد و نظر به امکان تعدد کسانی که متقاضی دریافت قرض هستند، بدیهی است که نیازهای واجب‌تر اولویت خواهند داشت. از منظر فقهی نیز رفع برخی از این نیازها (مانند هرآنچه به ادامه حیات فرد مربوط می‌شود) واجب و برخی مستحب است.

الگوهای متفاوتی برای اولویت‌بندی نیازهای انسان مطرح شده است. از جمله مشهورترین این الگوها، نظریات روانشناسان و جامعه‌شناسان غربی در حوزه انگیزش افراد است. از جمله آن‌ها می‌توان به نظریه هرم نیازهای مازلو (۱۹۴۳)، نظریه سه سطحی نیازهای آلدرفر (۱۹۷۲) و نظریه مک‌کلند (۱۹۵۳) اشاره نمود. در حوزه مطالعات علوم انسانی اسلامی نیز پژوهش‌هایی هم در حوزه نقد نظریات فوق و

۸. قال الصادق (علیه‌السلام): مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ: الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةِ أَلْفِ قَرْضٍ بِمِائَةِ عَشْرٍ، وَإِنَّمَا صَارَ الْقَرْضُ أَفْضَلَ مِنَ الصَّدَقَةِ لِأَنَّ الْمُسْتَقْرِضَ لَا يَسْتَقْرِضُ إِلَّا مِنْ حَاجَةٍ، وَقَدْ يَطْلُبُ الصَّدَقَةَ مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَيْهَا (مجلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰۳، ص. ۱۴۰).

۹. عَنْ أَبِي مُوسَى، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه‌السلام): جُعِلْتُ فِدَاكَ يَسْتَقْرِضُ الرَّجُلُ وَيَحِجُّ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: يَسْتَقْرِضُ وَيَتَزَوَّجُ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِنَّهُ يَنْتَظِرُ رِزْقَ اللَّهِ غَدَوَةً وَعَشِيَّةً (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۳، ص. ۸۲).

بررسی نیازهای انسان از منظر قرآن کریم (با رویکرد انگیزش) صورت گرفته است که ازجمله آن‌ها می‌توان به مطالعه مروتی و یعقوبی (۱۳۸۹)، کاویانی و کریمی (۱۳۹۰) و کجباف (۱۳۹۴) اشاره کرد. لازم به ذکر است که به‌دلیل رویکرد خاص نظریه‌پردازان فوق در تعریف نیازها (تعریف نیاز با رویکرد انگیزش انسان)، نظریه‌های فوق تطابق کاملی با مسئله مورد نظر مقاله ندارد.

بخش دیگری از نظریات متناظر با سلسله‌مراتب نیازهای انسانی در ادبیات اقتصاد توسعه مطرح شده است. رویکرد نیازهای اساسی اولین بار توسط سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۸۰ معرفی گردید (حبیبیان نقیعی، ۱۳۸۴). این رویکرد عمدتاً در واکنش به نتایج نامناسب و ناتوانی رویکردهای توسعه مبتنی بر ساختارگرایی در مبارزه با فقر پدید آمد. در این رویکرد، میزان حداقل مطلق منابع لازم برای رفاه فیزیکی درازمدت مشخص شده و مفهوم خط فقر (حداقل میزان درآمد لازم برای رفع نیازهای اساسی خانواده) تعریف می‌شود. سپس سازمان‌های جهانی (ازجمله سازمان جهانی بهداشت و بانک جهانی) بر مبنای این رویکرد و با هدف تدوین برنامه‌هایی برای ریشه‌کن کردن فقر اقدام به طراحی مدل‌های مختلفی از نیازهای اساسی انسان نمودند (دینی ترکمانی، ۱۳۹۰). هیکس و استرین (۱۹۷۹) به مطرح نمودن شش نیاز اساسی انسان‌ها و تعریف شاخص‌های عملی برای آن‌ها پرداخته‌اند. آن‌ها به شش نیاز اساسی سلامتی، عرضه آب، تغذیه، بهداشت، مسکن و آموزش اشاره نموده‌اند و آن‌ها را بر نیازهای دیگر متقدم دانسته‌اند (حبیبیان نقیعی، ۱۳۸۴). اصل چهل و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هفت نیاز مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده را نیاز اساسی انسان‌ها نامیده است.

به نظر می‌رسد که علی‌رغم مطالعات انجام شده، همچنان ابهامات و سؤالات جدی در مورد تعیین اولویت‌های نیازهای انسان وجود داشته و نیاز است تا پژوهشگران علوم انسانی اسلامی به این مسئله توجه جدی نمایند. به‌دلیل اقتضائات پژوهش حاضر، انجام مطالعات در زمینه اولویت‌های نیازهای مستقرضان در همین سطح متوقف گشته و پاسخ این مسئله در پژوهش‌های دیگر انجام خواهد شد.

۴-۱-۲. سلوک توحیدی نیازمند

در آیه شریفه ۲۷۳ سوره بقره^{۱۰} برخی از ویژگی‌های شایستگی افراد برای دریافت انفاق بیان شده است. در این آیه شریف، قید «فی السبیل الله» در عبارت «الَّذِينَ أُخْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ»، نشان‌دهنده اهمیت توجه به دلیل احتیاج فرد نیازمند است. واژه حصر به معنای ممنوع بودن است؛ اما تنها به وجود مانع باطنی اشاره دارد، درحالی که واژه احصار به همین معنا هر دو منع ظاهری و باطنی را دربرمی‌گیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق). عمده مفسران صراحتاً اشاره کرده‌اند که اصل در مصرف انفاقات بر مصرف برای فقرایی است که در مسیر خدا احصار شده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص. ۵۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص. ۳۵۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۳۸۳) و این به دلیل عنایت ویژه الهی به کسانی که در مسیرش قرار دارند (سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص. ۱۹۳). همچنین برخی مفسران عقیده دارند احصار در اینجا برای هر دو منع ظاهری (به مانند کسب علم یا درگیری با دشمن) و باطنی (به مانند بیماری) به کار رفته است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۳۸۳) و آیه اشاره به وجود هر مانع عرفی، عقلی و یا شرعی اعم از مستقیم یا غیرمستقیم دارد (سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۱۹۳). باین حال برخی از مفسران عقیده دارند که بدون ذکر شدن عبارت «لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ» نشان‌دهنده این است که منشأ ناتوانی فقرا مورد نظر آیه، محصور و محبوس شدن در راه خداست نه ناتوانی ناشی از مرض یا سالمندی (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص. ۵۰؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص. ۲۴۱). همچنین گفته شده است که مسیر خدا تنها جنگیدن در راه او نیست بلکه اشتغال به انجام انواع واجبات عینی و کفائی منظور آیه است و مصادیق بارز آن کسانی هستند که به تحصیل علوم دینی پرداخته یا با هدف رفع خطر احتمالی از حکومت اسلامی به تحصیل فنون نظامی می‌پردازند (سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۱۹۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص. ۵۰).

درنهایت لازم به ذکر است که این آیه در مقام بیان فرد افضل از موارد صرف انفاق

۱۰. لِّلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُخْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ.

است. با این توضیح که این آیه مقید اطلاق آیه ۶۰ سوره توبه^{۱۱} یا آیه ۲۱۵ سوره بقره^{۱۲} نبوده و درحقیقت همه فقرای مسلمان، مستحق و مورد صرف انفاقات و صدقات‌اند؛ اما در بیان نوعی ارجحیت در محصورشدگان و واقفان خویشتن در راه خداست.^{۱۳} آن چه سبب تعلق انفاق به شخص نیازمند است، وابستگی تام به صفات و شاخصه‌های راسخه در نفس نیازمند دارد و طبق آیه شریفه، عبارت است از «احصار فی سبیل الله» که مطلق احصار را شامل می‌شود. آنچه از احصار فهمیده می‌شود، روح غالب بر آن است، که ظاهراً بازگشت آن به سلوک ایمانی و توحیدی می‌باشد. بدین معنا که پس از تعیین مقصد در مسیر ایمان به خدا، و تقید به لوازم ایمان، مطلق موانع و مشکلاتی که در رسیدن بدین مقصد سد راه سالک است، می‌تواند از مصادیقی باشد که نیازمند را مستحق دریافت انفاق می‌کند.

۴-۱-۳. رفتار اجتماعی متعففانه

میزان تعفف و آبروداربودن نیازمند ازجمله ملاک‌های اولویت‌بندی نیازمندان در دریافت صدقات مطرح شده است. در قرآن کریم به‌طور مستقیم در آیه ۲۷۳ سوره مبارک بقره در عبارت «يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ» به این مسئله اشاره شده است. عفت حالتی است که انسان در مقابل غلبه شهوات استواری می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق). بالاترین درجه عفت، سیطره یافتن عقل انسان (البته عقلی که ما عبد به الرحمن و کتسب به الجنان باشد) (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص. ۱۱). بر تمامی قوای نفسانی است، به‌طوری‌که شهوات انسان تماماً در کنترل عقل باشد. که این همان

۱۱. إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.

۱۲. يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الدِّينِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالتَّيَّمَاتِ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ.

۱۳. در برخی از آیات شریف قرآن کریم مانند آیه ۶۰ سوره توبه، «فی سبیل الله» درمقابل دیگر موارد صدقه ذکر شده است که در اینجا به این دلیل که تفصیل نشان‌دهنده عدم شرکت است، مراد از فی سبیل الله شخصیت‌های حقوقی است؛ مانند احداث اماکن عام‌المنفعه است. همچنین گاهی فی سبیل الله به‌طور مطلق به‌کار برده شده است که مراد همه موارد انفاق اعم از افراد و سازمان‌های خیریه است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص. ۵۰).

بالاترین درجه ایمان است (سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۱۹۳). استفاده از واژه «تعفف» به آن جهت است که عفت تبدیل به صفت و ملکه آن‌ها شده باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۳۸۳). «يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنْ تَعَفُّفٍ» یعنی اظهار فقر نکرده و از خلق خدا درخواست نمی‌کنند و نشانه‌های فقر را بروز نمی‌دهند مگر آنچه در پوشاندنش ناتوان‌اند. چراکه اگر درخواست می‌کردند یا نشانه‌های فقر را بروز می‌دادند، جاهلان از روی جهل آنان را غنی نمی‌دانستند (سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص. ۱۹۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص. ۵۰). برخی از مفسران با توجه به وجوب درخواست از دیگران در شرایط اضطرار گفته‌اند که عبارت به دنبال نفی مطلق درخواست از غیر نبوده و اشاره به درخواست در شرایط غیرضرور دارد (سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص. ۱۹۳). به‌طوری‌که به اجماع فقهای شیعه درخواست از دیگران در هنگام ضرورت واجب است. روایاتی نیز مرتبط با این امر وجود دارد؛ مانند روایت شریفی از رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که فرمودند درخواست کردن روا نیست مگر برای فقر کشنده یا بدهی کمرشکن.^{۱۴}

در عبارت شریف «يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ»، ماده حسب به معنای حکم کردن به یکی از نقیضین به‌طور بدوی و بدون بررسی و تفکر در جانب مقابل است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص. ۵۰)؛ یعنی جاهلان به دلیل تعفف بالا و دوری از ابراز نشانه‌های ظاهری فقر، خیال می‌کنند که این افراد غنی‌اند. در ادامه آیه فرموده است «تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ» که در سیما (مشتق شده از وسم) به معنای علامت و نشانه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق)؛ یعنی آن‌ها هرچند تلاش دارند تا ابراز فقر نکرده و تا حد اجازه شریعت از کسی درخواست نکنند؛ اما نشانه‌های فقر داشته و از روی این نشانه‌ها قابل شناسایی‌اند. در نتیجه آنکه نیازمندی این گروه را از روی نشانه‌ها و علائم رنج درونی غیرقابل پوشاندنشان باید شناخت و نه از روی درخواست و اصرار آنها (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص. ۳۵۶).

برخی از مفسران گفته‌اند که وجوه فضیلت داشتن پوشاندن فقر و عدم درخواست و

۱۴. رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): إِنْ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ إِلَّا لِفَقْرٍ مُدْقِعٍ، أَوْ غُرْمٍ مُقْطِعٍ (مجلسی، ۱۴۲۰ق: ۲۹/۱۵۶/۹۶).

اصرار از مردم، مقابله اسلام با فاصله اجتماعی هم به صورت واقعی و هم به صورت ظاهری است. با این توضیح که ابراز فقر منجر به نمایان شدن فاصله‌های اجتماعی موجود در سطح مردم شده و این از منظر اسلام قبیح است (عابدینی، ۱۳۹۸).

این معیار در منابع متعدد دیگری نیز وارد شده است، چنان‌که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «خداوند مبعوض دارد دشنام‌دهنده بدزبان را و گدای پيله‌کن را».^{۱۵} همچنین از امیرمؤمنان (علیه السلام) نقل شده است: «هرکس از غیرخدا چیزی بخواهد شایسته محرومیت است».^{۱۶} به این ترتیب نوع رفتار اجتماعی انسان‌ها در پوشاندن فقر را باید یکی از معیارهای اصلی اولویت‌بندی نیازمندان در دریافت انواع اتفاقات دانست. تعفف، ظهور و بروز غنای ذاتی مؤمن است. بدین معنا که وقتی قلب ظرف پذیرش و باور دستورات الهی می‌گردد، غنای خاصی به قلب می‌بخشد. به نحوی که قلب انسان دو وجه پیدا می‌کند. از یک سو قلب به شدت خود را محتاج خالق خویش می‌بیند و متصف به وجدان فقر ذاتی می‌گردد و از سویی دیگر غنای ذاتی پیدا می‌کند. فقر نسبت به خالق، و غنا در مواجهه با ما سوی الله. در اینجا است که در مواجهه با خلق، با وصف تعفف برخورد می‌نماید و طبق آیه شریفه آن‌کس که جهل به مبانی معرفتی مؤمن دارد، او را در زمره اغنیاء می‌پندارد.

۴-۱-۴. مجاهدت اقتصادی در خواست‌کننده و انگیزه وی برای پرداخت قرض

در روایاتی شریف از امام صادق (علیه السلام) به این نکته اشاره شده است که در افرادی که برای معیشت و پرداخت دیون خود تلاشی نمی‌کنند خیری نیست.^{۱۷} همچنین در جایی دیگر از وجود مبارک ایشان نقل شده است که کسی که پایبند عهد و پیمان نیست دین ندارد.^{۱۸} براین اساس، فردی که مسئولیت تعهدات خود را نپذیرفته و

۱۵. إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْفَاحِشَ الْبَذِيءَ وَالسَّائِلَ الْمُلْحِفَ (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص. ۳۲۵).

۱۶. عنه (علیه السلام): مَنْ سَأَلَ غَيْرَ اللَّهِ اسْتَحَقَّ الْحِرْمَانَ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ۷۹۹۳).

۱۷. لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يُحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ فَيَكْفُ بِهِ وَجْهَهُ وَيَقْضِي بِهِ دَيْنَهُ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص. ۱۶۶).

۱۸. عنه (علیه السلام): لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ (مجلسی، ۱۴۲۰ق، ۴۷/۲۵۲/۸۴).

انگیزه چندانی برای رفع دیون خود نداشته باشد، انسانی است که خیری در او نبوده و دینی برایش متصور نیست. همچنین از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که کسی که قرض گرفته و تصمیم به بازپرداخت آن نداشته باشد، دزد محسوب می‌شود.^{۱۹} همچنین در روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که «هرکس بدهکار باشد و قصد پرداخت آن را داشته باشد، از جانب خداوند عزوجل دو محافظ و نگاهبان برای او قرار داده می‌شود که برای پرداخت بدهی‌اش کمکش کنند و این کار را به خاطر امانت‌داری او انجام می‌دهند. ولی اگر خیلی به فکر بدهی‌اش نباشد کمتر کمکش می‌کنند همان قدر که در تصمیم او نسبت به پرداخت بدهی‌اش، کاستی وجود دارد»^{۲۰} که در این حدیث شریف نیز با ذکر عبارت «مَا قَصُرَ مِنْ نَيْتِهِ»، توجه ویژه‌ای به اراده مدیون برای بازپرداخت بدهی شده است.

علاوه بر این، اساس جامعه بر احساس مسئولیت و اعتماد متقابل بنا شده است. به همین جهت لزوم پایبندی به تعهدات و دیون مورد توافق تمام جوامع با ادیان و فرهنگ‌های مختلف است. چنان‌که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در عهد مالک اشتر فرمودند: «اگر پیمانی میان خود و دشمن بستنی یا لباس امان بر او پوشاندی به عهده وفا کن و قرارداد خود را محترم بشمار و جان خویش را در برابر تعهدات سپر قرار ده؛ زیرا هیچ‌یک از فرایض الهی همچون بزرگداشت وفای به عهد و پیمان نیست و مردم جهان با تمام اختلافات و تشتت‌آرایی که دارند نسبت به آن اتفاق نظر دارند. علاوه بر مسلمین حتی مشرکان زمان جاهلیت آن را مراعات می‌کردند، چراکه عواقب دردناک پیمان‌شکنی را آزموده بودند»^{۲۱}. به همین جهت عدم التزام افراد به قراردادها و

۱۹. اَعْلَمُ أَنَّهُ مِنْ اسْتِدَانِ دَيْنَا وَ نَوَى قَضَاءَهُ، فَهُوَ فِي أَمَانِ اللَّهِ حَتَّى يَقْضِيَهُ، فَإِنْ لَمْ يَنْوِ قَضَاءَهُ فَهُوَ سَارِقٌ (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص. ۲۶۸).

۲۰. مَنْ كَانَ عَلَيْهِ دَيْنٌ فَيَنْوِي قَضَاءَهُ كَانَ مَعَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَافِظَانِ يُعِينَانِهِ عَلَى الْأَدَاءِ عَنْ أَمَانَتِهِ فَإِنْ قَصُرَتْ نَيْتُهُ عَنْ الْأَدَاءِ قَصُرَ عَنْهُ مِنَ الْمَعُونَةِ بِقَدْرِ مَا قَصُرَ مِنْ نَيْتِهِ (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص. ۹۵).

۲۱. وَإِنْ عَقَدْتَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ عَدُوِّكَ عَقْدَةً، أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً، فَحُطَّ عَهْدُكَ بِالْوَفَاءِ، وَارْعَ ذِمَّتَكَ بِالْأَمَانَةِ، وَاجْعَلْ نَفْسَكَ جَنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيَ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدَّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعًا، مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ، وَتَشْتَتِ آرَائِهِمْ، مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعُهُودِ. وَقَدْ لَزِمَ ذَلِكَ الْمُشْرِكُونَ فِيمَا بَيْنَهُمْ دُونَ الْمُسْلِمِينَ لِمَا اسْتَوْبَلُوا مِنْ عَوَاقِبِ الْغَدْرِ (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

تعهدهایشان به فروپاشی اعتماد و احساس مسئولیت متقابل و درنهایت فروپاشی اجتماعی منجر می‌شود. ازاین‌رو توجه به مسئولیت‌پذیری متقاضی دریافت قرض از اهمیت بالایی برخوردار است. چنان‌که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مورد شرایط جامعه پس از ایشان فرمودند: «هرگاه بدعهدی کنند خداوند دشمنشان را بر آنان مسلط کند»^{۲۲}.

لازم به ذکر است که این معیار، رابطه مستقیمی نیز بر معیار دوم (سلوک توحیدی نیازمند) خواهد گذاشت، چراکه با توجه به بیان روایات، کسی که بدون نیت بازپرداخت اقدام به دریافت دین کند، گناهکار محسوب شده و این مسئله با در راه خدا بودن فعالیت‌های آن فرد قابل جمع نخواهد بود.

۴-۲. معیارهای متناظر با مطلوبیت‌های واقعی قرض‌دهنده

در کنار معیارهای مرتبط با شرایط زندگی و ویژگی‌های شخصی متقاضیان دریافت قرض که در میزان شایستگی آنها در دریافت قرض اثرگذار است، معیارهای دیگری وجود دارد که بر مسئله اولویت‌بندی قرض‌گیرندگان دارای اثر خواهد بود. اصلی‌ترین این عوامل عبارت‌اند از: نسبت اجتماعی متقاضی و پرداخت‌کننده قرض و همچنین ریسک اعتباری متقاضی. این معیارها مربوط به شایستگی قرض‌گیرنده نبوده و بسته به قرض‌دهندگان مختلف، نحوه اثرگذاری آنها در اولویت‌بندی قرض‌گیرندگان متفاوت خواهد بود.

۴-۲-۱. نسبت اجتماعی درخواست‌کننده و پرداخت‌کننده

بنابر تعالیم اسلامی، اولویت انفاق با نزدیکان و خویشاوندان و همسایگان است و با این موضوع آیات و روایات متعددی ازجمله آیات ۱۷۷ و ۲۱۵ سوره مبارک بقره^{۲۳} بیان شده است. مطابق نظر برخی از مفسران، با فرض اینکه استحباب انفاق به یتیم و مسکین آیه شریف ۲۱۵ اشاره به انفاق مستحب دارد، بالاین حال با توجه به وجوب

۲۲. وَإِذَا تَقَضُّوا الْعَهْدَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص. ۳۷۴).

۲۳. يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ وَالَّذِينَ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَالْبَنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ.

کفائی (و نه استحباب) انفاق به یتیم و مسکین و اصالت اطلاق، بسیاری از مفسران همچون جوادی آملی (۱۳۸۶)، موسوی سبزواری (۱۴۰۹)، طباطبایی (۱۳۹۰)، فاضل مقداد (۱۴۲۲ق) و طبرسی (۱۳۷۲) عقیده دارند این آیه مربوط به هر دو نوع انفاق واجب و مستحب است (شکرانی و سیدناری، ۱۳۹۶).

برخی از مفسران بر این عقیده‌اند که هر چند آیه ۲۱۵ سوره بقره در بیان اولویت انفاق است؛ اما با توجه به استفاده از حرف عطف واو ترتیب ذکر شده در آیه نشانه ترتیب اولویت نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص. ۵۰)؛ اما باید اشاره نمود عدم استفاده از فاء به جای واو به جهت رفع انحصار در اولویت بوده است. همچنین با توجه به اقتضای حکمت در عدم ترجیح بلامرجح، مسبوق به سابقه بودن استفاده از این نوع ترکیب برای بیان ارجحیت در قرآن کریم و ابتلاء بسیار زیاد مردم به این مرجحات (شکرانی و سیدناری، ۱۳۹۶) امکان دلالت این آیه بر اولویت بسیار بالاست. همچنین گروه دیگری از مفسران از ترتیب ذکر شده در آیه، اولویت در انفاق را استنباط نموده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص. ۳۵۶؛ سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص. ۱۹۳). درنهایت، عده‌ای از مفسران عقیده داشته‌اند که اولویت‌بندی بیان شده در این آیه بعداً توسط آیه ۶۰ سوره توبه نسخ شده است؛ اما این ادعا صحیح نبوده و هیچ دلیلی بر نسخ و منسوخ بودن این دو آیه وجود ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص. ۲۵۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص. ۳۵۰)؛ بنابراین آیات و برخی دیگر آیات مشابه، یکی از ابعاد اولویت انفاق در اسلام از ترتیب خاصی پیروی می‌کند که متأثر از نسبت اجتماعی انفاق‌کننده و نیازمند است. به‌صورتی که هر چقدر نسبت اجتماعی نزدیک‌تر باشد، اولویت بالاتری خواهد داشت و پس از آن هم اولویت به‌ترتیب با یتیمان، مساکین (فقراء دارای نیاز شدید) و در راه‌ماندگان است.

لازم به ذکر است که توجه به این اولویت‌ها از دیرباز در فرهنگ جوامع مسلمان نهادینه شده بود و با عنوان «تکافل اجتماعی» مورد بررسی پژوهشگران مسلمان نیز قرار گرفته است. تکافل از باب تفاعل در اصطلاح تخصصی نوعی همیاری چندجانبه است که در آن افراد یک جامعه کم‌وکیف نیازها و مشکلات یکدیگر را شناسایی و تا حد قابل توجهی تأمین می‌کنند (آرام و سیدامامی، ۱۳۹۵). نهادهای تکافل اجتماعی به

شیوه‌های برخورد در مقابل وضعیت‌های مستمر تثبیت شده در دل جوامع نهاد اجتماعی گفته می‌شود. نهادهای اجتماعی در کنار فرهنگ و ساختار اجتماعی، کنش افراد را نظم داده و هماهنگ می‌کنند (شارون، ۱۳۷۹). با بررسی آیات و روایات و همچنین ملاحظه سطح روابط، وابستگی‌ها و احساس مسئولیت‌های متقابل، نهادهای فعال تکافل اجتماعی را می‌توان به خانواده، خویشاوندان، عشیره، همسایگی، دوستی، برادری و نهاد ولایت مرتب کرد (آرام و سیدامامی، ۱۳۹۵). بسته به سطح رابطه و توانایی هریک از نهادها، میزان متفاوتی از وظیفه تأمین اجتماعی بر عهده آنان خواهد بود. ازاین‌رو نهادهای تکافل اجتماعی توانایی بالایی در تشخیص نیاز و نیازمند واقعی و حفظ آبروی نیازمند داشته و در صورت فراگیر شدن، در پایدار شدن منابع تأمین مالی اثر به‌سزایی خواهند داشت.

در انتها باید یادآوری نمود که ورود معیار نسبت اجتماعی متقاضی و پرداخت‌کننده قرض، به بی‌عدالتی در حرکت یافتن وجوه و اجحاف در حق متقاضیان بی‌سرپرست و بدسرپرست منجر نخواهد شد. چراکه این مسئله برخاست از توصیه‌های اکید اسلام در زمینه انفاق بوده و مسلماً هیچ تعارضی با عدالت نخواهد داشت و همچنین با توجه به رویکرد دوگانه اسلام در تأمین اجتماعی و بازتوزیع درآمدها، هرچقدر نهادهای تکافل اجتماعی افراد ضعیف‌تر باشد، به همان نسبت وظیفه حاکمیت و نهادهای حمایتی متمرکز در پشتیبانی از وی بیشتر خواهد شد.

۴-۲-۲. توانایی بازپرداخت درخواست‌کننده (ریسک اعتباری)

در روایت شریفی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده است که «هزار درهم را اگر دوبار قرض بدهم، بیشتر دوست دارم از اینکه آن را یک مرتبه به‌عنوان صدقه بپردازم»^{۲۴}. در این روایت به‌وضوح به‌ویژگی مثبت بازتجهیز شدن منابع در قرض اشاره شده است. مشخص است که لازمه بازتجهیز شدن منابع نیازمند بازپرداخت قرض‌گیرندگان است. ازاین‌رو توجه به بازپرداخت قرض‌گیرندگان نیز در کنار سایر

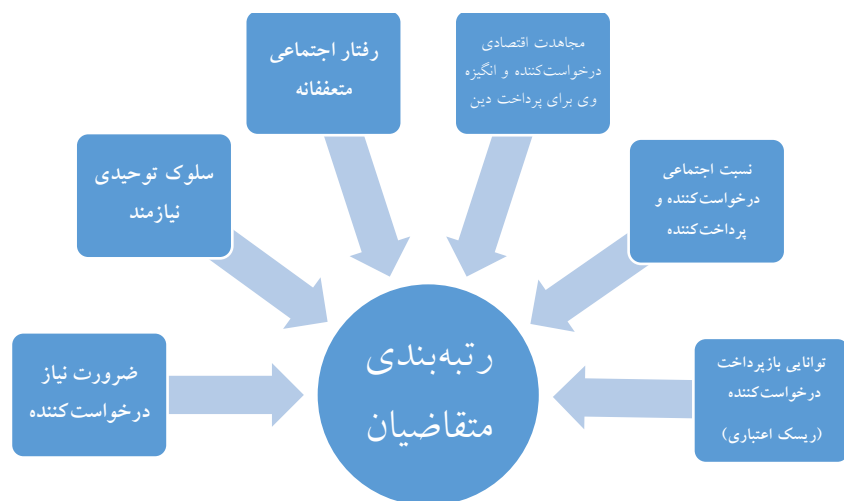
۲۴. قَالَ النَّبِيُّ (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): أَلْفُ دِرْهَمٍ أَفْرِضُهَا مَرَّتَيْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِهَا مَرَّةً (مجلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰۳، ص. ۱۳۹).

معیارها دارای اهمیت خواهد بود. از سوی دیگر، دین مبین اسلام علاوه بر توجه به نیازهای افراد قرض گیرنده و یا نیازمندان دریافت صدقه، به اقتضائات زندگی انفاق کنندگان نیز توجه ویژه‌ای داشته است. از همین روی در صفحه ۵۶ از جلد دوم کتاب شریف من لایحضر الفقیه به نقل از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) آمده است که: «بهترین صدقه آن است که از مازاد قوت عیال باشد و چون قصد انفاق کنی به افراد عائله خودت آغاز کن»^{۲۵}. مطابق این روایت شریف، بهترین انفاق‌ها آن است که از زیاده خرج زندگی باشد و منجر به کمبود نفقه خانواده نباشد؛ بنابراین میزان تمکن مالی قرض دهنده (با لحاظ زمان، مکان و شأن خانواده‌اش) در کم و کیف تأثیر معیار ریسک اعتباری در اولویت بندی مستقرضان اثرگذار خواهد بود، چراکه با توجه به احتمال نکول شدن مال قرض داده شده، نوساناتی به وضعیت اقتصادی فرد قرض دهنده وارد شده و اگر این فرد دارای تمکن مالی کافی نبوده باشد، دچار مشکلات معیشتی خواهد شد و این مسئله در حدیث شریف نهی شده است؛ بنابراین حداقل با توجه به کیفیت تمکن مالی قرض دهنده، توجه به احتمال بازپرداخت بدهی اهمیت خواهد داشت.

همچنین علاوه بر دلیل بالا، می‌توان استدلال نمود که از آنجایی که در اسلام اموال و ثروت‌ها، مایه قوام زندگی و اجتماعات عنوان شده است، جامعه‌ای که نعمت‌های مادی را به طور صحیح مورد استفاده قرار دهد، قوام و استحکام می‌یابد و زمینه رشد افراد در آن جامعه به خوبی مهیا می‌شود. مال و ثروت وسیله خیر و مایه رشد و برکت است، اگر در راه مشروع و صحیح مصرف شود و استفاده نادرست از آن جامعه را به فساد می‌کشاند. قرآن کریم در این رابطه در آیه ۴ سوره نساء می‌فرماید: «اموال خود را که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید و از آن، به آن‌ها روزی دهید و لباس بر آنان بپوشانید و با آن‌ها سخن شایسته بگویید»^{۲۶}.

۲۵. أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ صَدَقَةٌ عَنْ ظَهْرِ غِنًى وَإِذَا بَعَثَ تَعُولُ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص. ۵۶).

۲۶. وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

شکل (۲): معیارهای اولویت‌بندی قرض‌گیرندگان

نتیجه‌گیری

نظام اقتصادی از نقش بی‌بدیلی در مسیر تحقق جامعه اسلامی و تحصیل تمدن نوین اسلامی برخوردار است. نظام گردش دارایی و سرمایه‌ها، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اجزاء نظام اقتصادی جامعه، تأثیراتی شگرف در شکل‌دهی به ساختار اقتصادی، تعیین نسبت‌های اجتماعی و روابط میان‌فردی، توزیع ثروت و جهت‌دهی انگیزه‌های جامعه دارد. در این میان، عقد قرض به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و متداول‌ترین روش‌های انتقال دارایی و سرمایه‌ها در جوامع بشری، نیاز به توجه ویژه‌ای دارد.

در مطالعه حاضر به واکاوی معیارهای مورد نظر اسلام در اولویت‌بندی مستقرضان در آیات قرآن و روایات پرداخته شد. به جهت تحقق این مهم و پس از تدبر در آیات و روایات و مراجعه به تفاسیر و پرسش از صاحب‌نظران، معیارهای زیر استخراج گردید: با توجه به یافته‌های تحقیق، معیارهای ذیل را می‌توان برای اولویت‌بندی وام‌گیرندگان ملاحظه کرد.

جدول (۱): یافته‌های پژوهش

معیار	نوع معیار	جهت اثر	دلیل
ضرورت نیاز درخواست‌کننده	معیارهای عمومی اتفاق	شایستگی متقاضی	۱- قاعده عقلی ۲- دلالت التزامی روایت شریف: «مَنْ أَقْرَضَ مَلْهُوفاً فَأَحْسَنَ طَلِبَتَهُ اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ» ۳- دلالت التزامی روایت شریف: «من طلب الرزق من حله فغلب فليستقرض على الله عزوجل وعلى رسوله (صلى الله عليه وآله وسلم)». ۴- دلالت التزامی روایت شریف: «مَنْ أَتَى عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ يَوْماً وَلَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ فَلْيَسْتَقْرِضْ عَلَى اللَّهِ وَلْيَأْكُلْهُ». ۵- دلالت التزامی روایت شریف: «السنة في النورة في كل خمسة عشريوما فإن أتت عليك عشرون يوما وليس عندك فاستقرض على الله». ۶- دلالت التزامی روایت شریف: «الْصَّدَقَةُ بِعَشْرَةِ وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ، وَأِنَّمَا صَارَ الْقَرْضُ أَفْضَلَ مِنَ الصَّدَقَةِ لِأَنَّ الْمُسْتَقْرِضَ لَا يَسْتَقْرِضُ إِلَّا مِنْ حَاجَةٍ، وَقَدْ يُطْلَبُ الصَّدَقَةُ مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَيْهَا». ۷- دلالت التزامی روایت شریف: «جُعِلَتْ فِدَاكَ يَسْتَقْرِضُ الرَّجُلُ وَيَحِجُّ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: يَسْتَقْرِضُ وَيَتَزَوَّجُ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِنَّهُ يَنْتَظِرُ رِزْقَ اللَّهِ غُدُوَّةً وَعَشِيَّةً».
سلوک توحیدی نیازمند	معیارهای عمومی اتفاق	شایستگی متقاضی	آیه شریفه «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْباً فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافاً وَمَا تُتْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (بقره / آیه ۲۷۳).
رفتار اجتماعی متعطفانه درخواست‌کننده	معیارهای عمومی اتفاق	شایستگی متقاضی	آیه شریفه «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْباً فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافاً وَمَا تُتْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (بقره / آیه ۲۷۳). و احادیث مرتبط

معیار	نوع معیار	جهت اثر	دلیل
مجاهدت اقتصادی درخواست‌کننده و انگیزه وی برای پرداخت قرض	معیارهای خاص قرض‌الحسنه	شایستگی مقتضای	دلالات‌های التزامی موجود در سه حدیث زیر: ۱- حدیث شریف: لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يُحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ فَيَكْفُ بِهِ وَجْهَهُ وَ يَقْضِي بِهِ دَيْنَهُ (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۱۸۰). ۲- حدیث شریف: مَنْ أَخَذَ أَمْوَالَ النَّاسِ يُرِيدُ أَدَاءَهَا أَدَّى اللَّهُ عَنْهُ وَ مَنْ أَخَذَهَا يُرِيدُ إِتْلَافَهَا اتَّلَفَهُ اللَّهُ (پابنده، ۱۳۲۴، ص. ۷۶۲). ۳- دلالت التزامی حدیث شریف: السَّرَّاقُ ثَلَاثَةٌ: مانع الزكاة، وَ مُسْتَحِلُّ مَهْوَرِ النَّسَاءِ وَ كَذَلِكَ مَنْ إِسْتَدَانَ وَ لَمْ يَنْوَ قِضَاءَهُ (مجلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰۳، ص. ۱۴۶).
نسبت اجتماعی درخواست‌کننده و پرداخت‌کننده	معیارهای عمومی اتفاق	بایسته‌های ناظر به قرض‌دهنده	۱- آیه شریفه «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الدِّينُ وَالْآقَرِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (بقره / آیه ۲۱۵) و آیات مشابه. ۲- حدیث شریف: خَمْسُ تَمَرَاتٍ أَوْ خَمْسُ قُرْصٍ أَوْ دَنَانِيرُ أَوْ دَرَاهِمُ يَمْلِكُهَا الْإِنْسَانُ وَ هُوَ يُرِيدُ أَنْ يُمِضَّيْهَا فَأَفْضَلُهَا مَا أَنْفَقَهُ الْإِنْسَانُ عَلَى وَالِدَيْهِ ثُمَّ الثَّانِيَةَ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ ثُمَّ الثَّالِثَةَ عَلَى قَرَابَتِهِ الْفُقَرَاءَ ثُمَّ الرَّابِعَةَ عَلَى جِيرَانِهِ الْفُقَرَاءَ ثُمَّ الْخَامِسَةَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ هُوَ أَحْسَنُهَا أَجْرًا.
توانایی بازپرداخت درخواست‌کننده (ریسک اعتباری)	معیارهای خاص قرض‌الحسنه	بایسته‌های قرض‌دهنده	۱- آیه شریفه: «وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء / آیه ۴). ۲- دلالت التزامی حدیث شریف: أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ صَدَقَةٌ عَنْ ظَهْرِ غِنًى وَ إِبْدَاءُ بَمَنْ تَعُولُ وَ الْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى وَ لَا يَلُومُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى الْكَفَافِ. ۳- دلالت التزامی حدیث شریف: أَلْفُ دِرْهَمٍ أَقْرَضُهَا مَرَّتَيْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِهَا مَرَّةً.

با مقایسه معیارهای به دست آمده و معیارهای وارد شده در مدل‌های غربی، مشخص می‌شود که مدل‌های غربی دارای تعارض مستقیم با اسلام نبوده و صرفاً به جهت نادیده انگاشتن برخی از ابعاد اجتماعی و معنوی قرض و همچنین اهداف والای اسلامی در صورت‌بندی جامعه، نیازمند تکامل هستند.

هرچند پژوهش حاضر به بررسی معیارهای مؤثر در اولویت‌بندی قرض‌گیرندگان پرداخت، با وجود این به نظر می‌رسد شناسایی اولویت‌های فی‌مابین این معیارها کمک به طراحی نظام کاملی از اولویت‌بندی متقاضیان وام منجر شود.

پیشنهادهای

در نهایت پیشنهاد می‌شود تا محققان و پژوهشگران گرانقدر، در موضوعات اولویت‌های تأمین اجتماعی و تأمین نیازهای اساسی پژوهش‌های لازم را انجام دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود تا سنجه‌هایی برای هریک از معیارها طراحی گردد. همین‌طور به نظر می‌رسد تا تحقیقاتی تجربی بر ارزیابی تأثیرات استفاده از نهادهای تکافل اجتماعی صورت گیرد.

کتابنامه

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
آرام، محمدرضا و سیدامامی، کاووس (۱۳۹۵). سیاست‌های فقرزدایی با محوریت تکافل اجتماعی. دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی، سال دوازدهم، (۲)، ۱۶۳-۱۹۴.
ابن ادریس، محمد (۱۴۱۰ق). کتاب السرائر: الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. قم: دارالشریف.
ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق). فقه الرضا. مشهد: المؤتمر العالمی لامام الرضا (علیه السلام).
ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
پاینده، ابوالقاسم (۱۳۲۴). نهج الفصاحه. تهران: دنیای دانش.

- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). *تفسیر تسنیم*. قم: اسراء.
- حبیبیان نقیعی، مجید (۱۳۸۴). *قرض الحسنه و تأمین نیازهای اساسی*. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. (۳۵)، ۳۷-۵.
- حر عاملی، محمد (۱۳۶۷). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لاحیا التراث.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). *دین و قرض*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
- دینی ترکمانی، علی (۱۳۹۰/۱۲/۲۳). *رویکرد نیازهای اساسی و توسعه انسانی*. روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۶۰۱.
- ذاکرنیا، احسان و خادم‌علیزاده، امیر (۱۳۹۶). *اصول حاکم بر اعتباری‌سنجی در مدیریت ریسک اعتباری بانکداری اسلامی از نگاه قرآن*. *دوفصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی*، سال ششم، (۲)، ۳۴-۵.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دار الشامیه.
- سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۰۹ق). *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*. قم: دار التفسیر.
- سیاه‌کارزاده، محمدسجاد و محمدی، محسن (۱۳۹۱). *نظام سنجش اعتبار در بانکداری اسلامی؛ ضرورت، جایگاه و الزامات*. *تحقیقات مالی اسلامی*، (۲)، ۱۱۵-۱۴۱.
- شارون، جوئل (۱۳۷۹). *ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی*. ترجمه منصوری کاشانی، تهران: بی‌نا.
- شبییری زنجانی، موسی (۱۳۸۹/۸/۷). *عبدالملک بن عتبّه*: <http://almaktab.ir/archive/index.php?thread-7.html>
- شکرانی، رضا و سیدناری، طاهره (۱۳۹۶). *اولویت سنجی انفاق در آیات و روایات*. *دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث*، سال دهم، (۲)، ۳۹-۶۷.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل (۱۳۷۲). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- عابدینی، محمدرضا (۱۳۹۸/۱/۱۸). *شرح تفسیر المیزان سوره بقره (آیات ۲۶۱ تا ۲۷۴)*.
- فاضل‌مقداد، مقداد (۱۴۲۲ق). *کنز العرفان فی فقه القرآن*. قم: مکتب نوید اسلام.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۵۳). *قاموس قرآن*. تهران: انتشارات دارالکتب اسلامی.

کاویانی، محمد و کریمی، محمدرضا (۱۳۹۰). منابع انگیزش اخلاقی با رویکرد تطبیقی بین دیدگاه علامه طباطبایی و مازلو. *مطالعات اسلام و روانشناسی*، ۵(۹)، ۷۹-۱۰۴.

کجباف، محمدباقر (۱۳۹۴). بررسی تاثیر حفظ قرآن کریم بر سلامت روان. *اسلام و سلامت*، ۶(۱).

کلینی، محمد (۱۴۱۱ق). الکافی. بی‌جا: بی‌نا.

کميجانی، اکبر (۱۳۷۷). درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن. *نامه مفید*، ۱۴(۱).

مجلسی، محمدباقر (۱۴۲۰ق). *بحار الأنوار*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

محمدي آشنانی، علی و راضی، احمدرضا (۱۳۹۲). ضرورت اعتبارسنجی مشتریان از دیدگاه آموزه‌های اسلامی و ارائه الگوی بهینه. *دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های مالیة اسلامی*، سال اول، ۱(۱)، ۸۷-۹۸.

مروتی، سهراب و یعقوبی، مینا (۱۳۸۹). نقد و بررسی نظریه انسان شناسانه «مازلو» با رویکردی بر آیات قرآن کریم. *مطالعات قرآن و حدیث*، سال چهارم، ۱(۷).

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. قم: دارالکتب الاسلامیه.

موسویان، سیدعباس (۱۳۹۱). *بازار سرمایه اسلامی (۱)*. تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

موسویان، سیدعباس و میثمی، حسین (۱۳۹۷). *بانکداری اسلامی (مبانی نظری - تجارت عملی)*. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی

هادوی‌نیا، علی اصغر (۱۳۹۵). نقش قرض الحسنه در اقتصاد مقاومتی. *پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی*، سال اول، ۲(۲)، ۱-۳۲.

یزدانی، مریم (۱۳۹۰). قرض الحسنه و نقش آن در رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی. *ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، سال یازدهم، ۵ و ۶، ۲۹-۴۰.

Alderfer, Clayton (1972). *ERG theory (Existence, Relatedness and Growth)*. the journal *Organizational Behavior and Human Performance*.

Dunham, Allison (1938). *Modern Real Estate Transaction-cases and Materials*. Second Edition . Journal of Legal Education

Hicks, Tom & Strin (1979). *The Art of Effective Communication: A Beginner's Guide*.

Maslow, A. H. (1943). A theory of human motivation. *Psychological Review*, 50(4), 370-396.

McClelland, D. C.; Atkinson, J. W.; Clark, R. A. & Lowell, E. L. (1953). *The achievement motive*. Appleton-Century-Crofts

References

- The Holy Quran.
Nahjul-Balagha.
Alderfer, Clayton (1972). ERG theory (Existence, Relatedness and Growth). the journal Organizational Behavior and Human Performance.
Aram, Mohammad Reza & Seyedamami, Kavous. (1395). Poverty Alleviation Policies with a Focus on Social Solidarity. Scientific-Research Quarterly of Political Science, 163-211. (In Persian)
Dini Turkmani, Ali (1390,12,23). The Approach of Basic Needs and Human Development. Donya-ye Eqtesad Newspaper, 2601. (In Persian)
Dunham, Allison (1938). Modern Real Estate Transaction-cases and Materials. Second Edition . Journal of Legal Education
Durand, David (1941). Risk Elements in Consumer Instalment Financing, Technical Edition. National Bureau of Economic Research, 83-91. (In Persian)
Fisher, Ronald (1936). The Use of Multiple Measurements in Taxonomic Problems. Annals of Eugenics, 179-188. (In Persian)
Habibian Naqibi, Majid (1384). Qard al-hasana and Meeting Basic Needs. Economic Research and Policies, 5-37. (In Persian)
Hadavi-Neja, Ali Asghar (2016). The Role of Qard al-Hasana in a Resistant Economy. Research on a Resistant Economy, 1-32. (In Persian)
Hicks, Tom & Strin (1979). The Art of Effective Communication: A Beginner's Guide.
Ibn Idris, Muhammad (1410). Kitab al-Sara'ir: al-Haawi li-Tahrir al-Fatawa. Qom: Islamic Publications Institution. (In Persian)
Ibn Qutaybah, Abdullah (1408). Gharib al-Hadith. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah. (In Persian)
Jowadi Amuli, Abdullah (1386). Tafsir-e Tasnim. Qom: Esra. (In Persian)
Kamijani, Akbar (1998). An Introduction to the Position of Qard al-Hasana in Islam and Its Economic Effects. Nameh-e Mofid. (In Persian)
Kiss, Ferenc (2003). Credit scoring process from a knowledge management perspective. Periodica Polytechnica Social and Management Sciences, 95-110. (In Persian)
Kulayni, Muhammad. (n.d.) Al-Kafi. (In Persian)
Majlesi, Muhammad Baqir (2001). Bihar al-Anwar al-Jami'ah li Durar Akhbar al-A'imah al-Athar 'Alayhim al-Salam. Qom: Islamic Publications Institute.
Makarem Shirazi, Naser (1992). Tafsir-e Nemuneh. Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (In Persian)
Maslow, A. H. (1943). A theory of human motivation. Psychological Review, 50(4), 370-396.
McClelland, D. C.; Atkinson, J. W.; Clark, R. A. & Lowell, E. L. (1953). The achievement motive. Appleton-Century-Crofts
Mohammadi Ashnani, Ali & Radi, Ahmadreza (2013). The Necessity of Customer Credit Scoring from an Islamic Perspective and Presenting an Optimal Model. Semi-annual Scientific Research Journal of Islamic Finance Research, 87-98. (In Persian)
Qaraati, Mohsen (2009). Tafsir-e Noor. Tehran: Darshahi az Quran. (In Persian)

- Yazdani, Maryam (2011). Qard al-Hasana and Its Role in Addressing Social and Economic Needs. Monthly Journal of Review of Economic Issues and Policies, 29-40. (In Persian)
- Zakernia, Ehsan & Khadem Alizadeh, Amir (1396). Principles Governing Credit Scoring in Credit Risk Management in Islamic Banking from the Quranic Perspective. Research Journal of Islamic Finance, 5-34. (In Persian)

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص. ۵۵۹-۵۹۶

مقاله برای اصلاح به مدت ۶ روز نزد نویسندگان بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹

طراحی شاخص اسلامی توازن مصرف به عنوان بدیل شاخص های متعارف نابرابری و بررسی اثر خمس بر توازن (با تأکید بر نظر شهید صدر)

محمد مهدی عبدی*

محمد سلیمانی**

چکیده

یکی از اصلی ترین پیش نیازهای سیاست گذاری در جهت کنترل و رفع نابرابری و نیز بررسی پیامد توزیعی سیاست ها، سنجش نابرابری و پایش وضعیت آن در جامعه است. از سویی، پاسخ این پرسش که «آیا حدی از نابرابری موجه است؟ و اگر آری، با چه تحلیلی و تا چه اندازه ای؟»، نیازمند یک نظریه عدالت و نیز سنجه ای مبتنی بر معیارهای ارزشی است. در این پژوهش در کنار نقد مبانی نظری سنجه های متعارف نابرابری درآمد و ارائه تعریف اسلامی «توازن» مصرف (محدوده میان فقر و اسراف) به عنوان تحلیلی بدیل، به دنبال معرفی شاخص متناسب با این تعریف ارزشی، سنجش آن برای اقتصاد ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۹) و برآورد اثر مالیات اسلامی خمس بر توازن هستیم. با مطالعه منابع دینی و استنباط علمای اسلامی (با تأکید بر نظر شهید صدر)، نسبت فقر و اسراف در مصارف جامعه و به عبارتی عدم توازن مصرف به عنوان یک سنجه اسلامی و معیار نابرابری ناموجه معرفی می گردد. برآوردها بیان گر روند افزایشی توازن در سال های مورد بررسی است. ازسوی دیگر در بخش پایانی مقاله نشان داده ایم که در صورت اجرای خمس شاهد افزایش سطح توازن در اقتصاد ایران خواهیم بود.

واژگان کلیدی: شاخص، نابرابری، توازن، فقر، اسراف، خمس.

طبقه بندی JEL: P46, I32, H24, D63

* دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

m.abdi@isu.ac.ir

0009-0009-9852-2889

** استادیار، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

solimani@isu.ac.ir

0000-0001-8310-2253

مقدمه

نابرابری از مسائل مهم علمی و عملی اقتصاد است. برای طراحی سیاست‌های توزیعی و اصلاح وضع نامطلوب به مطلوب و نیز بررسی پیامد توزیعی سیاست‌ها، سنجش نابرابری و پایش آن در جامعه امری لازم است. از سویی، سنجش نابرابری، صرفاً بیان ریاضی توزیع یک متغیر در جامعه است؛ اما اینکه چه حدی از نابرابری موجه باشد، بر اساس ارزش‌های غالب جامعه تعیین می‌شود. (Cowell, 2011, p. 10)؛ به عبارت دیگر، پاسخ این پرسش که «آیا حدی از نابرابری موجه است؟ و اگر آری، با چه تحلیلی؟ و تا چه اندازه‌ای؟»، نیازمند نظریه عدالت و همچنین سنجه‌ای مبتنی بر معیارهای ارزشی است. درواقع سنجش بدون هنجار، ممکن نیست و یک سنجه مفید باید از هر دو ویژگی اندازه‌گیری اثباتی و ارزش‌گذاری هنجاری برخوردار باشد (Sen & Foster, 1997, p. 3). به همین دلیل، هر تجویز سیاستی علاوه بر بهره‌گیری از سنجه توصیفی مناسب، به تحلیل ارزشی وضع عادلانه و نمایش آن در فرایند سنجش و تبیین نابرابری هم نیاز دارد. به طور خلاصه، سنجش بدون ارزش و ارزش بدون سنجش، هر دو در عمل ناممکن است.

با این مقدمه، هدف اصلی ما در این پژوهش یافتن سنجه نابرابری مبتنی بر ارزش‌های اسلامی است که در این مسیر، پس از نقد مبانی نظری سنجه‌های هنجاری مطلوبیت‌گرا و ارائه تعریف اسلامی «توازن» مصرف به عنوان تحلیل بدیل مطلوبیت‌گرایی نهادینه در شاخص‌های متعارف نابرابری، سنجه‌ای را متناسب با این تعریف ارزشی معرفی می‌کنیم و سپس با بهره‌گیری از داده‌های طرح درآمد و هزینه خانوار سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ (مرکز آمار ایران)، وضع توازن در اقتصاد ایران را می‌سنجیم. با شناخت تحلیل اسلامی وضع مطلوب نابرابری و نیز یافتن سنجه و تبیینی متناسب با آن برای توصیف وضع موجود، تجویز چگونگی سیر از موجود به مطلوب را نیز از مسیر خمس به عنوان مالیاتی اسلامی پی می‌گیریم و اثر آن بر توازن را هم بررسی می‌نماییم.

۱. پیشینه پژوهش

ابتنای سنجش نابرابری بر ارزش اسلامی، گامی نو در پیشبرد نظری و عملی اقتصاد اسلامی است که به تبع، پیشینه خاص چندانی در این حوزه وجود ندارد؛ البته می‌توان به

مواردی که به طور عام تری به این حوزه و لوازم پیشینی و پسینی آن مرتبط هستند، اشاره نمود:

غفورزاده و عسکری و (۱۳۹۳)، با مقایسه شاخص های فقر چندبعدی در اقتصاد متعارف با مفهوم فقر در اسلام، مفهوم اسلامی فقر را جامع تر از مفهوم موجود در شاخص های فقر متعارف و آن را بیشتر متوجه رفع فقر نسبی (و نه فقر مطلق) و ایجاد توازن اقتصادی دانسته اند؛ با این حال، مفهوم توازن و رابطه آن با فقر دقیقاً مشخص نگردیده و شاخصی نیز جهت سنجش آن ارائه نشده است.

یوسفی (۱۳۹۵)، با تأکید بر نامطلوب بودن حدود مصرفی اسراف و فقر، تحلیل اسلامی توازن را تقریباً مشخص و تصور جواز توسعه مصرف به محدوده اسراف را رد نموده است؛ با این وجود، هیچ کدام از دو پژوهش، معیار معینی برای حد فقر یا اسراف به دست نداده و آن را به عرف سپرده اند.

رجایی (۱۳۹۲)، ضمن اشاره به این تحلیل از توازن، شاخص هایی از جمله نسبت تعداد خانوارهای محدوده توازن به کل خانوارهای جامعه و نیز ضریب تغییرات مصرف جامعه را برای سنجش توازن پیشنهاد نموده است. در این پژوهش نیز علاوه بر مشخص نبودن معیار حدود فقر و اسراف، شاخص های تعریف شده، به طور مستقیم با مفهوم توازن مرتبط نیست.

مختاربند (۱۳۹۹)، گرچه مفهوم فقر را به خوبی بیان نموده، به تحلیل توازن پرداخته و با وجود معیاری ارزشی برای فقر (چنان که در ادامه خواهد آمد)، حد فقر را نیز بر اساس معیاری آماری و نامرتبط با توازن، تعیین کرده است.

درباره تجویز خمس در جهت سیاست افزایش توازن که پس نیاز سنجه توازن نیز می باشد، کاشیان (۱۳۹۴) با بررسی آماری، اثر خمس در کاهش نابرابری و ضریب جینی و نیز افزایش درآمد مالیاتی را قابل توجه و با استناد به منابع فقهی و روایی، آن را یکی از منابع درآمدی دولت اسلامی بیان کرده است؛ با وجود این، توجهی به نسبت خمس، به عنوان تجویزی اسلامی، با تحلیل و سنجه اسلامی توازن نداشته است.

سلیمانی و سرمست شوشتری (۱۳۹۸) هم با توجه به اهمیت طراحی نظام مالیاتی منطبق با اسلام و نیز با تأکید بر بعد حکومتی خمس به عنوان منبع مالی دولت اسلامی،

ساختاری دوگانه و مرکب از خمس ارباح مکاسب و مالیات بر مجموع درآمد را پیشنهاد داده‌اند به این صورت که فرد با پرداخت خمس از مالیات بر مجموع درآمد معاف گردد. باین حال به تحلیل توازن و سنجش اسلامی نابرابری و همچنین اثر خمس بر آن پرداخته‌اند.

با توجه به این کاستی‌ها، در پژوهش پیش‌رو تلاش شده است که پس از نقد درون‌گفتمانی تحلیل متعارف نابرابری، تحلیل اسلامی توازن و حدود فقر و اسراف و نیز سنجه متناسب با آن به‌روشنی معرفی و وضع توازن در سال‌های گذشته سنجش شود؛ همچنین جایگاه خمس در این تحلیل و اثر آن در جهت افزایش توازن هم مورد بررسی قرار گیرد.

۲. توصیف نابرابری

سنجه‌های نابرابری به دو نوع عینی^۱ (اثباتی)^۲ و ارزشی (هنجاری)^۳ قابل تقسیم هستند. سنجه‌های عینی چون ضریب جینی^۴، انحراف از میانگین نسبی^۵ و واریانس^۶ در پی سنجش آماری اختلاف نسبی درآمد و سنجه‌های هنجاری چون دالتون^۷ و اتکینسون^۸ در پی ارزش‌گذاری اخلاقی^۹ کمتر برای حالت‌های نابرابرتر (با فرض ثبات کل درآمد) از طریق تابع رفاه اجتماعی^{۱۰} هستند (Sen & Foster, 1997, p. 2). اگرچه سنجه‌های عینی، تحلیل^{۱۱} و تبیین^{۱۲} ارزشی از نابرابری ارائه نمی‌دهند، در مرحله توصیف^{۱۳} نابرابری مفید می‌باشند. به‌منظور آشنایی با سنجه‌های توصیف‌گر نابرابری، به مرور اجمالی مهم‌ترین سنجه‌های عینی می‌پردازیم (Sen & Cowell, 2011, pp. 19-27; Foster, 1997, pp. 25-30).

1. Objective
2. Positive
3. Normative
4. Gini Coefficient
5. Relative Mean Deviation
6. Variance
7. Dalton
8. Atkinson
9. Ethical Valuing
10. Social Welfare Function
11. Analysis
12. Explanation
13. Description

جدول (۱): روابط سه نوع مهم سنج‌های عینی

ضریب جینی	انحراف از میانگین نسبی	واریانس
$G = \frac{1}{2n^2\bar{y}} \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n y_i - y_j $	$M = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \left \frac{y_i}{\bar{y}} - 1 \right $	$V = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n [y_i - \bar{y}]^2$

Source: (Cowell, 2011)

منحنی لورنز^{۱۴} نشان می‌دهد که چه نسبتی از درآمد جامعه $(\Phi(y))$ در اختیار چه نسبتی از جمعیت $(F(y))$ قرار دارد که به تبع، هر قدر منحنی لورنز به قطر صفحه، یعنی منحنی مربوط به توزیع برابر، نزدیک‌تر باشد، شاهد نابرابری درآمدی کمتری خواهیم بود. ضریب جینی به عنوان مشهورترین سنج عینی نابرابری را می‌توان از نسبت سطح مشخص شده (بین قطر و منحنی لورنز) در

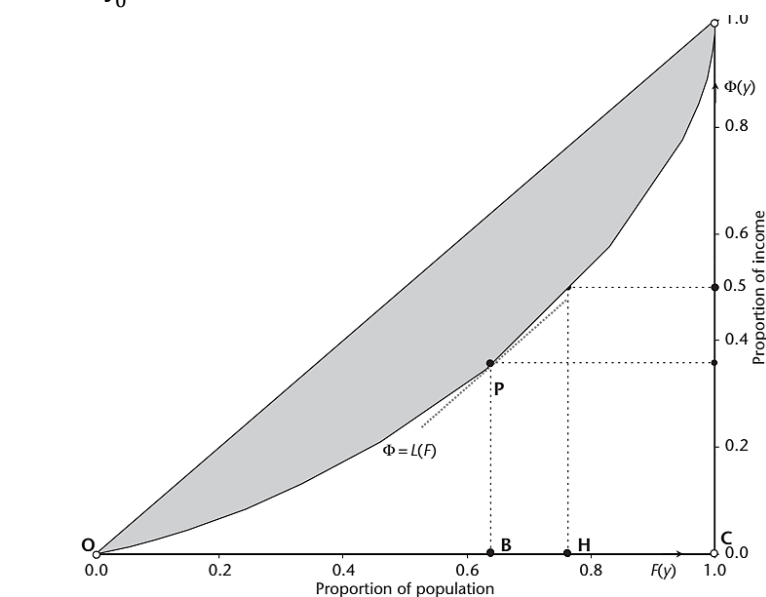
Source: (Cowell, 2011)

شکل به کل سطح زیر قطر آن نیز محاسبه نمود که معادل است با دو برابر سطح

مشخص شده:

$$G = 1 - 2 \int_0^1 \Phi(F) dF$$

رابطه ۱



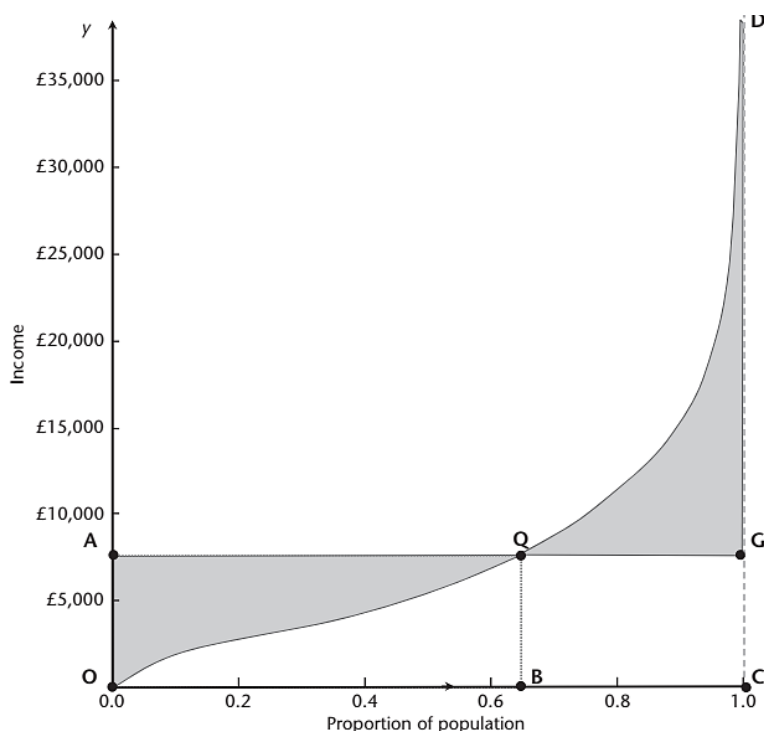
Source: (Cowell, 2011)

شکل (۱): نمونه یک منحنی لورنز

اگر محورهای نمودار توزیع فراوانی نسبی تجمعی را جابه‌جا کنیم، نموداری به دست می‌آید که وارون نمودار اولیه و نشان‌دهنده بی‌شی‌نه درآمدی است که هر نسبت از جامعه، در اختیار دارد. سنج انحراف از میانه‌ن نسبی، زمانی حاصل می‌شود که مجموع فاصله درآمدها از میانه‌ن Source: (Cowell, 2011) درآمد (سطح مشخص شده در ۲

شکل) را بر کل درآمد جامعه تقسیم کنیم که در این صورت، هر چه مقدار سنج به صفر نزدیک‌تر باشد، نابرابری کمتر خواهد بود. از سوی دیگر، می‌توان این سنج را با استفاده از منحنی لورنز نیز محاسبه نمود:

$$M = 2[F(\bar{y}) - \phi(\bar{y})] \quad \text{رابطه ۲}$$



Source: (Cowell, 2011)

شکل (۲): نمونه یک توزیع فراوانی نسبی تجمعی وارون درآمد

۳. تبیین نابرابری

چنان‌که گفته شد، سنجه‌های عینی به دلیل فقدان زیربنای تحلیل و به تبع چهارچوب تبیین، قابلیت قضاوت ارزشی نابرابری را ندارند و بنابراین، به سنجه‌های هنجاری نیازمند هستیم. در این بخش به بیان رفاه اجتماعی به عنوان چهارچوب‌های متعارف^{۱۵} تبیین رابطه درآمد و نابرابری (به عبارتی تصریح^{۱۶} رابطه اندازه‌گیری نابرابری ارزش‌گذاری شده) در سنجه‌های هنجاری خواهیم پرداخت تا زمینه برای نقد تحلیل موجود در آن‌ها و بررسی تحلیل اقتصاد اسلامی از نابرابری در بخش بعدی فراهم شود. یکی از روش‌های ورود ارزش‌های اخلاقی در سنجش نابرابری، استفاده از تابع رفاه اجتماعی است که حالت‌های ممکن رفاه جامعه را بر اساس ترجیحات ترتیبی^{۱۷} و تابع مطلوبیت عددی^{۱۸} افراد آن، رتبه‌بندی و امتیازدهی می‌کند. این تابع، بیان‌گر ارزش عرفی افراد برای هر حالت است که در این‌جا، همان توزیع درآمد جامعه می‌باشد؛ در این صورت، رفاه اجتماعی ارزش‌گذاری شده برای حالت A ، تابعی از y_iA ، یعنی درآمد فرد i ام در توزیع درآمد A ، خواهد بود.

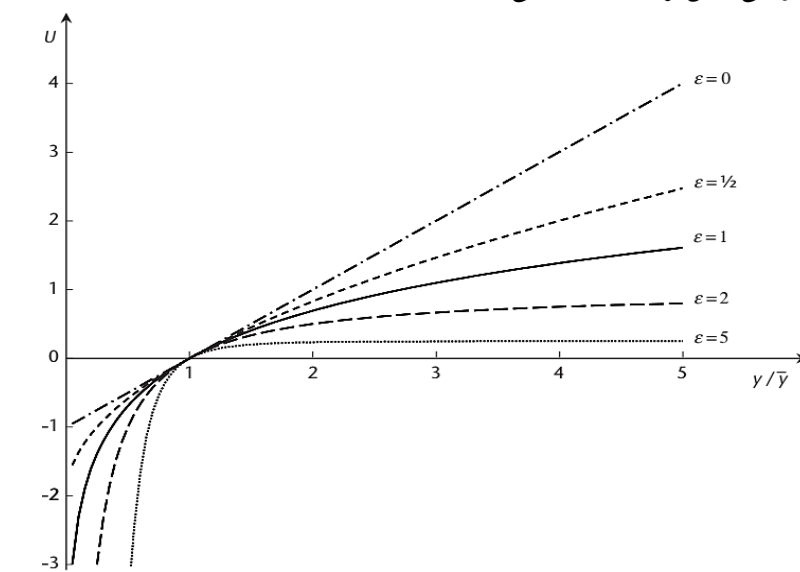
باید توجه داشت که این تابع در اصل سنجه‌ای برای رفاه در زمینه دوگانه کارایی - برابری^{۱۹} در مکتب اقتصادی نئوکلاسیک است که علاوه بر وابستگی ضمنی به کل درآمد، به درجه برابری خواهی^{۲۰} جامعه نیز به طور عکس وابسته است. در ادامه، ابتدا فروض آن و سپس سنجه‌های نابرابری مبتنی بر تابع تصریح‌یافته را بررسی می‌کنیم. فروض تابع عبارت‌اند از:

۱. مقارن^{۲۱}: در این چهارچوب، تنها عامل رفاه، درآمد است و بنابراین، با جابه‌جایی درآمد افراد با یکدیگر، مقدار تابع تغییر نمی‌یابد.

۲. غیرنزولی^{۲۲}: در صورت پذیرش چنین فرضی، در ازای افزایش درآمد یک فرد (ولو غنی) و ثبات درآمد سایر افراد، تابع رفاه اجتماعی عدد بیش‌تری را نشان می‌دهد.

15. Orthodox
16. Specification
17. Ordinal Preferences
18. Cardinal Utility Function
19. Efficiency-Equity
20. Egalitarianism
21. Symmetric
22. Nondecreasing

۳. جمع‌پذیر^{۲۳}: تابع رفاه اجتماعی، حاصل جمع توابع مطلوبیت افراد است؛
 براین اساس، مطلوبیت فرد، مستقل از توزیع درآمد در میان سایر افراد است.
 ۴. مقعر^{۲۴}: در این مورد، فرض می‌شود که جامعه دارای میل به نابرابری‌گریزی^{۲۵} است و
 توزیع‌های برابرتر و انتقال درآمدی از غنی به فقیر را ترجیح می‌دهد. این فرض را
 می‌توان معادل فرض مطلوبیت نهایی نزولی^{۲۶} پول دانست که بر اساس آن، مطلوبیت
 افزوده ناشی از افزایش درآمد، کاهنده و برای غنی به مراتب کمتر از فقیر است.
 حال اگر بخواهیم تابع را بر اساس این فروض تصریح نماییم، می‌توان این رابطه را
 پیشنهاد داد: $W(y_1, y_2, \dots, y_n) = \sum_{i=1}^n U(y_i) = \sum_{i=1}^n \frac{y_i^{1-\varepsilon} - 1}{1-\varepsilon}$. در این رابطه، مقدار
 ثابت و نامنفی ε نشان‌گر درجه تقعر تابع و نابرابری‌گریزی جامعه است که افزایش آن،
 برابری‌خواهی بیش‌تری را نتیجه می‌دهد.



Source: (Cowell, 2011)

شکل (۳): تابع رفاه اجتماعی در نسبت با درآمد نسبی و به ازای مقادیر متفاوت درجه
 برابری‌خواهی

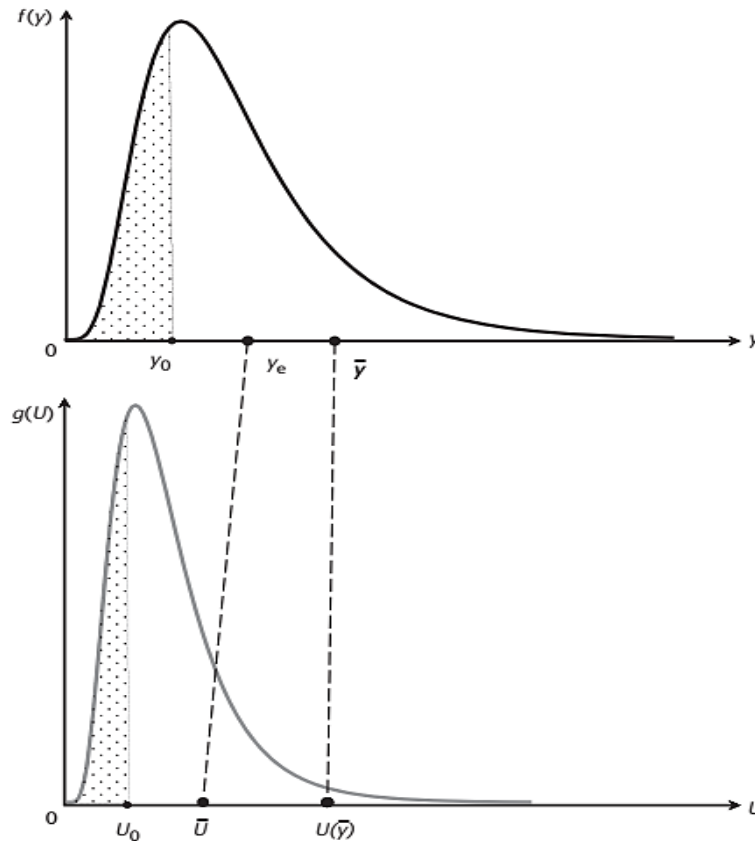
23. Additive
 24. Concave
 25. Inequality Aversion
 26. Diminishing Marginal Utility

حالت حدی $\varepsilon = 0$ مربوط به تابع مطلوبیت گرا است که در آن جامعه مفروض نسبت به نابرابری بی تفاوت می باشد و در سویی دیگر، $\varepsilon = \infty$ مربوط به تابع رالزی است که در آن جامعه به شدت برابری خواه و رفاه آن تنها مشروط به افزایش مطلوبیت افراد دارای حداقل درآمد می باشد (Cowell, 2011, pp. 40-43).

پس از آشنایی با تابع رفاه اجتماعی، می بایست سنجه های نابرابری دالتون و اتکینسون مبتنی بر این تابع معرفی گردند (Cowell, 2011, pp. 50-52; Sen & Foster, 1997, pp. 37-38):

در Source: (Cowell, 2011)

شکل، توزیع فراوانی درآمد و مطلوبیت جامعه تصویر شده است. $\bar{U}$ میانگین مطلوبیت جامعه و y_e درآمدی است که در صورت اعطای برابر به همه افراد، این سطح از مطلوبیت را برای آنان تأمین می کند. به طور مشابه، $\bar{y}$ میانگین درآمد جامعه و $U(\bar{y})$ مطلوبیتی است که در صورت اعطای برابر میانگین درآمد به همه افراد، این سطح از مطلوبیت برای آنان تأمین می شود. همان گونه که در تصویر مشخص است، $y_e \leq \bar{y}$ و $\bar{U} \leq U(\bar{y})$ ؛ بدین معنا که می توان با توزیع برابر درآمدی به مراتب کمتر از درآمد کل موجود، سطح مطلوبیت کل را حفظ و آن را به طور برابر میان افراد تقسیم نمود؛ یا با توزیع برابر درآمد کل موجود، سطح مطلوبیت کل را افزایش و آن را به طور برابر میان افراد تقسیم نمود.



Source: (Cowell, 2011)

شکل (۴): مقایسه میانگین درآمد و مطلوبیت و مقادیر متناظر آن در توزیع‌های این دو متغیر

بر همین اساس، سنجه دالتون از طریق اندازه‌گیری مقدار کاستی میانگین مطلوبیت موجود از میانگین مطلوبیت بیشینه ممکن (در صورت توزیع برابر درآمد موجود) نسبت به آن قابل تعریف است:

$$D_\varepsilon = \frac{U(\bar{y}) - \bar{U}}{U(\bar{y})} = 1 - \frac{\bar{U}}{U(\bar{y})} = 1 - \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \frac{y_i^{1-\varepsilon} - 1}{\bar{y}^{1-\varepsilon} - 1} \quad \text{رابطه ۳}$$

سنجه نابرابری اتکینسون نیز از طریق اندازه‌گیری مقدار کاستی میانگین درآمد کمینه ممکن (در صورت توزیع برابر مطلوبیت موجود) از میانگین درآمد موجود نسبت به آن محاسبه می‌گردد:

$$A_{\varepsilon} = \frac{\bar{y} - y_e}{\bar{y}} = 1 - \frac{y_e}{\bar{y}} = 1 - \left(\frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \left[\frac{y_i}{\bar{y}} \right]^{1-\varepsilon} \right)^{\frac{1}{1-\varepsilon}} \quad \text{رابطه ۴}$$

۴. تحلیل نابرابری

در این بخش به دنبال فهم مبنای تحلیل موجود در بطن چهارچوب متعارف تبیین نابرابری و نقد و بررسی آن بر اساس نظرهای خود اقتصاددانان معتقد به آن مبنا و در ادامه، ارائه تحلیلی اسلامی و بدیل برای نابرابری خواهیم بود (برای بررسی بیشتر این نقد و تحلیل و سپس تجویز آن، به مقاله در دست انتشار دیگری از همین نگارندگان رجوع کنید).

۴-۱. نقد تحلیل نابرابری در اقتصاد متعارف

بنتهام، معیار حسن و قبح افعال افراد و جامعه را لذت و رنج ناشی از آن می‌داندست (Bentham, 2011 [1823], p. 12). مفهوم مطلوبیت و لذت با کمی‌سازی توسط جونز، به محور اقتصاد تبدیل و مصرف کالا، دارای ویژگی مطلوبیت نهایی نزولی شد (Jevons, 2013 [1911], pp. 37 & 53). در ادامه، مارشال ویژگی مطلوبیت نهایی نزولی را درباره پول نیز به کار بست (Marshall, 2013 [1920], p. 81). سپس پیگو در چهارچوب مطلوبیت گرایی، انتقال درآمد در جهت کاهش نابرابری را برای افزایش مجموع مطلوبیت‌های افراد جامعه توصیه نمود (Pigou, 2011 [1932], p. 57). اما سنجش مطلوبیت که امری درونی و نامحسوس است، غیرعادی به نظر می‌رسد. جونز امکان سنجش مطلوبیت از طریق قیمت را به دلیل تفاوت احوال درونی افراد و نیز تنوع ویژگی‌های کالاها و روابط جانشینی و مکملی میان آن‌ها، مشکل توصیف می‌کرد (Jevons, 2013 [1911], pp. 146-147). مارشال با تفکیک میان مطلوبیت و رضایت^{۲۷} ناشی از فعل با خواسته^{۲۸} و میلی که منجر به آن شده است، سنجش متعارف مطلوبیت و حتی خواسته افراد را از طریق قیمت‌های تقاضا ناممکن می‌داندست (Marshall, 2013 [1920], p. 81). پیگو فراتر از عدم تطابق خواسته با مطلوبیت، مصادیقی از مخالفت خواست و منافع غیرعقلایی عموم افراد با مطلوبیت و رفاه اجتماعی واقعی آن‌ها را بیان

27. Satisfaction

28. Desire

نمود؛ از جمله مصرف کوتاه‌بینانه حال افراد به قیمت کاستن از سرمایه آینده، اسراف منابع و سرمایه موجود و عدم رعایت عدالت بین‌نسلی (Pigou, 2011 [1932], p. 22) کینز، اقتصاددان مشهور و بنیان‌گذار مکتب اقتصاد کینزی، هم نظری هم‌سو با امکان عدم تطابق منافع فرد و جامعه و در نتیجه عدم امکان جمع مطلوبیت افراد برای دستیابی به رفاه اجتماعی داشت (Keynes, 1963 [1931], p. 312).

علاوه بر رد سنجش‌پذیری عددی^{۲۹} مطلوبیت، دیگر ویژگی لازم یک سنججه، یعنی مقایسه‌پذیری ترتیبی^{۳۰}، نیز توسط رابینز و سپس کلدور، هیکس، آرو و دیگر اقتصاددانان مطرح قرن بیستم، برای مطلوبیت مردود دانسته شد. رابینز ترجیحات افراد را ناشی از مطلوبیت خاص خودشان و در نتیجه مقایسه میان مطلوبیت آنان را در عرصه اقتصاد اثباتی ناشدنی و ناگزیر از پیروی ارزش‌های هنجاری (Robbins, 2007 [1935], pp. 89-92) و آرو نیز بر همین اساس، تجميع مردم‌سالارانه^{۳۱} ترجیحات افراد و رسیدن به یک ترجیح اجتماعی سازگار بر اساس رأی عرفی اکثریت را غیرممکن عنوان کرد (Arrow, 1963 [1951], p. 59) و این همان نکته‌ای است که جونز هم به آن اذعان داشته (Jevons, 2013 [1911], p. 14) و حتی از خود بتهام نیز نقل شده است (Arrow, 1963 [1951], p. 11). در نتیجه این انتقادات، تابع رفاه اجتماعی و سنججه‌های نابرابری مبتنی بر آن، از محوریت اقتصاد متعارف خارج و مفهوم کارایی^{۳۲} جایگزین آن شد. اکنون روشن است که فروض سنججه‌های نابرابری مبتنی بر مبنای تحلیل مطلوبیت و رفاه اجتماعی تا چه اندازه مخدوش هستند؛ بر اساس بیان جونز و مارشال، فرض تقارن با ساده‌انگاری در سنجش، پیچیدگی‌های بیرونی جامعه و تنوع درونی افراد را نادیده و تابع مطلوبیت را برای همه یکسان و بر اساس انتخاب‌های صرفاً عقلایی^{۳۳} (به معنای لزوم انطباق افعال با منطق محدود مطلوبیت‌گرایی) در نظر می‌گیرد. از سویی، جمع‌پذیری مطلوبیت‌های افراد و رسیدن به یک تابع رفاه اجتماعی غیرنزولی به دلیل نقد پیگو و کینز مبنی بر تعارض منافع شخصی و عمومی و نیز نقد رابینز و آرو مبنی بر

29. Cardinal Measurability

30. Ordinal Comparability

31. Democratic

32. Efficiency

33. Rational

مقایسه‌ناپذیری آن‌ها و ناسازگاری تجمیع، مردود است. همچنین تعیین مقدار درجه نابرابری‌گریزی در فرض تقعر، خود نیازمند ارزش‌گذاری دیگری خارج از چهارچوب مطلوبیت‌گرایی اقتصاد می‌باشد.

برای پرهیز از این خطاهای بنیادین، چاره‌ای نیست جز آنکه انسان و روابط اجتماعی او را از طریق خالق علیم او و با دیدی جامع و واقع‌نگر بشناسیم. به این ترتیب، تحلیل دینی نابرابری و به تبع تبیین و توصیف آن مطابق با واقع و تجویز مبتنی بر آن نیز در رفع تعارض اجتماعی، نتیجه‌بخش خواهد بود؛ لذا با آگاهی از این امر و نقص‌های تحلیل متعارف، در بخش بعد به جستجوی تحلیل اسلامی نابرابری بر اساس استنباط علما از منابع دینی (با تأکید بر نظر شهید صدر) خواهیم رفت.

۲-۴. بررسی تحلیل نابرابری در اقتصاد اسلامی

شهید صدر پس از ذکر روایتی از امام کاظم (علیه‌السلام) (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص. ۵۳۹)، به تصویر نابرابری در نگاه اسلامی می‌پردازد: «این نصّ به وضوح تعیین می‌نماید که هدف نهایی که اسلام محقق کردن آن را طلب می‌کند و مسئولیت آن را بر ولی امر قرار داده است، غنی نمودن هر فردی در جامعه اسلامی است... پس به اعطای زکات به فقیر تا زمان غنی‌شدن اجازه دادند و از بیش از آن منع نمودند همان‌گونه که در خبر از امام جعفر (علیه‌السلام) آمده است: «از زکات به او اعطاء کن تا او را غنی سازی» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص. ۵۴۸؛ صدر، ۱۴۲۴ق، ص. ۷۸۷).

سپس وی با اشاره به ذیل این روایت که «... باید آنچه را از زکات گرفته است، میان افراد عائله‌اش توزیع کند تا ایشان را به سطح زندگی سایر مردم برآورد» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص. ۳۴)، تعریف اسلامی غنا را ارائه می‌دهد: «پس با بهره از نور این نصّ درمی‌یابیم که غناء در اسلام عبارت است از هزینه‌کردن فرد برای خود و عائله‌اش تا به مردم ملحق شود و معیشت او در سطح متعارف که تنگی و سختی در آن نیست، قرار گیرد» (صدر، ۱۴۲۴ق، ص. ۷۸۸).

ازسوی دیگر، ایشان با ارجاع به حرمت اسراف در قرآن کریم (اعراف / آیه ۳۱)، تصویر اسلامی نابرابری را تکمیل می‌نماید: «تحریم اسراف، حد کمّی را برای

هزینه‌های معیشت تصویر می‌کند؛ زیرا به هیچ فردی در جامعه اسلامی اجازه نمی‌دهد که از حدود عادی اشباع حاجات تجاوز کند؛ پس اگر تجاوز کرد، آن را اسراف می‌شمارد و منع آن بر دولت واجب است» (صدر، ۱۴۲۱ق، ص. ۱۰۶).

درنهایت، حد نابرابری موجه و مطلوب در اسلام را تحت عنوان توازن اجتماعی به معنای برابری نسبی و نبود اسراف و فقر، در زمینه هزینه و مصرف، مطرح می‌کند: «و اسلام از این مقدمات به این قول می‌رسد که توازن اجتماعی، توازن میان افراد جامعه در سطح معیشت است نه در سطح درآمد ... و اسلام از سوی خود، برای محقق ساختن این هدف از طریق فشرده‌سازی سطح معیشت از بالا به وسیله تحریم اسراف و از پایین به وسیله ترفیع افراد موجود در سطح پستی از معیشت، قیام کرده است؛ به این ترتیب، سطوح به یکدیگر نزدیک می‌شوند تا درنهایت در سطحی واحد و دارای درجاتی پیوسته اما نه شامل تناقضات شدید سرمایه‌مدارانه بین سطوح معیشت، درهم آمیزند» (صدر، ۱۴۲۴ق، ص. ۷۸۶).

ما این نکته را از مکتب امام صادق (علیه السلام) آموخته‌ایم که «مال، مال خدا است؛ آن را نزد افراد به امانت قرار می‌دهد درحالی که به آنان اجازه داده است که بخورند و بنوشند و پیوشند و ازدواج کنند و بر مرکب سوار شوند، همگی با میانه‌روی و اعتدال؛ و مازاد آن را به فقرای مؤمنان بازگردانند و به وسیله آن، پریشانی ایشان را برطرف کنند؛ پس هرکس چنین کند، آن چه می‌خورد و می‌نوشد و سوار می‌شود و ازدواج می‌کند، همگی حلال است و هرکس از آن تجاوز کند، بر او حرام خواهد بود. اسراف نکنید زیرا او اسراف‌کنندگان را دوست ندارد» (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص. ۵۰۰).

علامه حکیمی، با اشاره به روایاتی چون «خداوند تبارک و تعالی در اموال، میان اغنیاء و فقراء مشارکت ایجاد کرده است؛ پس اغنیاء حق ندارند که سهم مشارکت را برای غیر از شرکای خود مصرف کنند» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص. ۵۴۵؛ ج ۷، ص. ۴۹)، چنین بیان می‌کند: «و ثروتمندان را در املاک و اموال خود مالکیت تمام نبخشیده است، تا هر گونه که بخواهند آزادانه در آن اموال تصرف کنند و به مصرف برسانند بلکه آنان را در اموال، جانشین و شریک ناداران قرار داده است» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص. ۵۷۰).

همچنین درباره این آیه شریفه در وصف عباد الرحمن، «کسانی که هنگام هزینه

نمودن، نه اسراف می کنند و نه تنگ می گیرند؛ و میان این دو، قوام (حد وسط و معتدل) است» (فرقان / آیه ۶۷)، توضیح می دهد: «موضع قوامی موافق با نیازمندی انسانی و تأمین زندگی افراد است در حد اقتصاد و میانه روی، بدون تکاثر و فقر، و تبعیض و تفاوتی سنگین...» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص. ۱۱۶ و ۱۲۱).

علامه طباطبایی در مورد هدف مطلوب اسلام از انفاق می گوید: «به این وسیله می خواهد که سطح معیشت طبقه پایین را که نمی توانند نیازهای زندگی را بدون کمک مالی دیگران برطرف سازند، ارتقاء دهد تا سطح آنان را به سطح منتعمان و ثروتمندان نزدیک نماید. از سوی دیگر، از نمایش جمال و زینت در مظاهر زندگی توسط طبقه بالا، به صورتی غیرمتعارف و دور از دسترس طبقه متوسط مردم، با نهی از اسراف و تبذیر و مانند آن، منع کرده است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، صص. ۳۸۳-۳۸۴).

شهید مطهری نیز در همین راستا بیان می دارد: «مال از نظر اسلام همان طوری که به فرد تعلق دارد، به اجتماع نیز تعلق دارد. حق مالکیت نامحدود نیست؛ شامل اسراف و تبذیر نیست» (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۰، صص. ۵۱۴ و ۵۱۶)؛ «تضییع مال به هر شکل و به هر صورت، به صورت دور ریختن، به صورت بیش از حد نیاز مصرف کردن، به صورت صرف در اشیاء لوکس و تجمل های فاسدکننده که در زبان اسلام از آنها به اسراف و تبذیر تعبیر شده، حرام و ممنوع است» (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲، ص. ۲۴۵).

شهید بهشتی در این باره می گوید: «این وضع موجود و این فاصله فراوان درآمدها و زندگی ها به هیچ عنوان با عدل اسلامی سازگار نیست» (بهشتی، ۱۳۹۰، ص. ۵۱)؛ «در جامعه ما، در آینده ثروتمندان بزرگ وجود نخواهند داشت. صرفاً انسان های عادی موجود خواهند بود که یکی نسبت به دیگری، اندکی کم و بیش خواهند داشت» (بهشتی، ۱۳۵۸). امام خمینی (رحمت الله علیه) هم در دیدار با شورای نگهبان چنین فتوا می دهد: «ما حدیث داریم که می شود با آن فتوا داد و عمل کرد و آن این است که باشد به اینکه فقرا در مال اغنیا شریک هستند» (خمینی، بی تا، ج ۱۴، صص. ۳۰۲-۳۰۳)؛ «در حکومت اسلامی هرگز فاصله طبقاتی بدین صورت نخواهد شد و تقریباً همه در یک سطح زندگی خواهند کرد» (خمینی، بی تا، ج ۵، ص. ۲۹۳).

در پایان باید به دو نکته تحلیل شهید صدر توجه نمود: نخست آنکه مطابق بیان

شهید، حدود فقر و اسراف، به تناسب تغییر شرایط و توزیع مصارف در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، نسبی و متغیر هستند: «به اندازه‌ای که سطح معیشت ترفیع یابد، مفهوم واقعی فقر نیز توسعه می‌یابد» (صدر، ۱۴۲۴ق، ص. ۷۹۳)؛ «هرگاه درجه رفاه متعارف عمومی بالاتر باشد، اسراف به معنای تجاوز شدید از آن درجه نیز بالاتر خواهد بود» (صدر، ۱۴۲۱ق، ص. ۱۰۶).

دیگر آنکه تحلیل اسلامی نابرابری به معنای عدم توازن، بر خلاف تحلیل نابرابری مبتنی بر مطلوبیت، تضادی با کارایی و رشد درآمد ندارد بلکه با تحریم مصارف مسرفانه، به افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و در نتیجه رونق تولید و در نهایت رفع نیازهای ضروری عموم به جای نیازهای تجملی خواص، منتهی می‌گردد: «این تحریم نیازهای مصرفی را محدود و بسیاری از اموال را به جای مخارج مصرفی در موارد اسراف و تبذیر، برای مخارج تولیدی فراهم می‌کند» (صدر، ۱۴۲۱ق، ص. ۷۳۸)؛ «... مال‌ها - به طبع - در جهت اقدام‌هایی سودمند مانند «تولید درست» به کار می‌افتد، و مواد اولیه و طبیعی به گونه‌ای به مصرف می‌رسد که برای زندگی مردمان همه ضرورت دارد» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص. ۳۰۲؛ برای بررسی بیشتر این نکته به عیوضلو، ۱۳۸۴، رجوع کنید).

با این توضیحات، در بخش بعدی برای ارائه سنجه‌ای متناسب با این تحلیل که بتواند ما را در توصیف و نیز تجویز برای رفع نابرابری ناموجه از منظر اسلامی یاری کند، تلاش خواهیم نمود.

۵. ساخت سنجه اسلامی نابرابری غیرموجه

پس از آگاهی از وضع بایسته و برخاسته از تحلیل ارزشی مکتب، باید وضع عینی فعلی را نیز با سنجه‌ای متناسب با آن، سنجید (تبیین و توصیف) و سپس در راهی درست، به سوی آن گام برداشت (تجویز و سیاست‌گذاری). شهید صدر در این باره می‌گوید: «اسلام مفاهیم عدل و ظلم و حق را مبهم و ناآشنا رها نکرده و تفسیر آن را بر خلاف واعظان اخلاقی، به دیگری واگذار ننموده است بلکه تصویری دارای حدود برای عدالت و قواعد عمومی برای زندگی مردم، در زمینه‌های تولید ثروت و توزیع و مبادله

آن، ارائه داده است ... و اما مکتب اقتصادی، بر وضع این مقیاس‌ها و مجسم ساختن آن در نظام اقتصادی دارای برنامه‌ای که زمینه‌های اقتصادی گوناگون را تنظیم می‌نماید، اقدام کرده است» (صدر، ۱۴۲۱ق، صص. ۱۵۰-۱۵۱).

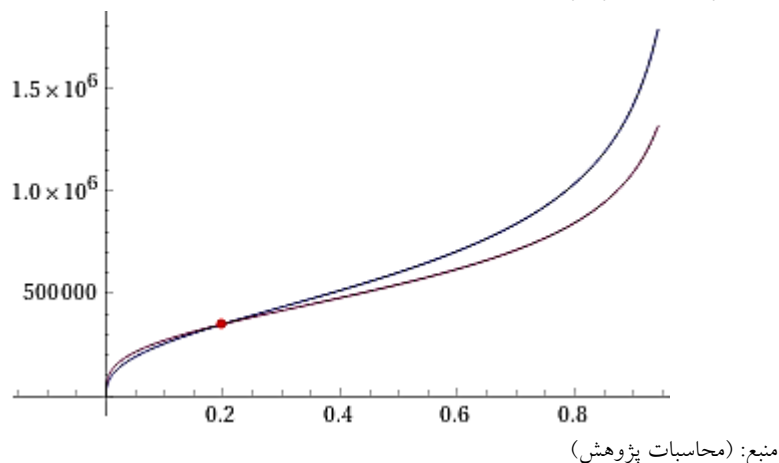
علامه حکیمی نیز، چنین ارتباطی را میان تحلیل مکتبی توازن و توصیف علمی نابرابری برقرار می‌سازد: «امکان آن هست که میزان قوامی مال و مسکن را (در مقایسه با آنچه در زمان‌های گذشته بوده است و در اخبار از آن یاد شده است) به دست آوریم، و همان را مقیاس هر زمان و هر شهر قرار دهیم (این‌ها اموری است که چند و چون آن‌ها باید در علم اقتصاد روشن گردد. ما فقط اصول بنیادین مکتب اقتصادی اسلام را مطرح می‌کنیم)» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص. ۳۰۱).

به همین ترتیب، نقش مهم همراهی سنجش و سیاست‌گذاری در قوام معیشت را می‌توان در روایت حضرت امیر (علیه‌السلام) نیز مشاهده نمود: «قوام معیشت، نیکویی سنجش است و اساس آن، نیکویی تدبیر»^{۳۴} (تمیمی آمدی، بی‌تا، ص. ۵۰۳). با این حال، هر چند پژوهشگران اقتصاد اسلامی، دست به معرفی تصویر این مکتب از توازن اجتماعی مطرح شده توسط منابع دینی و علمای اسلامی زده‌اند (رجایی، ۱۳۹۲؛ غفورزاده و عسکری، ۱۳۹۳؛ مختاربنده، ۱۳۹۹؛ یوسفی، ۱۳۹۵)، تاکنون آن‌گونه که بایسته است، به مقیاس و سنجش‌ای توصیف‌گر از واقع موجود که نماینده شایسته‌ای برای حالت مطلوب باشد، نپرداخته‌اند.

با درک این ضرورت، لازم است برای پایه‌گذاری سنجش علمی نابرابری بر اساس ارزش مکتبی توازن، هم‌سو با نتایج بخش قبل، حدود فقر و اسراف را بیابیم؛ بنابراین، طبق معیار شرعی بخش قبل و نیز بیان مشهور فقها (صاحب جواهر، ۱۴۰۶ق، ج ۱۵، ص. ۳۰۴)، فقر را «کسری درآمد از هزینه سالانه فرد و عائله‌اش» تعریف می‌کنیم. ترجمان این تعریف در داده‌های آماری، سطحی از توزیع مصرف است که درآمد خانوارها، هزینه‌های آنان را کفایت نمی‌کند (در تعاریف آماری موجود، هزینه به معنای هزینه مصرفی خالص و با تقریب بالایی معادل مصرف و درآمد نیز به معنای درآمد پیش

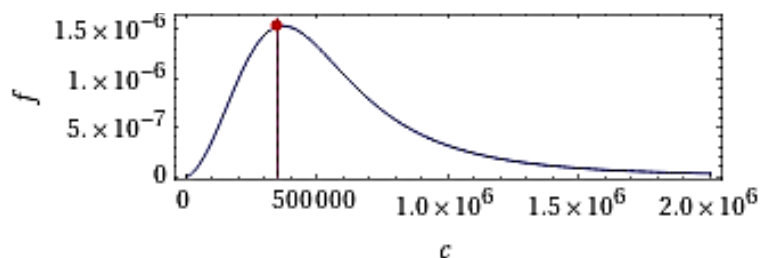
۳۴. قَوَامُ الْعَيْشِ حُسْنُ التَّقْدِيرِ وَ مِلَاكُهُ حُسْنُ التَّدْبِيرِ

از مالیات است). برای فهم بهتر، می‌توان نمونه‌ای از نمودار توزیع درآمد و هزینه متوسط در گروه‌های درآمدی (به عبارت دقیق‌تر، تابع وارون فراوانی نسبی تجمعی این دو متغیر) را مدنظر قرار داد:



شکل (۵): محاسبه حد فقر در تقاطع درآمد (منحنی آبی) و هزینه متوسط خانوارها (منحنی بنفش) به ازای یک فراوانی نسبی تجمعی

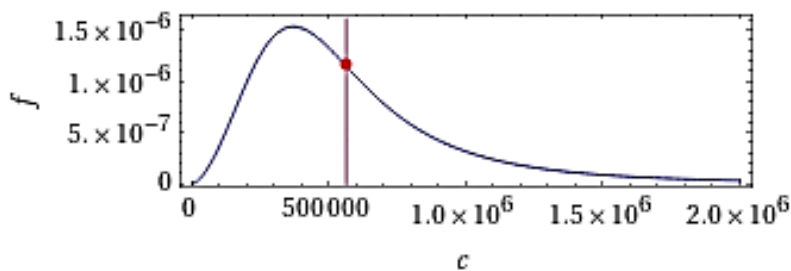
در این نمودار که محور عمودی مقدار درآمد یا هزینه متوسط خانوار (با واحد هزار ریال) و محور افقی نیز فراوانی نسبی تجمعی این دو متغیر است، مقدار هزینه در نقطه تقاطع توابع درآمد و هزینه جامعه، برابر حد اسلامی فقر نسبی و در نتیجه هر خانواری با سطح مصرف و هزینه‌ای کمتر از آن، به دلیل کسری درآمد، در محدوده فقر محسوب می‌شود. از سویی دریافتیم که غایت مطلوب اسلامی در رابطه با فقرا، الحاق آنان به سطح معیشت عموم مردم است که این نکته را می‌توان در ترسیم همان نقطه تقاطع، این بار در توزیع فراوانی هزینه مربوط به آن جامعه دید؛ جایی که حد اسلامی فقر نسبی، در نزدیکی نما^{۳۵} و بیشینه فراوانی توزیع قرار گرفته است که با ترفیع سطح مصرف فقرا تا این حد، به‌طور شهودی نیز الحاق به حداقل سطح عمومی معیشت محقق خواهد شد:



منبع: (محاسبات پژوهش)

شکل (۶): نمایش حد فقر به عنوان حداقل معیشت عمومی در توزیع فراوانی (f) هزینه (مصرف؛ c) خانوارها

همچنین از مجموع منابع و بیانات بخش قبل به یاد داریم که حد اسراف نیز به عنوان سطحی از مصرف شناخته شد که افراد در آن، از محدوده الحاق به عموم و مشارکت با آنان در معیشت، خارج و با عبور از محدوده اشباع نیازهای لازم و حتی کافی، به سوی مصرف کالاهای تجملی متمایل و از عموم مردم متمایز می شوند. این حد، آخرین سطح از محدوده مطلوب توازن در مصرف و به عبارتی، قدر متیقن پرهیز از شمول و اطلاق محدوده تحریم شده اسراف است که می توان نمود چنین حدی را در نقطه عطف بخش نزولی توزیع فراوانی هزینه مشاهده کرد:

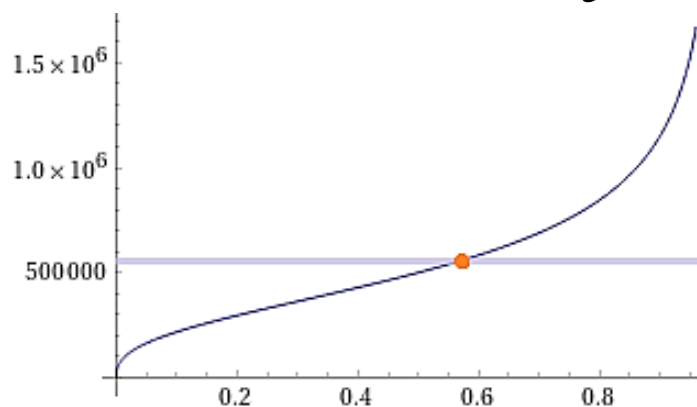


منبع: (محاسبات پژوهش)

شکل (۷): محاسبه حد اسراف و خروج از توازن در نقطه عطف توزیع فراوانی هزینه (مصرف) خانوارها

در این نقطه، مشتق دوم تابع توزیع فراوانی صفر و دچار تغییر علامت می گردد و از آن به بعد، جهت توزیع به سوی مقادیر بالای مصرف معطوف و شیب تابع هزینه به طور فزاینده ای به حدود مرتفع آن متمایل و سطح معیشت افراد از محدوده عمومی خارج

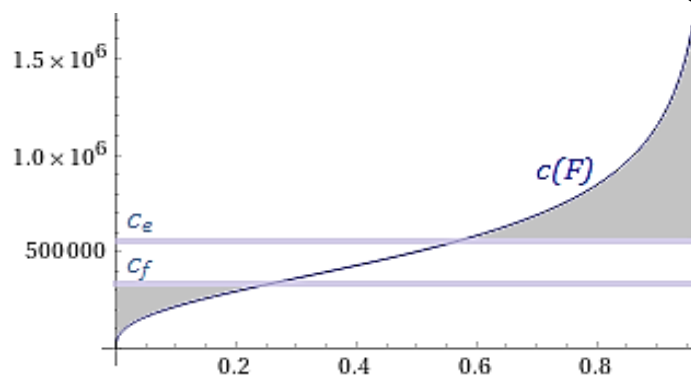
می‌شود (محور عمودی مقدار هزینه متوسط خانوار و محور افقی نیز فراوانی نسبی تجمعی آن را نشان می‌دهد):



منبع: (محاسبات پژوهش)

شکل (۸): نمایش حد اسراف به عنوان نقطه تمایز از معیشت عمومی در تابع هزینه (مصرف) خانوارها

حال با رسم هم‌زمان این دو حد در تابع هزینه، محدوده توازن مقتصد، قوام معتدل و کفایت متوسط به روشنی پدیدار می‌گردد؛ محدوده‌ای که افراد یک جامعه، در طیفی به هم پیوسته، نسبتاً برابر و به دور از فراز و فرودهای ناهنجار سطوح مصرف، در کنار یکدیگر خواهند زیست:



منبع: (محاسبات پژوهش)

شکل (۹): نمایش محدوده توازن میان دو حد فقر و اسراف و محاسبه مصارف فقیرانه و مسرفانه در تابع هزینه (مصرف) خانوارها

بنابراین، سنجه نابرابری متناسب با تحلیل اسلامی که عدم توازن در مصرف را می‌سنجد، می‌بایست ابتدا کمبود هزینه فقرا از حد فقر و نیز مازاد هزینه‌ها از حد اسراف و سپس نسبت مجموع این دو (به عنوان فاصله وضع موجود از وضع مطلوب) به کل هزینه‌های جامعه (به عنوان وضع موجود) را اندازه‌گیری نماید تا درصد واقعیت نامطلوب از کل وضعیت موجود به دست آید:

$$T = \frac{\sum_{i=1}^{F_f} (c_f - c_i) + \sum_{j=F_e}^n (c_j - c_e)}{\sum_{k=1}^n c_k} \quad \text{رابطه ۵}$$

و F_f حدود مصرفی فقر و اسراف و c_e و c_f نماد سنجه توازن، T در این رابطه که نیز فراوانی تجمعی در آن دو حد هستند، مقدار سنجه به‌زای حالت مطلوب F_e توازن و نبود فقر و اسراف، صفر و در حالت نابرابری افراطی و عدم توازن، یعنی تعلق کل هزینه (و به‌طور ضمنی، کل درآمد) جامعه به یک نفر، برابر یک می‌گردد. هم‌چنان‌که نمایش هندسی این سنجه در منبع: (محاسبات پژوهش)

شکل (۹): عبارت است از نسبت مجموع دو سطح هاشورخورده به کل سطح زیر منحنی تابع هزینه، رابطه سنجه برای توزیع پیوسته هزینه نیز برابر است با:

$$T = \frac{\int_0^{F_f} c_f - c(F) dF + \int_{F_e}^1 c(F) - c_e dF}{\bar{c}} \quad \text{رابطه ۶}$$

که در آن $c(F)$ تابع هزینه بر حسب فراوانی نسبی تجمعی آن و $\bar{c}$ میانگین مصرف جامعه است.

برای درک بهتر، این سنجه را برای توزیع داده‌های هزینه خانوارهای کشور در سال ۱۳۹۹ (مرکز آمار ایران) می‌سنجیم (نمودارهای فوق نیز مربوط به توزیع داده‌های خانوارهای شهری در این سال بودند که روش برازش آن‌ها در ادامه توضیح داده می‌شود).

جدول (۲): سنجش حدود فقر و اسراف و مقدار نابرابری بر اساس سنجه توازن در سال ۱۳۹۹

نوع خانوارهای جامعه	فراوانی نسبی تجمعی حد فقر F_f	فراوانی نسبی تجمعی حد اسراف F_e	مصرف حد فقر (میلیون تومان) c_f	مصرف حد اسراف (میلیون تومان) c_e	مقدار نابرابری بر اساس سنجه توازن T
شهری	۰/۲۸۰	۰/۵۷۸	۳۵	۵۶/۳	۰/۳۶۲
روستایی	۰/۴۵۶	۰/۵۶۳	۲۴/۵	۲۹/۱	۰/۴۶۵
کل	۰/۳۴۷	۰/۵۵۳	۳۳/۳	۴۷/۴	۰/۴۴۰

منبع: (محاسبات پژوهش)

براین اساس، مقادیر بالاتر این سنجه بیانگر توازن کمتر و فقر و اسراف بیشتر و در نتیجه حالات نابرابرتر است؛ اما بر خلاف سنجه‌های متعارف اثباتی (مانند ضریب جینی) یا هنجاری (مانند اتکینسون) که نقطه صفر یا وضع مطلوب آن‌ها معادل حالت برابری مطلق می‌باشد، در این سنجه نقطه صفر و وضع مطلوب عبارت است از برابری تقریبی و نسبی (به تعبیری نابرابری موجه) مصارف در محدوده توازن و نبود فقر و اسراف. اکنون با شناخت تحلیل اسلامی وضع مطلوب نابرابری و نیز یافتن سنجه و تبیینی متناسب با آن برای توصیف وضع موجود، هنگام آن است که تجویز چگونگی سیر از موجود به مطلوب را نیز با تمسک به منابع و بیان علمای دینی بیابیم و ارتباط آن با تحلیل و تبیین گفته‌شده را روشن نماییم.

تجویز رفع نابرابری در اقتصاد اسلامی

شهید صدر در مورد ابزار مالیاتی اسلام برای رفع نابرابری ناموجه می‌گوید: «و آن، مالیات‌های زکات و خمس است؛ پس این دو واجب مالی، تنها برای اشباع نیازهای اساسی تشریع نشده‌اند بلکه برای درمان فقر و ترفیع فقرا به سطح معیشت مربوط به اغنیاء تشریع شده‌اند تا مفهوم توازن اجتماعی در اسلام را تحقق بخشند» (صدر، ۱۴۲۴ق، ص. ۷۸۹).

علامه طباطبایی می‌افزاید: «هر ثروت ایجادشده، در حال ایجادش، ملک همه جامعه است؛ سپس سهمی از آن برای فردی که او را مالک یا عامل می‌نامیم، اختصاص می‌یابد و همچنان سهمی، یعنی سهم زکات یا سهم خمس، در ملکیت جامعه باقی می‌ماند ... و رفع اختلاف طبقات - که از اصول برنامه اسلام است - و ایجاد تعادل و توازن بین نیروهای مختلف جامعه و تثبیت اعتدال در مسیر آن با ارکان و اجزایش، جز با اصلاح حال اجزاء، یعنی افراد، و نزدیک نمودن اوضاع آنان به یکدیگر، تمام (و کامل) نمی‌شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، صص. ۳۸۷-۳۸۸).

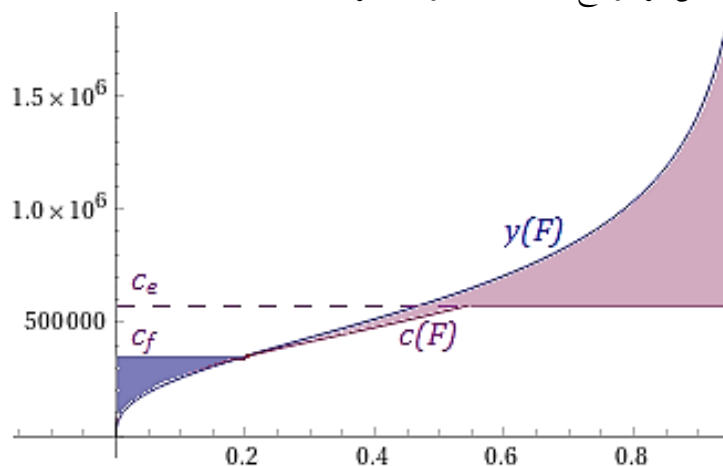
شهید بهشتی نیز تأکید می‌کند: «قسمتی از مالیات‌های اصلی اسلامی، یعنی زکات و خمس، به وسیله خود مردم پرداخت می‌شود و به مصرف می‌رسد و دولت بر پرداخت آن‌ها نظارت می‌کند و از کسانی که خود پرداخت نکنند، می‌گیرد و در مصارف مقرر

مصرف می‌کند» و این عبادات مالی اسلام را در راستای توازن جامعه می‌داند تا «از این طریق به نزدیک شدن و برادرانه شدن سطح زندگی افراد و خانواده‌ها برسیم» (بهشتی، ۱۳۸۸، ص. ۴۷۱)؛ اما در میان مالیات‌های اسلامی، مؤثرترین نوع برای رفع نابرابری ناموجه و عدم توازن در مصرف، خمس درآمد (ارباح مکاسب) می‌باشد؛ چراکه با توجه به تعریف بلاخلاف فقهی آنکه عبارت است از «خمس درآمد (از جمله سود کسب و بلکه غنیمت ناشی از رشد قیمت دارایی) مازاد بر هزینه (مئونه) سالانه فرد و عائله‌اش مشروط به میانه‌روی و عدم اسراف در مصرف» (صاحب جواهر، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶، صص. ۶۳، ۵۷ و ۴۵)، معافیت مالیاتی^{۳۶} به حد اسراف محدود گشته و درواقع مصارف بالاتر از این حد، مورد هدف قرار گرفته و در نتیجه به کاهش تا محدوده توازن سوق داده شده است. از سویی منابع این مالیات به قدری است که نه تنها جامعه اسلامی را قادر به کاهش و حتی رفع فقر نسبی (بنا بر تعریف اسلامی آن) سادات و بلکه کل جامعه می‌کند، چنان‌که خواهیم دید، بخش مهمی از بودجه دولت اسلامی را نیز تأمین می‌نماید.

امام راحل (رحمت‌الله‌علیه) با اشاره به روایت پیش گفته از امام کاظم (علیه‌السلام)، پیرامون این موضوع می‌گوید: «مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه‌ای که ریخته نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات فقیر نیست بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است... اشخاص باید خمس اضافه بر درآمد را پس از صرف مخارج متعارف خود به حاکم اسلام بپردازند تا به بیت المال وارد شود» (خمینی، ۱۳۸۸، صص. ۳۱-۳۲) و در دیدار با شورای نگهبان نیز چنین اعلام می‌نماید: «حکومت اسلامی به وسیله خمس اداره می‌شود... شما بیاید احکام الهی را اجرا کنید. باید قوانین وضع بشود که حقوق محرومین و فقرا به آن‌ها بازگردانده شود.» (خمینی، بی‌تا، ج ۱۴، صص. ۳۰۲-۳۰۴).

شهید مطهری نیز در همین راستا بیان می‌کنند: «ریشه و اساس خمس این است که باید به دست پیغمبر برسد و بعد از پیغمبر هم به دست امام برسد... پس در واقع آن مقداری که زائد بر مصرف سادات فقیر است نیز تعلق دارد به مصالح عمومی مسلمین» (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۶، ص. ۲۶۱).

تعبیر خمس به «وجه الإمارة» در روایت محکم و متشابه (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۹، ص. ۴۸۹) و در نتیجه توصیف آن به امری حکومتی هم می‌تواند مؤید این نکته باشد. همچنین به لحاظ فقهی، ظهور اخبار و شهرت آرا بر وجوب پرداخت خمس به امام (علیه السلام) یا نواب وی و صرف مازاد نیاز سادات فقیر به عنوان بخشی از بیت المال در مصالح مسلمین، ثابت (صاحب جواهر، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶، صص. ۱۰۹، ۱۵۵، ۱۶۷ و ۱۷۷) و نیز اخذ الزامی خمس از سوی حکومت اسلامی ممکن است (صاحب جواهر، ۱۴۰۶ق، ج ۲۱، ص. ۳۴۴). با توجه به قابلیت‌های ذکر شده برای خمس در منابع دینی، سطح آن از یک عبادت فردی صرف به مالیاتی اسلامی برای رفع فقر، عدم اسراف و ایجاد توازن در مصرف و نیز تأمین بودجه دولت اسلامی، ارتقاء می‌یابد. اثر اخذ خمس بر توزیع درآمد در نمودار زیر نشان داده شده است:



منبع: (محاسبات پژوهش)

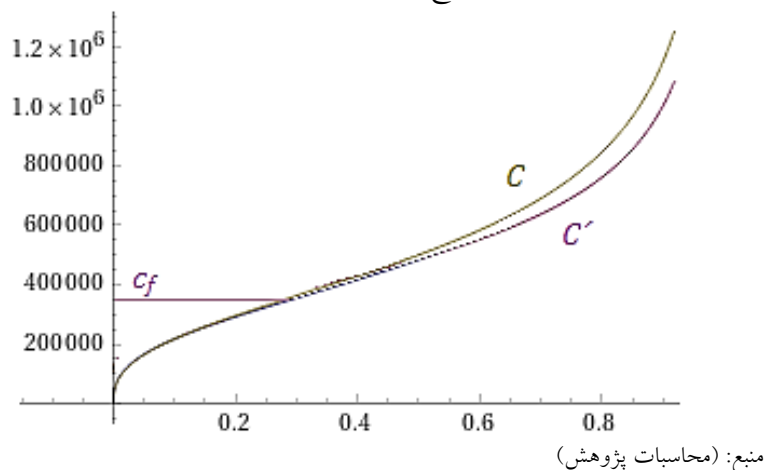
شکل (۱۰): محاسبه مالیات خمس و یارانه رفع فقر نسبی با استفاده از توابع هزینه متوسط و درآمد و نیز حدود اسراف و فقر

سطح مشخص شده بالاتر از حد فقر نشان‌گر پایه مالیاتی خمس (درآمد مازاد بر مصرف محدود به حد اسراف) و سطح مشخص شده پایین‌تر از آن نیز بیان‌گر یکی از مصارف خمس، یعنی یارانه لازم برای رفع فقر نسبی (کسری درآمد از مصرف حد فقر) می‌باشد که با روابط زیر قابل محاسبه هستند:

$$K = 0.2 n \left(\int_{F_f}^{F_e} y(F) - c(F) dF + \int_{F_e}^1 y(F) - c_e dF \right) \quad \text{رابطه ۵}$$

$$S = n \left(\int_0^{F_f} c_f - y(F) dF \right) \quad \text{رابطه ۶}$$

$y(F)$ تابع درآمد بر حسب فراوانی نسبی تجمعی آن، n تعداد خانوارهای جامعه، K و S خمس دریافتی و یارانه پرداختی دولت و سایر موارد نیز همان نمادهای رابطه سنجه توازن هستند. با محاسبه ضریب ۲۰ درصد برای این پایه و صرف همه یا بخشی از آن برای کاهش یا رفع فقر نسبی، هم از مصارف افزون بر حد اسراف کاسته و هم بر مصارف کمتر از حد فقر افزوده می شود تا حداقل مصرف جامعه در حد فقر یا نزدیک به آن و نیز مقدار بیش تری از توزیع در محدوده توازن قرار گیرد:

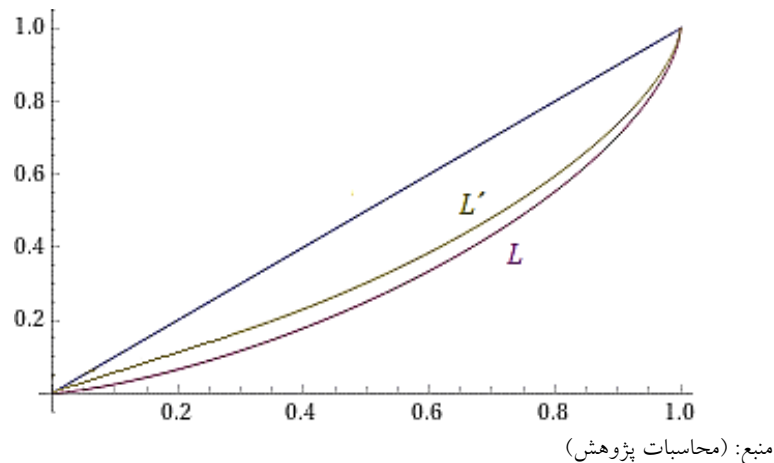


منبع: (محاسبات پژوهش)

شکل (۱۱): بهبود توازن در پی اجرای خمس

(پس از خمس، تابع هزینه به جای C ، عبارت است از منحنی شکسته C_f و C')

نتیجه چنین سیاستی کاهش قابل توجه نابرابری در تحلیل اسلامی می باشد که در نزدیک شدن منحنی لورنز (مصرف نسبی تجمعی بر حسب فراوانی نسبی تجمعی) به قطر (حد برابری مطلق مصرف) و در نتیجه کاهش ضریب جینی (نسبت سطح بین منحنی و قطر به کل سطح زیر قطر) منعکس می شود.



شکل (۱۲): کاهش ضریب جینی و نابرابری مصرف در پی اجرای خمس

لازم به یادآوری است که این نمودارها مربوط به همان توزیع هزینه، درآمد و هزینه متوسط گروه‌های درآمدی خانوارهای شهری در سال ۱۳۹۹ هستند که اکنون مالیات حاصل از خمس و یارانه لازم برای رفع فقر نسبی و نیز مقدار سنجه توازن و ضریب جینی پیش و پس از خمس را برای کل خانوارهای کشور در این سال برآورد می‌کنیم:

جدول (۳): برآورد مالیات خمس، یارانه رفع فقر نسبی و نیز سنجه توازن و ضریب جینی پیش و پس از خمس در سال ۱۳۹۹

ضریب جینی پیش از خمس G'	ضریب جینی پس از خمس G''	سنجه توازن پیش از خمس T	سنجه توازن پس از خمس T'	مالیات خمس (هزار میلیارد تومان) K	یارانه رفع فقر نسبی (هزار میلیارد تومان) S
۰/۴۱۸	۰/۳۱۰	۰/۴۴۰	۰/۲۹۴	۱۹۴	۷۹

منبع: (محاسبات پژوهش)

چنان‌که مشخص است، خمس به‌عنوان تجویز متناسب با تحلیل اسلامی نابرابری، علاوه بر تأمین درآمد مالیاتی بسیار بیشتر از مالیات بر درآمد در سال ۱۳۹۹ (۳۷ هزار میلیارد تومان)، با رفع فقر نسبی و کاهش مصارف محدوده اسراف، نابرابری مصرف را نیز چه بر اساس سنجه ارزشی توازن و چه بر اساس سنجه اثباتی ضریب جینی، تا حد زیادی کاهش می‌دهد. (لازم به یادآوری است که برخی استثنائات جزئی مانند هبه،

جایزه و... که مشمول خمس نیستند، سهم قابل توجهی در سطح کلان و اثر خاصی در نتیجه محاسبات ندارند).

در ادامه ضمن توصیف عینی نابرابری بر اساس سنجه اسلامی توازن برای یک دوره زمانی در کشور، به بیان روش برازش و سنجش، بررسی تغییرات سنجه توازن و مقایسه آن با روند ضریب جینی و نیز برآورد یارانه، درآمد مالیاتی و تغییرات نابرابری و توازن ناشی از اجرای خمس خواهیم پرداخت.

۶. محاسبه کمی سنجه اسلامی توازن

۶-۱. روش برازش و سنجش

برای سنجش توازن، ابتدا توزیع هزینه، درآمد و نیز هزینه متوسط گروه‌های درآمدی را توسط یک الگوی^{۳۷} توزیع برازش نموده‌ایم که رابطه آن از این قرار است (ابونوری و ذوقی، ۱۳۹۲):

$$F = 1 - \frac{1}{1 + sy^g} \quad \text{رابطه ۷}$$

در این رابطه F ، y ، g و s به ترتیب نماد فراوانی نسبی تجمعی، مقدار درآمد (یا هزینه)، ضریب جینی و یک مقدار ثابت هستند که مقادیر ثابت g و s ، ضمن لگاریتم‌گیری از رابطه و بهره‌گیری از مقادیر F و y بر اساس داده‌های طبقه‌بندی‌شده طرح درآمد و هزینه خانوار (مرکز آمار ایران)، با رگرسیون خطی و روش حداقل مربعات معمولی^{۳۸} برآورد شده‌اند. مزیت این الگوی توزیع علاوه بر نیکویی برازش^{۳۹} بالا (ضریب تعیین^{۴۰} بیش از ۹۹ درصد در تمامی سال‌های مورد بررسی) و در نتیجه معناداری ضرایب و رگرسیون با اطمینان بالا، امکان برآورد ضریب جینی و مقایسه مقدار و روند آن با سنجه پیشنهادی است. همچنین برآوردها نشان‌گر آن است که این‌گونه روش‌های پارامتریک سنجش نابرابری، به دلیل عدم فرض یکنواختی توزیع در گروه‌های آماری، نابرابری درون‌گروهی را نیز اندازه‌گیری می‌نماید و در نتیجه بر روش ناپارامتریک برتری دارد (ابونوری و ذوقی، ۱۳۹۲).

37. Model

38. Ordinary Least Squares

39. Goodness of Fit

40. Coefficient of Determination

در این پژوهش، از فراوانی نسبی تجمعی هر گروه هزینه و کران بالای آن برای برازش توزیع هزینه استفاده و سپس نقطه عطف در بخش نزولی توزیع فراوانی (شکل ۷) را به عنوان حد اسراف تعیین و سپس توزیع درآمد را نیز به همین روش برازش نموده ایم. برای یافتن نقطه تقاطع در توابع (وارون فراوانی نسبی تجمعی) درآمد و هزینه به عنوان حد فقر (شکل ۵)، نیاز به برازش توزیع هزینه متناسب با درآمد است که برای این منظور، هزینه متوسط هر گروه درآمد را به فراوانی نسبی تجمعی مربوط به درآمد متوسط آن گروه (با فرض شباهت ساختار توزیع هزینه و درآمد هر گروه و در نتیجه برابری تقریبی فراوانی نسبی تجمعی مربوط به این دو متوسط در هر گروه) اختصاص داده ایم؛ زیرا در این جا هدف، یافتن سطحی از هزینه خانوار است که برابر درآمد متناظر همان خانوار در توزیع یکسان درآمد می شود؛ بنابراین ناگزیر از حفظ ترتیب و تناظر خانوارها در توابع و در نتیجه به کارگیری توزیع هزینه متوسط گروه های درآمدی به جای توزیع هزینه هستیم تا حد فقری که در آن کل درآمد یک خانوار صرف هزینه اش می شود (حد کفاف) را بیابیم. در ادامه حدود فقر و اسراف را برای سنجش عدم توازن در توزیع هزینه (یا به عبارتی همان مصرف) به کار گرفته ایم (شکل ۹).

همچنین برای برآورد درآمد مالیاتی خمس، نیاز به اندازه گیری اختلاف درآمد از مصرف خانوار (تا پیش از حد اسراف) و اختلاف درآمد از حد اسراف (در محدوده پس از آن) می باشد که برای این منظور از توزیع درآمد و هزینه متوسط استفاده شده است. یارانه لازم برای رفع فقر نسبی نیز برابر با اختلاف درآمد از حد فقر در محدوده پیش از آن حد است (شکل ۱۰).

در نهایت با یافتن رابطه ریاضی میان درآمد و هزینه به ازای یک فراوانی نسبی تجمعی خاص، با تغییر توزیع درآمد پس از خمس، توزیع هزینه جدید و در نتیجه مقدار سنجه توازن (شکل ۱۱) و ضریب جینی برآوردی (شکل ۱۲) جدید را تعیین نموده ایم.

نکته پایانی نیز تجمیع فراوانی گروه های درآمد و هزینه و همچنین هزینه متوسط گروه های درآمد متناظر در شهر و روستا است که با وزن دهی به آن مقادیر بر اساس برآورد مرکز آمار ایران از نسبت خانوارهای شهر و روستا به خانوارهای کل کشور در هر سال، به میانگین موزون آن مقادیر برای کل خانوارهای کشور در آن سال دست یافته ایم.

۶-۲. سنجش توازن اسلامی و بررسی پیامدهای خمس در ایران

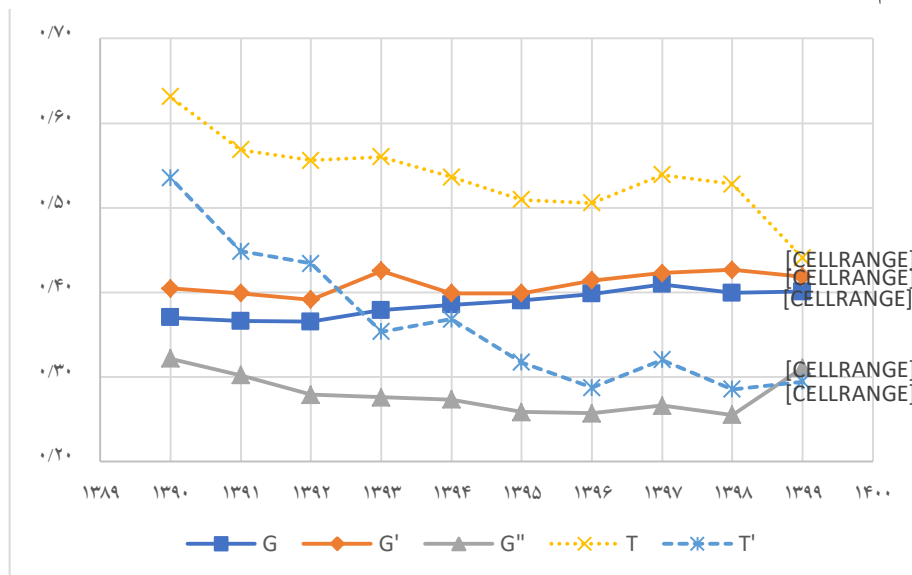
اکنون با بهره‌گیری از داده‌های طرح درآمد و هزینه خانوار سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ (مرکز آمار ایران) و سنجش سنجه توازن، برآورد ضریب جینی و تغییرات این سنجه‌ها پس از اجرای خمس و نیز مالیات و یارانه حاصل از آن، به توصیف و تبیین وضعیت نابرابری کشور و امکان بهبود آن بر اساس تحلیل و تجویز اسلامی می‌پردازیم.

جدول (۴): برآورد پژوهش از ضریب جینی و سنجه توازن پیش و پس از خمس و نیز مالیات خمس و یارانه رفع فقر نسبی در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ و مقایسه با داده‌های مرتبط موجود

سال	نسبت میانگین هزینه به میانگین درآمد (برآورد مرکز آمار) $\bar{Y}/\bar{X}$	ضریب جینی پیش از خمس G (برآورد مرکز آمار)	ضریب جینی پیش از خمس G'	ضریب جینی پس از خمس G''	سنجه توازن پیش از خمس T	سنجه توازن پس از خمس T'	مالیات بر درآمد (هزار میلیارد تومان) IT	مالیات خمس (هزار میلیارد تومان) K	یارانه رفع فقر نسبی (هزار میلیارد تومان) S
۱۳۹۹	۰/۸۲۹	۰/۴۰۱	۰/۴۱۸	۰/۳۱۰	۰/۴۴۰	۰/۲۹۴	۳۷	۱۹۴	۷۹
۱۳۹۸	۰/۸۷۷	۰/۳۹۹	۰/۴۲۷	۰/۲۵۵	۰/۵۲۸	۰/۲۸۵	۲۹	۱۵۹	۱۳۹
۱۳۹۷	۰/۹۰۶	۰/۴۰۹	۰/۴۲۳	۰/۲۶۶	۰/۵۳۹	۰/۳۲۰	۱۹	۹۸	۱۲۷
۱۳۹۶	۰/۸۹۶	۰/۳۹۸	۰/۴۱۴	۰/۲۵۷	۰/۵۰۵	۰/۲۸۷	۱۵	۸۰	۸۹
۱۳۹۵	۰/۸۹۶	۰/۳۹۰	۰/۳۹۹	۰/۲۵۸	۰/۵۰۹	۰/۳۱۷	۱۵	۵۷	۹۰
۱۳۹۴	۰/۹۳۶	۰/۳۸۵	۰/۳۹۹	۰/۲۷۳	۰/۵۳۶	۰/۳۶۸	۱۲	۴۳	۱۰۵
۱۳۹۳	۰/۹۷۷	۰/۳۷۹	۰/۴۲۵	۰/۲۷۶	۰/۵۶۰	۰/۳۵۳	۹	۵۷	۹۲
۱۳۹۲	۱/۰۱۸	۰/۳۶۵	۰/۳۹۱	۰/۲۷۹	۰/۵۵۶	۰/۴۳۴	۸	۲۸	۱۲۲
۱۳۹۱	۰/۹۹۷	۰/۳۶۶	۰/۳۹۹	۰/۳۰۲	۰/۵۶۹	۰/۴۴۸	۶	۲۰	۹۷
۱۳۹۰	۱/۰۲۵	۰/۳۷۰	۰/۴۰۴	۰/۳۲۲	۰/۶۳۱	۰/۵۳۵	۵	۱۲	۱۰۴

منبع: (محاسبات پژوهش، مرکز آمار ایران و خزانه‌داری کشور)

ارقام ضریب جینی و سنجه توازن را می‌توان در نمودار زیر بهتر دید:



منبع: (محاسبات پژوهش، مرکز آمار ایران و خزانه‌داری کشور)

شکل (۱۳): روند ضریب جینی مرکز آمار و برآورد پژوهش از ضریب جینی و سنجه توازن پیش و پس از خمس (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹)

محاسبه نابرابری درون‌گروهی از طریق الگوی توزیع مورد نظر این پژوهش و چشم‌پوشی از آن در محاسبات دهکی مرکز آمار، خود را در برآورد بیشتر ضریب جینی این الگو (G') نسبت به ضریب جینی مرکز آمار (G) نشان داده است. پیامد اجرای خمس نیز کاهش چشم‌گیر ضریب جینی (G'') و سنجه توازن (T') می‌باشد.

ازسوی دیگر، سنجه توازن (T) در جهت کاهش از مقدار بیشینه سال ۱۳۹۰ به مقدار کمینه سال ۱۳۹۹ و با تغییرات نسبت میانگین هزینه به میانگین درآمد ($\bar{C}/\bar{y}$) هم‌راستا به نظر می‌رسد (با ضریب هم‌بستگی ۰/۸۹)؛ البته این روند کاهشی با دو استثناء در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ و نیز افزایش قابل‌توجه ضریب جینی در این دو سال همراه بوده است. به‌عنوان جمع‌بندی، انتظار می‌رود که با پیشی گرفتن رشد میانگین هزینه از رشد میانگین درآمد (به‌عبارتی رشد منفی میانگین درآمد واقعی) و در نتیجه افزایش کسری بودجه خانوار، بخش بیش‌تری از توزیع به زیر حد فقر و نیز با افزایش ضریب

جینی و در نتیجه نابرابری، بخش بیش تری به بالای حد اسراف رود. به این ترتیب می توان تغییرات سنجه توازن را با الگوی زیر توضیح داد:

$$T = \beta_1 G + \beta_2 \ln(\bar{c}) + \beta_3 \ln(\bar{y}) \quad \text{رابطه ۸}$$

جدول (۵): نتایج برازش الگو

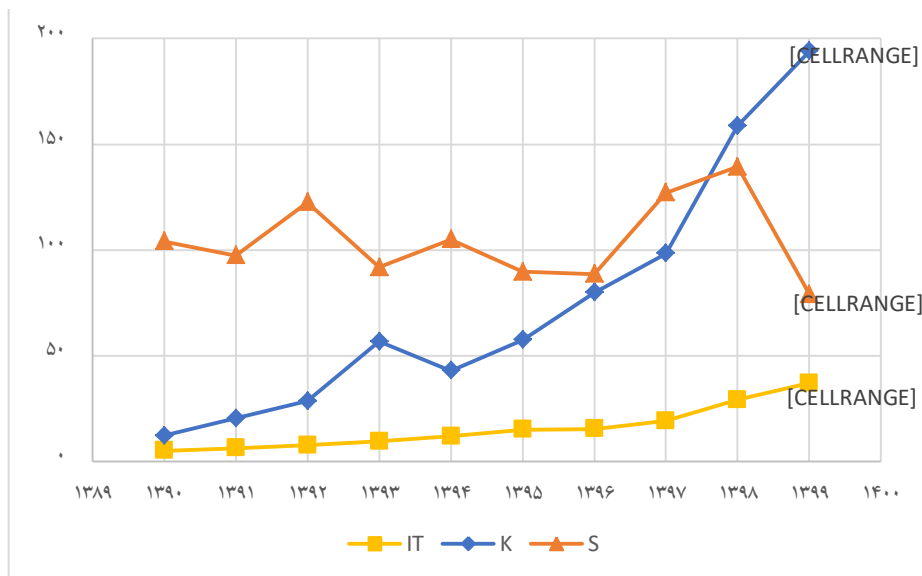
β_1	β_2	β_3	
۲/۲۷۵	۰/۹۱۲	۰/۹۳۴-	برآورد ضریب
۰/۰۳۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	احتمال آماره t
۰/۸۷۴			ضریب تعیین

منبع: (محاسبات پژوهش)

برازش این الگو با استفاده از داده های برآوردی مرکز آمار و با ضریب تعیین ۸۷ درصد و معناداری ضرایب در سطح اطمینان ۹۵ درصد، توضیح دهندگی قابل قبولی از تغییرات سنجه توازن و نیز چرایی حساسیت بیشتر این سنجه در مقایسه با ضریب جینی نسبت به تغییرات توزیع در طول زمان، ارائه می دهد. (البته استفاده از داده های برآوردی پژوهش، به برازشی بهتر با ضریب تعیین ۹۳ درصد و معناداری ضرایب در سطح اطمینان ۹۹ درصد، جهت برآورد سنجه توازن پس از خمس (T') خواهد رسید). رگرسیون نشان می دهد که رابطه معنادار معکوس میان عدم توازن (افزایش سنجه توازن) و رشد میانگین درآمد ($\beta_3 < 0$) و نیز رابطه معنادار مستقیم میان عدم توازن (افزایش سنجه توازن) و رشد میانگین هزینه ($\beta_2 > 0$) وجود دارد. این دو رابطه مؤید عدم تضاد توازن مصرف با رشد درآمد است (بر خلاف دوگان کارایی - برابری در تحلیل مطلوبیت گرایانه نابرابری درآمد).

همچنین، پس از اعمال خمس، علاوه بر کاهش عدم توازن، امکان افزایش درآمد دولت نیز وجود دارد. مقایسه ارقام مالیات بر درآمد (IT) (بر اساس داده های خزانه داری کل کشور) با مالیات خمس برآوردی (K) مؤید این امر است و امکان جایگزینی خمس با پایه مالیات بر درآمد را نشان می دهد. در بسیاری از سال های مورد بررسی، خمس درآمد مازاد بر مصرف غیرمصرفانه، کفاف یارانه لازم برای رفع کامل

فقر نسبی (S) را نداده است؛ اما با فزونی رشد میانگین درآمد بر رشد میانگین هزینه در جامعه و در نتیجه کاهش عدم توازن و فقر، این اختلاف رو به کاستی نهاده و حتی در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ خمس از یارانه پیشی گرفته است.



منبع: (محاسبات پژوهش، مرکز آمار ایران و خزانه‌داری کشور)

شکل (۱۴): روند عملکرد مالیات بر درآمد و برآورد پژوهش از مالیات خمس و یارانه رفع فقر نسبی (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹)

نتیجه‌گیری

برای طراحی سیاست‌های توزیعی و بررسی پیامد توزیعی سیاست‌ها، سنجش نابرابری امری لازم است؛ البته هر تجویز سیاستی علاوه بر انتخاب سنجه توصیفی مناسب، به تحلیل ارزشی وضع عادلانه و نمود آن در فرایند سنجش و تبیین نابرابری هم نیاز دارد. بر همین اساس به فهم تحلیل مطلوبیت‌گرایی موجود در تابع رفاه اجتماعی، به عنوان چهارچوب متعارف تبیین نابرابری، و نقد آن بر اساس نظرهای خود اقتصاددانان متعارف پرداخته و گفته شد که مطلوبیت نه قابل سنجش عددی و نه حتی مقایسه ترتیبی است و فروض سنجه‌های نابرابری مبتنی بر آن نیز مخدوش هستند.

با آگاهی از نقص های تحلیل متعارف و ضرورت ابتدای تحلیل، تبیین و تجویز نابرابری بر اساس مبانی دینی، به جستجوی تحلیل اسلامی نابرابری در آیات و روایات و اجماع استنباط علمای اسلامی پرداختیم و وضع مطلوب اسلام در زمینه نابرابری اقتصادی را، توازن اجتماعی به معنای برابری نسبی سطح مصرف افراد در محدوده میان دو حد فقر و اسراف دانستیم. در نتیجه تصویر اسلامی، شامل محدوده ای از نابرابری موجه و مقبول می باشد که ناشی از تفاوت های طبیعی و به دور از پیامدهای منفی مصارف نامتوازن مسرفانه و فقیرانه خواهد بود.

برای سنجش علمی نابرابری در مکتب اسلامی و به عبارتی همان عدم توازن، باید ابتدا حدود فقر و اسراف و سپس نسبت مجموع کسری هزینه فقرا از حد فقر و مازاد هزینه ها از حد اسراف (به عنوان فاصله وضع موجود از وضع مطلوب) به کل هزینه های جامعه (به عنوان وضع موجود) را اندازه گیری نماییم تا درصد واقعیت نامطلوب از کل وضعیت موجود به دست آید. با شناخت تحلیل اسلامی وضع مطلوب نابرابری و نیز یافتن سنجه و تبیینی متناسب با آن برای توصیف وضع موجود، تجویز چگونگی سیر از موجود به مطلوب را نیز با تمسک به منابع و بیان علمای مذکور یافتیم: مؤثرترین راه برای رفع نابرابری ناموجه و عدم توازن در مصرف، خمس درآمد (ارباح مکاسب) می باشد؛ چراکه در آن، معافیت مالیاتی به حد اسراف محدود گشته و درواقع مصارف بالاتر از این حد، مورد هدف قرار گرفته و در نتیجه به کاهش تا محدوده توازن سوق داده شده است. منابع این مالیات به قدری است که نه تنها جامعه اسلامی را قادر به کاهش و حتی رفع فقر نسبی سادات و بلکه کل جامعه می کند، بخش مهمی از بودجه دولت اسلامی را نیز تأمین می نماید.

دستاورد دیگر مقاله توصیف وضعیت عدم توازن کشور طی سال های دهه ۹۰ شمسی بود. با بهره گیری از داده های طرح درآمد و هزینه خانوار سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ (مرکز آمار ایران) نشان داده شد که سنجه توازن در این دوره روند کاهشی داشته است (کاهش عدم توازن)؛ با پیشی گرفتن رشد میانگین درآمد از رشد میانگین هزینه (به عبارتی رشد مثبت میانگین درآمد واقعی) و در نتیجه کاهش کسری بودجه خانوار، بخش بیشتری از توزیع به بالای حد فقر رفته و حتی افزایش ضریب جینی و در نتیجه

نابرابری و به تبع مصرف مسرفانه در برخی از سال‌ها، مانع این روند عمومی کاهش نبوده است. ازسوی دیگر، نتایج برازش الگو بیان گر وجود رابطه معنادار مستقیم میان عدم توازن (افزایش سنجه توازن) و رشد میانگین هزینه و ضریب جینی و نیز رابطه معنادار معکوس آن با رشد میانگین درآمد می‌باشد که در ضمن، عدم تضاد توازن مصرف با رشد درآمد (بر خلاف دوگان کارایی - برابری در تحلیل مطلوبیت‌گرایانه نابرابری درآمد) را تأیید می‌کند. همچنین اعمال خمس، وضعیت توازن و ضریب جینی را بهبود می‌دهد و جایگزینی آن با مالیات بر درآمد فعلی، ظرفیت افزایش درآمد دولت را نیز دارا می‌باشد.

با توجه به اینکه سنجش اثرهای توزیعی سیاست‌ها و پایه‌گذاری برنامه‌های رفاهی بر اساس سنجه توازن مبتنی بر تحلیل اسلامی نابرابری، گامی مهم در راستای کاربرست اقتصاد اسلامی در سیاست‌گذاری می‌باشد، این سنجه می‌تواند کاربردهای سیاستی فراوانی داشته باشد. علاوه بر این، اجرای خمس در بستر مالیات بر مجموع درآمد و مالیات بر عایدی سرمایه، در کنار تأمین حداقل معیشت عمومی و نیز تحدید اسراف، می‌تواند به تأمین بودجه از منابع شرعی و در نتیجه تحقق دولت اسلامی کمک شایانی نماید. طبیعی است که با افزایش گستره داده‌ها و توان پردازش، امکان سنجش دقیق‌تر و جزئی‌تر و حتی پیش‌بینی توزیع و روند عدم توازن و خمس فراهم می‌گردد.

این پژوهش، تلاشی در جهت ارائه تحلیلی اسلامی از نابرابری و به تبع تبیین و توصیف مبتنی بر آن و نیز بررسی آثار خمس به عنوان تجویز اسلامی رفع عدم توازن بوده است که طبعاً با توجه و دقت بیشتر پژوهشگران اقتصادی در موضوع‌شناسی و علمای دینی در حکم‌شناسی، امکان اتقان نظری و در نهایت اجرای عملی آن با اعلام ولی فقیه و اعمال حکومت اسلامی وجود دارد. پیشنهاد می‌شود که اهل پژوهش و علم، علاوه بر این موضوع به تحلیل نظری و آثار عملی زکات، موارد دیگر شمول خمس و سایر منابع مالی شرعی، به‌ویژه در رابطه با نابرابری ثروت، درآمد و مصرف، نیز بپردازند تا تصویر جامعی از مکتب اقتصادی اسلام در زمینه عدالت توزیعی فراهم آید.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). من لا یحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین.
- ابونوری، اسمعیل و ذوقی، الناز (۱۳۹۲). برآورد و مقایسه نابرابری توزیع درآمد با روش‌های پارامتریک و ناپارامتریک. پژوهش‌نامه اقتصاد کلان، ۸ (۱۶)، ۱۳-۳۰.
- بهشتی، سید محمد (۱۳۵۸). آذر (نوامبر) ۸ (۲۹). مصاحبه با مجله آلمانی «اشترن». بازیابی از خبرگزاری مشرق: mshrgh.ir/167109
- بهشتی، سید محمد (۱۳۸۸). حزب جمهوری اسلامی؛ مواضع تفصیلی. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی.
- بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰). حزب جمهوری اسلامی؛ گفتارها، گفت‌وگوها و نوشتارها. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (بی‌تا). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دار الکتاب الإسلامی.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. قم: موسسه آل البيت (علیهم‌السلام) لاحیاء التراث.
- حکیمی، محمدرضا، محمد و حکیمی، علی (۱۳۸۰). الحیاء. ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی. مجموعه بیانات. بازیابی از: khamenei.ir
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۸). ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
- خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
- رجایی، سید محمد کاظم (۱۳۹۲). مفهوم و شاخص عدالت اقتصادی. معرفت اقتصاد اسلامی، ۵ (۹)، ۷۹-۱۰۴.
- سلیمانی، محمد و سرمست شوشتری، مهدی (۱۳۹۸). طراحی الگوی «جایگزینی خمس ارباب مکاسب و مالیات بر مجموع درآمد در اقتصاد اسلامی ایران. معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۰ (۲۰)، ۱۷۹-۱۹۶.
- صاحب جواهر، محمد حسن (۱۴۰۶ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۱ق). *الإسلام يقود الحياة (موسوعة الشهيد الصدر ج ۵)*. قم: مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۱ق). *المدرسة الإسلامية (موسوعة الشهيد الصدر ج ۵)*. قم: مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۴ق). *اقتصادنا (موسوعة الشهيد الصدر ج ۳)*. قم: مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *الميزان في تفسير القرآن*. قم: مكتبة النشر الإسلامي.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۴). *عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصادی اسلام*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- غفورزاده، حسین و عسکری، محمدمهدی (۱۳۹۳). تحلیل مقایسه‌ای شاخص فقر چندبُعدی در اسلام و اقتصاد متعارف. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۶(۱۲)، ۵۳-۸۲.
- کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۹۴). *طراحی الگوی یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف در ایران*. (رساله دکتری). بازیابی از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج): <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/2f3884f70639c324303da3caa7c9ff9a>
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مختاریند، محمود (۱۳۹۹). تبیین نظری خط فقر از دیدگاه اقتصاد اسلامی بر اساس استانداردهای آماری اقتصاد ایران. *جستارهای اقتصادی ایران*، ۱۷(۳۳)، ۵۹-۸۵.
- مركز آمار ایران. *نتایج آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی کشور*. بازیابی از: amar.org.ir
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *مجموعه آثار شهید مطهری*. تهران: صدرا.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۵). رابطه کفاف و توسعه در مصرف بر اساس روایات اسلامی. علوم حدیث، ۲۱(۲)، ۱۳۸-۱۵۸.

References

- The Holy Quran* (In Arabic)
- Abu Nouri, Ismail & Zoghi, Elnaz. (2013). *Estimating and Comparing Income Distribution Inequality with Parametric and Non-Parametric Methods*. *Macroeconomic Research Journal*, 8(16), 13-30. (In Persian)
- al-Hurr al-Amili, Mohammad bin Hassan. (1995). *Wasail al-Shia*. Qom: Al al-Bayt Foundation. (In Arabic)
- al-Kulayni, Mohammad bin Ya'qub (1983). *al-Kafi*. Tehran: Islamic Books

- House. (In Arabic)
- al-Najafi, Mohammad Hassan (1986). *Jawahir al-Kalam*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. (In Arabic)
- al-Sadr, Sayyid Mohammad Baqir (2000[1962]). *Islamic School (Encyclopedia of Martyr Sadr vol. 5)*. Qom: Center for Research and Specialized Studies for Martyr Sadr. (In Arabic)
- al-Sadr, Sayyid Mohammad Baqir (2000[1979]). *Islam Leads the Life (Encyclopedia of Martyr al-Sadr vol. 5)*. Qom: Center for Research and Specialized Studies for Martyr Sadr. (In Arabic)
- al-Sadr, Sayyid Mohammad Baqir (2003[1961]). *Our Economy (Martyr al-Sadr Encyclopedia, vol. 3)*. Qom: Center for Research and Specialized Studies for Martyr Sadr. Sadr, (In Arabic)
- al-Saduq, Mohammad bin Ali ibn Babawayh (1983). *Man la Yahdurh al-Faqih*. Qom: Teachers Association. (In Arabic)
- Arrow, K. J. (1963 [1951]). *Social Choice and Individual Values*. New York: John Wiley & Sons.
- Beheshti, Sayyid Mohammad Hosseini (1979 November 29). Interview with the German magazine "Stern". Retrieved from Mashregh News Agency: mshrgh.ir/167109 (In Persian)
- Beheshti, Sayyid Mohammad Hosseini (2009). *Islamic Republic Party; Detailed Positions*. Tehran: Foundation for the Publication of the Works and Thoughts of the Martyr Ayatollah Dr. Beheshti. (In Persian)
- Beheshti, Sayyid Mohammad Hosseini (2011). *Islamic Republic Party; Speeches, Conversations and Writings*. Tehran: Foundation for the Publication of the Works and Thoughts of the Martyr Ayatollah Dr. Beheshti. (In Persian)
- Bentham, J. (2011 [1823]). *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation* (Digital ed.). Liberty Fund.
- Cowell, F. A. (2011). *Measuring Inequality*. New York: Oxford University Press.
- Ghafourzadeh, Hossein & Askari, Mohammad Mahdi (2014). *Comparative Analysis of the Multidimensional Poverty Index in Islam and the Conventional Economics*. Islamic Economics Studies, 6(12), 53-82. (In Persian)
- Hakimi, Mohammad Reza, Mohammad & Ali (2001). *al-Hayah*. (Aram, Ahmad. Translator) Tehran: Islamic Culture Publishing Office. (In Persian)
- Jevons, W. S. (2013 [1911]). *The Theory of Political Economy*. London: Palgrave Macmillan.
- Kashian, AbdolMohammad (2015). *Designing a Model for Integrating the System of Islamic Financial Resources and Conventional taxes in Iran (Doctoral Dissertation)*. Retrieved from Iran Scientific Database (Ganj): <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/2f3884f70639c324303da3caa7c9ff9a> (In Persian)
- Keynes, J. M. (1963 [1931]). *Essays in Persuasion*. New York: W. W. Norton & Company.
- Khamenei, Sayyid Ali Hosseini. Collection of Statements. Retrieved from khamenei.ir.

- Khomeini, Sayyid Ruhollah Mousavi (2009). *Welayah Faqih; Islamic Government*. Tehran: Imam Khomeini Publishing House. (In Persian)
- Khomeini, Sayyid Ruhollah Mousavi *Sahifah Imam*. Tehran: Imam Khomeini Publishing House. (In Persian)
- Marshall, A. (2013 [1920]). *Principles of Economics*. New York: Palgrave Macmillan.
- Mokhtarband, Mahmoud (2020). *Theoretical Explanation of the Poverty Line from the Perspective of Islamic Economics Based on Statistical Standards of Iranian Economy*. Iranian Economic Research, 17(33), 59-85. (In Persian)
- Motahhari, Mortaza. *The Collection of the Martyr Motahhari*. Tehran: Sadra. (In Persian)
- Pigou, A. C. (2011[1932]). *The Economics of Welfare* (Digital ed.). Liberty Fund.
- Rajaei, Sayyid Mohammad Kazem (2013). *The Concept and Index of Economic Justice*. Knowledge of Islamic Economics, 5(9), 79-104. (In Persian)
- Robbins, L. (2007[1935]). An Essay on the Nature and Significance of Economic Science. In D. M. Hausman (Ed.), *The Philosophy of Economics An Anthology* (pp. 73-99). New York: Cambridge University Press.
- Sen, A. & Foster, J. (1997). *On Economic Inequality*. New York: Oxford University Press.
- Statistical Center of Iran. Results of the Urban and Rural Household Income and Expenditure Survey in the Country. Retrieved from amar.org.ir
- Tabatabai, Sayyid Mohammad Hossein (1996). *al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Qom: Islamic Publishing House. (In Arabic)
- Yousefi, Ahmad Ali (2016). *The Relationship Between Sufficiency and Expansion in Consumption Based on Islamic Traditions*. Hadith Knowledge, 21(2), 138-158. (In Persian)

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۵۹۷-۶۳۰

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۲ روز نزد نویسندگان بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

بررسی تطبیقی مکتب اقتصادی اسلام (از منظر شهید صدر) و مکتب اقتصاد سرمایه‌داری (از منظر نئوکلاسیکی و مارکسی) در چهارچوب علل اربعه؛ جامعیت در تحلیل، کارآمد در تحقق^۱

محمد رحیمی*

سیدعقیل حسینی**

حسین حسن‌زاده سروستانی***

چکیده

ارائه تصویری کامل از اقتصاد اسلامی به‌عنوان یک مکتب در تحلیل و تحقق یکی از دغدغه‌های دیرین اقتصاددانان مسلمان است. در ارائه این تصویر، ناگزیر از تطبیق با نظام اقتصادی حاکم هستیم، پس سؤال اول در این امر عبارت است از اینکه گلوگاه اصلی در بررسی تطبیقی میان دو مکتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری کجاست؟ در این پژوهش با بررسی نظام حکمرانی این دو مکتب، بر دوگان پایه‌ای «منفعت فردی و اجتماعی» تکیه شده و با تمرکز بر این دوگانه، بتوان جامعیت این دو مکتب را تحلیل نمود. این دوگان اصیل باید در یک چهارچوب تحلیلی، بسط و تفصیل داده شود تا مختصات تحلیلی آن دو مکتب تعیین شود. به‌طور مشخص، از چهارچوب «علل اربعه» بهره گرفته شده و جامع‌نگری به منفعت فردی و اجتماعی از منظر هریک از مکاتب اقتصاد اسلامی و سرمایه‌داری رصد می‌شود. علاوه بر اینکه جامعیت هرکدام از مکاتب در تحلیل بررسی می‌شود، کیفیت تحقق آن‌ها نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بدین‌صورت که هرکدام از مکاتب در پاسخ به نیازهای واقعی اجتماع تا چه حدی توفیق داشته‌اند و از این رهگذر، کارآمدی هریک ارزیابی می‌شود. در نتیجه این تحقیق، اثبات می‌شود که تنها دین اسلام، قادر به ارائه مکتبی است که در تحلیل خود، «جامع‌نگر» بوده و در تحقق نیز «کارآمدی» لازم را برای راهبری واقعی اجتماع داراست.

واژگان کلیدی: اقتصاد سرمایه‌داری، مکتب اقتصادی اسلام، شهید صدر، منافع فردی، منافع اجتماعی، علل اربعه.

طبقه‌بندی JEL: B10, B24, B50, Z12, A12

۱. این مقاله به عنوان مقاله مستخرج از رساله دکتری محمد رحیمی ارائه شده است.

* پژوهشگر و دانشجوی مقطع دکتری، مالی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

moh.rahimi@isu.ac.ir

id 0009-0005-3901-7883

** استادیار گروه اقتصاد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه اقتصاد دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج،

کهگیلویه و بویراحمد، جمهوری اسلامی ایران.

aqil.hoseiny@yu.ac.ir

id 0000-0001-8666-3208

*** استادیار گروه مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، گروه مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق

علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

h.hasanzadeh@isu.ac.ir

id 0000-0003-3241-7436

مقدمه

مکتبی که داعیه اداره امور زندگی انسان را دارد، باید همه خواسته‌های اصیل و نیازهای ذاتی گوناگون او را تمهید نماید. درحقیقت، هماهنگی دقیق و حکیمانه میان نیازهای ریشه‌دار انسان بر عهده یک مکتب الهی خواهد بود. علی‌رغم اینکه ارائه چنین مکتبی تنها از مجرای وحی قابل تشریع است، همواره زمینه انحراف از این مجرا وجود داشته و خود بشر، مدعی ارائه مکتبی غیرالهی بوده است و با ناکارآمدی آن، چندی بُعد، مکتب دیگری جایگزین شده است. دراین میان، تحلیل مکاتب مختلف، اعم از مکاتب الهی و غیرالهی، تفاوت‌های بسیاری با همدیگر دارند و بنا بر شاخص «جامعیت» در تحلیل و «کارآمدی» در تحقق، موفق به ساماندهی صحیح به امور اجتماعی خواهند شد.

در این پژوهش، شاخص «جامعیت» برای سنجش یک مکتب در عرصه حکمرانی نظام اجتماعی به کار گرفته می‌شود. بدین معنا که این مکتب تا چه حدی توانسته است، موضع متعادل را در منافع فردی و اجتماعی اتخاذ نموده و به وجه جمع سالمی دست یابد. این وجه جمع سالم در گرو داشتن نگرش جامع‌الابعد به نیازهای انسان است؛ بنابراین بیان، مهم‌ترین مشکل مکاتب بشری، نداشتن آن نگاه جامع بوده و از همین باب است که دائماً در تفکیک نیازهای اصلی از فرعی و اولویت‌بندی میان آن‌ها به جمع‌بندی نرسیده و هر بار با انحصار در دسته‌ای از نیازها، سایر نیازها را فروگذار نموده است. ازجمله این بزنگاه‌های اصلی، دوگانه فرد و اجتماع است. حکمرانی منفعت فرد در قبال منفعت اجتماع، وظیفه مکتبی موسوم به «مکتب اقتصاد» است که منبعث از یک مکتب اجتماعی کلان‌تر خواهد بود. جامعیت در حکمرانی اقتصادی به‌طور مشخص به «نسبت‌یابی میان منفعت فردی و منفعت اجتماعی» خواهد بود. برای سنجش این شاخص در پژوهش حاضر بر دو مکتب اسلام و سرمایه‌داری تمرکز شده است؛ زیرا مکتب سرمایه‌داری نقطه مقابل اسلام قرار گرفته و به‌عنوان مکتبی است که با پشت کردن به معارف الهی، مدعی به ارمغان آوردن یتوپیایی برای بشر بوده و به‌عنوان یک مکتب متعارف در تمام عرصه‌های حیات بشری تسری یافته است. در این پژوهش تبیین می‌کنیم که در تقابل با مکتب سرمایه‌داری، تنها مکتب اسلام است که جامعیت بین منفعت فردی و اجتماعی را دارد.

غیر از تحلیل نظری مکاتب اقتصادی با شاخص جامعیت، ارزیابی تحقق اجتماعی یک مکتب، بحث متفاوتی است. بدین منظور باید بر راهبرد آن مکتب تمرکز شود. یعنی میان واقعیت مکتب و وجهه نظری آن تطابق برقرار است یا اینکه با بروز شکاف میان این دو وجه، تحقق مکتب نسبت به نظریه آن، مسیر دیگری را طی می‌کند. در نتیجه، اینکه یک مکتب بتواند در قبال مسئله محوری خود، پاسخگو باشد، شرط لازم برای موفقیت و تجربه عینی خواهد بود؛ البته به فرض اینکه یک مکتب نسبت به مسئله محوری خود پایبند باقی مانده و واقعاً در مقام پاسخ به آن مسئله نظریه‌پردازی کرده باشد، یک شرط اولیه است و در مسیر کارآمدی قرار خواهد گرفت تا اینکه با تحقق عینی و تجربه میدانی، کارآمدی کامل آن احراز شود؛ اما می‌توان با ارزیابی همین شرط اولیه، مکتبی که این شرط لازم را نداشته باشد، ناکارآمدی آن را اثبات کرد. به‌طور خلاصه، در صورتی که یک مکتب توانسته باشد به مسئله محوری خود پاسخ دهد، آن مکتب، شرط لازم برای کارآمدی را خواهد داشت. براین اساس، کارآمدی در هر کدام از مکاتب اقتصادی متفاوت است و پیرو اینکه چه مسئله‌ای را به‌عنوان مسئله محوری خود برگزیده‌اند، توفیق آن‌ها در تحقق متفاوت است، یعنی راهبردی که هر مکتب در رسیدن از مسئله به پاسخ تجویز می‌کند، دلالت بر کارآمدی آن خواهد بود.

پژوهش حاضر در یک گام به تحلیل تطبیقی دو مکتب اقتصاد اسلامی و سرمایه‌داری می‌پردازد. به‌منظور تحلیل تطبیقی مکاتب، روش‌شناسی خاصی نیاز است که نقاط تمایز بخش و مرزهای روشنی را بین آن‌ها لحاظ نماید. به‌عبارت دیگر، برای بررسی تطبیقی مکاتب، تحلیلی روشمند نیاز است که مجموع آن نقاط و مختصات را به‌نحو منظم و پیوسته در کنار هم ترسیم نموده و چهره تمام‌نمایی از هریک ارائه کند. در این راستا در پژوهش حاضر از چهارچوب تحلیلی «علل اربعه» استفاده شده و با نظر به دوگان منفعت فردی / منفعت اجتماعی، بستر لازم برای تحلیل تطبیقی و روشمند دو مکتب اقتصادی اسلام و سرمایه‌داری فراهم می‌آید.

در این مقدمه پس از اشاره مختصر به مسئله مورد بحث و همچنین روش‌شناسی تحلیل تطبیقی، اجمالی از سیر مباحث تبیین می‌شود. بدین ترتیب که ابتدا پیشینه پژوهش ارائه می‌شود؛ سپس روش‌شناسی و چهارچوب تحلیلی مورد استفاده در این

تحقیق تشریح می‌شود. در ادامه، با استفاده از چهارچوب تحلیلی علل اربعه، هریک از مکاتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری به تفکیک تحلیل می‌شود. در نهایت، تحقق هریک از مکاتب مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های حاضر در مقام تحلیل کردن کلیت اقتصاد اسلامی بعضاً به نگرش مکتبی التفات می‌شود. نگرش مکتبی در اقتصاد را مدیون شهید صدر هستیم. در این پژوهش‌ها عموماً به‌نحو متفکرمحور، اندیشه یک متفکر در خوانش اقتصاد اسلامی مبنا قرار می‌گیرد و اغلب برای تبیین ابعاد مکتب اقتصاد اسلامی از اندیشه شهید صدر استفاده گردیده است. نوآوری و نبوغ شهید صدر در طرح مباحث به‌قدری بوده است که عموم محققان در نسبت با اندیشه شهید صدر به فهم و تبیین آن موارد نوین پرداخته‌اند و کمتر به بسط و تسری جوهره آن اندیشه در حوزه‌های مختلف وارد شده‌اند. بدین ترتیب، عموم تحقیقات مکتب اقتصادی نیز در فضای اندیشه‌ای شهید صدر نگاشته شده‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

سیدکاظم حائری (۱۳۸۰) در پژوهش خود با عنوان «اقتصاد اسلامی و روش کشف آن از دیدگاه شهید صدر» به ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی و روش کشف آن پرداخته است. به عقیده نگارنده، نخستین مطلبی که شهید صدر در اقتصاد اسلامی به دنبال آن است پاسخ به این پرسش است که مقصود از اقتصاد اسلامی چیست و ماهیت و ساختار آن چگونه است؟ در این راستا مفاهیم متعددی که شهید صدر در این حوزه وضع کرده‌اند، تبیین و تشریح شده‌اند؛ مفاهیمی نظیر مذهب اقتصادی، علم اقتصاد، مبانی اقتصادی اسلام، نظام اقتصادی اسلام.

محمدرضا یوسفی (۱۳۷۹)، در پژوهشی با عنوان «بررسی روش آیت‌الله شهید صدر در کشف مکتب اقتصادی اسلام» به تبیین روش شهید صدر پرداخته است. این نگاشت شامل دو بخش کلی است: بخش نخست که به تبیین روش کشف مکتب وارد شده و در بخش دوم به بررسی و تحلیل روش کشف به‌لحاظ اعتبار شرعی وارد شده است. نهایتاً چنین جمع‌بندی می‌کند که اگر در فقه فقط با دیدگاهی فردگرایانه به دنبال حجت

شرعی باشیم، دستیابی به مکتب اقتصادی ممکن نیست و بناگذاری مکتب اقتصادی اسلام، تغییر نگاه و تحولاتی را در فقه نیاز دارد.

سیدحسین میرمعزی (۱۳۸۵)، در پژوهشی با عنوان «نقد و بررسی دیدگاه شهید صدر درباره هویت اقتصاد اسلامی»، ابتدا به تبیین تفصیلی نظریه شهید صدر پرداخته و برای تعیین هویت اقتصاد اسلامی از نگاه شهید صدر مفاهیمی مانند مذهب اقتصادی، نظام اجتماعی، نظام اقتصادی اسلامی و علم اقتصاد اسلامی را از دیدگاه ایشان تعریف و ارتباط بین آن‌ها را بیان می‌کند و نظریه شهید صدر را آغاز مبارکی برای تفکر و تحقیق و همچنین نقطه عطفی در تاریخ اندیشه‌های اقتصاد اسلامی می‌داند؛ اما انتقاداتی نیز بر مفاهیم مذکور ایشان وارد می‌دانند که اصلاح آن‌ها به غنای ادبیات علمی در این زمینه منجر می‌شود.

با لحاظ نگرش مکتبی در تبیین اقتصاد اسلامی ولی داشتن یک نگاه تطبیقی و بررسی مقایسه‌ای با اقتصاد سرمایه‌داری نیز محل توجه و مفید فایده است. در این زمینه می‌توان به پژوهش میثم کوچک‌زاده (۱۳۹۵)، با عنوان «بررسی تطبیقی مکتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری (کلاسیک)» اشاره کرد. نگارنده به‌طور مشخص به مقایسه بین این دو مکتب وارد شده و محورهای چون جهان‌بینی و فروض، تعریف سعادت، دامنه آزادی، مالکیت، نهادهای تأثیرگذار بر اقتصاد بحث شده که به‌عنوان عوامل تمایزبخش بین دو مکتب مذکور لحاظ می‌شوند. درنهایت، چنین نتیجه‌ای اتخاذ می‌شود که با بروز نقاط ضعف و خلأهای مکاتب اقتصادی ساخته انسان، انسان امروز بیش از هر زمان دیگر نیاز به یک مکتب و ایدئولوژی فکری دارد که مفهوم واقعی سعادت و صراط مستقیم هدایت را به او نشان دهد. مکتب اقتصاد اسلامی اگرچه هنوز به‌صورت بسته کامل و جامع و قابل‌عرضه برای پیاده‌سازی در کشورها تدوین نشده است؛ اما مبانی فکری و ترتیبات نهادی حاکم بر آن به دلیل انطباق بر فرهنگ و فطرت انسان می‌تواند جانشین خوبی برای اقتصاد حاکم بر کشورهای جهان باشد.

در بررسی تطبیقی دو مکتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری نیز عمده‌تاً در اجزاء مختلف اقتصاد به این بررسی پرداخته می‌شود؛ به‌طورنمونه، تفاوت اهداف دو مکتب اقتصادی مذکور را مقایسه می‌کنند. در همین راستا سیدنظام‌الدین مکیان و شهناز

ناصری (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی اهداف اقتصادی مکتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری»، به این سؤال اصلی پرداخته‌اند که آیا اهداف نظام‌های اقتصادی با یکدیگر وجه اشتراک دارند یا متفاوت از هم می‌باشند؟ درنهایت، چنین نتیجه‌ای اتخاذ شده است که تفاوت مکتب اقتصاد اسلامی و نظام سرمایه‌داری در قالب اهداف غایی، عالی، میانی و جاری با توجه به نحوه رسیدن به آنها و همچنین جهان‌بینی حاکم بر هر کدام متفاوت است.

مضاف بر اینکه یک نگرش مکتبی مدنظر قرار گیرد و همچنین به بررسی تطبیقی پرداخته شود، از وجه دیگر نیز داشتن یک چهارچوب تحلیلی کارآمد در ارائه و ترسیم ابعاد مختلف مکتب اقتصادی بسیار ضروری است. به‌طور مشخص، چهارچوب علل اربعه، ظرفیت چنین تحلیلی را خواهد داشت که در ادامه به معرفی و ظرفیت‌سنجی آن پرداخته می‌شود. از چهارچوب مذکور هم در تحلیل مکتب اقتصاد سرمایه‌داری می‌توان استفاده نمود و هم اینکه به جهت ترسیم کلیت مکتب اقتصاد اسلامی نیز می‌توان از همین چهارچوب بهره گرفت.

مهم‌ترین پژوهشی که سعی داشته است با استفاده از چهارچوب علل اربعه ارسطویی به تحلیل نظام سرمایه‌داری بپردازد مقاله اسکات لاش (۲۰۰۷) با عنوان «سرمایه‌داری و متافیزیک» است. وی نشان داده است که کل سرمایه‌داری و ازجمله زیرساخت‌های اقتصادی آن در حال تبدیل شدن به یک ماهیت متافیزیکی است. اگرچه در عصر صنعتی شدن کشورهای جهان، اصل امر فیزیکی به‌مثابه محرک حوزه متافیزیکی بود ولی اکنون امر متافیزیکی، مبنا و جوهره عصر صنعتی را تغییر داده است. وی تمایز میان امر فیزیکی و متافیزیکی را در قالب چهار تقابل اساسی بررسی نموده است: امر فیزیکی با چهار مؤلفه امتداد^۲، هم‌ارزی^۳، تعادل^۴ و فنومن^۵ تعریف می‌شود و درمقابل، امر متافیزیکی با چهار مؤلفه متناظر دیگری تحت عنوان تمرکز^۶، ناهم‌ازی^۷، عدم تعادل^۸

-
2. extension
 3. equivalence
 4. equilibrium
 5. phenomenon
 6. intensity
 7. equivalence
 8. disequilibrium

و نومن^۹ تعریف می‌شود. وی در ادامه به منظور بررسی سرمایه‌داری در تطبیق با دو فضای فیزیکی و متافیزیکی، به علیت آن‌ها پرداخته و علل اربعه ارسطویی یعنی علت فاعلی^{۱۰}، علت مادی^{۱۱}، علت صوری^{۱۲} و علت غایی^{۱۳} را مبنا قرار داده است.

وجه نوآوری پژوهش حاضر در این امر است که بتواند همزمان با نگرشی مکتبی و در چهارچوب تحلیلی علل اربعه و در تطبیق میان دو مکتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری بر ریشه اصلی تمایز میان دو مکتب مذکور تکیه شود و تصویر تمام‌نمایی از هریک ارائه نموده و به‌علاوه، تحقق عینی هریک نیز مورد ارزیابی قرار دهد.

۲. چهارچوب تحلیلی علل اربعه

عموماً مکاتب به یک مفهوم محوری شناخته می‌شوند و هنگام معرفی نیز بر همان مفهوم تأکید می‌شود؛ اما باید دقت داشت که از یک‌سو، تحلیل یک مکتب صرفاً در قالب یک مفهوم محوری کفایت نمی‌کند؛ زیرا مفاهیم و مؤلفه‌های مکاتب، دایره وسیعی را به خود اختصاص داده و فروکاست آن به یک مفهوم، تحلیل دقیق و جامعی را حاصل نمی‌کند؛ از همین جهت، نیاز است که تسری و ضرورت محور یک مکتب در ابعاد و اضلاع مختلف آن توضیح داده شود. در برشمردن ابعاد و اضلاع مختلف یک مکتب نیز گاهی، این ابعاد و اضلاع، هم‌عرض همدیگر فرض می‌شوند و اصطلاحاً میان اصل و فرع در یک مکتب تفکیکی قائل نمی‌شوند. استفاده از چهارچوب علل اربعه، روشی برای سنجش روابط میان اصول مکتب خواهد بود. ازسوی دیگر، ارائه تعریف ماهوی از مکاتب، میسر نیست؛ چراکه مکاتب متشکل از مجموعه قواعد و اصولی هستند که ارتباطات منسجمی میان آن‌ها برقرار است ولی وحدت میان آن، یک وحدت حقیقی نیست، بلکه از طریق روابط اعتباری در یک مجموعه قرار گرفته‌اند؛ فلذا نمی‌توان برای مکاتب، ماهیت قائل شد و به تبع، نمی‌توان از آن‌ها، تعریف ماهوی ارائه نمود. ولی تعریف مفهومی از مکاتب ممکن است؛ بدین صورت که به‌منظور تبیین و تحریر بهتر یک مکتب به بیان علل اربعه آن پرداخته می‌شود؛ اما به همان دلیل

9. noumenon

10. efficient cause

11. material cause

12. formal cause

13. final (teleological) cause

اعتباری بودن مکتب، باید مدنظر داشت که تحلیل در چهارچوب علل اربعه، به نحو تقریب است نه تحقیق (جوادی آملی، ۱۳۹۰، صص. ۲۷ و ۳۰). در نتیجه، مفاهیم گسترده ذیل یک مکتب و همچنین روابط اعتباری میان آن مفاهیم، ابعاد متعددی را برای مکتب ایجاد می‌کند. از همین جهت، به منظور تحلیل ذوابعاد یک مکتب باید چهارچوبی منطقی را به کار بست. در میان چهارچوب‌های منطقی، منطق علل اربعه برای امور اعتباری مرتبط با حیات انسان، مانند مکتب اجتماعی، توضیح‌دهندگی مناسبی دارد. در نتیجه، برای تحلیل ذوابعاد مکتب اقتصادی مورد بحث در این تحقیق از چهارچوب منطقی علل اربعه بهره جسته می‌شود.

در ادامه، تعریفی اجمالی از علل اربعه ارائه می‌شود.

نظریه علل اربعه به ارسطو بازمی‌گردد. وی با این تبیین علی چنین معتقد است که روابط به نحو تامی احصاء شده و هویت کاملی از آن امر بازشناسی می‌شود و هیچ جزئی از آن خارج از این چهارچوب نخواهد بود. به بیان دیگر، آن چنان که ارسطو قائل است، پاسخ در قبال علل چهارگانه، احصاء تامی است (موسویان، ۱۴۰۲، ص ۲۰۷).

هریک از علل اربعه در نظر فلاسفه اسلامی چنین تعریف می‌شود که علت فاعلی، عبارت است از عامل وجوددهنده به یک شیء. علت فاعلی در این تعریف گرچه فقط یکی از علت‌های اربعه است؛ اما معیار انواع علیّت به شمار می‌آید. فاعل تصرفاتی که انسان در ماده خارجی اعمال می‌کند، خود انسان است که علت وجوددهنده فعل است؛ یعنی علت فاعلی در تصرف انسان در ماده خارجی، خود انسان است. اگر مطلق معنای علت را در نظر بگیریم، عمدتاً علت فاعلی به ذهن متبادر می‌شود؛ پُر واضح است که این تبادر، معنای علیّت را مضیق کرده ولی با توسعه در معنای علیّت می‌توان انواع دیگری از روابط علی را برای آن تعریف نمود. «غایت» یا «علت غایی»، همان چیزی است که انسان فعل را به خاطر رسیدن به او انجام می‌دهد و البته غایت از آن جهت، علت شمرده می‌شود که مکمل و متمم علت فاعلی است؛ زیرا تصور غایت است که اراده انسان را برمی‌انگیزد و انسان را که در حد فاعل بالقوه است، به حد فاعل بالفعل می‌رساند. «صورت»، همان فعلیت و حالتی است که انسان به ماده خارجی می‌دهد؛ به عبارت دیگر، صورت، معلول واقعی علت فاعلی است. «ماده»، عبارت است از آن

چیزی که صورت را قبول می‌کند و فعلیت را می‌پذیرد. دلیل اینکه به ماده و صورت، علت گفته می‌شود، این است که حقیقت هر شیء مادی در خارج، مرکب است از مجموع ماده و صورت و این مجموع، در تحقق خود محتاج به این دو می‌باشد و معمولاً در مفهوم علت توسعه داده می‌شود و به مطلق دو چیزی که یکی از آن‌ها در واقعیت خود، محتاج به دیگری است، علت و معلول گفته می‌شود و از این رو هریک از ماده و صورت، علت مجموع مرکب به‌شمار می‌روند و به آن‌ها علت مادی و علت صوری اطلاق می‌شود (شریعتی سبزواری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص. ۲۷۱).

از منظر فلسفه غرب، علت از نگاه یونانی (casus, causa) به‌معنای آن چیزی است که سبب می‌شود تا چیزی به‌نحو خاصی از آب در آید. علت معمولاً همچون امری سبب‌شونده تلقی می‌شود. در اینجا، سبب شدن یعنی رسیدن به هدف و کسب نتیجه. آنچه متأثر از سنت فکری یونانی «علت» نامیده شد، یعنی چیزی که چیز دیگری به آن مدیون است. علل اربعه، انحاء مدیون بودن به چیزی یا مسئول چیزی بودن یا تعلق داشتن به یکدیگر هستند؛ به‌عنوان مثال در ساختن یک جام نقره، نقره به‌عنوان ماده سازنده، یکی از مسئولان جام به‌شمار می‌آید. یعنی آنکه این جام به نقره به‌عنوان عنصر سازنده آن مدیون است؛ اما این ظرف فقط به نقره مدیون نیست. به‌عنوان جام، آن چیزی که به نقره مدیون است به‌صورت یا شکل جام ظهور می‌کند و نه به شکل دستبند. در نتیجه این ظرف به‌صورت یا هیئت یا شکل (Eidos) جام نیز مدیون است؛ بنابراین شکل جام نیز جزء مسئولان این ظرف به‌شمار می‌آید. مورد سوم مدیون بودن که از همه مهم‌تر است همان غایتی است که از قبل، جام مزبور را به قلمرو خاصی مربوط و محدود می‌کند و از این طریق، حدود و ثغور آن را تعیین می‌کند. از درون این حدود است که فرضاً جام نقره همان چیزی می‌شود که بعد از تولید خواهد بود. «غایت» یا «هدف» یا به یونانی تلوس^{۱۴}، آن چیزی است که حدود و ثغور را معین می‌سازد و جام را تکمیل می‌کند. غایت و تلوس مسئول آن چیزهایی است که به‌عنوان ماده و به‌عنوان صورت، با هم مسئول جام هستند. بالاخره، چهارمین مسئول این ظرف، همان نقره‌ساز است؛ البته اطلاق علت فاعلی به نقره‌ساز به دلیل این نیست که او با کار

کردن، ظرف را به عنوان نتیجه کار سبب می شود بلکه به این دلیل است که نقره ساز با تأمل کردن، این سه نحوه فوق مسئول بودن و مدیون بودن را گرد هم می آورد. «تأمل کردن» به زبان یونانی لوگوس^{۱۵} خوانده می شود که ریشه آن «به ظهور آوردن» است. این ظرف هم از حیث «نفس» ظهور خود و هم از حیث «چگونگی» آن مدیون تأمل نقره ساز هستند، ظهوری که به تولید ظرف نقره معطوف است (هایدگر، ۱۳۷۳).

در چهارچوب علل اربعه به تبیین مکتب اقتصاد سرمایه داری و سپس به مکتب اقتصاد اسلامی می پردازیم. تحلیل مکتب اقتصادی از هر دو منظر اسلامی و سرمایه داری به جهتی پردازش می شود که در نهایت، مفهوم و مسئله محوری هریک شناسایی شود و با نسبت یابی آن مسئله با نیاز واقعی اجتماع، تحقق این دو مکتب مورد ارزیابی قرار می گیرد.

۳. مبانی نظری: تشکیل مکتب اجتماعی

در تبیین مبانی نظری در این پژوهش اولاً به بنیادهای شکل گیری یک نظام اجتماعی اشاره شده و سپس این تحلیل به سمت ضرورت و نیاز به مکتب اجتماعی سوق داده می شود. بحث از ضرورت تشکیل مکتب اجتماعی در مبانی نظری این پژوهش از آن جهت است که نسبت میان مکتب اجتماعی به مکتب اقتصادی، عام و خاص مطلق است.

انسان به طور فطری بر اساس حبّ ذات رفتار نموده و هر نیاز او در سایه حبّ ذات معنا می یابد. در راستای فعلیت این غریزه فطری، خداوند متعال برای همه انسانها خلافت عامی^{۱۶} قائل شده است تا به تدبیر امور خود بپردازند (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۴۹). درواقع، غریزه ای ریشه دارتر و گسترده تر از حبّ ذات در انسان وجود ندارد و همه غرایز از جمله غریزه کسب معیشت، شاخه ها و شعبه های این غریزه اند. چون حبّ انسان به خود - یعنی اینکه انسان لذت و سعادت را برای خودش بخواهد و از درد و بدبختی برای خودش نفرت داشته باشد - عاملی است که انسان را به کسب معیشت و تهیه نیازهای غذایی و مادی برای خود وادار می کند (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۳۲۴).

15. logos

۱۶. برهمین اساس است که به لحاظ فقهی و حقوقی، جامعه و مردم اولاً مالکیت عمومی نسبت به تمام اموال و منابع زمینی و زیرزمینی دارند.

براین اساس، هرچیزی که در مسیر تأمین نیازهای او باشد و از جمله انسان‌های دیگر را به «استخدام» خود درمی‌آورد؛ چراکه به‌تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای خود نیست مگر از طریق تعاون با دیگر افراد؛ بدین ترتیب، انسان برای رفع نیازهای خود، به برقراری روابط اجتماعی سوق یافته و به اقتضاء وسعت نیازهای خود، روابط اجتماعی خود را توسعه می‌بخشد؛ بنابراین، حیات اجتماعی مولود نیازهای انسانی است و نظام اجتماعی به شکلی درمی‌آید که نیازهای انسانی در حیات اجتماعی نظم و قاعده پیدا می‌کنند (صدر، ۱۴۱۷ق، ص. ۳۲۳). درواقع، آنچه ثابت و پایدار است، نیازمندی انسان‌ها به همدیگر است و لزوماً آن‌ها برای رفع نیازهای خود، نسبت‌هایی را بین همدیگر برقرار می‌سازند. بنا بر کیفیت و نحوه برآوردن نیازهای اجتماعی، «مکتب اجتماعی» شکل می‌گیرد. در این موضع، مکاتب مختلفی شکل می‌گیرد و درست در همین نقطه است که جدی‌ترین اختلافات میان مکاتب پیش آمده و مکاتب از همدیگر مختلف می‌شوند. اگر همان روند غریزی استخدام‌گری انسان در مقیاس فردیت متوقف شده و حب ذات او بر بدن مادی متمرکز شود، مکتب سرمایه‌داری متولد می‌شود و اگر این غریزه درونی وسعت یابد و از مرزهای بدن عبور کرده و بنا بر ظرفیت حیات اجتماعی، دیگران را دربرگیرد، مکتب اسلامی برای اجتماع محقق می‌شود. درواقع، بنا بر موضع‌گیری و امتداد حب ذات در دو نگرش متفاوت باعث تفکیک راهبردی میان دو مکتب اسلامی و مکتب سرمایه‌داری می‌شود که در ادامه توضیح داده می‌شود.

در راهبرد اول، وقتی در یک مکتب، صرفاً بر معیار فطری مذکور - یعنی حب ذات - تمرکز شود، طبعاً انسان منافع شخصی‌اش را بر منافع جامعه و عوامل انسجام آن، مقدم می‌دارد (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۳۳۵). براین اساس، انسان تماماً در عالم ماده خلاصه می‌شود و دستاوردهای خود را در لذت‌های مادی جستجو کرده و راه رسیدن به این هدف نیز منحصر در شریان حیات مادی یعنی ثروت می‌شود که راه رسیدن به تمامی اهداف و شهوات را در مقابل انسان باز می‌کند. این همان تسلسل طبیعی در برداشت‌های مادی است^{۱۷} که به طرز «تفکر محض سرمایه‌داری» منجر می‌شود^{۱۸}

۱۷. آنگاه که غریزه خود دوستی دارای چنین جایگاهی در دنیای انسان باشد و «خود» در نظر انسان عبارت باشد از نیروهای مادی محدود و لذت نیز به‌معنای کامیابی‌ها و شادمانی‌هایی باشد که ماده برایش فراهم می‌کند،

(صدر، ۱۳۹۴، صص. ۳۲۵-۳۲۶).

در راهبرد دیگر، مکتبی که بر نیروی غیر از نیروی خود فرد و انگیزه‌های درونی تکیه می‌کند، قادر خواهد بود که سامانه‌ای را برای تدبیر اجتماع ارائه نماید. در طراحی این سامانه، مشکل اصلی، فهم چیستی و ضرورت منافع اجتماعی نیست بلکه مشکل اصلی آن است که انسان چگونه به‌سوی تحقق آن منافع و سازماندهی جامعه به‌صورتی که منافع مزبور را تضمین کند، سوق داده شود (صدر، ۱۳۹۲، ج ۲، صص. ۳۵۷-۳۵۸)؛ چراکه انگیزه‌های درونی که کشش انسان را به‌سوی منافع طبیعی وی تضمین می‌کند، در مورد منافع اجتماعی، همان موضع را ندارد و به همین جهت، در چگونگی تحقق و تضمین منافع در دو موضع فرد و اجتماع، ناسازگاری پیش می‌آید^{۱۹} (صدر، ۱۳۹۲، ج ۱، ص. ۳۶۷). در این راهبرد، سعی بر ارتقاء نگاه از برداشت‌های مادی و طبیعی بوده و این تفکر دینی به‌عنوان مبنای شکل‌گیری مکتب اقتصادی اسلامی قرار خواهد گرفت.

آنچنان‌که گزارش مختصری از دو راهبرد اسلامی و سرمایه‌داری گذشت، تمایز حکمرانی نظام اجتماعی در دو مکتب اقتصاد اسلامی و سرمایه‌داری به نسبت‌یابی میان منفعت فردی و اجتماعی بستگی داشته و دو مکتب مذکور به‌لحاظ مبنای نظری در تحلیل این دوگانه، تفاوتی راهبردی پیدا می‌کنند. تحلیل این دو مکتب به‌محوریت منفعت فردی و اجتماعی در چهارچوب تحلیلی علل اربعه بحث می‌شود و سپس تفاوت راهبردی در تحقق این دو مکتب با شناخت مسئله محوری هریک تبیین

طبیعی است که انسان احساس نماید که فرصت برای دستیابی‌هایش محدود و دورانش کوتاه است و هدف راه او در این دوران این است که به مقداری از لذت مادی دست یابد؛ و راه آن نیز طبیعتاً فقط در بن‌مایه زندگی مادی منحصر می‌شود که عبارت است از دارایی؛ همان‌که برای انسان راه تحقق همه خواسته‌ها و شهوت‌هایش را می‌گشاید. این است زنجیره طبیعی میان مفاهیم مادی که به عقلانیت سرمایه‌داری کامل می‌انجامد (صدر، ۱۳۹۳، ب، صص. ۴۹ و ۵۰).

۱۸. تحلیل جاری، تحلیل نظام سرمایه‌داری را در بر گرفت و این نشانه غلبه و تفوق بر تحلیل این نظام است و از سویی نیز نشانه جامعیت تحلیل مکتب اقتصاد اسلامی است.

۱۹. برای مثال، تأمین زندگی کارگران در حال بیکاری، با منافع ثروتمندانی که هزینه‌های این تأمین، بر عهده آنان خواهد بود، در تضاد است. همچنین ملی کردن زمین، با منافع کسانی که می‌توانند زمین را در انحصار خود درآورند، تناقض دارد و به‌این ترتیب، هر یک از منافع اجتماعی، با انگیزه‌های درونی افرادی تعارض می‌یابد که منافعشان با آن منفعت اجتماعی همگانی اختلاف دارد.

می‌شود. آنچنان‌که مشخص است، در تحلیل مکتب اقتصادی چه در بُعد اسلامی و چه در بُعد سرمایه‌داری، سطح تحلیل را در سطح روابط توزیع و تولید تعریف نمی‌کنیم بلکه به سراغ گرانیگاه اصلی در تمایز میان دو مکتب مذکور می‌رویم. همان‌گونه‌که در تعریف مکتب اقتصادی در مقدمه بحث شد، در حقیقت، گرانیگاه اصلی در تمایز میان مکتب اقتصاد اسلامی و مکتب اقتصاد سرمایه‌داری را در «نسبت‌یابی میان منفعت فردی و اجتماعی» می‌دانیم.

۴. تحلیل مکتب اقتصاد سرمایه‌داری بر اساس علل اربعه

در این قسمت با استفاده از چهارچوب علل اربعه، علل برسازنده مکتب سرمایه‌داری تحلیل می‌شود. تحلیل‌های مختلفی از مکتب سرمایه‌داری وجود دارد. در اینجا از دو تحلیل مارکسی و تحلیل نئوکلاسیکی بهره گرفته می‌شود. گزینش تحلیل مارکسی از این جهت است که این تحلیل به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین و عمیق‌ترین تحلیل‌های انجام گرفته در این زمینه مبنای اصلی قرار گرفته است (Lash, 2007). چنان‌که هایدگر نیز معتقد است، تفسیر مارکس از تاریخ سرمایه‌داری به‌عنوان تاریخ ظهور ماتریالیسم (تبدیل همه موجودات به متریال یعنی مصالح و ابزار برای تولید) و نهایتاً از خودبیگانگی انسان، «از همه توصیف‌های تاریخی دیگر برتر است» (Heidegger, 1993). به علاوه، گزینش تحلیل نئوکلاسیکی از این جهت است که به‌عنوان یک تحلیل متعارف از سرمایه‌داری در جوامع علمی رسوخ کرده و البته در سطح گسترده‌تر نیز عمومیت یافته است.

مقایسه تحلیل سرمایه‌داری از این دو منظر مارکسی و نئوکلاسیکی، تفاوت‌هایی را به فراخور هریک از علل اربعه نشان می‌دهد که دلالت بر ابعاد مخفی سرمایه‌داری دارد. این ابعاد در تحلیل جامعیت این مکتب و همچنین ارزیابی تحقق آن، مؤثر خواهد بود.

۴-۱. علت مادی: کالا / ارزش ذهنی

با تحلیل مارکسی تنها چیزی که در سرمایه‌داری ارزش دارد، «کالا» است. ماده، در فضای سرمایه‌داری همان «کالا»^{۲۰} است. جایگاه کالا با تعبیری که مارکس در نظام

سرمایه‌داری ذکر می‌کند، عبارت است از شکل ابتدایی ثروت. «ثروت جوامعی که شیوه تولید سرمایه‌داری بر آنها حاکم است، همچون توده عظیمی از کالاها جلوه می‌کند. کالای منفرد شکل ابتدایی آن ثروت به‌شمار می‌رود» (Marx, 1859, 1867). کالا در نگاه مارکس در نسبت با ساعت کار تعریف می‌شود؛ درواقع، وقتی ساعت کار در قالب یک امر بیرونی تجسد می‌یابد، به‌عنوان کالا خوانده شده و به‌عنوان قلب دیالکتیک ماتریالیستی^{۲۱} عمل می‌کند.

اقتصاد نئوکلاسیک در مقابل اقتصاد کلاسیک ارائه شد. در اقتصاد کلاسیک، ارزش هر کالا ناشی از کاری دانسته می‌شد که فرد کارگر برای تولید آن انجام می‌داد. بدین ترتیب، ارزش کالا از مشخصات ذاتی آن یا کار انجام شده برای تولید آن کالا ناشی می‌شود؛ اما در اقتصاد نئوکلاسیک برای کالا هیچ‌گونه ارزش ذاتی قائل نشدند و اساساً خارج از فهم انسان، ارزش بی‌معنا دانسته شد. بدین ترتیب، در نگرش اقتصاد نئوکلاسیکی، بلوک‌های سازنده اقتصاد به‌عنوان «ارزش ذهنی» تشریح می‌شود. درواقع، مقصود از این ارزش ذهنی، مطلوبیتی است که از کالای تولید شده در فضای بازار برای مصرف‌کنندگان ایجاد می‌شود (Debreu, 1959).

اگر در تحلیل مارکسی به نحوی ابژکتیو بر کالا تمرکز شده و علت مادی اقتصاد سرمایه‌داری به‌عنوان «کالا» معرفی می‌شد، در تحلیل نئوکلاسیکی، نگاهی سوبژکتیو احاطه دارد و هر کالا را به ارزش ذهنی تعریف می‌کند.

۴-۲. علت صوری: ارزش مصرفی / منطق محض انتخاب

آنچنان که در علت مادی بحث شد، ماده خام مورد نیاز برای معماری اقتصاد سرمایه‌داری در تحلیل مارکسی کالا معرفی شد، حال بحث می‌شود که این کالا با چه چیزی صورت‌بخشی می‌شود؟ طبق تحلیل مارکسی، علت صوری در اقتصاد سرمایه‌داری، «ارزش مصرفی» است؛ یعنی کالا بنا بر شایستگی مصرف، صورت‌بخشی می‌شود و به تعبیری دارای «ارزش مصرفی» است. ارزش مصرفی هر کالا به‌نحو انضمامی توسط مصرف‌کنندگان ادراک می‌شود. با این توضیح، ارزش مصرفی یک کالا

21. heart of dialectical materialism

به استفاده انضمامی و منحصر به فرد نهفته در کالا اشاره دارد.

در مقابل تحلیل مارکسی که از علت صوری به عنوان «ارزش مصرفی» یاد شد، در تحلیل اقتصادی نئوکلاسیکی، ارزش ذهنی از منطق سوژکتیو یعنی «منطق محض انتخاب» تبعیت می‌کند و اساساً هویت کالا شدگی از انتخاب آزاد در بستر عرضه و تقاضای بازاری، به کالاهای صورت ارزشی در قالب قیمت عطا می‌کند. به تعبیر دیگر، اساساً هر چیزی وقتی به مبادلات بازاری وارد می‌شود، صورت ارزشی پیدا کرده و اصطلاحاً قیمت‌گذاری می‌شود. این منطق در اقتصاد نئوکلاسیکی به‌طور واضح و مبرهن تئوریزه شده است. اصل موضوعه این منطق، عقلانیت انسان اقتصادی است که دال بر حداکثرسازی منفعت شخصی (اعم از مطلوبیت یا سود) دارد. مبتنی بر این اصل موضوعه در چهارچوب قضایای اول و دوم رفاه و با استفاده از روش آگزیوماتیک اثبات می‌شود که نفع‌طلبی فردی در چهارچوب بازار آزاد منجر به حداکثرسازی تابع رفاه اجتماعی (نفع اجتماعی) می‌شود (Debreu, 1959; Hicks, 1939).

اگر در تحلیل مارکسی، ارزش مصرفی به عنوان ادراک انضمامی از مصرف کالا در نقش صورت‌بخشی به ماده کالا محسوب می‌شد، در تحلیل نئوکلاسیکی، ارزش ذهنی (علت مادی در این تحلیل) در منطق محض انتخاب تعیین می‌گردد. به‌طور مشخص در این تحلیل، تعیین ارزش ذهنی به بازار سپرده شده و وضعیت تعادلی بین عرضه و تقاضا، مشخص‌کننده قیمت خواهد بود.

۴-۳. علت فاعلی: کارگر / پول

وقتی در تحلیل مارکسی، ماده متشکل اقتصاد سرمایه‌داری به عنوان «کالا» معرفی شد که با ارزش مصرفی، صورت‌بخشی شده است، طبعاً فاعل آن، «کارگر»^{۲۲} خواهد بود. اینکه علت فاعلی در اقتصاد سرمایه‌داری به عنوان کارگر معرفی می‌شود، در تحلیل فلسفی، تعریف خاص به خود را پیدا می‌کند و با تعریف ساده‌ای که زور بازوی کارگر در شکل‌دهی به یک کالا دخیل است، متفاوت است. وقتی مارکس از کالا صحبت می‌کند، آن را به مثابه واحدهای ساعت کار^{۲۳} در نظر می‌گیرد که انتزاعی و همگن^{۲۴} هستند.

22. labour

23. units of labour-time

همگن بودن، یعنی هر واحد ساعت کار، شبیه دیگری است؛ مانند نگاهی اتمیستی^{۲۵} که در فیزیک حاکم است (Osborne, 1995). ریشه همگن و انتزاعی شدن کار نیز به اصالت فرد در نظام سرمایه‌داری برمی‌گردد.

در نگرش نئوکلاسیکی، تحلیل علت فاعلی در اقتصاد سرمایه‌داری می‌تواند در سطوح مختلفی بحث شود. در یک سطح می‌توان ایجادکننده ارزش اضافی^{۲۶} اقتصادی را به عنوان علت فاعلی در نظر گرفت. با این تعریف، موتور محرک کلیت اقتصاد به طور مشخص به فرد «کارآفرین» نسبت داده می‌شود. در سطح دیگر، کارآفرین نیز برای فعالیت خود، نیازمند یک عامل محرک است؛ در این سطح، «پول» مطرح می‌شود (Schumpeter, 2021; Swedberg, 2006). بدین معنا که کارآفرین برای گردآوری عوامل تولید و اجرای طرح اقتصادی خویش ابتدا و نهایتاً نیاز به پول دارد. در نتیجه، با در نظر گرفتن عوامل مختلف در رشد اقتصاد سرمایه‌داری می‌توان ابتدایی‌ترین و نهایی‌ترین علت را از حیث علت فاعلی به «پول» برگرداند (Simmel, 2011).

اگر در تحلیل مارکسی، کارگر به عنوان موتور پیشران اقتصاد تلقی می‌شد، در تحلیل نئوکلاسیکی، فاعلیت و حاکمیت به پول سپرده می‌شود. از این پس، ارزش اضافی متعلق به کارگر نیست بلکه در نسبت با پول تعریف شده و متعلق به کارآفرین و صاحبان پول است. به طور کلی، در عمل، پول (سرمایه) به عنوان علت فاعلی (نهایی) است که عوامل تولید را به کار می‌گیرد.

۴-۴. علت غایی^{۲۷}: ارزش مبادله‌ای / مطلوبیت اجتماعی

به ترتیب، طی تحلیل مارکسی از علل مختلف مشخص شد که کالا به عنوان ماده‌ای است که با ارزش مصرفی، صورت‌بخشی شده و به عنوان کالا تعریف می‌شود. همچنین توضیح داده شد که در تحلیل مارکسی، کالا در نسبت با ساعت کار تعریف می‌شود. در واقع، وقتی ساعت کار در قالب یک امر بیرونی تجسد می‌یابد، به عنوان کالا خوانده می‌شود. حال نوبت به این سؤال رسیده است که با چه غایتی این کالا مجسد می‌شود؟

24. abstract homogeneous labour-time

25. atomism

26. Surplus value

27. Teleological Cause

در پاسخ باید سرگذشت کالا را ردیابی کنیم. کالایی که با فاعلیت کارگر، دارای ارزش مصرفی شده، به چرخه مبادلات وارد می‌شود. کالا برای ورود به این چرخه باید ارزشی کمی و قابل شمارش داشته باشد ولی ارزش مصرفی در هر کالا دارای این خصوصیات نبوده و صرفاً به‌نحو انضمامی توسط مصرف‌کنندگان ادراک می‌شود. بدین ترتیب، با ورود به مبادله، ارزش کمی و قابل شمارش کالا به‌عنوان «ارزش مبادله‌ای» تعیین می‌شود. بدین ترتیب، سازوکار مبادله، مجموع تقاضاهای فردی را به شکل یکپارچه، تجمیع نموده و ارزش مصرفی را از حالت انضمامی به حالت انتزاعی تبدیل می‌کند. درنهایت، علت غایی در تحلیل مارکسی از اقتصاد سرمایه‌دای به‌عنوان «ارزش مبادله‌ای» معرفی می‌شود.

در نگرش نئوکلاسیکی، تحلیل هدف نهایی در اقتصاد سرمایه‌داری به تعبیر مختلفی نظیر رشد و توسعه اقتصادی، مطلوبیت و رفاه عمومی، حداکثر ساختن منفعت صاحبان سرمایه و... معرفی شده است. در یک کلام، علت غایی در مکتب سرمایه‌داری از نگرش نئوکلاسیکی، «حداکثرسازی مطلوبیت اجتماعی» خواهد بود؛ به‌نحوی که هم‌زمان با حداکثر شدن منفعت فردی برای تمام افراد اجتماع، منفعت اجتماعی نیز حداکثر می‌شود (Hausman & McPherson, 2016).

بر خلاف آنکه در تحلیل مارکسی، علت غایی سرمایه‌داری، «ارزش مبادله‌ای» معرفی شد، در تحلیل نئوکلاسیکی و همچنین اندیشمندان طرفدار سرمایه‌داری چنین وانمود می‌شود که هدف نهایی سرمایه‌داری، «حداکثرکردن مطلوبیت اجتماعی» است. نسبت‌یابی میان این دو غایت می‌تواند وجوهی از سرمایه‌داری را مکشوف سازد. مطلوبیت که کراراً در فضای اقتصاد سرمایه‌داری از آن یاد می‌شود، اولاً، یک ارزش انضمامی و غیرقابل تقسیم است و هر فرد به اقتضای خود، انتظار و برآوردی از آن دارد و تک‌تک افراد اجتماع، مطلوبیت خاص به خود را دارند. با این توضیح، بر خلاف ادعای زبانی از جانب نظام اقتصاد سرمایه‌داری اما با تحلیل مارکسی از این نظام مشخص می‌شود که این نظام به‌عنوان یک سامانه یکپارچه نمی‌تواند برای اجتماع، مطلوبیت و منفعت عمومی ایجاد کند؛ اما بالعکس آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، کالا در اقتصاد سرمایه‌داری با هدف تزاید مطلوبیت اجتماعی تولید و مبادله نمی‌شود بلکه

تمامیت اقتصاد در جهتی به خدمت گرفته می‌شود که منفعت فردی طبقه سرمایه‌دار بقاء داشته باشد. در نتیجه، با واکاوی دو خوانش نئوکلاسیکی و مارکسی از نظام سرمایه‌داری مشخص می‌شود که در عمل و واقعیت، سرمایه‌داری در ارمغان مطلوبیت و رفاه برای همگان، ناکام خواهد بود و در خوانش نئوکلاسیکی به قصد جذاب نمودن اقتصاد سرمایه‌داری برای عموم اجتماع بر منفعت فردی تکیه شده است.

در بیان گذشته، مکتب اقتصاد سرمایه‌داری در چهارچوب علل اربعه و با دو نگرش مارکسی و نئوکلاسیکی به‌گونه‌ای تحلیل شد که هریک از علل برشمرده، وجهی از مکتب اقتصاد سرمایه‌داری را نمایش دادند و تصویری عمیق و تمام‌نما از این مکتب ترسیم شود. به‌طور خاص از نگرش نئوکلاسیکی مشخص شد که «فردگرایی» در تاروپود این مکتب بافته شده و هرچه هست، به فردیت تقلیل داده می‌شود. بدین ترتیب، در اقتصاد سرمایه‌داری، هویت انسان به فردیت تقلیل یافته است. بر اساس همین تقلیل‌گرایی^{۲۸} در اقتصاد سرمایه‌داری، تمامی پدیده‌ها صرفاً به بعد فیزیکی و مادی آن فروکاسته می‌شوند. در نتیجه، هر نظریه کلان و همچنین واقعیت اقتصادی تجمیعی^{۲۹} را می‌توان در همان سطوح فردگرایانه تحلیل نمود. با این تحلیل، نگرش اتمیستی بر اقتصاد حاکم شده و هرگاه تمامی واقعیت‌ها، مربوط به فرد شناخته شد، در همان زمان واقعیت‌های تجمیعی (مثل نظام سرمایه‌داری) را نیز شناخته‌ایم (Kincaid, 1995, p. 380). درنهایت، در کلیت اقتصاد سرمایه‌داری، فردگرایی حاکم است و اجتماع به‌عنوان یک مقیاس و هویت مستقل لحاظ نمی‌شود. در نتیجه، این مکتب در حکمرانی نظام اجتماعی از طریق نسبت‌یابی میان منفعت فردی و اجتماعی نتوانسته جامعیت داشته باشد.

۵. تحلیل مکتب اقتصاد اسلامی بر اساس علل اربعه

پس از تحلیل مکتب اقتصاد سرمایه‌داری، نوبت به تحلیل مکتب اقتصاد اسلامی می‌رسد. در تحلیل این مکتب، نگاه شهید صدر محور قرار می‌گیرد. یعنی آنچنان‌که در تقریر مکتب اقتصاد سرمایه‌داری، تحلیل مارکسی و نئوکلاسیکی مبنا قرار گرفت، در

28. Reductionism

29. Aggregate economic facts

تقریر مکتب اقتصاد اسلامی، تحلیل شهید صدری مبنا قرار می‌گیرد. چراکه تقریر شهید صدر به‌عنوان یکی از جدی‌ترین تقریرات از مکتب اقتصادی اسلام به جریان غالب در اقتصاد اسلامی تبدیل شده است، در این مقاله نیز با تکیه بر اندیشه ایشان، به تحلیل علل اربعه در مکتب اقتصادی اسلام پرداخته می‌شود. در ضمن تحلیل مکتب اقتصاد اسلامی در برخی موارد با مکتب اقتصاد سرمایه‌داری تطبیق مختصری داده می‌شود.

۵-۱. علت مادی: نیازهای معیشتی انسان

در تبیین مکتب اقتصاد اسلامی باید اولاً بلوک‌های سازنده این مکتب را به‌عنوان علت مادی تشریح نمائیم. با تحلیلی که از مکتب اقتصاد سرمایه‌داری در تحلیل مارکسی داشتیم، علت مادی در این مکتب به‌عنوان «کالا» تبیین شد. در نگاه دین اسلام، خود «انسان» و نه طبیعت است که در تحلیل تحولات اجتماعی محوریت دارد. انسان فطرتاً خودخواه آفریده شد و همواره در پی رفع نیازهای خودش بوده است. در نتیجه هر آنچه را در محیط اطراف خود می‌یابد، در این راه به‌کار می‌گیرد. طبیعتاً انسان، خودش را ناگزیر می‌دید که در این راستا از هم‌نوع خود نیز بهره بگیرد؛ زیرا جز از راه همکاری با دیگران نمی‌تواند نیازهایش را برطرف کند، در نتیجه روابط اجتماعی بر پایه آن نیازها شکل می‌گیرد و در طول تجربه زندگی درازمدت بشر با گسترش و رشد آن نیازها، روابط اجتماعی انسان نیز توسعه و رشد پیدا کرده است؛ بنابراین، زندگی اجتماعی، زاینده نیازهای انسانی است و نظام اجتماعی ساختاری است که زندگی اجتماعی را متناسب با آن نیازها سازمان می‌دهد. در این میان، شأنی از مکتب اجتماعی که بتواند در جهت کسب منافع و مصالح، انسان را راهبری کند، در «مکتب اقتصادی» نمایان خواهد شد. با این توضیح، «نیازهای انسانی» به‌عنوان علت مادی در مکتب اقتصاد اسلامی هستند.

با تصریح شهید صدر، بلوک‌های سازنده مکتب اقتصادی اساساً از کالا شکل نمی‌گیرد، بلکه از نیازهای انسانی شکل می‌گیرد:

«حیثیتی از انسان که در مکتب اقتصادی اسلام، مبنا گذاشته می‌شود، نیازها و فقدان‌های اوست؛ به عبارت دیگر، «نیازهای انسان» به‌عنوان علت مادی برای ترسیم مکتب اقتصاد اسلامی خواهد بود. با این توضیح، مکتب اقتصادی اسلام

اساساً با اقتصاد سرمایه‌داری متفاوت است؛ چراکه در اقتصاد اسلامی بر اصل «نیاز انسان» تکیه شده و در اقتصاد سرمایه‌داری بر پاسخ نیازها، یعنی کالا تکیه می‌شود» (صدر، ۱۳۹۲، ج ۱، ص. ۳۶۷).

علت مادی در مکتب اقتصاد اسلامی را می‌توان تدقیق نمود ولی فعلاً آنچه در اینجا موضوعیت دارد، تمایزی است که از حیث علت مادی در بین دو مکتب اسلامی و سرمایه‌داری به چشم می‌خورد. به‌طور بسیار واضح، مشخص است که وقتی یک مکتب بر اساس موجودیت کالا یا ارزش ذهنی بنا می‌شود، با مکتب دیگری که بر اساس نیازهای انسان بنا می‌شود، تفاوت جدی پیدا می‌کند.

۲-۵. علت صوری: قواعد شریعت

متناظر با نظام سرمایه‌داری که در آن علت مادی، کالا بوده و علت صوری، ارزش مصرفی است، در مکتب اسلامی وقتی نیازهای انسان به‌عنوان ماده قوام‌بخش اقتصاد معرفی شد، علت صوری عبارت خواهد بود از آن‌چیزی که به این نیازها صورت‌بخشی می‌کند. به‌طور مشخص، مقصود از علت صوری، الگویی است که انسان باید چه در وهله شناخت نیاز و چه در وهله پاسخ به نیاز از آن تبعیت نماید. در رویکرد دینی، تدوین این الگو به‌عنوان «شریعت» به تمام بشریت ارائه شده است. درحقیقت، شریعت، مسلک رسیدن به فصل‌خیز انسان نوعی است. در نتیجه، اگر نیاز انسان به‌عنوان علت مادی برشمرده شود، «شریعت» به‌مثابه علت صوری است که به آن علت مادی صورت می‌دهد.

بر خلاف مکتب اقتصاد سرمایه‌داری که سنگ‌بنای اولیه آن را مطلوبیت فردی قرار می‌دهد، در اقتصاد اسلامی، فقط مطلوبیت فرد، مبنا و محور نیست و منفعت اجتماعی نیز موضوعیت دارد. همچنین بر خلاف اقتصاد مارکسیستی که مالکیت شخصی نفی نموده و جامعه بدون طبقه را متصور می‌شود، در اقتصاد اسلامی به مالکیت شخصی افراد احترام گذاشته می‌شود. درمجموع، دین مبین اسلام، میان انگیزه‌های فردی و راه‌های خیر در زندگی پیوند به‌وجود آورده و منافع فردی را به‌گونه‌ای تغییر می‌دهند که فرد ایمان بیاورد که منافع شخصی او با منافع حقیقی و عام انسانیت که اسلام آن‌ها را ترسیم می‌کند، در ارتباط است؛ بنابراین، دین از راه بسیج انگیزه فردی به سود منافع عمومی، نقش اصلی را

در حل مشکل اجتماعی ایفا می‌کند (صدر، ۱۳۹۲، ج ۱، ص. ۳۷۵). از منظر دینی، هماهنگی میان منافع فردی و منافع اجتماعی تنها تبعیت از دستورات الهی در لایه‌های وجودی انسان (لایه ظاهر: شریعت و لایه باطن: اخلاق) تضمین می‌شود. به‌طور مشخص تر، تنظیم روابط میان منفعت فردی و منفعت اجتماعی، چهارچوب و صورت شرعی ضروری بوده که ذیل احکام و قواعد «مالکیت» قرار می‌گیرد.

قواعد مالکیت در چهارچوب دین بدین صورت است که مالکیت از آن خداوند متعال است و سپس نقش انسان در ثروت، نقش خلیفه و امانت‌داری از جانب خدا بر منابع ثروت جهان است تا مطابق با روح عمومی اصل مالکیت خدا، به تدبیر امور آن بپردازد. خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم، اموال را به خود جماعت نسبت می‌دهد با اینکه این اموال از آن برخی از افراد است و این بدین خاطر است که نشان دهد اموال و ثروت‌ها در این جهان برای برپایی زندگی اجتماعی و توانا کردن آن برای ادامه حیات کریمه و تحقق اهداف الهی از خلافت انسان بر روی زمین است (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۵۰).

از بیان گذشته مشخص است که نوع مالکیت مورد پذیرش اسلام، با نوع مالکیت در سرمایه‌داری تفاوتی جوهری دارد (صدر، ۱۳۹۲، ج ۱، ص. ۳۳۷). به‌طور تفصیلی‌تر، اسلام برای صورت‌دهی به نیازهای انسان، سه نوع مالکیت را مطرح می‌کند: مالکیت خصوصی، مالکیت عمومی و مالکیت دولتی؛ و به هریک از این شکل‌های سه‌گانه مالکیت، حوزه عمل ویژه‌ای اختصاص داده است و هیچ‌یک از آن‌ها را امری نادر و استثنایی، یا راه چاره‌ای زودگذر برای پاسخگویی به شرایط خاص اجتماعی به‌شمار نمی‌آورد؛ بنابراین، هرچند جامعه اسلامی، مالکیت خصوصی را در مورد برخی سرمایه‌ها و ابزارهای تولید روا دانسته است؛ اما نادرست است اگر آن را یک جامعه سرمایه‌داری بخوانیم؛ زیرا مالکیت خصوصی از دیدگاه اسلام یک قاعده کلی نیست (صدر، ۱۳۹۲، ج ۱، ص. ۳۳۹). درنتیجه، دین مبین اسلام در صورت‌بخشی به نیازهای انسان، روابط میان منافع فردی و اجتماعی، نظامی را برای پاسخ‌دهی به نیازهای انسان طراحی کرده و مالکیت چندگانه را تشریع نموده است به‌نحوی که با اجرایی شدن قواعد مالکیت، در عین به‌پاداشتن منافع شخصی برای افراد، منافع اجتماعی نیز محقق می‌شود.

۵-۳. علت فاعلی: جامعه انسانی (امت)

آنچه باعث فعلیت یافتن الگوی مالکیت مذکور در اجتماع می‌شود، عموم اجتماع هستند و «کار»، سبب مالکیت آن‌ها خواهد بود. به اقتضاء الگوی چندگانه از مالکیت، نحوه کار نیز متفاوت می‌شود. از این بیان مشخص می‌شود که عموم مردم (امت) در قالب «جامعه انسانی» به عنوان علت فاعلی در مکتب اقتصاد اسلامی فعالیت دارند. جامعه انسانی در این نگاه، به عنوان یک موجود بسیار بزرگ و متمایز از افراد نیست؛ به تعبیر دیگر، اساساً جامعه در مقابل فرد نیست بلکه موجودیت آن‌ها درهم تنیده و غیرقابل تفکیک است (صدر، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۱). در این نگاه، تدبیر منافع فردی و اجتماعی توأماً در نظر گرفته می‌شوند. این در حالی است که در مکتب اقتصاد سرمایه داری، جوهره انسان به فرد فروکاسته می‌شود، و کاری که افراد اجتماع انجام می‌دهند، از هویت کارگری انتزاع شده و در نسبت با حیثیت فردی انسان لحاظ می‌شود. بدین ترتیب، کار هر فرد، هویت‌زدایی شده و در خدمت سرمایه قرار می‌گیرد. به تعبیر دیگر، هویت فرد نیز کاملاً بی‌نقش و اثر می‌شود.

در مقابل مکتب سرمایه داری که فرد محوریت دارد، در مکتب اسلام، فاعلیت کلیت جامعه انسانی مورد توجه خواهد بود و این امر مهم، نشان از اجتماعی بودن مکتب اسلام دارد؛ زیرا تنها مکتبی شایستگی عنوان «مکتب اجتماعی» را دارد که بر نیرویی غیر از نیروی خود فردی و انگیزه‌های فرد تکیه کند. مکتب اجتماعی، مکتبی است که در هر فرد، احساس مسئولیتی ژرف نسبت به جامعه و مصالح آن پرورش دهد و به این جهت، بر او واجب گرداند که از بخشی از حاصل کار و کوشش و دارایی‌های خصوصی خویش به خاطر جامعه و در راه دیگران چشم‌پوشد؛ فرد اجتماع این کار را نه به آن علت انجام می‌دهد که وی از دیگران دزدی کرده است و آنان برای باز پس گرفتن حقوق از دست رفته خود بر او شوریده‌اند، بلکه به این خاطر که احساس می‌کند این بخشی از وظیفه او و نمایانگر ارزش‌هایی است که به آن‌ها اعتقاد دارد. مکتب اجتماعی، مکتبی است که حافظ حقوق و نیک‌بختی دیگران است؛ اما نه با تهییج انگیزه‌های فردی بلکه با تحریک انگیزه‌های اجتماعی در همگان و به جریان انداختن سرچشمه‌های خیر و نیکی در روح آنان (صدر، ۱۳۹۲، ج ۱، ص. ۲۹۴).

۵-۴. هدف غایی: عدالت اجتماعی

اقتصاد اسلامی در زمینه ضرورت اهتمام به تولید و به کار بردن تمامی شیوه‌های ممکن در راستای افزایش و بهسازی آن و توانمند ساختن انسان، که جانشین خدا بر روی زمین است، بر تسخیر نعمت‌ها و بهره‌های زمینی بیشتر، با تمامی مکاتب اجتماعی دیگر هماهنگ است. با این تفاوت که اسلام، افزایش تولید را به عنوان یکی از ضروریات اجتماعی، بر اساس چهارچوب تمدن انسانی اسلام و مطابق اهداف عمومی خلافت انسان بر روی زمین، مطرح می‌کند. به همین جهت بین مکتب اسلام و مکاتب اجتماعی مادی، از نظر ارزیابی و روش، اختلاف شگرفی پیدا می‌شود. نظام سرمایه‌داری، رشد و توسعه تولید را ذاتاً هدف می‌داند، درحالی‌که اسلام انباشتن ثروت را ذاتاً هدف نمی‌داند، بلکه آن را وسیله‌ای برای ایجاد آسایش و رفاه و برپایی کامل عدالت در زندگی اجتماعی مردم و شرطی از شروط برپایی خلافت صالحه انسان بر روی زمین و تحقق اهداف بلند آن در راستای برپایی جامعه توحیدی، قلمداد می‌کند (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۵). در نتیجه، عدالت در حیات اجتماعی به عنوان هدف غایی در مکتب اقتصادی اسلام مورد اهتمام خواهد بود و سایر اهداف ذیل این هدف غایی تعریف خواهند شد. با تحقق عدالت در اجتماع، سازوکار و روالی بنا گذاشته می‌شود که تربیت عموم انسان‌ها به نحو فراگیر رقم خواهد خورد و هدف از مکتب اسلام، جامعه عمل می‌پوشد. در بیان گذشته، مکتب اقتصاد اسلامی در چهارچوب علل اربعه و با نگرش شهید صدری به گونه‌ای تحلیل شد که هریک از علل برشمرده، وجهی از مکتب اقتصاد اسلامی را نمایش دادند و تصویر تمام‌نمایی از این مکتب ترسیم شد. در این مکتب، بنای اولیه بر رفع نیازهای معیشتی انسان است و حیات اجتماعی انسان بر پایه رفع همین نیازها بنا می‌شود [علت مادی]. در صورت بخشی به نیازها، قواعدی تشریع شده است که انگیزه‌های فردی به سود منافع عمومی، بسیج شوند. یعنی تحقق منافع فردی با منافع اجتماعی به نحوی گره خورده که تحقق منافع فردی، حد واسطی برای رسیدن به منافع اجتماع است [علت صوری]؛ اما تحقق منافع اجتماعی، یک امر خودبه‌خودی نیست؛ زیرا انگیزه‌های درونی افراد به‌طور طبیعی به سمت تحقق منافع فردی کشش دارد و از سوی دیگر، حیات اجتماعی نیز برای بقا زندگی افراد، اضطراری است ولی در این اضطرار، منافع اجتماعی

به پا داشته نمی‌شود بلکه افراد با ورود به حیات اجتماعی در پی منافع شخصی خودشان بوده و به‌طور طبیعی، افراد قوی برا افراد ضعیف‌تر تفوق یافته و به بی‌عدالتی منجر می‌شود. نهایتاً این بی‌عدالتی با اصل تشکیل حیات اجتماعی در تعارض قرار می‌گیرد؛ فلذا برای به پا داشتن منافع اجتماعی نیازمند مکتب اجتماعی هستیم. مکتبی که با فعال کردن عموم مردم اجتماع، بتواند ناسازگاری حیات فردی و حیات اجتماعی را ساماندهی کند [علت فاعلی]. یعنی «نگرش اجتماعی» در تاروپود آن مکتب بافته شده و برای اجتماع، هویت مستقلی قائل شده باشد. در نتیجه، هویت یک مکتب اجتماعی، به نگرش اجتماعی آن است (نه نگرش فردیت) و اینکه بتواند تحقق منافع اجتماعی را ملازم با تحقق عدالت اجتماعی تضمین کند [علت غایی]. با تصویری که از تحلیل علی مکتب اقتصاد اسلامی از منظر شهید صدر ارائه شد، این مکتب، منافع شخصی افراد را محترم شمرده و در عین حال، سعی بر ارتقاء نگاه از برداشت‌های مادی و طبیعی داشته تا هویت فرد وسعت یافته و منافع اجتماعی نیز محقق شود. با این توضیح، مکتب اقتصاد اسلامی، دارای خصوصیت «جامعیت» خواهد بود. بدین ترتیب، مشخصه اصلی این مکتب، نگاه اجتماعی جامع است و امید می‌رود که در تدبیر نظام اجتماعی نیز موفق ظاهر شود. در ادامه به ارزیابی تحقق هریک از مکاتب پرداخته می‌شود.

طبق تحلیلی که در چهارچوب علل اربعه و مبتنی بر اندیشه شهید صدر از اقتصاد اسلامی ارائه شد، در عین محترم شمردن منافع شخصی، «اجتماع» به‌عنوان مهم‌ترین عنصر در تحلیل هریک از علل بود و در نتیجه آن، میان منفعت فردی و منفعت اجتماعی نسبت‌یابی صحیحی انجام شده است که جمع میان این دو امر، نشان از جامعیت این مکتب خواهد داشت؛ اما در تحلیل اقتصاد سرمایه‌داری (خصوصاً از منظر نئوکلاسیکی)، «فردیت» به‌عنوان مشخصه اصلی این مکتب برشمرده شد و همچنین فردگرایی اقتصاد سرمایه‌داری در حدی بود که برای اجتماع، هویت مستقلی قائل نمی‌شد. ناتوانی در جمع کردن میان منافع شخصی و منافع اجتماعی، به تعبیر دیگر، عدم توزین صحیح میان این منافع و اصالت داشتن منفعت فردی، نشان از عدم جامع‌نگری در مکتب اقتصاد سرمایه‌داری است.

۶. ارزیابی تحقق مکتب اقتصاد سرمایه‌داری و اسلامی

از منظر تحلیل، جامعیت مکتب اقتصاد اسلامی اثبات شد. از منظر تحقق، کارآمدی این مکتب در قیاس با مکتب اقتصاد سرمایه‌داری مورد بررسی قرار می‌گیرد. به‌منظور ارزیابی کارآمدی یک مکتب اجتماعی باید راهبردی که در رسیدن از مسئله به پاسخ را تجویز می‌کند، ارزیابی شود و در صورتی که آن مکتب، واقعاً از مسئله به پاسخ راه ببرد، «کارآمد» خواهد بود. به تعبیر دیگر، همساز و همخوان بودن مسئله و پاسخ، به‌عنوان کارآمدی آن مکتب ارزیابی می‌شود. بدین ترتیب، باید به مسئله اصلی هریک از مکاتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری و مقصود از برپایی آن‌ها رجوع کرد.

در ادامه، ضمن اشاره به مسئله محوری هریک از مکاتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری، کارآمدی هریک از این مکاتب در پاسخ به مسئله خود تحلیل خواهد شد.

۷. مسئله محوری در تحقق مکتب اقتصاد سرمایه‌داری

در شناسایی مسئله محوری مکتب اقتصاد سرمایه‌داری باید به همان بنیه شکل‌گیری اقتصاد سرمایه‌داری اشاره کرد که در ابتدای مقاله به‌عنوان مبانی نظری بیان شد. در شکل‌گیری این مکتب صرفاً بر همان معیار غریزی حبّ ذات تمرکز شده و طبع استخدام‌گر فرد انسانی پرورش می‌یابد؛ بدین ترتیب، فرد همواره منافع شخصی‌اش را بر منافع جامعه مقدم می‌دارد. مبتنی بر این تفکر، وقتی تمام اهداف فرد در حیات مادی دنبال می‌شود، مشخصاً طبیعت، کشش پاسخ‌گویی به نیازهای فرد را ندارد؛ چراکه به اقتضای غریزه حبّ ذات، نیازهای فرد با میلی بی‌پایان دنبال می‌شوند و طبیعت محدود مادی چنین ظرفیتی ندارد. از این مشکل به‌عنوان «کمبود نسبی منابع طبیعی» یاد می‌شود. مضاف بر این، زمانی اقتصاد سرمایه‌داری به بحران حادتری دچار می‌شود که فرد را به اقتضای همان غریزه درونی در تأمین این منافع، آزاد گذاشته می‌شود؛ زیرا در این مکتب، همواره منابع تولید به حال خود رها می‌شوند تا فرد نیرومندتر بر آن چنگ اندازد، آن هم با شعار آزادی اقتصادی که خود، در خدمت فرد نیرومندتر درمی‌آید و زمینه به انحصار درآوردن طبیعت و منابع آن را برایش آماده می‌سازد (صدر، ۱۳۹۲،

ج ۲، ص ۸۲).^{۳۰} توسعه اقتصادی در اجتماع به سمت بروز فاصله طبقاتی و بی‌عدالتی منجر خواهد شد و این نتیجه‌ای است که اقتصاد سرمایه‌داری موجب آن شده است و هرچه جلوتر می‌رود بر وخامت آن افزوده می‌شود.

از توضیح گذشته مشخص می‌شود که در اجتماعی که صرفاً غریزه درونی مبنا گذاشته شود، ضرورتاً به فساد و اختلالات نظام اجتماعی دچار شده و می‌شود. علی‌رغم اینکه اساساً در مکتب اجتماعی جایگزین باید اعتقاد به غریزی بودن حب ذات وجود داشته باشد و اساساً اندیشه تغییر این غریزه و یا چیره‌شدن بر آن مطرح نیست، ولی این مکتب باید بتواند بین منافع اجتماعی و منافع فردی تنظیم‌گری کند (صدر، ۱۳۹۴، ص ۳۳۴)؛ اما در مورد اقتصاد سرمایه‌داری باید اذعان نمود که این مکتب در حکمرانی نظام اجتماعی، اساساً خود را از چالش تدبیر میان منفعت فرد و اجتماع تبرئه می‌کند، بدین صورت که مدعی می‌شود: «اگر منفعت اشخاص تأمین شود به‌طور خودبه‌خود، منفعت عمومی اجتماع تأمین خواهد شد». غافل از اینکه منفعت شخصی همواره فرد را وامی‌دارد که صرفاً در مقیاس فردی برای افزایش کمی و کیفی سودآوری و کاهش هزینه، بیاندیشد و مادامی که به زور و اجبار دچار نشود، هیچ‌گاهی قصد تحصیل منفعت اجتماعی را نخواهد داشت. در نتیجه این رویکرد، تحصیل منافع فردی، باعث تأمین منفعت اجتماعی نمی‌شود (صدر، ۱۳۹۳، ب، ص ۲۴) بلکه در عمل، منافع قاطبه افراد نیز تأمین نمی‌شود.

در نتیجه، وقتی مسئله محوری مکتب اقتصاد سرمایه‌داری بر کمبود نسبی منابع طبیعی قرار می‌گیرد، درحقیقت، این مکتب، مسئله واقعی زندگی انسان را در نظر نگرفته است. به تعبیر دیگر، این مکتب، مسئله اجتماعی را جدا از واقعیت زندگی بررسی می‌کند؛ یعنی پُر بی‌راه نیست که در باطن خود نیرنگ و فریب و یا شتاب‌زدگی نهفته دارد. این در حالی است که قوام معیار فکری نظام اجتماعی به این است که آن نظام از

۳۰. مطابق نظریه اعتبارات مرحوم علامه طباطبایی نیز فرد در اعتبار استخدام، منفعت خود را طلب می‌کند و اگر به صرف همین اعتبار باشد، ضرورتاً افراد به اختلاف مواجه می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۳۹)؛ فلذا اگر به صرف اعتبار استخدام باشد، هرچه فرد یا افرادی از اجتماع قوی شوند، حکم اجتماع تعاونی و عدالت اجتماعی ضعیف شده و افراد قوی در حق افراد ضعیف رعایت نمی‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۱۸).

همان ابتدا، دیدگاهش را راجع به واقعیت زندگی معین کند (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۲۹۸). به تعبیر دیگر، می‌توان کمبود نسبی منابع طبیعی را به‌عنوان نتیجه ضروری همان رویکرد مکتب اقتصاد سرمایه‌داری دانست. یعنی این مکتب، راهبردی را برگزیده است که ضرورتاً به این چالش منجر می‌شود و درواقع، مکتب اقتصاد سرمایه‌داری، پاسخی به مسئله مذکور نیست بلکه خود عاملی برای بروز این مسئله است. اگرچه از منظر اقتصاد اسلامی نیز منابع مورد نیاز از محدودیت خارج نمی‌شوند ولی این کمبود و محدودیت در معماری اقتصاد اسلامی به‌عنوان مسئله محوری محسوب نمی‌شود.

۸. مسئله محوری در تحقق مکتب اقتصاد اسلامی

بر خلاف مکتب اقتصاد سرمایه‌داری که مشکل اساسی را در کمیابی نسبی منابع طبیعی فرومی‌کاهد، اسلام، مشکل اصلی را ناشی از اقتضائات طبیعت و کمبود منابع آن نمی‌داند؛ زیرا از دیدگاه اسلام، طبیعت قادر است همه نیازهای زندگی را که برآورده نشدن آن‌ها به یک مشکل جدی در زندگی انسان می‌انجامد، برآورده سازد. پیش از هرچیز مشکل، «خود انسان» است، نه طبیعت. این موضوع در آیات قرآنی زیر بیان شده است: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَ سَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمُ النَّهَارَ وَ سَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ دَائِبِينَ وَ سَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ؛ وَ آتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَ إِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ»^{۳۱} (ابراهیم / آیات ۳۲-۳۴). این آیات کریمه به‌روشنی بیان می‌دارد که خداوند متعال همه منافع و مصالح انسان را در این هستی پهن‌آور گرد آورده و منابع کافی برای ادامه زندگی و نیازهای مادی او را فراهم کرده است اما این انسان است که با ستمگری و ناسپاسی خود، فرصتی را که خداوند در اختیار او گذاشته است از دست می‌دهد؛ بنابراین، ستمگری انسان در زندگی عملی

۳۱. خداست که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرو فرستاد که به‌وسیله آن! با تحلیلی از میوه‌ها رزقی برای شما برآورد و کشتی‌ها را به تسخیر شما درآورد که به فرمان او در دریاها روانند و رودها را رام شما ساخت و خورشید و ماه را برای شما تسخیر کرد که پیوسته در حرکت‌اند و شب و روز را برای شما تسخیر کرد و از هرچه از او خواستید به شما داد، و اگر بخواهید نعمت‌های خدا را بشمارید، نمی‌توانید آن‌ها را شماره کنید؛ بی‌تردید نوعیت انسان بسیار ستمگر و ناسپاس است.

خود و ناسپاسی او نسبت به نعمت‌های الهی، دو علت اساسی برای پیدایش مشکل اقتصادی در زندگی انسان است. ستمگری انسان در حوزه اقتصاد، در توزیع بد تجسم می‌یابد و ناسپاسی او نسبت به نعمت‌ها، در عدم بهره‌برداری از طبیعت و موضع منفی داشتن نسبت به آن متبلور می‌گردد. پس هرگاه ستم از روابط اجتماعی در امر توزیع از میان برود و نیروهای انسان برای استفاده و بهره‌برداری از طبیعت بسیج گردد، مشکل واقعی در زمینه اقتصاد برطرف خواهد شد (صدر، ۱۳۹۲، ج ۱، صص. ۳۹۸-۳۹۹).

از توضیح گذشته چنین نتیجه‌ای قابل اتخاذ است که درحقیقت، مکتبی شایستگی عنوان «مکتب اجتماعی» را دارد که بر نیرویی غیر از نیروی خود فرد و انگیزه‌های درونی تکیه کند (صدر، ۱۳۹۲، ج ۱، ص. ۲۹۴). بر همین اساس است که اسلام در مقام تدبیر و هماهنگی میان انگیزه‌های فردی و اجتماعی، ریشه اساسی در بروز مشکل در نظام اقتصادی را خود انسان می‌داند. در قبال مشکل مذکور و هماهنگی میان دوگان انگیزه‌های فردی و اجتماعی، راه‌حلی که اسلام تجویز می‌کند، «تحول نگرش مادی انسان از زندگی» است. این سنگ‌بنا اساساً برخلاف مکتب اقتصاد سرمایه‌داری است که بر آزادی فرد تأکید داشته و نهایتاً به مشکل عدم تاب‌آوری طبیعت دچار می‌شود. مکتب اقتصاد اسلامی بر خلاف مکتب مارکسیستی در مقابله با نگرش سرمایه‌داری، فوراً سراغ اصل مالکیت خصوصی نمی‌رود تا آن را ابطال و الغاء کند بلکه اسلام تنها با نگرش مادی به زندگی مبارزه کرده و نگرش جدیدی را درباره زندگی مطرح می‌نماید. بر پایه همین نگرش، می‌توان نظامی برپا کرد که در آن، نه فرد ابزاری مکانیکی در تشکیلات اجتماعی است و نه جامعه هیئتی در خدمت فرد، بلکه اسلام برای هریک از جامعه و فرد، حقوقی را وضع نموده و هم کرامت معنوی فرد و هم کرامت مادی او را تضمین می‌کند (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۳۳۲)؛ بنابراین اسلام روی نقطه حقیقی بیماری در نظام اجتماعی دست گذاشت و آن را به‌گونه‌ای درمان می‌کند که از یک‌سو با طبیعت و فطرت انسان هماهنگ بوده و ازسوی دیگر، با برپایی ساختار متناسب، به تدبیر چالش میان منافع فردی و اجتماعی اقدام نماید. راه‌حلی که در اینجا به‌عنوان تغییر نگرش انسان به‌عنوان معرف مکتب اقتصاد اسلامی بیان شد، به اقتضاء تحلیل و تحقق نظام حکمرانی اجتماعی بود و می‌توان به ضمانت‌های اجرایی عینی و واقعی این نظام نیز اشاره نمود که از عهده این پژوهش خارج است.

نتیجه‌گیری

با سیری که در پژوهش طی شد، ابتدا از مکاتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری در چهارچوب علل اربعه تحلیلی ارائه شد و سپس به‌منظور ارزیابی هریک از مکاتب مذکور به مسئله محوری هریک پرداخته شد. با توضیح اینکه آیا مکتب تحلیل شده می‌تواند پاسخی به مسئله محوری خود باشد یا خیر. در اینجا سیر تدوینی پژوهش، جمع‌بندی می‌شود.

در میان مکاتب مختلف و بسیار متعددی که در عرصه اقتصاد در هر دوره‌ای سر برآورده‌اند، تعدادی با گذر زمان مورد انتقاد قرار گرفتند و تعدادی هم به اقتضائات مختلف، پوست‌اندازی کرده و در ظواهر متنوعی، خود را بازتعریف نموده‌اند؛ اما همچنان مسائل ثابت و پایداری برای مکاتب مختلف باقی است که می‌توان ریشه آن‌ها را در دوگان‌های ثابتی رصد نمود ولی پاسخ‌های متعارضی به این دوگان‌ها داده شده است. برجسته‌ترین دوگان در مکاتب اقتصادی، جدال میان منافع فرد و اجتماع است و بسته به موضع‌گیری نسبت به آن، مکاتب مختلف اقتصادی از همدیگر متمایز شده‌اند. در همین نقطه، تفاوت راهبردی میان دو مکتب اقتصاد اسلامی از مکتب اقتصاد سرمایه‌داری ایجاد شده است.

در تحلیل هرکدام از مکاتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری می‌توان با استفاده از چهارچوب علل اربعه به تصویری تمام‌نمایی از این مکاتب دست یافت که بتواند در عرصه های مختلف (از علل اربعه)، تفاوت آن دو مکتب را ردیابی نماید. در جدول زیر متناظر با هریک از علل اربعه، اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری نمایش داده شده است:

جدول (۱): مقایسه اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی در چهارچوب تحلیلی علل اربعه

اقتصاد اسلامی	اقتصاد سرمایه‌داری		مکاتب اقتصادی
	رویکرد مارکسی	رویکرد نئوکلاسیکی	چهارچوب تحلیلی
نیازهای معیشتی انسان	مطلوبیت (ارزش ذهنی)	کالا	علت مادی
قواعد شریعت	منطق محض انتخاب	ارزش مصرفی	علت صوری

اقتصاد اسلامی	اقتصاد سرمایه‌داری		مکاتب اقتصادی
	رویکرد نئوکلاسیکی	رویکرد مارکسی	چهارچوب تحلیلی
(انسان کامل)	(ارزش‌گذاری صوری)		
جامعه انسانی (امت)	نهاد اجتماعی پول و کارآفرین	کارگر	علت فاعلی
عدالت اجتماعی	حداکثرسازی مطلوبیت (رفاه) اجتماعی	ارزش مبادله‌ای	علت غایی

آنچنان‌که مشخص است در تحلیل اقتصاد سرمایه‌داری از دو تحلیل مارکسی و همچنین نئوکلاسیکی استفاده شده است. تحلیل مارکسی کمک کرد که اقتصاد سرمایه‌داری در سطحی عمیق‌تر از فهم متعارف و مرسوم و با خوانشی انتقادی واکاوی شود. به‌طور خاص از نگرش نئوکلاسیکی مشخص شد که «فردگرایی» در تار و پود این مکتب بافته شده و هرچه هست، به فردیت تقلیل داده می‌شود. بدین ترتیب، اقتصاد سرمایه‌داری در نسبت‌یابی میان منفعت فردی و اجتماعی نتوانسته جامعیت داشته باشد. به‌علاوه، با مقایسه‌ای که بین دو تحلیل مارکسی و تحلیل نئوکلاسیکی در برخی نقاط انجام شد، تفاوت معناداری به چشم می‌آمد که در ظاهر به جذابیت هرچه بیشتر اقتصاد سرمایه‌داری موجب می‌شد ولی در واقع، بین دو ساحت واقعیت و نظریه این مکتب، تعارضی را اثبات می‌کرد؛ چراکه این تفاوت معنادار نشان می‌دهد که مکتب اقتصاد سرمایه‌داری به همان طرحی که برای تدبیر اجتماعی ارائه نموده، پایبند نبوده است و اجتماع را مقید به همان طرح راه نمی‌برد. درحقیقت، این تفاوت اثبات می‌کند که مکتب اقتصاد سرمایه‌داری شرط لازم برای کارآمدی را نخواهد داشت.

طبق تحلیلی که از مکتب اقتصاد اسلامی ارائه شد، ریشه اساسی در بروز مشکل در نظام اقتصادی، خود «انسان» است. در قبال مشکل مذکور و هماهنگی میان دوگان انگیزه‌های فردی و اجتماعی، راه‌حل اسلام در «تحول نگرش مادی انسان از زندگی» است. برای ایجاد این هماهنگی، دین بین معیارهای اخلاقی‌ای که برای انسان وضع می‌کند و حبّ ذات که در فطرت انسان نهفته است، پیوند برقرار می‌کند. با این راه‌حل،

از یک سو، طبق اصل حبّ ذات و استخدام، حیات فردی تداوم می‌یابد و از سوی دیگر، غیر از این نیروی درونی بر نیروی دیگری نیز تکیه می‌نماید تا اینکه حیات اجتماعی به سمت عدالت سامان پیدا کند. به عبارت دیگر، دین بین معیار فطری فرد انسانی - یعنی حبّ ذات - و معیاری که در عرصه اجتماع باید پیاده شود، وحدت برقرار می‌کند تا به این وسیله سعادت، رفاه و عدالت در جامعه تضمین شود. آشتی برقرار کردن بین این دو معیار، طی فرایندی صورت می‌گیرد که دین، آن را برای بشر تضمین کرده است؛ البته باید دقت داشت که دین برای تحقق عدالت اجتماعی صرفاً به پند و اندرز اکتفا نکرده و ضمانت‌های عینی و واقعی برای تحقق این مهم تدبیر نموده است ولی به اقتضاء مسئله مورد پژوهش در این مقاله و مجال مختصر در توسعه مباحث، از پرداختن به آن ابعاد دیگر از تحقق عدالت اجتماعی اغماض کرده‌ایم. فارغ از این نکته، درنهایت، اثبات می‌شود که تنها دین اسلام قادر به ارائه مکتبی است که در تحلیل خود، جامع‌نگر بوده و در تحقق نیز کارآمدی لازم را برای راهبری واقعی اجتماع داراست.

کتابنامه

قرآن کریم.

جوادی آملی، عبدالله و مصطفی پور، محمدرضا (۱۳۹۰). دین‌شناسی. قم: اسراء.
حائری، سیدکاظم (۱۳۸۰). اقتصاد اسلامی و روش کشف آن از دیدگاه شهید صدر. اقتصاد اسلامی، سال اول، (۱).

شریعتی سبزواری، محمدباقر (۱۳۸۷). تحریری بر اصول فلسفه و روش رئالیسم. تهران: مؤسسه بوستان کتاب.

صدر، محمدباقر (۱۳۹۲). اقتصاد ما. ترجمه سیدمحمد مهدی برهانی. قم: دارالصدر.

صدر، محمدباقر (۱۳۹۳). فلسفه ما. قم: دارالصدر.

صدر، محمدباقر (۱۳۹۴). اسلام راهبر زندگی / مکتب اسلام / رسالت ما. ترجمه مهدی زندیه. قم: دارالصدر.

صدر، محمدباقر (۱۳۹۵). پژوهش‌های قرآنی. قم: دارالصدر.

صدر، محمدباقر (۱۴۱۷ق). اقتصادنا. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۰). *تفسیر البیان فی الموافقة بین الحديث و القرآن*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۱). *المیزان فی التفسیر القرآن*. قم: اسماعیلیان.
کوچک‌زاده، میثم (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی مکتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری (کلاسیک). *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال سوم، (۱)، ۵۹-۴۱.
مکیان، سیدنظام‌الدین و ناصری، شهناز (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی اهداف اقتصادی مکتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری. *فصلنامه اقتصاد بانکداری اسلامی*، سال سوم، (۸)، ۲۸-۷.
موسویان، سیدامیرعلی (۱۴۰۲). ارسطو، نظریه علل یا نظریه تبیین‌های چهارگانه؟ حکمت و فلسفه، (۷۳)، ۱۸۷-۲۱۰.

میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۵). نقد و بررسی دیدگاه شهید صدر درباره هویت اقتصاد اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، سال ششم، (۲۲).

هایدگر، مارتین (۱۳۷۳). پرسش از تکنولوژی. ترجمه شاپور اعتماد، *مجله ارغنون*، (۱)، ۳۰-۱.
یوسفی، محمدرضا (۱۳۷۹). بررسی روش آیت‌الله شهید صدر در کشف مکتب اقتصادی اسلام. *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)*، (۱۱ و ۱۲).

- Debreu, G. (1959). *Theory of value: An axiomatic analysis of economic equilibrium*. Yale University Press.
- Hausman, D. & McPherson, M. (2016). *Economic analysis, moral philosophy, and public policy* (D. Satz, Ed.). Cambridge University Press.
- Heidegger, M. (1993). Letter on humanism. *Basic writings*, (204), 189-242.
- Hicks, J. R. (1939). *The foundations of welfare economics*.
- Kincaid, H. (1995), The Empirical Presuppositions of Metaphysical Explanation in Economics, *The Monist*, 78(3).
- Lash, S. (2007). Capitalism and metaphysics. *Theory. culture & society*, 24(5), 1-26.
- Marx, K. (1859). *A contribution to the critique of political economy* (Repr). Nabu Press.
- Osborne, P. (1995). *The Politics of Time*. London: Verso.
- Schumpeter, J. A. (2021). *The theory of economic development* (R. Swedberg, Ed.). Routledge.
- Simmel, G. (2011). *The philosophy of money* (D. Frisby, T. Bottomore, & C. Lemert, Eds.). Routledge.
- Swedberg, R. (2006). *Social entrepreneurship: The view of the young Schumpeter* (Vol. 3). Edward Elgar Publishing.

References

- Debreu, G. (1959). Theory of value: An axiomatic analysis of economic equilibrium. Yale University Press.
- Haeri, S. K. (2001). Islamic economics and the method of its discovery from the perspective of Martyr Sadr (May Allah have mercy on him). Islamic Economics, 1(1). (In Persian)
- Hausman, D. & McPherson, M. (2016). Economic analysis, moral philosophy, and public policy (D. Satz, Ed.). Cambridge University Press.
- Heidegger, M. (1993). Letter on humanism. *Basic writings*, (204), 189-242.
- Hicks, J. R. (1939). The foundations of welfare economics.
- Jawadi Amoli, A. & Mostafapour, M. R. (2011). Understanding religion. Esra Publications. (In Persian)
- Kincaid, H. (1995). The Empirical Presuppositions of Metaphysical Explanation in Economics, *The Monist*, 78(3).
- Kuchakzadeh, M. (2016). Comparative analysis of Islamic economic school and capitalist economics (classical). Humanities and Cultural Studies Research Institute, 3(1), 41-59. (In Persian)
- Lash, S. (2007). Capitalism and metaphysics. *Theory. culture & society*, 24(5), 1-26.
- Makiyan, S. N. & Naseri, S. (2015). Comparative analysis of economic goals of Islamic economics and capitalist economics. *Islamic Banking and Economics Quarterly*, 3(8), 7-28. (In Persian)
- Marx, K. (1859). A contribution to the critique of political economy (Repr). Nabu Press.
- Mirma'zi, S. H. (2006). Critique of Martyr Sadr's view on the identity of Islamic economics. *Islamic Economics*, (6). (In Persian)
- Mousavian, S. A. (2023). Aristotle: Theory of causes or the theory of four explanations? *Hekmat va Falsafeh*, (73), 187-210. (In Persian)
- Osborne, P. (1995). *The Politics of Time*. London: Verso.
- Sadr, M. B. (2013). *Our economics* (Trans. S. M. Barahani). Dar Al-Sadr Publications. (In Persian)
- Sadr, M. B. (2014). *Our philosophy*. Qom: Dar Al-Sadr Publications. (In Persian)
- Sadr, M. B. (2015). *Islam: The leader of life / The school of Islam / Our message* (Trans. M. Zandieh). Dar Al-Sadr Publications. (In Persian)
- Sadr, M. B. (2016). *Quranic studies*. Qom: Dar Al-Sadr Publications. (In Persian)
- Schumpeter, J. A. (2021). *The theory of economic development* (R. Swedberg, Ed.). Routledge.
- Simmel, G. (2011). *The philosophy of money* (D. Frisby, T. Bottomore, & C. Lemert, Eds.). Routledge.
- Swedberg, R. (2006). *Social entrepreneurship: The view of the young*

- Schumpeter (Vol. 3). Edward Elgar Publishing.
- Tabatabai, S. M. H. (1981). Al-Bayan fi al-Muwafiqah bayn al-Hadith wa al-Quran. Beirut: Dar Al-Ta'aruf Publications. (In Persian)
- Tabatabai, S. M. H. (1992). Al-Mizan fi Tafsir al-Quran. Qom: Esmailian Publications. (In Persian)
- Yousafi, M. R. (2000). Analysis of Martyr Sadr's method in discovering the Islamic economic school. Imam Sadegh University Research Journal, (11 & 12). (In Persian)

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص. ۶۳۱-۶۶۸

مقاله برای اصلاح به مدت ۷ روز نزد نویسندگان بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰

امکان سنجی مالی، فقهی و مقرراتی پیاده‌سازی صندوق سرمایه‌گذاری ترکیبی وقف - نیکوکاری در بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران

محمد توحیدی*

محمد نصری**

امیر حسین شجاعی زرقانی***

چکیده

یکی از موضوعات قابل توجه در بازار سرمایه اسلامی طراحی ابزارها و نهادهای مالی اسلامی با هدف تأمین مالی طرح‌های خیرخواهانه و عام‌المنفعه است. صندوق وقف از جمله نهادهای مالی اسلامی غیرانتفاعی است که در کشورهای اسلامی بدان توجه ویژه شده است. این صندوق‌ها نقش مهمی در توسعه اقتصادی، رفاه اجتماعی و رشد پایدار کشورها دارند. در بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران با وجود تصویب صندوق وقف در کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار، تا کنون به مرحله اجرا نرسیده است. مسئله اصلی پژوهش حاضر ارائه الگویی عملیاتی و قابل اجرا برای صندوق وقف و ترکیب آن با صندوق نیکوکاری است. پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی است که از منظر هدف کاربردی و از منظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی - تحلیلی محسوب می‌شود. در این پژوهش، ابتدا یک الگوی مفهومی برای صندوق سرمایه‌گذاری ترکیبی وقف - نیکوکاری ارائه شده؛ سپس به روش توصیفی - تحلیلی، امکان پیاده‌سازی این صندوق از سه منظر مالی، فقهی و مقرراتی ارزیابی و تحلیل شده است.

واژگان کلیدی: صندوق وقف، صندوق نیکوکاری، وقف سهام، وقف پول، بازار سرمایه.

طبقه‌بندی JEL: G23, P34, Z12

* دانشیار، گروه مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

tohidi@isu.ac.ir

id 0000-0002-1289-1256

** دانشجوی دکتری مهندسی مالی، دانشگاه آزاد تهران مرکز، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

Nasri@isu.ac.ir

id 0009-0005-5105-4492

*** دانشجوی دکتری مهندسی مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام،

تهران، جمهوری اسلامی ایران.

a.shojaei@isu.ac.ir

id 0009-0001-5017-6608

مقدمه

یکی از کارکردهای بازار سرمایه اسلامی، تجمیع سرمایه‌های خرد و تخصیص آن به طرح‌های غیرانتفاعی و عام‌المنفعه است. این کارکرد مهم می‌تواند به رفاه اجتماعی و رشد پایدار جوامع اسلامی کمک شایانی نماید. برای تحقق این مهم تا کنون ابزارها و نهادهای مالی مختلفی در کشورهای اسلامی طراحی و پیاده‌سازی شده است که از جمله می‌توان به اوراق وقف، اوراق قرض الحسنه، صندوق وقف و صندوق نیکوکاری اشاره نمود.

در صندوق وقف، با انتشار گواهی سرمایه‌گذاری، وجوه خیران جمع‌آوری شده، سپس در دارایی‌های مالی موضوع فعالیت صندوق، سرمایه‌گذاری می‌شود. در نهایت درآمد صندوق به امور خیرخانه نظیر امور درمانی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی تخصیص داده می‌شود (مشایخی و حیاتی، ۱۳۹۴). در ایران با توجه به افزایش قابل توجه تورم، قدرت خرید مردم جهت خرید یکجای دارایی‌های فیزیکی نظیر املاک و مستغلات و وقف آن کاهش یافته است. صندوق‌های وقف و نیکوکاری با تجمیع سرمایه‌های خرد و صرف آن در امور خیرخواهانه، این امکان را به طیف وسیعی از مردم خواهند داد تا با هر سطح درآمدی در امور خیرخواهانه مشارکت نمایند (عظیم‌زاده اردبیلی و دیگران، ۱۳۹۵؛ ایروانی و استاد، ۱۳۹۷). نکته مهم دیگر اعطای مجوز این نوع صندوق‌ها از طریق سازمان بورس و نظارت آن سازمان بر عملکرد این نوع صندوق‌ها است که سبب می‌شود اعتماد و اطمینان سرمایه‌گذاران به این صندوق‌ها بیشتر شود.

در کشورهای اسلامی انواع مختلفی از صندوق وقف طراحی و پیاده‌سازی شده است. در بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران نیز دو مدل صندوق وقف (مبتنی بر وقف پول و وقف سهام)، در کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس^۱ مورد بررسی و تصویب قرار گرفته اما تا کنون اجرایی نشده است. از سوی دیگر، صندوق نیکوکاری، نهادی مالی تحت نظارت سازمان بورس با اهداف نیکوکارانه است که تا کنون نهادهای مختلفی مجوز فعالیت از این سازمان را اخذ کرده و مشغول به فعالیت هستند. در این نوع صندوق‌ها، سرمایه‌های خرد خیران تجمیع و در انواع اوراق بهادار موضوع فعالیت

۱. جلسات ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۵۴ و ۲۵۵ کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار.

(نظیر سپرده‌های بانکی، اوراق بهادار با درآمد ثابت، سهام و...) سرمایه‌گذاری شده، سپس تمام یا بخشی از منافع حاصل به امور نیکوکارانه تخصیص داده می‌شود. هدف از پژوهش حاضر این است که یک الگوی عملیاتی برای صندوق سرمایه‌گذاری وقفی و ترکیب آن با صندوق نیکوکاری ارائه دهد. ساختار پژوهش بدین صورت است که پس از مرور پیشینه پژوهش، ضمن واکاوی مفهوم وقف پول و سهام، صندوق وقف و صندوق نیکوکاری در مبانی نظری پژوهش، به ارائه الگوی صندوق سرمایه‌گذاری ترکیبی وقف - نیکوکاری پرداخته می‌شود و در نهایت از سه منظر مالی، فقهی و مقرراتی، امکان پیاده‌سازی این الگو به روش توصیفی - تحلیلی بررسی و تحلیل می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

۱-۱. مطالعات داخلی

عبده تبریزی (۱۳۸۴)، به بررسی عملکرد صندوق‌های وقفی در جهان می‌پردازد و در این پژوهش تجربه صندوق‌های وقفی و همچنین ساختار و نظام حاکم بر آن و نقش صندوق‌های وقفی در بازار سرمایه جهانی را بیان می‌کند. موسویان و نصرآبادی (۱۳۸۸)، سازوکار اوراق وقف را طراحی نموده‌اند. نویسندگان بیان می‌دارند با توجه به کاهش قدرت خرید، بسیاری از مردم علی‌رغم علاقه‌مندی به وقف، امکان وقف خانه، زمین یا باغ (چنانچه در گذشته رایج بوده است) را به صورت انفرادی ندارند؛ بنابراین بحث اوراق وقف در چند دهه اخیر توسط دانشمندان مسلمان بررسی، مطرح و از نظر فقهی تحلیل می‌شود. مصباحی مقدم و همکاران (۱۳۸۸)، در پژوهشی ضمن بررسی چهارچوب قانونی و فقهی وقف سهام و اشاره به نقش صندوق‌های وقف در کشورهای پیشرفته، اقدام به ارائه یک الگو از نهاد وقف می‌کنند. سروش (۱۳۹۰)، با تبیین ارکان انتشار اوراق وقف (اعم از واقف، بانی، واسط، امین و...)، سازوکارهای مالی و عملیاتی انتشار اوراق وقف و نیز جایگاه بازار سرمایه در انتشار این اوراق را بررسی کرده است. عیسوی و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای به طراحی مدل پیشنهادی صندوق مشترک سرمایه‌گذاری وقف در اقتصاد ایران می‌پردازند. مشایخی و حیاتی (۱۳۹۴)، اشاره می‌کنند امکان تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری وقفی از طریق بازار سرمایه و اهداف

اجتماعی وقف، فرصت مناسبی مقابل خیران نهاده و انتظار می‌رود صرف‌نظر از تأثیر شاخص‌های کلان اقتصادی و با بهره‌گیری از ویژگی‌های صندوق‌های سرمایه‌گذاری بتوان بازده مناسبی کسب کرد. کاظمی نجف‌آبادی (۱۳۹۶)، در پژوهش خود به چالش‌های صندوق‌های وقف اشاره می‌کند که یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها ناکارآمدی مدیریت در صندوق‌های وقفی است. مرتضی‌نیا و نوروزی (۱۴۰۲)، به بررسی منابع صندوق‌های وقف برای آموزش عالی در کشورهای منتخب می‌پردازند. بختیاران و سجادی (۱۴۰۲)، طی پژوهشی به‌دنبال برآورد ظرفیت تأمین مالی شهرداری‌ها از طریق انتشار اوراق بهادار وقف در بازار سرمایه هستند.

۲-۱. مطالعات خارجی

القحف^۲ (۲۰۰۳)، ضمن تشریح کامل نهاد وقف، ارکان و سازوکار آن در پژوهش خود، موفق به کشف تکنیک‌های جدید برای تأمین مالی توسعه اموال موقوفی به‌ویژه، سرمایه‌گذاری در وقف با توسل به منابع بخش خصوصی در محیط سازگار با شریعت اسلامی تلاش می‌کند. کراسیکوا و اوگنوف^۳ (۲۰۱۵)، به شیوه کتابخانه‌ای، عملکرد نهاد وقف در تأمین مالی دانشگاه‌ها را تحلیل کرده است. فیلیپ^۴ و همکاران (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای به ارائه مدل صندوق وقف یا مدل وقف نقدی بانک مرکزی بحرین (CBB) و نشان دادن نقش آن در تقویت صنعت مالی اسلامی از طریق شرکت‌های مختلف مرتبط با آموزش پرداخته است که همگی در پادشاهی بحرین اعمال می‌شوند. صندوق وقف CBB در نوامبر ۲۰۰۶ با مشارکت مؤسسات مالی اسلامی در پادشاهی بحرین تأسیس شد. صندوق وقف با مجموع کمک‌های ۷,۵ میلیون دلاری، به تأمین مالی طرح‌های مربوط به آموزش که بر امور مالی اسلامی متمرکز است، اختصاص داده است. دستاوردهای صندوق وقف CBB سطح بالایی از موفقیت و رضایت را برای ذی‌نفعان ایجاد کرده است و بنابراین الگوی وقف نقدی آن می‌تواند الگوی خوبی برای اجرای سایر کشورها باشد. خالد^۵ و همکاران (۲۰۱۹)، اصول پاسخگویی و شفافیت در

2. Kahf

3. Krasikova & Ognev

4. Philippe

5. Khalid

صندوق‌های وقفی را تأکید کرده و بیان می‌کنند که مدیریت ریسک صندوق‌های وقف برای اطمینان از پاسخگویی متولی (مدیر وقف) و شفافیت مدیریت، به‌عنوان بخشی از یک حکمرانی خوب، اساسی و ضروری است. اسمولو^۶ (۲۰۱۹)، با رویکرد گذشته‌نگر به بررسی تأثیرات ساختاری وقف بر طراحی شاکله اقتصادی بوسنی و هرزگوین پرداخته است. نیماح^۷ (۲۰۲۳)، دلایل افزایش وقف سهام طی ۵ سال گذشته در اندونزی را بررسی کرده و پیشرفت‌های دیجیتالی‌سازی را اصلی‌ترین دلیل این افزایش می‌داند.

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد با وجود پژوهش‌های متعدد در حوزه طراحی اوراق وقف، طراحی و راه‌اندازی صندوق‌های وقفی در سایر کشورهای اسلامی، بررسی مسائل گوناگون ناظر به صندوق‌های وقفی در سایر کشورها و ارائه پیشنهادهایی جهت راه‌اندازی صندوق وقف در ایران؛ اما تا کنون یک الگوی عملیاتی مناسب برای راه‌اندازی در بازار سرمایه ارائه نشده است. همچنین ادبیات علمی، توجه کمتری به مسئله صندوق‌های نیکوکاری داشته است. نوآوری پژوهش حاضر بدین شرح است که تا به حال تحلیل جامعی از منظر مالی، فقهی و مقرراتی نسبت به صندوق وقفی انجام نشده است. با توجه به تجربیات کشورهای اسلامی در زمینه صندوق‌های وقفی، در عرصه عمل بایستی این نهاد را مطابق با ساختارهای اقتصادی و دینی و مقرراتی کشور بومی کرد. از این جهت که در خصوص طراحی الگوی صندوق وقف - نیکوکاری و امکان‌سنجی پیاده‌سازی الگوی پیشنهادی بر اساس معیارهای مالی با استفاده از نظرسنجی خبرگانی و همچنین امکان‌سنجی پیاده‌سازی الگوی پیشنهادی از منظر فقهی در بازار سرمایه ایران تاکنون کار مستقلی انجام نشده است و پژوهش‌های پیشین فقط به برخی از زوایای موضوع پرداخته‌اند، می‌توان این پژوهش را که به‌طور منسجم و یکپارچه به تمامی زوایای موضوع پژوهش می‌پردازد، نسبت به سایرین کامل‌تر دانست؛ بنابراین مبتنی بر اهداف پژوهش، اولاً، ارائه الگوی مفهومی صندوق سرمایه‌گذاری ترکیبی وقف - نیکوکاری و ثانیاً، انجام امکان‌سنجی پیاده‌سازی این صندوق پیشنهادی در بازار سرمایه ایران از سه بُعد مالی، فقهی و مقرراتی که به روش توصیفی - تحلیلی و گروه کانونی انجام می‌گردد، نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. وقف پول و سهام

در مباحث فقه اسلامی، وقف پول با عنوان «وقف الدراهم و الدنانیر» مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در موضوع وقف درهم و دینار، عباراتی که توسط فقیهان استفاده شده است را می‌شود به چهار دسته تقسیم کرد:

دسته‌ای از فقیهان، وقف درهم و دینار را به‌طور مطلق جایز ندانسته‌اند. بدین‌صورت که شیخ طوسی در مبسوط اشاره می‌کند: «وقف درهم و دینار صحیح نیست و در این مسئله بین علمای شیعه و سنی خلافتی نیست. دلیل بر بطلان وقف آن دو این است که منفعت مقصود از آن دو جز با تصرف در آنها حاصل نمی‌شود و این تصرف موجب اتلاف آنها می‌گردد» (طوسی، ۱۲۷۰ق، ج ۳، ص. ۲۸۸). دسته‌ای دیگر از فقیهان، نسبت به وقف درهم و دینار تردید و یا اشکال دارند. بدین‌صورت که علامه حلی در قواعد با عبارت «فی الدراهم و الدنانیر اشکال» در موضوع وقف درهم و دینار با نگاه تردیدی به موضوع می‌نگرد (حلی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۲۶۹). دسته‌ای دیگر از فقیهان با فرض کردن وجود منفعت صحیح عرفی قائل به جایز بودن وقف درهم و دینار شده‌اند که در بعضی از عبارات ممکن است مشعر به تردید باشد: آیت‌الله خویی در منهاج، وقف درهم و دینار را برای زینت جایز دانسته؛ اما وقف آن دو برای حفظ شأن را مشکل دانسته است (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص. ۲۳۹). گروه چهارم از فقیهان نیز با پذیرش وجود منفعت صحیح عرفی، وقف درهم و دینار را جایز دانسته‌اند. شهید ثانی در کتاب المسالک می‌نویسد: «طلا و نقره اگر به‌صورت زیورآلات باشد، صحت وقف آن اجمالی است و اگر به‌صورت درهم و دینار باشد، یک قول این است که وقف آن صحیح نیست؛ زیرا انتفاع از آن موجب تلف آن می‌گردد؛ اما چون می‌توان از آن انتفاعاتی ولو اندک برد؛ بنابراین قول به جواز وقف درهم و دینار وجیه است» (شهید ثانی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص. ۳۲۱). دسته دیگری از فقهای شیعه مانند صاحب مناهل نیز هستند که از درهم و دینار که دارای ارزش ذاتی هستند تعدی کرده و حکم آن را راجع به «وقف فلوس» که به‌صورت تقریبی همچون «اسکناس» دارای ارزش اعتباری است جاری دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۲۴۲ق، ص. ۴۹۵).

به طور کلی در میان فقهای شیعه و سنی در مورد وقف درهم و دینار دو نگاه مختلف وجود دارد:

❖ قول به جواز

❖ قول به عدم جواز

دلیل کسانی که قائل به جواز شده اند این است که از نگاه عقلا برای درهم و دینار نیز منفعتی وجود دارد و همان طور که اجاره دادن درهم و دینار صحیح است، وقف درهم و دینار نیز صحیح است، با توجه به این نکته که در همه این عقود این شرط وجود دارد که عین با انتفاع از آن باقی بماند؛ البته مستند مخالفان، هیچ آیه، روایت و یا دلیل عقلی نیست و فقط استناد می کنند که درهم و دینار، کالایی نیست که عین آن با انتفاع از آن باقی بماند؛ بنابراین اگر بتوان اثبات کرد که پول نیز از نوعی مالیت برخوردار است که با انتفاع از آن، اصل آن باقی می ماند می تواند مشمول اطلاعات و عموماً ادله وقف شود (ناصحی و شادپی، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۰). مطابق ماده ۵۸ قانون مدنی ایران، فقط وقف مالی جایز است که با بقای عین، بتوان از آن منتفع شد، اعم از اینکه منقول باشد یا غیر منقول (جهانگیر، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۶). امروزه مفهوم پول دارای تفاوت های معناداری با گذشته شده است. پول در گذشته در هر قالبی از جمله درهم و دینار یا هر نام دیگری، دارای ارزش ذاتی بوده است. ارزش امروزی پول اما به ارزش و مالیت اعتباری آن است. تعدادی از فقها، معتقدند امکان انتفاع از پول، بدون آسیب به عین آن وجود دارد؛ زیرا آنچه وقف می گردد مالیت پول است و نه عین پول؛ بنابراین وقف پول جایز است. وقف پول از جنس وقف مالیت است. ویژگی تحول یافته پول که بیانگر ماهیت مثلی پول است باعث می شود که مثل پول، جایگزین عین آن گردد و اصل پول در اثر وقف آن به رغم تغییر عین آن باقی بماند (حائری و عباسی، ۱۳۸۶). از جمله فقهای گذشته که به صحت وقف پول رای داده اند می توان به شهید اول، شهید ثانی، عاملی و سیدعلی سبزواری اشاره کرد. در میان اهل سنت نیز، علمای مالکیه به صحت وقف پول معتقدند. توجه به ادله موافقان و مخالفان وقف پول، حاکی از آن است که وقف پول به خودی خود، مانعی ندارد بلکه بحث در صدق عرفی مفهوم وقف بر آن است (بختیاران و سجادی، ۱۴۰۲)؛ بنابراین هر چند که ادله مخالفان را بپذیریم و

وقف پول را منافی ماهیت وقف بدانیم، باز هم می‌توانیم از طریق معاملات جدید و عموماً امضایی آن را صحیح بدانیم (صدری و هندی‌زاده، ۱۳۹۳). در جدول زیر، نظر مراجع عظام تقلید راجع به وقف پول جمع‌بندی شده است:

جدول (۱): نظرهای مراجع عظام تقلید راجع به وقف پول

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای	حضرت آیت‌الله موسوی اردبیلی	حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی	حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی	حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی	حضرت آیت‌الله علوی گرگانی	حضرت آیت‌الله سیستانی	
بقای مالیت پول، توجیه قابل قبولی برای صحت وقف پول است.	وقف پول صحیح نیست.	وقف پول در صورتی جایز است که تبدیل به دین یا معاوضه در ذمه نشود.	وقف پول مانعی ندارد.	وقف پول صحیح نیست.	وقف پول صحیح نیست.	شرط صحت وقف این است که عین باقی باشد و از منافع آن استفاده شود و این امر در پول ممکن نیست.	وقف پول

منبع: (سیدخاموشی، ۱۴۰۱ و دفتر استفتائات مراجع عظام تقلید)

فتوای مقام معظم رهبری ناظر به صحت وقف پول بدین شرح است: به‌نظر می‌رسد بقای مالیت پول، توجیه قابل قبولی برای صحت وقف آن است. والله العالم. در این مسئله نیاز به اطلاق نیست؛ زیرا وقف جزو عناوین امضاء شده در شرع است و حکم تأسیسی نیست و شک نمی‌توان داشت آن کسانی که وقف را تأسیس و در طول زمان‌ها اجرا کرده‌اند، هدفشان این بوده که چیز ثابتی را بگذارند که عوائد آن صدقه جاریه باشد. بلی ممکن است در آن روزگار چیز ثابت، منحصر در عین بوده است؛ اما این موجب اختصاص حکم به عین نمی‌شود چون غرض و هدف معلوم است و شارع مقدس همین را امضاء فرموده است (دفتر استفتائات مقام معظم رهبری).

کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس^۸ ناظر به وقف پول به جمع‌بندی مثبتی نرسیده است؛ اما اشاره کرده است با عنایت به فتوای مقام معظم رهبری و برخی دیگر از مراجع عظام تقلید در خصوص صحت وقف پول، وقف پول در بازار سرمایه قابل اجرا است.

راجع به وقف سهام؛ اگر هدف و منظور از سهام، سهام اعیان خارج و همچنین دارایی‌های ثابت باشد، هیچ اشکالی راجع به جایز بودن وقف آن‌ها وجود ندارد. بدین‌علت که اعیان و دارایی‌های یادشده ثابت و باقی هستند و همچنین ازسوی دیگر وقف مشاع، امری شرعی است؛ فلذا شک و تردیدی در شرعی بودن جزء مشاع از دارایی‌های یادشده وجود ندارد (سعادت‌فر، ۱۳۸۵، ص. ۴۵). کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس^۹، ناظر به وقف سهام، مصوبات به شرح زیر را بیان می‌کند:

۱- اصل وقف اوراق سهام و همه اوراقی که سند دارایی عینی هستند صحیح است؛ ولی وقف اوراقی که سند دیون یا پول نقد هستند صحیح نیست؛

۲- اگر در ضمن عقد وقف، شرط شود که در صورت کاهش قیمت سهام وقفی یا کاهش بازدهی آنها، متولی، آن سهام را فروخته و با پول آنها سهام بهتری خریداری و وقف کند صحیح است؛

۳- باتوجه به ماهیت وقف، حتی در فرض شرط تبدیل در صورت کاهش قیمت سهام وقفی یا کاهش بازدهی آنها، نباید به احتمال ضعیف و غیرمتعارف ترتیب اثر داده اقدام به تبدیل سهام وقفی نمود؛

۴- سازمان بورس با همکاری سازمان‌های مرتبط مانند سازمان اوقاف و امور خیریه می‌تواند نهادهای مالی مناسبی مانند صندوق‌های وقفی تعریف و سبدی از اوراق سهام خریداری و با اهداف و کاربردهای مشخص وقف، ایجاد کند و در اساسنامه صندوق درج شود که در مواقع خاص مانند کاهش معنادار قیمت سهام یا کاهش معنادار بازدهی سهام، متناسب با مصالح صندوق اقدام لازم صورت گیرد؛ البته بایستی تدبیری اندیشیده شود تا از تغییر و تحول با احتمال ضعیف و غیرمتعارف

۸. جلسات ۲۵۴ و ۲۵۵ کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار

۹. جلسات ۵۸ و ۶۳ کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار

اجتناب شود تا با ماهیت وقف منافات نداشته باشد.

۵- برای جلوگیری از ایجاد مشکل برای نقدشوندگی سهام، سازمان بورس با کارشناسی علمی و تجربی، سقف مشخصی برای وقف سهام هر شرکت تعیین کند.

۲-۲. صندوق وقف

هدف از تشکیل صندوق وقف، جمع‌آوری وجوه از واقفین و اختصاص آن‌ها به خرید انواع دارایی‌های قابل وقف به منظور وقف آن‌ها در قالب صلح مقید و ابدال و استبدال و اختصاصی تمام منافع حاصل از سرمایه‌گذاری به موقوف‌علیهم است. صندوق‌های وقفی با اهداف مختلفی نظیر مدیریت کارآمد اموال موقوفه، جمع‌آوری منابع و تخصیص آن برای قشر هدف، تحقق اهداف اجتماعی و... طراحی شده‌اند که این امکان فراهم می‌شود که از محل درآمد ایجاد شده در صندوق سرمایه‌گذاری وقفی برای امور خیرخواهانه قدم برداشته و استفاده نمود (محمدی ارمندی، ۱۴۰۱).

موضوع صندوق‌های وقف در جلسات کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس نیز مورد بررسی قرار گرفته است و دو نوع صندوق وقف تا به حال، مطرح شده است:

۲-۲-۱. صندوق وقف سهام

در این صندوق خیران منابع مالی خود را در قالب صلح مقید در اختیار صندوق قرار می‌دهند تا مدیر صندوق، اقدام به خرید سهام دارای مشخصات معین نماید. مدیر صندوق، بعد از خرید سهام، از طرف دارندگان واحدهای صندوق، سهام را وقف می‌نماید (عیسوی و دیگران، ۱۳۹۳). خیرانی که از محل تملک واحدهای سرمایه‌گذاری صندوق در این امر خیر مشارکت کرده‌اند، مدیر صندوق را مکلف می‌نمایند که در صورتی که بعد از مدتی، سهام خریداری شده، مشخصاتی که مدنظر کمیته تخصصی - فقهی است را از دست داد، نسبت به جایگزینی آن سهام با سهام دیگری که دارای مشخصات لازم می‌باشد، اقدام نماید. برای رصد و نظارت بر حسن اجرای این امر، رکن ناظر شرعی در صندوق وجود دارد که مسئولیت وی گزارش‌دهی در خصوص حسن رعایت این موضوع و سایر موضوعات مربوط به مسائل شرعی می‌باشد. صندوق نیز مکلف است سود دریافتی و سایر حقوق و مزایای سهام اعم از

مالی و غیرمالی را در راستای نیات واقفان و با رعایت صرفه و صلاح موقوف‌علیه‌هم به‌کار گیرد. به‌طور خلاصه، صندوق وقف سهام دارای ملاحظات بدین‌شرح است^{۱۰}:

- سهامی که توسط مدیر صندوق خریداری می‌شود لازم است که به فعالیت‌های تولیدی اشتغال داشته باشد و غلبه دارایی‌های قابل اجاره شرکت تا زمان انحلال آن استمرار داشته باشد؛

- چنانچه بعد از وقف، وضعیت دارایی‌های شرکت به‌گونه‌ای تغییر کند که غلبه دارایی‌های قابل اجاره نسبت به سایر دارایی‌ها از دست برود، مدیر صندوق موظف است بلافاصله نسبت به جایگزینی آن سهام با سهام دیگری که حائز شرایط اجاره سهام باشد، اقدام نماید؛

- اشتراط مواردی برای ابدال و استبدال سهام موقوفه بلامانع است و البته ضروری است شروط مربوط به ابدال و استبدال سهام موقوفه در ابتدای شروع فعالیت صندوق معین باشد؛

- صندوق، ملزم است سود سهام و سایر حقوق و مزایای سهام اعم از مالی و غیرمالی را در جهت مصلحت موقوف‌علیه‌هم به‌کار گیرد؛ و

- در صندوق وقف سهام، ضروری است رکن ناظر شرعی وجود داشته باشد که بر حُسن رعایت ملاحظات شرعی مربوط به صندوق‌های وقف نظارت داشته باشد.

۲-۲-۲. صندوق وقف پول

وقف پول در بازار سرمایه با توجه به فتوای مقام معظم رهبری و برخی دیگر از مراجع تقلید قابل اجرا است. تخصیص منابع مالی وقف شده جهت سپرده‌گذاری در بانک یا سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار اسلامی با حفظ اصل سرمایه (مالیت) امکان‌پذیر است. تخصیص منابع مالی وقف شده جهت خرید سهام یا سایر ابزارهای مالی تنها در صورتی صحیح است که با توجه به بازدهی مجموع فعالیت‌ها، نسبت به حفظ اصل مبلغ وقف شده اطمینان حاصل شود.^{۱۱}

۱۰. جلسات ۲۳۲، ۲۳۳ و ۲۳۴ کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار

۱۱. جلسات ۲۵۴ و ۲۵۵ کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار

۳-۲. صندوق نیکوکاری

صندوق سرمایه‌گذاری نیکوکاری از جمله صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل ثبت نزد سازمان بورس و تحت نظارت آن می‌باشد. هدف از تشکیل این صندوق، جمع‌آوری سرمایه از اشخاص نیکوکار و تشکیل سبدی از دارایی‌ها و مدیریت این سبد به‌منظور کسب منافع و سپس صرف تمام یا بخشی از منافع در امور نیکوکارانه است. وظیفه سرمایه‌گذاری منابع و کسب منافع، به عهده مدیر صندوق است. مدیر صندوق در مقاطع زمانی مشخص منافع حاصل از سرمایه‌گذاری را با توجه به نوع قراردادها بین سرمایه‌گذاران و مدیر اجرا تقسیم نموده، مدیر اجرا وظیفه صرف عواید در فعالیت‌های نیکوکاری تعیین شده را برعهده دارد (فهیمی و علیقلی‌پور، ۱۳۹۵).

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف در زمره‌ی پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. در این پژوهش محقق ابتدا بر اساس تجربه صندوق‌های نیکوکاری در ایران و ایده راه‌اندازی صندوق وقف، الگویی ترکیبی با عنوان صندوق سرمایه‌گذاری ترکیبی وقف - نیکوکاری ارائه می‌دهد و ارکان و اجزاء آن را تبیین می‌کند. سپس امکان‌سنجی مالی پیاده‌سازی صندوق به روش توصیفی - تحلیلی صورت می‌پذیرد. در ادامه امکان‌سنجی فقهی پیاده‌سازی صندوق به روش توصیفی - تحلیلی، برگزاری گروه کانونی و استفتا از مراجع عظام تقلید انجام می‌شود. درنهایت، امکان‌سنجی مقرراتی پیاده‌سازی صندوق به روش توصیفی - تحلیلی انجام می‌گردد.

در بخش فقهی، جامعه آماری در بخش استفتاء، همه مراجع عظام تقلید و در بخش گروه کانونی همه خبرگان مالی - اسلامی است. در بخش استفتاء از بین جامعه آماری یاد شده، بر اساس معیارهای سهولت و سرعت پاسخگویی، استفتاء انجام شد. انتخاب شرکت‌کنندگان گروه‌های کانونی، بیشتر بر نمونه‌گیری هدف‌دار تکیه دارند (Miles & Huberman, 1984). در بخش گروه کانونی، خبرگان بر اساس معیارهایی نظیر سمت و موقعیت شغلی، مدرک تحصیلی حداقل کارشناسی ارشد، تحصیلات مرتبط، سابقه پژوهش در زمینه تخصصی موضوع پژوهش، به‌صورت هدف‌دار و بر اساس سهولت دسترسی انتخاب شدند. مشخصات جمعیت‌شناختی خبرگان گروه کانونی به شرح

جدول زیر ارائه شده است:

جدول (۲): مشخصات جمعیت‌شناختی خبرگان گروه کانونی

ردیف	سمت	جنسیت	تحصیلات
۱	عضو کارگروه بازار سرمایه اسلامی سازمان بورس	مرد	دکتری حقوق خصوصی
۲	کارشناس مسئول مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس	مرد	دکتری مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز
۳	دبیر کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس	مرد	کارشناسی ارشد مدیریت مالی
۴	عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)	مرد	دکتری مدیریت مالی
۵	کارشناس مسئول مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس	مرد	دانشجوی دکتری مدیریت مالی
۶	کارشناس مسئول مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس	مرد	دانشجوی دکتری مدیریت مالی

مطابق با روش پژوهش توصیفی - تحلیلی در مرحله اول، موضوع پژوهش به روشنی مشخص می‌شود و سؤالاتی که پژوهش به دنبال پاسخگویی به آنهاست، تعیین می‌گردند (مهدوی، ۱۳۹۶). در روش توصیفی - تحلیلی، داده‌ها می‌توانند از طریق روش‌های مختلفی مانند مصاحبه، مشاهده، پرسشنامه و یا تحلیل اسناد جمع‌آوری شوند. نوع داده‌ها بستگی به موضوع پژوهش و سؤالات پژوهش دارد (طاهری، ۱۳۹۷). در مرحله بعد، داده‌های جمع‌آوری شده به صورت جامع و دقیق توصیف می‌شوند. این توصیف شامل ارائه جداول، نمودارها و شرح‌های متنی است که به فهم بهتر داده‌ها کمک می‌کند (Alavi, 2018). پس از توصیف داده‌ها، نوبت به تحلیل آنها می‌رسد. در این مرحله، داده‌ها با استفاده از روش‌های مختلف آماری و تحلیلی بررسی می‌شوند تا الگوها، روابط و نتایج مهم استخراج شوند (Creswell, 2014). در پایان، نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها تفسیر شده و به سؤالات پژوهش پاسخ داده می‌شود. همچنین، پیشنهادات و توصیه‌هایی برای تحقیقات آینده ارائه می‌گردد (افشار، ۱۳۹۵).

گروه کانونی، یکی از تکنیک‌های مصاحبه کیفی است که برای ایجاد تعامل بین

اعضای گروه طراحی شده است تا انگیزه برای بحث عمیق‌تر را فراهم نموده و جنبه‌های مختلف و جدید موضوع مورد بحث را آشکار نماید (Kitzinger & Barbour, 1999). گروه کانونی یکی از بهترین روش‌های مصاحبه کیفی به‌شمار می‌آید که از طریق آن، جنبه‌های گوناگون یک بحث، به‌طور عمیق بررسی می‌شود (حریری، ۱۳۹۴؛ مورگان، ۱۳۹۴). روش گروه کانونی بر دیگر روش‌های پژوهش برتری دارد چرا که هدف اصلی روش گروه کانونی کشف نگرش‌ها، احساسات، باورها، تجربه‌ها و واکنش افراد است که با روش‌های دیگر مانند مشاهده، مصاحبه فردی و پرسشنامه‌های پیمایشی قابل درک نیست. گروه‌های کانونی نظرها و فرایندهای هیجانی درون بافت گروهی را کشف و استنباط می‌کنند. پژوهشگر در گروه‌های کانونی قادر است که اطلاعات بیشتری را در زمان کوتاه‌تری در مقایسه با مصاحبه‌های فردی به‌دست آورد (Morgan & Kreuger, 1993). یکی از ویژگی‌های مصاحبه‌های گروه کانونی، تعامل میان اعضای گروه (مصاحبه‌شوندگان) است که تمایل به تفکر و تبادل نگرش‌ها و ایده‌ها را برمی‌انگیزد؛ درحالی‌که ممکن است به‌راحتی در طول جلسات مصاحبه مستقیم انفرادی ظهور نیابد (Kitzinger & Barbour, 1999). جلسات گروه کانونی بایستی توسط یک تسهیلگر ماهر هدایت شوند. تسهیلگر باید بتواند بحث را به سمت موضوعات مورد نظر هدایت کرده و نظرهای همه شرکت‌کنندگان را جمع‌آوری کند (رضایی، ۱۳۹۸). داده‌های جمع‌آوری شده از جلسات گروه کانونی باید تحلیل شوند تا الگوها، تم‌ها و نگرش‌های مشترک استخراج شوند. این تحلیل می‌تواند به‌صورت دستی یا با استفاده از نرم‌افزارهای تحلیل کیفی انجام شود (Bernard, 2000).

۴. یافته‌های پژوهش

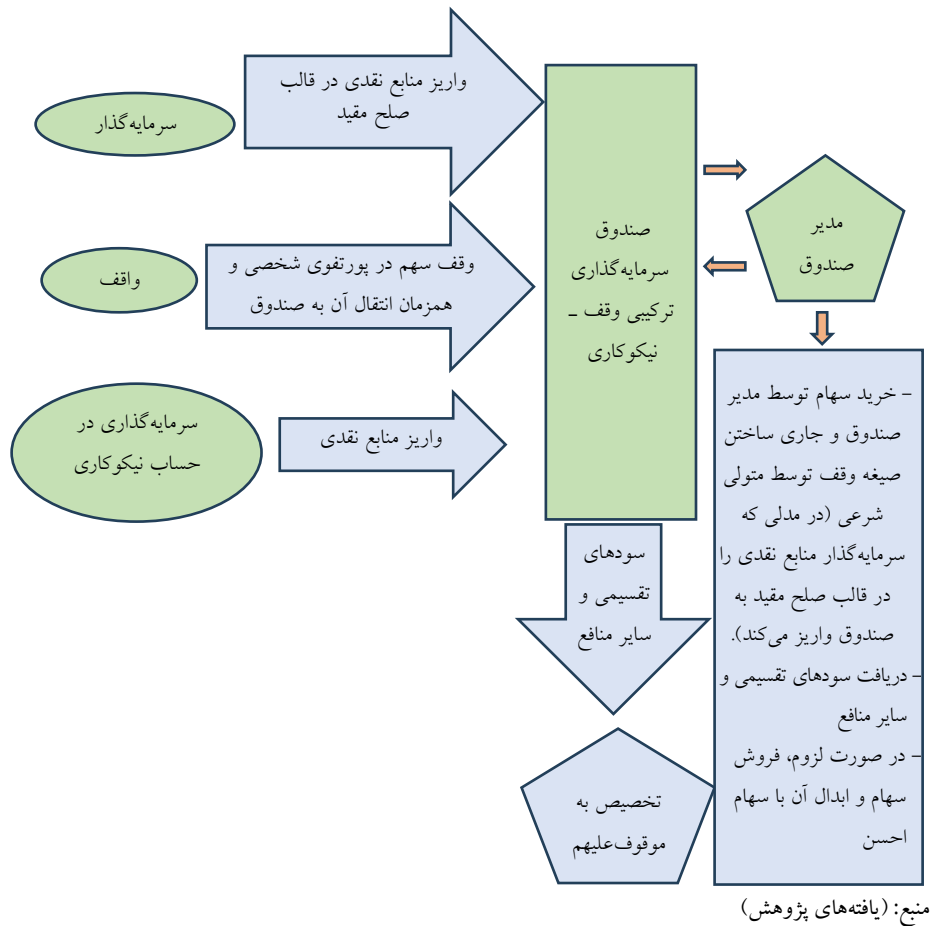
۴-۱. ایده پژوهش: الگوی مفهومی صندوق سرمایه‌گذاری ترکیبی وقف - نیکوکاری

صندوق سرمایه‌گذاری ترکیبی وقف - نیکوکاری می‌تواند ۳ حالت مختلف به شرح زیر را داشته باشد:

۱- حالت اول؛ صدور واحدهای صندوق اتفاق می‌افتد و شخص سرمایه‌گذار بابت صدور گواهی، در قالب عقد وکالت یا صلح، اقدام به پرداخت پول می‌کند و مدیر صندوق با پول‌های تجمیع‌شده، اقدام به خرید دارایی کرده و سپس نیت وقف جاری می‌شود.

۲- حالت دوم؛ شخص سرمایه‌گذار می‌تواند از محل سود صندوق نیکوکاری این وکالت را به صندوق اعطا نماید تا صندوق از محل این سودها (تمام سود یا بخشی از سود) اقدام به خرید سهم کرده و سهام را وقف نماید.

۳- حالت سوم؛ انتقال سهام وقفی از پورتهوی شخصی به صندوق می‌باشد. سازوکار این روش بدین‌صورت است که شخص سرمایه‌گذار در پورتهوی شخصی خود اقدام به خرید و سپس وقف سهم کرده و سپس سهام وقفی به صندوق انتقال پیدا کرده و سرمایه‌گذاران معادل ارزش سهام وقفی خود، گواهی وقف را دریافت خواهند کرد. در این حالت باید سازوکاری توسط سازمان بورس فراهم شود تا افراد بتوانند در پورتهوی شخصی خود اقدام به وقف سهم نمایند.



شکل (۱): الگوی صندوق ترکیبی وقف - نیکوکاری

۴-۲. امکان‌سنجی پیاده‌سازی صندوق سرمایه‌گذاری ترکیبی وقف - نیکوکاری در بازار سرمایه

۴-۲-۱. امکان‌سنجی مالی

جهت تجمیع انگیزه‌های خیرخواهانه سرمایه‌گذاران مختلف در قالب یک صندوق، بهترین مدل پیشنهادی، مدل ترکیبی وقف - نیکوکاری است؛ زیرا برخی از خیرین در سرمایه‌گذاری‌هایشان به دنبال نیت خیرخواهانه هستند؛ اما نیت خیرخواهانه موقت دارند؛ بنابراین صندوق نیکوکاری می‌تواند مطلوبیت بیشتری برای این افراد داشته باشد. این افراد می‌توانند پول خود را به صورت موقت در این صندوق قرار داده و بعد از مدتی آن را برداشت کنند. همچنین برخی از سرمایه‌گذاران تمایل دارند که فقط سود یا بخشی از سودشان را اختصاص به نیت خیرخواهانه دهند و آنها می‌خواهند مالکیتشان بر اصل پول حفظ شود؛ بنابراین وقف برای این دسته هم مطلوب نیست.

وقف برای دسته‌ای از سرمایه‌گذاران مطلوب است که می‌خواهند اصل سهام وقف شده و همچنین وقف پایدار (بلندمدت و مادام‌العمر) انجام پذیرد. هدف این افراد این است که مشمول ثواب و اجر اخروی اشاره شده در آیات و روایات و متون دینی شوند و به عنوان واقفان به شمار آیند.

از سوی دیگر برای نهاد ناظر، مدیر صندوق و کسانی که متقاضی استفاده از این منابع هستند مدل وقفی از این جهت مطلوب‌تر است که منابع جذب شده پایدار بوده و چه بسا بهتر بتوان منافع حاصل از این منابع را نصیب ذی‌نفعان و موقوف‌علیهم نمود. در صندوق‌های نیکوکاری، مدیر صندوق با محدودیتی در مدیریت صندوق و سب‌گردانی مواجه نیست در حالی که در صندوق وقف باید شرایط ابدال و استبدال رعایت گردد. راجع به تجهیز منابع صندوق:

• با توجه به مصوبات کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس^{۱۲} و تأیید مدل صندوق وقفی که امکان واریز منابع نقدی در قالب صلح مقید امکان‌پذیر باشد، رابطه حقوقی پیشنهادی بین واقفان (خریداران واحدهای سرمایه‌گذاری) با صندوق سرمایه‌گذاری وقف می‌تواند بدین صورت باشد که خریداران واحدهای سرمایه‌گذاری منابع خود را به صندوق صلح می‌نمایند با این قید که مدیر صندوق آنها را صرف خرید سهام و وقف آنها به نفع موقوف‌علیهم نماید (صلح مقید). پس از جاری شدن صیغه

۱۲. جلسات ۵۸ و ۶۳ کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار

وقف بر روی سهام خریداری شده، برای خریداران واحدهای سرمایه‌گذاری، گواهی وقف صادر خواهد شد. در این حالت نیز قابلیت معامله یا ابطال واحدهای سرمایه‌گذاری واقفان سلب خواهد شد.

• باتوجه به تعداد بسیار زیاد شرکت‌های موجود در بورس اوراق بهادار تهران و همچنین در جهت مدیریت بهینه سهام وقف شده، چه‌بسا این امکان وجود داشته باشد که از بین تعداد بسیار زیاد شرکت‌های مختلفی که در بازار سرمایه فعال هستند، تعداد مشخصی نماد که از لحاظ بنیادی و نقدشوندگی وضعیت بهتری داشته انتخاب گردیده و نمادهای منتخب قابلیت وقف داشته باشند؛ برای مثال از بین نمادهای موجود در بازار سرمایه، تعداد ۱۰ نماد انتخاب شده و این سهام قابلیت وقف توسط سرمایه‌گذاران را داشته باشند. بدین ترتیب مشکل مدیریت سبد صندوق توسط مدیر صندوق نیز مرتفع گردیده و مدیر صندوق با تعداد معینی سهام وقفی روبه‌رو خواهد بود.

• امکان وقف سهام از بخشی از سود سرمایه‌گذاران در صندوق نیکوکاری نیز وجود دارد. در این حالت باید سازوکاری ایجاد شود که شخص سرمایه‌گذار قادر باشد از محل سود صندوق نیکوکاری این وکالت را به صندوق اعطا نماید تا صندوق از محل این سودها (تمام سود یا بخشی از سود) اقدام به خرید سهم کرده و سهام را وقف نماید. پرواضح است که این مدل از لحاظ شرعی با اشکالی روبه‌رو نبوده و بخشی از سود حاصل از سرمایه‌گذاری در صندوق نیکوکاری که مختص شخص سرمایه‌گذار می‌باشد، به وکالت از سرمایه‌گذار صرف خرید سهام و وقف آن خواهد شد.

یکی از الزاماتی که صندوق ترکیبی وقف - نیکوکاری می‌بایست داشته باشد وجود ۲ حساب جداگانه در مدل صندوق پیشنهادی است. پرواضح است که در صندوق نیکوکاری محدودیتی برای ورود و خروج منابع و خرید و فروش سهام وجود نداشته و به‌نوعی مدیر پورتنفوی قادر می‌باشد که از راهبردها و رویکردهای فعال^{۱۳} و منفعل^{۱۴} استفاده نماید؛ لکن در حساب صندوق وقفی به دلایل فقهی محدودیت‌هایی برای ابدال و استبدال وجود دارد و مدیر پورتنفوی می‌بایست در عمل راهبرد میانه بین رویکرد

13. Active
14. Passive

فعال و منفعل اتخاذ نماید. همچنین در صندوق وقفی تخصیص منابع می‌بایست حتماً در سهام و اوراقی باشد که قابلیت وقف داشته باشند؛ اما در صندوق نیکوکاری مدیر صندوق با محدودیت مواجه نیست و تخصیص منابع می‌تواند در انواع اوراق بهادار مانند سهام یا اوراق با درآمد ثابت (متناسب با نصاب صندوق) باشد. این نصاب متناسب با نوع صندوق نیکوکاری می‌تواند متغیر باشد بدین‌صورت که اگر صندوق نیکوکاری از نوع مختلط باشد، می‌بایست حداکثر ۴۰ درصد اوراق با درآمد ثابت و حداقل ۶۰ درصد سهام باشد؛ بنابراین مطابق با نصاب‌های تعیین‌شده برای صندوق‌های نیکوکاری، مدیر پورتنوی این اجازه را دارد که در سهام و اوراق با درآمد ثابت یا گواهی سپرده بانکی و... سرمایه‌گذاری نماید؛ اما در حساب وقفی منابع صرفاً باید صرف خرید اوراق قابل وقف نظیر سهام و وقف آن گردد.

لازم به ذکر است که ارکان صندوق ترکیبی وقف – نیکوکاری مانند سایر صندوق‌های سرمایه‌گذاری است؛ با این تفاوت که در این مدل وجود رکن متولی شرعی الزامی است. متولی شرعی وظایفی همچون حسن اجرای صندوق، نظارت بر مدیریت صندوق، نظارت بر ابدال و استبدال، جاری ساختن صیغه وقف پس از خرید سهام توسط مدیر صندوق را عهده‌دار است. لازم به ذکر است که رکن متولی شرعی به‌صورت مبسوط در امکان‌سنجی فقهی توضیح داده خواهد شد. رکن بعدی صندوق مدیر صندوق است که حسب وظیفه محوله می‌بایست در جهت مدیریت بهینه صندوق تلاش نماید. مدیر صندوق رکن اجرایی صندوق می‌باشد که توسط مجمع انتخاب می‌گردد و باید به تأیید سازمان بورس اوراق بهادار برسد. بر طبق اساسنامه صندوق، مدیر وظیفه دارد، اطلاعات و گزارش‌های لازم را در اختیار سازمان بورس، متولی و حسابرس قرار دهد، همچنین مدیر باید یک یا چند نفر متخصص و آشنا با بازار سرمایه را به‌عنوان مدیر یا مدیران سرمایه‌گذاری صندوق انتخاب کند تا وظایف خرید و فروش اوراق بهادار را انجام دهند. در صورتی که مدل صندوق ترکیبی وقف – نیکوکاری از نوع واریز منابع نقدی در قالب صلح مقید باشد، مدیر صندوق اقدام به خرید سهام کرده و متولی شرعی صیغه وقف را جاری می‌نماید. مدیریت صندوق به دریافت سودهای تقسیمی و سایر منافع و همچنین در صورت لزوم فروش سهام و ابدال آن با سهام احسن می‌پردازد.

وقف سهام مادام‌العمر بوده و مقطعی و زمان‌دار نیست درحالی‌که مدت فعالیت صندوق نیکوکاری محدود و قابل تمدید است و فردی که مناب‌عش را به صندوق نیکوکاری تزریق کرده است می‌تواند با ابطال واحدهای خود منابع خود را بعد از مدتی از صندوق برداشت نماید؛ لکن در صندوق وقفی امکان ابطال واحدها وجود ندارد و فقط صدور واحدها امکان‌پذیر است.

در جهت امکان‌سنجی امکان خرید و فروش واحدهای صندوق ذکر این نکته حائز اهمیت است که در صندوق ترکیبی وقف - نیکوکاری به دلیل اینکه فقط خرید و فروش واحدهای صندوق نیکوکاری موضوعیت دارد (برای مثال شخصی نصف سود خود را صرف امور خیرخواهانه کرده است و این امکان وجود دارد که شخص سرمایه‌گذار دیگری جایگزین این شرایط سرمایه‌گذاری گردد)؛ لکن در بحث وقف این موضوع مطرح است که امکان تعویض واقف وجود ندارد و واقف نمی‌تواند عوض شود و امکان ابطال واحدها نیز وجود ندارد؛ لذا امکان خرید و فروش واحدهای صندوق وقفی معنادار نمی‌باشد؛ اما در صندوق نیکوکاری به دلیل امکان صدور و ابطال واحدهای جدید امکان مبادله این واحدها در بازار ثانویه می‌تواند وجود داشته باشد.

در کشور مالزی مؤلفه‌هایی برای جذب بیشتر به سمت سرمایه‌گذاری در صندوق‌های وقفی وجود دارد که یکی از آن‌ها انگیزه‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاران است. در مدل‌های اشاره شده در کشور مالزی انواع مختلفی از مشوق‌ها ممکن است برای سرمایه‌گذاران یا واقفان ارائه شود؛ مانند پرداخت یارانه با درآمدهای مدیریت و ارائه تخفیف‌های مالیاتی. از این قبیل انگیزه‌های مالی، می‌تواند سبب ایجاد صندوق پیشنهادی پژوهش حاضر در بازار سرمایه گردد. حفظ مالیت مال موقوفه از دیگر نکات ضروری است که در این صندوق بایستی رعایت گردد. مطابق تجربه کشورهای نظیر اندونزی و مالزی در حوزه صندوق‌های وقفی، یکی از راهکارهای موجود برای حفظ مالیت مال موقوفه، سرمایه‌گذاری مجدد از محل سود صندوق نیکوکاری می‌باشد.

۴-۲-۲. امکان‌سنجی فقهی

در گام اول باید به این سؤال پاسخ داده شود که آیا از لحاظ فقهی امکان وقف سهام در صندوق ترکیبی وجود دارد یا خیر؟ وقف سهام طبق نظر اکثر فقیهان امامیه و همچنین

از نظر کمیته فقهی سازمان بورس مورد قبول است. مصوبات کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس^{۱۵} درباره وقف سهام به شرح ذیل است:

✓ اصل وقف اوراق سهام و همه اوراقی که سند دارایی عینی هستند صحیح است؛ ولی وقف اوراقی که سند دیون یا پول نقد هستند صحیح نیست.

همچنین بر اساس مستندات موجود؛ پاسخ تفصیلی مراجع عظام تقلید به استفتائات صورت پذیرفته در خصوص وقف سهام، در جدول زیر ارائه می شود:

جدول (۳): نظرهای مراجع عظام تقلید راجع به وقف سهام

حضرت آیت الله خامنه ای	در صورت عین بودن سهام بلا اشکال است.
حضرت آیت الله موسوی اردبیلی	وقف سهام اگر مربوط به عین باشد، اشکالی ندارد.
حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی	وقف سهام در صورتی که آن سهام، سهام مالی باشد که شرایط وقف را داشته باشد، صحیح است.
حضرت آیت الله مکارم شیرازی	در صورتی که شرکی دارای سهامی باشد و این سهام به صورت اموالی مانند کارخانه، ساختمان و امثال آن باشد، وقف سهام مانعی ندارد.
حضرت آیت الله مظاهری	صحیح است.
حضرت آیت الله وحید خراسانی	وقف حصه مشاعی ملک صحیح است.
حضرت آیت الله صافی گلپایگانی	وقف قابل فروش و تبدیل نیست، مگر موارد خاصی که در فقه آمده است.
حضرت آیت الله علوی گرگانی	اگر سهام متعلق به یک عین خاص خارجی باشد و این وقف، وقف بخشی از عین خاص خارجی باشد، صحیح است.
حضرت آیت الله سیستانی	اگر سهام مربوط به شرکی باشد که املاک و مستغلات دارد، اشکال ندارد.
	وقف بخشی از سهام مؤسسات و واحدهای اقتصادی

منبع: (سید خاموشی، ۱۴۰۱؛ مستندات کمیته تخصصی - فقهی^{۱۶})

۱۵. جلسات ۵۸ و ۶۳ کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار

۱۶. جلسات ۵۸ و ۶۳ کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار

لذا طبق نظر کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس و نتایج حاصل از استفتائات از مراجع عظام تقلید، امکان وقف سهام وجود دارد. طبق نظر کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس در جلسه ۱۴۰۰/۰۶/۱۰، تصریح گردید که چنانچه بعد از وقف، وضعیت دارایی‌های شرکت به گونه‌ای تغییر کند که غلبه دارایی‌های قابل اجاره نسبت به سایر دارایی‌ها از دست برود، مدیر صندوق موظف است بلافاصله نسبت به جایگزینی آن سهام با سهام دیگری که حائز شرایط اجاره سهام باشد، اقدام نماید. به منظور بررسی امکان وقف انواع اوراق بهادار در بازار سرمایه، از خبرگان یاد شده در گروه قانونی خواسته شد تا تحلیلی راجع به انواع اوراق بهادار و امکان وقف آن‌ها ارائه دهند که جمع‌بندی تحلیل‌های ارائه شده به شرح جدول زیر است:

جدول (۴): بررسی امکان وقف انواع اوراق بهادار

انواع اوراق بهادار	ماهیت	امکان وقف شدن	توضیحات
مشارکت	مبتنی بر مالکیت	مشروط (اوراق مشارکت قابل وقف)	نکته ۱: در صورتی ممکن است که در امیدنامه اوراق تصریح گردد که پس از انتهای دوره مشارکت و پایان سررسید امکان وقف اوراق وجود دارد. نکته ۲: وقف می‌بایست با اجازه شریک انجام بگیرد.
اجاره	مبتنی بر مالکیت	مشروط	اگر اوراق اجاره عادی باشد و شرط تملیک نداشته باشد و مالکیت محدود نشود شخص سرمایه‌گذار مالک مشاع دارایی است و می‌تواند اقدام به وقف دارایی خود کند. نکته: وقف می‌بایست با اجازه شریک انجام بگیرد.
استصناع	مبتنی بر مالکیت	مشروط	اوراق استصناع منتهی به وقف. سفارش ساخت دارایی توسط سرمایه‌گذار داده شده و پس از ساخت آن، مالک دارایی شخص سرمایه‌گذار است. پس از ساخت دارایی باید شخص سرمایه‌گذار تعیین تکلیف نماید. سرمایه‌گذار می‌تواند مزایحه

انواع اوراق بهادار	ماهیت	امکان وقف شدن	توضیحات
			دهد یا اجاره به شرط تملیک نماید یا تبدیل به سهام کند یا می تواند وقف نماید. نکته: در صورتی ممکن است در امیدنامه اوراق تصریح گردد که پس از انتهای دوره و پایان سررسید امکان وقف اوراق وجود دارد.
قابل تبدیل به سهام	بسته به نوع اوراق می تواند مبتنی بر مالکیت یا مبتنی بر دین باشد	ندارد	اوراق قابل تبدیل را قبل از اینکه تبدیل اتفاق بیافتد نمی توان وقف کرد؛ زیرا مال موقوفه تغییر می کند.
مراجعه	مبتنی بر دین	ندارد	-
اسناد خزانه	مبتنی بر دین	ندارد	-
سلف	مبتنی بر دین	ندارد	-
خرید دین	مبتنی بر دین	ندارد	-
رهنی	مبتنی بر دین	ندارد	-
منفعت	مبتنی بر دین	ندارد	در اوراق منفعت دارندگان اوراق مالکان مشاع مقدار معینی از منافع آتی حاصله از به کارگیری دارایی ها، خدمات معین و هرگونه حقوق معین قابل نقل و انتقال هستند و مالکیتی نسبت به عین دارایی ندارند؛ بنابراین امکان وقف اوراق منفعت وجود ندارد.
سایر اوراق مبتنی بر دین	مبتنی بر دین	ندارد	-
حق تقدم	حق	ندارد	حق تقدم تا زمانی که تبدیل به سهام نشود قابل وقف نیست؛ لذا زمانی قابل وقف است که تبدیل به سهام بشود.

منبع: (یافته های پژوهش)

در بحث وقف سهام، مدیر پورتفوی در شرایط خاصی که نیاز باشد، لازم است سهام را خرید و فروش کرده و سبدگردانی نماید؛ لذا می‌بایست بررسی شود که شرایط ابدال و استبدال در وقف سهام چگونه است؟ مصوبات کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس^{۱۷} درباره ابدال و استبدال سهام به شرح ذیل است:

✓ اگر در ضمن عقد وقف، شرط شود که در صورت کاهش قیمت سهام وقفی یا کاهش بازدهی آنها، متولی، آن سهام را فروخته و با پول آنها سهام بهتری خریداری و وقف کند صحیح است؛

✓ باتوجه به ماهیت وقف، حتی در فرض شرط تبدیل در صورت کاهش قیمت سهام وقفی یا کاهش بازدهی آنها، نباید به احتمال ضعیف و غیرمتعارف ترتیب اثر داده اقدام به تبدیل سهام وقفی نمود؛ و

✓ اشتراط مواردی برای ابدال و استبدال سهام موقوفه (برای مثال فروش سهامی که سودآوری آن بعد از گذشت یک دوره زمانی مشخص بسیار کم شده است و جایگزینی آن با سهام دیگری که هم حائز شرایط وقف باشد و هم از نظر سودآوری مطلوب باشد) بلامانع است و البته ضروری است شروط مربوط به ابدال و استبدال سهام موقوفه در ابتدای شروع فعالیت صندوق معین باشد.

همچنین بر اساس مستندات موجود، استفتائات صورت پذیرفته در خصوص فروش یا تبدیل مال موقوفه به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول (۵): نظرهای مراجع عظام تقلید راجع به فروش یا تبدیل مال موقوفه

حضرت آیت الله سیستانی	حضرت آیت الله وحید خراسانی	حضرت آیت الله مکارم شیرازی	حضرت آیت الله خامنه ای	
صحیح است	صحیح است	اقرار به صحت چنین شرط است	اشکال ندارد	شرط واقف مبنی بر فروش یا تبدیل مال موقوفه در صورتی که منافع آن کم شود یا فروش آن به نفع باشد در صیغه وقف

منبع: (کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس)^{۱۸}

لذا هرچند که ابدال و استبدال در صندوق وقف سهام در شرایط خاصی امکان پذیر است؛ لکن در امر مدیریت پورتنفوی محدودیت هایی وجود دارد و شرایط خاصی باید محقق باشد تا امکان خرید و فروش سهام وجود داشته باشد.

یکی از الزامات اساسی برای پیاده سازی صندوق پیشنهادی در بازار سرمایه معین بودن ارکان عقد وقف می باشد و می بایست ارکان عقد مشخص شود. در مدل پیشنهادی، واقفان تمامی خیران شامل اشخاص حقیقی و حقوقی که اهداف خیرخواهانه دارند را شامل می شود. مال موقوفه در صندوق پیشنهادی را سهام و اوراق بهاداری که امکان وقف آن ها از لحاظ فقهی و مالی ممکن باشد را شامل می شود. در جهت مشخص نمودن موقوف علیهم صندوق پیشنهادی، می بایست وحدت رویه وجود داشته و استاندارد سازی های لازم اتفاق بیافتد. بدین معنا که ابهام و تعدد موقوف علیهم وجود نداشته و موقوف علیهم های مشخص و معینی در اساسنامه صندوق تعیین و مشخص گردیده باشد.

۱۸. جلسات ۵۸ و ۶۳ کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار

لزوم وجود متولی شرعی در صندوق وقف پیشنهادی به عنوان یکی از ارکان حائز اهمیت صندوق بدین شرح است که پس از انتشار واحدهای صندوق و دریافت منابع در قالب صلح مقید، مدیر صندوق اقدام به خرید سهام کرده و در این مرحله نیاز به جاری کردن صیغه وقف بر سهام خریداری شده است. رکن متولی شرعی در مدل صندوق پیشنهادی، اقدام به جاری کردن صیغه وقف کرده و همچنین نظارت بر شرایط ابدال و استبدال خواهد نمود وظایف یاد شده در صندوق وقفی بر عهده متولی شرعی می باشد. از جمله وظایف متولی شرعی بررسی و تأیید سهم‌هایی است که قابلیت وقف شدن دارند. پیشنهاد این پژوهش بدین شرح است که متولی شرعی به پیشنهاد کمیته تخصصی - فقهی سازمان تعیین گردیده و این کمیته به عنوان ناظر بر متولی شرعی ایفای نقش نماید. همچنین کمیته تخصصی - فقهی می تواند از سایر نهادها مانند سازمان اوقاف و آستان قدس رضوی به عنوان رکن متولی شرعی در صندوق‌های وقفی استفاده نماید.

۴-۲-۳. امکان‌سنجی مقرراتی

در جهت امکان‌سنجی مقرراتی، سازگاری الگوی پیشنهادی با قوانین و مقررات بازار سرمایه بررسی و تحلیل و در نهایت نکات مهم اساسنامه پیشنهادی صندوق ارائه می شود. در این قسمت، محورهایی که در اساسنامه صندوق‌های نیکوکاری موجود است، واکاوی و در صورت نیاز، تغییرات مدنظر برای اعمال در اساسنامه صندوق‌های نیکوکاری در جهت طراحی اساسنامه صندوق ترکیبی وقف - نیکوکاری انجام می پذیرد. محورهایی که در اساسنامه صندوق نیکوکاری رازی و جایزه علمی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) به عنوان یک نمونه از صندوق‌های نیکوکاری موجود در ایران بررسی شدند و می بایست بر اساس الزامات صندوق ترکیبی وقف - نیکوکاری تغییر یابند به شرح زیر است:

ماده ۳ اساسنامه:

«هدف از تشکیل صندوق عبارت از جمع‌آوری وجوه از اشخاص نیکوکار و اختصاص آنها به خرید انواع دارایی‌های موضوع ماده (۴) به منظور کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، بهره‌گیری از صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس و تأمین منافع و سپس مطابق تصمیم

سرمایه‌گذار، اختصاص تمام منافع حاصله به امور نیکوکارانه مندرج در امیدنامه صندوق یا اختصاص بخشی از منافع حاصله به سرمایه‌گذار و باقی‌مانده آن به امور نیکوکارانه مندرج در امیدنامه صندوق است».

ماده ۴ اساسنامه:

«موضوع فعالیت صندوق، سرمایه‌گذاری در انواع اوراق بهادار از جمله سهام و حق تقدم سهام پذیرفته شده در بورس تهران و فرابورس ایران، گواهی سپرده کالایی، اوراق بهادار با درآمد ثابت، سپرده‌ها و گواهی‌های سپرده بانکی است که خصوصیات آنها و درصد سرمایه‌گذاری در هر کدام، در امیدنامه ذکر شده است».

تغییراتی که می‌بایست در ماده ۳ و ۴ اساسنامه صندوق‌های نیکوکاری متناسب با صندوق ترکیبی وقف - نیکوکاری اتفاق بیافتد بدین شرح است که طبق ماده ۳ و ۴ صندوق‌های نیکوکاری امکان خرید دارایی‌های مختلف مالی میسر می‌باشند؛ لکن در صندوق پیشنهادی پژوهش حاضر دارایی‌هایی که مدیر صندوق قادر به خرید آنها می‌باشد شامل سهام و اوراق بهاداری است که قابلیت وقف داشته باشند.

ماده ۵ اساسنامه:

«... دوره فعالیت صندوق سه ساله می‌باشد...».

ماده ۱۹ اساسنامه:

«... مدیر صندوق موظف است، مراحل صدور و ابطال واحدهای صندوق را مطابق رویه‌های پذیرهنویسی انجام دهد...».

با توجه به ماده ۵ و ۱۹ اساسنامه صندوق نیکوکاری می‌بایست مباحث مربوط به ابطال واحدهای صندوق در صورتی که از مدل وقف سهام استفاده شود حذف گردد. مطابق با آنچه که در پژوهش حاضر بررسی شد، امکان ابطال واحدهای صندوق در صورتی که وقف سهام و سایر اوراق بهادار انجام پذیرفته باشد وجود ندارد. همچنین مدت عمر صندوق ترکیبی وقف - نیکوکاری نمی‌تواند همانند اساسنامه‌ای که برای صندوق‌های نیکوکاری تنظیم شده است، باشد. با توجه به اینکه وقف پایدار و مادام‌العمر اتفاق می‌افتد؛ لذا در صورت استفاده از مدل صندوق وقفی، طول عمر صندوق نامحدود می‌باشد.

ماده ۷ اساسنامه: واحدهای سرمایه‌گذاری در صندوق‌های نیکوکاری؛
«۲ نوع واحد سرمایه‌گذاری ممتاز و ۲ نوع واحد سرمایه‌گذاری عادی وجود دارند:
واحدهای سرمایه‌گذاری ممتاز:

مدیریتی قابل انتقال و غیرقابل ابطال: در این حالت گواهی سرمایه‌گذاری به نام
شخص پذیرهنویس ثبت می‌شود. در زمان انحلال صندوق، سرمایه صندوق متعلق به
سرمایه‌گذار صندوق است و نه متعلق به صندوق و مدیر صندوق.
مدیریتی غیرقابل انتقال و غیرقابل ابطال: در این حالت، قبل از پذیرهنویسی اولیه،
اشخاص مبلغ را به حساب صندوق واریز کرده و گواهی سرمایه‌گذاری به نام مدیر
صندوق ثبت می‌شود و نه شخص سرمایه‌گذار. در زمان انحلال صندوق، سرمایه
صندوق متعلق به صندوق و مدیر صندوق است.
واحدهای سرمایه‌گذاری عادی:

عادی غیرقابل انتقال اما قابل ابطال: در زمان انحلال منابع و سرمایه صندوق متعلق به
سرمایه‌گذار خواهد بود و نه صندوق و مدیر صندوق.
عادی غیرقابل انتقال و غیرقابل ابطال: در زمان پذیرهنویسی اولیه، اشخاص مبلغ را به
حساب صندوق واریز کرده و گواهی سرمایه‌گذاری به نام مدیر صندوق ثبت می‌گردد.
در زمان انحلال صندوق، منابع و سرمایه صندوق متعلق به صندوق و مدیر صندوق
خواهد بود و سرمایه‌گذاران اولیه دیگر مطالبه‌ای نخواهند داشت».

دو مدل مدیریتی غیرقابل انتقال و غیرقابل ابطال و عادی غیرقابل انتقال و
غیرقابل ابطال، از جهت تطابق غیرقابل انتقال و غیرقابل ابطال بودن، با صندوق‌های وقفی
شباهت دارند و از این الگو می‌توان برای راه‌اندازی صندوق وقفی استفاده کرد؛ بنابراین
الگوی ترکیبی صندوق وقف - نیکوکاری به جهت محدودیت‌های فقهی، بایستی مطابق
دو الگوی بیان شده از بین چهار الگوی موجود در واحدهای سرمایه‌گذاری
صندوق‌های نیکوکاری راه‌اندازی گردد.

ماده ۲۲ اساسنامه:

«... ممنوعیت تصرف واحدهای صندوق توسط متولیان صندوق ...».

با توجه به ماده ۲۲ اساسنامه صندوق نیکوکاری، امکان سرمایه‌گذاری بعضی از ارکان

صندوق و اشخاص وابسته به آن‌ها سلب شده است؛ لکن در صورت استفاده از مدل وقف در صندوق وقف - نیکوکاری، منافع و اشکالی همچون ماده ۲۲ صندوق‌های نیکوکاری وجود ندارد و همه اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند در این امر حسنه و خدایپسندانه وقف اموال شرکت نمایند.

ماده ۲۴ اساسنامه:

«به تشخیص مدیر و توافق متولی به تعداد لازم حساب یا حساب‌های بانکی به نام صندوق افتتاح می‌شود. کلیه دریافت‌ها و پرداخت‌های مالی صندوق، منحصرأ از طریق این حساب یا حساب‌ها انجام می‌پذیرد».

یکی از الزاماتی که صندوق ترکیبی وقف - نیکوکاری می‌بایست داشته باشد وجود ۲ حساب جداگانه در مدل صندوق پیشنهادی است. پرواضح است که در صندوق نیکوکاری محدودیتی برای ورود و خروج منابع و خرید و فروش سهام وجود نداشته؛ لکن در حساب صندوق وقفی به دلایل فقهی محدودیت‌هایی وجود دارد و مدیر پورتنفوی می‌بایست در عمل، راهبرد میانه بین رویکرد فعال و منفعل اتخاذ نماید. همچنین در صندوق وقفی مصرف منابع می‌بایست حتماً در سهام بوده؛ اما در صندوق نیکوکاری مدیر صندوق با محدودیت مواجه نمی‌باشد و مصرف منابع می‌تواند برای سرمایه‌گذاری در سهام یا اوراق با درآمد ثابت (متناسب با نصاب صندوق) باشد؛ لذا از منظر مقرراتی ذکر این نکته حائز اهمیت است که در مدل پیشنهادی این پژوهش، می‌بایست ۲ حساب جداگانه وجود داشته باشد و مدیر پورتنفوی در سبده‌گردانی خود با ۲ حساب جداگانه مواجه است و شرایط خرید و فروش در حساب وقفی باید تحت نظارت متولی شرعی باشد.

ماده ۵۲ اساسنامه:

«... مدیر صندوق باید بر اجرای صحیح و به موقع دستورهای خرید و فروش اوراق بهادار توسط کارگزار نظارت کند و در صورتی که در اثر قصور، تقصیر یا تخلف کارگزار از اجرای به موقع و صحیح دستورهای مذکور، خسارتی متوجه صندوق گردد، مدیر صندوق ضامن است و باید جبران کند».

طبق ماده ۵۲ اساسنامه صندوق نیکوکاری توجه به این نکته ضروری است که

می‌بایست تغییری در این ماده ایجاد شود و رکن متولی شرعی در صندوق ترکیبی وقف - نیکوکاری می‌بایست به عنوان ناظر بر تصمیمات مدیر صندوق تعریف گردد. رکن متولی شرعی در مدل صندوق پیشنهادی، اقدام به جاری کردن صیغه وقف کرده و همچنین نظارت بر شرایط ابدال و استبدال خواهد نمود وظایف یادشده در صندوق وقفی بر عهده متولی شرعی می‌باشد؛ لذا پیش از خرید و فروش دارایی‌های صندوق در مدل وقفی، می‌بایست مدیر صندوق تأیید متولی شرعی را گرفته باشد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش ضمن تبیین الگوی مفهومی صندوق ترکیبی وقف - نیکوکاری، بیان شد که این مدل می‌تواند ۳ حالت مختلف داشته باشد:

- ۱- صدور واحدهای صندوق اتفاق می‌افتد و شخص سرمایه‌گذار بابت صدور گواهی، اقدام به پرداخت پول می‌کند و مدیر صندوق با پول‌های تجمیع شده اقدام به خرید دارایی کرده و سپس نیت وقف جاری می‌شود؛
 - ۲- شخص سرمایه‌گذار می‌تواند از محل سود صندوق نیکوکاری این وکالت را به صندوق اعطا نماید تا صندوق از محل این سودها (تمام سود یا بخشی از سود) اقدام به خرید سهم کرده و سهام را وقف نماید؛ و
 - ۳- انتقال سهام وقفی از پورتهوی شخصی به صندوق.
- در گام بعد به امکان‌سنجی پیاده‌سازی این مدل در بازار سرمایه پرداخته شد. در این مرحله، امکان‌سنجی از ۳ محور مالی، فقهی و مقرراتی صورت پذیرفت و الزامات پیاده‌سازی این مدل ارائه گردید.
- در بعد مالی بیان شد که از لحاظ مالی این مدل نیازمند رعایت الزاماتی بدین شرح در جهت پیاده‌سازی در بازار سرمایه می‌باشد:
- ۱- به دلیل تفاوت ماهیت صندوق وقفی و صندوق نیکوکاری، باید ۲ حساب جداگانه در صندوق ترکیبی وقف - نیکوکاری وجود داشته باشد؛
 - ۲- سازوکاری فراهم شود تا افراد از پورتهوی شخصی خود اقدام به خرید سهم کرده و وقف نمایند؛

۳- سازوکاری ایجاد شود که شخص سرمایه گذار قادر باشد از محل سود صندوق نیکوکاری این وکالت را به صندوق اعطا نماید تا صندوق از محل این سودها (تمام سود یا بخشی از سود) اقدام به خرید سهم کرده و سهام را وقف نماید؛

۴- عمر صندوق وقف نامحدود است؛

۵- وجود رکن متولی شرعی؛ و

۶- امکان اعطای معافیت های مالیاتی برای سرمایه گذاران در صندوق وقفی شامل اشخاص حقیقی و حقوقی.

در بعد فقهی بیان شد که از نظر اکثریت مراجع عظام تقلید امکان وقف سهام وجود دارد. همچنین طبق نظر کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس، سهامی قابلیت وقف دارند که دارایی های قابل اجاره شرکت نسبت به سایر دارایی ها غلبه داشته باشد؛ علاوه بر این، از آنجاکه در بحث وقف، بر خلاف اجاره با دوره زمانی معینی سروکار نداریم، ضروری است مطابق اساسنامه و سایر مدارک مرتبط با کسب و کار شرکت، اصل فعالیت و درآمدزایی آن به گونه ای باشد که به فعالیت های تولیدی اشتغال داشته باشد و غلبه دارایی های قابل اجاره شرکت تا زمان انحلال آن استمرار داشته باشد؛ همچنین به الزام وجود رکن متولی شرعی در مدل انتخابی اشاره شد و تأکید گردید که متولی شرعی اقدام به جاری کردن صیغه وقف برای سهام خریداری شده توسط مدیر صندوق خواهد کرد. همچنین شرایط امکان و استبدال در وقف سهام متناسب با مصوبه کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس بیان و تشریح شد که اگر در ضمن عقد وقف، شرط شود که در صورت کاهش قیمت سهام وقفی یا کاهش بازدهی آنها، متولی، آن سهام را فروخته و با پول آنها سهام بهتری خریداری و وقف کند، صحیح است. همچنین ضروری است شروط مربوط به ابدال و استبدال سهام موقوفه در ابتدای شروع فعالیت صندوق معین باشد؛ سپس امکان وقف سایر اوراق بهادار در قالب گروه کانونی متشکل از خبرگان سنجیده شد و در قالب جدول ۴، به تفکیک اوراق بهادار بیان گردید.

در بُعد مقرراتی بیان شد که از لحاظ مقرراتی این مدل نیازمند رعایت الزاماتی در جهت پیاده سازی در بازار سرمایه می باشد. در این گام اساسنامه صندوق نیکوکاری بررسی گردید و الزامات مقرراتی که برای پیاده سازی صندوق ترکیبی وقف - نیکوکاری

نیاز بود، بررسی و ارائه شد. الزامات این مدل شامل موضوع فعالیت صندوق است که در صندوق ترکیبی پژوهش حاضر، دارایی‌هایی که مدیر صندوق قادر به خرید آن‌ها می‌باشد شامل سهام و اوراق بهاداری است که قابلیت وقف داشته باشند. موضوع بعدی عمر صندوق و امکان ابطال واحدهای صندوق بود که با توجه به ماده ۵ و ۱۷ و تبصره ۳ ماده ۱۷ اساسنامه صندوق نیکوکاری می‌بایست مباحث مربوط به ابطال واحدهای صندوق در صورتی که از مدل وقف سهام استفاده شود، حذف گردد. مطابق با آنچه که در پژوهش حاضر بررسی شد، امکان ابطال واحدهای صندوق در صورتی که وقف سهام و سایر اوراق بهادار انجام پذیرفته باشد، وجود ندارد. همچنین مدت عمر صندوق ترکیبی وقف - نیکوکاری نمی‌تواند همانند اساسنامه‌ای که برای صندوق‌های نیکوکاری تنظیم شده است باشد. با توجه به اینکه وقف به صورت پایدار و مادام‌العمر اتفاق می‌افتد؛ لذا در صورت استفاده از مدل صندوق وقفی، طول عمر صندوق نامحدود می‌باشد. همچنین از منظر مقرراتی می‌بایست رکن متولی شرعی به ارکان صندوق نیکوکاری اضافه گردیده و به این مهم توجه شود که صندوق ترکیبی وقف - نیکوکاری دارای ۲ حساب جداگانه برای حساب وقف و حساب نیکوکاری خواهد بود. در پایان، امکان‌سنجی پیاده‌سازی صندوق ترکیبی وقف - نیکوکاری در بازار سرمایه، به تأیید خبرگان رسانیده شد.

پیشنادهای اجرایی و سیاستی

- ۱- تهیه و تنظیم دستورالعمل‌های مورد نیاز جهت امکان وقف سهام از پورترفوی شخصی افراد؛
- ۲- تهیه و تنظیم اساسنامه استاندارد جهت راه‌اندازی صندوق سرمایه‌گذاری ترکیبی وقف - نیکوکاری در بازار سرمایه؛
- ۳- با توجه به آنکه در مدل پیشنهادی، منابع نقدی در قالب صلح مقید واریز به صندوق می‌شود و مدیر صندوق اقدام به خرید سهام و سایر اوراق بهادار قابل وقف می‌نماید، نهاد ناظر بایستی متولی شرعی را تعیین کرده تا صیغه وقف بر دارایی‌های خریداری‌شده توسط متولی شرعی جاری گردد؛

- ۴- نظارت مستمر بر نحوه مدیریت صندوق‌های سرمایه‌گذاری ترکیبی وقف - نیکوکاری در بازار سرمایه توسط نهاد ناظر بایستی انجام گردد؛
- ۵- ایجاد انگیزه‌های مالیاتی جهت تشویق اشخاص حقیقی و حقوقی جهت سرمایه‌گذاری در صندوق سرمایه‌گذاری ترکیبی وقف - نیکوکاری؛
- ۶- پرهیز از القای قوانین تنظیم‌گرایانه محتاط در صندوق‌های سرمایه‌گذاری ترکیبی وقف - نیکوکاری جهت جذب خیرین و افراد خیرخواه؛ و
- ۷- ایجاد بستر مناسب جهت انتشار و افشای اطلاعات مالی مربوط به واحدهای صندوق‌های سرمایه‌گذاری ترکیبی وقف - نیکوکاری جهت شفافیت حداکثری این نوع از صندوق‌ها.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

- ۱- بررسی چالش‌ها و راه‌حل‌های موجود جهت پیاده‌سازی صندوق سرمایه‌گذاری ترکیبی وقف - نیکوکاری در بازار سرمایه؛
- ۲- بررسی وجود انواع ریسک‌های موجود در راه‌اندازی صندوق سرمایه‌گذاری ترکیبی وقف - نیکوکاری در بازار سرمایه و ارائه راهکارهای سیاستی جهت کنترل ریسک‌ها؛
- ۳- بررسی راه‌حل‌های ممکن، جهت حفظ مالیت مال موقوفه در صندوق سرمایه‌گذاری ترکیبی وقف - نیکوکاری در بازار سرمایه.

کتابنامه

- افشار، محمد (۱۳۹۵). روش‌های پژوهش کیفی و آمیخته. تهران: گیوا.
- ایروانی، محمدجواد و استاد، ایمان (۱۳۹۷). معرفی صندوق‌های وقفی در مسیر تجمیع سرمایه و مشارکت‌های مردمی در فعالیت‌های اقتصادی. تهران: دومین همایش ملی خیر ماندگار.
- بختیاران، احمدرضا و سجادی، سیدمحسن (۱۴۰۱). برآورد ظرفیت تأمین مالی شهرداری با بهره‌گیری از بخش سوم اقتصاد با انتشار اوراق وقف (مطالعه موردی: شهر قم). جستارهای اقتصادی ایران، سال نوزدهم، (۳۸)، ۲۳۹-۲۶۶.
- جهانگیر، منصور (۱۳۸۳). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون مدنی. تهران: انتشارات آگاه.
- حائری، محمدحسن و عباسی، طیبه (۱۳۸۶). بررسی فقهی وقف پول. مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، سال ششم، (۱۹)، ۷۷-۹۲.
- حریری، نجلا (۱۳۹۴). فوکوس گروه به مثابه پژوهش کیفی. فصلنامه نقد کتاب اطلاع‌رسانی و ارتباطات، سال دوم، (۷ و ۸).
- حلی، حسن بن یوسف (بی‌تا). تذکره الفقهاء. بی‌جا: بی‌نا
- خامنه‌ای، سیدعلی، وب‌گاه دفتر استفتائات مقام معظم رهبری:
<https://farsi.khamenei.ir/treatise-index>
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین. قم: مدینه العلم.
- رضایی، فاطمه (۱۳۹۸). روش‌های پژوهش کیفی. تهران: بی‌تا.
- سروش، ابوذر (۱۳۹۰). ارائه مدل تفصیلی انتشار اوراق وقف در ایران. مجله تحقیقات مالی اسلامی، سال یکم، (۱)، ۱۵۱-۱۷۱.
- سعادت‌فر، جواد (۱۳۸۵). امکان‌سنجی فقهی وقف پول. وقف، میراث جاویدان، سال چهاردهم، (۵۴)، ۱۹-۴۸.
- سیدخاموشی، سیدمهدی (۱۴۰۱). واکاوی جواز شرعی وقف پول. پژوهشنامه قرآن و حدیث، (۳۰)، ۱۸۴-۱۶۵.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۳ق). الروضة البهیة. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- صدری، سیدمحمد و هندی‌زاده، حکیمه‌السادات (۱۳۹۳). وقف ارزش‌های مالی اعتباری. پژوهش‌های فقهی، سال دهم، (۳)، ۵۱۵-۵۴۸.
- طاهری، علی (۱۳۹۷). اصول و مبانی تحقیق در علوم انسانی. تهران: سازمان سمت.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۴۲ق). المناهل. قم: مؤسسه آل‌البیت.

طوسی، محمد بن حسن (۱۲۷۰ق). المبسوط. بی‌جا: نشر المکتبه المرتضویه.

عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و عظیم‌زاده اردبیلی، محمدمنصور (۱۳۹۵). نقش وقف و امور خیریه و داوطلبگی بر فرایندهای اجتماعی. تهران: اولین همایش ملی خیر ماندگار.

عیسوی، محمود؛ طالبلو، رضا و کاظمی، مصطفی (۱۳۹۳). طراحی مدل پیشنهادی صندوق مشترک سرمایه‌گذاری وقف در اقتصاد ایران. جستارهای اقتصادی، (۱۱)، ۷۵-۹۶.

فهیمی، حمید و علیقلی‌پور، عارف (۱۳۹۵). طراحی صندوق نیکوکاری مردم‌نهاد، با به‌کارگیری روش تأمین مالی جمعی. اولین همایش ملی خیر ماندگار (مطالعه و ارزیابی امور خیر در ایران). قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.

محمودی ارمندی، علیرضا (۱۴۰۱). امکان‌سنجی وقف وجوه نقدی و سهام در راستای ایجاد و توسعه صندوق‌های وقفی در ایران. نشریه مطالعات حقوقی، (۳۱).

مشایخی، شهناز و حیاتی، نهاله (۱۳۹۴). صندوق‌های سرمایه‌گذاری غیرانتفاعی. مطالعات حسابداری و حسابرسی، (۱۹)، ۳۲-۵۱.

مصوبات کمیته تخصصی - فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار.

مورگان، دیوید (۱۳۹۴). فوکوس گروه به مثابه پژوهش کیفی. ترجمه نصرت فنی، تهران: نی.

موسیویان، سیدعباس و نصرآبادی، داوود (۱۳۸۸). طراحی اوراق وقف بر مبنای عقد صلح و وقف جهت تأمین مالی طرح‌های عام‌المنفعه. مجله مطالعات اقتصاد اسلامی، سال دوم، (۳)، ۳۹-۶۸.

مهدوی، رضا (۱۳۹۶). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: نشر مرکز.

ناصری، مهدی و شادپی، محبوبه (۱۳۸۷). بانک وقف پول (فرصت‌ها و چالش‌ها). تهران: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی.

- Alavi, M. (2018). *Qualitative Research in Social Sciences*. Tehran: University Press.
- Bernard, H. R. (2000). *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Creswell, J. W. (2014). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Kahf, M. (2003), *The role of waqf in improving the ummah welfare*. In International Seminar on Waqf as a Private Legal Body.
- Kitzinger, J. & Barbour, R.S. (1999). *Introduction: the challenge and promise of focus groups*.
- Krasikova, T. Y. & Ognev, D. V. (2015). Endowment in Russian universities:

- Problems and prospects. *Актуальні проблеми економіки*, (2), 199–204.
- Kunhibava, S.; Muneeza, A.; Khalid, M. B.; Mustapha, Z. & Sen, T. M. (2019). *Lessons learned from the Zakat and Waqf frameworks in Indonesia and Singapore for application in Malaysia*. In *Islamic Social Finance* (pp. 69–87).
- Miles, B. & Huberman, M. (1984). *Qualitative data analysis: A source book of new methods*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Morgan, D.L. & Kreuger, R.A. (1993). *When to use focus groups and why* in Morgan D.L. (Ed.) *Successful Focus Groups*. London: Sage.
- Nimah, R. (2023). *The Impact of Community Social Changes on the Digitalization of the Implementation of Stock Waqf*.
- Smolo, E. (2019). The Role of Waqf (Endowment) in Economic Development of Bosnia and Herzegovina: A Historical Overview and Future Prospects. *Revitalization of Waqf for Socio-Economic Development*, (1), 85-105.

References

- Abdeh Tabrizi, H. (2005). The financial institution of endowment funds in the world and Islamic principles in Iran. *Imam Sadiq (AS) University Research Journal*, (25). (In Persian)
- Afshar, M. (2016). *Methods of qualitative and mixed research*. Tehran: University Press. (In Persian)
- Aghaei, A. R., & Sajadi, S. M. (2022). Estimation of the financial capacity of municipalities using the third sector economy and the issuance of Waqf bonds (Case study: Qom City). *Iranian Economic Studies*, 19(38), 239-266. (In Persian)
- Alavi, M. (2018). *Qualitative Research in Social Sciences*. Tehran: University Press.
- Al-Khoei, A. (1410 AH). *Minhaj al-Salihin*. Medina Al-Ilm Press, Qom, Vol. 2. (In Persian)
- Al-Shahid Al-Thani, Z. (1403 AH). *Al-Rawdah Al-Bahiyyah*. Dar Ihya' Al-Turath Al-Arabi, Beirut, 2nd Edition. (In Persian)
- Al-Tabatabai, M. (1242 AH). *Al-Manahil*. Al Al-Bayt Foundation, Qom. (In Persian)
- Al-Tusi, M. (1270 AH). *Al-Mabsut*. Al-Maktaba Al-Murtadawiyah, Vol. 3. (In Persian)
- Bernard, H. R. (2000). *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Creswell, J. W. (2014). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Esfahani, S. M. M. (1998). Feasibility of increasing resources from endowed properties using financial knowledge. Master's thesis, Imam Sadiq University. (In Persian)
- Eslami Irvani, M. J. & Ostadi, I. (2018). Introduction of endowment funds for aggregating capital and public participation in economic activities. Second National Conference of Khair Mandegar, Tehran. (In Persian)
- Faeimi, H. & Aligholipour, A. (2016). Designing a non-governmental charity

- fund using crowdfunding methods. First National Conference of Khair Mandegar. (In Persian)
- Haeri, M. H. & Abbasi, T. (2007). A jurisprudential study of cash endowment. Journal of the Faculty of Humanities, Semnan University, 6(19), 77-92. (In Persian)
- Hariri, N. (2015). Focus group as a qualitative research method. Quarterly Journal of Book Review in Information Science and Communications, 2(7-8). (In Persian)
- Hilli, H. ibn Y. (n.d.). Tadhkirat al-Fuqaha, Vol. 1. (In Persian)
- Jahanigir, M. (2004). The Constitution of the Islamic Republic of Iran and Civil Law. Tehran: Agah Publications. (In Persian)
- Kahf, M. (2003). The role of waqf in improving the ummah welfare. In International Seminar on Waqf as a Private Legal Body.
- Kazemi Najafabadi, M. (2017). Overcoming management challenges in the mutual endowment investment fund from the perspective of corporate governance. 14(27), April 2017, 131-152. (In Persian)
- Kitzinger, J. & Barbour, R.S. (1999). Introduction: the challenge and promise of focus groups.
- Krasikova, T. Y. & Ognev, D. V. (2015). Endowment in Russian universities: Problems and prospects. Актуальні проблеми економіки(2), 199–204.
- Kunhibava, S.; Muneeza, A.; Khalid, M. B.; Mustapha, Z. & Sen, T. M. (2019). Lessons learned from the Zakat and Waqaf frameworks in Indonesia and Singapore for application in Malaysia. In Islamic Social Finance (pp. 69–87).
- Mashayekhi, S. & Hayati, N. (2015). Non-profit investment funds. (In Persian)
- Miles, B. & Huberman, M. (1984). Qualitative data analysis: A source book of new methods. Beverly Hills, CA: Sage.
- Mohammadi Ermandi, A. (2022). Feasibility study of endowment of cash and shares for creating and developing endowment funds in Iran. Journal of Legal Studies, 31. (In Persian)
- Mohammadi, R. (2017). Research methods in social sciences. Tehran: Markaz Press. (In Persian)
- Morgan, D. (2015). Focus group as a qualitative research method. Translated by N. Fani, Tehran: Ney Publications. (In Persian)
- Morgan, D.L. & Kreuger, R.A. (1993). When to use focus groups and why in Morgan D.L. (Ed.) Successful Focus Groups. London: Sage.
- Mortezania, H. & Norouzi, K. (2023). Examining the sources of endowment funds for higher education in selected countries. 1(1), 25-48. (In Persian)
- Mosbahi Moghaddam, G.; Sayyah, S. & Naderi Nouraeini, M. M. (2009). Feasibility study of endowment of stocks and money: The model of stock and money endowment fund in Iran. Economic Studies Journal, (12). (In Persian)
- Mousavian, S. A. & Nasrabadi, D. (2009). Designing Waqf bonds based on the contract of peace and endowment for financing public welfare projects. Islamic Economics Studies, 2(3), 39-68. (In Persian)
- Naserpoor, M. & Hindi Zadeh, H. (2014). Endowment of financial values. Journal of Jurisprudential Research, 10(3), 515-548. (In Persian)
- Nasihi, M., & Shadpi, M. (2008). Cash endowment bank (Opportunities and

- challenges). Proceedings of the International Conference on Endowment and Islamic Civilization, 75-95, Tehran. (In Persian)
- Nimah, R. (2023). The Impact of Community Social Changes on the Digitalization of the Implementation of Stock Waqf.
- Rezai, F. (2019). Qualitative research methods. Tehran: University Press. (In Persian)
- Saadatfar, J. (2006). The jurisprudential feasibility of cash endowment. Waqf, Eternal Heritage, 14(54), 19-48. (In Persian)
- Sadafi, A. (2006). A feasibility study on cash endowment from a jurisprudential perspective. Waqf, Eternal Heritage, 14(54), 19-48. (In Persian)
- Seyyed Khamoushi, S. M. (2022). Exploring the jurisprudential permissibility of cash endowment. Journal of Quran and Hadith Studies, 30, 165-184. (In Persian)
- Smolo, E. (2019), The Role of Waqf (Endowment) in Economic Development of Bosnia and Herzegovina: A Historical Overview and Future Prospects. Revitalization of Waqf for Socio-Economic Development ,Volume I, 85-105.
- Soroush, A. (2011). Providing a detailed model for issuing Waqf bonds in Iran. Journal of Islamic Financial Research, 1(1), 151-171. (In Persian)
- Sudri, S. M.; Talablu, R. & Kazemi, M. (2014). Proposed design of a joint Waqf investment fund in Iran's economy. Economic Studies, (11), 75-96. (In Persian)
- Tabari, M. (2018). Principles and foundations of research in humanities. Tehran: SAMT Publications. (In Persian)
- Taheri, A. (2018). Principles and foundations of research in humanities. Tehran: SAMT Publications. (In Persian)
- The Civil Code of the Islamic Republic of Iran. (In Persian)
- Website of the Office of the Supreme Leader's Fatwa Department: <https://farsi.khamenei.ir/treatise-index> (In Persian)
- Yazdani Ardabili, F. & Yazdani Ardabili, M. M. (2016). The role of endowment and charity in social processes. First National Conference of Khair Mandegar, Tehran. (In Persian)

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص. ۶۶۹-۶۹۸

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۸ روز نزد نویسندگان بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۹

فرصت‌ها و تهدیدهای مبادلات رمزارزها با تأکید بر اقتصاد مقاومتی

اسماعیل زارعی کوشا*

علیرضا سلیمی*

سیدعلیرضا حسینی***

چکیده

تحریم اقتصادی به‌عنوان ابزاری علیه کشورهای خاص مانند ایران باعث گردیده تا به‌دنبال راهی برای مقابله آن بود. ولی لازم است راه‌حل پیشنهادی با ارزش‌های حاکم بر آن کشور منطبق باشد. یکی از راه‌ها استفاده از رمزارزها است؛ بنابراین، شناخت پیچیدگی‌ها و شبهات رمزارزها علاوه بر تبیین جایگاه این پدیده نوظهور، در صورت پذیرفته شدن، زمینه‌ساز استفاده از ظرفیت‌ها و فرصت‌های مناسب از آن‌ها را نیز فراهم می‌کند. در این تحقیق با استفاده از رویکرد «نظریه زمینه‌ای»، به طراحی الگوی مفهومی پرداخته‌ایم و برای دستیابی به درک عمیقی از اوضاع و شرایط موجود با تعدادی از کارشناسان و مسئولان حوزه‌های مرتبط اقتصاد اسلامی مصاحبه شد. یافته‌ها نشانگر آن است که نیاز مالی و اقتصادی، تنوع‌بخشی به مبادلات مالی، رفع نواقص و لزوم جبران نیازها به‌عنوان مهم‌ترین عوامل محیطی و اجتماعی هستند. همچنین مطابق نظرهای ارائه شده بهره‌گیری از ظرفیت‌های جدید، ایجاد زمینه مشارکت و توسعه فعالیت‌های مبتنی بر اقتصاد اسلامی، تحرک فقه به‌سوی موضوعات جدید، دور زدن و شکست تحریم‌ها، کمک به پرورش استعدادها و ظرفیت‌ها، بی‌نیازی از سیستم‌های ربوی بانک‌ها، توجه به جنبه‌های فقه حکومتی ازجمله قواعدی نظیر ضرر و اتلاف از پیامدهای مثبت و مجهول بودن ضوابط و مقررات فعالیت در بازار رمزارزها با مفاهیم دینی، امکان پول‌شویی، ایجاد بستر نظارت عمومی بین‌المللی بر عناصر اقتصادی کشور، غفلت از اهداف کلان اقتصاد اسلامی، توزیع ناعادلانه ثروت، عدم پابندی به قوانین و مقررات شرعی، از پیامدهای منفی بهره‌گیری از رمزارزها معرفی شده است.

واژگان کلیدی: رمزارز، فقه، اقتصاد اسلامی، پول، بلاک‌چین، مبادلات مالی.

* دانشجوی مقطع دکتری، فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، محلات، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

Ekousha1979@gmail.com

0000-0003-6087-7541

** استادیار، فقه و مبانی حقوق، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی محلات، محلات، جمهوری اسلامی ایران.

Alisalimi1351631@gmail.com

0009-0007-3928-4011

*** استادیار، فقه و مبانی حقوق، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی محلات، محلات، جمهوری اسلامی ایران.

Seyed150@gmail.com

0000-0002-5130-9265

مقدمه

در دوران کنونی، پدیده‌های مجازی واقعیت‌های رو به رشدی هستند که روزبه‌روز ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را دربرمی‌گیرند و مسائل، مخاطرات و فرصت‌های متفاوتی رقم می‌زند. یکی از پدیده‌های نوظهور، پول مجازی یا ارز رمزنگاری شده است که سرعت رشد آن در جهان رو به گسترش است و در کشور ما نیز سرعت گسترش و استقبال مردم از این نوع پول رو به رشد است. پول مجازی با توجه به گسترش آن در دنیا توانسته نظام‌های مالی دنیا را تحت تأثیر قرار دهد. امروزه حدود هزار پول مجازی منتشر و در دنیا وجود دارد که مهم‌ترین آنها بیت‌کوین است.

ارزهای رایج، مانند دلار، تحت نظارت یک بانک مرکزی هستند که عرضه پول را به‌منظور ثبات در قیمت‌ها مدیریت می‌کنند. این بانک‌ها می‌توانند اقدام به چاپ پول کنند و یا در صورت نیاز، بخشی از پول‌های در گردش در بازار را جمع‌آوری کنند و از طریق سیاست‌های پولی مانند تنظیم نرخ بهره بانکی دست به مدیریت پول‌ها بزنند. ارزهای دیجیتال بر بنیان شبکه زنجیره‌های بلوکی یا بلاک‌چین فعالیت کرده و ابتکاری اینترنتی شبیه پول بدون پشتوانه است و به‌گونه‌ای تنظیم شده است که در سطره مدیریتی هیچ بانک یا نهادی قرار نمی‌گیرد (حسینی مقدم و فرزین‌فر، ۱۳۹۸، ص. ۱). روش استخراج بیت‌کوین فرایندی است که در آن، افراد قدرت محاسباتی رایانه یا دستگاه استخراج (ASIC) خود، یعنی ظرفیت سی‌پی‌یو را در اختیار شبکه می‌گذارند و در ازای آن از شبکه پاداش می‌گیرند (آقازاده، ۱۴۰۱).

استخراج‌کننده‌ها یا ماینرها امنیت شبکه رمز ارز را تأمین و تراکنش‌ها را در بلاک‌چین ثبت می‌کنند. تراکنش‌ها در قالب‌هایی به نام «بلاک» ثبت و وارد بلاک‌چین یا همان پایگاه داده رمز ارز می‌شوند. هر وقت ماینری موفق شود یک بلاک را استخراج کند، مقداری رمز ارز جدید ایجاد می‌شود و سیستم آن را به‌عنوان پاداش به ماینر منتقل می‌کند. با استفاده از رشته‌هایی از اعداد ناشناس، اطلاعات درباره این تراکنش‌ها در محلی به‌نام «زنجیره بلوکی» ثبت می‌شود. این کار به‌منظور حصول اطمینان از ثبات این ارز انجام می‌شود.

زنجیره بلوکی مانند شبکه پرداختی کار می‌کند که هرگز تعطیل نمی‌شود. این شبکه

۷ روز در هفته و ۲۴ ساعت در روز به فعالیت می‌پردازد و اهمیتی نمی‌دهد موقعیت جغرافیایی شما چیست و به چه کسی پول پرداخت می‌کنید؛ بنابراین هیچ‌کسی مالکیت یا کنترل آن را در اختیار ندارد، کاملاً بدون مرز است و همه می‌توانند از طریق آن به راحتی به یکدیگر داده بفرستند. از ویژگی‌های رمزارز می‌توان به غیرمتمرکز بودن، عرضه نامحدود، غیرقابل جعل بودن، حمل و جابه‌جایی آسان، تراکنش‌های نیمه‌ناشناس و غیرقابل برگشت اشاره نمود (آقازاده، ۱۴۰۱).

نکته اصلی در این موضوع این است که با توجه به ویژگی‌ها و شرایط خاص رمزارزها که آن را به عنوان یکی از واقعیت‌های عصر حاضر در نظام اقتصادی تبدیل کرده است، چه موضوعات و مخاطراتی از جنبه فقهی در کاربرد و بهره‌مندی از این نوع ارزها وجود دارد که در این پژوهش بدان پرداخته شده است.

۱. پیشینه پژوهش

بیاتی و همکاران (۱۴۰۲)، در تحقیقی با عنوان «بررسی فقهی رمزارزها با تمرکز بر اشکالات ناشی از واحد مبادله‌بودن و ساختار الکترونیکی آنها»، ضمن شناسایی ماهیت و ویژگی‌های خاص رمزارزها که تنها راه شناسایی و استنباط دقیق احکام شرعی مسائل مرتبط می‌باشد، به اشکالات وارده بر صحت معاملات با رمزارزها پرداخته و معتقدند بسیاری از شبهاتی که حول شرعی بودن آنها به وجود آمده، ناشی از عدم شناخت ماهیت و فناوری ساخت آنها و مبادله با آنها بر اساس این فناوری است. حکم به حرمت عملیات استخراج رمزارز و حرمت معامله با آنها از منظر فقه امامی از حیث حکم اولی بسیار دشوار است. ایشان معتقدند معامله با رمزارزها به عنوان حکم اولی است و اگر استفاده از آنها مفاسدی داشته باشد که ولی فقیه استفاده از آن را صلاح نبیند، معامله با آنها جایز نخواهد بود.

کشاورزی و همکاران (۱۴۰۲)، در تحقیقی با عنوان «تحلیل فقهی - اقتصادی مالیت رمز ارزها در اقتصاد اسلامی»، با اشاره به گسترش پول‌ها و دارایی‌های رمزنگاری شده مجازی (رمزارزها) به موضوع مالیت آنها پرداخته و نتیجه‌گیری نموده‌اند که اولاً، شرع مقدس در نظام پولی و مبادلات جایگاه ویژه‌ای برای مردم و عرف عقلا در نظر

گرفته ولی حکومت اسلامی را موظف کرده تا در جهت امضاء مالیت پول و سایر ضوابط معاملات نظارت داشته باشد. ثانیاً، علاوه بر ملاک‌های عرفی، ملاک‌های دیگری برای مالیت در نظر گرفته است. ثالثاً، کلیه رمزارزش‌ها مخصوصاً رمزارزش‌های قابل استخراج مبتنی بر قواعد اسلامی، شرایط مالیت در اسلام را دارند ولی باتوجه به شرایط کشور اسلامی، در دایره فقه حکومتی ممکن است شرایط و ضوابط معاملات را رعایت نکنند.

امینی‌نیا و جلیلی (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر مزایا و معایب رمزارزها در توسعه اقتصاد بین‌الملل»، ضمن معرفی مفاهیم و ارائه ابعاد مختلف ارزهای دیجیتال، به تأثیر آن بر توسعه اقتصاد بین‌الملل پرداخته‌اند. آن‌ها مهم‌ترین موضوع بازار ارزهای رمزنگاری شده را استفاده از ارزهای دیجیتالی در سرمایه‌گذاری‌های تجاری مانند استارت‌آپ‌ها و انجام معاملات در سطح بین‌المللی دانسته که موجب حرکت بسیاری از کشورها به سمت استفاده گسترده از این نوع ارزها شده است. همچنین در ادامه یکی از مهم‌ترین مزایای استفاده از ارز دیجیتال در تجارت بین‌المللی را مربوط به کارمزد معاملات و انتقال هزینه دانسته و گفته‌اند دغدغه اصلی تجار و بازرگانان در انجام معاملات برون‌مرزی تفاوت نرخ ارز کشورهای مختلف است.

خورسندی کوچصفهانی و چیتسازان (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «واکاوی ارزهای دیجیتال از منظر فقه حقوق»، ارزهای دیجیتال را نوعی از پول در فضای مجازی می‌دانند که در بستر شبکه اینترنت به‌وجود آمده‌اند و دارای ماهیت پولی‌اند و از منظر فقهی مال محسوب می‌شوند و ازجمله عیون به‌شمار می‌روند. آن‌ها ماهیت ارزهای دیجیتال را ساده دانسته و معتقدند تا رفع ابهامات و معایبی که در مورد ارزهای دیجیتال مطرح است، این ارزها از تأیید شرعی بهره‌مند نیستند.

غلامی‌معاف و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «رمزارز بیت‌کوین و خدمات ملی و فراملی آن»، ضمن بررسی وضعیت ارز دیجیتال بیت‌کوین در ایران و قابلیت‌های مختلف آن به این نتیجه رسیده‌اند که به‌دلیل عدم دخل و تصرف بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری که ناشی از فناوری بلاک‌چین است، می‌توان از بیت‌کوین به‌جای پول در مراودات مالی کشور در شرایط تحریمی و فشار اقتصادی استفاده نمود.

آذری و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «بررسی احکام فقهی ارز مجازی»، به این نتیجه رسیده‌اند که دیدگاه فقه در مقابل با موارد مستحدثه مالی از جمله بیت‌کوین تأییدی است. پول مورد تأیید فقه شیعه محصور به وجوه نقد نیست. مالیت یک ارز رابطه مستقیمی با مطلوبیت آن در میان مردم و عرف عقلا دارد. در فقه شیعه هیچ قید و مبنایی بر آنکه مالیت ایجاد شده از مزایای مصرف‌گرایی باشد، وجود ندارد و ارز مجازی و بیت‌کوین مالیت دارد.

نوروزی و شعبانی (۱۴۰۰)، در «بررسی فقهی انتشار رمزارز نفت‌پایه توسط جمهوری اسلامی ایران»، با اشاره به محدودیت‌های پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌الملل معتقدند رمزارزها می‌توانند در جایگاه ابزاری کارآمد جهت تأمین مالی پروژه‌های بخش بالادستی صنایع نفت و گاز به‌عنوان یکی از بخش‌های راهبردی کشور به ایفای نقش بپردازند. آنان به بررسی ابعاد فقهی متناسب با موضوع رمزارز نفت‌پایه جمهوری اسلامی ایران پرداخته و نتیجه گرفته‌اند از میان انواع رمزارزهای قابل انتشار، تنها توکن‌های تأمین مالی مشارکت مبتنی بر نفت تولیدی به‌دلیل احراز شرایط صحت عقد، عدم اکل مال به باطل، عدم وجود ربا، عدم وجود غرر و عدم وجود ضرر، منطبق با موازین شرعی می‌باشد.

موسویان (۱۳۹۹)، در تحقیقی با عنوان «مشروعیت رمزارزها از منظر فقه حکومتی و فردی»، می‌گوید رمزارزها از منظر فقه فردی یک نوع مال بوده و معاملات آن‌ها ربوی و غرری نیست؛ اما، از منظر فقه حکومتی به استناد ادله‌ای مانند قاعده نفی ضرر، احترام، اقدام و عدالت که همگی مانع از اجرای سیاست‌های نادرست پولی و افزایش بی‌رویه حجم پول در نظام اقتصادی اسلامی می‌شوند، مقتضی است تا زمانی که از طرف حاکمیت، نظم حقوق برای کنترل رمزارزها در اقتصاد کشور ترتیب داده نشده، از معاملات در زمینه رمزارزها جلوگیری شود.

حسینی‌مقدم و فرزین‌فر (۱۳۹۸)، در تحقیقی با عنوان «تحلیل وضعیت زنجیره‌های بلوکی و معاملات ارزهای دیجیتال از منظر حقوق ایران و فقه امامیه»، اظهار داشته‌اند، مزایای زنجیره‌های بلوکی، طیف گسترده‌ای از فرایندهایی چون ثبت و تبادل اطلاعات و دارایی‌های نامشهود مانند رأی‌گیری الکترونیک، اختراع، حمل‌ونقل و بیمه را به همراه

خواهد داشت. از سوی دیگر ارزهای دیجیتال نوعی پول محسوب شده و می‌توانند مانند پول ثمن معامله قرار گیرند، چراکه با دلایل ارائه شده معاملات آن‌ها ربوی و غرری نیست. ایشان در این تحقیق بیان داشته‌اند می‌توان از رهگذر مفهوم‌شناسی بلاک‌چین و ارزهای دیجیتال مشروعیت یا عدم مشروعیت بیع ارزهای دیجیتال را شناسایی کرد.

رجبی (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان «ارز مجازی، قانون‌گذاری در کشورهای مختلف و پیشنهادها برای ایران»، پس از بررسی موضوعات مرتبط و قوانین رمزارزها در کشورهای مختلف به تلاش‌های گسترده برای انتقال بین‌المللی وجه در عین مبارزه با پول‌شویی و مالیات برانتقال آن‌ها اشاره کرده و به ضرورت فعالیت بخش‌های مختلف برای سامان‌دهی وضعیت ارزهای مجازی تأکید می‌نماید.

سلیمانی‌پور و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیقی با عنوان «بررسی فقهی پول مجازی»، درصدد ماهیت‌شناسی پول مجازی برای شناسایی احکام شرعی مترتب بر پول مجازی و استفاده از آن در نظام پولی و بازار سرمایه اسلامی بوده و معتقدند برخی عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده پول مجازی مانند ماهیت پول و پشتوانه آن، خصوصی‌بودن، الکترونیکی بودن و ورود پول مجازی به دنیای حقیقی مطرح بوده که مهم‌ترین ملاحظه پذیرش پول مجازی در نظم کنونی پول، سامان نظام در پول حقیقی و مجازی در کنار یکدیگر است.

فرقان‌دوست حقیقی و نداف (۱۳۹۶)، در تحقیقی با عنوان «مروری بر رمزارزها، فرصت‌ها و تهدیدها»، ضمن اشاره به بحران مالی و بی‌اعتمادی به نهادهای مرکزی در سال ۲۰۰۹ بازارهای مالی جهان به ظهور ارزهای مجازی و یا رمزارزها اشاره کرده و می‌افزایند، طی زمان بسیار کوتاهی این نوع پول‌ها توانستند جایگاه خود در مبادلات روزانه مردم را پیدا کنند و اگرچه حاکمیت‌ها نسبت به پذیرش این نوع از پول مقاومت نشان داده‌اند و برخوردهای متناقضی در این زمینه وجود دارد؛ اما، مخترعان این نوع پول‌ها و فعالان مالی با تلاش برای رفع چالش‌ها و ایجاد نوآوری مالی در این عرصه، سعی در گسترش این پدیده دارند. در زمان عادی هرچه اختلاف بین هزینه ارز الکترونیکی و ارز بانکی کوچک‌تر شود تمایل به استفاده از ارزهای بانکی بیشتر می‌شود و هرچه این اختلاف بیشتر شود مانند زمان‌هایی که خبر درباره وضعیت سیستم بانکی

منتشر شود، تمایل به استفاده از ارز دیجیتال بیشتر خواهد شد.

همان‌گونه ملاحظه شد در پژوهش‌های مذکور به فرصت‌ها و تهدیدهای رمزارزها پرداخته شده؛ اما بررسی این موضوع از حیث اهمیت و مبتنی بر اقتصاد اسلامی و همچنین برگرفته از نظریات کارشناسان و دست‌اندرکاران این موضوع امری بدیع و ضروری است که در این پژوهش سعی بر انجام و ارائه آن شده است.

۲. چهارچوب نظری

برای بررسی رمزارزها از منظر فقه، باید دو سطح شخصی و حکومتی را مدنظر قرار داد؛ سطح فقه شخصی که به مسائل نگاه شخصی دارد و سطح فقه حکومتی که با نگاه کلان و نظام‌مند به موضوعات و نهادها می‌پردازد. از سویی دیگر مسائلی چون مالیت اعتباری رمزارز و مثلی یا قمی بودن آن مطرح است برخی معتقدند مالیت ارزهای مجازی یک مالیت اعتباری بوده و ارزش آن را یا باید به‌خاطر یک اعتماد و اقبال عمومی برای پذیرش آن و یا به آن الگوریتم پیچیده ریاضیات که در نهایت منجر به مالیت رمزارز شده است، بدانیم رمزارز نه از جنس کیل است و نه از جنس موزون بلکه معدود بوده و امکان ربای معاملی در رمزارز منتفی است (ربانی موسویان، ۱۳۹۹، ص. ۶۴).

آنچه در زمینه صحت شرعی رمزارز بیشتر مورد اهمیت است، جنبه‌های فقه حکومتی از جمله قواعد فقهی لاضرر، اختلال نظام و اتلاف است که باید آن‌ها را در مورد رمزارزها مورد تأمل قرار داد. همچنین مباحثی نظیر غرر و ربا در رمزارز نیز مطرح است. برخی به‌دلیل ناآشنایی و وجود ابهامات فراوان از این مباحث عبور کرده‌اند که به نظر می‌رسد عدم توجه به آنها چالش‌ها و تهدیدهایی به همراه دارد که مهم‌ترین آن‌ها امکان پول‌شویی و کاهش قابلیت کنترل بر انتقال‌های مالی، نظارت عمومی بین‌المللی بر عناصر اقتصادی یک کشور به‌خصوص عنصر سرعت گردش پول، نوسانات و تغییرات قیمتی بالا ناشی از سفته‌بازی، توزیع ناعادلانه ثروت از جمله تهدیدهای بیت‌کوین برای نظام اقتصاد اسلامی است؛ اما از سویی این نوع نظام پولی در کنار سایر تهدیدهایی که می‌تواند برای نظام اقتصاد اسلامی داشته باشد، فرصت‌های زیادی نیز دارد که اگر به نحو مطلوب از آن‌ها استفاده شود، اثرهای مثبت آن در اقتصاد

کلان کشور قابل مشاهده خواهد بود؛ این فرصت‌ها عبارت‌اند از: ایجاد فرصت برای ارائه پول مورد نظر اسلامی، عدم نیاز به بانک و سیستم ربوی بانکداری، تحرک فقه از موضع انفعالی به موضع فعالی، دورزدن تحریم‌ها و کارشکنی‌های اقتصادی دشمنان اشاره نمود. رمزارز از جمله پدیده‌هایی است که مراکز فقهی هنوز به‌طور جدی در بحث موضوع‌شناسی آن ورود نکرده‌اند و به‌همین دلیل احکام فقهی و شرعی متناسب با آن شکل نگرفته است (صدای حوزه، ۱۳۹۹).

مجموع دیدگاه‌های ارائه شده در خصوص ماهیت و چیستی رمزارز را در سه نظریه می‌توان بررسی کرد. نظریه ابزاری یا ابزارانگاری که مطابق آن فناوری هدف نبوده بلکه وسیله‌ای در خدمت اهداف انسان است و نسبت به وجود آدمی و ماهیت جامعه امری عارضی و ارزش آن تابع اهداف غیرفناورانه است (کریستیانز، ۱۳۸۵، ص. ۲۲).

بر طبق این نظریه، از آنجاکه ماهیت فناوری و از جمله رمزارز به جهان‌بینی انسان شکل می‌دهد و این تسخیر و اقتدار به دلیل ماهیت مستقل، با هیچ واقعیت دیگری قابل جهت‌دهی و جهت‌یابی نیست، تلاش برای دینی ساختن رمزارز، بی‌فایده یا بی‌معنا خواهد بود. به بیان دیگر، فناوری به دلیل ماهیت متصلب و جهت‌یافته‌اش، رابطه مشخصی با دین ندارد و دین نیز نمی‌تواند در پرتو ارتباط، آن را همسو با خود جهت دهد و نظریه اقتضا یا اقتضاگرایانه که بر طبق آن، رمزارز نیز همانند هر مصنوع فناورانه دیگر، اقتضائات، ظرفیت‌ها، امکانات و محدودیت‌های خاصی دارد که می‌توان با بررسی و شناخت دقیق آن‌ها و مدیریت و مهندسی متناسب از حداکثر قابلیت آن‌ها بهره‌گیری نمود؛ و قابلیت‌ها و اقتضائات موجود رمزارز به تبع اوضاع و شرایط متغیر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و... جامعه استفاده‌کننده، همواره امکان قبض و بسط داشته و همه جوامع به یک اندازه از ظرفیت شناخته‌شده و بالفعل نیز استفاده نمی‌کنند این نظریه در مقایسه با دو نظریه مزبور از واقع‌نمایی و مقبولیت بیشتری برخوردار بود و در تحلیل رابطه میان دین و رمزارز نیز مبنای مناسب و تأییدشده‌ای به نظر می‌رسد (محمدی، ۱۳۸۲، ص. ۲۰۵).

۳. روش پژوهش

در میان روش‌های متداول برای انجام پژوهش‌های کیفی، استفاده از رویکرد «نظریه زمینه‌ای»^۱، که نوعی روش تحقیق کیفی است، برای این پژوهش انتخاب شد.

گراندد تئوری برای بررسی فرایندهای اجتماعی موجود در تعاملات انسانی و ساختار و روندی که منجر به آن شده است و به‌طور خاص برای پژوهش‌های اکتشافی که به دنبال نظریه‌پردازی یا دستیابی به الگو هستند، مناسب است و از روش‌های کدگذاری باز، محوری و گزینش برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. روش گراندد، یک رویکرد استقرایی برای کشف مفاهیم است و سازوکاری ارائه می‌دهد تا مفاهیم مهم موضوع پژوهش بر اساس داده‌ها شناسایی شوند. در زمانی که نظریه‌ای در موضوع مورد نظر وجود ندارد یا نظریه‌های موجود پراکنده بوده و مفاهیم مبهم هستند، با استفاده از روش داده‌بنیاد می‌توان به طراحی الگوی مفهومی پرداخت (فتحی نجفی و لطیف‌نژاد رودسری، ۱۳۹۵).

نظریه زمینه‌ای که با عناوینی چون نظریه داده‌بنیاد، مبنایی یا بنیادی نیز شناخته می‌شود، نخستین بار توسط گلیزر و استراوس^۲ (۱۹۶۷) تنظیم و ارائه شد. این رویکرد بر کشف نظریه از داده‌های میدانی به صورت استقرایی و بر مبنای تحقیق اجتماعی تمرکز می‌کند. این روش به هیچ نوع داده خاص، راهبرد پژوهشی یا علائق نظری مشخصی تعهدی ندارد و تنها در پی توسعه مفاهیم است. درواقع، ترکیب داده‌ها در قالب چهارچوب‌های مفهومی است که در رفت‌وبرگشت دائم میان داده‌ها و تحلیل‌ها ساخته می‌شود، یعنی از جمع‌آوری نظام‌مند داده‌ها به دست می‌آید. این کار با هدف رسیدن به نظریه یا مدلی است که در دل داده‌ها قرار گیرد (ذکایی، ۱۳۸۱، ص. ۵۴).

به‌طورکلی، چنان‌که مورس و ریچاردز^۳ (۲۰۰۲) نوشته‌اند: از نظریه مبنایی می‌توان در انواع پژوهش‌های کیفی مبتنی بر تجارب افراد در موقعیت‌هایی که احتمال تغییر آن‌ها می‌رود، استفاده کرد. در زمینه‌های مختلفی که درک واقعیت، فرایندی اساسی است؛ مانند انواع مطالعات اجتماعی، فرهنگی و... (ایمان و محمدیان، ۱۳۸۷، ص. ۳۸). عناصر اصلی این روش عبارت‌اند از: مفاهیم^۴، مقولات^۵ و گزاره‌ها^۶. دستیابی به نظریه

1. Grounded Theory
2. Glaser & Strauss
3. Morse & Richards
4. concepts

زمینه‌ای، نتیجه مفهوم‌سازی از داده‌ها است (ایمان و محمدیان، ۱۳۸۷، ص. ۵۵). در این راستا، رویدادها و اتفاقات معرف‌های بالقوه پدیده‌ها در نظر گرفته و تحلیل می‌شوند و در مرحله بعد، پژوهشگر برچسب مفهومی به آن‌ها می‌زند. در این نظریه، مقولات در سطح دوم و بالاتر از مفاهیم قرار دارند و انتزاعی‌تر هستند. مقولات که در واقع حاصل گروه‌بندی مفاهیم هستند، سنگ‌بنای نظریه‌سازی به‌شمار می‌روند. عنصر سوم نظریه زمینه‌ای، گزاره‌ها هستند که نشانگر روابط تعمیم‌یافته بین مقوله و مفاهیم آن و نیز بین مقولات ناپیوسته هستند. گلیر و استراوس آن‌ها را نوعی فرضیه تلقی کرده‌اند. گزاره‌ها دربرگیرنده روابط مفهومی هستند (استراوس و کوربین^۷، ۱۳۹۰، ص. ۷).

ساختن و تدوین مفاهیم، مقولات و گزاره‌ها در نظریه زمینه‌ای، گردشی است. یعنی جریان تحقیق، سیال است و محقق مرتب برای اصلاح، تغییر و رسیدن به مدل یا نظریه مناسب به مراحل قبلی رجوع می‌کند. به این ترتیب، محقق ناگزیر است برای ارائه تبیین یا تفسیر خود از واقعیت، روابط اولیه کشف یا مشاهده شده خود را موقتی فرض کند و به‌طور مرتب آن‌ها را با شواهد دیگری که در جریان گردآوری اطلاعات به‌دست آمده است، مقایسه کند. در ساختن نظریه زمینه‌ای، پنج مرحله تحلیلی کلی (و نه لزوماً متوالی) طی می‌شود که عبارت‌اند از: طراحی تحقیق، جمع‌آوری اطلاعات، مرتب‌کردن داده‌ها، تحلیل داده‌ها و مقایسه ادبیات. البته هر یک از این مراحل خود شامل مراحل جزئی‌تری نیز می‌باشند (ذکایی، ۱۳۸۱، ص. ۵۷).

نخستین گام، تعریف پرسش‌های تحقیق است، به‌نوعی که برای موضوع تحقیق مناسب باشند. گام بعدی، انتخاب نمونه‌ها است که مطابق با اصل نمونه‌گیری نظری^۵ انجام می‌شود. نمونه‌گیری نظری فرایند گردآوری داده‌ها برای تولید نظریه است که به موجب آن، تحلیل‌گر به‌طور همزمان، به جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل داده‌های خود می‌پردازد؛ بنابراین نمی‌توان پیش از انجام عملی تحقیق، درباره نمونه‌گیری تصمیم‌گیری کرد؛ زیرا این تصمیم‌ها در خلال فرایند تحقیق خود را ظاهر می‌کنند (استراوس و

5. categories

6. propositions

7. J. Corbin

8. Theoretical sampling

کوربین، ۱۳۹۰، ص. ۱۹۲).

معیار قضاوت درباره پایان نمونه‌گیری، «اشباع نظری»^۹ مقوله یا نظریه به‌دست‌آمده است. حجم نمونه در مطالعات کیفی به سطح اشباع نظری پرسش‌های تحقیق بستگی دارد. در این پژوهش‌ها، به لحاظ نظری بی‌نهایت امکان برای افزودن اشخاص به نمونه‌ها وجود دارد؛ اما ضروری است که معیاری برای محدود کردن نمونه‌گیری به‌شکلی موجّه، تعریف و مشخص شود چه زمانی می‌توان از انتخاب موارد بیشتر دست برداشت. گلیزر و استراوس، معیاری برای این منظور ارائه داده‌اند که به معیار «اشباع نظری» معروف است. براین اساس، نمونه‌گیری و افزودن بر اطلاعات هنگامی به پایان می‌رسد که «اشباع نظری» یک مقوله یا گروهی از موارد حاصل شود و دیگر اطلاعات جدیدی به‌دست نیاید (فلیک^{۱۰}، ۱۳۹۰، صص. ۱۳۸-۱۴۰).

به نوشته کوهن^{۱۱} و همکاران (۲۰۰۷)، «اشباع داده زمانی رخ می‌دهد که داده بیشتری که سبب توسعه، تعدیل و بزرگتر شدن یا اضافه شدن به نظریه موجود گردد به پژوهش وارد نشود». به عبارت دیگر، زمانی که تمام منابع اطلاعاتی، اطلاعات مشابهی را در اختیار بگذارند به اشباع رسیده‌ایم و ورود افراد جدید، تأثیر خاصی در جمع‌بندی نهایی نخواهد داشت (نقل در رنجبر و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۲۴۵).

رویکرد نظریه زمینه‌ای، استفاده از داده‌های متنوع را که ابعاد مختلف پدیده واحدی را نشان دهند، توصیه می‌کند. چنان‌که گلیزر و استراوس می‌نویسند: «اگرچه تحلیل‌گر می‌تواند تأکید خود را بیش‌تر بر یک تکنیک جمع‌آوری اطلاعات قرار دهد؛ اما نمونه‌گیری نظری برای اشباع یک مقوله، امکان پژوهش چندجانبه‌ای را فراهم می‌سازد که در آن محدودیتی برای تکنیک‌های جمع‌آوری داده‌ها وجود ندارد» (Glaser & Strauss, 1967, p. 65).

مرحله بعد، تحلیل داده‌ها است. تجزیه و تحلیل داده‌ها برای هر مورد (نمونه) بر اساس مفاهیمی صورت می‌گیرد که در جریان کدگذاری به‌دست می‌آید. «کدگذاری فرایندی محوری است که امکان رسیدن به یک مدل یا نظریه را بر اساس داده‌ها فراهم

9. Theoretical saturation

10. U. Flick

11. L. Cohen

می‌سازد» (Strauss & Corbin, 1990, p. 57).

استراوس و کوربین سه نوع کدگذاری آزاد یا باز^{۱۲}، محوری^{۱۳} و انتخابی یا گزینشی^{۱۴} را از یکدیگر تفکیک می‌کنند که ضرورتاً توالی خاصی را نشان نمی‌دهند و صرفاً جنبه تحلیلی دارند (ذکایی، ۱۳۸۱، ص. ۶۳).

«حساسیت نظری^{۱۵}» محقق، در نظریه زمینه‌ای یکی از اصول مهم به‌شمار می‌رود. مفهوم حساسیت نظری، بر ویژگی‌های فرد دلالت دارد و نشان‌دهنده آگاهی او از ظرافت‌ها و توجه به معانی داده‌ها در تحقیق است. این اصل مهم، موجب می‌شود که پژوهشگر با دوری از تعصبات فکری، به گردآوری و تحلیل داده‌ها بپردازد. حساسیت نظری به ویژگی بصیرت و مهارت محقق در معنی‌دار نمودن داده‌ها، درک و قدرت تجزیه و تحلیل عناصر مربوط از عناصر نامربوط اطلاق می‌شود که باید در تمام روند تحقیق به‌عنوان یک اصل کلی رعایت شود. توجه به بازاندیشی، کیفیت فرایندها و نتایج را ارتقاء داده و حساسیت محقق را در ارتباط با شرکت‌کنندگان افزایش می‌دهد (جوادی پاشاکی و درویش‌پور، ۱۳۹۸، ص. ۵۷).

۴. روش نمونه‌گیری

در پژوهش حاضر، نمونه‌گیری در دو بخش مجزا و برای دو هدف متفاوت انجام شد. در بخش اول تعدادی از کارشناسان و اساتید حوزه‌های مرتبط با موضوع پژوهش، به روش نمونه‌گیری هدفمند برای مشورت انتخاب شدند. لازم به ذکر است برای دستیابی به درک عمیقی از اوضاع و شرایط موجود، مشورت با اساتید و کارشناسان برای تعیین یک رویکرد جدید پژوهشی و پرهیز از دوباره‌کاری و تکرار مطالعات پیشین، در دستور کار قرار گرفت.

در این مرحله، از ۱۵ نفر از کارشناسان و مسئولان حوزه‌های مرتبط مشورت گرفتند و دو نفر از آنان نیز به‌عنوان همکار پژوهشی مسئولیت نظارت و مرور بخش‌های مختلف پژوهش را پذیرفتند. بدین ترتیب اولویت‌های پژوهشی برای طراحی سؤالات

12. open coding

13. axial coding.

14. selective coding

15. theoretical sensitivity

مصاحبه تعیین و مقرر شد تعدادی از افراد آسیب‌دیده در این حوزه شناسایی و مورد مصاحبه قرار گیرند.

برای بخش اصلی نمونه‌گیری، یعنی انتخاب و مصاحبه با افرادی که به‌نحوی در این زمینه صاحب‌نظر بودند از نمونه‌گیری نظری استفاده و تلاش شد تا با مراجعه به مراجع ذی‌ربط و کارشناسان، فهرستی از این افراد تهیه شود. در این راستا، پژوهشگران با توجه به سابقه فعالیت پژوهشی پروسه طولانی و تقریباً سه‌ماهه شناسایی و مصاحبه با این افراد را آغاز کردند. در نهایت، به‌رغم همکاری نکردن برخی از افراد و با وجود تمام دشواری‌ها و موانع دسترسی به این افراد که در بخش محدودیت‌های پژوهش ذکر شده است، پژوهشگران توانستند به تعدادی از افراد مناسب برای مصاحبه که حاضر به همکاری بودند، دسترسی پیدا کنند. بدین ترتیب روند اجرای مصاحبه‌ها آغاز شد و در نهایت تعداد ۱۵ مصاحبه انجام شد.

نفرات مذکور از متخصصان علوم اقتصادی، حقوق عمومی و خصوصی، فقه و مبانی حقوق به‌ویژه مدیران بخش‌های بانکی، اقتصاد پول و بانکداری، فارغ‌التحصیلان رشته‌های اقتصاد با گرایش‌های بانکداری و بانکداری اسلامی و همچنین کارشناسان و اساتید مسائل فقهی به‌ویژه متخصصان فقه اقتصادی انتخاب شدند.

پژوهشگر با حساسیت نظری، اقدام به گردآوری و تحلیل داده‌ها به‌صورت هم‌زمان پرداخت. در خلال انجام مصاحبه‌ها به تناسب بحث، پرسش‌های مصاحبه‌مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت و پرسش‌های جدیدی نیز برای بررسی دقیق‌تر ابعاد پژوهش طراحی شد. هر مصاحبه به‌طور متوسط ۶۰ دقیقه به طول انجامید و طی مراحل گردآوری داده‌ها و ظهور پرسش‌های جدید، برخی از مصاحبه‌شوندگان بنا به ضرورت و به‌منظور روشن شدن ابعاد دیگری از مسئله، بار دیگر مصاحبه شدند. انجام مصاحبه‌ها تا مرحله حصول اطمینان از اشباع نظری ادامه یافت.

لازم به ذکر است پس از ۱۲ مصاحبه، اشباع نظری تا حدود زیادی حاصل شد. با وجود این، برای اطمینان بیشتر، انجام مصاحبه‌ها تا مصاحبه شماره ۱۵ ادامه پیدا کرد و پس از حصول اطمینان از مشاهده داده‌های تکراری، فرایند نمونه‌گیری و مصاحبه، متوقف شد.

جدول (۱): مشخصات پاسخگویان

متغیر	شرح	فراوانی	درصد
جنس	زن	۲	۱۳
	مرد	۱۳	۸۷
تحصیلات	کارشناسی	۱	۷
	کارشناسی ارشد و سطح ۳ حوزوی	۱۱	۷۳
	دکتر و سطح ۴ حوزوی	۳	۲۰
	دانشجویان و پژوهشگران	۷	۴۷
سمت	مدیران و کارشناسان بانکی	۳	۲۰
	کارشناسان فقهی و حقوقی	۳	۲۰
	سایر کارشناسان ^{۱۶}	۲	۱۳
	۲۵ تا ۳۰	۲	۱۳
سن	۳۰ تا ۴۰	۴	۲۷
	۴۰ و بالاتر	۹	۶۰
جمع		۱۵	۱۰۰

منبع: (یافته‌های پژوهش)

۵. راهبرد تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌های کیفی گردآوری شده سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد تا درنهایت، مدلی ارائه شود. براین اساس، فایل‌های صوتی و یادداشت‌های کتبی مربوط به مصاحبه‌های انجام شده بلافاصله پس از انجام هر مصاحبه، به دقت پیاده‌سازی و برای استخراج مفاهیم، چند مرتبه به طور دقیق خوانده شد. لازم به ذکر است تعدادی از مصاحبه‌شوندگان نیز به علل مختلف، با ضبط مصاحبه‌هایشان موافقت نکردند که البته با توجه به حساسیت موضوع تا اندازه زیادی قابل پیش‌بینی بود. در مورد این گروه از مصاحبه‌ها تلاش شد تا تمام پاسخ‌ها و واکنش‌های پرسش‌شوندگان

۱۶. تحلیل‌گر بازار سرمایه و متخصص بازاریابی

به سؤالات پژوهشگر، در همان زمان با حداکثر دقت، یادداشت‌برداری و ثبت شود. پس از انجام این مصاحبه‌ها نیز در اولین فرصت، تمام جزئیات مورد توجه، به یادداشت‌ها اضافه شد. در مورد هر دو گروه از مصاحبه‌ها، مفاهیم و مقوله‌های مهم، پس از انجام هر مصاحبه، استخراج شد. در این مرحله پس از اتمام فرایند مفهوم‌سازی، فرایند مقوله‌بندی در دو سطح مقوله‌های اولیه (سطح ۱) و مقوله‌های انتزاعی‌تر (سطح ۲) انجام شد. بدین ترتیب، پس از دستیابی به مقوله‌های اولیه و مطالعه دقیق ارتباط میان آن‌ها، مقوله‌های انتزاعی‌تر (گزاره‌ها) استخراج شد.

چنان‌که اشاره شد مرحله کدگذاری انتخابی (گزینشی)، مرحله آخر در فرایند کدگذاری داده‌های کیفی است که همراه با بررسی دقیق داده‌ها و مرور کدگذاری‌های پیشین است. در این مرحله، پژوهشگر در عمق داده‌ها به تحلیل پرداخته و آن‌ها را در قالب مدل، الگوواره یا شبه‌نظریه‌ای که همان نظریه زمینه‌ای و هدف اصلی پژوهش بوده است، ارائه می‌دهد.

در پژوهش حاضر نیز پژوهشگر با طی این فرایند و تعیین مقوله‌های اصلی و مرور منابع و اسناد موجود و همچنین مشاهدات و تجربیات به‌دست‌آمده طی مصاحبه‌ها، به ابعاد و جنبه‌های گوناگون موضوع پژوهش دست یافت. به تدریج و با روشن شدن ابعاد مختلف این آسیب‌ها و پس از دستیابی به مقوله محوری یا هسته، مدلی اولیه درباره موضوع شکل گرفت و با گردآوری اطلاعات تکمیلی، جنبه‌های مختلف آن کامل و تبدیل به مدل نهایی شد.

۶. اعتبار پژوهش

مبحث اعتبار در پژوهش کیفی با پژوهش کمی متفاوت است. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها شیوه‌های متعدد و بسیار اعتباریابی در تحقیقات کیفی است. بررسی منابع و ادبیات تحقیق در این زمینه نشان می‌دهد، اغلب صاحب‌نظران، شیوه‌های خاص خود را برای اعتباریابی مشخص کرده‌اند، گرچه بیشتر شیوه‌ها، تقریباً یکسان است و فقط عناوین آن تغییر یافته است؛ به‌عنوان نمونه نیومن، چند نوع آزمون اعتبار به شرح زیر را معرفی می‌کند:

۱- هم‌سازی درونی: شیوه‌ای برای دستیابی به اعتبار داده‌های تحقیق میدانی که در آن محقق به توضیح موجه‌نمایی داده‌های خود می‌پردازد تا بیند آیا آن‌ها یک کل منسجم را تشکیل می‌دهند.

۲- هم‌سازی بیرونی: شیوه‌ای است برای دستیابی به روایی داده‌ها در تحقیق میدانی که در آن محقق داده‌های کیفی را با استفاده از منابع گوناگون اطلاعات کنترل کرده و آن‌ها را تأیید می‌نماید.

«ماکسول» نیز از چند شیوه برای اعتباریابی استفاده می‌کند که اعتبار نظری یکی از این موارد است. در اعتبار نظری، به کار میدانی گسترده و زاویه‌بندی نظری پرداخته می‌شود. کار میدانی گسترده به گردآوری داده‌ها در یک میدان در طول یک دوره زمانی گسترده اشاره دارد. منظور از زاویه‌بندی نظری نیز، کاربرد نظریات چندگانه در هنگام بررسی یک پدیده هدف انجام پژوهش با استفاده از دیدگاه‌ها و پرسش‌های چندگانه به‌منظور تأیید یا رد فرضیه‌ها است (ایمان و آقاپور، ۱۳۸۶، ص. ۳۹). در این پژوهش ترکیبی از شیوه‌های نیومن و ماکسول (هم‌سازی درونی و بیرونی، زاویه‌بندی نظری) استفاده خواهد شد. داده‌های نظریه برخاسته از داده‌ها، با استفاده از شیوه تطبیق پیوسته، گردآوری و تحلیل می‌شود. این شیوه علاوه‌براین که شیوه‌ای برای تحلیل داده‌ها است یک شیوه اعتباربخشی و اعتمادبخشی نیز محسوب می‌شود. به اعتقاد صاحب‌نظران: «نفس به‌کارگیری این روش، کافی است که خوانندگان را متقاعد سازد نتایج مطالعه، برخاسته از رویه‌های دقیق و نظام‌یافته گردآوری و تحلیل داده‌هاست» (Strauss & Corbin, 1990, p. 227).

در پژوهش حاضر نیز ابتدا با مشورت چند نفر از کارشناسان خبره در حوزه روش‌شناسی پژوهش و مطالعات جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، در مورد تمام مراحل پژوهش تصمیم‌گیری شد. پس از آغاز مراحل عملی کار و در خلال انجام پژوهش، مراحل مختلف از سوی دو نفر از اساتید و همکاران پژوهشگر، مورد بررسی و بازبینی قرار گرفت و اصلاحات لازم در هر مرحله اعمال شد. در خلال مصاحبه‌ها نیز برای اطمینان از اعتبار داده‌ها، مطالب ثبت‌شده به تأیید مصاحبه‌شوندگان می‌رسید.

درمجموع، تلاش شد با مستندسازی دقیق تمام مراحل پژوهش، معیارهای ارزشیابی مطالعات کیفی به‌دقت مورد توجه قرار گیرد.

۷. تعریف شاخص‌ها

۷-۱. پول

اگرچه تا کنون اقتصاددانان تعریف جامع و مانعی از پول که بتواند همه ویژگی‌ها و وظایف پول را پوشش دهد، ارائه نکرده‌اند؛ اما می‌توان با کمی اغماض پول را به‌عنوان وسیله‌ای برای دادوستد که مورد قبول عموم افراد جامعه باشد، تعریف کرد. پول همان وسیله مبادله قانونی در هر کشور خاص است. به عبارت دیگر وسیله مبادله رایج و قانونی و در گردش هر کشور را پول می‌گویند که می‌تواند پول نقد، انواع چک و حواله‌های بانکی را نیز شامل شود. پول در حالت کلی دارای وظایف سه‌گانه زیر است:

۱- نقش مبادله‌ای؛ ۲- معیار سنجش ارزش، ۳- داشتن قابلیت حفظ ارزش. پول در حالت کلی شامل پول معیار^{۱۷} (پول نظام پولی یک کشور) است؛ پول کالایی^{۱۸} (ارزش ماهوی پول برابر ارزش اسمی)؛ پول اعتباری^{۱۹} (ارزش اسمی آن بیش از ارزش ماهوی)؛ پول جزئی^{۲۰} که (جزیی از پول اعتباری)؛ پول عاملی^{۲۱} (نوعی از پول کاغذی = که پشتوانه آن پول فلزی است)؛ پول امانی^{۲۲} (پول متکی به اعتبار از پول بدون پشتوانه^{۲۳} (ارزش آن از طرف دولت معین می‌شود) و پول پول قانونی^{۲۴} (دارای رواج قانونی) می‌باشد (خلعتبری، ۱۳۷۱، صص. ۳۳۲ و ۳۳۳).

۷-۲. رمزارزها

«رمزارز»^{۲۵} درواقع دسته‌ای از ارزهای دیجیتال است که در آن‌ها از پروتکل رمزنگاری (کدگذاری) برای انجام تراکنش‌های مالی استفاده می‌شود. اولین ارز دیجیتال به اسم بیت‌کوین توسط شخص یا گروهی ناشناس به نام ساتوشی ناکاموتو طراحی و عرضه شد. یکی از ویژگی‌هایی خاص ارز دیجیتال غیرمتمرکز بودن آن‌ها است. این بدان

17. Standard money
18. Commodity money
19. Taken money; (Subsidiary coinage)
20. Factional money
21. Represent active money
22. Fiduciary money
23. Fail money
24. Jegal tender
25. Cryptocurrency

معناست که هیچ گروه یا سازمانی آن‌ها را کنترل نمی‌کند. به بیان ساده‌تر برای انتقال رمزارزها نیاز به وجود بانک‌ها یا اشخاص ثالث نیست و می‌توان آن را مستقیم به شخص دیگری منتقل کرد. این نقل و انتقالات بر پایه سیستم‌های رمزنگاری مانند بلاک‌چین^{۲۶} انجام می‌گیرد.

برخی معتقدند که ارزهای مجازی پول نیستند و به‌نوعی برای انتقال منفعت و خدمت در جامعه به‌منظور تسهیل در مبادلات و انتقال ارزش استفاده می‌شوند و به‌همین دلیل معتقدند که ارزهای دیجیتال، کالایی سرمایه‌ای هستند و برخی دیگر بر این باورند که ارز دیجیتال ماهیت پولی دارد (میرزاخانی و سعدی، ۱۳۹۷، ص. ۳۰). با توجه به اختلاف مذکور و تعیین پول بودن یا نبودن آن لازم است به تعریف اقتصادی آن بپردازیم.

اقتصاددانان سه کاربرد اصلی برای پول را مطرح کرده‌اند: واسطه‌ای برای تبادلات، واحد حساب و ذخیره ارزش (کیوانلو شهرستانی و ذوالفقاری، ۱۳۹۷، صص. ۵-۶). مخالفان پول بودن ارزهای دیجیتال بر این باورند که ویژگی‌های سه‌گانه فوق در مورد پول در مورد ارزهای دیجیتال به‌طور کامل تحقق نیافته است. طرفداران این نظریه معتقدند که ارزهای دیجیتال واسطه تبادلات نیستند، چراکه میان مردمان امروزی مرسوم نیست که از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای تبادل ارز استفاده کنند و تعداد کسانی هم که از آن استفاده می‌کنند، اندک است. همچنین به‌خاطر نبود تصویب قانون، ماهیت و مالیت ارزهای دیجیتال از منظر فقه مقارن، صفت غیرقانونی را دارا هستند و به‌عنوان واحد حساب نیز به‌کار نمی‌روند (کیوانلو شهرستانی و ذوالفقاری، ۱۳۹۷، صص. ۵-۶).

۳-۷. بلاک‌چین

واژه بلاک‌چین^{۲۷} ترکیبی از دو واژه بلوک و زنجیره است. این فناوری در حقیقت زنجیره‌ای از بلوک‌هاست.

در هر بلاک، هر اطلاعاتی می‌تواند ثبت شود، از جرم و جنایت‌های یک فرد تا جزئیات تراکنش‌های یک شبکه پولی مانند بیت‌کوین. در ارزهای دیجیتال، بلاک‌چین

26. Blockchain

27. Blockchain

جایی امن و مطمئن برای ذخیره سوابق تراکنش‌ها است؛ جایی که امکان دستکاری اطلاعات در آن وجود ندارد.

اطلاعات در بلاک‌ها ثبت می‌شوند و بلاک‌ها با هم به صورت زنجیره‌ای مرتبط می‌شوند. این زنجیره، بلاک‌چین را تشکیل می‌دهد.

بلاک‌چین یکی از فناوری‌های جدید و به‌روز دنیا در زمینه ارزهای دیجیتال بوده که به معنای زنجیره‌ای از اطلاعات دیجیتالی است که درون بلاک‌هایی از یک زنجیره ذخیره می‌شود. در بلاک‌های یک بلاک‌چین اطلاعات مختلفی از جمله سوابق معاملات ذخیره شده که همین امر سبب در امان ماندن اطلاعات می‌گردد. بلاک‌چین شامل انواع مختلفی بوده و توسط تمامی کاربران می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. بلاک‌چین نیز مانند بسیاری از فناوری‌های نو ظهور دارای مزایا و معایب خاص خود بوده که کاربران می‌توانند با بررسی این مزایا و معایب برای استفاده یا عدم استفاده از این فناوری تصمیم‌گیری کنند.

۸. یافته‌های پژوهش

در این تحقیق با استفاده از رویکرد «نظریه زمینه‌ای»، که نوعی روش تحقیق کیفی است نسبت به جمع‌بندی مؤلفه‌های پژوهش اعم از عوامل محیطی، اجتماعی و مرتبط که باعث استفاده از رمزارزها از نگاه کارشناسان می‌شود، اقدام شده و پیامدهای مثبت و منفی، راهبردها و عوامل مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای بهره‌گیری از رمزارزها، استخراج و جدول مفاهیم و مقولات از داده‌های کیفیت تحقیق (جدول ۲) و مدل نظری فرصت‌ها و تهدیدهای بهره‌گیری از رمزارزها در مبادلات مالی (نمودار ۱)، ارائه شده است.

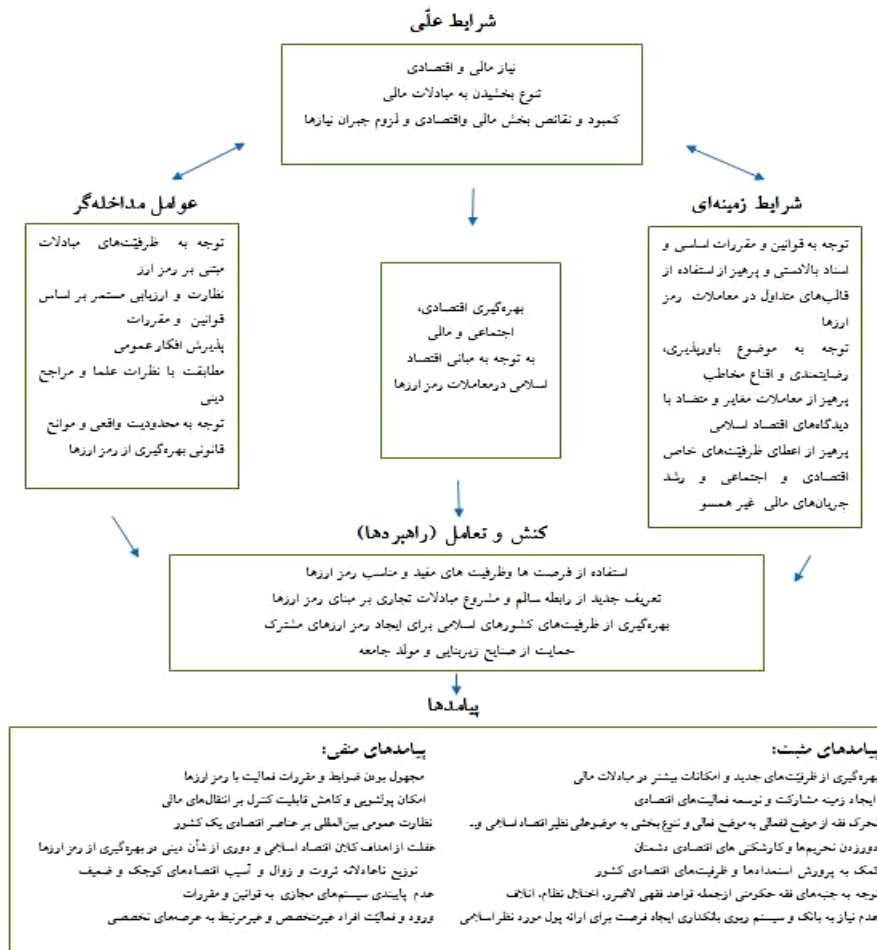
جدول (۲): مفاهیم و مقولات استخراج شده از داده‌های کیفی

مقولات	مؤلفه‌های پژوهش
نیاز و ضرورت مالی و اقتصادی	عوامل محیطی، اجتماعی و
تنوع بخشیدن به مبادلات مالی	مرتبط که باعث استفاده از
کمبود و نقایص بخش مالی و اقتصادی و لزوم جبران نیازها	رمزارزها می‌شود
بهره‌گیری از ظرفیت‌های جدید و امکانات بیشتر در مبادلات	پیامدهای مثبت بهره‌گیری از

مؤلفه‌های پژوهش	مقولات
رمزارزها	مالی
	ایجاد زمینه مشارکت و توسعه فعالیت‌های اقتصادی
	تحرک فقه از موضع انفعالی به موضع فعالی و تنوع‌بخشی به موضوعاتی نظیر اقتصاد اسلامی و...
	دورزدن تحریم‌ها و کارشکنی‌های اقتصادی دشمنان
	کمک به پرورش استعدادها و ظرفیت‌های اقتصادی کشور
	توجه به جنبه‌های فقه حکومتی از جمله قواعد فقهی لازم‌ر، اختلال نظام، اتلاف
	عدم نیاز به بانک و سیستم ربوی بانکداری
	ایجاد فرصت برای ارائه پول مورد نظر اسلامی
	مجهول بودن ضوابط و مقررات فعالیت با رمزارزها
پیامدهای منفی بهره‌گیری از رمزارزها	امکان پول‌شویی و کاهش قابلیت کنترل بر انتقال‌های مالی
	نظارت عمومی بین‌المللی بر عناصر اقتصادی یک کشور
	زوال و آسیب اقتصادهای کوچک و ضعیف
	غفلت از اهداف کلان اقتصاد اسلامی و دوری از شأن دینی در بهره‌گیری از رمزارزهای خارجی
	ورود و فعالیت افراد غیرمتخصص و غیرمرتبط به عرصه‌های تخصصی
	توزیع ناعادلانه ثروت
	عدم پایداری سیستم‌های مجازی به قوانین و مقررات
	استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های مفید و مناسب رمزارزها
	تعریف جدید از رابطه سالم و مشروع مبادلات تجاری بر مبنای رمزارزها
راهبردهای بهره‌گیری از رمزارزها	بهره‌گیری از ظرفیت‌های کشورهای اسلامی برای ایجاد

مؤلفه‌های پژوهش	مقولات
عوامل مؤثر (مداخله‌گر) در بهره‌گیری از رمزارزها	رمزارزهای مشترک
	حمایت از صنایع زیربنایی و مولد جامعه
	مطابقت با نظرات علما و مراجع دینی
	توجه به محدودیت واقعی و موانع قانونی بهره‌گیری از رمزارزها
	توجه به ظرفیت‌های مبادلات مبتنی بر رمزارز
	نظارت و ارزیابی مستمر براساس قوانین و مقررات
	پذیرش افکار عمومی
شرایط زمینه‌ای (شرایط اقتصادی، میزان دسترسی، ویژگی‌ها، نوع مبادلات، شناخت هنجارها) در بهره‌گیری از رمزارزها	پرهیز از اعطای ظرفیت‌های خاص اقتصادی و اجتماعی و رشد جریان‌های مالی غیرهمسو
	توجه به قوانین و مقررات اساسی و اسناد بالادستی و پرهیز از استفاده از قالب‌های متداول در معاملات رمزارزها
	توجه به موضوع باورپذیری، رضایتمندی و اقناع مخاطب
	پرهیز از معاملات مغایر و متضاد با دیدگاه‌های دینی

منبع: (یافته‌های پژوهش)



منبع: (یافته‌های پژوهش)

شکل (۱): مدل نظری فرصت‌ها و تهدیدهای مبادلات مالی مبتنی بر رمزارزها

نتیجه‌گیری

با توجه به فرصت‌ها و ظرفیت‌های رمزارزها، از جمله ایجاد زمینه مشارکت و توسعه فعالیت‌های اقتصادی و مبادلات مالی، کمک به پرورش استعدادها و ظرفیت‌های اقتصادی کشور، کاهش اثر تحریم‌ها و کارشناسی‌های اقتصادی دشمنان، بهره‌گیری از مواضع فعال و متنوع اقتصاد اسلامی، امکان ارائه پول موردنظر کشورهای اسلامی و...،

موضوع مبادلات مبتنی بر رمزارزها در اقتصاد اسلامی مهم و قابل توجه است و در صورت رفع موانع اساسی از جمله مجهول بودن ضوابط و مقررات فعالیت با رمزارزها و عدم پابندی سیستم‌های مجازی به قوانین و مقررات، امکان پول‌شویی و کاهش قابلیت کنترل بر انتقال‌های مالی، ایجاد زمینه نظارت عمومی بین‌المللی بر عناصر اقتصادی یک کشور و.... می‌تواند به بهره‌گیری بیشتر اقتصادی، اجتماعی و مالی از آن منجر شود.

همچنین تطبیق موضوعات مرتبط با رمزارزها، با نظرهای علما و مراجع دینی، توجه به محدودیت‌های واقعی و موانع قانونی بهره‌گیری از رمزارزها، توجه به ظرفیت‌های مبادلات مبتنی بر رمزارزها، نظارت و ارزیابی مستمر بر اساس قوانین و مقررات و پذیرش افکار عمومی مهم‌ترین عوامل مؤثر یا مداخله‌گر در بهره‌گیری از رمزارزها است. موضوعاتی نظیر پرهیز از اعطای ظرفیت‌های خاص اقتصادی و اجتماعی و رشد جریان‌های مالی غیرهمسو، توجه به قوانین و مقررات اساسی و اسناد بالادستی و پرهیز از قالب‌های متداول در معاملات رمزارزها، توجه به موضوع باورپذیری، رضایت‌مندی و اقناع مخاطب و درنهایت پرهیز از معاملات مغایر و متضاد با دیدگاه‌های دینی مهم‌ترین شرایط زمینه‌ای در بهره‌گیری از رمزارزها است.

در مدل نظری ارائه شده در این تحقیق با شرایط علی و سایر شرایط زمینه‌ای و عوامل مداخله‌گر، از پیامدهای متصور می‌توان نتیجه گرفت اقتصاد اسلامی در زمینه مبادلات مبتنی بر رمزارزها نه تنها منفعل نبوده بلکه دارای نظرهای دقیق و قابل توجهی می‌باشد؛ به عنوان نمونه پرهیز از مجهول بودن ضوابط و مقررات فعالیت با رمزارزها به دلیل دقت و امعان نظر در زمینه جلوگیری از ضرر (نفی قاعده ضرر) مقابله با امکان پول‌شویی و کاهش قابلیت کنترل بر انتقال‌های مالی و نظارت عمومی بین‌المللی بر عناصر اقتصادی یک کشور ناشی از موضوع مهم نفی سلطه بیگانگان (قاعده نفی سبیل) پرهیز از توزیع ناعادلانه ثروت و زوال و آسیب اقتصادهای کوچک و ضعیف، برای تعادل و توجه به اصل گردش سالم ثروت و تمرکززدایی و برقراری عدالت اقتصادی در جامعه بوده و در مجموع به اصل قوامیت اقتصاد برای اجتماع تأکید دارد.

در آخر اینکه مطابق این تحقیق در اقتصاد اسلامی، مبادلات مبتنی بر رمزارزها قابل توجه و نیاز بوده و پیامدهای مثبت آن می‌تواند به بهره‌گیری هرچه بیشتر از

ظرفیت‌ها و امکانات مالی و فعالیت‌های اقتصادی و مانعی برای تحرکات منفی دشمنان نظیر تحریم و تعرض مالی به حکومت اسلامی تلقی شود. ضمن آنکه برخی ملاحظات در پیامدهای منفی نیز ناشی از تدبیر و موضع فعال اقتصاد اسلامی بوده تا از رهگذر این پدیده نوظهور، موجب اضرار و تسلط بیگانگان نشده و به قوامیت اقتصاد برای اجتماع بیانجامد.

پیشنهادهای

با نگاهی به مطالعات صورت گرفته در باره رمزارزها می‌توان دریافت که رمزارزها کارکردهای پول سنتی و پول الکترونیک را در اقتصاد به عهده دارند و در بسیاری از موارد با قوانین شریعت و اصول و قواعد اسلامی مغایرت ندارند. بااین حال نظر به چالش‌ها و مسائلی که تا کنون در این زمینه وجود دارد، پیشنهاد می‌شود:

۱- با توجه به نو بودن موضوع رمزارزها و عدم شناخت عمومی، به‌ویژه از نگاه مراجع و به‌منظور وضع قوانین مناسب و نظارت دقیق در حوزه رمزارزها و تطبیق آن با نظرهای علما و مراجع دینی و بررسی همه‌جانبه موضوعات نوظهور در مباحث فقهی، نشست‌ها و همایش‌های علمی و تخصصی، پروژه‌های تحقیقاتی و کاربردی با هدف تهیه دستورالعمل‌های اجرایی مبتنی بر احکام اسلامی به‌ویژه از طریق استفتاء از مراجع و کسب نظرهای اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی انجام شده تا زمینه بهره‌گیری از این ظرفیت عظیم را در دنیای اسلام فراهم می‌آورد. همچنین با توجه به تحرک فقه از موضع انفعالی به موضع فعال و تنوع بخشی موضوعات اقتصاد اسلامی، به نظر می‌رسد می‌توان با تأسیس رشته‌ها و گرایش‌های دانشگاهی و همچنین تدوین دوره‌های آموزشی تخصصی در حوزه و دانشگاه، روند مبادلات مبتنی بر رمزارزها را تبیین و در صورت دریافت تأییدیه فقهی توسعه و تعمیق بخشید.

۲- از آنجاکه نتایج پژوهش بیان‌کننده تأکید مصاحبه‌شوندگان بر اهمیت مسائل مالی و اجتماعی در سطح کلان است و از طرفی تحریم‌های اقتصادی علیه کشورها به ابزاری برای تضعیف استفاده می‌شود و لزوم تعیین و پیگیری خط‌مشی سیاسی و

اقتصادی مبتنی بر اقتصاد اسلامی در کشورهای اسلامی مورد تأکید کارشناسان بوده است؛ از این رو شایسته است ضمن انجام مطالعات فنی و تخصصی و ارائه راهکارهای روزآمد و صحیح، فرصت‌های مناسب و بی‌بدیلی برای وحدت، وفاق و همدلی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در کشورهای اسلامی و کاهش اهرم‌های نظام سرمایه‌داری و تضعیف دول اسلامی از طریق دستگاه‌های دیپلماسی اتخاذ شود. در این زمینه، تعامل و همکاری بین‌بخشی به‌ویژه در وزارت اقتصاد و دارایی، وزارت امور خارجه و سایر دستگاه‌های مرتبط پیشنهاد می‌شود.

کتابنامه

- آذری، سکینه؛ افضل، روح‌الله و تارم، میثم (۱۴۰۰). بررسی احکام فقهی ارز مجازی، مطالعه موردی بیت‌کوین. فصلنامه مطالعات فقه اقتصاد، سال سوم، (۴)، ۱۰۱-۱۲۳.
- آقازاده، علیرضا (۱۴۰۱) بیت‌کوین چیست. پایگاه ارز دیجیتال: <https://arzdigital.com/what-is-bitcoin/>
- امینی‌نیا، عاطفه و جلیلی، سیده‌پریسا (۱۴۰۱). تحلیلی بر مزایا و معایب رمزارزها در توسعه اقتصاد بین‌الملل. مطالعات حقوق، (۲۵)، ۱۳۷-۱۴۶.
- ایمان، محمدتقی و آقاپور، اسلام (۱۳۸۶). تکنیک زاویه‌بندی در تحقیقات علوم انسانی. فصلنامه حوزه و دانشگاه، روش‌شناسی علوم انسانی، سال سیزدهم، (۵۲)، ۲۵-۴۳.
- ایمان، محمدتقی و محمدیان، منیژه (۱۳۸۷). روش‌شناسی نظریه بنیادی. روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)، ۱۴ (۵۶)، ۳۱-۵۴.
- بیاتی، محمدحسین؛ جاودان، محمدصادق و زمانیان، حسین (۱۴۰۲). بررسی فقهی رمزارزها با تمرکز بر اشکالات ناشی از واحد مبادله‌بودن و ساختار الکترونیکی آنها. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۲۳ (۸۹)، ۵-۳۳.
- جوادی پاشاکی، نازیلا و درویش‌پور، آذر (۱۳۹۸). مروری بر مفاهیم حساسیت نظری و بازاندهی در تحقیق کیفی. نشریه تحقیقات کیفی در علوم سلامت، سال هشتم، (۲)، ۵۷-۶۵.
- حسینی مقدم، سیدحسن و فرزین‌فر، به‌آرا (۱۳۹۸). تحلیل وضعیت زنجیره‌های بلوکی و معاملات ارزهای دیجیتال از منظر حقوق ایران و فقه امامیه. فصلنامه علمی تخصصی پژوهشنامه حقوق فارس، (۵)، ۲۷-۴۵.

- خلعتبری، فیروزه (۱۳۷۱). مجموعه مفاهیم بانکی و بین‌المللی. تهران: شبانویز.
- خورسندی کوچصفهانی، زهرا و چیتسازان، مرتضی (۱۴۰۰). واکاوری ارزش‌های دیجیتال از منظر فقه و حقوق. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای فقه، (۲).
- ذکایی، سعید (۱۳۸۱). نظریه و روش در تحقیقات کیفی. فصلنامه علوم اجتماعی، (۹).
- ربانی موسویان، سیدعلی (۱۳۹۹). مشروعیت رمزارزها از منظر فقه حکومتی و فردی. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۶ (۶۰)، ۵۳-۷۶.
- رجبی، ابوالقاسم (۱۳۹۷). ارزش مجازی، قانون‌گذاری در کشورهای مختلف و پیشنهادها برای ایران. گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۶۷۵-۶۴۹.
- رنجبر، هادی؛ حق‌دوست، علی‌اکبر؛ صلصالی، مهوش؛ خوشدل، علیرضا؛ سلیمانی، محمدعلی و بهرامی، نسیم (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع. مجله دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۰ (۳)، ۲۳۸-۲۵۰.
- رنجبر، هادی؛ حق‌دوست، علی‌اکبر؛ صلصالی، مهوش؛ خوشدل، علیرضا؛ سلیمانی، محمدعلی و بهرامی، نسیم (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع. مجله دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۰ (۳)، ۲۳۸-۲۵۰.
- سلیمانی‌پور، محمدمهدی؛ سلطانی‌نژاد، حامد و پورمطهر، مهدی (۱۳۹۶). بررسی فقهی پول مجازی. دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، سال ششم، (۱۲).
- صدای حوزه (۱۳۹۹). نگاه فقهی به ارزش دیجیتال. پایگاه صدای حوزه: <https://v-o-h.ir/?p=5714>
- غلامی معاف، کامیل؛ رمضانیان، محمدرحیم و فریدی، مرضیه (۱۴۰۰). رمزارز بیت‌کوین و خدمات ملی و فراملی آن. فصلنامه پژوهش‌های معاصر در علوم مدیریت و حسابداری، سال سوم، (۸).
- فتحی نجفی، طاهره و لطیف‌نژاد رودسری، رباب (۱۳۹۵). مشاهده در رویکرد گراند تئوری: یک مطالعه مروری. تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۵ (۲)، ۲۲۱-۲۲۹.
- فرقان دوست‌حقیقی، کامبیز و نداف، رضوانه (۱۳۹۶). مروری بر رمزارزها، فرصت‌ها و تهدیدها. ماهنامه امنیت اقتصادی، (۴۵)، ۱۴۰-۱۵۳.
- فلیک، اووه (۱۳۹۰). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کریستیانز، کلیفورد جی (۱۳۸۵). فناوری و نظریه سه‌وجهی رسانه (بازاندیشی درباره رسانه، دین و فرهنگ، استوارت ام. هوور، نات لاندبای). تهران: انتشارات سروش.

فرصت‌ها و تهدیدهای مبادلات رمزارزها با تأکید بر اقتصاد مقاومتی / اسماعیل زارعی کوشا و دیگران مطالعات اقتصاد اسلامی ۶۹۵

کشاورزی، محمدرضا؛ رضایی صدرآبادی، محسن و رعایائی، مهدی (۱۴۰۲). تحلیل فقهی - اقتصادی مالیت رمز ارزها در اقتصاد اسلامی. نشریه مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۵(۱)، ۷۹-۱۲۲.

کیوانلو شهرستانی، زهرا و ذوالفقاری، سعید (۱۳۹۷). بیت‌کوین (ارز دیجیتال) و اقتصاد. چهارمین کنفرانس ملی دستاوردهای نوین در برق و کامپیوتر و صنایع، مجتمع آموزش عالی فنی و مهندسی اسفراین.

محمودی، مجید (۱۳۸۲). دین و ارتباطات. تهران: کویر.

موسویان، سیدعلی (۱۳۹۹). مشروعیت رمزارزها از منظر فقه حکومتی و فردی. فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، سال شانزدهم، (۶۰)، ۵۳-۷۵.

میرزاخانی، رضا و سعدی، حسینعلی (۱۳۹۷). بیت‌کوین و ماهیت مالی فقهی پول مجازی. مجله جستارهای اقتصادی، (۳۰).

نوروزی، احمد و شعبانی، احمد (۱۳۹۰). بررسی فقهی انتشار رمزارز نفت‌پایه توسط جمهوری اسلامی ایران. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۴(۱)، ۱-۳۷.

Gholami Maaf, K.; Ramazaniayn, M. R. & Faridi, M. (2021). Cryptocurrency of Bitcoin and its national and international services. *Journal of Contemporary Research in Management and Accounting Science*, 3(8).

Glaser., B. G. & AL. Strauss (1967). *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. NewYork: Aldine de Gruyter.

Strauss, A. & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research Grounded theory proceduresand techniques* Newbury Park: Sage Publications.

Strauss, A. & J. Corbin (1990). *Basics of qualitative research Grounded theory proceduresand techniques*, Newbury Park: Sage Publications.

References

Aghazadeh, A. (2022). <https://arzdigital.com/what-is-bitcoin/>

Amini Niya, A. & Jalili, S. P. (2022). An analysis of advantage and disadvantage of Cryptocurrency in international economics development. *Journal of Legal Studies*, 6(25), 137-146. (In persian).

Azari, S.; Ruhollah Afzali, R., & Tarom, M. (2022). A Study of the Jurisprudential Rules of Virtual Currency: A Case Study of Bitcoin. *Economics Jurisprudence Studies*, 3(4), No 11. 101-123. (In persian).

Bayati, M.; Hossein, Javadan, M. S. & Zamaniyan, Hossein (1402) in the research "Jurisprudential investigation of cryptocurrencies with a focus on the problems caused by the unit of exchange and their electronic structure", *Islamic Economic Studies*, 23(89), 33-5. (In persian).

Fathi Najafi, T. & Latfnejad Roudsari, R. (2016). The role of observation in

- grounded theory: a narrative review. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 5(2), 221-229. (In persian).
- Flic, U. (2006). *An introduction to qualitative research*. (H. Jalili, 2011). Tehran. Nashre Nai.
- Forghandoost Haghighi, K. & Naddaf, R. (2017). A review on cryptocurrencies, opportunities and challenges. *Modern Research Approches in Management and Accounting*, 9(3), 61-74. (In persian)
- Gholami Maaf, K.; Ramazaniayn, M. R. & Faridi, M. (2021). Cryptocurrency of Bitcoin and its national and international services. *Journal of Contemporary Research in Management and Accounting Scince*, 3(8).
- Gholami Maaf, K.; Ramazaniayn, M. R., & Faridi, M. (2021). Cryptocurrency of Bitcoin and its national and international services. *Journal of Contemporary Research in Management and Accounting Scince*, 3(8), (In persian)
- Glaser., B. G. & AL. Strauss (1967). *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. NewYork: Aldine de Gruyter.
- Glaser., B. G. & AL. Strauss (1967). *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research* New York: Aldine de Gruyter.
- Hossaini Moghadam, S. H. & Farzin Far, B. A. (2019). Analysis of blockchains and transactions of cryptocurrency in view of Iran's law and Imamiah Jurisprudence Specialized Journal Science of Frs' Law, (5), 27-45. (In persian)
- Iman, M. T. & Aghapour, Islam. (2007). Triangulation technique in human science reserahes. *Seminary & Universities Journal, Methodology od Social Science*, 13(52), 25-43. (In persian).
- Iman, M. T. & Mohammadian, M. (2008). Methodolgy of Grounded Theory. *Methodology of Social Sience and Humanity Journal*, 14(56), 31-54. (In persian)
- Javadi Pashaki, N. & Darvishpour, A. (2019). The Review of theoretical sensitivity and reflexivity concepts in qualitative researches. *Journal of Qulitative Research in Health Science*, 8(2), 57-65. (In persian)
- Kaivanloo Shahrestanaki, Z. & Zolfaghari, S. (2018). Bitcoin (cryptocurrencies) and Economy. *The 4th new Achivments in Electrical, Computer and Industrial Engineering*, Sfaraien. (In persian)
- Khazuri, M. R.; Zaei. Sadrabadi, M. & Raayai, M. (1402). Jurisprudential-Economical Analysis of the Code of Values in Islamic Economy. *Journal of Islamic Economics Studies*, 15(1), 79-122. (In persian)
- Khelatbari, F. (1992). *Coollection of Bank Concepts and International*. Tehran, Shabaviz Press. 1st Edition. (In persian)
- Khorsandi Koochesfahani, Z. & Chitsazan, M. (2020). Analysis of cryptocurrency in view of jurisprudence and law. *Interdisciplinary Journal of Jurisprudence*, 1(2), 1-24. (In persian)
- M. H. N. L. (1997). *Rethinking media, religion, and culture*. Tehran, Sroush Press. (In persian)
- Mirzakhani, R. & Saadi, H. A. (2018). Bitcoin and the Financial-Legal Nature of Digital Money. *Journal of Iran's Economy Essays*, 15(30), 71-92. (In persian)

- Mohammadi, M. (2013). Religion and Comunication. Tehran, Kavir Press. (In persian)
- Rabbani Mosaviyan, S. A. (2020). The Legitimacy of Cryptocurrency in Governmental and Individual Jurisprudence. Journal of Jurisprudence and Law Reseraches, 16(60), 53-76. (In persian)
- Rajabi, A. (2018). Cryptocurrency, Legislate in different countries and comments for Iran. Report of Islamic Parliament Research Center of The Islamic Republic of Iran, 649-675. (In persian)
- Ranjbar, H.; Haghdooost, A. A.; Salsali, M.; Khoshdel, A.; Solaimani, M. A. & Bahrami, N. (2012). Sampling in qualitative researches: a guidnece for start. Annals of Military and Health Sciences Research, 10(3(39)), 250-238. (In persian)
- Soleymanipour, M. M.; Soltaninejad, H. & Pourmotahar, M. (2017). Jurisprudential Investigation into Virtual Money. Islamic Financial Research, 6[2(12)], 167-192. (In persian)
- Strauss, A. & Corbin, J. (1990). Basics of qualitative research Grounded theory proceduresand techniques Newbury Park: Sage Publications.
- Strauss, A. & J. Corbin (1990). Basics of qualitative research Grounded theory proceduresand techniques Newbury Park: Sage Publications.

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص. ۶۹۹-۷۳۰

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۴ روز نزد نویسندگان بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶

مطالعه تطبیقی نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی و روش مالیات‌ستانی و پرداخت‌های حمایتی در اسلام^۱

سیداحمد عاملی*

ایمان رفیعی**

چکیده

نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی حاکی از الگویی از نظام مالیاتی است که با نظام حمایتی مرتبط بوده و هم‌افزایی اطلاعاتی و عملیاتی را در پی داشته باشد. از آنجاکه بررسی ارتباط میان دو الگوی یکپارچه و الگوی اسلامی، ابعاد و الزامات مخصوص خود را دارد، با مقایسه مشخصه‌های نظام یکپارچه با انواع منابع بیت‌المال در صدر اسلام، تنها «انطباق نسبی» نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی با مجموع روش‌های مالیات‌ستانی و پرداخت‌های حمایتی در اسلام دیده می‌شود؛ به این معنا که نسبت به برخی شیوه‌ها، انطباق کامل مشخصه‌ها وجود دارد و نسبت به برخی شیوه‌های دیگر، تنها بعضی مؤلفه‌های نظام یکپارچه از شیوه مالیات‌ستانی اسلام قابل استنباط هستند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی مشخصه‌هایی چون تعیین آستانه بدهی مالیاتی، اخذ مالیات از ثروتمندان، وجود معافیت‌های مالیاتی مشروط به درآمد، پرداخت یارانه به نیازمندان و تأمین مالی برنامه‌های حمایتی از کانال مالیات‌ها را داراست که روش‌های مالیات‌ستانی زکات ابدان و خمس ارباب مکاسب با آن‌ها انطباق کامل دارند و روش‌های خراج، زکات اموال، خمس امور حیازتی و جزیه برخی از آن مشخصه‌ها را تأیید کرده و نسبت به برخی دیگر مخالفت مبنایی ندارند. در این میان تأمین مالی برنامه‌های رفاهی از محل مالیات‌ها، تنها مشخصه‌ای از نظام یکپارچه است که در وجوه مصرف انواع منابع بیت‌المال دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: مالیات، نظام حمایتی، یکپارچگی، اسلام.

طبقه‌بندی JEL: B59, H25, H53

۱. این مطالعه با حمایت پژوهشکده امور اقتصادی انجام شده است.

* استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

ameli@khu.ac.ir

0000-0003-3347-9735

** دکترای فلسفه اقتصاد اسلامی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، قم، جمهوری اسلامی

ایران (نویسنده مسئول).

i.rafiie.p@gmail.com

0009-0008-4380-6414

مقدمه

دولت اسلامی در راستای تأمین منابع لازم برای انجام وظایف حاکمیتی خود، مجاز و حتی ملزم به جمع‌آوری وجوهای از جامعه مسلمین است. از این رو منابعی چون زکات، خمس، جزیه و خراج تعیین گردیده‌اند تا منابعی جهت تأمین هزینه‌های دولت به حساب آیند.

از طرفی اقامه عدل در جامعه جزو مهم‌ترین وظایف دولت اسلامی به‌شمار می‌رود که از مصادیق آن عدالت اقتصادی و تأمین سطح رفاه و معیشت مناسب برای مردم است. به همین سبب سیاست‌های بازتوزیعی از همان ابتدا مورد توجه شرع بوده و بخشی از درآمدهای حاصل، به رفع نیاز اقشار کم‌درآمد جامعه اختصاص داده شده است.

امروزه نیز توجه به دولت رفاه سبب گردیده نظام‌های مالیاتی نوین به‌گونه‌ای شکل گیرند که با شناسایی اقشار نیازمند، به کمک بخشی از درآمدهای مالیاتی نیاز آن‌ها را با برنامه‌های حمایتی مختلف برطرف سازند. این برنامه‌های حمایتی اغلب از الگویی پیروی می‌کنند که در آن شناسایی ثروتمندان و نیازمندان در یک فرایند انجام می‌گیرد و باتوجه به منابع درآمدی محدود دولت، تأمین منابع این برنامه‌ها از مالیات‌ها صورت می‌گیرد. به این ترتیب خانوارها در سه دسته درآمدی جای می‌گیرند که باتوجه به خط معافیت مالیاتی، یا فقط مالیات پرداخت می‌کنند، یا فقط یارانه (مالیات منفی) دریافت می‌کنند و یا بر روی خط قرار می‌گیرند و نه مالیاتی پرداخت می‌کنند و نه یارانه‌ای دریافت می‌کنند.

بررسی انطباق این الگو با الگوی اقتصادی اسلام و پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان روش مالیات‌ستانی و پرداخت‌های حمایتی در اقتصاد اسلامی را با الگوهای نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی منطبق دانست، موضوعی است که در این مقاله بررسی خواهد شد؛ در صورتی که نظام یکپارچه با نظام مالیات‌ستانی اسلامی دارای تضاد نباشد و از طرف شارع، نهی خاص یا عام برای آن یافت نشود بلکه مشخصه‌های آن کمابیش در تأمین مالی دولت اسلامی در صدر اسلام نیز وجود داشته باشد، می‌تواند مجوزی برای به‌کارگیری آن در جوامع اسلامی باشد.

از باب انسجام محتوایی و ارتباط درونی اجزاء نظام یکپارچه و شیوه‌های

مالیات‌ستانی و پرداخت‌های حمایتی در اسلام، ابتدا مجموعه مشخصه‌های نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی طرح می‌گردد و سپس مطالعه تطبیقی انجام می‌شود. از این‌رو در ادامه، پیشینه بحث مطرح شده، بعد از آن مفهوم نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی بررسی شده، در ادامه مشخصه‌های آن بیان گردیده و سپس الگوی مالیات‌ستانی و پرداخت‌های حمایتی در اسلام به‌طور مجزا بررسی و در نهایت بررسی تطبیقی و نتیجه‌گیری به‌صورت نظری فارغ از جنبه‌های امکان‌پذیری عملیاتی شدن آن‌ها انجام خواهد شد.

۱. بررسی پیشینه پژوهش

مطالعات کمی در خصوص یکپارچگی نظام مالیاتی رفاهی در داخل انجام شده که به برخی از آن‌ها و برخی از مطالعات انجام‌شده توسط محققان خارجی اشاره می‌شود. توکلی و بحرینی (۱۳۹۴)، به تمایز مالیات‌های حمایتی و خدماتی در نظام مالیاتی اسلام توجه کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که در فلسفه و کارکرد این دو نوع مالیات تفاوت وجود دارد و این امر منجر به تفاوت در تجهیز و تخصیص آن دو نوع مالیات می‌شود. مالیات‌های حمایتی عمدتاً به‌صورت حق فقرا در اموال ثروتمندان مطرح می‌شوند و مکلفان با پرداخت آن، حق دیگران را ادا می‌کنند ولی مالیات‌های خدماتی به‌عنوان هزینه خدمات دولت برای عمران و مدیریت اجرایی جامعه می‌باشند و برای خدماتی که دولت برای شهروندان فراهم می‌کند، دریافت می‌شوند. زکات اموال، زکات فطره، سهم سادات از خمس، زکات مستحب و خراج از مصادیق مالیات‌های حمایتی و سهم امام از خمس، جزیه، فیه و مالیات حکومتی از مصادیق مالیات‌های خدماتی برشمرده شده‌اند.

شریف‌زاده و بهرمن (۱۳۹۹)، به ارزیابی تطبیقی درآمد پایه همگانی و تضمین حد معیشت در اقتصاد اسلامی پرداخته‌اند و اذعان می‌دارند اعطای درآمد پایه همگانی به‌عنوان اعتبار مالیاتی برگشت‌پذیر در چهارچوب نظام مالیات بر مجموع درآمد، با موازین اقتصاد اسلامی انطباق دارد و می‌تواند با کمترین هزینه، حداقل درآمد را برای همه شهروندان، نه فقط افراد تحت پوشش سازمان‌های حمایتی تضمین کند. درعین حال،

درآمد پایه همگانی، اگر به صورت پرداخت به همه افراد جامعه اجرا شود، به دلیل همگانی بودن نمی تواند از روش های اجرای نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی باشد.

بهرمن (۱۴۰۱)، طی گزارشی به نحوه ارتباط نظام مالیات بر مجموع درآمد با نظام یارانه ها پرداخته است. این گزارش ضمن تبیین ضرورت نظام یارانه ها با مالیات بر مجموع درآمد، الگوهای اتصال نظام یارانه ای و مالیاتی را بیان می کند که بر اساس آن الگوی مالیات بر درآمد منفی، الگوی اعتبار مالیاتی درآمد کار، الگوی اعتبار پایه برگشت پذیر و الگوی مالیات هموار / درآمد پایه، چهار الگوی یارانه های نقدی متصل به نظام مالیات بر مجموع درآمد هستند که دو مورد اول، هدفمند و دو مورد دوم، همگانی به حساب می آیند. نتایج این گزارش بیان می کند یکی از آسیب های نظام پرداخت یارانه در ایران، عدم ارتباط آن با نظام مالیاتی است؛ درحالی که در بسیاری از کشورها، علاوه بر آنکه منابع نظام حمایتی از طریق مالیات ستانی تأمین می شود، اظهارنامه های مالیاتی نقشی اساسی در تشخیص گروه هدف سیاست های حمایتی (خانوارهای کم درآمد) ایفا می کنند؛ چراکه اطلاعات مالیاتی اصلی ترین منبع برای شناسایی درآمد خانوار است.

رضایی و موحدی بکنظر (۱۴۰۱)، پانزده قاعده ناظر به ابعاد و سطوح مختلف ساختار حکمرانی مالیاتی را مطرح کرده اند که می تواند به عنوان مبنایی برای اصلاح یا ارزیابی یک نظام مالیاتی از منظر اسلامی در باب عدالت مورد استفاده قرار گیرد. قاعده چهارم این قواعد، به تضمین حداقلی از درآمد با بهره گیری از سازوکار مالیات منفی بر درآمد اشاره دارد؛ اگرچه منبع اصلی تضمین کننده آن را متکی بر عواید ناشی از منابع طبیعی می داند. این ویژگی، نقطه افتراق این مقاله با پژوهش حاضر است؛ چراکه در اینجا تأمین مالی برنامه های حمایتی از منابع مالیاتی، مشخصه نظام یکپارچه دانسته شده است.

فریدمن^۲ (۱۹۶۲)، به الگویی از نظام حمایتی مبتنی بر مالیات اشاره کرده که آن را مالیات بر درآمد منفی می نامد و می توان از آن به عنوان یکی از رویکردهای ارتباط میان نظام مالیاتی و نظام حمایتی یاد کرد. اگرچه وی در کتابش خیلی کوتاه به این بحث پرداخته؛ اما پس از او کارهای بسیاری در زمینه مالیات بر درآمد منفی انجام گرفت. طبق پیشنهاد فریدمن در کتابش، اگر درآمد مشمول مالیات فردی، کمتر از حد معافیت به

اضافه کسورات باشد، مالیات منفی پرداخت می‌کند، یعنی یارانه دریافت می‌کند. به این ترتیب، می‌توان سطحی از درآمد تعیین کرد که درآمد خالص هیچ شخص یا خانواری (که مستحق دریافت یارانه است) پایین‌تر از آن نباشد. طبقه‌بندی دقیق چنین مجموعه‌ای بستگی به توانایی ساختاری جامعه دارد؛ لکن در هر صورت، دستیابی به آن، چالش‌ها و خلل‌های نظام حمایتی گسسته را برطرف می‌کند.

اتکینسون^۳ (۱۹۹۵)، در کتاب اقتصاد بخش عمومی در عمل: طرح پیشنهادی درآمد پایه/ مالیات هموار، پیشنهاد مالیات هموار، همراه با پرداخت درآمد پایه و حذف سایر مالیات‌ها و مزایای تأمین اجتماعی را مطرح می‌کند که مبتنی بر این پیشنهاد برنامه پرداخت مالیات منفی مرتبط با نظام مالیاتی طراحی می‌شود. طرح در نظر گرفته شده توسط وی شامل پرداخت یک درآمد پایه به همه افراد است که جایگزین تمام مزایای تأمین اجتماعی خواهد شد. کمک به کارگران کم‌درآمد، کاهش نابرابری جنسیتی به دلیل استقلال طرح، عدم وابستگی به وضعیت شغلی و کاهش هزینه‌های اداری برای دولت و مالیات‌دهندگان از مزایای طرح اتکینسون شمرده شده‌اند.

جنتیلینی^۴ و همکاران (۲۰۲۰)، ضمن بررسی درآمد پایه همگانی، پاسخ برخی از سؤالات اصلی درخصوص این موضوع را روشن می‌کنند و به موضوعاتی حول تعریف، تعیین دامنه، تجربیات تاریخی و همچنین مجموعه‌ای از انتخاب‌های راهبردی جایگزین پرداخته‌اند و معتقدند حداقل در حال حاضر، یک برنامه درآمد پایه همگانی باید جدی گرفته شود. ایشان در فصل دوم کتابشان به مدل‌های مقایسه‌ای درآمد پایه همگانی پرداخته‌اند و در نوع‌شناسی برنامه‌ها به برنامه‌های مالیات بر درآمد منفی و مالیات بر درآمد کار به عنوان رویکردهای مالیات پایه اشاره کرده‌اند. این فصل قصد دارد با بررسی مؤلفه‌های اصلی مجموعه‌ای از سیاست‌های پیرامون کمک‌های اجتماعی، تفاوت‌های بین برنامه درآمد پایه همگانی و سایر ابزارهای ممکن را روشن کند.

درعین حال درخصوص تطبیق نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی با نظام مالیات‌ستانی و حمایتی در اسلام، پژوهشی انجام نشده است.

3. Atkinson
4. Gentilini

۲. مفهوم نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی

توجه به مسئولیت عمومی در قبال شهروندانی که نمی‌توانند امکانات لازم را برای معیشت خود تأمین کنند باعث ایجاد و شکل‌گیری دولت رفاه در میان الگوهای حکومت‌داری شده است. دولت رفاه، شکلی از حکومت است که در آن دولت (یا شبکه‌ای از نهادهای اجتماعی به‌خوبی تثبیت شده) از رفاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان خود بر اساس اصول فرصت‌های برابر و توزیع عادلانه ثروت، حمایت می‌کند و آن را ارتقا می‌دهد (The Editors of Encyclopaedia Britannica, 2023b). شکل و روش دولت رفاه در بین کشورها تنوع قابل توجهی دارد (Béland & et al., 2021)؛ اما در همه آن‌ها ارائه حداقل برخی از برنامه‌های رفاهی از طریق نهادهای خصوصی انجام می‌شود (Béland & Morgan, 2021) و مابقی برنامه‌ها برعهده دولت است.

در اروپا پنج الگوی رفاهی یا اجتماعی سنتی شناسایی شده است؛ نوردیک^۵، قاره‌ای^۶، آنگلو-ساکسون^۷، مدیترانه‌ای^۸ و اروپای شرقی^۹ (Sapir, 2005). الگوی نوردیک دارای بالاترین سطوح هزینه‌های حمایت اجتماعی و تأمین رفاه همگانی است. الگوی قاره‌ای به‌طور گسترده بر مزایای بیکاری مبتنی بر بیمه و مستمری‌های سالمندی متکی است. الگوی آنگلو-ساکسون دارای کمک‌های اجتماعی نسبتاً بزرگ به افراد در سنین بالا است و برای افراد در سن کار صرفاً انتقال‌های محدودی را در نظر می‌گیرد. الگوی مدیترانه‌ای به‌شدت دولت‌محور است و مخارج اجتماعی در آن ممکن است به سمت بازنشستگی سالمندی گرایش داشته باشد. الگوی اروپای شرقی با مقررات رفاهی محدودتر مبتنی بر هزینه‌های رفاهی دولت‌محور مشخص می‌شود (European Commission, 2016).

در ایالات متحده نیز چند برنامه اصلی رفاهی وجود دارد که یکی از آن‌ها اعتبار مالیاتی بر درآمد کسب شده (EITC)^{۱۰} است. این برنامه به‌گونه‌ای طراحی شده که افراد و خانواده‌های با درآمد کم تا متوسط بتوانند از معافیت‌های مالیاتی و مالیات منفی برخوردار شوند (Blau, 2003).

5. Nordic

6. Continental

7. Anglo-Saxon

8. Mediterranean

9. Eastern European

10. Earned Income Tax Credit

تأمین مالی این برنامه‌ها معمولاً از طریق مالیات‌دهندگان و مالیات‌های جمع‌آوری شده توسط دولت است (Hayes, 2023). این امر بیانگر ارتباط میان نظام حمایتی و برنامه‌های رفاهی با نظام مالیاتی و به مفهوم یکپارچگی نظام مالیاتی - حمایتی است. این در حالی است که در کشورهای استفاده‌کننده از منابع طبیعی و همه کشورهای خاورمیانه، سیستم‌های حمایت اجتماعی، عمومی هستند و در آن‌ها مزایا به صورت همگانی توسط دولت توزیع می‌شود؛ مانند کمک‌هزینه خانواده یا یارانه‌های غذایی که به همه افراد جامعه تعلق می‌گیرد (Jawad, 2013).

این راهبرد که توسط کشورهای حاشیه خلیج فارس دنبال می‌شود بر توزیع ثروت نفت از طریق برنامه‌های عمومی متمرکز است که پیامدهای اجتماعی - اقتصادی آن، ناهنجاری‌های ساختاری ناخواسته شدیدی ایجاد می‌کند؛ چراکه این منابع می‌توانست صرف توسعه منابع جدید ثروت گردد (Eifert, 2003)؛ بنابراین این نظام‌ها را می‌توان جزو نظام‌های حمایتی مجزا از نظام مالیاتی در نظر گرفت. اگرچه کاهش بهای نفت در سال‌های اخیر و به تبع آن کاهش درآمدهای کشورهای نفت‌خیز خلیج فارس، نیاز به سیستم‌های مالیاتی کارآمد، شفاف و پاسخگو را به عنوان راهی برای حفظ رشد اقتصادی و ثروت، برای این کشورها ضروری ساخته است (Ezenagu, 2021). انواع رویکردهایی که در آن‌ها برنامه‌های حمایتی از کانال نظام مالیاتی اجرا می‌شوند را می‌توان در موارد زیر برشمرد.

۲-۱. نقدی غیرمشروط

یکی از مهم‌ترین و باسابقه‌ترین برنامه‌های حمایتی نقدی غیرمشروط برنامه مالیات بر درآمد منفی^{۱۱} است. در این الگو با تعیین خط درآمد سربه‌سر یا آستانه بدهی مالیاتی، خانوارهایی که درآمدشان بیش از این مقدار باشد، مالیات پرداخت می‌کنند و خانوارهایی که درآمد کمتری از این مقدار دارند، به میزان درصدی از فاصله درآمدشان با این خط، مالیات منفی یا یارانه دریافت می‌کنند. همچنین اگر درآمد خانواده‌ای منطبق با این حد باشد، نه مالیاتی پرداخت می‌کند و نه یارانه‌ای دریافت خواهد کرد

11. Negative Income Tax (NIT)

(Fitzpatrick, 1999, pp. 88-90).

میلتون فریدمن (۱۹۶۲) با عنایت به آثار منفی طرح‌های حمایتی زمان خود، این پیشنهاد را مطرح کرد و معتقد بود اثر منفی بر انگیزه نیروی کار ندارد چراکه با افزایش ساعت کاری فرد، به درآمد خالص او افزوده می‌شود (Friedman, 1962, pp. 190-195).

۲-۲. اعتباری غیرمشروط

رویکرد مرسوم مالیات بر درآمد منفی توسط فریدمن مطرح شد؛ لکن رویکرد بدیلی نیز برای مالیات بر درآمد منفی توسط رالف^{۱۲} عنوان گردید که از آن با عنوان رویکرد مالیات اعتباری یاد می‌کند. این رویکرد دارای دو پایه اصلی است: یک نظام اعتبارات با مبلغ ثابت که همه افراد جامعه مستحق آن هستند و یک مالیات بر درآمد بدون هیچ‌گونه معافیت مالیاتی.

در این شیوه، می‌توان با استفاده از یک اعتبار مالیاتی عمومی و نرخ مالیاتی ثابت، مالیات متفاوتی را متناسب با شرایط افراد اتخاذ کرد یا یارانه پرداخت کرد. با اتخاذ نظام تک‌نرخ مالیاتی، می‌توان تعریف دقیق‌تری از درآمد مشمول مالیات ارائه داد و در نتیجه نظام مالیاتی را ساده‌سازی کرد (Rolph, 1967).

۲-۳. نقدی مشروط

مالیات بر درآمد منفی مشروط^{۱۳} نوع دیگری از برنامه‌های حمایتی است که در آن نظام مالیاتی و حمایتی به شکل یکپارچه طراحی شده است. این برنامه با هدف ارتقای انسجام اجتماعی از طریق توزیع مجدد درآمد مورد توجه قرار می‌گیرد (Snower, 2004).

شرایط ضمیمه شده به مالیات بر درآمد منفی در این برنامه می‌تواند موارد متعددی را شامل شود و محدود به شرایط خاصی نیست؛ مثلاً می‌تواند مشابه شرایطی باشد که به برنامه مزایای بیکاری مربوط می‌شود؛ از جمله ارائه شواهدی مبنی بر جستجوی جدی شغل (Orszag & Snower, 1998) یا داشتن شغل با درآمد پایین (Coe & Snower, 1997). به همین دلیل به عنوان یک سیاست جایگزین اصلی برای برنامه مزایای بیکاری در کنار یارانه اشتغال، معرفی شده است (Buti & et al., 2000).

12. Rolph

13. conditional negative income tax (CNIT)

۲-۴. اعتباری مشروط

برنامه اعتبار مالیاتی درآمد کار^{۱۴} برای ارتقای درآمد مزدگیران طراحی شده است. به موجب این طرح مالیات دهندگان کم درآمد که درآمد ناشی از کار داشته باشند، با توجه به تعداد افراد تحت تکفل و میزان درآمد ناشی از کار، از اعتبار مالیاتی برگشت پذیر برخوردار می شوند، یعنی مالیات کمتری می پردازند یا حتی ممکن است یارانه دریافت کنند.

در این طرح خانوارهای بدون درآمد هیچ مزایایی دریافت نمی کنند. با افزایش درآمد ناشی از کار، خانوار مستحق دریافت مزایا می شود و پس از گذشتن از حد مشخصی اگر درآمد همچنان افزایش پیدا کند از میزان مزایا کاسته می شود؛ بنابراین این طرح، یک طرح مشوق کار محسوب می گردد (Crandall-Hollick & et al., 2021).

۳. مشخصه های نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی

از بررسی نظام های مالیاتی مرتبط با نظام حمایتی می توان شاخص های زیر را به عنوان ویژگی های نظام مالیاتی - حمایتی یکپارچه به دست آورد تا با بررسی آن ها انطباق روش مالیات ستانی اسلام با نظام یکپارچه تعیین گردد. این شاخص ها در میان رویکردهای مختلف نظام های مالیاتی مرتبط با نظام های حمایتی قابل مشاهده است. این نکته قابل ذکر است که تمرکز مباحث نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی بر مالیات بر درآمد است و انواع دیگر مالیات، از جمله مالیات بر مصرف در قالب مالیات بر ارزش افزوده یا سایر پایه های مالیاتی و حقوق و عوارض گمرکی را شامل نمی شود.

۳-۱. تعیین آستانه بدهی مالیاتی

در نظام های مالیاتی - حمایتی یکپارچه، یک مقدار درآمدی بر اساس فرد یا خانوار تعیین می گردد که از آن با عنوان درآمد سربه سر یا محدوده معافیت مالیاتی یاد می شود. این میزان درآمد مبلغی است که یک شخص یا خانوار بتواند نیازهای ضروری زندگی خود را تأمین کند و از رفاه نسبی برخوردار شود. افراد و خانوارهایی که در این محدوده درآمدی جای می گیرند از پرداخت مالیات معاف هستند و از طرفی مزایایی را هم از طرف دولت در این خصوص دریافت نمی کنند (Moffitt, 2003).

این خانوارها به گونه‌ای است که اگر مالیاتی پرداخت نکنند، کفاف زندگی را می‌دهد و نیازی به دریافت یارانه و کمک‌های نقدی نخواهند داشت. آستانه بدهی مالیاتی لزوماً با خط فقر برابر نیست. در ایالات متحده خط درآمد سربه‌سر در برنامه رفاهی مالیات حاصل از درآمد کار برای فرد مجرد یا بیوه بدون فرزند، سالانه ۱۶۴۸۰ دلار در سال ۲۰۲۲ بوده است؛ درحالی‌که خط فقر در همان سال، به‌ازاء هر فرد ۱۳۵۹۰ دلار یعنی ۲۸۹۰ دلار کمتر از آستانه بدهی مالیاتی بوده است.^{۱۵} نتیجه این خواهد شد که یک فرد در بازه درآمدی ۱۳۵۹۰ دلار تا ۱۶۴۸۰ دلار اگرچه زیر خط فقر قرار نگرفته و فقیر به حساب نمی‌آید؛ اما شرایط دریافت اعتبار مالیاتی یا مالیات بر درآمد منفی را دارد.

۳-۲. اصل اخذ مالیات از ثروتمندان

منبعی که مالیات از آن اخذ می‌گردد، منبع نظام مالیاتی نامیده می‌شود. منبع نظام مالیاتی می‌تواند هریک از موارد زیر باشد: الف) درآمد خانوار از اشتغال؛ ب) درآمد ناشی از فعالیت شرکتی واحدهای اقتصادی منفرد؛ ج) دارایی‌های خانوارها و شرکت‌های تجاری در اقتصاد ملی. در هریک از این سه گروه، مالیات ممکن است مستقیم یا غیرمستقیم باشد (Mokrý, 2006). براین اساس، مالیات انواع مختلفی دارد که متناسب با شرایط کشورها وضع می‌شود؛ لکن در همه انواع آن، با تعریف پایه‌های مالیاتی متناسب، بخشی از درآمد یا ثروت افراد حقیقی یا حقوقی از آن‌ها گرفته می‌شود تا جهت تأمین هزینه‌های دولت صرف گردد.

این مالیات‌ها منابع مالی مورد نیاز یک کشور برای بقا را فراهم می‌کند. تنها تعداد انگشت‌شماری از کشورها نرخ مالیات بر درآمد صفر درصد دارند که بسیاری از آن‌ها کشورهای عربی تولیدکننده نفت هستند که به جای مالیات، با صادرات نفت بخش عمده‌ای از بودجه خود را تأمین می‌کنند. علاوه بر آنکه مالیات بر فروش و همچنین نرخ مالیات شرکتی نسبتاً بالا نیز در این کشورها به چشم می‌خورد (Kagan, 2023). در نظام‌های یکپارچه مالیاتی - حمایتی نیز این امر مدنظر قرار گرفته و از این‌رو

15. <https://www.healthcare.gov/glossary/federal-poverty-level-fpl/>

مطابق چنین نظام‌هایی افراد یا خانوارهایی که از ثروت و درآمد بالایی برخوردار هستند، ملزم به پرداخت مالیات با نرخ‌های ثابت یا پلکانی هستند؛ بنابراین اگر نظام رفاهی یک کشور بدون وضع مالیات و بدون اتکا به مالیات‌ستانی، تأمین مخارج کند و هزینه‌های رفاهی خود را پوشش دهد، نمی‌تواند از مصادیق نظام‌های مالیاتی - حمایتی یکپارچه به حساب آید.

۳-۳. وجود معافیت‌های مالیاتی مشروط

علی‌رغم اینکه اکثر کشورها از نظام مالیات بر درآمد برخوردار هستند؛ اما همه آن‌ها به نوعی معافیت‌های مالیاتی را نیز در نظر می‌گیرند. معافیت مالیاتی وضعیتی است که در آن شخص یا سازمانی مجبور به پرداخت مالیات نیست (فرهنگ لغت کمبریج^{۱۶}، ذیل معافیت مالیاتی). از این‌رو معافیت مالیاتی، هم می‌تواند شامل سازمان‌های دولتی و غیردولتی و هم شامل اشخاص شود؛ به عنوان مثال در ایالات متحده سازمان‌های خیریه، کلیساها و سازمان‌های مذهبی، سازمان‌های سیاسی و برخی سازمان‌های غیرانتفاعی دیگر از پرداخت مالیات معاف هستند.^{۱۷} همچنین روحانیون نسبت به درآمدی که از کلیسا دریافت می‌کنند، معاف از پرداخت مالیات هستند (Schloemer, 2009). این معافیت‌ها مطلق هستند و مشروط به سطح پایین درآمد اشخاص نیستند؛ اما آنچه در نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی قابل مشاهده است نوعی از معافیت‌های مالیاتی است که در ارتباط با سطح درآمد افراد است و در واقع خانوارها مشروط به داشتن سطح خاصی از درآمد یا پایین‌تر از آن، ملزم به پرداخت مالیات نیستند و از این معافیت برخوردار می‌شوند؛ بنابراین شاخصی که در نظام یکپارچه نسبت به معافیت‌های مالیاتی قابل بیان است، وجود معافیت‌های مشروط به سطح درآمدی است نه وجود هر نوع معافیت مالیاتی. اگر فرد یا خانوار در سطح درآمدی خاصی باشد مالیات درآمد پرداخت نمی‌کند و اگر پایین‌تر از آن باشد علاوه بر آنکه از معافیت مالیاتی بر درآمد برخوردار است، با وجدان سایر شرایط، مالیات منفی (یارانه) نیز دریافت می‌کند.

16. <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/tax-exemption>

17. <https://www.irs.gov/charities-non-profits/exempt-organization-types>

۳-۴. پرداخت یارانه به نیازمندان

یارانه مزیتی است که توسط دولت به خانوارها، شرکت‌های خصوصی یا واحدهای دولتی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم پرداخت می‌شود (The Investopedia Team, 2023)؛ یارانه‌های مستقیم یا مشهود^{۱۸} مانند پرداخت‌های نقدی به افراد و خانوارها به راحتی قابل شناسایی و اندازه‌گیری هستند ولی اندازه‌گیری یارانه‌های غیرمستقیم یا پنهان^{۱۹} مانند ارائه کالاها یا خدمات دولتی با قیمت‌های کمتر از قیمت فعلی بازار (OECD, 2022)^{۲۰}، دشوار است (The Editors of Encyclopaedia Britannica, 2023b).

نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی یارانه‌هایی را در نظر می‌گیرد که دولت‌ها در راستای حمایت از اقشار کم‌درآمد و افزایش درآمد آن‌ها، به صورت مستقیم به فرد یا خانوار پرداخت می‌کنند. این پرداخت می‌تواند نقدی، اعتباری یا کالایی باشد. از این رو پرداخت یارانه به بخش صنعت در راستای حمایت از صنعت خاصی یا پرداخت یارانه‌های قیمتی پنهان در راستای پایین نگه داشتن قیمت کالاها و خدمات نسبت به قیمت بازاری آن‌ها، از عناصر سازنده نظام یکپارچه نمی‌توانند باشند و از محل بحث خارج هستند؛ بنابراین بر اساس نوع نظام یکپارچه، یارانه‌ای مدنظر است که یا به همه افراد جامعه هدف به صورت غیرمشتروط پرداخت شود مانند نظام مالیات بر درآمد منفی فریدمن (NIT) یا صرفاً به واجدین شرط خاصی پرداخت گردد مانند نظام مالیات اعتباری بر درآمد کار (EITC) که فقط به افراد کم‌درآمدی تعلق می‌گیرد که درآمد حاصل از کار داشته باشند.

۳-۵. تأمین مالی برنامه‌های رفاهی از مالیات

تأمین مالی سیاست‌های اجتماعی یک موضوع اقتصادی و سیاسی بسیار برجسته است که با تضادهای مداوم در مورد اینکه سیاست‌های اجتماعی تا چه حد و از چه راه‌هایی باید تأمین مالی شوند و هزینه‌ها چگونه باید توزیع شوند، همراه است (Sjöberg, 2000). در گذشته تأمین مالی برنامه‌های رفاهی و حمایت از نیازمندان مالی به این نحو بود که کلیساهای اتحادیه‌های کارگری و دیگر آژانس‌های بشردوستانه خصوصی بیش از

18. direct or visible subsidies

19. indirect or concealed subsidies

20. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

نهادهای دولتی مورد توجه بودند تا اینکه افزایش روزافزون صنعتی شدن، همراه با شهرنشینی، منجر به تغییر نگرش در ماهیت هزینه‌های رفاهی دولت‌ها و افزایش دادن این هزینه‌ها شد. این تغییرات اگرچه حتی قبل از رکود دهه ۱۹۳۰ آشکار شده بود؛ لکن رکود این دهه، کمک زیادی به تسریع روند آن کرد (Newcomer, 1953).

امروزه سیستم‌های حمایت اجتماعی متکی به منابع درآمدی متفاوتی هستند که مالیات‌ها (به شکل سهمی از درآمدهای عمومی یا مالیات‌هایی که برای اهداف حمایت اجتماعی در نظر گرفته شده است) و مشارکت‌های اجتماعی (پرداخت شده توسط کارفرمایان یا کارمندان یا هر دو) بخش اصلی آن را تشکیل می‌دهند. منبع تأمین مالی به ویژگی‌های منافع مربوط می‌شود. منافع عمومی معمولاً از درآمدهای مالیاتی عمومی تأمین می‌شوند (Morel & Palme, 2012)؛ بنابراین اگر برنامه‌های رفاهی مستقیماً از منابع مالی در دست دولت مانند درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی یا حذف یارانه‌های قیمتی تأمین مالی شوند جزو مصادیق نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی به حساب نخواهند آمد.

۴. روش مالیات‌ستانی و پرداخت‌های حمایتی در اسلام

مسئول اداره مالیات در کشورهای اسلامی، به‌ویژه در اوایل خلافت اسلامی مرکزی با عنوان «بیت‌المال» بود (Habibur, 2015). اطلاق بیت‌المال هم به اموال منقول و غیرمنقولی صورت می‌گرفت که متعلق به عموم مسلمین بود و هم به مکانی که این اموال منقول در آن جمع‌آوری می‌شد (ابن جماعه، ۱۴۰۸ق، ص. ۱۰۶). اموال بیت‌المال که منابع و درآمدهای دولت اسلامی به حساب می‌آمد عبارت بودند از: خراج، زکات، خمس، جزیه، عُشر درآمدهای تجاری، فیه و انفال و موارد دیگری مانند درآمدهای اتفاقی و هر مالی که صاحب خاص نداشته باشد از قبیل اموالی که از دزدان گرفته شده و اموال پیدا شده که صاحبانشان پیدا نشوند و میراث بی‌وارث (سجادی، ۱۳۹۹).

از آنجاکه مالیات یک هزینه مالی اجباری است که از افراد و شرکت‌ها جمع‌آوری می‌شود (McLure & et al., 2023) نمی‌توان تمام اموال بیت‌المال را مالیات به حساب آورد چراکه برخی از آنها، اگرچه دارایی دولت بوده؛ اما از مردم اخذ نشده است و

برخی دیگر اگرچه از مردم تحصیل می‌شدند؛ اما اجباری نبوده‌اند. ازاین‌رو مصادیق مالیات ثابت در اسلام خراج، زکات، خمس و جزیه است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص. ۳۵۳) که در کنار مالیات‌های متغیر یا ثانوی (غفوری و غفوری، ۱۳۹۶)، منابع مالیاتی دولت اسلامی را تشکیل می‌دهند. دقت در منطق هریک از این‌ها می‌تواند رهیافت‌هایی برای کشف رویکرد اسلامی داشته باشد. ازاین‌رو در ادامه، اقسام مالیات ثابت در صدر اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. خراج

خراج مالیاتی است که از زمین‌های الحاقی به سرزمین اسلامی گرفته می‌شد (حسینی، ۱۳۸۰). این اصطلاح به معنی مالیات بر زمین و نیز نظام و قوانین خراجی در دوره اسلامی پس از فتح ایران و آشنایی مسلمانان با شیوه‌های رایج در ایران پدید آمد (ماوردی، ۱۴۰۹ق، صص. ۳۰۰-۳۰۱). حکام و دولت‌های مسلمان از همان آغاز به چگونگی سامان‌دهی تشکیلات خراجی، به‌عنوان مهم‌ترین منبع مالیاتی در دوره اسلامی، توجه داشتند. أخذ خراج به‌صورت سالیانه بود ولی معمولاً خراج و دیگر مالیات‌های نقدی، یکجا أخذ نمی‌شد بلکه به‌صورت اقساط، مثلاً در سه قسط، از رعایا گرفته می‌شد (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۲، صص. ۶۱-۶۳).

۴-۲. زکات

اقسام زکات در دو دسته زکات ابدان (خمینی، ۱۳۹۲، الف، ج ۱، ص. ۳۶۳) و زکات اموال (خمینی، ۱۳۹۲، الف، ج ۱، ص. ۳۲۹) قابل دسته‌بندی است. زکات ابدان که به آن زکات فطره نیز می‌گویند مالی است که فرد مکلف در صورت داشتن شرایط آن در روز عید فطر از جانب خود و افراد تحت تکفل خویش به فقرا می‌پردازد (حسینی آهق، ۱۳۹۵). مهم‌ترین شرط وجوب ادای زکات ابدان، توانایی مالی (صدر، ۱۳۸۴، صص. ۳۳۸-۳۴۰) است. زکات اموال شامل طلا و نقره مسکوک، شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش می‌شود (خمینی، ۱۳۹۲، الف، ج ۱، ص. ۳۳۲). ویژگی زکات اموال در مقابل زکات ابدان، این است که تا زمانی که اموال به مقدار معینی که به آن حد نصاب گفته می‌شود، نرسند، پرداخت زکات آن‌ها واجب نخواهد شد (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص. ۱۹۰).

۴-۳. خمس

خمس در اصطلاح شرع، حقی است که خروج آن از مال واجب است (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص. ۶۶). این حق به هفت امر تعلق می‌گیرد (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۱۶، ص. ۵). مهم‌ترین این موارد خمس ارباح مکاسب به معنای سودهای به‌دست‌آمده از کسب‌وکار است (مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص. ۳۶۴) که شامل انواع درآمدهای حاصل از تجارت، کشاورزی، صنعت، نویسندگی، خیاطی، اجاره اموال و دیگر کسب‌ها می‌شود (خمینی و سایر مراجع، ۱۳۸۱، ج ۲، ص. ۷). وجوب خمس در این مورد بعد از اخراج مؤونه است (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص. ۲۸۲).

۴-۴. جزیه

جزیه مالیاتی است که در برابر التزام حکومت اسلامی به خدمت‌رسانی به اهل کتاب و حمایت از اهل ذمه، پرداخت می‌شود (کلانتری، ۱۴۱۶ق، ص. ۳۴) و اهل کتاب در قبال اقامت در بلاد اسلامی و مصونیت از تعرض دیگران به آنان، بر اساس قرارداد ذمه، این مالیات را پرداخت می‌کنند (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص. ۲۲۷). در صدر اسلام جزیه یک پایه مالیاتی به حساب می‌آمده که بخشی از هزینه‌های مورد نیاز دولت اسلامی در جهت هزینه‌های عمومی جامعه، از جمله امنیت را تأمین می‌کرد و میزان آن برعهده حاکم و ولی‌امر گذاشته شده بود تا هر مقدار که مصلحت دانست، کم‌ و کیفاً تعیین کند (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص. ۳۹۴).

۵. مؤلفه‌های سازگار در الگوی مالیاتی - حمایتی اسلام

در ادامه، الگوی مالیات‌ستانی و حمایتی اسلام بر اساس شاخص‌های نظام یکپارچه مورد بررسی قرار می‌گیرد تا انطباق آن دو با یکدیگر مشخص شود.

۵-۱. خط درآمد سربه‌سر

زمانی می‌توان وجود این خط را در نظام مالیاتی - حمایتی اسلام تأیید کرد که افراد مالیات‌دهنده، باتوجه به سطح درآمدشان هیچ یارانه‌ای دریافت نکنند و درمقابل کسانی که پرداخت‌های حمایتی دولت را دریافت می‌کنند هیچ مالیات بر درآمدی نپردازند.

درعین حال وجود خانوارهایی که نه مالیات پردازند و نه کمک‌های حمایتی دریافت کنند مانعی ندارد.

با بررسی انواع مالیات‌ها، حمایت‌ها و خزانه‌ها در نظام اسلامی، درمی‌یابیم در برخی از پرداخت‌های مرتبط با خزانه اموال خاص، معیار مورد نظر اسلام، دائرمدار صدق عنوان فقر بر فرد است؛ به گونه‌ای که اگر این عنوان صدق نکند، فرد، پرداخت‌کننده مالیات خواهد بود و اگر صدق بکند دریافت‌کننده مالیات منفی می‌شود. همان‌طور که گذشت زکات ابدان و خمس ارباب مکاسب از مصادیق بارز این امر هستند. در این دو پایه مالیاتی، فرد مالیات‌دهنده باید علاوه بر مخارج سالش، مازاد درآمدی داشته باشد تا موظف به پرداخت مالیات گردد و در این صورت نمی‌تواند مستحق دریافت کمک‌های دولتی از خزانه اموال خاص باشد؛ بنابراین مفهومی از خط درآمد سربه‌سر را می‌توانیم در این دو مورد از پایه‌های مالیاتی در صدر اسلام بیابیم که وضع مالیات مثبت و منفی با سطح درآمدی افراد ارتباط مستقیم دارد.

در زکات اموال نیز حد نصاب، بخشی از کارکرد خط درآمد سربه‌سر در نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی را دارد چراکه در این پایه مالیاتی مطابق با خط درآمد سربه‌سر یا به عبارت دقیق‌تر خط دارایی سربه‌سر، فردی که بیشتر از نصاب معین داشته باشد ملزم به پرداخت مقدار معینی از عناصر تکلیفی در زکات اموال است و به‌طور ضمنی گویی فرض شده می‌تواند مایحتاج خود و خانواده‌اش را فراهم آورد، پس فقیر نیست. درعین حال اگرچه افراد زیر حد نصاب، مالیات پرداخت نمی‌کنند؛ اما لزوماً به این معنا نیست که استحقاق دریافت کمک‌های حمایتی دولت را داشته باشند بلکه ممکن است از وضعیت رفاهی خوبی برخوردار باشند و فقیر نباشند؛ لکن اموالی که دارند مشمول مالیات زکات نیست. تفاوت دیگر زکات اموال با نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی این است که زکات اموال، برخلاف نظام یکپارچه، با سطح درآمدی مالک ارتباط مستقیمی ندارد بلکه با سطح دارایی وی اعم از دارایی نقدی، دامی یا کشاورزی مرتبط است.

به جز این موارد، در سایر منابع بیت‌المال نشانه‌ای از خط درآمد سربه‌سر نمی‌توان پیدا کرد چنان‌که در خمس امور حیازتی که در خزانه اموال خاص قرار می‌گیرد، ممکن

است فردی که دارایی مشمول خمس را حیازت کرده است، درعین حال که خمس مال را باید پرداخت کند و جزو مالیات‌دهندگان به‌شمار آید، مستحق دریافت کمک‌های حمایتی دولت نیز باشد، پس هم مالیات پرداخت می‌کند و هم می‌تواند از اموال خاص دریافت کند.

خراج و جزیه نیز که متعلق به خزانه عمومی هستند و در امور عمومی مسلمین صرف می‌شوند، ارتباطی با سطح درآمدی مالیات‌دهندگان یا گیرندگان از این منابع ندارند. علاوه بر اینکه در جزیه به‌طور کلی اهل ذمه که موظف به پرداخت آن هستند، حتی در صورت فقیر بودن، مشمول دریافت مالیات منفی از خزانه عمومی نمی‌توانند باشند، اگرچه از خزانه اموال خاص، ردیف تألیف قلوب، می‌توان کمک‌هایی به غیرمسلمانان کرد؛ مانند کافر خریدار زمین از مسلمان که باید مالیات آن را پرداخت کند اما حتی در صورت فقر، استحقاقی از اموال عموم مسلمین ندارد.

۵-۲. اخذ مالیات از مجموع درآمد

در نظام‌های یکپارچه مالیاتی - حمایتی، محاسبات درآمدی جهت تعیین سطح درآمدی افراد یا خانوار، بر اساس مجموع درآمد انجام می‌گیرد. درواقع اقتضای چنین نظام‌هایی آن است که درآمدهای حاصل از منابع متعدد را با هم جمع کند و مجموع آن‌ها را به‌صورت درآمد واحد در نظر بگیرد و این امکان وجود ندارد که درآمدها به‌طور مجزا محاسبه شوند؛ چراکه سطح درآمد فرد یا خانوار را نمی‌تواند تبیین کند. ازاین‌رو در نظام‌های یکپارچه از آنجاکه، پرداخت‌های حمایتی منوط به قرار گرفتن فرد یا خانوار در زیر خط درآمد سربه‌سر است، تنها راه تشخیص سطح درآمدی آن‌ها، تجمع درآمدها از کانال‌های مختلف است.

این مبحث در نظام مالیاتی اسلام نیز در چند مورد از پایه‌های مالیاتی به چشم می‌خورد. در خمس ارباح مکاسب، وجوب پرداخت خمس، پس از اضافه آمدن مجموع درآمدها از هزینه‌های سال است (خمینی و سایر مراجع، ۱۳۸۱، مسئله ۱۷۵۲). درواقع در این پایه مالیاتی، تمام درآمدهای فرد با یکدیگر جمع می‌شود و اگر مازاد بر هزینه‌هایش بود، خمس آن به‌عنوان مالیات دریافت می‌گردد؛ مانند زکات ابدان که تنها

در صورتی باید این مالیات را پردازد که مجموع درآمدهای فرد به حدی باشد که عنوان فقیر بر او صدق نکند (خمینی و سایر مراجع، ۱۳۸۱، مسئله ۱۹۹۱). در اینجا نیز مجموع درآمد معیار پرداخت مالیات است؛ اما در سایر پایه‌های مالیاتی توجهی به مجموع درآمد فرد نمی‌شود. چنان‌که در خمس امور حیازتی، متعلق آن خود کالای حیازت شده است و ارتباطی با درآمد فرد حیازت‌کننده، چه از نظر درآمدهای منفک و چه از نظر درآمدهای تجمیعی، ندارد؛ چنان‌که در معدن اگر چیزی که به‌دست می‌آورد به مقدار نصاب باشد، بدون در نظر گرفتن میزان درآمدش، باید خمس آن را بدهد (خمینی و سایر مراجع، ۱۳۸۱، مسئله ۱۷۹۸). همچنین در دریافت خراج (منتظری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص. ۴۹۰)، زکات اموال (خمینی و سایر مراجع، ۱۳۸۱، مسئله ۱۸۵۵) و جزیه (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص. ۳۸) نیز سایر درآمدهای مالیات‌دهنده به حساب نمی‌آیند و موضوع پرداخت این مالیات‌ها بر اساس متعلق آن‌ها محقق می‌گردد؛ بنابراین در میان منابع بیت‌المال تنها زکات ابدان و خمس ارباح مکاسب را می‌توان دارای مشخصه مالیات بر مجموع درآمد دانست و سایر پایه‌ها یا ارتباطی با سایر درآمدها ندارند یا اینکه با مجموع درآمدها بی‌ارتباط هستند.

۳-۵. معافیت‌ها

نظام خراج که رایج‌ترین نظام مالیاتی دوران صدر اسلام بود از یک قاعده کلی پیروی می‌کرد مبنی بر اینکه وضعیت کشاورز و تولیدکننده را مورد توجه قرار می‌داد تا أخذ خراج مانع رشد اقتصادی و انگیزه تولید و سرمایه‌گذاری نشود. به‌همین دلیل در وضعیت رکود اقتصادی تخفیف‌های مناسبی در نظر گرفته می‌شد تا مردم در سال‌های بعد رغبت بیشتر و توان بالاتری برای ادای خراج کسب کنند (گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۰، ج ۷، ص. ۳۷۰). درعین حال با از بین رفتن شرایط و اوضاع دوره فتوحات صدر اسلام و تحولات مباحث زمین‌داری، نظام خراج هم تغییر یافت و زمین‌هایی شکل گرفت که از معافیت مالیاتی برخوردار بودند^{۲۱} (ابریشم‌کار و گروه تاریخ اجتماعی، ۱۳۸۹).

۲۱. نکته قابل ذکر، توجه به عرف حکمرانی در حکومت‌های اسلامی غیرمعصوم (علیه‌السلام) در وضع معافیت مالیاتی و تفاوت آن با مفهوم و شرایط اسقاط یا معافیت مالیاتی مبتنی بر نصوص و استنباط احکام و نگاه

بررسی مالیات خراج در صدر اسلام نشان می‌دهد این پایه مالیاتی، اگرچه معافیت‌های متعددی برای آن در نظر گرفته می‌شد؛ اما این معافیت‌ها معطوف به سطح درآمدی افراد که ویژگی نظام‌های یکپارچه است، نبوده بلکه بیشتر به مناصب و روابط تعلق گرفته است.

در زکات اموال، فردی که دارایی‌اش به حد نصاب برسد، مالیات آن را پرداخت می‌کند؛ اما تا زمانی که به این حد نرسیده هیچ مالیاتی پرداخت نمی‌کند و از معافیت مالیاتی برخوردار خواهد شد (خمینی و سایر مراجع، ۱۳۸۱، مسئله ۱۸۵۵)؛ بنابراین معافیت‌ها معطوف به رسیدن به نصاب است و درآمد پرداخت‌کننده زکات از سایر منابع، مدنظر قرار نمی‌گیرد؛ برخلاف زکات ابدان که مستقیماً با درآمدها سروکار دارد و مادامی که میزان درآمد شخص به اندازه رفع نیازهای سالانه‌اش و مازاد بر آن نباشد، به‌طوری‌که عنوان فقیر بر او صدق کند، از پرداخت زکات ابدان معاف خواهد بود (خمینی و سایر مراجع، ۱۳۸۱، مسئله ۱۹۹۱).

معافیت خمس ارباح مکاسب، تأمین حد نصاب زندگی است (فراهانی فرد و موسوی، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۵۳)؛ به این نحو که اگر مجموع درآمدهای کسب شده در طول سال، کفاف مخارج خود و عیالش را ندهد یا اینکه سربه‌سر باشد و مازادی نداشته باشد، خمس پرداخت نمی‌کند و معاف است؛ همچنین یکی از ویژگی‌های این خمس، معافیت نسبت به مازاد درآمدهای سال گذشته است؛ به این معنا که اگر فرد از درآمدهای سال گذشته‌اش باقی مانده باشد که خمس آن را نیز پرداخت کرده است، این مقدار مازاد، از پرداخت خمس معاف خواهد بود. درواقع پولی که خمس آن پرداخت شده است، مجدداً خمس به آن تعلق نخواهد گرفت (خمینی، ۱۳۹۲، ب، ج ۴، ص. ۲۰۱)؛ اما اگر علاوه بر مخارج سالانه، بخشی از درآمد سالش اضافه آمده باشد، باید یک‌پنجم آن را تحت عنوان مالیات خمس بپردازد و در این مقام هیچ فردی از پرداخت آن معاف نخواهد بود (خمینی و سایر مراجع، ۱۳۸۱، مسئله ۱۷۵۲).

در امور حیا زتی مشمول خمس نیز از آنجاکه همگی آن‌ها به‌جز غنائم جنگی (خمینی

شرعی و فتوایی است؛ اولی الزاماً انطباقی با سنت و سیره نداشته و الزاماً حجیت شرعی برای آن اثبات نمی‌شود ولی در دومی جایگاه متفاوت آن سبب می‌شود که در صورت نیاز، به آن احتجاج شرعی شود.

و سایر مراجع، ۱۳۸۱، مسئله ۱۸۲۸)، دارای نصاب هستند، تا زمانی که مال به‌تصرف درآمد، ارزش چندانی نداشته باشد و ارزشش به حد نصاب نرسد، مشمول معافیت مالیاتی به حساب می‌آید و مالک از پرداخت مالیات آن معاف است؛ مثلاً اگر قیمت جواهری که از دریا به دست می‌آید، به ۱۸ نخود طلا برسد باید خمس آن پرداخته شود (خمینی و سایر مراجع، ۱۳۸۱، مسئله ۱۸۱۹) و در کمتر از آن خمس ندارد؛ لکن این معافیت متأثر از سطح درآمدی نیست و به ارزش مال حیازت شده بر می‌گردد.

در جزیه معافیت مالیاتی بر اساس سطح درآمدی وجود ندارد ولی کسانی که کشتن آن‌ها در جنگ نهی شده؛ مانند اطفال، دیوانگان و زنان از پرداخت آن معافند (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص. ۳۹۲). همچنین با اسلام آوردن زمین، آن‌ها از پرداخت این مالیات سرانه معاف می‌شدند (ماوردی، ۱۴۰۹ق، صص. ۲۶۴-۲۶۵)؛ اگرچه این را باید تغییر موضوع دانست؛ زیرا موضوع جزیه، اهل کتاب هستند؛ اما در اینجا اهل کتاب با اسلام آوردن، مسلمان می‌شوند و دیگر پرداخت جزیه از آن‌ها برداشته می‌شود.

۴-۵. پرداخت یارانه به نیازمندان

همان‌طور که گذشت وجه مشترک نظام‌های یکپارچه در اصل پرداخت یارانه به نیازمندان است ولی در نوع آن تفاوت‌هایی وجود دارد. براین اساس، می‌توان گفت نظام حمایتی اسلام نیز اصل پرداخت‌های حمایتی به افراد نیازمند از جمله فقرا و مساکین را می‌پذیرد و برای آن برنامه‌هایی وضع کرده است. این برنامه‌ها هم در نظام اقتصادی اسلام دیده می‌شود که گذشت و هم در نظام اخلاقی آن به چشم می‌خورد.

در نظام اخلاقی اسلام، افراد تشویق شده‌اند تا با پرداخت نفقه‌های واجب و مستحب، حتی زمانی که درآمدشان کفاف هزینه‌های خودشان را نمی‌دهد و در تنگدستی هستند، به بهبود رفاه دیگران کمک کنند (آل عمران / آیه ۱۳۴).^{۲۲} از این رو هدف نظام اقتصادی اسلام رفع فقر و ریشه‌کنی آن است و پرداخت کمک به نیازمندان را با استفاده از ابزارهای تکلیفی و تشویقی پیگیری می‌کند (رجوع کنید به: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، صص. ۱۱۱-۱۳۷).

۲۲. الَّذِينَ يَتَّقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ.

۵-۵. تأمین مالی برنامه‌ها

برنامه‌های حمایتی از فقرا، مبتنی بر دو الگو می‌تواند طراحی شود؛ یا منبع مالی این برنامه‌ها، دریافت کمک از ثروتمندان و افرادی باشد که از سطح درآمدی بالایی برخوردارند یا اینکه خود دولت مکلف شود مبتنی بر ثروت و درآمدهایش به نیازمندان کمک کند. در این صورت از آنجاکه اموال دولت متعلق به عموم افراد جامعه است، باید به‌طور مساوی بین همه تقسیم گردد و اختصاص آن به قشر خاصی مانند فقرا باید به‌نحوی باشد که عایدی آن به کل جامعه برگردد. هدف‌گذاری دستیابی به آثار اجتماعی رفع فقر از این منظر، می‌تواند به مشروعیت برنامه‌ها بیانجامد.

در برنامه‌های حمایتی اسلام، اموال عمومی مسلمانان به‌طور مساوی بین همه تقسیم می‌شده و فقرا از این خزانه سهم خاص یا ویژه و جداگانه‌ای نداشتند. چنان‌که عقیل در نهایت بینوایی و درحالی‌که شدت فقر در فرزندانش ظاهر بود، یک صاع از گندم بیت‌المال عمومی را از امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) درخواست کرد ولی چون سهم خود از بیت‌المال را دریافت کرده بود، تقاضایش رد شد (صبحی، ۱۳۷۴، خطبه ۲۲۴).

از این رو منابع سهم خاص فقرا از اموال عمومی بیت‌المال نبوده بلکه از اموالی به‌دست می‌آمده که ثروتمندان به‌عنوان مالیات پرداخت می‌کردند؛ مانند خمس ارباح مکاسب و زکات ابدان که جزو موارد مصرفشان، فقرا و مساکین ذکر شده‌اند. پس می‌توان تأمین مالی برنامه‌های حمایتی در اسلام را منطبق با الگوی نظام یکپارچه دانست؛ چراکه هر دو مبتنی بر اخذ مالیات از ثروتمندان هستند.

۵-۶. جمع‌بندی انطباق مشخصه‌ها

درمجموع می‌توان انطباق نظام مالیاتی - حمایتی یکپارچه با روش مالیات‌ستانی و نظام حمایتی در اسلام را با توجه به مشخصه‌های نظام یکپارچه و مؤلفه‌های نظام اسلامی در جدول جمع‌بندی کرد.

جدول (۱): انطباق پایه‌های مالیاتی اسلام با مشخصه‌های نظام یکپارچه

ردیف	زکات ابدان	زکات اموال	خمس امور جزئی	خمس ارباح مکاسب	نوع
×	×	×	×	×	تعیین آستانه بدهی مالیاتی
×	×	×	×	×	معافیت مشروط به سطح درآمدی
×	×	×	×	×	پرداخت یارانه به نیازمندان
					تأمین مالی برنامه‌های رفاهی از مالیات

همان‌طور که در این جدول ملاحظه می‌گردد در برخی از مؤلفه‌ها می‌توان انطباق مدنظر را یافت؛ اما در برخی دیگر از این مؤلفه‌ها، انطباق مورد انتظار وجود ندارد. از این رو نمی‌توان به صراحت ادعا کرد که الگوی مالیاتی و حمایتی در اسلام به‌طور کامل و در همه ابعاد در چهارچوب نظام‌های یکپارچه جای می‌گیرد؛ همان‌طور که نمی‌توان به صراحت ادعا کرد با آن منافات دارد بلکه با بررسی مجزای پایه‌های مالیاتی، وجود مشخصه‌های نظام مالیاتی - حمایتی یکپارچه تنها در مالیات‌های زکات ابدان و خمس ارباح مکاسب قابل مشاهده است؛ بنابراین زکات ابدان یا همان فطریه که به‌عنوان پرداخت واجب سالانه در نظر گرفته می‌شود، نوعی شیوه مالیات‌ستانی یکپارچه است که با نظام حمایتی ترکیب شده و خط فقر، به‌مثابه آستانه مالیاتی تعیین گردیده است؛ به‌همین دلیل افراد فقیر، بدون آنکه بخواهند این مالیات را بپردازند، از آن بهره‌مند می‌شوند و افراد توانمند که بالای خط فقر قرار دارند، موظف به پرداخت آن هستند. این شیوه مالیات‌ستانی، انطباق کامل با نظام مالیاتی - حمایتی یکپارچه دارد و می‌تواند از مصادیق آن به‌شمار برود؛ همان‌طور که شیوه مالیات‌ستانی خمس ارباح مکاسب نیز اینچنین است؛ با این تفاوت که در خمس ارباح مکاسب، آستانه مالیاتی، میزان مخارج و مؤونه سالانه است به‌طوری‌که اگر فرد مازاد درآمد سالانه نداشته باشد و درآمدش با مخارجش برابر باشد یا از آن کمتر باشد، معاف از پرداخت مالیات است. در عین حال سایر شیوه‌های مالیات‌ستانی در اسلام نشان می‌دهد، هیچ‌کدام از آن‌ها،

تمامی مشخصه‌های نظام‌های یکپارچه مالیاتی - حمایتی را ندارند و این بدان معناست که الگوبرداری از نظام‌های یکپارچه در نظام مالیاتی اسلام ضرورت ندارد و دوپارچگی آن‌ها نیز از نظر شارع مجاز است؛ کماینکه در شیوه‌های مالیات‌ستانی خراج، زکات اموال و... دیده می‌شود. به این معنا که در این شیوه‌ها می‌توان آستانه بدهی مالیاتی تعیین نکرد یا معافیتی مشروط به سطح درآمدی در نظر نگرفت بلکه همه موظف به پرداخت این نوع مالیات‌ها هستند.

پس میزان انطباق نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی با روش‌های مالیات‌ستانی و پرداخت‌های حمایتی در اسلام، نسبی است؛ یعنی نسبت به برخی شیوه‌ها انطباق کامل مشخصه‌ها دیده می‌شود و نسبت به برخی شیوه‌های دیگر، تنها بعضی مؤلفه‌ها قابل استنباط هستند.

نتیجه‌گیری

در کشور ما نظام مالیاتی و نظام حمایتی به‌طور مستقل از یکدیگر تعریف شده‌اند و ارتباطی نه در سطح سازمانی و نه در سطح اطلاعاتی با یکدیگر ندارند. یکی از ایده‌هایی که مشکلات موجود را می‌تواند برطرف سازد، یکپارچه‌سازی نظام مالیاتی و حمایتی است که در برخی از کشورهای دنیا در حال اجرا است؛ به این مفهوم که نظام مالیاتی با نظام حمایتی از طریق مشخصه‌هایی چون وجود آستانه بدهی مالیاتی، أخذ مالیات از مجموع درآمد، وجود معافیت‌های مبتنی بر میزان درآمد، پرداخت مالیات منفی (یارانه) به نیازمندان و تأمین مالی برنامه‌های حمایتی از منابع مالیاتی پیوند خورده باشد. این امر بیانگر ارتباط میان نظام حمایتی با نظام مالیاتی و به مفهوم یکپارچگی این دو نظام در نظر گرفته می‌شود.

ازطرفی با لحاظ ظرفیت پرداخت‌های واجب در صدر اسلام و انواع مالیات‌های اسلامی، چهار منبع خراج، زکات، خمس و جزیه به‌عنوان پایه‌های مالیاتی متعارف آن عصر، باید مورد توجه قرار گیرند. در صورتی که نظام یکپارچه با نظام مالیات‌ستانی اسلامی متشکل از این چهار شیوه، دارای تضاد نباشد و از طرف شارع، نهی خاص یا عام برای آن یافت نشود بلکه مشخصه‌های آن کمابیش در تأمین مالی دولت اسلامی در

صدر اسلام نیز وجود داشته باشد، می‌تواند مجوزی برای به‌کارگیری آن در عصر حاضر باشد. از این‌رو مطالعه تطبیقی نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی و روش مالیات‌ستانی و پرداخت‌های حمایتی در اسلام، به‌عنوان بخشی از بسترهای ضروری پیاده‌سازی نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی خود را نشان می‌دهد.

با بررسی مشخصه‌های نظام یکپارچه در کنار انواع منابع، تنها «انطباق نسبی» نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی با شیوه‌های مالیات‌ستانی و پرداخت‌های حمایتی در اسلام دیده می‌شود؛ به این معنا که تنها نسبت به زکات ابدان و خمس ارباح مکاسب، می‌توان تمام مشخصه‌های یکپارچگی را یافت ولی نسبت به سایر پایه‌ها، صرفاً بعضی از مشخصه‌ها دیده می‌شود. همچنین مشخصه تأمین مالی برنامه‌های رفاهی از محل مالیات‌های دریافتی را باید تنها مشخصه‌ای از نظام یکپارچه دانست که بر تمامی منابع بیت‌المال منطبق است؛ بنابراین با عنایت به اینکه برخی مشخصه‌ها، تأیید مستقیم شریعت را دارند و برخی دیگر از طرف شرع، ممنوعیتی برای آن‌ها وارد نشده، در مجموع استفاده از نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی با مشخصه‌های مذکور برای طراحی الگویی در نظام مالیاتی اسلام نه تنها منعی ندارد بلکه به‌منظور دستیابی به فواید و آثار مثبت آن، باید مورد اعتنا قرار گیرد.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابریشم‌کار، صدیقه و گروه تاریخ اجتماعی (۱۳۸۹). خراج ۲؛ مباحث تاریخی، در دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱۵ (خانه - خلعت)، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

ابن جماعه، بدرالدین (۱۴۰۸ق). تحریر الاحکام فی تدبیر اهل الاسلام. تحقیق و دراسته و تعلیق فؤاد عبدالمنعم احمد، قطر: دارالثقافه بتفویض من رئاسه المحاکم الشرعیه.

بهرمن، حمیدرضا (۱۴۰۱). مالیات بر مجموع درآمد (۷): نحوه ارتباط نظام مالیات بر مجموع درآمد با نظام یارانه‌ها. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۸۶۲۲.

توکلی، محمدجواد و بحرینی، حسین (۱۳۹۴). تمایز مالیات‌های حمایتی و خدماتی در نظام مالیاتی اسلام. پژوهشنامه مالیات، ۲۳(۲۵)، ۲۰۱-۲۳۰.

مطالعه تطبیقی نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی و... / ایمان رفیعی و سید احمد عاملی مطالعات اقتصادی اسلامی ۷۲۳

حسینی آهق، مریم (۱۳۹۵). زکات فطره، در دانشنامه جهان اسلام. جلد ۲۱ (ری - زیارت)، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

حسینی، سیدرضا (۱۳۸۰). بیت المال. در: جمعی از نویسندگان زیر نظر علی اکبر رشاد، دانشنامه امام علی (علیه السلام)، جلد ۷، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۲. الف). التحریر الوسيله. تحقیق مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم: مؤسسه عروج.

خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۲. ب). استفتائات امام خمینی (رحمت الله علیه). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، سیدروح الله و سایر مراجع (۱۳۸۱). توضیح المسایل مراجع. گردآورنده: محمدحسن بنی هاشمی خمینی؛ با همکاری احسان اصولی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین. قم: مدینه العلم.

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۹). مبانی اقتصاد اسلامی. تهران: سمت.

رضایی، محمدجواد و موحدی بکنظر، مهدی (۱۴۰۱). مبانی نهادی حکمرانی عادلانه مالیاتی؛ رویکردی اسلامی. مطالعات اقتصاد اسلامی، سال چهاردهم، (۲)، ۴۴۰-۴۰۷.

سجادی، صادق (۱۳۹۹). بیت المال. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، قابل دسترسی در تارنمای مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

شریفزاده، محمدجواد و بهرمن، حمیدرضا (۱۳۹۹). ارزیابی تطبیقی درآمد پایه همگانی در اقتصاد متعارف و تضمین حد معیشت در اقتصاد اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۲۰(۷۹)، ۱۷۱-۲۰۶.

صاحب جواهر، محمدحسن (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. تصحیح عباس قوچانی و علی آخوندی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

صبحی، صالح (۱۳۷۴). نهج البلاغه. قم: مرکز البحوث الاسلامیه.

صدر، موسی (۱۳۸۴). ادیان در خدمت انسان (جستارهایی درباره دین و مسائل جهان معاصر). تهران: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر.

طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۲۰ق). العروه الوثقی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲). مجمع البحرین. تحقیق احمد الحسینی، تهران: مرتضوی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیه. محقق محمدباقر بهبودی، تهران:

المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.

غفوری، خالد و غفوری، مصطفی (۱۳۹۶). گامی در کارآمدسازی نظام مالیاتی «بررسی مقایسه‌ای میان وجوهات شرعی و مالیات حکومتی». *مطالعات فقه امامیه، سال پنجم، (۸)*، ۳۶-۷.

فراهانی‌فرد، سعید و موسوی، سیداسماعیل (۱۳۹۴). *مقایسه مالیات بر ارزش افزوده و مالیات‌های اسلامی مطالعه موردی خمس*. مجموعه مقالات نهمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران.

کلانتری، علی‌اکبر (۱۴۱۶ق). *الجزیه و احکامها فی الفقه الاسلامی*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی (۱۳۸۰). *دولت و سیاست‌های اقتصادی*. دانشنامه امام علی (علیه‌السلام). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ماوردی، علی بن محمد (۱۴۰۹ق). *الاحکام السلطانیة و الولايات الدینیة*. محقق احمد مبارک بغدادی، کویت: مکتبه دار ابن قتیبه.

مجلسی، سیدمحمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. قم: مؤسسه الوفاء.

مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۶۲). *زمین در فقه اسلامی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ق). *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدوله الإسلامیه*. قم: نشر تفکر.

مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و هاشمی‌شاهرودی، محمود (۱۳۸۷). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت (علیهم‌السلام)*. قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت (علیهم‌السلام).

- Atkinson, A. B. & others, (1995). *Public economics in action: the basic income/flat tax proposal*. Oxford University Press, USA.
- Béland, Daniel & Morgan, Kimberly J. (2021). Béland, Daniel; Leibfried, Stephan; Morgan, Kimberly J.; Obinger, Herbert (eds.), "Governance", *The Oxford Handbook of the Welfare State*, Oxford University Press, 173–187.
- Béland, Daniel; Morgan, Kimberly J.; Obinger, Herbert & Pierson, Christopher (2021), Béland, Daniel; Leibfried, Stephan; Morgan, Kimberly J.; Obinger, Herbert (eds.), "Introduction", *The Oxford Handbook of the Welfare State*, Oxford University Press, 1–19.
- Blau, Joel (2003), *The Dynamics of Social Welfare Policy*. New York: Oxford University Press.
- Britannica, T. Editors of Encyclopaedia (2023b, September 23). welfare state, Retrieved from Encyclopedia Britannica, <https://www.britannica.com/money/topic/welfare-state>.
- Buti, M.; D. Franco & L. R. Pench (2000). *Reconciling The Welfare State With Sound Public Finances And High Employment*. European Commission. Forward Studies Unit. Working Paper.

- Coe, D. T. & Dennis J. Snower (1997). International Monetary Fund. *IMF Staff Papers*, 44(1), March 1997.
- Crandall-Hollick, Margot L.; Gene Falk & Conor F. Boyle (2021, January 12). *The Earned Income Tax Credit (EITC): How It Works and Who Receives It*. Congressional Research Service.
- Eifert, Benn (2003). *The Political Economy of Fiscal Policy and Economic Management in Oil-Exporting Countries*, in Davis J. M. & et al, Fiscal Policy Formulation and Implementation in Oil-Producing Countries, International Monetary Fund.
- European Commission (2016). *Commission staff working document*, Strasbourg, 8.3.2016, SWD (2016) 51 final.
- Ezenagu, Alexander (2021). Boom or bust, extractives are no longer saviours: The need for robust tax regimes in Gulf countries. *The Extractive Industries and Society*, 8(2).
- Fitzpatrick, T. (1999). *Freedom and Security*. New York: St. Martin's Press.
- Friedman, M. (1962). *Capitalism and freedom*. The University of Chicago press, Reissued with new Preface 1982 Printed in the United States of America.
- Gentilini, Margaret Grosh & Jamele Rigolini, & Ruslan Yemtsov (2020). *Exploring Universal Basic Income*. Washington: International Bank for Reconstruction and Development / The World Bank.
- Habibur, Rahman (2015, August 7). Bayt Al-mal and its role in economic development: a contemporary study. *Turkish Journal of Islamic Economics*. 2(2), 21.
- Hayes, Adam (2023, June 28). Welfare: Definition, Different Types, Who Qualifies, Reviewed by Eric Estevez, Fact checked by Kirsten Rohrs Schmitt, investopedia, Available at: <https://www.investopedia.com/terms/w/welfare.asp>
- Jawad, Rana (2013), IPR Policy Brief - Social protection policies in the Middle East and North African region (MENA): new priorities, new debates. University of Bath.
- Kagan, Julia (2023, September 29). Taxation Defined, With Justifications and Types of Taxes, Reviewed by Gordon Scott, Fact checked by Suzanne Kvilhaug, investopedia, Available at: <https://www.investopedia.com/terms/t/taxation.asp#citation-3>
- McLure, Charles E.; Fritz Neumark, & Maria S. Cox (2023, October 13). Taxation, Retrieved from Encyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/money/topic/taxation>.
- Moffitt, Robert A. (2003). The Negative Income Tax and the Evolution of U.S. Welfare Policy. *Journal of Economic Perspectives*, 17(3), 119-140.
- Mokry, Vladimír (2006), Taxes, taxation and the tax system. *National economy*, Volume XIV, 17-21.
- Morel, Nathalie & Joakim, Palme (2012). Financing the Welfare State and the Politics of Taxation, Bent Greve, The Routledge Handbook of the Welfare State, Routledge, 400-409.
- Newcomer, M. (1953). Financing the Welfare Program. *Social Service Review*, 27(1), 67-72. Available at: <http://www.jstor.org>.
- OECD (2022). Subsidies, Competition and Trade, OECD Competition Policy

- Roundtable Background Note, <http://www.oecd.org/daf/competition/subsidies-competition-and-trade-2022.pdf>
- Orszag, Jonathan Michael & Dennis J. Snower (1998). Expanding the welfare system: a proposal for reform, In: The welfare state in Europe: Challenges and reforms. Publ. of the Europ. Communities, Luxembourg. 101-117.
- Rolph, Earl R. (1967). The Case for a Negative Income Tax Device. *Industrial Relations: A Journal of Economy and Society*, 6(2), 155-165.
- Sapir, A. (2005, September 9). Globalisation and the Reform of European Social Models, Bruegel, This Policy Contribution was presented to the ECOFIN informal meeting in Manchester and can be downloaded in pdf version on www.bruegel.org.
- Schloemer, Paul (2009). *Clergy Tax Rules Extend Beyond Churches*. <https://www.thetaxadviser.com>.
- Sjöberg, O. (2000). Duties in the Welfare State. Working and paying for social rights. Swedish Institute for Social Research Dissertation Series No. 42.
- Snower, Dennis J. (2004). *Creating employment incentives*. In: Marin, Bernd Meulders, Danièle Snower, Dennis J. (Ed.): Innovative employment initiatives, Ashgate, Aldershot, 317-346.
- The Investopedia Team (2023, June 12). Subsidies: Definition, How They Work, Pros and Cons, Reviewed by Gordon Scott, Fact checked by Suzanne Kvilhaug, investopedia, available at: <https://www.investopedia.com>
- <https://dictionary.cambridge.org/>
- <https://www.healthcare.gov/>
- <https://www.irs.gov/>
- <https://www.usa.gov/>

References

- Abrishamkar, Siddiqeh and the Social History Group (2010). Kharaj 2; Historical Topics, in the Encyclopedia of the Islamic World, Vol. 15 (House - Khala'at), Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation. (In Persian)
- Al-Ghafouri, Khalid and Mustafa Ghafouri (1396). A step towards making the tax system more efficient: "A comparative study between religious aspects and government taxes", *Imami Jurisprudence Studies*, Vol. 5, No. 8. (In Persian)
- Atkinson, A. B. & others, (1995). Public economics in action: the basic income/flat tax proposal, Oxford University Press, USA.
- Bahreman, HamidReza (1401). Total Income Tax (7): How the Total Income Tax System Relates to the Subsidies System, Report of the Research Center of the Islamic Consultative Assembly, No. 18622. (In Persian)
- Béland, Daniel; Morgan, Kimberly J. (2021). Béland, Daniel; Leibfried, Stephan; Morgan, Kimberly J.; Obinger, Herbert (eds.). "Governance", *The Oxford Handbook of the Welfare State*, Oxford University Press, pp. 173–187.
- Béland, Daniel; Morgan, Kimberly J.; Obinger, Herbert; Pierson, Christopher (2021). Béland, Daniel; Leibfried, Stephan; Morgan, Kimberly J.; Obinger,

- Herbert (eds.), "Introduction", The Oxford Handbook of the Welfare State, Oxford University Press, pp. 1–19.
- Blau, Joel (2003). The Dynamics of Social Welfare Policy, New York, Oxford University Press. pp 279-429
- Britannica, T. Editors of Encyclopaedia (2023b, September 23). welfare state, Retrieved from Encyclopedia Britannica, <https://www.britannica.com/money/topic/welfare-state>.
- Buti, M. & D. Franco & L. R. Pench (2000). Reconciling The Welfare State With Sound Public Finances And High Employment. European Commission. Forward Studies Unit. Working Paper.
- Coe, D. T. & Dennis J. Snower (1997). International Monetary Fund. IMF Staff Papers. Vol. 44, No. 1. March 1997.
- Crandall-Hollick, Margot L. ; Gene Falk; Conor F. Boyle (2021, January 12). The Earned Income Tax Credit (EITC): How It Works and Who Receives It, Congressional Research Service.
- Eifert, Benn (2003). The Political Economy of Fiscal Policy and Economic Management in Oil-Exporting Countries, in Davis J. M. & et al, Fiscal Policy Formulation and Implementation in Oil-Producing Countries, International Monetary Fund.
- European Commission (2016). commission staff working document, Strasbourg, 8.3.2016, SWD (2016) 51 final.
- Ezenagu, Alexander (2021). Boom or bust, extractives are no longer saviours: The need for robust tax regimes in Gulf countries, The Extractive Industries and Society, Volume 8, Issue 2.
- Farahani Fard, Saeed and Seyyed Ismail Mousavi (1394). Comparison of Value Added Tax and Islamic Taxes: A Case Study of Khums, Collection of Articles of the Ninth Conference on Financial and Tax Policies of Iran. (In Persian)
- Fitzpatrick, T. (1999). Freedom and Security, New York: St. Martin's Press.
- Friedman, M. (1962). Capitalism and freedom, The University of Chicago press, Reissued with new Preface 1982 Printed in the United States of America.
- Gentilini, Margaret Grosh & Jamele Rigolini, & Ruslan Yemtsov (2020). Exploring Universal Basic Income. Washington: International Bank for Reconstruction and Development / The World Bank.
- Gilak Hakimabadi, MohammadTaqi (1380). Government and Economic Policies, Encyclopedia of Imam Ali (a.s.), Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- Habibur, Rahman (2015, August 7). Bayt Al-mal and its role in economic development: a contemporary study. Turkish Journal of Islamic Economics. 2 (2): 21.
- Hayes, Adam (2023, June 28). Welfare: Definition, Different Types, Who Qualifies, Reviewed by Eric Estevez, Fact checked by Kirsten Rohrs Schmitt, investopedia, Available at: <https://www.investopedia.com/terms/w/welfare.asp>
- Hosseini Ahaq, Maryam (1395). Zakat al-Fitr, in Encyclopedia of the Islamic World, Vol. 21 (Rey-Ziyarat). Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation. (In Persian)

- Hosseini, Seyyed Reza (1380). Bait al-Mal, in: A group of writers under the supervision of Ali Akbar Rashad, Encyclopedia of Imam Ali (a.s.), Vol. 7, Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute. (In Persian)
- Ibn Jamaa'ah, Badr al-Din (1408 AH). Tahrir al-Ahkam fi Tadbir Ahl al-Islam, Research, Study and Commentary by Fuad Abdul Moneim Ahmad, Qatar: Dar al-Thaqafah with the authorization of the Presidency of the Islamic Courts. (In Arabic)
- Jawad, Rana (2013). IPR Policy Brief - Social protection policies in the Middle East and North African region (MENA): new priorities, new debates. University of Bath.
- Kagan, Julia (2023, September 29). Taxation Defined, With Justifications and Types of Taxes, Reviewed by Gordon Scott, Fact checked by Suzanne Kvilhaug, investopedia, Available at: <https://www.investopedia.com/terms/t/taxation.asp#citation-3>
- Kalantari, AliAkbar (1416 AH). Al-Jaziya and its Rules in Islamic Jurisprudence, Qom: Al-Nashr al-Islami Foundation for the Association of Teachers. (In Arabic)
- Khoei, Seyyed Abu al-Qasim (1410 AH). Minhaj al-Salihin, Qom: Madinat al-Ilm. (In Arabic)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (1392a). Al-Tahrir al-Wasilah, Research by the Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, Qom: The Ascension Institute. (In Arabic)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (1392b). Istifta'at Imam Khomeini (s.a.), Tehran: The Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah and Other Maraje's (1381). Explanation of the Maraje's Methods, Compiled by: MohammadHassan Bani Hashemi Khomeini; in collaboration with Ehsan Usuli, Qom: Qom Seminary Teachers' Association, Islamic Publications Office. (In Persian)
- Majlisi, Sheikh Mohammad Baqir, (1403 AH). Bihar al-Anwar, Qom: Al-Wafah Foundation. (In Arabic)
- Mawardi, Ali ibn Muhammad (1409 AH). Al-Ahkam al-Sultaniyyah and al-Wilayat al-Diniyah, Mohaqiq Ahmad Mubarak Baghdadi, Kuwait: Maktaba Dar Ibn Qutaybah. (In Arabic)
- McLure, Charles E. & Fritz Neumark, & Maria S. Cox (2023, October 13). Taxation, Retrieved from Encyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/money/topic/taxation>.
- Modarresi Tabatabaei, Hussein (1362). Land in Islamic Jurisprudence, Tehran: Islamic Culture Publishing Office. (In Persian)
- Moffitt, Robert A. (2003). The Negative Income Tax and the Evolution of U.S. Welfare Policy, Journal of Economic Perspectives, 17 (3): 119–140.
- Mokrý, Vladimír (2006). Taxes, taxation and the tax system, National economy, Volume XIV, pp: 17-21.
- Montazeri, HusseinAli (1415 AH). Studies in the Authority of the Faqih and the Jurisprudence of the Islamic State, Qom: Publishing Thought. (In Arabic)
- Morel, Nathalie & Joakim Palme (2012). Financing the Welfare State and the Politics of Taxation, Bent Greve, The Routledge Handbook of the Welfare

- State, Routledge, pp.400-409.
- Najafi (Sahib Jawaher), Muhammad Hassan (1983). Jawaher al-Kalam fi Sharh Shara'e al-Islam, edited by Abbas Quchani and Ali Akhundi, Beirut, Darahiya al-Turaht al-Arabi. (In Arabic)
- Newcomer, M. (1953). Financing the Welfare Program. Social Service Review, 27(1), 67-72. Available at: <http://www.jstor.org>.
- OECD (2022). Subsidies, Competition and Trade, OECD Competition Policy Roundtable Background Note, <http://www.oecd.org/daf/competition/subsidies-competition-and-trade-2022.pdf>
- Orszag, Jonathan Michael & Dennis J. Snower (1998). Expanding the welfare system: a proposal for reform, In: The welfare state in Europe: Challenges and reforms. Publ. of the Europ. Communities, Luxembourg. pp. 101-117.
- Rezaei, MohammadJavad and Mahdi Movahedi Beknazar (1401). Institutional Foundations of Just Tax Governance; An Islamic Approach, Islamic Economic Studies, Vol. 14, No. 2. (In Persian)
- Rolph, Earl R. (1967). The Case for a Negative Income Tax Device, Industrial Relations: A Journal of Economy and Society, Volume 6, Issue 2, P: 155-165.
- Sadr, Imam Musa (2005). Religions in the Service of Man (Essays on Religion and Contemporary World Issues). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural-Research Institute. (In Persian)
- Sajjadi, Sadeq (1399). Bayt al-Mal, Great Islamic Encyclopedia, Center for the Great Islamic Encyclopedia, available on the website of the Center for the Great Islamic Encyclopedia. (In Persian)
- Sapir, A. (2005, September 9). Globalisation and the Reform of European Social Models, Bruegel, This Policy Contribution was presented to the ECOFIN informal meeting in Manchester and can be downloaded in pdf version on www.bruegel.org.
- Schloemer, Paul (2009). Clergy Tax Rules Extend Beyond Churches, <https://www.thetaxadviser.com>.
- Sharifzadeh, MohammadJavad and Hamidreza Bahreman (2010). Comparative Analysis of Universal Basic Income in Orthodox Economics and Livelihood Guarantee in Islamic Economics, Islamic Economics, Vol. 20, No. 79. (In Persian)
- Sjöberg, O. (2000). Duties in the Welfare State. Working and paying for social rights. Swedish Institute for Social Research Dissertation Series No. 42.
- Snower, Dennis J. (2004). Creating employment incentives, In: Marin, Bernd Meulders, Danièle Snower, Dennis J. (Ed.): Innovative employment initiatives, Ashgate, Aldershot, pp. 317-346.
- Sobhi, Saleh (1995). Nahj al-Balagha, Qom: Al-Bohoos al-Islamiyya Center. (In Arabic)
- Tabatabaei Yazdi, Seyyed MohammadKazem (1420 AH). Al-Urwa al-Wathqi, Qom: Al-Nashr al-Islami Foundation affiliated with the Jama'at al-Mudrasin. (In Arabic)
- Tavakoli, MohammadJavad and Hossein Bahreini (2015). Common Taxes versus Religious Taxes in the Islamic Tax System, Tax Research Journal,

23(25). (In Persian)

The Encyclopedia of Islamic Jurisprudence on the Doctrine of the Prophet and Mahmoud Hashemi Shahroudi (2008). The Encyclopedia of Jurisprudence According to the Doctrine of the Prophet , Qom: The Encyclopedia of Islamic Jurisprudence on the Doctrine of the Prophet (PBUH). (In Persian)

The Investopedia Team (2023, June 12). Subsidies: Definition, How They Work, Pros and Cons, Reviewed by Gordon Scott, Fact checked by Suzanne Kvilhaug, investopedia, available at: <https://www.investopedia.com>

The Office of Cooperation between the Seminary and the University (1379). Fundamentals of Islamic Economics, Tehran: Samt,. (In Persian)

Turahi, Fakhr al-Din (1983). Majma' al-Bahrain, Ahmad al-Husseini's research, Tehran: Mortazavi. (In Arabic)

Tusi (Sheikh), Muhammad ibn Hassan (1387 AH). Al-Mabsut fi fiqh al-Imamiyah, authored by Muhammad Baqir Behbudi, Tehran: Al-Muktabat al-Murtazawiya l-lhya al-Athar al-Ja'fariyyah. (In Arabic)

<https://dictionary.cambridge.org/>

<https://www.healthcare.gov/>

<https://www.irs.gov/>

<https://www.usa.gov/>



Bi-quarterly Journal of "Islamic Economics Studies"
Vol. 15, No. 2, (Serial 30), Spring and Summer 2023

Research Article

doi: 10.30497/ies.2024.245961.2213



OPEN ACCESS

Received: 2024/04/07

Accepted: 2024/07/27

A comparative study of the integrated tax-support system and the method of taxation and support payments in Islam

Seyed Ahmad Ameli*

Iman Rafiei**

Abstract

The integrated tax-support system indicates a model of the tax system that is related to the support system and entails informational and operational synergy. Since the examination of the relationship between the integrated model and the Islamic model has its own dimensions and requirements, by comparing the characteristics of the integrated system with the various sources of Bait al-Mal in the beginning of Islam, only the "relative compatibility" of the integrated tax-support system with the total of taxation methods and support payments in Islam is seen; This means that for some methods, there is a complete adaptation of the characteristics, and for some other methods, only some components of the integrated system can be deduced from the Islamic tax system. The results of this research show that the integrated tax-support system has characteristics such as determining the threshold of tax debt, collecting taxes from the rich, the existence of tax exemptions conditional on income, paying subsidies to the needy and financing support programs through the taxes channel, which are part of the taxation methods of Zakat and Khums are in full compliance with them and the methods of kharaj, zakat of property, the other part of khums and jizya have confirmed some of those features and have no basis for opposing others. In the meantime, the financing of welfare programs from taxes is only a characteristic of the integrated system, which can be seen in the consumption of various resources of the Bait al-Mal.

Keywords: Tax, Assistance, Integrity, Islam.

JEL Classification: B59, H25, H53

* Assistant professor, Faculty of economics, Kharazmi University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

ameli@khu.ac.ir

0000-0003-3347-9735

** Corresponding author, PhD in Philosophy of Islamic Economics. Imam Khomeini Research Educational Institute, Qom, I.R.Iran.

i.rafiei.p@gmail.com

0009-0008-4380-6414



Bi-quarterly Journal of "Islamic Economics Studies"
Vol. 15, No. 2, (Serial 30), Spring and Summer 2023

Research Article

doi: 10.30497/ies.2024.244870.2175



Received: 2023/08/17

Accepted: 2024/02/28

Opportunities and threats of cryptocurrency exchanges with emphasis on resistance economy

Esmail Zaree Kosha*

Alireza Salimi**

Sayed AliReza Hosaini***

Abstract

The economic sanction against specific country like Iran causes to find a way to compensate its effect. But recommended solution should follow the country culture. One of them is using of cryptocurrency. Therefore, understanding the complexities and similarities of cryptocurrencies, to explaining the position of this emerging phenomenon, also provides the basis for using their capacities and opportunities. The study using "contextual theory" approach. The designed conceptual model and in order to achieve a deep understanding of the current situation, a number of experts and officials in the related fields of Islamic economy interviewed. The findings indicated that the financial and economic need Diversification of financial exchanges, elimination of deficiencies and the need to compensate needs are known as the most important environmental and social factors. According to the opinions presented, taking advantage of new capacities, creating a field for participation and developing activities based on Islamic economy, moving jurisprudence towards new issues, circumventing and defeating sanctions, helping to cultivate talents and capacities, eliminating the need for bank usury systems, paying attention to the aspect government jurisprudence, including rules like loss and waste, from the positive and unknown consequences of the rules and regulations of activity in the cryptocurrency market, religious concepts, the possibility of money laundering, creating a platform for international public supervision over the country's economic elements, neglecting the goals of the Islamic economy, unfair distribution of wealth, lack of Adherence to Shariah laws and regulations has been introduced as one of the negative consequences of using cryptocurrencies.

Keywords: Cryptocurrency, jurisprudence, Islamic economy, money, blockchain, financial exchanges.

* Ph.D student, Jurisprudence and Fundamentals of Law, Islamic Azad University, Mahalat Branch, I.R.Iran (Corresponding author).

Ekousha1979@gmail.com

0000-0003-6087-7541

** Assistant Professor, Jurisprudence and Fundamentals of Law, Faculty of Law, Islamic Azad University of Mahalat, I.R.Iran.

Alisalimi1351631@gmail.com

0009-0007-3928-4011

*** Assistant Professor, Jurisprudence and Fundamentals of Law, Faculty of Law, Islamic Azad University of Mahalat, I.R.Iran.

Sayed150@gmail.com

0000-0002-5130-9265



Bi-quarterly Journal of "Islamic Economics Studies"
Vol. 15, No. 2, (Serial 30), Spring and Summer 2023

Research Article

doi: 10.30497/ies.2024.246090.2218



OPEN ACCESS

Received: 2024/04/15

Accepted: 2024/07/20

Financial, Jurisprudential and Regulatory Feasibility of Implementing the Waqf-Charity Combined Investment Fund in the Capital Market of the Islamic Republic of Iran

Mohammad Tohidi*

Mohammad Nasri**

Amirhossein Shojaei Zarghani***

Abstract

One of the significant topics in the Islamic capital market is the design of Islamic financial instruments and institutions to finance charitable and public benefit projects. Waqf Fund is one of the non-profit Islamic financial institutions that has received special attention in Islamic countries. These funds play an important role in economic development, social welfare, and sustainable growth of countries. In Iran's capital market, despite the approval of the waqf fund by the Shariah Board of the Securities and Exchange Organization, it has not yet been implemented. The main problem of the current research is to provide an operational and applicable model for the endowment fund by combining it with the waqf fund in the capital market of Iran.

The current research is qualitative research that is applied from the point of view of the goal and descriptive-analytical from the point of view of data collection. In this research, first, a conceptual model for a combined waqf-charity investment fund is presented, and then, using a descriptive-analytical method, the possibility of implementation This type of fund is evaluated and analyzed from three financial, jurisprudential, and regulatory perspectives.

Keywords: Waqf fund, Charity fund, Waqf of stock, Waqf of money, Capital market.

JEL Classification: G23, P34, Z12

* Associate Professor, Department of Financial Management, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

tohidi@isu.ac.ir

0000-0002-1289-1256

** Ph.D. Student, Department of Financial Engineering, Islamic Azad University, Branch Center, Tehran, I.R.Iran.

Nasri@isu.ac.ir

0009-0005-5105-4492

*** Ph.D. Student, Department of Financial Engineering, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

a.shojaei@isu.ac.ir

0009-0001-5017-6608



Bi-quarterly Journal of "Islamic Economics Studies"
Vol. 15, No. 2, (Serial 30), Spring and Summer 2023

Research Article

doi: 10.30497/ies.2024.245991.2214



Received: 2024/04/08

Accepted: 2024/09/15

A comparative study of the economic school of Islam (from the perspective of Martyr Sadr) and capitalism (from the neoclassical and Marxist perspective) in the framework of four causes; Comprehensive in analysis, efficient in realization

Mohammad Rahimi*
Seyed Aqil Hoseiny**
Hosin Hasanzadeh Sarvestani***

Abstract

Presenting a complete picture of Islamic economics as a school in analysis and realization is one of the long-standing concerns of Muslim economists. In this presenting, we are bound to adapt to the prevailing economic system, so the first question in this matter is where is the main bottleneck in the comparative study between the two schools of Islamic economics and capitalist economics? In this research, by examining the governance system of these two schools, the basic dichotomy of "individual and social benefit" is relied upon and by focusing on this dichotomy, it is possible to analyze the comprehensiveness of these two schools. These original dualities should be expanded and detailed in an analytical framework to determine the analytical coordinates of those two schools. In particular, the framework of "four causes" is used and a comprehensive approach to individual and social benefit is observed from the perspective of each of the schools of Islamic economics and capitalism. In addition to the fact that the comprehensiveness of each school is examined in the analysis, the quality of their realization is also evaluated. In this way, to what extent each of the schools has been successful in responding to the real needs of the community, and from this point of view, the efficiency of each is evaluated. As a result of this research, it is proved that only Islam is able to present a school that is "comprehensive" in its analysis and has the necessary "efficiency" for the real leadership of society.

Keywords: Capitalist Economy, Economic School of Islam, Individual Benefits, Social Benefits, Four Causes.

JEL Classification: B10, B24, B50, Z12, A12

* M.A. in Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

moh.rahimi@isu.ac.ir

0009-0005-3901-7883

** Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Literature and Humanities, Yasouj University, Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad, I.R.Iran.

aqil.hoseiny@yu.ac.ir

0000-0001-8666-3208

*** Assistant Professor, Department of Finance, Faculty of Islamic Studies and Management, and Guiding Professor of Resistance Banking, Growth Center, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

h.hasanzadeh@isu.ac.ir

0000-0003-3241-7436



Bi-quarterly Journal of "Islamic Economics Studies"
Vol. 15, No. 2, (Serial 30), Spring and Summer 2023

Research Article

doi: 10.30497/ies.2024.245264.2195



OPEN ACCESS

Received: 2023/10/30

Accepted: 2024/03/09

Introducing Islamic Measure of Consumption Balance (Tawaazun) as an Alternative to Orthodox Indexes of Income Inequality and Investigating The Effect of Khums on It

Mohammad Mahdi Abdi*
Mohammad Solaimani**

Abstract

Measuring inequality and investigating the distributional consequences of policies is a main prerequisite for policy making in the area of inequality; furthermore, answer of this question that "Is a limit of inequality justifiable? If so, by what analysis and to what extent?" requires a theory of justice and an index that should be based on the society values. This research after criticizing theoretical foundations of conventional indexes of income inequality and presenting the Islamic definition of "Consumption Balance" (Tawaazun; the range between poverty and extravagance) as an alternative, introduce a measure which is in accordance with this definition: The proportion of poverty and extravagance to the consumption of society. Then we use this index for measuring unjustifiable inequality (consumption imbalance) of Iran's economy, and estimating the effect of Islamic tax (Khums) on it. Estimations express increasing trend of consumption balance in studied years and much more increase of it in case of khums execution.

Keywords: Index, Inequality, Balance, Khums, Poverty, Extravagance.

JEL Classification: P46, I32, H24, D63

* M.A. Student of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq (pbuh) University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

m.abdi@isu.ac.ir

0009-0009-9852-2889

** Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq (pbuh) University, Tehran, I.R.Iran.

solimani@isu.ac.ir

0000-0001-8310-2253



Bi-quarterly Journal of "Islamic Economics Studies"
Vol. 15, No. 2, (Serial 30), Spring and Summer 2023

Research Article

doi: 10.30497/ies.2024.244746.2167



OPEN ACCESS

Received: 2023/07/10

Accepted: 2024/01/09

Analyzing the Qualitative Criteria for Prioritizing Loan Applicants in Quranic Verses and Hadiths

Mohamad Sadegh Javdan*
Seyyed Mohammad Afghahi**
Ali Khoshniat Razgi***

Abstract

One of the requirements for the realization of the new Islamic civilization is the implementation of the Islamic economic system in the society. Considering the scope and wide application of "loan contract", one of the most important questions in the design of the Islamic economic system is the criteria for prioritizing loan applicants. The discovery of these criteria, in addition to helping to find a part of the Islamic economic system as one of the effective solutions in the field of improving the productivity of the economic system, will lead to a better use of Qarz Al-Hosna funds in the banking system of Iran and fair distribution at the level of society. The main issue of the current research is what are the effective criteria for prioritizing loan applicants from the perspective of Islam. In this study, by using the fundamental and theoretical approach and thematic consideration in the Quran and referring to the interpretations and providing tips to the experts, the search for the desired criteria of Islam in prioritizing loan applicants has been done. Finally, it was found that according to the position of Qarz al-Hasna in Islam, two groups of criteria related to the present problem can be reached. The first group as criteria related to the merit of the applicant including the necessity of the need, the reason for becoming in need and the way of spending funds, his social behavior and the motivation of the applicant in repaying the loan and the second group as the criteria corresponding to the real desirability of the lender including the social ratio of the applicant and the lender And also the credit risk of the applicant was identified.

Keywords: Prioritization of loan applicants, Income redistribution system, Qarz al-Hasna, Islamic economic system.

JEL Classification: Z12, D63, E26, G21

* Ph.D student, Department of Islamic Financial Economics, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadegh University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

javdan@isu.ac.ir

0009-0005-9225-6613

** Ph.D student, Department of Finance, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University, Tehran, I.R.Iran.

sm_afghahi@atu.ac.ir

0009-0001-8631-286X

*** Masters student, Department of Finance, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University (AS), Tehran, I.R.Iran.

khoshniat@isu.ac.ir

0009-0005-1381-2942



Jurisprudential analysis of Shariah risks in the Murabahah contract and how to manage it with a risk sharing approach

Mostafa Kazemi Najafabadi*

Abbas Yaghoobzadeh Mojarad**

Abstract

From the jurisprudential Akhbar about Murabaha, it is possible to maintain two types of Islamic risks, The risk of regret and the risk of property destruction, which are the conditions for the validity of the Murabaha contract, but especially with the spread of credit cards, it has been completely neglected. According to religious teachings in Islamic banking, accepting the risk of profit and loss is relevant and this risk should not be imposed solely on the financed party. On the other hand, it is not possible to transfer the risk of facilities and deposits in the banking system through insurance. In this research, an attempt has been made to firstly introduce and explain these two types of sharia risk with the method of Ijtihad, and in the second step, with the approach of risk sharing and appropriate institutionalization, suggestions for its management and reduction are presented. Management of regret risk through queue formation or market analysis is possible to some extent, especially in electronic banking. Regarding the risk of destruction, through institutionalization appropriate to the process of banking contracts, it is possible to provide the basis for its development in other high-risk contracts.

Keywords: Murabahah, Regret risk, Property destruction risk, Profit rule, Risk sharing.

JEL Classification: Z12, G24

* Doctor of specialization, assistant professor, academic board of the field research institute and university, Tehran, I.R.Iran.

mostafakazemi@rihu.ac.ir

0000-0003-2271-2714

** P.hD student of Islamic economics of the the Research Institute of Howzah and University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

yaghoobzadeh@rihu.ac.ir

0009-0005-0228-1066



Bi-quarterly Journal of "Islamic Economics Studies"
Vol. 15, No. 2, (Serial 30), Spring and Summer 2023

Research Article

doi: 10.30497/ies.2024.245994.2215



Received: 2024/03/10

Accepted: 2024/09/24

Jurisprudential review of forex market transactions

Mohammad Torabi*

Sadeq Elham**

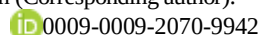
Abstract

Today, currency exchange plays an important role in the international community. One of the global financial markets where different currencies are placed against each other and the prices are determined by supply and demand is "Forex Market", which has new opportunities for investing in the currency market and has attracted the attention of Muslim and non-Muslim traders. With the introduction of forex trading in Iran, different views were raised by legal and religious institutions, which caused confusion about the market trend; Also, due to several reasons such as the suspicion of gambling transactions, the existence of fake transactions in the market and the lack of identity of brokerages, the granting of credit by brokerages and the creation of suspicions of usurious transactions due to the receipt of profits, the forced departure of capital from the country and damage to the economy, bans for this market. It was found that the precise and scientific identification and examination of those reasons can help policymakers in designing and controlling the currency market so that the economic stability and security of the country can be ensured; The purpose of the current research is to investigate the most important Shariah doubts related to this market, and in order to analyze the jurisprudential aspects of these transactions, the data and information required for the research have been collected using library tools, documents and with the benefit of written and oral sources. In the current research, by conducting research on the nature of the forex market and the doubts on it, it is evaluated in a descriptive, analytical method and citing jurisprudence propositions that at present, due to the conditions of the country and the failure of most traders in the forex market and the exit of currency from the country and damage to Economy, presence in the forex market has no legal justification.

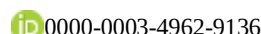
Keywords: Forex, Jurisprudential approach, Virtual transactions, Usury, Gambling.

JEL Classification: F31, D53, K33, G15

* M.A in Faculty of Theology, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).
Mohammad.th2791@gmail.com



** Assistant Professor of Faculty of Theology, Islamic Student and Guidance, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.
S.elhamisu.ac.ir





Bi-quarterly Journal of "Islamic Economics Studies"
Vol. 15, No. 2, (Serial 30), Spring and Summer 2023

Research Article

doi: 10.30497/ies.2024.243505.2119



OPEN ACCESS

Received: 2024/02/25

Accepted: 2024/05/11

Investigating The effect of resistance economy index on unemployment control in different provinces of Iran

Mohammad Ghaffaryfard*

Sayed Mortaza Kazimi**

Sayed Mohammad Hazeq***

Abstract

Unemployment is one of the problems of developing countries and addressing this problem requires proper and comprehensive planning. In view of the escalation of oppressive economic sanctions against Iran, the policies of the resistance economy to deal with economic and political shocks and shocks were put on the agenda. Considering the importance of resistance economics, the effect of resistance economic indicators on unemployment control in Iranian provinces was investigated using the generalized least squares econometric method of panel estimation. The results show that there is a significant relationship between unemployment rate with people-centered economy, knowledge-based economy, endogenous economy, justice-oriented and continuous progress as components of resistance economy in Iranian provinces. Thus, the endogenous of the economy and the knowledge base of the economy with a coefficient of 0.68 and 0.61 percent, respectively, have the greatest impact on reducing unemployment in the provinces of Iran. Therefore, it is necessary for economic and regional policymakers to reduce unemployment in the provinces of Iran, increase growth and technology centers, equip and upgrade skills centers, develop technology infrastructure, regional balance policies, empower low-income, reduce production tax rates. And put monetary and financial discipline on their agenda.

Keywords: Resistance Economy, Unemployment, Panel EGLS, Provinces of Iran.

JEL Classification: J18, E24, B23

* Associate professor of Department of Economics, Faculty of Economics and Management, Ahlul Bayt International University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

mghaffaryfard@abu.ac.ir

0000-0002-7285-18997

** Master of economics, Department of Economics, Faculty of Economics and Management, Ahlul Bayt International University, Tehran, I.R.Iran.

smkazimi25@gmail.com

0009-0001-6476-630x

*** Master of economics, Department of Economics, Faculty of Economics and Management, Ahlul Bayt International University, Tehran, I.R.Iran.

mohammad.hazeq5566@gmail.com

0009-0008-6369-8123



Bi-quarterly Journal of "Islamic Economics Studies"
Vol. 15, No. 2, (Serial 30), Spring and Summer 2023

Research Article

doi: 10.30497/ies.2024.245063.2185



Received: 2023/08/23

Accepted: 2024/01/09

Examining the General Policies of Article 44 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran from the Perspective of the Democratic Economy

Adel Paighami*

Hojatollah Abdolmaleki**

Hossein Eivazlu***

Mohammad Javad Sharifzadeh****

Reza Tanhaye Moqaddam Golsheikhi*****

Abstract

Economic democracy is considered as one of the main components of resistive economy. Among the general policies that have been announced so far, the general policies of Article 44 of the Constitution are most closely related to the democratization of the economy, and therefore its study is important from the perspective of the economic democracy. In this research, these policies have been studied from the perspective of economic democracy with a qualitative case study method. For this purpose, first a definition of economic democracy is presented, according to which the priority in democratization of the economy is that the supply of goods and services is done by the private sector and social economy, and the public sector is allowed to enter economic activity only if those two sectors has failed. Regardless of this prioritization, democratization of the economy is done in three axes of ownership, management and sharing and in two levels of macroeconomics and firms. Based on this concept of economic democracy, the general policies of Article 44 of the Constitution have serious shortcomings, and considering the implications of other principles of the Constitution for the democratization of the economy, it is suggested that general policies for the democratization of the economy be formulated.

Keywords: Economic Democracy, Constitution, General Policies of Article 44, Privatization.

JEL Classification: B55, H82, H11, P35

* Associated Professor in Economics. Faculty of Islamic Studies and Economics. Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

Paighmi@isu.ac

0000-0002-2548-9856

** Associated Professor in Economics. Faculty of Islamic Studies and Economics. Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

abdolmaleki@isu.ac.ir

0000-0003-4668-0657

*** Associated Professor in Economics. Faculty of Islamic Studies and Economics. Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

ayvazlou@isu.ac.ir

0000-0002-4147-4654

**** Associated Professor in Economics. Faculty of Islamic Studies and Economics. Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

sharifzadeh@isu.ac.ir

0000-0002-6952-182X

***** Associated Professor in Economics. Faculty of Islamic Studies and Economics. Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

tanhayi@isu.ac.ir

0000-0003-1302-6341



Bi-quarterly Journal of "Islamic Economics Studies"
Vol. 15, No. 2, (Serial 30), Spring and Summer 2023

Research Article

doi: 10.30497/ies.2024.246372.2223



OPEN ACCESS

Received: 2024/05/25

Accepted: 2024/08/24

Modeling Equity Base and Debt Base Contracts in Islamic Banking from The Perspective of Incomplete Contracts

Ali Mostafavisani*

Abstract

Contractual incompleteness is mainly due to the difficulty of describing all possible future contingencies in advance and "enforceability" condition. In the complex and uncertain economic environment, typically financial contracts are usually incomplete. The theory of incomplete contracts is more consistent with financial and economic contracts and has more power to analyze contractual relationships. Financing in Islamic banking is divided into two categories based on the type of contract, namely Equity based financing and Debt based financing. This article, analyze Islamic banking contracts with respect to incomplete contract theory. The results show that when contracts are incomplete allows for opportunistic behavior of entrepreneur and hold-up bank inside non valid credit contract. In this situation, some mechanisms needed for gap filling to prevent opportunistic behavior in incomplete contract. In Islamic banking contract Contingent renewal contract and Legal Partnership Contracts that help to balanced bargaining power between parties and can reduce problems caused by Contractual incompleteness.

Keywords: Islamic banking, Equity based financing, incomplete contract, principal-agent Model.

JEL Classification: G20, D80, D86

* Assistant Professor of Economics Department of Islamic Economics, Research Center of Islamic Studies in the Humanities Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, I.R.Iran.
mostafavisani@um.ac.ir



Bi-quarterly Journal of "Islamic Economics Studies"
Vol. 15, No. 2, (Serial 30), Spring and Summer 2023

Research Article

doi: 10.30497/ies.2024.244906.2176



OPEN ACCESS

Received: 2023/08/06

Accepted: 2024/03/16

Examining the Islamic fintech index and prioritizing the focus points to improve the position of Iran using the TOPSIS method

Mohammad Javad Fadaei*

Ali Javan Jafari**

Mustafa Sami Nasab***

Abstract

In today's world, economy and finance have always been a controversial topic. With the advancement of technology and changes in lifestyle, economy and financial affairs have also faced changes. The emergence of the fintech industry marked a tremendous change in banking and financial markets. The size of the global fintech market in 2022 has reached 133 billion dollars. In the meantime, the Islamic fintech index has been proposed as an important index in the financial and economic fields of Muslim countries. The purpose of this article is to examine the Islamic fintech index and provide solutions to improve Iran's position. For this purpose, the Islamic fintech index and its benefits have been examined first, and the methodology of this index has been examined. Then, the five main criteria on which countries are evaluated and ranked in this index were extracted and using the TOPSIS method, the priorities of Iran's focus for improvement in this index were calculated. Based on the findings of the research, the regulatory components and the creation of infrastructure with a significant difference are the two main focus points for the development of the Islamic fintech industry in Iran. Focusing on talents, investment development and market development and the Islamic fintech ecosystem were also placed in the next priorities respectively.

Keywords: Islamic finance, fintech, Islamic fintech, TOPSIS, Islamic Republic of Iran.

JEL Classification: G23, G21

* Master's degree, Faculty of Islamic Studies and Economics, Department of Political Economy, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

m.javad1419@gmail.com

0000-0003-4313-7296

** Master's degree, Faculty of Islamic Studies and Economics, Department of Political Economy, Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

alijavan@isu.ac.ir

0000-0002-6389-3180

*** Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Department of Political Economy, Imam Sadeq University, Tehran, I.R.Iran.

samiee@isu.ac.ir

0000-0003-1177-1823

Contents

- **Examining the Islamic fintech index and prioritizing the focus points to improve the position of Iran using the TOPSIS method** 347
Mohammad Javad Fadaei, Ali Javan Jafari and Mustafa Sami Nasab
- **Modeling Equity Base and Debt Base Contracts in Islamic Banking from The Perspective of Incomplete Contracts.....** 373
Ali Mostafavisani
- **Examining the General Policies of Article 44 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran from the Perspective of the Democratic Economy** 405
Adel Paighami, Hojatollah Abdolmaleki, Hossein Eivazlu, Mohammad Javad Sharifzadeh and Reza Tanhaye Moqaddam Golsheikhi
- **Investigating The effect of resistance economy index on unemployment control in different provinces of Iran** 433
Mohammad Ghaffaryfard, Sayed Mortaza Kazimi and Sayed Mohammad Hazeq
- **Jurisprudential review of forex market transactions** 467
Mohammad Torabi and Sadeq Elham
- **Jurisprudential analysis of Shariah risks in the Murabahah contract and how to manage it with a risk sharing approach** 497
Mostafa Kazemi Najafabadi and Abbas Yaghoobzadeh Mojarad
- **Analyzing the Qualitative Criteria for Prioritizing Loan Applicants in Quranic Verses and Hadiths** 525
Mohamad Sadegh Javdan, Seyyed Mohammad Afghahi and Ali Khoshniat Razgi
- **Introducing Islamic Measure of Consumption Balance (Tawaazun) as an Alternative to Orthodox Indexes of Income Inequality and Investigating The Effect of Khums on It** 559
Mohammad Mahdi Abdi and Mohammad Solaimani
- **A comparative study of the economic school of Islam (from the perspective of Martyr Sadr) and capitalism (from the neoclassical and Marxist perspective) in the framework of four causes; Comprehensive in analysis, efficient in realization** 597
Mohammad Rahimi, Seyed Aqil Hoseiny and Hosin Hasanzadeh Sarvestani
- **Financial, Jurisprudential and Regulatory Feasibility of Implementing the Waqf-Charity Combined Investment Fund in the Capital Market of the Islamic Republic of Iran** 631
Mohammad Tohidi, Mohammad Nasri and Amirhossein Shojaei Zarghani
- **Opportunities and threats of cryptocurrency exchanges with emphasis on resistance economy** 669
Esmail Zaree Kosha, Alireza Salimi and Sayed AliReza Hosaini
- **A comparative study of the integrated tax-support system and the method of taxation and support payments in Islam** 699
Sayed Ahmad Ameli and Iman Rafiei

In the Name of Allah the Compassionate the Merciful

30

Islamic Economics Studies

Bi-quarterly Journal of Islamic Economics Studies
Vol. 15, No. 2 (Serial 30), Spring and summer 2023

Publisher: Imam Sadiq University
Managing Director: Mohammad Hadi Zahedi Vafa
Editor in Chief: Mohammad Mahdi Askari
Editorial Board & Manager Assistant: Mohammad Ghaedamini

Editorial Board (In Alphabetical & Academic Rank Order):

Masoud Derakhshan
Professor (Expertise: Mathematical Economics & Optimization) Allameh Tabatabaei University

Karim Eslamluian
Professor (Expertise: International Economics) Shiraz University

Gholam Reza Mesbahi Moghaddam
Professor (Expertise: Economic Jurisprudence) Imam Sadiq University

Hosein Ali Sadi
Professor (Expertise: Economic Jurisprudence) Imam Sadiq University

Mohammad Mahdi Askari
Professor (Expertise: Mathematical Economics) Imam Sadiq University

Mohammad Ali Fallahi
Professor (Expertise: Economics) Ferdowsi University

Kazem Yavari
Professor (Expertise: International Economics & Development) Tarbiyat Modarres University

Abbas Arabmazar
Associate Professor (Expertise: Econometrics & Development) Shahid Beheshti University

Mohammad Hadi Zahedi Vafa
Associate Professor (Expertise: Economics) Imam Sadiq University

Hossein Eivazlou
Associate Professor (Expertise: Monetary Economics) Imam Sadiq University

Persian Editor, Voter: Reza Diba, Reza Abdollahi Bejandi

The Articles in this Publication do not Necessarily Reflect the Views of the University
The Quotes Are Only Full References

Address: Imam Sadiq University, Modiriat Bridge, Shahid Chamran Highway, Tehran, Iran
P.O. Box: 14655-159
Management of Technical and Printing: Deputy of Research and Technology,
Telfax: +9821-88094915
Management of Scientific & Editorial Affairs: Islamic Sciences & Economics Faculty,
Tel: +9821-88081404 Fax: +9821-88579988

Address of the Dedicated Journal System: <https://ies.isu.ac.ir>
Email(1): ies@isu.ac.ir Email(2): ies.sadiqjournals@gmail.com